**تعلیم و تربیت کودک**

Child guidance

**الن.جی.وایت**

E G White

مترجم: الف.خان زاده

رسته الهیات مسیحی Genre: Christian Theology

هرگونه چاپ و یا فتوکپی از این کتاب منوط به کسب مجوز رسمی می باشد

Copyright 2011 © 902121 187854 811162 581819 311

فهرست مطالب

بخش اول: خانه: مدرسه نخست

فصل 1 اهمیت مدرسه خانگی 9

فصل 2 املین آموزگاران 11

فصل 3 جه زمانی آموزش کودک را شروع کنیم 15

بخش دوم: شیوه های آموزشی و کتب درسی

فصل 4 روش های تعلیم 17

فصل 5 کتاب مقدس به عنوان کتاب درسی 24

فصل 6 کتاب طبیعت 26

فصل 7 دروس عملی از کتاب طبیعت 31

بخش سوم: معلمین باید به اندازه کافی آموزش دیده باشند

فصل 8 اقدامات مقدماتی لازم است 36

فصل 9 فراخوان برای تزکیه نفس(خود بهسازی) 41

بخش چهارم: مهم ترین درس اطاعت و فرمانبرداری است

فصل 10 کلید شادی و موفقیت 45

فصل 11 تعلیم و تربیت از دوران خردسالی طفولیت 47

فصل 12 اطاعت باید عادت بشود 49

بخش پنجم: دروس اساسی دیگر

فصل 13 خویشتن داری(کنترل نفس) 51

فصل 14 سکوت- احترام و تکریم 55

فصل 15 از املاک و دارایی باید مراقبت شود 58

فصل 16 اصول بهداشت 59

فصل 17 پاکیزگی 61

فصل 18 آراستگی و نظم و ترتیب 63

فصل 19 پاکدامنی 65

فصل 20 مفید بودن 68

فصل 21 حرفه و پیشه 70

فصل 22 پشتکار و مداومت 74

فصل 23 پرهیزگاری- تواضع- با فکر و ملاحظه بودن 75

فصل 24 اقتصاد و صرفه جویی 78

بخش هفتم: رشد ویژگی های مسیحی

فصل 25 سادگی 80

فصل 26 ادب و نزاکت 82

فصل 27 خوشی و سپاس 84

فصل 28 صداقت 86

فصل 29 راستی و درستی 88

فصل 30 خود اتکایی و حس عزت و احترام 90

بخش هشتم: بزگ ترین وظیفه: رشد شخصیت

فصل 31 اهمیت شخصیت و منش 92

فصل 32 شخصیت چگونه شکل می گیرد 94

فصل 33 مسئولیت پدر و مادر در شکل گیری شخصیت 97

فصل 34 راه هایی که شخصیت را تباه می کند 101

فصل 35 والدین چگونه می توانند شخصیت های قوی بنا کنند 107

بخش نهم: عناصر بنیادی بنای شخصیت

فصل 36 امتیاز سال های اولیه 111

فصل 37 نیروی غریضه و عادات 115

فصل 38 سن و خلق و خو و مزاج را مورد بررسی قرار دهید 118

فصل 39 اراده عاملی برای توفیق 121

فصل 40 اصول مسیحی را سرمشق قرار بدهید 125

بخش دهم: تربیت و اراده آن

فصل 41 اهداف تعلیم و تربیت 129

فصل 42 زمان آغاز تعلیم و تربیت 133

فصل 43 نظم و انظباط در خانه 135

فصل 44 تادیب و تربیت اصلاحی 142

فصل 45 محبت و ثبات عزم 152

بخش یازدهم: تربیت ناقص

فصل 46 اهریمن عشرت طلبی 159

فصل 47 تربیت سهل انگارانه و ثمره آن 162

فصل 48 واکنش کودک 164

فصل 49 رفتار وابستگان و خویشان 170

بخش دوازدهم: رشد قدرت های ذهنی

فصل 50 آموزش واقعی شامل چه چیزی است؟ 173

فصل 51 آمادگی برای مدرسه 177

فصل 52 انتخاب مدرسه 179

فصل 53 مسئولیت کلیسا 184

فصل 54 مشارکت معلمین و والدین 188

فصل 55 اتحاد در انظباط و تادیب و تربیت 191

فصل 56 آموزش آکادمیک و دانشگاهی 194

بخش سیزدهم: اهمیت عمده رشد جسمی

فصل 57 ورزش و سلامتی 200

فصل 58 آموزش برای زندگی عملی 203

فصل 59 آموزش حرفه مفید 210

فصل 60 علم اطاعت از قوانین زندگی 213

بخش چهاردهم: برقراری و ابقای توانایی جسمی

فصل 61 خانه دار در آشپزخانه 219

فصل 62 خوردن برای زنده ماندن 223

فصل 63 اعتدال در همه چیز 234

فصل 64 خانه و جهاد برای اعتدال 238

بخش پانزدهم: لباس مناسب

فصل 65 برکات لباس مناسب 244

فصل 66 آموزش اصول اساسی پوشش 248

بخش شانزدهم: حفظ اصول اخلاقی

فصل 67 قدرت مسحور کننده مد 256

فصل 68 شیوع و رواج چیز های جزئی تباه کننده 260

فصل 69 تاثیرات اعمال مضر 263

فصل 70 احتیاطات و مشاوره ها 266

فصل 71 مراقبت های والدین و کمک 271

فصل 72 نزاع برای اصلاحات 276

بخش هفدهم: بیدار کردن قدرت های روحانی

فصل 73 مسئولیت برای عاقبت بخیری 279

فصل 74 هر خانه ای کلیساست 285

فصل 75 هدایت بچه های کوچک به سوی مسیح 289

فصل 76 آمادگی برای عضویت در کلیسا 294

بخش هجدهم: ابقا و ادامه تجربه های روحانی

فصل 77 کتاب مقدس در خانه 301

فصل 78 قدرت دعا 308

فصل 79 سبت- روز شادی 315

فصل 80 احترام برای چیز هایی که مقدس است 322

فصل 81 هماهنگی و تشریک مساعی خانه و کلیسا 329

فصل 82 زمان بسر رسیده است 332

فصل 83 پاداش 335

**دیباچه**

دین برای انسان آمده است و نه انسان برای دین. دین یا مذهب است یعنی "راه" که به سعادت و رستگاری بشر ختم می شود. بیایید دست در دست هم داده و با مطالعه کتب بر دانش خود بفزائیم تا برای همه انسان ها مفید فایده باشیم. کسب دانش با آموزش آغاز می شود و اولین مدرسه خانه است و اولین شاگردان مدرسه کودکان هستند که باید برای این جهان و جهان آخرت تربیت شوند. بیایید کودکان خود را برای دوستی و محبت و خدمت به هم نوع تربیت کنیم و از همن امروز کار خود را شروع کنیم زیرا ممکن است که فردا دیر باشد. بیایید فرهنگ گفتگو و تساهل و دوستی را در جهان منتشر کنیم تا دنیای زیباتری برای زندگی داشته باشیم. بهتر است دیدگاه خود را نسبت به زندگی و جهان بهبود بخشیم و نسبت به یکدیگر بخشنده و مهربان باشیم زیرا که خدواند بخشنده و مهربان است.

مترجم

**خشت اول چون نهند معمار كج تا ثريا ميرود ديوار كج**

تربيت كودك مهم تر از غذاهاي لذيذ و لباسهاي رنگارنگ و اسباب بازي هاي گرانبها براي اوست. كودكان مديران آينده دنيا هستند. ابن سينا، زكرياي رازي، حافظ، سعدي، مولوي و فردوسي، آلبرت اينشتاين، توماس اديسون، دكتر محمود حسابي و هزاران دانشمند و فرهيخته همگي دوران كودكي را سپري كردند و نام خود را در قله افتخارات جهان ثبت نمودند. آري! كودكان امروز ما نيز روزي تاج افتخار والدين و جهان خواهند شد. كودكان نهال هاي كوچكي هستند كه به مراقبت و تربيت نيازمندند تا روزي تنومند گرديده و ميوه بياورند. پس بياييد تربيت كودكانمان را جدي بگيريم تا جامعه اي خوب و جهاني بهتر داشته باشيم. مترجم

**بخش ١**

**خانه : مدرسه نخست**

 **فصل اول**

 **اهميت مدرسه خانگي**

تعليم و تربيت در خانه شروع ميشود- تربيت كودك بايد از خانه شروع شود. خانه اولين مدرسه كودك است. والدين در مدرسه خانگي بعنوان مربيان و مرشداني هستند كه در سراسر زندگي كودك را هدايت ميكنند. كودكان دروس كرامت، فرمانبرداري كردن، احترام گذاردن و خويشتنداري يا كنترل نفس را مي آموزند. اثرات آموزشي در خانه منتج به خير يا شر مي شود. اين دروس در خانه در بسياري جهات غيرگفتاري و تدريجي هستند ولي چنانچه در جهت درست به كار برده شوند نيرويي بالقوه براي حقيقت جويي و عدالت طلبي خواهند گرديد. اگر كودك درست آموزش داده نشود شيطان از طريق عوامل خود او را تعليم خواهد داد. پس ميبينيم كه مدرسه خانگي چقدر اهميت دارد.

شالوده درست تربيت در خانه چيده ميشود- اين وظيفه والدين است تا فرزندان خود را از نظر جسمي و عقلي و روحي پرورش دهند. ايجاد شخصيت متعادل و متناسب بايد هدف هر پدر و مادري باشد. اين كار كوچك و بي اهميتي نيست – كاري كه فكر و دعاهاي بسياري مي طلبد و مستلزم شكيبايي و تلاش بي شائبه است. پي ريزي بايد درست صورت بگيرد. كه داراي چارچوبي مستحكم و استوار و پابرجاست و روز بروز كار بنا با تهذيب و بي نقص بايستي به پيش برود.

اگر هر چيزي را از كودك خود محروم مي سازيد ولي حق آموزش را به او بدهيد- والدين بخاطر داشته باشيد كه خانه شما مدرسه كارآموزي است كه فرزندانتان بايد در آنجا براي خانه آسماني آماده شوند. اجازه داشتن هر چيزي را به آنها ندهيد مگر آموزش، كه بايستي آن را در سال هاي ابتدايي استحصال نمايند. به آنها اجازه ندهيد تا كلمات پست و ركيك را بكار برند. به فرزندان خود بياموزيد كه مهربان و صبور باشند.

به آنها آموزش بدهيد كه بفكر ديگران هم باشند. از اين رو شما آنان را براي خدمات برتري در امور مذهبي و اجتماعي آماده مي سازيد. خانه بايستي مدرسه آماده سازي و كارآموزي باشد محلي كه كودكان و جوانان شايسته و درخور كار براي پروردگار باشند: آموزش مقدماتي براي پيوستن به مدرسه ملكوت خدا.

اين يك موضوع فرعي نيست- مگذاريد تا تعليم و تربيت خانگي بعنوان موضوعي فرعي تلقي شود. آموزش اولين مكان را در همه تعاليم درست به خود اختصاص مي دهد. پدران و مادران قالب ذهني فرزندان خود را طراحي مي كنند. اين تمثيل سليمان چقدر تكان دهنده است: "نهال كه كج باشد درخت خميده رشد مي كند". اين ضرب المثل بايد براي تربيت كودكان بكار برده شود. روي اين سخن با والدين است. آيا بخاطر خواهيد سپرد كه آموزش فرزندانتان بعنوان ميثاق و وظيفه اي روحاني از دوران شباب بدست شما سپرده شده است؟ اين نهال هاي كوچك بايد با ملاطفت و دلسوزي تربيت شوند كه بتوانند در بوستان خداوند كاشته شوند. به هر منظورآموزش خانگي نبايد مورد غفلت و كوتاهي واقع گردد. آنانيكه از وظيفه روحاني خود سهل انگاري مي كنند در واقع از وظيفه روحاني خود كوتاهي مي ورزند.

حوزه عظيم آموزش خانگي- آموزش خانگي داراي مفهوم زيادي است. اين موضوع حدود وظائف وسيعي را در بر دارد. ابراهيم پدر وفادار ناميده شده بود.

در زمره چيزهايي كه ابراهيم را الگوي برجسته دينداري ساخته بود توجه و رعايت قاطعي بود كه براي احكام خدا در خانه مبذول ميداشت. او انجام امور و تكاليف مذهبي را در خانه رواج داده بود .

پروردگار كه تعليم و تربيت را به هر خانه اي واگذار كرده كسي است كه اثر اين تعليم را مي سنجد و مي فرمايد: "زيرا او را ميشناسم كه فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طريق خداوند را حفظ نمايند و عدالت و انصاف را بجا آورند".

خداوند به عبرانيان فرمان داد تا خواسته هايش را به فرزندان خود تعليم دهند و آنان را با تمام اموري كه خدا با امت خويش سر و كار دارد آشنا سازند. در آنجا خانه و مدرسه يكي بود. در عوض لب هاي يك غريبه اين قلبهاي رئوف پدر و مادر بود كه فرزندانشان را تعليم مي داد. انديشه هاي خداوند با همه وقايع زندگي روزانه در خانه مرتبط بود. داستان حقيقي كارهاي عظيم خدا از رهايي و رستگاري امت خويش با لحني شيوا و دلنشين و با تكريم فراوان تعريف ميشد. حقيقت عظيم مشيت الهي و حيات اخروي بر ذهن جوان نقش مي بست. و كودكان و نوجوانان با راستي و نيكوئي و زيبايي مانوس مي شدند. با استفاده از شكل ها و سمبل ها دروس ارائه شده مصور مي شدند و بدين گونه محكم تر و بهتر در حافظه نقش مي بستند. از طريق اين تصويرهاي خيالي زنده، كودك از مرحله طفوليت به مرحله رازگونه حكمت ميرسيد آنچه كه اميد و آمال هاي پدرشان بود و در مسير انديشه و حس و انتظاراتي سوق داده مي شد كه فراتر از چيزهاي فاني و زودگذر بود كه همانا ناديده ها و ابديت بود.

مقدمات و آماده سازي براي مدرسه روزانه- كار والدين بر كار معلم تقدم دارد. آنان تعليم كلاس اول1 مدرسه خانگي را به عهده خواهند داشت. اگر آنان وظيفه خود را با دقت و دعا انجام دهند آن وقت كودكان خويش را براي ورود به كلاس دوم آماده خواهند كرد تا تربيت و تعليم را از آن پس، از معلم خود فرا گيرند.

اسلوب شخصيت- در واقع خانه ميتواند مدرسه اي باشد كه كودكان شخصيت خود را در آنجا شكل دهند .

تعليم و تربيت در خانه اي در ناصره2- عيسي تعليم خود را از خانه كسب نمود. مادر او اولين معلم بشري او بود. او از لبان مادر و از طومار هاي انبياء مطالب آسماني را مي آموخت. او در خانه اي روستايي زندگي ميكرد و با ايمان و مسرت سهم خود را در به دوش گرفتن مسئوليتهاي خانگي ادا مي نمود. آن سرور ملكوتي خادمي فرمانبردار و فرزندي محبوب و مطيع بود. او حرفه اي آموخت و با دستان خويش در كارگاه نجاري يوسف كار ميكرد.

**فصل دوم**

**اولين آموزگاران**

درس معلم ار بود زمزمه محبتي جمعه به مكتب آورد طفل گريز پاي را

والدين بايد مسئوليت خويش را بدانند- پدران و مادران بايد اولين آموزگاران فرزندان خويش باشند. پدران و مادران بايد مسئوليت خويش را بدانند. دنيا مملو از تله هاي گوناگوني است كه در جلوي پاهاي جوانان گذارده شده است. مردم تمايل دارند تا خودسرانه زندگي كنند و جذب لذات نفساني شوند. آنان قابليت تشخيص خطرات پنهان يا راه هايي كه به چيزهاي مهلك ختم مي شود را ندارند. به نظر آنان اين راه ها به خوشحالي و شادماني منجر ميشود. آنان بواسطه افراط در شكمبارگي و هواي نفس انرژي خود را تلف مي كنند و ميليونها نفر دنيا و آخرت خود را به تباهي مي كشانند. والدين بايد بياد بياورند كه فرزندانشان با اين وسوسه ها مواجه خواهند گرديد. حتي قبل از تولد كودك ، تمهيدات بايد آغاز شود تا آنان را قادر سازد كه بر ضد شرير به پيروزي نائل شوند .

در اين وحله فراتر از حمكت بشري نياز است و والدين بايد بدانند كه به نحو احسن بايد فرزندان خويش را تعليم دهند تا در اين زندگي كار آمد و شاد باشند و براي خدمات عالي و خوشي عظيمتري در آينده آماده شوند .

تربيت كودك مهمترين بخش از برنامه خداست- تربيت كودكان مهم ترين بخش از برنامه خدا را تشكيل مي دهند و اين برنامه قدرت مسيحيت را نشان مي دهد. مسئوليت جدي بر عهده والدين است. والدين بايد فرزندان خويش را تربيت نمايند تا وقتي كه وارد جامعه شدند با كسانيكه در ارتباط قرار مي گيرند خيريت و نيكي كنند نه اينكه به كارهاي بد مبادرت ورزند. والدين نبايد كار تربيت فرزندان را سبك شمرده و نبايد نسبت به هر چيزي كوتاهي و غفلت ورزند. آنان بايستي زمان بيشتري را به مطالعه قوانين كنترل كننده وجود و هستي اختصاص دهند. والدين بايد به هوش بوده تا فرزندانشان رفتاري شايسته داشته و از نظر جسمي و ذهني سالم و تندرست باشند .

متاسفانه خيلي از مدعيان پيروي از مسيح از وظايف خانه كوتاهي مي كنند. آنان به اهميت تعهد و مسئوليت مقدسي كه خداوند براي شكل دادن شخصيت فرزندانشان در دستان ايشان واگذار نموده واقف نيستند. با شكل پذيري صحيح شخصيت ، فرزندان بنيه معنوي خواهند داشت تا در برابر وسوسه ها و دام هايي كه در جلوي پايشان قرار ميگيرد مقابله كنند.

همكاري با خدا الزامي است- مسيح از پدر نخواست تا حواريون خود را از دنيا خارج كند بلكه آنان را از وسوسه هاي شرير در جهان محافظت كند و آنان را از تسليم شدن در مقابل وسوسه ها مراقبت كند. پدران و مادران بايد براي اين موضوع براي فرزندانشان دعا كنند. ولي آيا آنان بايد از خدا درخواست كنند و يا اينكه فرزندان خود را رها كرده تا هر چه كه آنان را خشنود ميسازد انجام دهند؟ چنانچه والدين با خداوند همكاري نكنند او نميتواند فرزندان را از شرير دور نگه دارد. والدين بايد با دليري و شادماني كار خود را در دست گيرند و آن را با بردباري و خستگي ناپذيري ادامه دهند. اگر والدين احساس كنند كه هيچ وقت از مسئوليت تربيت و تعليم كودكان خويش براي خدا فارغ نيستند- اگر آنان كار خود را با ايمان انجام دهند و با دعاهاي مشتاقانه با خدا همكاري كنند آنوقت موفق خواهند شد تا فرزندان خود را نزد منجي بياورند.

چگونه يك زوج ميتوانند با مسئوليتهاي خويش آشنا شوند- فرشته اي از آسمان نازل شد. زكريا و اليصابات را راهنمايي كرد كه چگونه فرزند خويش را تعليم و تربيت كنند. آموزش آنان می بايست با كار خدا در توازن و هماهنگي بوده و پيام آور آمدن مسيح باشد. زكريا و همسرش بعنوان والدين با ايمان با خدا همكاري نمودند. آنان شخصيت يحيي را شكل دادند تا براي ايفاي كاري كه خدا به او محول نموده بود شايسته و مناسب باشد.

يحيي پسر دوران كهنسالي آنان بود. او فرزند معجزه بود و والدين او فهميده بودند كه او ميبايست كار خاصي را براي خدا انجام بدهد و خدا از او مراقبت خواهد نمود. آنان به منطقه اي ييلاقي براي زمان كهنسالي خود نقل مكان نمودند جايي كه پسرشان در وسوسه هاي زندگي شهري نيفتد و سهم خويش را در رشد شخصيت كودك ايفا نموده و مقدسانه وظيفه خود را انجام دادند .

كودكان را بعنوان امانت در نظر بگيريد- والدين بايد طوري كودكان خود را در نظر بگيرند كه گويي براي آمادگي به منظور پيوستن به خانواده اي آسماني از طرف خدا به آنان به امانت سپرده شده اند. آنان را با ترس و با عشق الهي تربيت كنيد زيرا كه " ترس از خدا آغاز حكمت است". آنانيكه به خدا وفادارند در خانه خود نماينده او هستند. آنان مراقب تربيت فرزندانشان هستند و اين كار را كاري روحاني تلقي ميكنند كه به آنان از سوي باريتعالي بامانت سپرده شده است .

والدين بايد بعنوان معلمان مسيحي صلاحيت يابند- كار والدين كه بسيار زياد است بطور شگرفي مورد غفلت قرار گرفته است. والدين بايد از چرت زدن روحاني برخيزند و بايد درك كنند كه اولين دروسي را كه كودك فرا مي گيرد از طرف آنهاست. شمائيد كه به فرزندان خود مي آموزيد كه مسيح كيست. شما بايد اين كار را قبل از اينكه شيطان بذر هاي خويش را در قلب كوچك آنان بكارد انجام بدهيد. مسيح كودكان را فرا ميخواند و آنان بايد به كوشش در كار و نظم و ترتيب عادت داده شوند. مسيح خواهان آن است تا آنان انضباط را فرا گيرند. گناه در كنار درب والدين خوابيده است مگر اينكه آنان كار را بدست گيرند و شايستگي اين را بيابند تا يك معلم خردمند مطمئن و مسيحي واقعي باشند.

اتحاد در بين والدين ضروري است- زن و شوهر بايد در كار مدسه خانگي بطور نزديكي وحدت عمل و فكر داشته باشند. آنان بايد حساس و بسيار مراقب گفتارشان باشند مبادا اينكه درب وسوسه را باز كنند كه از آن طريق شيطان وارد شده و پيروزي پس از پيروزي كسب خواهد كرد. آنان بايد با يكديگر مودب و مهربان باشند و بطريقي عمل نمايند كه بتوانند يكديگر را احترام بگذارند. هركدام بايد ديگري را دستياري كنند تا اينكه فضايي دلپذير و خوشايند در خانه بوجود آورد. آنان نبايد در مقابل فرزندانشان متفاوت و بي تفاوت باشند. وقار و شان مسيحي بايد حفظ شود .

آموزگار مخصوصي براي هر فرزند در نظر شده است- مادر بايد همواره در مقام عالي مرتبه در كار آموزش كودكان قرار گيرد. در حاليكه كار سنگين و وظايف مهم بر دوش پدر است مادر بايد در تماس دايم با كودكان خود باشد مخصوصا در خلال دوراني كه كودكان لطيف و نازك دل هستند. مادر بايد آموزشيار ويژه و همنشين آنان باشد .

عرصه تعليم و تربيت وسيعتر از يك آموزش ساده است- والدين بايد درس فرمانبرداري مطلق از نداي حق را فرا بگيرند كه از طريق كلام به آنان گفته ميشود و هنگامي كه اين درس را فرا ميگيرند ميتوانند به فرزندان خود احترام گزاري و اطاعت در گفتار و كردار را ياد دهند. اين كاري است كه بايد در خانه ادامه يابد. اين تعليم و تربيت فراتر از يك آموزش ساده است.

كار بي نظم و ترتيب پذيرفتني نيست- كار بي نظم و ترتيب در خانه از جلوي ديد قضاوت عبور نخواهد كرد. ايمان و اعمال هر دو بايد توسط والدين مسيحي عجين گردند. همان گونه كه ابراهيم به اهل بيت خود دستور داد تا او را پيروي كنند از اينرو والدين بايد حكم كنند تا اهل خانه از آنان تبعيت كنند. استاندارد و معياري را كه هر پدر و مادري بايد بر آن قائم باشد چنين است: "آنان بايد طريق خدا را رعايت كنند". هر راه ديگري به شهر خدا ختم نميشود بلكه به راه هاي ويراني و تباهي ميرسد .

والدين بايد كار خود را مرور كنند- والدين بايد در كار تعليم و تربيت و آموزش فرزندان خود نظر بيندازند و توجه كنند كه آيا با اميد و ايمان تمام وظيفه خود را انجام داده اند كه اين كودكان بتوانند در اوج شادي در روز عيسي مسيح باشند؟ آيا آنان براي سعادت و شادكامي فرزندانشان زحمت كشيده اندكه عيسي بتواند از آسمان به پائين نگاه كند و با هديه روح خود تلاش آنان را تقديس كند؟ والدين! اين وظيفه شماست تا فرزندان خود را براي مفيد بودن در حد اعلي در اين زندگي آماده نماييد و در آخرين جلالي كه خواهد آمد مشاركت داشته باشيد.

**فصل سوم**

**چه زماني آموزش كودك را شروع كنيم**

تربيت از طفوليت آغاز ميشود- مفهوم تعليم و تربيت بيش از درسي است كه در يك آموزشگاه ارائه مي گردد. تعليم و تربيت هنگامي آغاز مي شود كه طفل در آغوش مادر قرار دارد. وقتي كه مادر در حال قالب ريزي و درست كردن شخصيت فرزندان است با اين كار در اصل فرزندان را آموزش داده و تربيت مي كند. والدين فرزندان خود را به مدرسه ميفرستند و با اينكار چنين ميپندارند كه باعث تربيت آنان شده اند. ولي تعليم و تربيت بيش از آن چيزي است كه آنان در خيال ميپرورانند: تربيت مشتمل بر كليه مراحلي است كه كودك از طفوليت تا كودكي و از كودكي به نوجواني و از جواني به بزرگسالي هدايت شده است. به محض اينكه يك كودك قادر شود تا ايده اي را شكل دهد آموزش او بايد شروع شود .

آموزش را وقتي شروع كنيد كه ذهن در اوج تاثير پذيري است- كار آموزش و پرورش بايد از طفوليت يك كودك آغاز شود زيرا ذهن در اوج تاثير پذيري است و هر درسي كه به او داده شود را بخاطر ميسپارد. كودكان بايد بطور بالقوه در مدرسه خانه از هنگامي كه در گهواره اند تا زماني كه به بلوغ فكري ميرسند آموزش داده شوند. و بالاخص مادر بعنوان مدير مدرسه خانگي مانند هر مدرسه منظمي كه معلمان خود نيز به دانش مهمي دست مي يابند بايد ارزشمند ترين دروس را براي زندگي خود فرا گيرند. والدين مكلف هستند تا كلام درست را بر زبان برانند. والدين بايد روز به روز دروس مسيحي را از آن كسيكه آنان را دوست ميدارد فرا بگيرند. سپس داستان محبت لايزال خدا در مدرسه خانه تكرار خواهد شد تا گله را آرامي بخشد . از اين رو قبل از اينكه قوه عقل و استدلال كاملا رشد كند كودكان بايد روحيه درست را از والدين خود كسب كنند .

آموزش ابتدايي الزامي است- آموزش ابتدايي كودكان موضوعي است كه همه بايد با دقت آنرا مطالعه و مرور كنند. ما بايد آموزش فرزندان خود را بعنوان يك حرفه در نظر بگيريم زيرا كه رستگاري آنها عمدتا بستگي به آموزشي دارد كه به آنان در كودكي داده مي شود. والدين و سرپرست چنانچه مشتاق باشند تا فرزندانشان خالص شوند، بايد قلب و زندگي خود را سالم و پاك نگاه دارند. پدر و مادر بايستي خود را نيز تعليم داده و منضبط باشند. آنگاه بعنوان معلمان خانگي ميتوانيم كودكان خود را تربيت كنيم و آنان را براي ميراث ازلي مهيا سازيم.

كار تعليم و تربيت را درست شروع كنيد- كودكان شما اموال خدا هستند كه با هزينه اي گزاف خريداري شده اند. اي پدران و مادران بسيار نكته بين باشيد كه با فرزندان خود مسيحانه رفتار كنيد. جوانان بايد با دقت و حكت آموزش داده شوند چون عادات نادرست غالبا در طول زندگي به آنها چنگ مي اندازد و با آموزش درست بايد به آنان در باره خطرات عادات نادرست هشدار داده شود. اميد كه خداوند به ما كمك كند تا لزوم شروع درست را تشخيص دهيم.

اهميت تربيت اولين فرزند- اولين فرزند بايد با دقت بيشتري تربيت شود چون او فرزندان بعدي را آموزش خواهد داد. به عبارتي ديگر كودكان ديگر از او تاثير خواهند گرفت. كودكان بالنتيجه طوري بار مي آيند كه اطرافيان و محيط روي آنان تاثير مي گذارد. اگر آنان با افراد بي ادب و با ناهنجاري سر و كار داشته باشند، بي ادب و غير قابل تحمل بار مي آيند.

گياهان ، درسي عملي و آموزنده براي تربيت كودك- رشد تدريجي گياه از يك بذر درسي عملي براي آموزش كودك محسوب مي شود. "اول ساقه بالا مي آيد بعد خوشه درست مي شود و بعد از آن دانه كامل در خوشه ايجاد ميشود" (مرقس 28:4). آن كسي كه اين تمثيل را گفت اين دانه كوچك را آفريده و مشخصات لازم را به آن داده و قوانين طبيعت را وضع كرده است كه رشد آن را اداره مي كنند. و حقايقي كه توسط تمثيل ها تعليم داده شده اند واقعيات زندگي خود مسيح را متذكر گرديده اند. او مالك آسمان و پادشاه جلال ، طفلي در بيت لحم گرديد كه در زمان طفوليت درمانده بود و به مراقبت مادر نياز داشت او . در كودكي مانند يك كودك حرف ميزد و كردارش نيز كودكانه بود. او به والدين خود احترام ميگذاشت و در كمك به خواسته هاي آنان عمل مينمود. ولي از زماني كه بصيرت در اولين بار در ذهن او طلوع كرد او پيوسته در فيض و در شناخت معرفت رشد نمود .

**بخش ٢**

**شيوه هاي آموزش و كتب درسي**

**فصل چهارم**

**روش هاي تعليم**

والدين بايد در راس امور بوده و بر همه چيز تسلط داشته باشند- والدين كار خود را آنطور كه بايد و شايد انجام نميدهند... آيا والدين با تسلطي كه بر فرزندان خود دارند با حكمت و خردمندي فرزندان خويش را تربيت و نفس آنان را مهار ميكنند؟ نهال هاي خود را طوري تربيت كنيد تا به داربست محكم الهي تكيه كنند. تنها كافي نيست بگوييم كه اينكار را نكن و يا آن كار را بكن. با اين وضعيت آنان نسبت به حرفهاي شما بي تفاوت شده و خواسته هاي شما را به فراموشي ميسپارند و كودكان به آنچه كه فرمان مي دهيد كاملا بي اعتنايي مي كنند. شرايطي را ايجاد كنيد كه فرزندتان با كمال مسرت فرامين شما را اطاعت كنند. به اين نهال هاي تازه رسته بگوئيد تا شاخه هاي خود را به عيسي تكيه دهند ... به آنان تعليم بدهيد تا از خداوند بخواهند تا در مورد چيزهاي كوچك در زندگي كمكشان كند و اينكه براي وظايف كوچكي كه لازم است آنرا انجام دهند كاملا هشيار باشند و در خانه سودمند و مفيد باشند. اگر شماآنان را آموزش ندهيد كسي هست كه بخواهد آنان را آموزش بدهد و آن هم شيطان است كه به دنبال فرصتي مي گردد تا بذر علف هاي هرز را در قلب هاي آنان بكارد .

وظايف را با روح آرامش و قلبهايي مملو از محبت انجام دهيد - خواهرم آيا خداوند وظيفه و مسئوليت مادري را به تو محول ننموده است؟... شما بايد روشهاي درست و مهارتهاي لازم را بمنظور تعليم خردسالان خود بياموزيد تا اينكه راه خدا را پيشه كنند. شما بايستي دايما در پي فرهنگ متعالي فكر و جان باشيد تا بتوانيد آنرا وارد آموزش و تربيت فرزندان خود كنيد- كه آن را با روحي آرام و قلبي رئوف توام با آرزوهاي ناب در هم آميخته و محبت را در وجود آنان براي راستي و پاكدامني و قدوسيت پرورش دهيد. به عنوان يك فرزند فروتن خدا در مدرسه مسيح دايما در پي اين باشيد تا توانائي هاي خود را بهبود بخشيد. و اين كار را با اصول و الگويي مناسب در حد كمال در خانه انجام دهيد .

تاثير رفتار آرام و موقرانه - تعداد كمي هستند كه اثر يك رفتار معتدل و قاطع را حتي در مراقبت از يك طفل دريافته اند. يك مادر و يا پرستار كودك عصبي و ناشكيبا كودك را زود رنج و تند مزاج بار مي آورد در حاليكه با رفتار آرام ميتوان كج خلقي طفل را به آرامش تبديل نمود .

تئوري هايي كه تحت آزمايش قرار مي گيرند - مطالعه كتاب ها سودمند خواهد بود مگر اينكه ايده هاي حاصل شده در مراحل زندگي در بوته آزمايش قرار گيرند. و با اينحال پيشنهاد هاي بسيار پر ارزش ديگران نبايستي بدون اتخاذ تدبير و تشخيص مناسب پذيرفته شود. اين ايده ها نميتواند بطور همانند در شرايط محيطي توسط هر مادري پذيرفته شود زيرا خلق و خوي هر كودكي در يك خانواده ويژگي خاص به خود را دارد. بهتر است هر مادري با دقت تجربه هاي ديگران را مورد توجه قرار دهد و اختلاف ها را بين روش هاي ديگران و روش خود مقايسه نموده و بدقت روشهايي كه بعنوان يك ارزش واقعي پديدار ميشوند را مورد بررسي و آزمايش قرار دهد.

روش هايي كه در زمانهاي قديم بكار گرفته ميشد- از زمان هاي اوليه ايمان داران بني اسرائيل توجه زيادي را به موضوع آموزش اختصاص مي دادند. خداوند فرموده بود كه كودكان حتي از دوران طفوليت بايستي در خيريت و كبريايي او تعليم داده مي شدند مخصوصا همانطور كه آشكارا در فرامين او كه در تاريخ بني اسرائيل نشان داده شده بودند. پدران و مادران ملزم شده بودند تا فرزندانشان را از طريق سرود و دعا و دروس كلام مقدس هدايت كنند تا افق انديشه هاي آنان را گسترده سازند زيرا كه فرامين خدا بيانگر و متجلي كننده ذات اوست و هنگاميكه اصول و قوانين را با قلوب خويش دريافت نمايند تصوير خدا در دل و انديشه نقش ميبندد. در خانه و مدرسه بيشتر تعاليم شفاهي و گفتاري بودند با اين حال جوانان خواندن زبان عبري را فرا مي گرفتند و طومارهاي پوستي عهد عتيق براي مطالعه آنان باز مي شدند.

با عطوفت و مهرباني تعليم دهيد- دراين كار مخصوص، پدران و مادران بايد فرزندانشان را با عطوفت و مهرباني تعليم دهند. آنان بعنوان والدين كساني هستند كه بايد حدود را تعين نموده و حاكم و ناظر باشند و نه اينكه تحت نظر و تسلط فرزندان خود قرار بگيرند. والدين بايد تعليم دهند كه اطاعت از آنان الزامي است. روح بيقرار و نا آرام تمايل به شرارت و شيطنت دارد. ذهن فعال اگر با چيزهاي بهتري مشغول نشود به آنچه كه شيطان پيشنهاد كند توجه خواهد كرد. نياز فرزندان بايد با راهنمايي و هدايت در مسير ايمن قرار گيرد، از بدي به دور نگاهداشته شود و با مهرباني بر آنان مسلط شود و كارهاي خوب آنان مورد تاييد و تشويق قرار گيرد .

پدران و مادران ، شما كاري جدي در پيش رو داريد. رستگاري ابدي فرزندان شما بستگي به راهكارهاي شما دارد. چگونه با موفقيت فرزندان خود را آموزش خواهيد داد؟ با سرزنش و اوقات تلخي كار خوبي صورت نخواهد پذيرفت. طوري با فرزندان خود گفتگو كنيد كه گوئي به هوش و درايت آنان اطمينان داريد. با آنان با مهرباني و لطافت و بطور محبت آميز برخورد كنيد. به آنان بگوئيد كه خدا از آنان چه انتظاري دارد. به آنان بگوئيد كه خداوند از آنان ميخواهد تا تعليم و تربيت يابند تا با او همكاري كنند. وقتي شما به سهم خود عمل كنيد ميتوانيد به خداوند اعتماد كنيد كه او سهم خود را ايفا كند .

براي استدلال و مشاوره وقتي را اختصاص دهيد - هر مادري بايد زماني را براي مشاوره و گفتگو با فرزند خود بگذارد تا با دليل و برهان اشتباهات وي را گوشزد و برطرف سازد و با شكيبائي راه درست را به آنان تعليم دهد .

در روش آموزش و راهنمايي خود تنوع داشته باشيد- بزرگترين توجه بايستي بر روي تحصيلات نوجوانان معطوف گردد و تنوعي در روش راهنمايي و آموزش اتخاذ گردد تا توانهاي ذهني اصيل و عالي بكار بيفتد ... تعداد اندكي هستند كه ضروري ترين خواسته هاي ذهن را تشخيص داده و ميدانند كه چگونه عقل و هوش و افكار و احساسات نوجوان را رشد دهند.

اولين دروس را در بيرون از خانه به آنان بياموزيد - مادران بهتر است اجازه دهند تا خردسالان بيرون از خانه در هواي آزاد بازي كنند. بگذاريد تا به نغمه هاي پرندگان گوش كنند و محبت خدا را فرا گيرند همانطور كه در خلقت زيباي او آشكار شده است. فرزندان خود را با دروس ساده كتاب خلقت تعليم دهيد و همانطوري كه افكارشان بسط داده ميشود كتب درسي نيز ميتواند به آن اضافه شود و در ذهن آنان براي هميشه نقش ببندد. باغباني و گلكاري كار خوبي براي كودكان و نوجوانان است. اين كار آنان را مستقيما با طبيعت و ذات خدا پيوند ميدهد. و از اين كار سود خواهند برد و تا حد ممكن براي مدارس، باغهاي بزرگ گل و زمينهاي وسيع كشت و زرع كمك خواهد كرد .

آموزش و پرورش در اين قبيل محيطها مطابق با دستورالعملهايي است كه خدا براي هدايت جوانان ارائه نموده است ...

بالاخص براي يك كودك يا نوجوان عصبي كه حفظ كردن دروس را سخت و خسته كننده مي يابد اين كار بسيار ارزشمند است. مطالعه طبيعت براي نوجوان سلامت و شادماني ببار مي آورد و تاثير و حس بوجود آمده از ذهن وي پاك نميشود زيرا آنان با چيزهايي رابطه مي يابند كه دائما در مقابل چشمان آنان است .

داستانها را كوتاه و جالب تعريف كنيد- والدين بايد بطور كامل سهم خود را در آموزش ايفا كنند و سطر به سطر با كودكان پيش رفته و دروس را براي آنان مختصر و جالب نمايند. اگر والدين نه تنها با اصول و قواعد بلكه با نمونه و مثال كودكان خود را آموزش دهند آنگاه خداوند در كوشش آنان را همراهي نموده و آنانرا معلميني موثر و كارآمد خواهد ساخت.

ساده بگوييد و بارها بگوئيد- افرادي كه كودكان را راهنمايي ميكنند بايد از تذكرات و گفتار كسالت آور بپرهيزند. بيان كوتاه و اشاره مستقيم به موضوع تاثير مفرحي خواهد داشت. اگر مطالب براي گفتن زياد باشد آنرا به تعداد ولي كوتاه و مجمل بيان كنيد. كلامي كوتاه و جالب ولي گاه به گاه سودمند تر از اين خواهد بود تا همه مطالب را يكباره بيان كنيد. سخنرانيهاي طولاني مدت براي اذهان كوچك كودكان سنگين خواهد بود. صحبت كردن بيش از حد موجب بيزاري و انزجار آنان خواهد شد حتي اگر آموزش روحاني باشد. درست مثل پرخوري كه باعث سنگيني روي معده شده و اشتها را كم ميكند بهمان طور باعث بيزاري و بي ميلي از غذا ميشود. اذهان مردم ممكن است با سخنراني هاي مفرط اشباع شود و تمايل خود را از شنيدن از دست بدهند .

استقلال فكري را تشويق كنيد- در حاليكه كودكان و نوجوانان از دانشي كه معلمها و كتابها به آنان می آموزند بهره ميبرند به آنان اجازه بدهيد تا ياد بگيرند كه خود دروس را درك كنند و حقيقت را براي خودشان تشخيص بدهند. در حيني كه باغباني ميكنند از آنان بپرسيد كه با مراقبت از گياهان چه چيزي مي آموزند. وقتي به منظره اي از طبيعت نگاه ميكنند از آنان سوال كنيد كه چرا خدا زمينها و جنگلها را اينگونه شكل داده است. چرا همه آنان به رنگ قهوه اي تيره نيستند؟ وقتي گلها را جمع آوري ميكنند از آنان بخواهيد تا فكر كنند كه چرا خدا ما را از زيبايي باغ عدن محروم نمود. به آنان بياموزيد تا به قرائن و شواهدي كه در طبيعت آشكار كننده افكار خدا براي اذهان ماست توجه كنند زيرا كه همه اين گوناگوني هاي شگفت انگيز براي رفع نياز و خوشنودي ماست .

هدايت كننده فعاليتهاي كودكان باشيد- والدين نبايد احساس كنند كه منكوب كردن فعاليتهاي كودكانشان امري ضروري است ولي بايد درك كنند كه هدايت و آموزش آنان در مسيرهاي درست و مقتضي لازم است. اين فعاليتهاي هيجان انگيز مانند شاخه هاي درخت انگوري است كه اگر تربيت نشود به هر چيزي ميپيچد و پيچكهاي خود را بدون تكيه گاه رها ميكند يا به بته هاي ناپايدار محكم ميپيچد. اگر شاخه هاي مو درست مرتب نشوند انرژي خود را بي هدف هدر ميدهد. كودكان نيز همينطور هستند. فعاليتهاي آنان بايد در مسيرهاي درست هدايت شود. چيزهايي را به دستان و انديشه هاي آنان بدهيد تا موجب پيشرفت جسمي و فكري آنان شود .

در اوان كودكي به آنان مفيد بودن را ياد بدهيد- در اوان كودكي درس مثمر ثمر بودن بايد به كودك آموخته شود. به محض اينكه قوه استدلال به حد كفايت رشد نمود به كودك بايد وظايفي محول شود تا آن را در خانه انجام دهد. او بايستي تشويق شود تا سعي كند كه به پدر و مادر خود كمك كند- تشويق شود تا از خودخواهي پرهيز و بتواند خود را كنترل كند- تا خوشي و راحتي ديگران را بر خود مقدم بشمارد و بدنبال فرصتهايي باشد تا برادران و خواهران و همبازيهاي خود راكمك نموده و خوشحال كند و نسبت به بزرگسالان و بيماران و بي بضاعتان لطف و مرحمت داشته باشد. روح خدمت هر چه پر رونق تر در خانه شايع شود زندگي كودكان پر رونق تر رشد خواهد يافت. آنان خواهند آموخت كه خوشي در خدمت و از خود گذشتگي براي خيريت نسبت به ديگران بدست خواهد آمد .

والدين به كودكان خود كمك كنيد تا با ايمان به ايفاي وظايفي كه بعنوان اعضاي خانواده به عهده آنان سپرده شده اراده خداوند را بجاي آورند. اين كار به آنان تجربيات با ارزشي ميدهد . اين امر به آنان مي آموزد كه نبايد فكرشان را بر خود متمركز نموده و خود را اغنا و خشنود سازند. با شكيبايي آنان را آموزش دهيد تا سهم خود را در جمع خانواده ادا كنند.

شخصيت را با توجه به چيز هاي كوچك و اغلب پياپي بنا كنيد - والدين در پرورش فرزندان خود بايد دروسي را كه خدا در طبيعت بما نشان داده است مطالعه كنند. اگر بخواهيد يك گل رز يا گل زنبق پرورش بدهيد چگونه آنرا انجام خواهيد داد؟ از باغبان بپرسيد كه طي چه مراحلي شاخه ها و برگها را مرتب ميكند كه بدين زيبايي و آراستگي و دلربايي در مي آيند. او بشما خواهد گفت كه نه با روش خشن و نه با تلاش قهر آميز زيرا كه اين روش تنها باعث شكسته شدن اين شاخه هاي ظريف خواهد شد. تنها با توجهات اندك و پي در پي. او خاك را مرطوب نگاه ميدارد و مراقب است تا گياهان از بادهاي تند و خار و خسك و از آفتاب سوزان در امان بمانند و آنگاه خداوند سبب خواهد شد تا جوانه زده و در زيبايي شكوفا شوند. در برخورد با كودكان خود از روش باغبان تبعيت كنيد. با تماس ملايم و مراقبت محبت آميز شخصيت آنان را مطابق با ذات مسيح بنا كنيد .

به چيزهاي كوچك توجه كنيد- چه اشتباه بزرگي است كه در آموزش نوجوانان و كودكان از آنان طرفداري كنيم ، آنان را لوس كنيم و هر چه كه خواستند برايشان انجام دهيم. آنان خودخواه و ناكارآمد بار آمده و فاقد انرژي در انجام امور كوچك زندگي ميشوند. آنان تعليم داده نشده اند تا شخصيت قوي داشته باشند زيرا آنان وظايف روزانه را انجام نداده اند هر چقدر هم كه آن كار كوچك باشد به نفعشان است تا آنرا انجام دهند...

هيچكس براي كارهاي مهم و بزرگ شايسته و ذيصلاح نميشود مگر اينكه در اجراي وظايف كوچك وفادار و امين باشد. مراحلي هستند كه شخصيت را ميسازند و بدانوسيله جان آموخته ميشود تا انرژي و تلاش متناسب را براي وظيفه اي كه بايد انجام شود بكار برد.

فرزندان با استعداد به توجه بيشتري نياز دارند- ما بايد در ذهن فرزندانمان نقش ببنديم كه آنان نبايد هر جا كه خواستند بروند و بيايند و بپوشند و هركاري كه دلشان بخواهد بكنند. اگر داراي جاذبه هاي فردي و توانائيهاي طبيعي نادر هستند بايد توجه بيشتري به آموزش آنان معطوف بشود مبادا كه اين موهبت به لعنت مبدل شود .

از توجه غيرضروري و مجيز گوئي خودداري كنيد - به كودكان توجه كنيد ولي نه بيش از حد. به آنان بياموزيد كه خود را سرگرم كنند. آنان را در معرض نمايش مهمانان بعنوان اعجوبه بذله گو يا حكيم نگذاريد ولي آنان را در سادگي كودكي خودشان رها كنيد. دليل بزرگي كه چرا بسياري از كودكان گستاخ و بي ادب هستند اين است كه آنان بيش از حد مورد توجه و تمجيدهاي تكراري قرار گرفته اند. توجه داشته باشيد كه بطور ناروا و بي جهت آنان را سرزنش نكنيد و با تمجيد و تملق آنان را مستغرق نسازيد . شيطان تلاش ميكند تا سريعا تخم شرارت را در قلبهاي جوان آنان بكارد و شما نبايد در اين كار به او كمك كنيد.

براي كودكان خود كتاب بخوانيد- پدران و مادران! تمام تلاش خود را براي فراهم آوردن كتابها و انتشارات3 براي مطالعه آنان بكار بريد. براي كتاب خواندن براي فرزندانتان وقت بگذاريد. در خانه دور هم جمع شويد و هر عضوي از خانواده كنار هم جمع شده و كتاب بخوانيد. مخصوصا نوجواناني كه به خواندن رمان و كتاب داستانهاي بي ارزش خو گرفته اند از پيوستن به مطالعه شامگاهي خانواده بهره خواهند برد .

نگوييد بلكه آموزش دهيد - والدين متعهد به كار بزرگ تعليم و تربيت كودكان خويش براي آينده و حيات ابدي هستند. بنظر ميرسد كه بسياري از پدران و مادران فكر ميكنند كه اگر كودكان خود را بر اساس استاندارد و معيار دنيوي تغذيه كرده و لباس بپوشانند و مدرسه بگذارند پس آنان به وظيفه عمل كرده اند. والدين بيش از حد مشغول كار يا تفريح هستند تا اينكه فرزندان خود را تربيت كنند . آنان در جستجوي آموزش كودكان خود نيستند تا استعداد خود را صرف تمجيد منجي كنند. سليمان هرگز نگفت به فرزندان خود بگوئيد به هر راهي كه ميخواهند بروند. ولي گفت فرزندان خود را آموزش بدهيد .

خويشتنداري و پرهيزكاري را آموزش بدهيد - هيچ كاري بزرگتر از تعليم و تربيت مناسب براي كودكان و نوجوانان نيست و اين كار مستلزم توجه زياد و مهارت است. هيچ چيزي تاثير زگ ار تر از محيط اطراف ما در دوران جواني نيست. طبيعت بشر سه وجه دارد و تعليم ي كه توسط سليمان سفارش شده رشد صحيح جسمي و فكري و اخلاقي را شامل ميشود . براي اجراي درست اين كار والدين و معلمان بايد بدانند كه كودك و نوجوان چه راهي را بايد پيش گيرد. اين مسئله بيش از كتابها و تعاليمي است كه در مدرسه ارائه ميگردد. اين امر اعتدال و ميانه روي و محبت برادرانه و دينداري و اداي وظيفه نسبت به همسايه و خدا را در بر مي گيرد .

آموزش فرزندان بايد با اصولي متفاوت از تعليم حيوانات فاقد عقل و منطق انجام گيرد. حيوان طوري تربيت ميشود كه فقط با صاحب خود خو بگيرد. ولي كودك بايد طوري تربيت شود تا خود را كنترل كند. اراده بايد طوري تربيت شود كه به صداي عقل و وجدان گوش شنوا داشته و آنرا اطاعت كند. يك كودك هم ممكن است طوري تربيت شود كه اراده اي از خود نداشته باشد و هويت فردي و مستقل خود را از دست بدهد آنگونه كه معلم بخواهد. اينگونه تربيت نامعقول است و اثر آن فاجعه بار خواهد بود. كودكي كه اينگونه تربيت شود در ثبات و تصميم گيري ناكارآمد خواهد بود. به آنان آموخته نشده است تا به اصول عمل كنند و قوه استدلال آنان با تمرين و ممارست مستحكم نشده است. تا آنجا كه ممكن است به هر كودكي بايد آموزش داده شود تا اعتماد بنفس داشته باشد. با فراخواندن به عمل به استعدادهاي فكري او، خواهد آموخت كه در چه بخشي قوي و در چه بخشي كارآمد نيست. يك معلم خردمند توجه خاصي را براي بهبود و رشد خصيصه هاي ضعيف معطوف خواهد داشت تا اينكه كودك بتواند يك شخصيت خوب و متعادل را شكل بدهد .

**فصل پنجم**

**كتاب مقدس بعنوان كتاب درسي**

اولين كتاب درسي كودك - كتاب مقدس بايد اولين كتاب درسي براي كودكان باشد. از اين كتاب، والدين ميتوانند راهنمايي هاي حكيمانه اي را آموزش بدهند. كلام خدا بايد قوانين زندگي تلقي شود. از آن كتاب كودكان بايد ياد بگيرند كه خدا پدرشان است و از دروس زيباي كلام به درك ذات او نائل خواهند . شد از طريق جا افتادن اصول او ، آنان ياد خواهند گرفت تا با عدالت و انصاف رفتار كنند .

كتاب وعده ها، بركات و نكوهش - مادر بايد ذهن خود را با وعده ها و بركات كلام خدا تازه نگاه دارد و همچنين چيزهاي ممنوعه را بياد داشته باشد تا زماني كه فرزندانش كار بدي انجام دادند بتواند با كلام خدا او را سرزنش و ملامت كند و نشان بدهد كه چطور آنان روح خدا را محزون ميكنند. به آنان تعليم دهيد كه تاييد نظر و لبخندهاي عيسي بسيار ارزشمند تر از مجيز گوئيهاي متملقانه و چاپلوسانه است. آنان را هر روز با محبت و لطافت و اشتياق بسوي عيسي هدايت كنيد. نبايد اجازه دهيد كه هر چيزي سدي بين شما و اين كار بزرگ بشود.

مطالعه كتاب مقدس شخصيت ساز است - دروس كتاب مقدس بر روي شخصيت تاثير اخلاقي و مذهبي خواهند داشت چنانچه در زندگي اعمال شوند. تيموتائوس اين دروس را آموخت و به آن عمل نمود. يكي از حواريون بزرگ اغلب از او در باره تاريخ كلام ميپرسيد او. به حواري لزوم پرهيز و اجتناب از هر گونه شرارت را نشان داد و به او گفت كه بركات نصيب كسي خواهد شد كه صادق و وفادار است و به او نجابت ميبخشد. شرافت و مردانگي با شانس و اقبال نمي آيد. بوجود آمدن اين امر مهم در نتيجه مراحل قالب ريزي بناي شخصيت در اوان سالهاي جواني و ممارست حكم خدا در خانه است. خدا به تلاشهاي مومنانه كساني كه كودكانشان را براه راست هدايت ميكنند بركت خواهد داد.

محبت خدا مانند نغمه اي خوشايند است - كودكان در هر خانواده اي بايستي با تربيت و راهنمايي هاي پروردگار بزرگ شوند. اميال باطني شرارت آميز بايد كنترل شوند - خلق و خوي اهريمني بايد رام و مقهور گردد و كودكان طوري بايد آموزش داده شوند كه گويي جزو مايملك پروردگارند كه با خون ارزشمند او خريداري شده اند و آنان نميتوانند در عيش و بطالت زندگي كرده و به اراده خود و ايده هاي خود حركت كنند و همچنان جزو فرزندان خدا محسوب شوند. فرزندان بايد با مهرباني و شكيبايي هدايت شوند. والدين بايد محبت خدا را گوئي كه نغمه اي خوشايند در جمع خانواده است تعليم دهند. و كليسا نيز بايد مسئوليت تغذيه روحاني بره ها و گوسفندان4 را بعهده بگيرد .

داستانهاي كتاب مقدس به كودك كمرو و خجالتي اطمينان ميبخشد- تنها حس حضور خدا ميتواند ترس از بار زندگي را از كودك كمرو دور كند. بگذاريد تا او وعده خدا را در ذهن خود بسپارد: " فرشتگان خدا گرداگرد ترسندگان اوست و ايشانرا ميرهاند"(مزمور 7:34). بگذاريد داستانهاي شگفت انگيز اليشا را در شهر كوه بخواند و بين او و سپاه مسلح دشمن گروه فرشتگان توانا حلقه بزنند. بگذاريد بخواند كه پطرس محكوم شده به اعدام در زندان چگونه از نگهبانان مسلح و دربهاي بزرگ و دروازه هاي عظيم آهنين با دست بند و پابند بواسطه فرشته خدمتگزار خدا در كمال امنيت عبور كرد. بگذاريد بخواند كه پولس در صحنه عبور ازدريا در جمع سربازان و دريابانان در ميان امواج خروشان كه از تقلا و گرسنگي مفرط در راه محاكمه و اعدام اين كلام را با دليري و اميد بر زبان راند : " اكنون نيز شما را نصيحت ميكنم كه خاطر جمع باشيد زيرا كه هيچ ضرري بجان يكي از شما نخواهد رسيد مگر به كشتي. زيرا كه ديشب فرشته آن خدائيكه از آن او هستم و خدمت او را ميكنم بمن ظاهر شده گفت اي پولس ترسان مباش زيرا بايد تو در حضور قيصر حاضر شوي و اينك خدا همه همسفران ترا بتو بخشيده است... پس استدعاي من اين است كه غذا بخوريد كه عافيت براي شما خواهد بود زيرا كه موئي از سر هيچيك از شما نخواهد افتاد...و بعضي بر تختها و بعضي بر چيزهاي كشتي و همچنين همه بسلامتي بخشكي رسيدند (اعمال رسولان 22:27- 24؛ 34، 44). اين چيزها براي اين نوشته نشدند تا ما بخوانيم و شگفت زده شويم ولي آن ايماني كه خادم خداوند را در زمان قديم هدايت كرد در زمان ما نيز همچنان كار ميكند .

در ايمان قوي باشيد و فرزندان خود را تعليم دهيد كه همگي ما وابسته و محتاج به خدا هستيم. براي آنان داستان آن چهار كودك عبراني را بخوانيد و ذهن آنان را به درك نفوذ خوبي كه در زمان دانيال بكار برده شده بود تحت تاثير قرار بدهيد زيرا او از اصول با قاطعيت تبعيت نمود .

دروس كتاب مقدس را بطور ساده بيان كنيد- والدين بايد فرزندان خود را با كتاب مقدس تعليم دهند و كلام آن را طوري ساده بيان كنند كه بسادگي قابل فهم باشد. به فرزندان خود تعليم دهيد كه فرامين خدا بايد قانون زندگي آنها بشود. شرايط ممكن است آنها را از والدين و از خانه جدا سازد. اما دروس هدايت كه در كودكي و نوجواني به آنان داده شد براي تمامي دوران زندگيشان بركاتي خواهد بود .

**فصل ششم**

**كتاب طبيعت**

مرجع محكم و با ثبات هدايت- در كنار كتاب مقدس، طبيعت كتاب عظيم درسي خواهد بود. براي يك كودك كه هنوز قادر به آموختن از اوراق چاپي نيست و يا اينكه نميتواند به مدرسه برود طبيعت مرجعي پايدار از آموزش و شادي را عرضه ميدارد . قلبي كه هنوز با تماسهاي شرير سخت نشده است بسرعت ميتواند حضور خدا را تشخيص بدهد كه در همه مخلوقات جاري است. گوشهايي كه هنوز با غريو دنيا كم شنوا نشده است متوجه صدايي است كه از طريق كلام طبيعت سخن ميگويد. و بزرگترها كه دائما به يادآوري در باره امور روحاني ابدي نياز دارند تعليم در باره طبيعت به همان اندازه برايشان مايه خوشي و هدايت خواهد بود.

ازطبيعت بعنوان كتاب درسي در باغ عدن استفاده شد- تمام دنياي طبيعت طراحي شده است تا مفسر امور خدا باشد. براي آدم و حوا در خانه عدنيشان، طبيعت پر از دانش و مملو از راهنمايي هاي الهي خدا بود و . براي گوشهاي هشيار آنان آوائي از نداي حكمت بود. حكمتي كه از طبيعت با چشمها ميديدند وارد قلب ميشد زيرا در كار خلقت با او مشاركت داشتند.

كتاب طبيعت كه درسهاي زنده خود را در مقابلشان گسترده ساخته بود مرجعي فناناپذير از هدايت و خوشي را حاصل كرده بود. بر هر برگ از جنگل و برصخره كوهها بر ، هر ستاره درخشان بر ، زمين و آسمان و دريا نام خدا نوشته شده است. بوسيله مخلوقهاي متحرك و ساكن ، با برگ و گل و درخت و با هر موجود زنده از جانوران بزرگ دريايي و هر غباري در پرتو نور، ساكنين عدن سخن ميگفتند. جلال خدا در آسمان ها ، كهكشانهاي بيشمار در دگرگوني منظمشان " تعادل ابرها" (ايوب 16:37) رازهاي نور و صدا از روز و شب ، همگي موضوعات مطالعه بوسيله شاگردان اولين مدرسه زمين بودند.

دروس اضافه شده پس از سقوط در عدن - گرچه زمين بخاطر لعنت پژمرده شد ولي طبيعت همچنان كتاب درس انسان بود. و حال نميتوانست فقط معرف نيكوئي باشد زيرا شرير در هر كجايي حاضر بود و به هوا و دريا و زمين آسيب ميزد. جايي كه ذات خدا ، دانش خير بر آن نوشته شده بود حال ذات مخرب شيطان بر نيز آن نوشته شده است. از طبيعتي كه حال دانش خوب و بد در آن نوشته شده بشر بطور مستمر هشدارهايي را كه ناشي از گناه بود دريافت ميكرد .

طبيعت دروس كتاب مقدس را بتصوير ميكشد- بسياري از تصاوير طبيعت توسط نويسندگان كتاب مقدس بكار برده شده اند. و وقتي به پديده هاي دنياي طبيعت مينگريم قادر خواهيم شد تا تحت هدايت روح القدس بيشتر دروس كلام خدا را بفهميم.

در دنياي طبيعت خداوند كليدهايي را در دستان فرزندان خود گذاشته تا خزانه كلام وي را بگشايند. ناديده ها بوسيله ديده ها بتصوير كشيده شده اند. حكمت الهي، حقيقت جاوداني و فيض سرمدي با چيزهايي كه خداوند ساخته قابل فهم گرديدند.

كودكان بايد ترغيب شوند تا در طبيعت اشيايي را كه تعليمات كتاب مقدس را مصور ميسازند جستجو كنند و در كتاب مقدس چيزهايي را كه به طبيعت شباهت دارند رديابي كنند. والدين و فرزندان بايد در طبيعت و كلام مقدس هر شيئي كه معرف مسيح است را جستجو كنند و همچنين آن چيزهايي كه او براي شرح حقيقت بكار گرفته است را مرور كنند. بدين طريق ميتوانند از طريق درخت يا تاك، در زنبق سفيد يا در گل رز، در خورشيد يا در ستارگان به معرفت او نائل آيند (برگ درختان سبز در نظر هوشيار هر ورقش دفتري است معرفت كردگار- سعدي شيرازي). آنان ممكن است صداي او را در نغمه هاي پرندگان، در خش خش برگهاي درختان، در رعد و برق و در موسيقي دلنشين دريا بشنوند. و هر شيئ در طبيعت دروس پر ارزش خود را به آنان تكرار خواهد نمود. پس براي آنانيكه خود را با مسيح آشنا ميكنند زمين ديگر يك مكان خالي و باير نخواهد بود. اين مكان خانه پدرشان خواهد بود كه مملو از حضور اوست آنكسيكه زماني در ميانشان ساكن بود.

كتاب مقدس رازهاي طبيعت را تعبير ميكند- كودك هنگامي كه با طبيعت آشنا ميشود حيران خواهد شد. او نميتواند ولي كار نيروهاي خصم را تشخيص ميدهد. در اينجاست كه طبيعت به يك مترجم و مفسر نياز دارد. با نگاه كردن به طبيعت حتي حضور شيطان آشكار ميشود كه دروس ي غمناك را براي يادگيري در بر دارد. متی 28:13 ميگويد "اين كار دشمن است". زيرا كه شيطان طبيعت را نيز آلوده ساخته است. تنها با نوري كه از جلجتا ميتابد ميتوان تعليم درست طبيعت را خواند. از طريق داستان بيت لحم و صليب ميتوان ديد كه پيروزي بر شيطان خوب است و هر بركتي كه بسوي ما مي آيد هديه اي از رستگاري است.

جلجتا تپه اي بود كه عيسي مسيح در آنجا مصلوب شد .

خار و خسك در بوته ها نشانگر شرارت است كه ويراني و بدقوارگي است. در آواز پرندگان و شكوفايي درختان ، در باران و آفتاب ، در نسيم تابستان و لطافت شبنم، در ده ها هزار شيئ در طبيعت از جنگل بلوط تا شكوفايي بنفشه ملاحظه ميشود كه اين محبت است كه ترميم كننده است. و طبيعت همچنان با ما از خيريت خدا سخن ميگويد.

دروس در كلاس درس ايده آل - همانگونه كه ساكنين باغ عدن از اوراق طبيعت آموختند ، همانطور كه موسي دست خط خداوند را در كوه تشخيص داد و عيسي بر تپه هاي ناصره در كودكي از خداوند آموخت، همانطور نيز كودكان امروز ميتوانند از او بياموزند. ناديده ها بوسيله ديده ها بتصوير كشيده شده اند .

طبيعت دوستي را ترويج كنيد- مادر بايد زماني بيابد تا عشق به طبيعت و زيبايي هاي آنرا در خود و فرزندانش ترويج كند. بگذاريد او به شكوهي كه در آسمانها منتشر گرديده اشاره كند - به هزاران اشكال زيبايي كه زمين را آراسته است و سپس به فرزندان خود بگويد كه چه كسي همه اينها را آفريده است . آنگاه او ميتواند اذهان جوان آنانرا بسوي خالق هدايت كند تا در قلبهايشان براي بخشاينده همه بركات اشاره شده حرمت و تكريم و محبت قائل شوند. مراتع و تپه ها ، و طبيعت ميتواند كلاس درسي براي بچه هاي كوچك باشد. دروسي كه بر اذهان آنان نقش ميبندد زود فراموش نخواهد شد... والدين ميتوانند كارهاي زيادي كنند تا فرزندانشان را با تشويق به دوست داشتن چيزهاي موجود در طبيعت كه خدا به آنان ارزاني داشته است با خدا مرتبط شوند و دستهاي ارزاني كننده را تشخيص دهند. بنابراين زمين قلب آماده اي خواهد بود براي كشت دانه هاي گرانبهاي حقيقت كه در زمان موعد جوانه زده و محصول زيادي ببار خواهد آورد.

به پرندگان در سرودهاي پرستش بپيونديد- فرزندان كوچك بالاخص ميتوانند به طبيعت نزديك شوند. برغم اينكه آنان را اسير و در بند كنيد آنان را مانند بره آزاد بگذاريد تا در هواي تازه و زير نور خورشيد بازي كنند. به آنان درختچه ها و گلها و بوته هاي كوچك و درختان بلند را نشان دهيد و بگذاريد تا با شكلهاي ظريف و گوناگون و زيبا آشنا شوند. به آنان بياموزيد تا حكمت و محبت خدا را در خلقت هاي وي ببينند و وقتي كه قلبهايشان مملو از شادي و سپاس گرديد بگذاريد تا با پرندگان نغمه هاي پرستش را سر دهند.

كودكان و نوجوانان را آموزش دهيد تا كارهاي بزرگ خالق هنرمند را مورد توجه قرار دهند و از نعمتهاي جذاب طبيعت در بناي شخصيت خود تبعيت كنند. همانطور كه محبت خدا قلبهايشان را تسخير ميكند بگذاريد زيبايي قدوسيت را بزندگيشان بياورند. از اينرو توانايي خود را بكار برند تا ديگران را بركت داده و خداوند را تكريم نمايند .

از طبيعت به ذات خدا اشاره كنيد- كودكان به درسهايي نياز دارند تا مقاومت در برابر شرارت را در آنان رشد دهد. آنان را از طبيعت به سوي ذات خداوندي هدايت كنيد كه بدين طريق با خالق خود آشنا خواهند شد. چگونه ميتوانيم كودكان خود را به بهترين وجه تعليم دهم تا خدا را خدمت و او را تجليل كنند؟ اين سوال ذهن والدين را بخود مشغول خواهد داشت. چنانچه تمامي ملكوت خواهان خيريت نوع بشر است پس آيا نبايد بخاطر خيريت فرزندانمان بكوشيم؟

مطالعه طبيعت ذهن را قوي ميسازد- جلال خدا در كار هاي دست وي بنمايش در مي آيد. در اينجا رازهايي وجود دارد كه ذهن را بتكاپو خواهد انداخت. فكرهايي كه با خواندن داستانهاي تخيلي ببازي گرفته شده و تباه شده اند بهتر است داستانهاي آشكار و زنده طبيعت را بخواند و حقيقت را با كارهاي خداوند در اطراف طبيعت جستجو كند. همه ميتوانند موضوعي را براي مطالعه در يك برگ ساده درختي از جنگل بيابند - ساقه باريكي از علف كه زمين را با فرش مخملين سبز پوشانده - گياهان و گلها - درختان با شكوه جنگل - كوههاي مرتفع - صخره هاي گرانيت - اقيانوس بيقرار و نا آرام - جواهرات نوراني در آسمان كه شبها را زيبا ميكند - نور استهلاك ناپذير خورشيد - شكوه باوقار ماه - سرماي زمستان - گرماي تابستان - فصلهاي متغير در گردشي منظم و كنترل شده با قدرت لايزال – همه و همه موضوعاتي هستند كه تعمق در انديشه را براي گسترش فكر ميطلبند. چنانچه به جاي سبكسري و خوشگذراني اذهان خود را با راستي و حقيقت پر ميساختند آنگاه قلب آنان بطور خودكار با احترام براي خدا پر ميشد و خداي طبيعت را ميستودند .... تامل و مطالعه ذات خدا همانگونه كه در كارهاي خلقت وي آشكار شده است زمينه فكري را باز خواهد كرد كه ذهن را از فرومايگي و پستي و فريب خوردگي دور سازد. براي فهميدن كارهاي خدا و راههاي او تنها ميتوانيم در اين دنيا مطالعات خود را شروع كنيم و مطالعات ما در آن دنيا تا ابد ادامه خواهد يافت. خداوند براي بشر موضوعهاي فكري را فراهم آورده است كه هر بخشي از ذهن را به فعاليت وا ميدارد ما . ميتوانيم ذات خدا را در اوج آسمانها و در زير زمين مطالعه كنيم و از اينرو قلبهايمان سرشار از سپاسگزاري و شكرگزاري خواهد شد. هر تار عصبي و هر حس به محبت خدا در كارهاي شگفت انگيزش پاسخ خواهد داد.

طبيعت و كتاب مقدس كتاب درسي عيسي بودند- تحصيلات عيسي از مراجع آسماني حاصل شد – از كارهاي سودمند – از مطالعه كلام - از طبيعت و از تجربيات زندگي. كتب درسي خداوند پر از هدايت است و به همه كساني تعلق دارد كه دستهايي با اراده و چشم يان با بصيرت و قلبي فهيم دارند .

آشنايي صميمي و نزديك عيسي با كلام نشان ميدهد كه چطور سالهاي نوجواني او به مطالعه كلام خداوند اختصاص داده شده بود. و كارهاي عظيم خداوند همانند كتابخانه اي در برابر او گشوده شده بود. او كه همه چيز را آفريده بود دروسي را مرور كرد كه دستهاي وي زمين و آسمان و دريا را نگارش كرده بودند. جدا از راههاي غير مقدس دنيا او منابع دانش علمي را از طبيعت جمع آوري نمود. او زندگي گياهان و حيوانات و زندگي بشررا مطالعه نمود. از سالهاي اوليه زندگيش او يك هدف داشت : او زيست تا ديگران را بركت عطا فرمايد. براي اين منظور او مراجعي را از طبيعت يافت و . وقتي كه زندگي گياهان و جانوران را مطالعه كرد ايده هاي نو بذهنش خطور نمود .

هنگامي كه او در تلاش بود تا دلايل امور و پديده ها را درك نمايد بدينسان براي عيسي اهميت كلام و كارهاي خدا آشكار شده بود. موجودات آسماني (كروبيان) ملازمان او بودند و فرهنگ افكار مقدس باو تعلق داشت. از اولين طلوع بينش، او پيوسته در فيض روحاني و دانش حقيقت رشد كرد.

هر كودكي ميتواند علم بياموزد همانطور كه عيسي آموخت. وقتيكه سعي ميكنيم تا با افكار پدر آسماني خود از طريق كلام وي آشنا شويم فرشتگان نزديك ميشوند- افكار ما قوي تر خواهند شد- شخصيت ما رشد نموده و خالص خواهد گشت .

او از طبيعت براي تعاليم خود بهره گرفت - معلم بزرگ مخاطبين خود را در تماس با طبيعت آورد تا صدايي را كه با همه موجودات سخن ميگويد بشنوند و وقتي قلوب آنان نرم شد و افكار آنان پذيرا گرديد او به آنان كمك كرد تا تعاليم روحاني را تفسير كنند. حكايات و داستانهاي اخلاقي بطريقي بجهت تعليم دروس حقيقت بيانگر اين است كه چقدر او نسبت به تاثيرات طبيعت علاقه مند بود و چقدر او محظوظ بود تا تعليمات روحاني را پيرامون زندگي روزمره نتيجه گيري كند. او با حكايتهاي پرندگان آسمان - سوسنهاي مرغزار - برزگر و دانه - شبان و گوسفندان ، حقيقت ازلي را آشكار ساخت. او همچنين بواسطه رويدادهاي زندگي از تجارب واقعي كه شنوندگان با آن آشنا بودند استفاده كرد كه مشتمل بر: خمير مايه، گنجينه پنهان، مرواريد، تورماهيگيري، سكه گمشده، پسر اسرافكار ،خانه بنا شده بر صخره و ماسه بودند. در دروس او چيزهايي وجود داشت كه براي هر ذهني جذاب بود و هر قلبي را مي ربود. پس وظايف روزانه در عوض اينكه رنج و زحمت باشد و خالي از افكار متعالي باشد توسط تذكر دهندگان روحاني و ناديده ها پيوسته منور و متعالي ميگرديد. بگذاريد كودكان ياد بگيرند تا در طبيعت نگاه كنند تا تجلي محبت و حكمت خدا را ببينند - بگذاريد تا فكر او با پرنده و گل و درخت پيوند بخورد - بگذاريد همه چيزهاي ديدني برايشان تعبير چيزهاي ناديده بشود و همه رويدادهاي زندگي وسايلي براي تعليم الهي شود .

آموختن دروس خلقت و تجربيات زندگي نشان ميدهد كه همان قوانيني كه امور طبيعت و وقايع زندگي را اداره ميكند بايد تحت كنترل ما در آيند زيرا براي خيريت ما داده شده اند و تنها از طريق اطاعت است كه ميتوانيم به خوشي واقعي و موفقيت دست يابيم.

**فصل هفتم**

**دروس عملي از كتاب طبيعت**

صداي خدا از طريق مخلوقات او- به هر طرفي كه ميگرديم نداي خدا را ميشنويم و نظاره گر صنعت وي هستيم. از صداي غرش رعد و خروش بي وقفه اقيانوس تا صداي خوشاهنگ جنگل، همه طبيعت او را تمجيد مينمايند. از طريق زمين و دريا و آسمان با سايه رنگهاي شگفت انگيز و ملون كه با توازن همگن شده اند شاهد شكوه و جلال او هستيم. كوههاي استوار از قدرت او سخن ميگويند. درختان كه در زير نور خورشيد شاخه برگهاي خود را موج ميزنند و گلها با ظرافت و زيبايي خود همگي اشاره به خالق دارند. (برگ درختان سبز در نظر هوشيار هر ورقش دفتري است معرفت كردگار) سبزه هاي تر و تازه كه زمين قهوه اي را فرش ميكنند با كوچكي و حقارت خويش ميگويند كه خدا از مخلوقات خود نگهداري و محافظت ميكند. حفره هاي زير دريا و ژرفاي زمين خزاين او را آشكار ميكنند. او كه مرواريد را در اقيانوس قرار داد و ياقوت و زبرجد را در ميان صخره ها گذاشت عاشق زيبايي است. طلوع خورشيد در آسمان معرف اوست كه نور و حيات همه چيزهايي است كه آفريد. همه درخشش و جمالي كه زمين را زينت بخشيده و آسمانها را روشن ميكند از خدا سخن ميگويند. آيا ميتوانيم از عطايايي كه داريم لذت ببريم ولي بخشنده اين عطايا را فراموش كنيم؟ بگذاريد تا اين عطايا ما را سوق دهد تا در نيكويي ها و بركات و محبت او بينديشيم. بگذاريد همه زيبائيها در خانه زميني مان ما را به ياد رود زلال و مراتع سبز- درختان مرتفع و چشمه هاي جوشان آن شهر درخشان و سرودخوانان سفيدجامه در خانه آسماني بيندازند آن - دنياي زيبايي كه هيچ هنرمندي نميتواند آنرا به نقش بكشد و هيچ زبان فاني قادر به تشريح آن نيست. اول قرنتيان 9:2 چنين ميگويد: "چيزهايي كه هيچ انساني هرگز نديده نشنيده و به فكرش نيز خطور نكرده است".

ذات و محبت خداوند- مادران نبايد آنقدر خود را مشغول چيزهاي تصنعي كنند كه نتوانند براي آموزش فرزندان خود از كتاب بزرگ طبيعت خدا زمان بگذارند. ذهن هاي جوان آنان با زيبايي باز شدن شكوفه ها و گلها تحت تاثير قرار خواهد گرفت. درختان رفيع و پرندگان زيبا كه نغمه هاي شادي براي پروردگار خود سر ميدهند با ابراز احساسات خود از خوبي و رحمت و سخاوتمندي خدا ميگويند. با برگها و گلهاي رنگارنگ خوشبو به آنان تعليم دهيد كه خدا محبت است. همه چيزهايي كه در اين جهان خوب و دلپذير و زيبا هستند سخن از محبت پدر آسماني ما دارند. ذات خدا را ميتوان از خلقت او تشخيص داد.

كمال خدا- وقتي چيزهاي طبيعت قدرداني خود را به خدا با نشان دادن زيبايي در زمين به بهترين وجه نشان ميدهند در اصل كمال خدا را بنمايش ميگذارند. پس بشر بايد تمام تلاش خود را تا حد ممكن بنمايد تا كمال خدا را نشان دهد . بگذاريد تا خدا از طريق فرزندانتان به اهدافش كه همانا عدالت و رحمت و خيريت است برسد .

از آفريدگار و سبت - چه كسي بما آفتاب را ارزاني ميدارد كه باعث بارور شدن زمين ميشود؟ و چه كسي محصول را ارزاني ميدارد؟ چه كسي بما آسمان و خورشيد و ستارگان را بخشيده است؟ چه كسي بشما قوه عقل و استدلال بخشيده و چه كسي هر روزه نظاره گر و مراقب شماست؟ ... نگاه كردن به اين جهان و مخلوقات آن دستان تواناي خدا را خاطر نشان ميسازد كه همه چيز را بوجود آورد. سايبان آبي بالاي سر ما و فرش سبز زمين يادآور قدرت خدا و محبت او هستند. او ميتوانست علف را قهوه اي يا سياه خلق كند اما خدا دوستدار زيبايي است و بنابراين او بما چيزهاي زيبايي ارزاني داشته تا به آن نگاه كنيم و لذت ببريم. چه كسي ميتوانست گلها را چنين زيبا رنگ آميزي كند؟ هيچ كتاب درسي بهتر از طبيعت وجود ندارد. سوسنهاي مراتع را در نظر بگيريد...آنان زحمت و محنتي نكشيده اند: و هان بتو ميگويم كه حتي سليمان با تمام شكوه و جلالش مانند يكي از اينها آراسته نشد. بگذاريد اذهان فرزندانمان به خدا معطوف شود. براي اين است كه او بما هفت روز داده است و آنرا بعنوان يادبودي از خلقت خويش قرار داده است .

اطاعت از احكام - همان قدرتي كه طبيعت را حفظ ميكند در بشر نيز كار ميكند. همان قوانين عظيمي كه عينا ستارگان و اتم را هدايت ميكند زندگي بشر را نيز در سلطه و كنترل خود دارد. قوانيني كه فعاليتهاي قلب و گردش خون را در كنترل خود دارد و منظم كننده جريان زندگي در بدن ماست قوانين هوشمندي هستند كه بر جان تسلط دارند. بواسطه اوست كه زندگي ادامه مي يابد. تنها از طريق هماهنگي با او ميتوان حقيقت وي را شناخت. براي همه مخلوقات ،او شرايط مشابه حكمفرماست و آن اينكه زندگي از طريق خدا ابقا و اداره ميشود. و زندگي در هماهنگي با اراده خدا ادامه مي يابد. براي تخطي و سرپيچي از فرمان او- چه جسمي يا فكري ياو اخلاقي – فقط كافي است كه خود را خارج از هماهنگي با او قرار دهيم كه معادل خواهد بود با ناسازگاري و هرج و مرج و تباهي .

براي كسي كه مي آموزد و تعاليم او تعبير ميشود و همه اسرار طبيعت فاش ميگردد. جهان كتاب درسي است. و زندگي مدرسه ميباشد. با اتحاد بشر با طبيعت و خدا و وجود احكام جهان شمول، سرپيچي نميتواند با خدا هماهنگي داشته باشد و اين موضوع شخصيت را قالب ريزي خواهد نمود. اينها درسهايي هستند كه فرزندان ما لازم است تا آنرا فرا گيرند.

دروس ديگري از قوانين طبيعت - در زمين كشت شده، كارگر فهيم خواهد يافت كه گنجهايي كه روياي آنانرا ديده بود در مقابل ديدگان او گشوده ميشوند. هيچكس نميتواند در كشاورزي يا باغباني بدون توجه به قانون موفق شود. هرگونه گياهي نياز خاصي دارد كه بايد مورد مطالعه قرار گيرد. گونه هاي مختلف نيازمند به خاك و طريق كشت مختلف هستند و برآورده ساختن اين خواسته ها و قوانين مربوط به هر يك شرط موفقيت هستند. توجه به نشا كردن ضروري است كه هر ريشه اي نبايد بيش از هم منسجم يا جابجا شود. توجه به نهالهاي جوان ، هرس و آبياري ، محافظت در برابر يخزدگي در شب و نور دهي در روز ، بيرون كشيدن علف هاي هرز، آفت و بيماريهاي گياهان ، تربيت و آرايش ، نه تنها دروس مهمي را در رابطه با رشد شخصيت آموزش ميدهند بلكه كار كردن به تنهايي مفهومي از توفيق است. در كشت و ،زرع مراقبت – شكيبايي - توجه به چيزهاي جزيي – و اطاعت از قوانين همگي بيانگر ضرورت آموختن دانش است. از ما خواسته شده است تا براي يافتن جواب به امور غير قابل توضيح و رازگونه زندگي تماس مستمر داشته و طبيعت را دوست بداريم – براي مخلوقات زيباي خدا كاري انجام داده و دلسوز باشيم. اين چيزها به ذهن روح ميبخشد و شخصيت را تصفيه و متعال ميسازد و دروس آموخته شده كارگر را آماده ميسازد تا با ذهن ديگران با توفيق بيشتري سر و كار داشته باشند.

دروسي از كشت دانه- حكايت برزگر و دانه حاوي يك درس عميق روحاني است. دانه بيان كننده اصولي است كه در قلبها كاشته شده و شخصيت را رشد ميدهد. به اين تعليم عمل كنيد. كودكان ميتوانند خاك را آماده كنند و بذر را بكارند و همانطور كه مشغول بكارند والدين يا معلم ميتواند به آنها از باغ دل بگويند كه ميتوان در آن بذر خوب يا بد كاشت و همانطور كه باغ بايستي براي بذر طبيعي آماده شود بهمانگونه قلب نيز بايد براي بذر حقيقت آماده گردد. همانطور كه گياه رشد ميكند بايد ارتباط بين كشت طبيعي و روحاني به كودكان شرح داده شود. وقتي كه بذر در زمين قرار گرفت ميتوانند مرگ مسيح را تعليم دهند و وقتي كه ساقه از زمين بيرون آمد آنگاه حقيقت قيام از مرگ را تعليم دهند .

باغ دل نياز به كشت دارد- از كشت خاك ميتوان دايما دروسي آموخت. هيچ كس بر يك زمين بائر سكونت نميكند و چه انتظاري ميتوان از آن زمين داشت كه روزي محصول بدهد. بايد براي اماده ساختن زمين به سختي و مشقت كار و تلاش كرد تا خاك آماده كاشتن بذر شود و محصول پرورش يابد. كشت روحاني نيز بايد همينطور باشد. باغ قلب بايستي كشت شود. خاك دل با توبه بايستي شكافته شود و مسير زندگي اصلاح گردد. گياه هرز و شرير كه دانه را خفه ميكند بايستي از ريشه در آورده شود. وقتي كه خاك پر از خار و علف هرز شود ميتوان تنها با پشتكار آن را اصلاح نمود. پس تنها با تلاش زياد و با نام و قوت مسيح ميتوان بر تمايلات شرير انه غلبه كرد.

رشد بواسطه فيض - به فرزندانتان در مورد قدرت معجزه خدا بگوييد. همانطور كه آنان كتاب عظيم طبيعت را مطالعه ميكنند خداوند ذهنهاي آنان را تحت تاثير خود قرار ميدهد. مزرعه دار زمين خود را شخم ميزند و بذر خود را ميكارد ولي نميتواند باعث رشد بذر شود. او بايد توكل بخدا داشته باشد زيرا كه هيچ قدرت بشري قادر به روياندن نيست. خداوند قوت مورد نياز را در بذر قرار ميدهد و سبب ميشود تا با جوانه زدن زندگي را آغاز كند. تحت توجه او منشاء حيات، پوسته سخت دانه را ميشكافد و جوانه رشد كرده تا ثمره دهد. اول ساقه نمايان ميشود بعد دو كفه بذر باز ميشد و سپس برشد خود ادامه ميدهد. وقتي كه بكودكان ازكاري كه خدا براي بذر ميكند گفته شد آنان راز رشد را بواسطه فيض فرا ميگيرند .

ترقي بالاتر از شرايط محيطي - در آمريكا گل سوسن سفيد وجود دارد. اين سوسنهاي زيبا كامل و بدون عيب و بدون يك ذره نقص رشد ميكنند. آنها از ميان آشغالها سر بيرون مي آورند. من از پسرم خواستم تا تلاش كرده و يكي از اين سوسنها را از ريشه در بياورد. به او گفتم ميخواهم كه در اين باره چيزي را درك كني. او يكدسته گل سوسن را بيرون كشيد و به آنها نگاه كردیم. آنها پر از مجراهاي باز بودند و ريشه ها از ماسه خالص زيرين املاح جذب كرده و رشد ميكردند تا به يك سوسن بي نقص و كامل تبديل شوند. در ميان آشغالها از نگاه كردن به چيزهاي بد منظره طفره رفتم اما در آنجا گياهاني وجود داشت كه بي نقص و دركمال رشد ميكرد. دقيقا اين راهي است كه ميتوانيم آنرا به جوانان در اين دنيا آموزش دهيم. جوانان بايد بدانند كه گلهاي زيبا در منجلاب رشد ميكنند و ميتوان در اين دنيا پر گناه همچون اين گلهاي زيبا بي عيب و نقض رشد كرد. بگذاريد تا قلبها و اذهان آنان بداند كه خدا و مسيح كيست و آن ازخودگذشتگي كه او در حق ما كرد را سپاسگزار باشيم. بگذاريد فرزندان بسوي پاكدامني و خلوص، حقيقت، فيض، ادب، محبت و شكيبايي جذب شوند. بگذاريد آنان به منشاء همه قدرتها جذب شوند .

دروسي از اعتماد و استقامت - حال از وحوش سوال كنيد - آنان تعليمشان خواهند داد و جغدهاي آسمان و ايشان به آنان خواهند گفت... و ماهيهاي دريا اعلان خواهند نمود...نزد مورچه ها برويد...به مسيرهاي آنان توجه كنيد...شاهد پرندگان باشيد به طعمه و صيد آنان توجه كنيد. ايوب 7:12؛ امثال 6:6؛ متی 26:6؛ لوقا 24:12.

ما تنها از مخلوقات خدا با فرزندانمان سخن نميگوئيم. حيوانات نيز خود تعليم دهنده كودكان ميباشند. مورچگان معلمان صبر و استقامت هستندكه با پشتكار خود را براي آينده آماده ميكنند. و پرندگان معلمان درس اعتماد هستند. پدر آسماني برايشان مهيا ميسازد ولي آنان بايد غذا را جمع كنند آنان بايد براي خود لانه بسازند و از جوجه هاي خود مراقبت كنند. در هر لحظه ممكن است دشمن به آنان حمله و نابودشان كند. و همچنان با خوشي به كارشان ميپردازند. چقدر نغمه هايشان دلپذير است. چقدر تشريح مزمور از توجه خدا نسبت مخلوقاتش زيباست:"كوههاي بلند براي بزهاي كوهي و صخره ها براي خوكچه ها ملجا است". مزمور 12:104.

او چشمه ها را در اطراف تپه ها ميجوشاند جايي كه پرندگان سكني دارند و در ميان شاخه ها نغمه سرايي ميكنند. مزمور 12:104. همه مخلوقات بيشه زار و تپه ها بخشي از خانه او هستند. او دستان خود را باز ميكند و خشنود ميكند خواسته هاي هر موجود زنده اي را. مزمور 16:145.

حشرات صنعت را آموزش ميدهند - زنبورهاي صنعتگر به بشر خلاق الگويي ميدهند كه ميتوان از آنان تقليد كرد. اين حشرات يك نظم كامل را رعايت ميكنند و هيچ زنبور بيكاري مجاز نيست تا به كندو وارد شود. آنان كار خود را با شعور و فعاليتي كه ماورا درك ماست انجام ميدهند... سليمان حكيم توجه ما را به چيزهاي كوچك زمين جلب ميكند: به نزد مورچه ها برويد به مسير او توجه كنيد تنبلي نكنيد و حكمت داشته باشيد كه راهنمايي ندارند نه مراقبي دارند و نه حاكمي قوت خود را در تابستان جمع آوري ميكند و غذاي خود را در زمان درو جمع آوري ميكند. مورچه ها حشراتي قوي نيستند ولي غذاي خود را در تابستان جمع ميكنند. ما از يك معلم كوچك درس وفاداري مي آموزيم. بايد با پشتكار خود زندگي خود را بهبود بخشيم كه آفريدگار حكيم آنرا بما ارزاني داشته است. چه عظيم خواهد بود تا ظرفيت خود را براي بهره مندي خود افزايش دهيم. چشمان خدا بر كوچكترين مخلوقات خويش است. آيا خداوند از انساني كه او را شبيه خود ساخت انتظار اعاده بهره از آن امتيازاتي نيست كه به او عطا فرمود؟

**بخش ٣**

**معلمين بايد به اندازه كافي آموزش ديده باشند**

**فصل هشتم**

**اقدام مقدماتي لازم است**

غفلت مادر از آماده سازي كودك - اولين معلم كودك، مادر است. در طي مراحل رشد استعداد و شكوفايي، تعليم و تربيت در حد بالايي به عهده مادر سپرده شده است. اين فرصت به او داده شده تا شخصيت كودك را براي خوبي يا بدي قالب ريزي كند. او بايد ارزش فرصت بدست آمده را غنيمت شمارد زيرا ميتواند بعنوان يك معلم بحساب بيايد. هيچكس ارزش آموزش مادر را نميداند. نفوذ مادر در تعليم و تربيت بواسطه همياري توام با آموزش سيستماتيك قدرتمند تر و موثر تر خواهد بود.

ضرورت آماده سازي محتاطانه و كامل - مراقبت طفل كوچك به كساني سپرده شده است كه غالبا از نيازهاي جسمي نا آگاهند. گاهي اوقات آنان از اصول بهداشت و رشد اطلاع كافي ندارند. و همچنين براي كار مراقبت در رشد روحي و عقلي صلاحيت ندارند. آنان ممكن است كه براي مديريت امور تجاري واجد شرايط باشند و يا در اجتماع بدرخشند – آنان ممكن است كه در ادبيات و علوم به دستيابي هايي رسيده باشند ولي براي تربيت يك كودك دانش اندكي دارند...

مسئوليت دوران كودكي و تربيت آنان بر عهده پدر و مادر است و بر عهده هر پدر و مادري واجب است كه بطور كامل و دقيق زمينه چيني كند. آنان قبل از اينكه خود را پدر و مادر بپندارند بايستي با اصول رشد جسمي مرد و زن - با فلسفه ، علم بهداشت، با رفتار و سلوك پدر و مادري، با قانونهاي توارث، مراعات اصول بهداشت، پيرايش، ورزش و درمان بيماريها آشنا باشند. آنان بايد اصول رشد و بلوغ عقلاني و تربيت اخلاقي را نيز درك كنند...

آموزش هرگز تمام اين خواسته ها را تكميل نميكند تا اينكه اهميت كار والدين كاملا تشخيص داده شود و آنان بايد براي مسئوليتهاي مقدس آموزش ديده و دانش كسب كنند. والدين بايد قانونهاي طبيعت را مطالعه كنند. آنان بايد با اندام و ارگانيسم بدن انسان آشنا شوند. آنان بايد وظايف مختلف اعضاي بدن را شناخته و ارتباط و وابستگي اعضاي آنها را با يكديگر بفهمند. آنان بايد رابطه قدرت فكري و جسمي را مطالعه كنند و بدانند كه شرايطي براي فعاليتهاي سالم براي هر يك از اعضاي بدن لازم است. آيا نميپنداريد كه مسئوليتهاي پدري و مادري بدون آمادگي و زمينه چيني گناه است؟

چه كسي حائز شرايط لازم است - والدين ممكن است بپرسند : چه كسي براي اين امور صلاحيت دارد؟ تنها خدا قابليت كامل را دارد و اگر او را رها كرده و از او كمك و مشاوره نطلبند در واقع در انجام وظيفه حساس خود نوميد خواهند شد. اما در اين وظيفه خطير با دعا، با مطالعه كتاب مقدس و با شور و شوق زياد ميتوانند به بهترين نحو سهم خود را ايفا كنند و با افتخار به توفيق دست يابند و به آنان صد ها برابر بخاطر زمانها ي مراقبتشان اجر داده خواهد شد... سرچشمه حكمت باز است كه از آن ميتوان دانش لازمه را براي هدايت كسب نمود.

گهگاهي دلزده ميشويم و خطراتي شادي حال و آينده عزيزان را تهديد ميكند كه والدين مسيحي را سوق ميدهد تا مشتاقانه تر در پي استعانت از منشاء قوت و حكمت باشند. در حينيكه از اين جانهاي كوچك مراقبت ميكنند و همچنانكه بايد به خدا حساب پس بدهند اين مسئله بايد آنان را ملاحظه كار تر – مصمم تر – آرامتر و با اينحال راسخ تركند.

تعليم كودك، درك اراده خدا را ميطلبد - والدين هيچ بهانه اي ندارند تا از نائل شدن به درك اراده خدا قصور كنند. آنان ميتوانند با فرمانبرداري از قوانين ملكوت وي به آن نائل گردند. بدين معني كه اطاعت از خدا ميتواند فرزندانشان را به بهشت هدايت كند. برادران و خواهران من، اين وظيفه و تكليف شماست تا خواسته ها و اراده خدا را درك كنيد. شما نخواهيد توانست تا فرزندان خود را در باره امور الهي آموزش دهيد مگر اينكه ابتدا خود بفهميد كه چه چيزي درست يا غلط است! مگر اينكه درك كنيد كه فرمانبرداري يعني حيات ابدي و نافرماني يعني مرگ ابدي! ما بايستي اين را سرلوحه زندگيمان قرار دهيم كه بايد اراده خدا را درك كنيم. تنها با اين كار ميتوانيم كودكان خود را در مسير درست آموزش دهيم.

نظامنانه خدا با دستورالعمل كامل - والدين نميتوانند بطور صحيح مسئوليت خود را انجام دهند مگر اينكه كلام خدا را بعنوان معيار و قانون زندگي خود قرار دهند. در اينصورت آنان ميتوانند ديگران را آموزش داده و شخصيت هر بشري را شكل دهندكه مانند گنجينه اي ارجمند بوده و شالوده حيات ابدي باشد .

كتاب مقدس حاوي جزييات كامل و غني براي هدايت بشر بوده و ميتواند دقيقا"بعنوان يك كتاب درسي تلقي شود. اگروالدين فرزندان خويش را مطابق با اصول اخلاقي كتاب مقدس تعليم دهند نه تنها گامهاي نوجوانان خود را در مسير درست قرار ميدهند بلكه آنان خود را نيز براي مقدس ترين تكاليفي كه بر عهده دارند تعليم ميدهند .

كار والدين كاري مهم و جدي است و اين وظيفه خطير به عهده آنان سپرده شده است. چنانچه والدين كلام خدا را بدقت مطالعه كنند جزئيات كاملي از دستورالعملها و بسياري از وعده هاي پرارزش الهي را پيدا خواهند نمود كه براي آنان مهيا شده است – منوط به اينكه كار خود را صادقانه و خوب انجام دهند .

مقررات براي والدين و فرزندان- خداوند مقررات و موازيني را براي راهنمائي والدين و فرزندان آنان تعين فرموده است. اين مقررات بايستي بطور جدي اطاعت شوند. فرزندان نبايد بحال خود رها شوند و نبايد به آنان اجازه داده شود تا خواسته هاي خود را بدون مشاوره از والدين خود انجام دهند ...

در مقرراتي كه خدا براي راهنمايي والدين و فرزندان داده است انحرافي وجود ندارد. خداوند از والدين انتظار دارد تا كلام و اصول وي را به فرزندان خويش تعليم دهند. ايمان و اعمال نيك بايد با هم تلفيق شوند. هر چيزي كه در خانه و مدرسه انجام ميشود بايد به خوبي و با نظم انجام گيرد.

احكام و شهادت5- لازمه به اتمام رسيدن و تكميل تمامي تعاليمي كه خدا آنرا برنامه ريزي كرده اين است كه والدين و دانش آموزان در فراگيري و عمل به كلام كوشش و تلاش كنند. آنان بايد خود را دانش آموزان آن معلم بزرگ بدانند. و هر روزه قانون مهر و محبت بايد بر لبانشان جاري باشد. زندگي آنان بايد مطابق با الگوئي باشد كه فيض و حقيقت را آشكار كند. آنگاه محبت تقديس شده، قلوب والدين و فرزندان را بهم پيوند داده و جوانان در ايماني كه در محبت خدا ريشه دارد رشد خواهند نمود .

وقتي كه اراده و راه و روشهاي خدا اراده و راه و روشهاي والدين بشود، فرزندان ايشان در محبت رشد نموده و خدا را اطاعت و تكريم خواهند نمود. شيطان قادر نخواهد بود تا كنترل فكر آنان را بدست گيرد زيراآنان فراگرفته اند تا به كلام پروردگار باريتعالي احترام بگذارند و آنان همه تجربياتي را كه كسب نموده اند را در احكام و شهادت محك خواهند زد.

اگر غافليد زمان را بازيابيد - والدين بايد كلام خدا را براي خودشان و براي خانواده خويش مطالعه كنند. ولي برغم اين بسياري از فرزندان بدون تعليم، بي مديريت و بي قيد و بند رها شده اند. اكنون والدين بايد با تمام توان خويش بي توجهي هاي انجام شده را برطرف كنند و فرزندان خود را تحت نفوذ خود قرار دهند .

دين جهت والدين بايد كلام را مطالعه و جستجو كنند. آنان نه تنها بايد شنونده خوبي باشند بلكه به كلام نيز بخوبي عمل كنند و با معيار الهي فرزندان خود را تربيت كنند.

قانون هدايت كننده: خدا چه فرموده است؟ - كار تمامي والدين تعليم فرزندانشان بسوي خداست. اين موضوعي نيست كه كم ارزش و سرسري در نظر گرفته شود يا اينكه بكناري زده شود. ما خوانده نشده ايم تا آنچه را كه ديگران دنبال ميكنند پيروي كنيم و يا اينكه ساده ترين راه را انتخاب كنيم. ولي خدا چه فرموده است؟ والدين و فرزندان در مسير غلط نميتوانند آرامش و شادي و آرامش روحي داشته باشند. ولي وقتيكه ترس خدا و محبت عيسي در قلبهاي آنان تلفيق شده باشد آنگاه آرامش و خوشي را احساس خواهند نمود. والدين! عالم محضر خداست. كلام خدا را در محضر او منتشر كنيد و جستجو كنيد كه كلام خدا چه گفته است؟ اين بايستي قانون زندگي شما باشد. آناني كه مشتاق نجات جانها هستند وقتي كه خطر را ببينند خاموش نخواهند ماند. مطمئنا" هيچ چيز بجز حقيقت خدا نميتواند والدين را ناجي اذهان بشر بسازد .

آمادگي فردي- انجام وظايف انبوه نياز به پرورش فكري دارد. در اينجا توان فكري و جسمي به انرژي سالم نياز دارند و براي مستجاب نمودن اين مهم بايد به تعليم و تربيت فرزندان پرداخت .

ديدگاه فردي در خصوص مسئوليت مادران چنين ميگويد كه هر زني بايد ذهن متعادل و منش خالص داشته باشد كه منعكس كننده حقيقت محض، نيكي و زيبندگي باشد و براي رسيدن به چنين ويژگي بايستي خود را تقويت كرده و رشد دهد. همسر ميتواند قلب شوهر و فرزندان خود را به قلب خويش با محبت مداوم پيوند دهد. فرزندان وي لحن ملايم و اخلاق متواضعانه او را بعنوان يك قاعده و اصل در نظر گرفته و از آن تقليد خواهند نمود.

مادر، اين كار الهي به تو محول شده است- خواهرم، مسيح كار الهي تعليم و تدريس احكام را به شما محول نموده است. براي اينكه شايستگي اين كار را داشته باشيد ابتدا در زندگي خود نيز بايد مطيع احكام او باشيد. بدقت مراقب كلام ل اعماو خود باشيد. تلاش كنيد تا مراقب كلام خود باشيد. بر تعجيل در عصبي شدن غلبه كنيد. اگر ناشكيبائي بروز نمايد اين مسئله محيط زندگي را به محيطي ناسازگار و ناخوشايند براي فرزندانتان تبديل خواهد ساخت.

مشاركت در كار الهي- مادران ، قلبهاي خود را براي دريافت هدايت الهي بگشاييد و در ذهن خود چنين بپنداريد كه بايد كار خود را به نحوي انجام دهيد كه موافق با اراده خدا باشید. بايستي در مسير الهي راه برويد و در جستجوي حكمت الهي باشيد كه بدانيد تا چگونه رفتار كنيد و بپذيريد كه خدا رئيس كارگران است و بدانيد كه در اين كار شما با او همكاري ميكنيد. بگذاريد قلبهايتان در امور آسماني تعمق و جستجو كند. استعدادهاي خدادادي را در وظايفي كه خدا بعنوان مادر بشما سپرده است تمرين كنيد و بعنوان نماينده الهي در اين مشاركت كار كنيد. با ذكاوت و خردمندي كار كنيد و هرچه كه ميخوريد و يا مينوشيد و هر چه كه انجام ميدهيد براي جلال نام خدا باشد .

مادران بايد براي فرزندان خود بعنوان يك مراقب دلسوز و فداكار باشند. مادر بايد مشتاقانه با صبر و با دليري در پي ارتقاي تواناييها و استعدادهاي خود باشد و بايد با تمام توان ذهني آنرا براي تعليم فرزندان خود بكار گيرد. بالاترين هدف بايد اين باشد تا به فرزند خود تعليم دهد تا اينكه مورد تاييد خدا واقع گردد. همانطور كه او كار خود را با فهم و درايت به پيش ميبرد ، قدرت خواهد يافت تا سهم خويش را ادا نمايد. مادر بايد نياز به راهنمايي روح القدس را احساس كند و خود نيز تجربه تسليم شدن در مسير اراده خدا را بيابد. سپس از طريق فيض مسيح ميتواند يك مادر حكيم و خردمند و نجيب و معلمي دوست داشتني براي فرزندان خود باشد .

آيا شروع كار شما با اشتباه توام بوده است؟- به والديني كه آموزش خود را اشتباه شروع كرده اند ميتوان گفت كه مايوس نباشيد. شما ملزم هستيد تا بسوي خدا بازگرديد. شما نياز به روح اطاعت از كلام خدا داريد. شما بايد عملكردهاي خود را اصلاح كنيد و احكام خدا را تاييد كنيد. وقتي چنين كنيد عدالت مسيح را خواهيد داشت زيرا كه از احكام او ناشي شده است. بهمين دليل نشان ميدهيد كه خدا را دوست داريد و حكم او را بعنوان يك رونوشت از ذات او تشخيص ميدهيد. ايمان درست در شايسته بودن در مسيح يك مسئله خيالي نيست. وارد كردن خصوصيات مسيح در زندگي و شخصيت پذيري از او داراي اهميت و الويت بالايي است و با پشتكار به فرزندانتان تعليم ميدهيد كه مطيع فرامين خدا باشند. جمله " خداوند فرموده است6 ..." ميتواند در تمامي برنامه هاي آموزش راهنماي شما باشد ...

سال را با توبه عميق و قلبي شروع كنيد .... خدا را براي دريافت بصيرت روحاني و بخاطر كشف عيوب و نقص هاي گذشته مشتاقانه جستجو كنيد. در حضور خدا بخاطر اهمال در ماموريت الهي خانه7 توبه كنيد. اين روز اعتماد و توكل شما به خداست، روز مسئوليت و فرصت ديگري كه بشما ارزاني شده است. بزودي روز حساب پس دادن خواهد رسيد. به فرزندان خود تعليم دهيد كه براي دريافت تعميد روزانه روح القدس امتياز خاصي دارند. بگذاريد مسيح شما را بعنوان كمك دست بيابد تا اهداف خويش را ادامه دهد. با دعا ميتوانيد اين تجربه را حاصل نماييد كه رسالت8 شما براي فرزندانتان توفيق كامل داشته باشد.

**فصل نهم**

**فراخوان براي تزكيه نفس(خود بهسازی)**

پيشرفت دائمي الزامي است – كار مادر بگونه اي است كه رشد و ترفيع را در زندگيش ميطلبد بخاطر اينكه بتواند فرزندان خود را هر چه بيشتر و بيشتر براي نيل به موفقيتهاي بالاتر سوق دهد. ولي شيطان براي جانهاي والدين و فرزندان برنامه چيني ميكند و آنها را براي خودش ميخواهد .

مادران نه به دلايلي مختلف بلكه بخاطر فرزندان خود بايد دانش خود را ارتقاء دهند زيرا در مقايسه با پادشاهي كه بر تخت سلطنت نشسته است مسئوليت سنگينتري را بعهده دارند. تعداد كمي از مادران سنگيني مسئوليتي كه به آنان واگذار گرديده را احساس و يا درك ميكنند. اين مسئوليت آن توانايي است كه بتوانند براي كار ويژه خود با شكيبايي و با مجاهدت در پرورش نفس به آن نائل آيند.

و ابتدا مادر ناگزير است تا همه استعدادها و علاقه هاي ذهني و قلبي را بكار گيرد وخصوصيت انحرافي يا مغرضانه نداشته باشد و آنرا بحدت در انتظام پرورش دهد تا نشانه ها و شاخصهاي كاستي و خارج از عرف را بر اولاد خود نگذارد. بسياري از مادران بايد لزوم تغيير مثبت در مقاصد و خصايل را دريابند تا اينكه بتوانند وظايف داوطلبانه را بعنوان فرد متاهل و متعهد انجام دهند. معبر كارآيي زنان ميتواند وسعت يابد كه بر سرنوشت و عاقبت نژاد بشر تاثير خواهد گذاشت.

رشد پايدار در حكمت و كارآيي – مادران فراتر از هر چيز ديگر چنانچه بخواهند در حكمت و كارآيي توانگر شوند بهتر است خود را به مطالعه و تفكر عادت دهند. آنانيكه در اين مرحله پشتكار بخرج دهند بزودي شاهد خواهند بود كه به نيروي ذهني دست يافته اند كه بخيال خود ناكارا بوده است. آنان مي آموزند تا شخصيت درستي را براي فرزندانشان شكل دهند. نتيجه فكر و تلاش در اين كار در اطاعت – بي آلايشي – عفت و پاكدامني آنان ديده خواهد شد. اين نتيجه، بازپرداخت كلان همه تلاشها و مجاهدتهاست.

خداوند مادراني را ميخواهد كه در پي بهبود و اصلاح فكر و قلب هستند. مادران بايد احساس كنند كه كاري براي خدا در دست دارند كه آموزش و تربيت فرزندانشان است و هر چه بيشتر بتوانند در كمال، توانائيهاي خود را بهبود بخشند، بيشتر ميتوانند در كار خود بعنوان والدين موثر و كارآمد واقع شوند.

والدين بايد از نظر اخلاقي و فكري رشد كنند – اين تكليف و وظيفه مادران است تا افكار خود را رشد داده و قلوب خود را پاك نگاه دارند. آنان بايد از هر وسيله اي كه قابل دسترسي است براي رشد فكري و اخلاقي خود بهره ببرند تا اينكه حائز شرايطي بشوند كه بتوانند افكار فرزندان خود را رشد و بهبود بخشند.

والدين بايد خود دانش آموزان ثابت قدمي در مدرسه مسيح باشند. آنان به نيرو و طراوت و شادابي نياز دارند كه با بي آلايشي مسيح بتوانند اعضاي جوانتر خانواده خدا را به فهم اراده9 او تعليم دهند.

قدرت شگفت انگيز فرهنگ مسيحي – والدين هنوز به درك قدرت شگفت انگيز مسيح پي نبرده اند. معادن حقيقتي وجود دارند كه بايد حفر گردند ولي جاي شگفتي و تاسف است كه چرا از آنان كوتاهي شده است. اين بي تفاوتي زائد الوصف موافق با اراده خدا نيست. اي والدين! خداوند شما را فراخوانده است كه به اين موضوع با چشمان باز و تدهين شده نگاه كنيد. شما تا كنون فقط سطح را كاوش كرده ايد. كاري را كه براي مدتها از آن غفلت كرده ايد بدست گيريد و خدا با شما همكاري خواهد كرد. كار خود را با شور و حرارت انجام دهيد و خدا بشما كمك خواهد كرد تا در آن پيشرفت كنيد. با آوردن انجيل به زندگي روزانه اين كار را شروع كنيد.

ما الان در كارگاه خدا هستيم. بسياري از ما سنگهاي خشن و نتراشيده اي هستيم كه از معدن سنگ جدا شده اند. ولي همانگونه كه حقيقت خدا آورده شده تا روي ما تاثير بگذارد هر نقصي برداشته ميشود و ما آماده ميشويم تا همانند سنگهاي زنده اي در معبد آسماني بدرخشيم جايي كه نه تنها با فرشتگان مقدس بلكه با پادشاه ملكوت در ارتباط خواهيم بود.

هدف به كمال رسيدن است – مادران! آيا از بيهودگي و كار عبث رها نشده ايد؟...آيا در پي نزديك شدن به خدا نيستيد كه شايد حكمت و فيض او در كاري كه به بلنداي ابديت خواهد بود شما را كمك كند؟ رشد و كمال در شخصيت فرزندانتان هدفتان باشد. بياد داشته باشيد كه فقط خداوند اين كمال را ميتواند ببيند ...

بسياري از والدين نسبت به كار خدا دادي خود اهمال و كوتاهي ميورزند. آنان خود از خلوص و قدوسيت بدور هستند و آنچنان كه بايد و شايد نقصهاي فرزندانشان را نميبينند. چنانچه چشمانشان ميديد آنگاه كمال ذات و خصايل مسيح را ميستود.

چگونه يك مادر ميتواند يك نمونه كامل و ايده آل بشود – مادر در عوض جان كندن در نهخا بايد زماني را براي مطالعه اختصاص دهد تا از امور آگاه باشد و همدم و معاشري براي شوهرش باشد و براي رشد فكري فرزندان در تماس مستمر باشد. بگذاريد فرصتها را با حكمت مغتنم شمرده تا بر عزيزان خود براي زندگي اخروي تاثير بگذارد. بگذاريد تا منجي عزيز را معاشر روزانه و دوست آشناي خود بسازد. بگذاريد تا زماني را براي مطالعه كلام او بگذارد زماني را براي رفتن بهمراه كودكان در مزرعه و دشت و صحرا بگذارد تا زيبايي خلقت او را ببينند.

بگذاريد تا او سبكروح و بشاش باشد. در عوض پرداختن لحظات خود در دوخت و دوز هاي تمام ناشدني، شامگاه خود را به معاشرتي دلنشين مبدل سازيد - يك تجديد ديدار و خلوت انس پس از انجام وظايف روزانه. چه بسا مردها در عوض گرايش به پيوستن به كلوپها - كافي شاپها يا چايخانه ها بهتر است تا سالن اجتماع خانه خود را انتخاب كنند كه هم در آن صميميت وجود دارد و هم ميتوانند نوشيدنيهاي گوارا را در كنار همسر و فرزندان خود بنوشند و از وجود يكديگر لذت ببرند. چه بهتر اينكه پسرها از ولگردي و در گوشه خيابان ايستادن در خانه خود در امنيت نگهداري شوند. و چه بسا در جمع خانوادگي بسياري از دختران از رفتارهاي سبكسرانه و معاشرتهاي گمراه كننده نجات مي يابند. تاثير خانه بركت مادام العمري خواهد بود كه خدا براي والدين و فرزندان اختصاص داده است.

كامراني و توفيق در زندگي خانوادگي – به مادران مشورت و پند بدهيد كه نبايد از طبيعت خود پيروي كنند. بايد بسيار مراقب باشيد تا در همه امور الگوي درستي باشيد. تنبل و غير فعال نباشيد. انرژي هاي خفته خود را بيدار سازيد. وجود خود را براي شوهرتان با توجه و مهرباني و سودمندي لازم بدانيد. براي شوهرتان در هر چيزي بركت باشيد. انجام كارها و وظايف را ضروري و واجب بدانيد. ياد بگيريد كه چطور با نشاط كارهاي ساده غير جذاب خانگي را انجام دهيد ولي اكثر وظايف ناچارا" مربوط به خانه هستند...

سعي كنيد تا در زندگي خانوادگي موفق باشيد. بدين معني كه بيشتر از آنچه كه فكر ميكنيد به كارهايي كه همسرتان انجام ميدهد كمك كنيد... شما به فرهنگ و تجربه زندگي خانوادگي نياز داريد. شما در اين زندگي به دگرگوني – تحرك – تلاش مجدانه و رشد قوه ارادي نياز داريد.

والديني كه بسيار مشغول هستند – بسياري از والدين گلايه ميكنند كه آنقدر كار دارند كه وقتي براي بهبود و پرورش ذهن خود و تعليم فرزندان براي زندگي عملي يا آموزش به آنان كه چطور بره هاي گله مسيح بشوند ندارند. والدين از مسلح كردن ذهن ها در برابر گناه نبايد غافل شوند - براي دفاع بر ضد چيزي كه نه تنها آنان را تباه خواهد كرد بلكه درد و هر نوع بدبختي و شرارت را به اولاد آنان منتقل خواهد كرد. والدين با آموزش صحيح خويش ميتوانند فرزندان خود را تعليم داده مبني بر اين كه ملكوت خدا بر زندگي ها حاكم است.

والدين بايد مشاوره و اندرز را بپذيرند – در حاليكه والدين نسبت به خدا بي تفاوت و در خواب غفلت هستند شيطان در قلب فرزندانشان دانه ميكارد كه جوانه زده و محصول مرگ را برايشان به ارمغان خواهد داشت. با اين حال غالبا" چنين والديني بخاطر اشتباهات خود از پند و اندرز نفرت دارند و به مشاوره بي ميلي نشان ميدهند. رفتار آنان بگونه اي است كه به نصيحت كنندگان ميگويند كه چه حقي داريد كه در امور فرزندان من دخالت بيجا ميكنيد؟ ولي آيا فرزندان آنان فرزندان خدا نيز نيستند؟ ا آي خداوند بي توجهي نادرست نسبت به اين وظيفه خطير را در نظر نميگيرد؟ وقتي خداوند از آنان سوال ميكند كه چرا فرزندانشان را به اين جهان آورده اند و سپس آنان را رها نموده اند تا وسيله سرگرمي وسوسه هاي شيطان شوند چه عذر و بهانه اي مي آورند ؟

همواره آمادگي داشته باشيد تا پندها و نصايح ديگران را بشنويد. احساس نكنيد كه به برادران يا خواهران شما ربطي ندارد كه رفتار و سلوك فرزندانتان چگونه بايد باشد.

فوايد جلسات براي مشاوره متقابل - (توجه: اينجا اشاره به مطالعه گروهي مانند جلسات در اردو است10). خداوند مقدس ترين كار را به دستهاي ما سپرده است و ما بايد با يكديگر جلسه است داشته باشيم تا از يكديگر درس گرفته تا بتوانيم توانايي انجام چنين كاري را بدست آوريم ... نياز است تا گرد هم جمع شويم تا ارتباط روحاني را لمس نموده و بدينوسيله اهميت كار و آموزش در خانه را درك كنيم. والدين لازم است درك كنند كه چطور دختران و پسران خود را درجايگاه مقدس خانه تعليم و تربيت كنند تا شايستگي يابند كه همچون نوري در جهان بدرخشند. از جلسات اردو ميتوانيم درك بهتري را از وظائف خانه داشته باشيم. در اينجا درسهايي را راجع به كار خدا كه خواهران ما در خانه هايشان انجام ميدهند ميتوان آموخت. آنان بايد راه بهبود آداب در كلام را در هنگامي كه با شوهر و فرزندان خود گفتگو ميكنند ياد بگيرند. آنان براي كمك به اعضاي خانه بايد مطالعه كنند كه چگونه هر يك از اعضاء خانواده ميتواند تحت نظم و انضباط الهي قرار گيرد. پدران و مادران بايد درك كنند كه آنان ملزم هستند تا خانه را جذاب و دلپسند سازند. و بدانند كه اطاعت و فرمانبرداري با سرزنش و تهديد و ارعاب حاصل نميشود. بسياري از والدين بايد بياموزند كه هيچ خيريتي با غضب و سرزنش انجام نميشود. بسياري از والدين به لزوم گفتارمحبت آميز با فرزندان توجه نميكنند. آنان بياد نمي آورند كه اين طفل ها با قيمتي خريداري شده اند و به خداوند عيسي مسيح تعلق دارند.

**بخش ٤**

**مهمترين درس اطاعت و فرمانبرداري است**

**فصل دهم**

**كليد شادي و موفقيت**

موفقيت بستگي به اطاعت دارد- پدران و مادران و مربيان در مدارس بايد بياد داشته باشند كه فرمانبرداري يكي از شاخه هاي مهم آموزش كودكان است. رويهمرفته اهميت كمي به اين امر مهم در آموزش داده شده است. فرزندان تحت انضباط بجا و مناسب بسيار شادتر از زماني خواهند بود كه سرشت و طبيعت آنان رام و مقهور نشده باشد.

اطاعت بيدرنگ و هميشگي به مقررات خردمندانه والدين موجب افزوني شادي در فرزندان خواهد گرديد و نيز باعت تكريم خدا و خيريت جامعه خواهد شد. فرزندان بايد بياموزند كه فرمانبرداري از دستورات و مقررات خانه است كه آزادي كامل را برايشان بارمغان خواهد آورد. مسيحيان نيز درس مشابه را خواهند آموخت – كه آزادي كامل در اطاعت از احكام خدا حاصل خواهد شد.

اراده خدا همان احكام ملكوت است. از زمانيكه احكام در زندگي رعايت ميشد همه خانواده خدا گرديد آنگاه رشك و حسادت و نزاع مقدس و شاد بودند. ولي وقتيكه حكم الهي نقض11 مرسوم شد و بخشي از ساكنين ملكوت سقوط كردند. تا زمانيكه احكام خدا در خانه هاي زميني حرمت داده شوند خانواده در خوشي و سعادت خواهد بود.

نافرماني باعث از دست دادن باغ عدن گرديد – داستان نافرماني آدم و حوا در ابتداي تاريخ زمين بطور كامل ارائه شده است. بخاطر يك نافرماني، اولين والدين ما خانه زيباي عدن را از دست دادند. و آن خطا چيز كوچك و جزئي بود. الان بايد خدا را شكر كنيم كه آن خطا جزيي بود. با آن خطاي باصطلاح كوچك آدم و حوا جريمه بزرگي پرداختند – حال اگر خطاي بزرگي مرتكب شده بودند نميدانيم وضعيتمان الان چگونه بود! اين حداقل آزموني بود كه خداوند ميتوانست به آن زوج مقدس در باغ عدن بدهد.

شالوده كاميابي دنيوي و روحاني – بهروزي دنيوي و معنوي مشروط به اطاعت از احكام خداست. وليكن ما كلام خدا را نميخوانيم و بدينسان با عبارت بركت آشنا ميشويم كه به همه كساني داده شده است كه به احكام خدا بسختي گوش جان ميسپارند و با كوشش آنرا به خانواده خود تعليم ميدهند. اطاعت از كلام خدا حيات و شادماني ماست. ما به دنيايي نگاه ميكنيم كه در زير بار شرارت و خشونت انسانهايي كه احكام خدا را شكسته اند به فغان افتاده است. او بركات خود را از باغها و تاكستانها بازپس گرفته است ... اگر بخاطر مردمي كه احكام را رعايت ميكنند نبود او دوره حيات را كوتاه و قيامت را براي داوري بپا ميكرد.

فرزندان را در مسير اطاعت و فرمانبرداري هدايت كنيد – وظيفه الهي بستگي به والدين دارد تا فرزندانشان را در مسير سخت فرمانبرداري هدايت كنند. شادي واقعي در اين زندگي و در آخرت بستگي به اطاعت از "آنچه خدا گفته است" دارد. والدين! بگذاريد زندگي مسيح الگوي شما باشد. شيطان هر وسيله اي را بكار خواهد گرفت تا اين معيار بزرگ خداترسي را در هم شكند. اين به عهده شماست تا در سالهاي اوليه رشد بر روي فرزندانتان تاثير بگذاريد و الگوي خدا را در ذهن آنان شكل بدهيد. مسيح به اين جهان آمد تا به آنان مثال زنده را عطا كند كه آنان چگونه مدلي بايد باشند و والديني كه ادعا ميكنند كه ايمان به حقيقت دارند براي اين زمان بايد فرزندانشان را تعليم دهند كه خدا را دوست داشته و از احكام او پيروي كنند. اين بزرگترين و مهم ترين كاري است كه پدران و مادران ميتوانند انجام دهند ... اين نقشه خداست كه حتي فرزندان و جوانان با درايت درك كنند كه خدا از آنان ميخواهد كه فرق گناه و عصمت و اطاعت و نافرماني را تشخيص دهند .

اطاعت حظ و شادي مي آورد - والدين بايد سطر به سطر و حكم به حكم كلام را آموزش دهند. و بي توجهي به احكام مقدس خدا را مجاز نشمارند. آنها بايد به قدرت الهي تكيه كنند و از خدا بخواهند تا با مساعدت الهي فرزندانشان را درست بار بياورند . خداوند يگانه پسر عزيز خود را فديه داد تا فرزندان ناسپاس را به تبعيت از خود بازگرداند. خداوند اشتياق دارد تا مردان و زنان را از محبت غني خود لبريز سازد. او اشتياق دارد تا ببيند كه آنان از انجام اراده او مشعوف ميشوند و هر جزء از توانائيهاي بامانت سپرده شده خود را براي خدمت به او بكار گيرند و همه آناني را كه در گردونه نفوذ آنان قرار گرفته اند تعليم دهند و بخاطر مسيح چنان با نيكوئي با آنان رفتار كنند تا از احكام اطاعت كنند.

**فصل يازدهم**

**تعليم و تربيت از دوران خردسالي و طفوليت**

تعليم را از همان ابتدا شروع كنيد – اطاعت از اولياء بايد در طفوليت القاء شود و در جواني رشد يابد. برخي والدين فكر ميكنند كه ميتوانند اجازه بدهند تا خردسالانشان در طفوليت براه خود بروند و هنگاميكه بزرگتر ميشوند با آنان همفكري ميكنند ولي اين اشتباه است. مطيع بودن را از همان طفوليت آغاز كنيد... اطاعت را در مدرسه خانگي الزامي كنيد. كودكان در اوان زندگي بايد تعليم ببينند كه از والدين خود حرف شنوي داشته به حرفهاي آنان احترام گذارده و براي اقتدار و اختيارات آنان حرمت قائل شوند.

قبل از اينكه قدرت استدلال رشد كند – يكي از اولين درسهايي كه يك كودك نياز است تا آنرا ياد بگيرد درس فرمانبرداري است. قبل از اينكه او باندازه كافي بزرگ شود تا استدلال كند بايد به او مطيع بودن را آموخت. كار مادر بايد با طفل آغاز شود. او بايد خواسته و خلق و خوي كودك را رام و مطيع بسازد و سرشت وي را تحت پيروي و تسلط خود در آورد. به او ياد بدهيد تا اطاعت كند و هنگامي كه كودك بزرگتر شد چوب تاديب را بر زمين نگذاريد.

قبل از اينكه خود رايي و هواي نفس رشد كند – تعداد كمي از والدين در زمان مناسب آموزش فرزندان خود را شروع ميكنند. والدين معمولا به كودك اجازه مي دهند تا به دو سه سالگي برسد و از تاديب وي احتراز ميگردد به گمان اينكه هنوز خيلي زود است تا او مطيع بودن را فرا بگيرد. ولي در تمام اين وقت شخصيت در اين موجود كوچك رشد مي يابد و هر روز كار سخت تر ميشود تا اولياء بتوانند كنترل كودك را در دست بگيرند. در همان سالهاي نخست ، كودكان ميتوانند آنچه را كه ساده و شفاف به آنان گفته شده است را درك كنند و با تربيتي محبت آميز و معقول ميتوانند مطيع بودن را فرا گيرند ... مادر نبايد اجازه دهد تا فرزندش در وحله اي از او سوء استفاده كند و براي اينكه به اقتدار خود ادامه دهد ضروريتي ندارد تا به خشونت متوسل شود – عزم راسخ توام با محبت ميتواند كودك را متقاعد ساخته كه شما وي را دوست ميداريد و مقصود شما را بانجام خواهد رساند. ولي اگر اجازه دهيد كه خودخواهي – خشم و خودرايي مراحل خود را در سه سال اوليه زندگي كودك بگذراند آنگاه تاديب و آوردن كودك به خلق و خوي سالم سخت خواهد بود. در اين حالت است كه كج خلقي بروز كرده و كودك از انجام هر چه كه دوست دارد لذت برده و كنترل والدين برايش ناخوشايند خواهد بود. اين گرايشهاي بد مانند يك غده بدخيم رشد ميكند تا اينكه در دوران بلوغ خودخواهي و خودمحوري به منتهي اليه خود ميرسد و فقدان خويشتنداري و تذهيب جاي خود را به شرارت ميسپارد كه طبيعت و ذات ما را لجام گسيخته مينمايد.

نبايد به كودكان اجازه داده شود تا به اولياء خود بي احترامي نشان دهند. خود رايي هرگز نبايد تا جايي مجاز شمرده شود كه ديگر نتوان آنرا توبيخ نمود. عاقبت بخيري كودك نياز به عشق و محبت دارد ولي بايد توام با تاديب و تربيت راسخ باشد.

اطاعت از والدين باعث سوق داده شدن فرزندان به اطاعت از خدا ميشود – كودكان و نوجواناني كه والدين دينداري دارند نسبت به ديگران برتري دارند زيرا فرصتي يافته اند تا خدا را شناخته و او را دوست بدارند. فرزندان با احترام و مطيع بودن به خواسته اولياء خود ميتوانند ياد بگيرند كه چطور به پدر آسماني خود احترام گذارده و او را اطاعت كنند. چنانچه آنان مانند فرزندان نور رهروي كنند نسبت به اولياء خود مودب و مهربان - با محبت و با احترام خواهند بود و بهتر از كساني خواهند بود كه محبت خدا را در رفتار پدران و مادران خود نديده اند. و بدينوسيله با احترام و پيروي از يك الگوي خوب آنان مويد اين خواهند بود كه خدا را عبادت ميكنند و او را با زندگي منظم و كلام خداگونه خود حرمت مينهند.

تنها فرد مطيع وارد ملكوت ميشود –والدين و معلمين بايد بر ذهن فرزندانشان تاثير بگذارند. آنگاه خداوند در اين زندگي بر آنان مهر تائيد ميزند تا با عشق و احترام تسليم فرمان خداوند گردند. كساني كه در اينجا مطيع مسيح نشوند در دنياي جاوداني نيز از او اطاعت نخواهند نمود. به والدين و فرزندان شان در بدو ورود به قصرهاي ملكوت خداوند خوش آمد گفته خواهد شد زيرا كه در اين جهان آموخته اند تا از فرامين خدا اطاعت كنند.

**فصل دوازدهم**

**اطاعت بايد عادت بشود**

آهسته ولي پيوسته تلاش كنيد. (رهرو آن نيست گهي تند گهي خسته رود ... رهرو آنست كه آهسته و پيوسته رود) به كودكان بايد تعليم داده شود كه قابليتهايي كه به آنان عنايت شده بايد براي احترام و تكريم خدا بكار رود. براي چنين امري آنان بايد درس اطاعت را فرا گيرند... با تلاشي آرام ولي پيگير خلق و خوها بايد شكل بگيرند. اگر پيشگيري بموقع صورت نگيرد ذهن جوان به بيزاري و نفرت از والدين و معلمان تحريك شده و اغلب اوقات در برابر اولياء امور مقاومت ميكنند.

بحث و جدل نبايد مجاز شمرده شود- اولين توجه والدين بايد براي تشكيل يك حكومت در خانواده باشد. كلام اولياء بايد قانون بوده و مانع بحث و مجادله شود. فرزندان بايد از طفوليت ياد بگيرند تا بدون قيد و شرط از اولياء خود پيروي كنند.

گاهي اوقات تاديب و انضباط قاطع باعث ناخشنودي ميشود زيرا فرزندان ميخواهند كه براه خود بروند. با اين حال اگر درس اطاعت از اولياء خود را آموخته باشند آنان بهتر آماده شده اند تا به خواسته هاي خدا سر تعظيم فرود آورند. از اينرو تربيتي را كه در كودكي دريافت داشته اند در تجربيات روحاني تاثير گذارده و شخصيت يك فرد بالغ و عاقل را قالب ريزي ميكند.

استثنائي قائل نشويد-والدين مانند معلمين خانه خود بايد توجه كنند كه از قوانين سرپيچي نشود ... والدين با مجاز شمردن فرزندان خود به نافرماني از تربيت مناسب قصور ميورزند. فرزندان بايد به مرحله اي برسند كه مطيع و فرمانبردار بار بيايند. سرپيچي نبايد مجاز شمرده شود. گناه در كنار درب خانه والديني كه به فرزندان خود اجازه سرپيچي ميدهند خوابيده است ... فرزندان بايد بفهمند كه مجبور به فرمانبرداري هستند.

اطاعت كامل و عاجل را بطلبيد- وقتي اولياء از لزوم سريع و كامل فرزندان نسبت به اطاعت كوتاهي ورزند در اصل از ريختن شالوده شخصيتي مناسب براي خردسالان خود كوتاهي ورزيده اند. آنان فرزندان خود را آماده ميكنند تا وقتي كه بزرگ شدند به آنان بي حرمتي كنند و در هنگام وداع از اين جهان با قلبهايي افسرده اين جهان را ترك كنند.

خواسته ها بايد معقول باشد – خواسته هاي اولياء همواره بايد معقول باشد - محبت بايد ابراز شود - نه با افراط گريهاي احمقانه بلكه با راهنمايي هاي حكيمانه. والدين بايد با روي خوش فرزندان خود را تعليم دهند- بدون سرزنش يا عيبجويي و با محبت بايد در پي پيوند دادن قلبهاي آنان با خود باشند. پدران و مادران و معلمين و برادران و خواهران ارشد بايد نيروهاي تربيت كننده اي باشند تا هر علاقه روحاني را تقويت نموده و فضايي صميمي و سالم را در خانه و مدرسه ايجاد كنند كه به فرزندان جوانتر كمك كند تا در ذات و رهنمونهاي خدا رشد كنند. ما در تربيت كودكان خود و تربيت فرزندان ديگران ثابت ميكنيم كه مهار كردن آنها از انجام شرارت بخاطر عشق و علاقه به آنان است و نه براي محدود كردن آنان.

براي اطاعت بايد دليل آورده شود – فرزندان بايد ياد بگيرند تا از حكميت خانواده اطاعت كنند. آنان بايد شخصيت متقارني را شكل دهند كه مورد تاييد خدا باشد و احكام را در زندگي روزانه برقرار كنند. والدين مسيحي بايد فرزندان خود را بياموزند تا از احكام خدا اطاعت كنند... دليل براي اين اطاعت و احترام به احكام خدا ميتواند برذهن كودكان نقش بندد به محض اينكه بتوانند ماهيت آنرا درك كنند. پس آنان خواهند دانست كه چه بايد بكنند و از انجام چه كاري بايد اجتناب ورزند.

كلام والدين بايد قانون باشد- فرزندان شما كه تحت كنترلتان هستند بايد به شما توجه و اعتنا كنند. حرف شما بايد براي آنان قانون باشد. بسياري از والدين مسيحي از فرمان دادن به فرزندان خود براي تبعيت از آنان كوتاهي ميورزند و سپس در حيرتند كه چرا فرزندانشان منحرف – نامطيع – ناسپاس و بي خدا هستند . اين قبيل والدين تحت ملامت پروردگار هستند. آنان از راهنمايي فرزندان خود نسبت به خدا مسامحه ورزيده اند. آنان از تعليم اولين درس مسيحيت كوتاهي ورزيده اند كه ميگويد: "ترس از خدا شروع حكمت است". سليمان ميگويد "حماقت در دل طفل بسته شده است". نابخردي و حماقت – علاقه به شرارت خود با آن نفرت از چيزهاي مقدس – مشكلاتي هستند كه والدين بايد در ماموريت خانگي12 برخورد كنند .

والدين بايد با قوت خدا برخاسته و به اهل خانواده فرمان دهند تا از آنان تبعيت كنند. آنان نبايد فرزندان خود را رها كنند تا حدس بزنند كه چه چيزي درست است ولي بايد با عبارتهايي كه سرراست و شفاف است به آنان تعليم دهند تا راه ثواب را پيشه كنند.

تاثير يك كودك نا مطيع بر ديگران- يك فرزند نامطيع صدمه بزرگي را به همه كساني كه در ارتباط با او هستند ميزند زيرا كه او كودكان ديگر را بشكل خود در خواهد آورد. ضرب المثل فارسي ميگويد "يك بز گر همه گله را گر ميكند و يا اينكه سيب لكه دار همه جعبه را ميگنداند".

خوش آمد گوئي به گناه – به فرزندان خود بياموزيد تا بشما حرمت بگذارند زيرا احكام خدا اين وظيفه را بر عهده فرزندان ميگذارد. اگر شما بفرزندان خود اجازه دهيد تا اعتبار و آبروي شما را كم ارزش كنند و به قانون خانواده بي اعتنايي كنند شما به گناه خوش آمد گوئي كرده ايد و به اهريمن اجازه داده ايد تا آنچه را كه ميخواهد انجام دهد و همان نافرماني، فقدان احترام و عشق بخودخواهي در آنان حتي در زندگي مذهبي و در كليسا حمل شود. و مسئوليت آغاز همه اين شرارتها بر عليه والدين بخاطر غفلت و كوتاهي در دفتر اعمال آسماني بر عليه والدين نوشته خواهد شد.

عادت نافرماني با تكرار شكل ميگيرد – دروس اطاعت در احترام براي اولياي امور اغلب لازم است تا تكرار شود. اين قبيل كار در خانواده نيروئي براي خيريت خواهد شد و نه تنها فرزندان از شرارت اجتناب خواهند كرد بلكه به محبت واقعي و عدالت و انصاف وادار ميشوند. ليكن والدين نيز بطور برابر منتفع خواهند گرديد. اين نوع كار كه خداوند آنرا ملزم نموده نميتواند بدون تعمق جدي از طرف آنان انجام شود و مطالعه زياد از كلام خدا ميتواند آنان را به سوي او هدايت كند .

**بخش 5**

**دروس اساسي ديگر**

**فصل سيزدهم**

**خويشتنداري(كنترل نفس)**

فرزندان را براي زندگي و وظايف آن آماده كنيد – همانطور كه مادر با ولواپسي زياد از فرزندان مراقبت ميكند بايد بينديشد كه هدف و مقصود بزرگ از تعليم و تربيت چيست؟ آيا براي آماده كردن فرزندان براي ايفاي وظايف زندگي است تا آنان را شايسته سازد كه موقعيت و منصبي بزرگ را در جهان برگزينند – تا كار خوب كار كنند و به همنوعان خويش منفعت برسانند و سرانجام اجر انصاف و عدالت را بدست بياورند؟ اگر چنين است پس اولين درسي كه بايد به آنان تعليم داد خويشتنداري و كنترل نفس است زيرا كه شخص خودسر و تاديب نشده نميتواند اميد به توفيق در اين جهان يا كامراني در آخرت را داشته باشد.

فرزندان خود را تعليم دهيد تا تسليم شما باشند- خردسالان قبل از يكسالگي حرفها را شنيده و آنرادرك ميكنند. اين نكته بايد حاصل شود كه شما بايد فرزندان خود را تحت كنترل داشته باشيد و شان و وقار خود را بعنوان مادر حفظ كنيد. فرزندان شما بسرعت خواهند آموخت كه چه انتظاري از آنان داريد. آنان ميدانند كه چه زماني خواسته خود را بر شما غالب كنند و تا حد ممكن بر شما ظفر خواهند يافت. اين ظلم فاحشي است كه اجازه دهيد تا عادتهاي غلط در آنان رشد كند و بگذاريد كه آنان با قانون خود بر شما حكومت كنند.

خواسته هاي خودخواهانه را برآورده نكنيد – اگر والدين مراقب نباشند با فرزندان خود بطريقي رفتار ميكنند كه فرزندان لوس بار آمده و ميخواهند تا هميشه توجه ديگران را نسبت بخود جلب كنند. فرزندان از اولياي خود ميخواهند تا برايشان كارهايي را انجام دهند و خواسته هاي آنان را برآورده كنند و والدين خواسته هاي آنان را برآورده ميسازند صرف نظر از اين واقعيت كه خودخواهي را در فرزندانشان القا ميكنند. ولي والدين كار اشتباهي براي فرزندان خود انجام ميدهند و پس از آن خواهند يافت كه مقابله و خنثي كردن تاثير آموزش در اولين سالهاي زندگي كودك چقدر مشكل است. فرزندان لازم است تا زود ياد بگيرند كه نميتوانند خواسته هاي خود را تحميل نموده و به خواسته هاي خودخواهانه خود بسرعت دست يابند.

چيزي را كه كودك براي آن گريه و زاري ميكند به او ندهيد- يك درس ارزشمند كه مادر لازم است تا دوباره آنرا تكرار كند اين است كه كودك نبايد حكمراني كند. او ارباب خانه نيست بلكه خواسته هاي مادر است كه بايد در اعلي قرار داشته باشد. از اينرو مادر به آنان خويشتنداري و كنترل نفس را مي آموزد. چيزي را كه كودك براي آن گريه و زاري ميكند به او ندهيد حتي اگر قلب رئوف شما چنين بخواهد براي اينكه اگر يكبار خواسته آنان با جيغ و گريه برآورده شود آنان دوباره همين انتظار را از شما خواهند داشت. و براي بار دوم اين كشمكش شديدتر خواهد شد. هرگز اجازه ندهيد تا خلق و خوي.

هرگز اجازه ندهيد تا خلق و خوي عصبي و خشن بنمايش گذارده شود- در زمره اولين وظائف مادر مهار كردن خردسالان است. به كودكان نبايد اجازه داده شود تا خشم و غضب را بروز دهند- به آنان نبايد اجازه داده شود تا خود را بر زمين زده و گريه كنند بخاطر اينكه از انجام چيزي كه برايشان خوب نبوده جلوگيري شده است. وقتي اوليايي را ديدم كه در افراط به فرزندان خود اجازه ميدادند تا خلق و خوي ناراحت را از خود نشان دهند پريشانحال شدم. مادران بنظر طوري به اين طغيان و ابراز خشم نگاه ميكنند كه گوئي بايد آنرا تحمل كرد و نسبت به رفتار كودك بي تفاوتي از خود نشان ميدهند. ولي چنانچه شرارت يكبار اجازه داده شود تكرار خواهد شد و تكرار آن منتج به عادت ميشود و بهمين صورت شخصيت كودك قالب شرارت بخود ميگيرد.

چه وقتي بايد روح شريرانه توبيخ شود – اغلب ديده ايم كه كودكان خودشان را بر زمين انداخته و جيغ و داد ميكنند انگار كه بخواسته آنان عمل نشده است. اين زماني است كه روح شريرانه بايد تنبيه شود. خصم سعي در به كنترل گرفتن اذهان فرزندان ما دارد. ولي آيا بايد به خصم اجازه دهيم تا آنان را آنگونه كه ميخواهد شكل و قالبريزي كند؟ اين خردسالان نميتوانند تشخيص دهند كه چه روحي بر آنان تاثير ميگذارد و اين وظيفه والدين است تا براي آنان قضاوت كنند و صلاحديد آنان را در نظر بگيرند. عادات و خلق و خوي آنان بايد با دقت زير نظر گرفته شود. گرايشهاي شريرانه بايد مهار شوند و ذهن به چيزهاي درست تحريك شود. كودك بايد در هر زمينه اي تشويق شود تا خود را كنترل كند.

با سرود بيت لحم شروع كنيد- مادران بايد كودكان خود را با دستان خود با اصول و عادتهاي صحيح تربيت كنند. آيا بايد به آنان اجازه داده شود تا سرهاي خود را بزمين بزنند ...؟ مادران بايد از دوران طفوليت آنانرا تعليم دهند. با سرود بيت لحم آغاز كنيد. اين آهنگهاي ملايم تاثير آرامش دهنده اي دارند. براي آنان اين آهنگهاي مهار كننده و آرامش دهنده را در رابطه با مسيح و محبت او بخوانيد.

دودلي و ترديد بخود راه ندهيد- خلق و خوي ناخوشايند بايد هر چه زودتردر فرزند بررسي شود و هر چه در اين بررسي تعلل صورت پذيرد مشكل بيشتري بوجود خواهد آمد. كودكان تند مزاج و احساساتي بايد توسط اولياي خود تحت توجه ويژه اي قرار بگيرند. باآنان بايد با مهرباني خاص ولي رفتاري جدي برخورد كرد و در اين موارد اوليا نبايد دودلي و ترديد از خود نشان دهند. ويژگيهاي شخصيت كه بطور طبيعي ميتواند رشد خطاهاي خاص را كنترل كند بايد بدقت مورد تقويت قرار گيرد. افراط در خلق و خوي كودك و حالت منحرف به تباهي كودك خواهد انجاميد. خطاهاي او در ساليان تقويت خواهد شد و در رشد ذهني او تاخير خواهد گذارد و همه خوبي ها و ويژگيهاي شريف شخصيت او را نا متعادل خواهد ساخت.

والدين بايد الگوي خويشتنداري و كنترل نفس باشند - برخي والدين خود را نميتوانند كنترل كنند. آنان بر اشتها و تمايلات و عطش ناسالم خود كنترلي ندارند و يا بر خلق و خوي احساساتي و تند خود فايق نمي آيند بنابراين آنان نميتوانند كودكان خود را تعليم دهند. بهمين ترتيب چون خودشان تند مزاج و احساساتي هستند نميتوانند بر احساسات كودك خود غلبه يابند. (رطب خورده منع رطب کی كند؟)

چنانچه والدين بخواهند به كودكان خود خويشتنداري را ياد بدهند ابتدا آنان بايد خلق و خو و عادتهاي خويش را شكل بدهند. سرزنش و عيبجويي والدين مشوق خلق و خوي شتاب زده و احساساتي در كودكان خواهد بود .

كسالت و بيزاري در كار خوب وجود ندارد - والدين بسيار مايلند كاري كه خدا برايشان تعين كرده را در خانه انجام دهند. چنانچه جوانان بطور مناسب و شايسته در خانه آموزش ميديدند اكنون نبايد شاهد وضعيت افتضاح شرارت بار جوانان امروز ميبوديم. والدين بايد كاري را كه خدا به آنان محول نموده است را در دست گرفته و پرهيزگاري و خويشتنداري را با قواعد اخلاقي و الگوي مناسب به كودكان خويش آموزش دهند. و در حينيكه بخاطر خواست خدا پيگير انجام وظايف خود هستند آنگاه در مدرسه مسيح دروس پر ارزشي را فرا خواهند گرفت. آنان شكيبايي و محبت و فروتني را فرا خواهند گرفت و اينها اولين دروسي هستند كه والدين بايستي به فرزندان خويش ياد بدهند. پس از اينكه حساسيتهاي والدين نسبت به اخلاق بيدار گرديده و كاري را كه از آن قصور كرده اند را با انرژي مجدد در دست گرفتند، نبايد دلسردي را بخود راه دهند و يا اينكه بخودشان اجازه دهند تا از اين كار وامانده و عقب نشيني كنند. خيلي ها از انجام كار خوب بيزاري ميجويند. وقتي متوجه شوند كه انجام اين كار مستلزم تلاش بي شائبه و خويشتنداري دايم است و فيض افزون را ميطلبد، آنگاه در برخورد با وقايع و امور غير منتظره نوميد و دلسرد شده و از اين كشمكش دوري ميگزينند و اجازه ميدهند تا دشمن جانها كار خود را انجام دهد. روز به روز و ماه به ماه و سال به سال كار به پيش ميرود تا اينكه شخصيت فرزندتان شكل بگيرد و عادات و خلق و خو در راه صحيح قرار گيرد. شما نبايد خانواده خود را رها كرده يا از آنان منصرف شويد تا بي هدف در عادات لجام گسيخته رها شوند .

هرگز كنترل خود را از دست ندهيد- هرگز نبايد كنترل خود را از دست بدهيم. بايد هميشه الگوي كامل و بي نقص را در پيش رو داشته باشيم. اين گناه است كه با نا اميدي سخن بگوئيم و عبوس بوده و يا عصباني باشيم – حتي در سكوت نيز نبايد نوميد باشيم. ما بايد گامهاي شايسته برداريم و معرف درست مسيح باشيم. سخن گفتن با كلام خشن مانند سنگ چخماقي است كه بر سنگ چخماق ديگر ضربه ميزند: كه ناگهان شعله ور شده و در يك احساس كينه توزانه بروز ميكند .

هرگز مثل خار و تيغ نباشيد. در خانه به خودتان اجازه ندهيد تا از كلام خشن و آزارنده استفاده كنيد. ما بايد مهمان آسماني را بهمراه فرشتگان آسماني به خانه خود دعوت نموده تا با آنان همنشين شويم. بايد عدالت مسيح را دريافت كنيد - خشنود و قانع باشيد - روح خدا را در وجودتان بپذيريد و زيبايي و قدوسيت را در خود آشكار كنيد و به آنانيكه در اطرافتان هستند آن نور زندگي و حيات را بتابانيد .

مرد حكيم ميگويد تاخير در خشم بهتر از زورمندي است. او كه بر روح خود حاكم است شهر را تسخير ميكند. مرد يا زني كه ميانه روي در انديشه را رعايت ميكند وقتي كه وسوسه گرديده تا احساساتش بر افروخته شود محكم مي ايستد و در نظر خدا و فرشتگان آسماني مانند فرمانده اي است كه ارتش خود را در جنگ براي پيروزي هدايت ميكند. يك امپراتور مشهور وقتي كه در بستر مرگ بود گفت " در زمره تمامي فتوحاتم تنها يكي موجب تسلي خاطرم شد آن پيروزي بود كه بر خلق و خوي آشفته و سركش خود يافتم. براي اسكندرمقدوني و سزار روم مقهور كردن جهان ساده تر از مقهور كردن نفس خودشان بود. و پس از تسخير قومها خودشان سقوط كردند – يكي از آنان " قرباني افراط شد و ديگري قرباني جاه طلبي هاي ديوانه وار خود گرديد".

**فصل چهاردهم**

**سكوت، احترام و تكريم**

قيل و قالهاي غيرضروري و آشفتگيها را فرو بنشانيد- مادران به خود اجازه ندهند تا ذهنشان با بسياري از چيزها مشغول شود... او بايد به بهترين نحو با پشتكار و مراقبه از كوچكترها نگهداري كند. زيرا به كودكان با ناداني و بي تجربگي از هر انگيزه مهار نشده اي پيروي خواهند نمود و اين مسئله نبايد مجاز گردد. بچه ها با انرژي و روح فعال قيل و قال براه مي اندازند و خانه را بهم ميريزند. به آنان بايد آموزش داده تا شود در هنگامي كه مهمان به خانه مي آيد بايد ساكت بوده و ادب و احترام را رعايت كنند .

بگذاريد تا آرامش بر خانه حكمفرما باشد- پدران و مادران ... به فرزندان خود تعليم دهيد كه آنان بايد تسليم مقررات و قانون باشند. به آنان اجازه ندهيد تا فكر كنند كه چون آنان بچه هاي شما هستند اين امتياز آنان است تا در خانه هر وقت كه بخواهند شور و بلوا براه بيندازند. مقررات خردمندانه اي بايد وضع و اجرا شود و زيبايي و نظم خانه نبايد بهم ريخته شود. والدين وقتي به كودك خود اجازه دهند تا گريه و زاري كنند بزرگترين اشتباه را مرتكب شده اند. آنان نبايد آزاد باشند تا بي قيد و بي ادب باشند. اگر اين خصوصيات ناپسند شخصيتي در سالهاي ابتدايي مورد بررسي قرار نگيرد فرزندان آنان را با خود همراه ساخته و در كار و امور مذهبي تاثير سوء خواهد گذارد. به كودكان بايد تعليم داده شود تا در خانه ساكت و آرام باشند و همين امرخشنودي آنان را فراهم خواهد ساخت .

نونهالان بايد به تجربه هاي پيشكسوتان احترام بگذارند- كودكان بايد فرا بگيرند به تا پيشكسوتان كارآزموده احترام بگذارند. به آنان بايد طوري آموزش داده شود كه فكر شان با افكار والدين و معلمانشان يكي باشد و طوري ارشاد شوند كه آداب و نزاكت را مراعات كنند و به مشورت هاي ديگران احترام بگذارند تا هنگامي كه بزرگ ميشوند شخصيت آنان مانند شاخه هاي بيد با هر وزشي به جهات مختلف نرود .

سهل انگاري والدين بي احترامي را ترغيب ميكند- اگر فرزندان در خانه اجازه يابند تا بيحرمتي كنند و نافرمان - نا سپاس - تند مزاج و عبوس باشند آنگاه گناه آن بر گردن والدين خواهد افتاد. زن بايد با شوهرش با حكمت رفتار كند آنچنانكه در شان و مقام مادري است. او بايد در خانه تاثير گذار تر باشد و حرف او حكم و قانون و قاطعانه باشد. اگر او مسيحي است بايد تحت التزام خدا و با احترام به فرزندان خويش دستور دهد. به فرزندان خود دقيقا بگوييد كه چه مطالبات و انتظاراتي از آنان داريد .

وقتي والدين اقتدار خود را حفظ نكنند وقتي كه فرزندان به مدرسه ميروند احترامي ويژه براي معلمين و يا مسئولين مدرسه خود قائل نخواهند شد. زيرا مفهوم احترام هرگز در خانه به آنان آموزش داده نشده است. در اين حالت پدران و مادران خود را همسطح با فرزندان خود ميكنند.

نتايج عدم توجه به گستاخي و اهانت- به فرزندان خود احترام را نشان بدهيد و به آنان اجازه ندهيد تا يك كلام حرف غير محترمانه بشما بگويند .

طرز برخورد حكيمانه با جوانان- خردمندانه است كه مرد جوان و خوشبخت اگر والديني دارد به آنان مانند الگوئي نگاه كند و اگر ندارد به سرپرست و قيم خود توجه كند و يا به آناني كه با او زندگي ميكند بعنوان پنددهندگان و مشاورين و تسلي دهندگان و در برخي جهات بعنوان حاكمان خود نگاه كند .

قدر احترام و حرمت را بدانيد - حرمت ... فيض و نعمتي است كه بايد قدر آن دانسته شود. به هر كودكي بايد تعليم داده شود تا براي خداوند حرمت و تكريم قائل شود.

خواسته خداوند درك اين موضوع است كه بايد فرزندان خود را در جايگاهي مناسب در ارتباط با دنيا، كليسا و خانواده قرار دهيم. رابطه آنان با خانواده اولين نكته اي است كه بايد مورد توجه قرار گيرد. به آنان بايد ياد بدهيم كه نسبت به يكديگر مودب باشند. منظور چيست؟ با اين گفته آيا بايد به آنان ياد بدهيم كه نسبت به خدا مودب باشند؟ منظور اين است كه آنان بايد ياد بگيرند تا به خداي آسماني احترام بگذارند و قدردان آن كار بزرگ و فديه سرمدي كه مسيح بجاي ما انجام داد باشند... والدين و فرزندان بايد رابطه نزديك خود را با خدا نگاه دارند تا فرشتگان آسماني بتوانند با آنان گفتگو كنند. اين پيام آوران از بسياري از خانه هايي كه در آن بي انصافي و بي حرمتي به خدا وجود داشته باشد ميگريزند. بايد به كلام او متوسل شويم و روح آسماني را به خانه هاي زمينيمان بياوريم.

چطور احترام و تكريم را تعليم دهيم - والدين ميتوانند و بايد فرزندانشان را به درك مفاهيم گوناگوني كه در اوراق كتاب مقدس يافت ميشوند تشويق كنند. وليكن اگر آنان پسران و دختران خود را به كلام خدا تشويق كنند خود نيز بايد به آن علاقمند باشند. آنان بايد با تعاليم كتاب مقدس همانطور كه خدا به بني اسرائيل فرمان داد آشنا باشند. در تثنيه 19:11 ميخوانيم: آنها را بفرزندان خود بياموزيد و هميشه در باره آنها صحبت كنيد خواه در خانه باشيد خواه در بيرون خواه هنگام خواب باشد خواه در هنگام صبح.

آناني كه مايلند تا فرزندانشان خدا را دوست داشته و او را تكريم كنند بايد از خوبي او صحبت كنند - از بزرگي و شان و اقتدار او - همانطور كه در كلام او و در كار خلقت او چنين است.

حرمت و تكريم با اطاعت آشكار ميشود – بايد به كودكان ياد بدهيم كه احترام صحيح با اطاعت از احكام خدا و رعايت مقررات والدين آشكار ميشود. خداوند فرموده است كه هيچ چيزي غير ضروري نيست و هيچ راه ديگري براي آشكار نمودن وجود ندارد كه او را خشنود سازد مگر با اطاعت به آنچه كه فرموده است .

**فصل پانزدهم**

**از املاك و دارايي بايد مراقبت شود**

گرايشهاي ويرانگر را منكوب كنيد- آموزش بايد يكنواخت بوده و هر چيز را بطور كامل پوشش دهد. مادران بايد پشتكار داشته باشند. مادر نبايد اجازه دهد كه چيزي ذهن او را منحرف كند. مادر نبايد به فرزندان خود اجازه دهد كه به خواسته هاي جاهلانه خود در امور خانه بپردازند. آنان بايد تعليم داده شوند كه نبايد خانه را بعنوان مكاني براي سرگرمي و تفريح در نظر گرفته و آنرا به مكاني نامنظم تبديل كنند. مادران بايد فرزندان خود را طوري تعليم دهند كه از همان سالهاي اوليه رشد به هر چيزي در خانه بعنوان وسيله بازي و تفريح نگاه نكنند. اين تذكرات كوچك منظم بودن را به آنان تعليم ميدهد. اطفال شايد نسبت به تذكرات و منع هياهو و اعتراض براه بيندازند ولي اهميت ندهيد و نگذاريد حس ويرانگري از طفوليت در كودك رشد كند و بزرگ شود. خدا "بايدها" و نبايدها" را به ما گوشزد نموده است. والدين بايد بدون از دست دادن كنترل روحي و راسخ و مصمم به كودكانشان بگويند :" نه" و در اين باره جدي باشند .

با استواري و جديت مادران اجازه هر كاري را در خانه به كودك نميدهند تا در خانه هر چيزي آزادانه بازيچه دست قرار گيرد. هر چيزي نبايد بر زمين انداخته شده و كثيف شود. آناني كه به كودك اجازه ميدهند تا هر كاري ميخواهد انجام دهد نسبت به او كار بسيار اشتباهي ميكنند. او ممكن است بچه بدي نشود ولي آموزش براي او رنج آور و ويرانگر بنظر خواهد رسيد.

به كودكان تعليم بدهيد تا مايملك ديگران را محترم بشمارند- بعضي از والدين به كودكان خود اجازه ميدهند تا خرابكار بار بيايند تا وسايل را بعنوان وسيله بازي و سرگرمي خود قرار دهند با اين كه آنان حق دست زدن به آن را ندارند. كودكان بايد تعليم داده شوند كه نبايد به اموال ديگران دست بزنند. براي آسايش و خوشي خانواده آنان بايد ياد بگيرند تا رعايت مقررات اموال را بنمايند. كودكان خوششان نمي آيد از اينكه به آنان گفته شود تا به اموال ديگران دست نزنند. اگر به آنان ياد داده نشود تا مراقب وسايل و لوازم باشند آنان فردي نامحبوب و با خصوصيات خرابكار بار مي آيند .

وسايل بازي محكم و مقاوم- نوع وسايل بازي كه به كودكان ميدهيد نبايد از نوعي باشد كه زود بشكند يا خراب شود. ما با اينكار به آنان خرابكاري را ياد ميدهيم. بگذاريد كودكان چند وسيله بازي داشته باشند ولي آن وسايل بازي بهتر است محكم و بادوام باشند. اين پيشنهادات بنظر كوچك ولي براي تعليم يك كودك بايد جدي در نظر گرفته شوند.

**فصل شانزدهم**

**اصول بهداشت**

آموزش بهداشت را زودهنگام آغاز كنيد- آفريننده بشر سيستمهاي زندگيبخش را در بدنهاي ما سازماندهي و مرتب نموده است. هر يك شگفت انگيز و خردمندانه نقش و وظيفه خود را ايفا ميكنند. و خداوند متعهد شده است تا اين دستگاههاي بشري عملكردي سالم داشته باشد- چنانچه عامل انساني از احكام او پيروي كند و با خدا همكاري كند ... ما ميتوانيم در دنياي طبيعي كار خدا را ببينيم و تحسين كنيم. عملكرد اندام بشر بسيار شگفت انگيز است.

در هنگامه بروز عقل، فكر انسان نسبت به ساختار جسم هوشيار ميشود. در اينجا يهوه نمونه اي را از خود را ارائه نموده است و بدينسان بشر به شكل و شمايل خدا ساخته شده است. اولين مطالعه جوانان بايد اين باشد كه خود را بشناسند و بدانند كه چطور جسم خود را سالم نگاه دارند .

دروس مقدماتي مهم- در ابتداي آموزش كودكان، بسياري از والدين و معلمان به عظمت درك ساختار جسم توجه نميكنند كه بايد توجه بيشتري به شرايط بهداشتي جسم و عقل نمود.

خوشحالي آينده خانواده شما و سعادت و خيريت جامعه بطور عظيمي بستگي به آموزش جسمي و اخلاقي دارد كه فرزندان شما در اولين سالهاي زندگيشان آنرا دريافت ميكنند

والدين بايد علم فيزيولوژي يا عضو شناسي جسم را فرا گرفته و آنرا آموزش بدهند- اگر والدين خودشان بتوانند دانش كسب كنند و اهميت استفاده عملي در تعليم فرزندان عزيزشان را احساس كنند آنگاه ميتوان نظم متفاوتي را در بين كودكان و جوانان ديد. كودكان بايد در خصوص جسمشان راهنمايي شوند. تعداد كمي از جوانان وجود دارند كه از دانش رازگونه زندگي انسان آگاهي دارند. آنان كمي از دستگاه جسمي بشر آگاهي دارند. داود ميگويد: ترا ستايش و تسبيح ميگويم براي اينكه با هيبت و شگفت انگيز ساخته شده ام.

به فرزندان خود مطالعه علت و معلول را توصيه كنيد- به آنان بگوييد چنانچه قوانين وجود و هستيشان را نقض كنند آنگاه بايد تاوان آن را با تحمل رنج حاصل از بيماري بپردازند. اگر در تلاشهاي خود رشد خاصي نميبينيد نوميد نشويد- با صبوري راهنمايي كنيد- خط به خط- قانون به قانون- كمي از اينجا و كمي از آنجا... مداومت كنيد تا به پيروزي نائل شويد. به آموزش فرزندانتان در مورد جسمشان ادامه دهيد و اينكه چطور از آن مراقبت كنند. بي توجهي و اهمال در خصوص بهداشت جسمي به بي توجهي در شخصيت و اخلاق منجر ميگردد.

زندگي سالم و بهداشتي بايد يك موضوع مهم خانوادگي بشود - والدين بايد نسبت به مسئوليت خدادادي كه دارند بيدار و هشيار شوند. آنان بايد اصول بهداشت و اصلاحات را مطالعه كنند و به فرزندانشان مسير انكار نفس و پرهيزگاري را كه تنها مسير ايمن است تعليم بدهند. جمعيت ساكن در جهان با بي توجهي به مقررات جسمي در حال نابود كردن قدرت مبارزه با نفس هستند و از آن خداي ازلي كه به آنان سلامتي ارزاني داشته قدرداني نميكنند. ناداني نسبت به ساختارجسمي باعث ميشود تا فرزندان در مسير تن پروري سوق داده شوند. و آنان را آماده ميسازند تا بخاطر سرپيچي از قوانين طبيعي رنج برده و تاوان آنرا بپردازند.

تربيت بدني - تربيت بدني يا بنوعي ورزش جسمي بسيار آسانتر از تربيت و آموزش روحي و اخلاقي است. مهدكودك- زمين بازي- كارگاه آموزشي ، كاشتن بذر و جمع آوري محصولات – همه اينها تربيت و آموزش جسمي هستند. تحت شرايط محيطي معمولي و مطلوب يك كودك بطور طبيعي توان سالم و رشد مناسب اعضاي بدن را كسب ميكند. كودك بايد بدقت و بطور مستمر در باره امور جسمي و سلامت آموزش داده شود .

فرمانبرداري از احكام طبيعت سلامتي و شادي مي آورد- كودكان ما بايد راهنمايي شوند كه نسبت به اندام و اعضاي جسم خود هوشيار باشند. آنان در سالهاي اوليه ميتوانند با شكيبايي راهنمايي شده و درك كنند كه چنانچه بخواهند از درد و مرض رها شوند بايد از قوانين هستي پيروي كنند. آنان بايد بفهمند كه چنانچه توسط بيماري زمين گير و عاجز شوند سودمندانه اي نخواهند داشت. و همچنين چنانچه با بي توجهي به قوانين طبيعت خود را مريض كنند خداوند از آنها راضي و خشنود نخواهد شد .

**فصل هفد هم**

**پاكيزگي**

خدا نكته بين است- پروردگار به فرزندان بني اسرائيل فرمان داد تا رختهاي خويش را بشويند و هر گونه ناپاكي را از منزلهايشان كنار بگذارند مبادا كه با عبور خود ناپاكي آنان را ببيند. خداوند امروز از كنار خانه ما عبور ميكند و به وضعيت غير بهداشتي خانواده ها و عادتهاي سهل انگارانه نگاه ميكند. آيا امروز بهتر و بدون تاخير اصلاح نشده ايم ؟

خدا والدين را نماينده خويش قرار داده است تا اصول درست را در اذهان فرزندان تزريق نمايند. شما اميدهاي خدا هستيد - خدايي كه نكته بين بود – او به فرزندان بني اسرائيل گفته بود تا با عادتهاي پاكيزگي رشد كنند و از هر گونه ناپاكي در خانه بپرهيزند. خداوند كار تعليم فرزندانتان را بشما داده است تا فرزندانتان را به پاكيزگي عادت دهيد و اين درسي روحاني براي آنان خواهد بود. آنان خواهند ديد كه خدا ميخواهد تا هم قلب و هم جسمي پاك داشته باشند و اين مسئله آنان را هدايت خواهد نمود تا اصول خالص برنامه ريزي شده خدا را درك كنند – اصولي كه هر يك بايد سريعا در زندگي بدان عمل شود .

خدايي كه در توصيه به پاكيزگي به بيابانگردان و كساني كه در هواي آزاد زندگي ميكردند بسيار نكته بين بود بطور قريب به يقين كمتر از اين نيز از ما انتظار نخواهد داشت زيرا كه ما در خانه هاي بسته زندگي ميكنيم و ناپاكي و غيربهداشتي بودن در آن بيشتر قابل مشاهده است.

پاكيزگي بايد طبيعت و سرشت دوم كودكان بشود- تميز نبودن در خانه بزرگترين اشتباه است. حتي از طفوليت بايد افكار و عادتهاي كودكان هدايت شود... به آنان نشان دهيد كه ناپاكي و آلودگي خواه در جسم و يا لباس مورد اعتراض خداست. به آنان تعليم دهيد تا با تميزي غذا بخورند. نظارت دائمي بايستي اعمال گردد كه عادتهاي پاكيزگي طبيعت دوم براي آنها بشود. كودكان بطوره ويژه مستعد فراگيري هستند و دانش پاكيزگي با عدم اجازه به بي نظم و ترتيبي بايد به آنان آموخته شود .

دوست داشتن پاكيزگي و نفرت از كثيفي را ياد بدهيد- بايستي دوست داشتن براي تميزي و تاكيد بر پاكيزگي را ياد بدهيد. جامه كودكان خود را بسادگي و آراستگي بياراييد. لباس آنانرا از جنس بادوام درست كنيد. آنها را خوب و تميز نگهداريد. به آنان ياد بدهيد كه از هر چيز آلوده و كثيف نفرت داشته باشند .

تمام توان خود را بر اين بگذاريد كه فردي پاكيزه و با لباسهاي تميز باشند. منظور اين نيست كه آنانرا بايد در داخل خانه مانند عروسك نگاه داشت. ماسه ها و زمين خشك كثيف نيستند بلكه جسم ما با تعريق لباسهايمان را نيز كثيف ميكند كه نياز به تعويض لباس و شستشوي بدن است .

محوطه خانه را تميز نگهداريد- اگر والدين بتوانند كاري پيدا كنند كه كودكانشان انجام دهند كمك آنان بركتي براي تمامي خانواده خواهد شد. مبشرين و معلمين درباره اين موضوع بايد آشكارا سخن بگويند زيرا براي بهداشت جسمي و سلامتي روح بسيار مهم و ضروري است. پسران و دختران خانواده بايد احساس كنند كه آنان بخش ثابتي از خانه هستند. آنان بايد بكوشند تا محوطه خانه را از جلوه هاي ناپسند تميز و مرتب نگاه دارند. در اين مورد بايد به آنان راهنمايي شود .

هر شكلي از ناپاكيزگي به بيماري ختم ميشود. ميكروبهاي كشنده در منافذ و زواياي تاريك بوفور يافت ميشوند. اگر فضولات در جاهاي مرطوب رها شوند فاسد گرديده و كپك ميزنند. سبزيجات زائد و اضافي يا توده هاي برگهاي افتاده بر زمين نبايد در محوطه خانه باقي بماند تا فاسد شده و هوا را آلوده و سمي كند. هيچ چيز ناپاك و يا فاسد نبايستي در داخل خانه تحمل شود. در شهر هاي كوچك و بزرگ صرفنظر از اينكه چقدر بهداشتي هستند رد و نشان بسياري از ويروسهاي واگيردار و چيزهاي فاسد و در حال پوسيدن در نزديكي بعضي از خانه هاي سهل انگار يافت ميشوند. پاكيزگي كامل - فراواني نور خورشيد و توجه كافي به بهداشت در هر زاويه اي از خانه ضروري است كه به اهالي خانه كمك ميكند تا از بيماري رهايي يافته تا در تندرستي و شادماني زندگي كنند.

پاكيزگي شخصي براي سلامتي ضروري است- وسواس و دقت زياد نسبت به پاكيزگي براي جسم و روح ضروري است. آلودگي دايما" از طريق تعريق در پوست به بيرون رانده ميشود. ميليونها منفذ پوستي بسرعت بسته ميشوند مگر اينكه با حمام زياد تميز نگاه داشته شوند. و آلودگي هايي كه بايد از طريق پوست بيرون رانده شوند اعضاي ديگر جسم را به زحمت مي اندازند. اكثر افراد از يك حمام سرد يا ولرم روزانه صبح يا شب منفعت خواهند برد. حمام مناسب از بروز سرماخوردگي جلوگيري ميكند زيرا باعث بهبود گردش خون ميگردد – خون به سطح پوست آورده ميشود و گردش منظم و ساده بيشتر حاصل خواهد گرديد. حمام تسكين دهنده و تسلي بخش اعصاب است. حمام به شكم و روده كمك ميكند و به كبد سلامتي و انرژي ميدهد. حمام ترفيع دهنده هضم غذاست .

لباس نيز بايد تميز نگاه داشته شود. زيرا جامه هاي پوشيده شده مانند فيلتر، چيزهاي زائد را بخود جذب ميكنند. چنانچه لباسها تعويض نشده و يا شسته نشوند آلودگي بيشتر شده و باعث افزايش احتمال بيماري ميگردد .

غالبا" تخت خوابهاي كودكان در وضعيتي ديده شده اند كه ناپاك و بهم ريخته اند و بوهاي بد و غير قابل تحمل از آن استشمام ميشود. چشمان كودكان بايد به مرتب بودن و تميزي جسم عادت كند. اين يكي از روشهاي آموزش خواهد بود تا تميزي و پاكي را انتخاب كنند. اتاقهاي خواب كودكان بايد مرتب باشد هر قدر هم كه از اثاث گران قيمت خالي باشد.

تعادل را برقرار كنيد- پاكيزگي و نظم از وظايف مسيحيان است. گرچه ممكن است به اين مسئله توجه بيش از حد بشود و از مسائل مهمتركوتاهي بعمل آيد. آناني كه نسبت به مصلحت و خيريت كودكان كوتاهي ميكنند و به كارهاي غير ضروري ميپردازند از موضوعهاي بزرگتر احكام و عدالت و لطف و محبت خدا كوتاهي كرده اند .

**فصل هجدهم**

**آراستگي، نظم و ترتيب**

نظم و ذوق و سليقه را ترويج دهيد- ترويج نظم و سليقه بخشي مهم از آموزش كودكان است ...
بعنوان سرپرست و معلم فرزندانتان موظفيد تا هر كار كوچكي را با نظم و ظرافت انجام دهيد. به فرزندانتان ياد بدهيد تا از لباسهايشان مراقب و آنرا تميز نگه دارند. لباسهايتان را تميز و مطبوع نگاهداريد. شما نسبت به خدا ملزم هستيد كه هميشه الگوي شايسته اي در خانه باشيد ... بياد داشته باشيد كه در آسمان بي نظمي وجود ندارد و خانه شما بايد نمونه بهشت زميني باشد. بخاطر داشته باشيد كه اين كارهاي كوچك و ظريف را روزانه انجام دهيد. شما با خدا همكاري ميكنيد و يك شخصيت مسيحي را كامل ميكنيد.

اوليا بايد در ذهن خود بسپارند كه براي رستگاري فرزندانشان كار ميكنند. چنانچه عادات شما صحيح باشد- چنانچه تميزي و نظم را نشان دهيد- واقعيت و عدالت را آشكارمي كنيد - و چنانچه جان و جسم و روح را تطهير كنيد آنگاه به كلام آن منجي و رهايي بخش پاسخ داده ايد. "شما نور جهانيد". و بعنوان الگوي برازنده اي خواهيد بود كه مانند نور ميدرخشد.

عادات تميزي را بياموزيد- هر خانواده نياز است تا در عادات پاكيزگي و كمال آموزش داده شود. ما كه ادعاي ايمان به حقيقت را داريم بايد به جهان نشان دهيم كه اصول حقيقت و عدالت باعث زمختي و بي نظم و ترتيبي نميشود.

محبت خدا در خانواده با محبت به فرزندان ابراز ميشود. محبت اصيل به آنان اجازه نخواهد داد تا به سستي و بي نظمي كشيده شوند زيرا اين ساده ترين راه است كه والدين با مهرباني و عطوفت ولي با قاطعيت عادات سخت كوشي را به فرزندان خود با همان نظم آموزش دهند.

بفرزندان خود آموزش دهيد تا از لباسهايشان مراقبت كنند- به آنان ياد بدهيد كه لوازم خود را در جاي مخصوصي كه به آن اختصاص داده شده است بگذارند و و هر لباسي را تا نموده و در مكان خود بگذارند. اگر در توان مالي شما نيست كه حتي يك كمد جالباسي ارزان داشته باشيد از جعبه هاي چوبي ميوه استفاده كنيد آنرا قفسه بندي نموده و با پارچه هاي زيبا آنرا تزيين كنيد. آموزش مرتب و منظم بودن هر روزه وقت كمي از ما را ميگيرد اما آينده فرزندان ما را خواهد ساخت و در آخر از هدر رفتن وقت شما جلوگيري خواهد كرد.

مرتب نمودن اتاق- چنانچه كودكان اتاقي دارند كه ميدانند متعلق به آنان است و اگر به آنان ياد داده شده است تا چطور آنرا مرتب و دلپسند نگاهدارند آنان نسبت به اتاق خود حس مالكيت خواهند داشت- آنان احساس خواهند كرد كه در خانه داراي (مكاني مخصوص) براي خود هستند و در مراقبت از آن براي مرتب بودن و پاكيزگي احساس رضايت خواهند داشت. ضرورت دارد كه مادران در اينكار نظارت داشته باشند و پيشنهادات و راهنمايي هاي خود را دريغ نكنند. اين وظيفه مادران است .

ساعتهاي منظم براي خواب و استراحت- روز شب ميشود و شب روز ميشود و روزها و شبها مي آيند و ميروند. خيلي از جوانان در صبح ها عميقا در خواب هستند در حاليكه طبيعت بيدار شده است بايد با ترنم و نغمه هاي پرندگان برخيزند و به تحرك بپردازند. بعضي از جوانان مخالف نظم و انضباط هستند. آنان به مقررات خانه احترام نميگذارند و ساعتهاي منظمي براي از خواب برخاستن ندارند. در حاليكه ديگران در جنب و جوش هستند آنان در خانه براي ساعتها ميخوابند. در عوض در ساعات شب نميخوابند و برق زيادي مصرف ميكنند. با اينكار فرصت را مغتنم ميشمارند ولي باعث خرج اضافي هستند. اما در اكثر موارد عذر و بهانه ميتراشند كه "نميتوانم كارم را تمام كنم و هنوز كاري براي انجام دادن دارم. من نميتوانم زود بازنشسته شوم..." عادات گرانبهاي نظم بهم ريخته اند و لحظه هايي كه بايد در اوايل صبح مورد استفاده قرار گيرند بدين گونه بيهوده گذرانده ميشوند. خداي ما خداي نظم است و او ميخواهد كه فرزندانش نظم و انضباط داشته باشند آيا. بهتر نيست كه اين عادت شب زنده داري شكسته شده و به روزانه كاري تبديل شود و در عوض شب از ساعات تازه صبح استفاده شود؟ اگر جوانان ميتوانستند به نظم و ترتيب خود را عادت بدهند آنگاه با روحيه و خلق و خويي سالم و بهداشتي رشد ميكردند. اين وظيفه همگان است كه مقررات را بطور موكد رعايت كنند در و زندگي خود را به آن عادت دهند. اين براي خيريت و نفع خودتان است تا از نظر جسمي و اخلاقي سالم باشيد. وقتي كه در صبح از خواب برميخيزيد توجه كنيد تا جايي كه ممكن است كار را در طي روز انجام دهيد. اگر لازم است يك دفترچه يادداشت كوچك برداريد و اموري كه بايد انجام شود را يادداشت كنيد و براي خود وقت را تنظيم كنيد كه كارتان را بر اساس زمانبندي انجام دهيد .

**فصل نوزدهم**

**پاكدامني**

آموزه هاي خود را درباره اصول پاكدامني ارائه كنيد - يك مادر بايد درك كند كه مسئوليتي بر دوش اوست. از گهواره بفرزندان خود خويشتنداري و ترك نفس را تعليم دهيد. آنها را با بنيه قوي و روحيه و اخلاق خوب بار بياوريد. به آنان اين حقيقت را بگوئيد كه خدا ما را طوري طراحي نكرده كه تنها براي لذات حاضر زندگي كنيم بلكه براي خيريت غايي و حيات اخروي. اين دروس مانند بذرهايي هستند كه در خاك حاصلخيز كاشته ميشوند كه محصول آورده و قلبهاي شما را مسرور خواهند ساخت .

بمنظور حفاظت فرزندان از اثرات آلوده كننده و مخرب، والدين بايد آنان را با اصول خالص پاكدامني راهنمايي كنند. كودكاني كه در خانه عادات اطاعت و خويشتنداري را شكل ميدهند در مدرسه كمتر مشكل خواهند داشت و از بسياري از وسوسه هايي كه جوانان را احاطه كرده است اجتناب خواهند نمود. والدين بايد فرزندان خود را طوري تعليم دهند كه براي خدا تحت هر شرايط محيطي و در هر مكاني خالص باشند. والدين بايد با چيزهايي كه شخصيت آنان را تقويت كند و بر ذهن آنان موثر واقع بيفتند آنان را احاطه كنند. با اين قبيل آموزش، وقتي كودكان به مدرسه فرستاده ميشوند ديگر جاي دلهره و نگراني نخواهد بود. آنان معلمان خود را پشتيباني و براي همشاگرديان خود مشوق و نمونه اي خواهند بود.

بدون وقفه به مراقبت خود ادامه دهيد- والدين و سرپرست چنانچه بخواهند فرزندانشان پاك و خالص باشند بايستي خلوص قلبي را در زندگي خود حفظ كنند. آنان بايد راهنمايي لازمه را ارائه كنند و مضافا بايد بي وقفه مراقب و هشيار باشند. هر روز افكار جديدي در ذهن جوانان شكل ميپذيرد و احساسات تازه اي در قلبهايشان شكل ميگيرد. رابطه اي را كه برقرار ميكنند - كتابهايي را كه ميخوانند- عاداتي را كه دوست دارند - همگي بايد تحت مراقبت و كنترل قرار گيرد .

خانه را پاك و جذاب نگهداريد- خانه بايد تميز و پاك نگهداري شود. گوشه كنارهايي در خانه كه به آنها توجهي نشده و كثيف هستند سبب خواهند شد تا بهمين گونه كوشه كنار هاي قلب و ذهن كه نسبت به آن غفلت شده ناپاك شوند. مادران! شما تعليم دهندگان فرزندان خود هستيد - افكار پاك را در ذهن فرزندانتان جايگزين نماييد – و اتاقهايشان را با سليقه و روشي جذاب و دلپسند مرتب كنيد .

مراقب معاشرتها باشيد - چنانچه والدين بخواهند فرزندانشان پاكدامن بمانند بايد معاشرتهاي آنان را آنگونه كه مورد تاييد و نظر خداست تحت كنترل خود قرار دهند. والدين چگونه ميتوانند از فرزندانشان در مقابل بي بند و باري و سستي و عادات غير اخلاقي محافظت نمايند! پدران و مادران! آيا اهميت مسئوليتي كه به عهده داريد را درك ميكنيد؟ آيا به فرزندانتان اجازه ميدهيد كه با فرزندان ديگر معاشرت كنند بدون اينكه بدانيد كه چه رفتاري ياد ميگيرند؟ به آنان اجازه ندهيد كه با كودكان ديگر تنها باشند. مراقبت خاصي از آنان داشته باشيد. هر شب بدانيد كه در كجا هستند و چه ميكنند. آيا در رفتار خود پاك و سر به زير هستند؟ آيا آنها را به اصول پاك اخلاقي و رفتار شايسته راهنمايي كرده ايد؟ اگر از تعليم دادن به آنها كوتاهي نموده ايد نگذاريد كه روزهاي ديگري هدر برود. اقرار كنيد كه از اين امر مهم غفلت ورزيده ايد. سپس به آنان بگوئيد كه ميخواهيدآنچه را كه خدا براي شما تعين كرده انجام بدهيد. از آنان بخواهيد تا با شما در اين كار اصلاح و تاديب همكاري كنند. همسايگان ممكن است به فرزندان خود اجازه بدهند تا به خانه شما آمده و روز و شب را با فرزندان شما سپري كنند. اين يك آزمايش و يك انتخاب براي ماست. آيا بايد فرزندان همسايه را به خانه شان بازگردانده و آنان را برنجانيم و يا اينكه براي خشنود كردن آنان اجازه بدهيم تا با فرزندانتان معاشرت كنند و آنان را در معرض خطر قرار دهيم زيرا تاثير فرزندان ديگران و معاشرت با آنان لعنت خواهد. بود براي نجات دادن فرزندان از تباهي نبايد به آنان اجازه داده شود تا با هم در يك تخت بخوابند يا در يك اتاق با پسرهاي ديگر بمانند ولي اگر در جايي چادر زدند و بصورت گروهي تحت مراقبت ناظر بودند مشكلي نخواهد بود. سعي كنيد تا آنان را از ارتباط با پسرهاي بي ادب و خشن منع كنيد و انگيزه اي ايجاد كنيد تا آنان را در خانه خوشحال و شاد نگاه داريد. اگر دست و فكر آنان را مشغول بكاري كنيم آنگاه وقت يا حوصله بازي در خيابان و تعليم گرفتن از خيابان را نخواهند داشت .

در مقابل هواهاي نفساني سدي ايجاد كنيد- آنان كه خود را متعلق به خدا ميدانند و جسم و جان خود را متعلق به او ميدانند بايد در مقابل طغيانهاي نفساني سدي ايجاد كنند كه باعث تخريب و تباهي جسمي و روحي هزاران نفر ميشود. اگر علت واقعي جنايتها و خشونتهاي زمان را رد يابي كنيم مشاهده خواهد شد كه غفلت پدران و مادران نسبت به اين موضوع عامل اصلي آن است. زندگي و سلامتي قرباني شده و اسف بار خواهد بود.

والدين! اگراز وظيفه اي كه خدا بشما محول نموده كوتاهي كنيد در عاقبت بايد پاسخگو باشيد. نتايج اين موضوع تنها به فرزندان شما محدود نميشود. وقتي در زمين زراعي به يك بوته خار اجازه رشد داده ميشود هم محصول شما را تباه خواهد كرد و نه اينكه خود براي شما نفعي خواهد داشت. بنابراين گناهي كه نتيجه اهمال و بي توجهي شماست همه آنانيرا كه در داخل اين محيط قرار دارند را تباه ميكند .

ذهنها را با تصويري از خلوص و پاكي پر كنيد- زندگي مسيحي پرهيزگاري و خويشتنداري دائمي است. اين درسي است كه از دوران طفوليت بايستي به كودك داده شود. به آنان آموزش دهيد كه آنان بايستي پاكي و خلوص را در قلب و فكر خود اعمال كنند زيرا كه آنان متعلق به خدا هستند و با قيمتي كه با خون گرانبهاي فرزند گرامي او يعني عيسي مسيح خريداري شده اند. اگر در زمانهايي كه افكار لطيفي دارند انديشه هاي آنان را از تصاويردلپسند حقيقت و از پاكدامني و نيكي پر كنند احساسي شكل خواهد گرفت كه خالص و متعالي است و پندار آنان بسادگي تباه يا آلوده نخواهد شد. در حاليكه اگر مسير مخالفي دنبال شود و اگر والدين دائما انديشه هاي پست را در سر بپرورانند - اگر گفتگوهايشان حول خصلتهاي زشت و بد طينتي باشد - اگر آنان به گلايه و بدگوئي كه ديگران سبب شده اند عادت كنند – آنگاه خردسالان از حرفها و اهانتها درس مي آموزند و اين الگوي مهلك را دنبال خواهند كرد. شرارت اثر خود را گذارده و مانند لكه هاي جذام در آخرت به آنان خواهد چسبيد. بذر كاشته شده در طفوليت با مراقبت و خداترسي مادر به درختهاي عدالت مبدل شده كه شكوفه داده و بار آور خواهد شد و پندها و احكام پدر خداترس، الگويي خواهد شد كه مانند يوسف بزودي محصول فراواني را در آينده خواهد داد...

**بخش 6**

**دروسي عملي در زمينه عفاف و درستكاري**

**فصل بيستم**

**مفيد بودن**

به كودكان كمك كردن و مفيد بودن را آموزش دهيد- كودكان بايد در مدرسه خانگي ياد بگيرند كه چگونه كارها و وظايف روزانه را انجام دهند. در سنين كودكي، مادر بايد كار كوچكي را به آنان محول كند تا هر روز انجام دهند. اگر آن كار كوچك را خود مادر انجام دهد مسلما" وقت كمتري خواهد برد ولي مادر بايد بياد داشته باشد كه بايد مفيد بودن را در شخصيت كودك بنا نمايد. كودك بايد بخاطر داشته باشد كه خانه مانند مدرسه است و مادر سر معلم. اين وظيفه اوست تا فرزندان را تعليم دهد كه چگونه وظايف خانه را سريع و با مهارت انجام دهند. در مراحل آغاز رشد بهتر است كه كودكان سريعا ياد بگيرند تا بار مسئوليت را در خانه بر دوش بگيرند. در كودكي، پسران و دختران بايد ياد بگيرند تا بارهاي سنگين و سنگينتري را با هوشياري و با كمك در كارهاي خانه بر عهده بگيرند.

مسلط بودن بر خطاهاي كودكانه- هزاران نفر در خانه هايشان تقريبا بدون تعليم رها شده اند. "يك مادر ميگويد اينكار درد سر است". "من ترجيح ميدهم كه خودم اين كارها را انجام بدهم و تو مايه زحمت هستي". آيا مادر بياد نمي آورد كه خود كم كم اين كار ها را ياد گرفت تا منبعد كمك دست باشد؟ اين اشتباه است تا از تعليم كودكان خودداري كنيم. اين كودكان را در كنارتان نگاه داريد. بگذاريد از شما سوال بپرسند و با صبوري به آنان پاسخ بدهيد. به كودكانتان كاري را براي انجام دادن بسپاريد. و بگذاريد كه آنان به تصور اينكه به شما كمك ميكنند خوشحال شوند. وقتي كه سعي ميكنند كاري را بطور شايسته انجام دهند نبايد آنان را از خودتان برانيد. اگر اشتباهي كردند- اگر اتفاقي افتاد و چيزي شكست آنان را سرزنش نكنيد. تمام زندگي آينده آنان بستگي به تعليمي است كه شما در اوان زندگيشان به آنان ميدهيد. به آنان تعليم دهيد كه همه استعدادها و تواناييهاي جسمي و فكري به آنان داده شده تا از آن استفاده كنند كه همه آن استعدادها متعلق بخداست كه براي خدمت در راه او به ما به امانت سپرده شده است. خداوند به بعضي از اين كودكان پيش آگاهي از اراده خود را داده است. والدين و معلمان! آموزش به فرزندانتان را زود هنگام شروع كنيد تا استعدادهاي خدادادي پرورش يابند .

بگذاريد تا كودكان در مسئوليتهاي خانه شريك شوند- زندگي كودكانتان را مطبوع و دلپسند كنيد و در همان زمان به آنان ياد بدهيد تا مطيع و مفيد باشند و همچنان كه شما بار سنگيني را حمل ميكنيد بار كوچكي را حمل كنند. عادات سخت كوشي را به آنان تعليم دهيد تا خصم شرير ذهن آنان را كارگاه خود نسازد. به فرزندانتان چيزي بدهيد كه به آن فكر كنند تا شايسته اين زندگي و زندگي آخرت گرديده و مفيد فائده باشند. كودكان از سالهاي اوليه زندگي شان بايد ياد بگيرند تا مسئوليتهاي خانه را بر دوش بگيرند. آنان بايد ياد بگيرند كه وظايف متقابل و دوطرفه است. به آنان بايد تعليم داده شود كه سريع و تميز كار كنند. اين تعليم براي ساليان سال ارزش بزرگي برايشان خواهد داشت. هر عضو خانواده بايد درك كند كه تنها قسمتي از كار را در اتحاد عمل با ديگران بعهده دارد. همه كودكان از شش ساله به بالا بايد بفهمند كه آنان ملزم شده اند تا در انجام مسئوليتهاي زندگي شريك شوند.

مرجعي از تجربه و خوشي- مهم است كه پدران و مادران، فرزندان خود از دوران طفوليت ارشاد كنند. آنان بايد مطيع بودن را آموزش دهند: "پدر و مادرخود را احترام نما تا روزهاي تو در زميني كه يهوه خدايت بتو ميبخشد دراز شود". وكودكان همچنانكه در طي ساليان رشد ميكنند بايد قدردان توجهات و مراقبتهاي والدين باشند. آنان بايد خوشي عظيم را در كمك به پدر و مادر خود بيابند .

كارهاي جزيي بايد جذاب بنظر بيايند- چنانچه به كودكان تعليم داده شود تا وظايف روزانه را هر چقدر هم كه آن كار محقر باشد بعنوان اراده و خواسته خدا ببينند آنگاه اين كارهاي محقر به آنان خواهد آموخت تا صادقانه و كارآمد بديگران خدمت كنند در نتيجه كار آنان خوشايندتر و مايه افتخار خواهد بود. در انجام كارها چنانچه هر وظيفه را براي رضاي خدا انجام بدهيد حتي حقير ترين كار جالب و جذاب بنظر خواهد رسيد و كساني كه در زمين كار ميكنند به كروبيان ميپيوندد كه در آسمان اراده خدا را بجا مي آورند. و در هر كجا كه تصدي داريم بايستي وظايف خود را صادقانه تر انجام دهيم همانگونه كه فرشتگان در آسمان انجام ميدهند.

**فصل بيست و يكم**

**حرفه و پيشه**

كار و حرفه مفيد مامن مطمئني براي جوان است- كودكاني كه به پشتكار داشتن و سخت كوشي عادت كرده اند از همه ساعتهاي خود با خوشي بهره گرفته و تمايلي به شكايت و گله ندارند و زماني براي بيهوده وقت تلف كردن و خيالبافي باقي نميگذارند. آنان كمتر در معرض خطر شكل گيري عادتها و معاشرتهاي نادرست خواهند بود .

كار و پيشه ارزش بيشمار دارد. كودكان بايد تعليم داده شوند تا كاري مفيد انجام دهند. بيش از حكمت بشري لازم است كه والدين درك كنند كه چگونه بهترين تعليم و تربيت را براي كودكانشان فراهم سازند تا زندگي مفيد و شادي در اين جهان داشته و خدمات متعالي تر و خوشي عظيمتري براي حيات اخروي ئتشته باشند .

وظايف با اقتضاي سن و توانايي تعين شود- كودكان از زمان طفوليت بايستي بياموزند تا كارهايي را انجام دهند كه به مقتضاي سن و توانايي آنان باشد. والدين از حالا بايد فرزندانشان را تشويق كرده تا بيشتر مستقل باشند. مشكلات جدي تري در اين كره خاكي مشاهده خواهد شد و كودكان بايد بطريقي آموزش داده شوند كه توان مقابله با آنرا داشته باشند.

بفرزندان خود آموزش دهيد تا مفيد و كارآمد باشند تا بارهاي مسئوليت را مطابق با سن و سالشان بدوش بگيرند آنگاه عادت به كاركردن دومين عادت طبيعي آنان خواهد شد و كارهاي مفيد هرگز جان كندن و پر زحمت تلقي نخواهند شد .

حاصل بيهودگي و بطالت- رها كردن فرزندان در بيهودگي و بطالت گناهي بزرگ است و تقصير اين بي مسئوليتي متوجه والدين خواهد بود كه در وظيفه خدادادي خود بي مبالاتي ورزيده اند. زيرا كه كودكان بزودي خواهند آموخت تا از بيهودگي لذت برده و هنگامي كه بزرگ شدند بي دست و پا بوده و مردان و زنان بي فايده و بي كفايتي بار خواهند آمد. وقتي كه آنان به اندازه كافي بزرگ شده تا شغلي بدست آورده و پول در بياورند با سستي و تنبلي كار ميكنند و فكر ميكنند كه به آنان حقوقي پرداخت خواهد شد كه گوئي آنان در كار امانتدار و با صداقت و سختكوش بوده اند. تفاوتي بين اينگونه كارگران تنبل و آن فردي است كه درك کرده تا ناظر وفاداری13 باشد. جوانان در هر كاري كه جذب شوند بايد "در كارسخت كوش بوده و با شور و حرارت در روح ، پروردگار را خدمت كنند". كسي كه در كار خود وفادار نيست برايش فرقي ندارد كه كار كوچك يا بزرگ باشد چون در اصل وفادار نخواهد بود. كودكاني كه در خانه تعليم مناسب ديده باشند را نميتوان در گوشه و كنار خيابان ديد. والديني كه فرزندان خويش را دوست دارند نسبت به آنان حساس بوده و به آنان اجازه نخواهند داد تا تنبل بار آمده و ندانند كه چگونه وظايفشان را در خانه انجام دهند. جهل و ندانم كاري براي خدا پذيرفته نيست و براي انجام كارهاي او نا مطلوب است.

استفاده خردمندانه از وقت و زمان- تنبلي كار شيطان است و او با وسوسه هاي خود زندگي و شخصيت را ضايع ميكند. اگر جوانان تربيت نشوند تا كارگراني مفيد باشند، خواه ثروتمند باشند يا فقير، در معرض خطر خواهند بود و شيطان آنان را بكار خواهد گمارد. جواناني كه با اصول و احكام محصور نشده باشند وقت و زمان را بعنوان خزانه گرانبها ارج نمينهند. و زمان امانتي است كه انسان بايد براي آن به خدا حساب پس بدهد. كودكان بايد آموزش داده شوند تا از تمامي وقت خود بخوبي استفاده كنند و براي پدر و مادر خود كمك دست بوده و بخود متكي باشند. به آنان نبايد اجازه داده شود تا خودشان را بالاتر از هر كاري كه بايد انجام دهند تصور كنند. ارزش زمان فراتر از محاسبات است. وقت بر باد رفته را هرگز نميتوان بازيافت... بهبود و اصلاح لحظه هاي به هدر رفته در اصل حفظ كردن گنجينه است. (وقت طلاست) و(جلوي ضرر را از هر كجا كه بگيريد غنيمت است).

بر عادات كاهلي و تنبلي غلبه يابيد- خداوند در كلام خويش برنامه اي را براي آموزش كودكان مشخص كرده و والدين بايد از اين برنامه پيروي كنند. آنان بايد كودكان خويش را آموزش دهند تا بر هر گونه عادت سستي غلبه يابند. به هر كودك بايد تعليم داده شود كه او بايد كاري را در اين جهان انجام دهد .

درخت مسيحيان ميوه هاي سستي و تنبلي را ببار نمي آورد. تنبلي لعنت عظيمي است. خداوند انسان را با تارهاي عصبي- اندام و عضلات بركت داده است و آنها اجازه نخواهند داشت تا بخاطر بيهودگي و ركود زوال يابند بلكه بايد با ورزش و تمرين تقويت شده و سالم بمانند. رخوت و سستي بدبختي بزرگي است زيرا بطالت براي بشر هميشه لعنت بوده و خواهد بود. فرزندان! هرگز ثابت نكنيد كه در كارهاي خانه مباشري بي انصاف14 هستید. از وظایف خود شانه خالي نكنيد. كار خوب و سخت باعث قوي شدن رگ و پي و عضلات شما خواهد شد. در پيشرفت و رونق گرفتن امور خانه بركت گرانبهايي را براي خود به ارمغان خواهيد آورد.

چرا كار قبل از بازي؟ مادران كار كردن را به فرزندان خود ياد ميدهند. خيلي از كودكان از مادر خود ميپرسند چرا بايد قبل از بازي اينهمه كار كنيم؟ كار براي تعليم و تربيت ذهن شما خوب است تا ياد بگيريد كه بايد كارگران مفيدي باشيد و مهم تر از همه اينكه از شيطنت بدور باشيد. آنگاه وقتي كه بزرگتر شديد معني اين تعليمات را بخوبي درك كرده و از مادران و پدران خود تشكر خواهيد نمود. زماني خواهد رسيد كه يكي از دختران كوچكتان بپرسد: (كي قلاب بافي را ياد گرفتي و شما پاسخ خواهيد داد وقتي كه مثل شما كودك بودم).

ارزش برنامه ريزي روزانه- تا آنجا كه ممكن است بايد توجه شود كه چه كاري ميبايستي در طول روز انجام شود. وظايف گوناگون را در دفتر يادداشت خود بنويسيد تا بدانيد كه موعد چه كاري فرا رسيده و چه كاري را در طول روز انجام داده ايد. و براي كارهايتان برنامه ريزي و زمان بندي كنيد. هر چيزي بايد بطور كامل و مرتب و سريع انجام شود. اگر كارهاي زيادي براي انجام شدن داريد پنجره ها را باز بگذاريد تا اول خانه هواگيري شود و پرده ها را باز كنيد تا روشنايي نور بدرون خانه بتابد و حتما سعي كنيد تا لباسهايتان را در معرض آفتاب قرار دهيد. هوا و آفتاب دو عنصر حياتي هستند كه هم براي سلامت جسمي موثرند و هم در ضد عفوني كردن و كشتن باكتريها عامل مهمي هستند. وسوسه نشويد تا مجله بخوانيد و يا اينكه دقايقي را پشت كامپيوتر15 براي خواندن اخبار يا اي ميل بگذرانيد بلكه بخودتان بگوئيد " نه! زمان زيادي باقي نمانده و اول بايد كارها را انجام دهم" .

آناني كه بطور طبيعي كند هستند بهتر است سعي كنند تا فعال شوند. سريع و چابك و پر انرژي باشيد و سخن حواري را بياد بياوريد: "در سعي و تلاش سستي نكنيد و با روحيه بكار خود مشغول گرديده و خداوند را خدمت كنيد" (روميان 12:11).

اگر نوبت شماست تا غذا درست كنيد با دقت محاسبه كنيد و با وقت كافي غذا را تهيه كرده و در زمان مناسب آنرا بر سر سفره بطور مرتب بچينيد. آماده كردن غذا پنج دقيقه زودتر از زمان مقرر بهتر از پنج دقيقه دير تر است. ولي اگر آهسته هستيد و عادت داريد تا آرام كار كنيد وكار خود را طولانيتر انجام ميدهيد بهتر است خود را موظف كنيد تا شيوه خود را اصلاح و سريعتر كار كنيد. چنانچه بخواهيد ميتوانيد برعادات وسواس و درنگ در كار غلبه يابید. در شستن ظروف باید مراقب باشید و سریع16 کار کنید. (البته مواظب باشيد با سرعت بخشيدن بكار خود ظرفها را نشكنيد) براي انجام اين كار تمرين كنيد و بر سرعت دستهاي خود بيفزائيد.

توام كردن نيروي جسمي و ذهني- وقتي نوجواني براي تحصيل به كالج و يا دانشگاهي ميرود ميگويد كه مادرم بمن گفته كه نبايد ظرف هايم را بشويم به او ميگوييم خوب پس به هزينه تحصيلت اضافه ميشود تا ديگران ظرفهايت را بشويند. آنگاه نوجوان ميگويد نه مادرم گفته كه اصلا" حاضر نيست هيچ هزينه اضافي را تقبل كند . پس به او ميگوئيم كه خوب لا اقل صبح زودتر از خواب بيدار شو و خودت اينكار را انجام بده. خدا هرگز برنامه اي تنظيم نكرده تا ما منتظر و معطل ديگران باشيم. در عوض اينكه مادرتان از خواب بيدار شود و بشما صبحانه بدهد شما بايد اول كسي باشيد كه ميگويد مادر صبح زودتر از خواب بلند نشو و من صبحانه را درست ميكنم. و در انجام كارهاي خانه بگوئيد كه ما اين وظيفه را تقبل ميكنيم و آنرا انجام ميدهيم. شما بايد به كساني كه مويشان سفيد شده است اجازه بدهيد كه در صبح استراحت كنند .

چرا اينطور نيست؟ مشكل در كجاست؟ اين مشكل والدين است كه اجازه ميدهند تا فرزندانشان بدون اينكه بار خانواده را بر دوش بگيرند تنبل و بي عار بار بيايند. وقتي كه اين كودكان به مدرسه ميروند ميگويند مادرم بمن گفته كه كار نكنم. چنين مادراني حماقت ميكنند. آنان فرزندان خويش را ضايع ميكنند و سپس آنان را بمدرسه ميفرستند تا مدرسه را ضايع كنند. كار بهترين انضباطي است كه ميتوانند داشته باشند. اين كار برايشان سخت تر از كار مادر نخواهد بود. كار جسمي را با فكر توام كنيد و خواهيد ديد كه نيروي ذهني بهتر رشد خواهد كرد .

راه و روشها را تدبير كنيد- والدين بايد راه و روشها را تدبير كنند براي اينكه فرزندان خويش را كارآمد بار بياورند. به كودكان قطعه كوچكي از باغچه را بدهيد تا در آن كشت و زرع كنند تا در حيني كه كار ميكنند بياموزند كه از محصول خود بايد بديگران هم بدهند. بگذاريد تا به هر طريقي كه شده بشما كمك كنند و به آنان نشان دهيد كه قدردان كمك آنان هستيد. بگذاريد تا احساس كنند كه عضوي از اعضاي شركت در خانواده هستند. به آنان تعليم دهيد تا فكرشان را بكار برند تا هر چقدر كه ممكن است برنامه ريزي كنند و در كارشان سريع و چابك باشند. از اينرو صرفه جويي در وقت را ياد گرفته و از دقايق براي كاري كه به آن اختصاص داده شده بهره گيرند .

كار شريف است- بگذاريد تا به كودكانمان تعليم تا با دستان كوچك و و كم توان خود بما كمك كنند. بر ذهنشان تاثير بگذاري د تا بفهمند كه در واقع كار شريف است و در آسمان بود كه كار به انسان محول گرديد. اين امر براي رشد و سلامت ذهن و جسم بعنوان يك ضرورت در باغ عدن به آدم مقرر گرديد. به كودكان تعليم دهيد هنگاميكه با سخت كوشي كار كنند آنگاه تفريحات سالم بيشتر براي آنان لذتبخش خواهد بود .

**فصل بيست و دوم**

**پشتكار و مداومت**

رضامندي با كار كامل ميشود- كودكان اكثرا بخشي از كار را با شور و حرارت شروع ميكنند اما زود خسته يا پريشانحال ميشوند و ميخواهند كار خود را تغيير داده و كاري جديد را شروع كنند. پس به چند كار ميپردازند و نوميد شده و رهايش ميكنند و از اين شاخه به آن شاخه ميپرند و هيچ كاري را كامل انجام نميدهند. والدين نبايد اجازه دهند تا فرزندانشان تغيير پذير باشند و بايد آنان را كنترل كنند. والدين نبايد خود را چنان درگيركنند كه زمان لازم را براي منضبط كردن و پرورش فكري فرزندانشان نداشته باشند. كلام تشويق كننده يا كمي مساعدت در زمان مقتضي ميتواند آنان را از مشكل و نوميدي برهاند و موجب رضايتمندي از كامل شدن كاري كه بعهده گرفته اند خواهد شد و آنانرا براي انجام كارهاي ثقيل تري تهييج خواهد نمود.

بسياري از كودكان در تلاشهايشان دلسرد ميشوند زيرا كسي آنان را تشويق و يا كمك نميكند و بهمين جهت از يك شاخه به شاخه ديگر تغيير جهت ميدهند. و اين كار غم انگيز را در دوران جواني نيز انجام ميدهند. آنان از توفيق به هر كاري ناكام ميمانند زيرا به آنان تعليم داده نشده است تا در شرايط سخت و مايوس كننده مداومت داشته باشند. بنابراين بسياري از افراد در تمام طول عمر شكست را تجربه ميكنند بخاطر اينكه در نوجواني انضباط صحيح كسب نكرده اند. تعليم و تربيت كودكان و نوجوانان بر تمامي دوره شغلي آنان تاثير خواهد گذاشت.

راحت طلبي و تنبلي به آينده نيز موكول ميشود- كودكان ناز پرورده كه پيشخدمت داشته اند هميشه پر توقع هستند و چنانچه انتظاراتشان برآورده نشود نوميد و دلسرد ميشوند. اين خلق و خو در تمامي دوران زندگي آنان نيز ديده ميشود و آنان درمانده و عاجز خواهند بود و بديگران تكيه نموده و انتظار كمك و مرحمت ديگران را دارند. انتظار دارند تا ديگران به آنان مرحمت كنند و خود را تسليم آنان ميكنند. و اگر با آنان مخالفت بشود حتي وقتي كه بزرگ شده باشند فكر ميكنند كه با آنان بد رفتاري شده است و بدينگونه نگران مسير خود در تمام دنيا هستند و بسختي قادر خواهند بود تا بار خود را تحمل كنند و اغلب شكوه بر لب مي آورند و كج خلقي ميكنند چون هيچ چيزي بر وفق مراد آنان نيست .

عادات درست انجام دادن و سريع العمل بودن را پرورش دهيد- فرزندان بايد از مادر عادات مرتب بودن، درست كار انجام دادن و چابك بودن در كار را ياد بگيرند. اگربراي كاري نيم ساعته دو ساعت وقت بگذارند آنگاه به تعلل و تاخير در كار عادت خواهند كرد. عادات حرفه اي بودن در كار و درست انجام دادن كار در واقع بركات ناگفته اي به جوانان است بمجرد اينكه بزرگتر شده و وارد مدرسه بزرگتر زندگي شوند .

مشاوره مخصوص براي دختران- عيبي در دختران است كه به زبان درازي عادت دارند و وقت گرانبهاي خود را در صحبت كردن به چيزهاي بي ارزش ميگذرانند. توجه بي اندازه دختران به حرافي باعث ميشود تا از كار خود عقب بمانند. اين موضوعات، كوچك و بي ارزش تلقي ميشوند. بسياري از افراد با چيزهايي كه كوچك و بي اهميت تلقي ميشوند اغوا شده اند. چيزهاي كوچك ارتباط مهمي با چيزهاي بزرگ دارند. خداوند نسبت به چيز يهاي كوچك كه وابسته به سعادت خانواده بشر است بي اعتنا نيست .

اهميت چيزهاي كوچك- هرگز چيزهاي كوچك را كم اهميت و ناچيز نشماريد. چيزهاي كوچك انضباط را در زندگي تامين ميكنند. بوسيله چيزهاي كوچك جان تعليم داده و شده پرورش يافته تا شبيه مسيح يا اينكه شبيه شرير بشود. خداوند بما كمك ميكند تا عادات پندار- گفتار- كردار و نگاه كردن را پرورش داده و به آن عمل كنيم كه شهادت ي خواهد بود كه پيروان عيسي بوده و از او درس آموخته ايم .

اشتباهات تجربه هايي هستند كه پس از اصلاح مانند پله هاي محكم نردبان خواهند شد- كودك و نوجوان بايد ياد بگيرد كه بر هر اشتباه - كاستي و هر مشكلي فائق آيد مانند پله هاي محكم نردباني كه براي صعود با اطمينان از آنها بالاميرويم. افراد موفق با اصلاح اشتباهات خود از پله هاي ترقي صعود بالا رفته اند . بايد از اشتباهات خود پند بگيريم و مسير خود را اصلاح كنيم تا به موفقيت دست يابيم .

**فصل بيست و سوم**

**پرهيزگاري، تواضع، با فكر و ملاحظه بودن**

درسهايي كه براي هر خانه اي لازم است- در هر خانه اي بايد درسي از تقوي و پرهيزگاري آموخته شود. پدران و مادران، به فرزندان خود مقتصد بودن را ياد بدهيد. آنان را تشويق كنيد تا پول خرد هاي خود را براي كارهاي شايسته پس انداز كنند. مسيح الگوي ماست. براي خاطر ما بود كه او فقير شد تا ما با فقر او غني بشويم. او آموخت تا همه بايد با محبت و اتحاد گرد هم آيند و كار كنند همانطوري كه او كار و از خود گذشتگي كرد و مانند فرزندان خدا بيكديگر محبت كنند .

درس ترك نفس و رها شدن از خودپسندي را فرا گرفته و به فرزندان خود آنرا بياموزيد. ترك نفس بايد در هر كاري رعايت شود. رنجديدگان بايد از رنج خلاصي يابند - عريان بايد پوشيده شود- گرسنه اطعام گردد و حقيقت بايد براي آنانيكه آنرا نميدانند اكنون گفته شود.

فداكاري بايد عادت هميشگي بشود – با ارائه اصول اخلاقي و الگوي مناسب، خويشتنداري - مقتصد بودن، سعه صدر و خوداتكائي را تعليم دهيد. هر كسيكه باطن و شخصيت درستي داشته باشد از عهده مشكلات بر خواهد آمد و خواهد گفت "خداوند چنين فرموده است". انسانها تعهد خود را نسبت به خدا درك نميكنند. و در مدرسه مسيح خواهند آموخت تا يوغ او را با فرمانبرداري بدوش بكشند. اولين كار ما در اقامه حقيقت عادت كردن به فرمانبرداري است. اين بخش واجبي از تعليم و تربيت است. اگر خانه اي جاوداني در آسمان ميخواهيد بايد پيوسته فداكاري كنيد تا شخصيت و باطن شما بنا گردد و از خودگذشتگي برايتان مانند عادت شود .

قلك انكار نفس- كودكان بايد طوري آموخته شوند كه نفس خود را انكار كنند. زماني در شهري سخنراني ميكردم خداوند نوري را در ذهنم روشن ساخت كه در هر خانه اي بايد يك قلك انكار نفس وجود داشته باشد و كودكان بايد ياد بگيرند تا پول خردهاي خود را در آن بريزند در غير اينصورت آن را براي شكلات و چيزهاي غير ضروري مصرف ميكنند... در اينصورت جاي خودخواهي و بركت با هم عوض ميشود و در آينده كودكان ميتوانند از آن استفاده مفيدتري ببرند .

وقتيكه كودكان پول خردهاي خود را در اين قلك ها بريزند به بركات عظيمي نائل خواهند شد... هر عضوي از خانواده از پير تا جوان بايد ترك خودخواهي را تمرين کند.

كودكان نبايد مركز توجه قرار گيرند- كودكان بين دو تا چهار سال نبايد تشويق شوند تا هر چيزي را كه خواستند به آنان داده شود. والدين بايد به آنان درسهاي پرهيز و خويشتنداري را ياد بدهند و هرگز نبايد با آنان طوري رفتار شود كه خود را كانون توجهات حس كنند.

بسياري از كودكان خودخواهي را از اولياي خود به ارث برده اند ولي والدين بايد ريشه آنرا جستجو كنند و ريشه هاي كوچك اميال شرارت را از طبيعت آنان بيرون بياورند. مسيح بسياري از خودخواهان و طماعان را ملامت كرد. والدين بايد در ابتداي بروز خصوصيات خودپسندانه چه در حضور آنان يا هنگاميكه در جمع بچه هاي ديگر هستند اين خصيصه فرزندان خود را مهار كرده و آنرا ريشه كن كنند. برخي از والدين زمان زيادي را صرف توج و ه سرگرم كردن فرزندان خود ميكنند ولي كودكان بايد بياموزند تا خود را سرگرم كنند و از خود نبوغ و مهارت نشان بدهند. و بدينگونه آنان خواهند آموخت تا از هر سرگرمي و تفنن ساده اي راضي و قانع باشند. به آنان بايد تعليم داده شود تا شجاعانه سختي ها و نوميدي هاي كوچك را تحمل كنند. والدين بجاي توجه به دردهاي جزيي بايد افكار آنان را به چيزهاي ديگري منعطف كنند و بياموزند كه بايد از اين آزردگي هاي كوچك يا بي ارزش بگذرند.

فراموشي نفس فيض و هديه الهي است - يكي از خصوصياتي كه بايد هر كودكي بطور ويژه قدر آن را بداند فراموشي نفس است كه اين فيض ناخودآگاهي است كه به زندگي اعطا ميشود. زيباترين فضيلت شخصيت ي فراموشي نفس است و براي داشتن زندگي واقعي از شروط ضروري است .

مطالعه كنيد كه چطور به كودكان ياد بدهيد تا نسبت به ديگران با ملاحظه و با فكر باشند. جوانان بايد در ابتدا ا به طاعت و پرهيزكاري و احترام خو گرفته و ملاحظه ديگران را بكنند. آنان بايد ياد بگيرند تا بر خشم خود غلبه يافته تا از ابراز كلام احساساتي خودداري كنند و ادب و متانت و خويشتنداري را از خود آشكار كنند .

والدين بايد با احتياط فرزندان خود را اداره كنند تا اينكه هر گونه ميل و گرايش به خودپسندي را بي اثر كنند! آنان بايد بطور دايم راههايي را پيشنهاد كنند كه فرزندانشان نسبت به ديگران با ملاحظه باشند و ياد بگيرند كه غمخوار و كمك دست پدران و مادران خود باشند همانگونه كه آنان براي فرزندان خود چنين بوده اند .

**فصل بيست و چهارم**

**اقتصاد و صرفه جويي**

عادات عجيب نامعقول را از خود دور سازيد- به فرزندان خود ياد بدهيد كه خدا مالك همه آنچيزهايي است كه در تصرف دارند و هيچ چيزي نميتواند اين ادعا را باطل كند و تمام چيزهاييكه دارند امانت است و آنان بايد ثابت كنند كه فرمانبردار خدا هست . ند پول يك دارايي مورد لزوم است و نبايد خرج كساني شود كه به آن نياز ندارند. شايد فردي نيازمند هديه شما باشد... اگر شما عادات اسرافكاري و نامعقول داريد آنرا هر چه سريعتراز زندگي خود دور كنيد. مگر اينكه بخواهيد با اسرافكاري و ولخرجي براي هميشه ورشكسته بشويد. عادات مقتصد بودن، سختكوشي و اعتدال در اين دنيا هداياي طبيعي هستند كه بهتر از يك گنجينه گرانبها براي فرزندانتان خواهد بود .

فرزندان خود را راهنمايي كنيد كه مقتصد و صرفه جو باشند- ما بايستي مراقب باشيم تا وقت گرانبها و پول خود را غير معقول خرج نكنيم. خيلي چيزها ممكن است خوب يا تجملي باشند ولي بايد از خرجهاي بيهوده كه نان و آب نميشوند خودداري ورزيم. ممكن است كه كارهاي اساسي براي شهرهايمان نياز ضروري باشد. هر كسي بايد سهمي در كار خدا داشته باشد. والدين بايد فرزندانشان را در دروس اقتصاد و صرفه جويي راهنمايي كنند تا اينكه اعضاي جوانتر گروه ياد بگيرند تا براي حمايت از كارهاي خدا احساس مسئوليت كرده و سهم خود را ايفا نمايند .

محبت با افراط و تفريط و ولخرجي ابراز نميشود- عقل معاش و اقتصادي بودن را در خانه تمرين كنيد. خيلي از بتها گرامي داشته شده و پرستيده شده اند. بتهاي خود را كنار بگذاريد. خوشي هاي خودپسندانه را رها كنيد. خانه هاي خود را با چيزهاي نامتعارف و غير ضروري تزيين نكنيد زيرا كه اين پول متعلق به خداست. براي خاطر مسيح پول خدا را براي خشنود كردن فرزندان خود صرف چيزهاي تفنني و بيهوده نكنيد. به آنان ياد ندهيد تا براي همرنگ جماعت شدن بدنبال سليقه و تظاهر و خودنمايي باشند... به فرزندان خود آموزش ندهيد تا فكر كنند كه محبت شما بايد براي غرور و چيزهاي عجيب و غريب و تظاهر و خودنمايي ابراز شود. اكنون فرصتي باقي نمانده تا براي بكار بردن پول راههايي را ابداع كنيم. استعداد و قريحه مبتكرانه شما بايد طوري بسط داده شود تا اقتصاد و درست خرج كردن را رعايت كنيد.

درس مسيح در مورد اقتصاد- حكايت اطعام پنج هزار نفر در آن زمان براي زماني كه شرايط اقتصادي حادي وجود دارد قابل اعمال است. مسيح با معجزه و سير نمودن جمعيت گرسنه مراقب بود تا غذاي باقيمانده حرام نشود. او به حواريون خود فرمود خرده هاي نان را جمع آوري كنيد كه هيچ چيزي تلف نشود. گرچه مرجع و سرچشمه آسماني تحت اختيار او بود ولي تحمل نميكرد كه حتي يك تكه نان حرام شود .

هيچ چيز مفيدي را دور نيندازيد- هيچ چيزي كه بتوان از آن استفاده كرد را نبايد دور انداخت. اين امر نياز به حكمت و توجه دائمي دارد. ناتواني براي ذخيره در چيزهاي كوچك دليلي است كه چرا تعداد بسياري از خانواده ها بخاطر كمبود ضروريات زندگي رنج ميبرند

هرگز نياموختند تا مقتصد و صرفه جو باشند- بايد براي خدا كارهاي زيادي انجام دهيم. مرداني كه پستهاي عالي را اشغال كرده اند در ارتباط با كار خدا شكست خورده اند زيرا هرگز نياموختند كه اقتصادي و صرفه جو باشند. آنان وقتي كه مشغول بكار شدند مخارج خود را با درآمد تعديل نكردند و عادت ولخرجي آنان باعث خسران در زندگيشان گرديد.

چگونه كاربرد درست پول را تعليم دهيم- هر كودك و نوجوان نه تنها بايد حل مشكلات فكري را ياد بگيرد بلكه حسابهاي خرج و دخل را نيز بايد نگاه دارد. او بايد استفاده درست از پول را ياد بگيرد. او بايد ياد بگيرد تا پولي را كه خودش بدست آورده و يا از والدين گرفته را در انتخاب و خريد لباس يا كتاب و ضروريات ديگر با حسابگري خرج كند و راه استفاده از پول را بياموزد .

ارزش نگاهداري از حسابها- كودكان وقتي كه خيلي كوچك هستند بايد خواندن و نوشتن و درك ارقام و اعداد و نگاهداشتن حسابهاي خودشان را ياد بگيرند. آنان ممكن است در فراگيري اين دانش قدم به قدم پيش بروند. بگذاريد كودكان نگاه داشتن حساب را ياد بگيرند. اين كار به آنها كمك خواهد نمود تا دقيق باشند. پسر ولخرج به مرد ولخرج تبديل خواهد شد. دختر خودبين و خود خواه نيز تبديل به چنين زني خواهد شد. ما بايد بياد داشته باشيم كه جواناني وجود دارند كه ما بايد جوابگوي نياز آنان باشيم. چنانچه فرزندان را به عادات صحيح پرورش دهيم از طريق آنان قادر خواهيم بود تا بر روي ديگران تاثير مثبت بگذاريم.

**بخش ٧**

**رشد ويژگيهاي مسيحي**

**فصل بيست و پنجم**

**سادگي**

سادگي طبيعي را آموزش دهيد- كوچكترها بايد در سادگي كودكانه پرورش يابند. آنان بايد ياد بگيرند كه از وظايف ساده و سودمند و لذات و تجربيات طبيعي زندگي راضي و خشنود باشند. كودكي مانند برگ ظريف حكايت است و برگ ظريف زيبايي خاص بخود رادارد. كودكان نبايد به بلوغ پيش از موعد وادار شوند ولي تا آنجا كه ممكن است بايد نشاط و ظرافت شباب را حفظ كنند. هر چه زندگي كودك ساده و بي تكلف باشد از هيجانهاي تصنعي در امان بوده و با طبيعتي موزون و متعادل توان جسمي و عقلي و روحاني مطلوبتري خواهد داشت. والدين با الگوي خويش بايد مشوق شكل گيري عادات سادگي و بي آلايشي باشند و فرزندان خود را از يك زندگي مصنوعي به يك زندگي طبيعي رهنمون سازند .

كودكان بي تكلف و ساده دلپسند هستند- كودكاني جذاب و دلپسند هستند كه طبيعي و بي آلايش باشند. با تعريف كردن از ظاهر و گفتار و حركات آنها نبايد مشوق غرور بيجا در آنها بشويم. و همچنين نبايد لباسهاي گران قيمت به آنها پوشاند تا رفتار خودنمايي از آنها سربزند. اين كار باعث غرور و افاده در آنان شده و حسادت را در دلهاي همنشينان آنها بيدار ميكند. به فرزندان خود بياموزيد كه زينت واقعي به ظاهر نيست. اول پطرس 3:3, 4 ميگويد: براي زيبايي به آرايش ظاهري نظير جواهرات و لباسهاي زيبا و آرايش گيسوان توسل نجوئيد بلكه بگذاريد باطن و سيرت شما زيبا باشد. باطن خود را با زيبايي پايدار يعني با روحيه آرام و ملايم زينت دهيد كه مورد پسند خداست.

راز دلربايي حقيقي- دختران بايد فرا گيرند كه دلربايي حقيقي زنانه تنها زيبايي شكل و شمايل نيست بلكه در فروتني و روح ملايم و آرام و شكيبايي است - در خيرخواهي و مهرباني و تمايل براي انجام كار و رنج كشيدن براي ديگران است. آنان بايد ياد بگيرند تا كار كنند- براي هدفي تحصيل كنند - زندگي كنند- براي مقصودي توكل به خدا كنند و از او بترسند و والدين خود را احترام بگذارند. سپس به مرور بيشتر رشد و ترقي خواهند نمود – اتكاء بنفس خواهند داشت – و محبوب تر خواهند گرديد و. چنين زني غير ممكن خواهد بود كه تنزل كرده و منحط گردد. او از وسوسه ها و كارهايي كه بسياري را به تباهي كشانده است خواهد گريخت .

بذرهاي غرور و خيره سري و بطالت- در بسياري از خانواده ها بذرهاي پوچي و بطالت در زمان طفوليت در قلبهاي كودكان كاشته ميشود. موذي گري ها و زيركي هاي كوچك آنان در حضورشان و در مقابل ديگران با اغراق و گزافه گوئي تكرار گرديده است. بچه ها به اين چيزها دقت ميكنند و باد غرور در سر مي اندازند و با خودستايي وسط حرف ديگران ميدوند و خود را جلو انداخته و گستاخي ميكنند. تملق و لطف بيش از حد غرور و بطالت و خودسري را پرورش ميدهد تا جائيكه اين بچه هاي كوچك بر خانواده خود كه شامل پدر و مادر ميشود حكومت ميكنند .

خلق و خوي شكل گرفته با اين نوع تربيت را نميتوان بكناري گذاشت خصوصا هنگامي كه كودك رشد كرده و به بلوغ برسد. خلق و خوي نامناسب با كودك رشد مينمايد و حيله گري ممكن است در كودك پديدار گشته و هنگامي كه رشد كرد به زن و مردي تبهكار تبديل ميشود. كودكان در پي تسلط بر وابستگان خود هستند و هر گونه امتناع به تسليم در برابر خواسته هايشان برايشان بعنوان توهين و آزردگي تلقي ميشود. برغم اينكه به آنان ياد داده شود كه متواضع بوده تا در سختي هاي زندگي بتوانند مقاومت كنند متاسفانه در نوجواني لوس و ننر بار آمده اند .

تحسين پروري نكنيد- كودكان به تقدير، همدردي و تشويق نيازدارند ولي بايد دقت داشت كه نبايد آنانرا با ستايشگري پرورش داد... اوليا و معلميني كه كمال مطلوب در شخصيت و احتمال نائل شدن به آن را در مد نظر دارند نه غرور و خود پسندي را ارج ميدهند و نه آنرا تشويق ميكنند. معلم ميل يا تلاش براي به نمايش گذاشتن توانايي و زبردستي را در جوانان ترغيب نخواهد نمود. كسي كه به جاي خود به خدا نگاه ميكند متواضع خواهد بود و با اينحال داراي شان و وقاري خواهد شد كه با چيزهايي كه مردم در باره او ميگويند تحت تاثير قرار نخواهد گرفت. او به تعريف و تمجيد مردم نيازي نخواهد داشت بلكه بدنبال تواضع و فروتني خواهد بود .

سادگي در غذا و لباس را تشويق كنيد- والدين وظيفه مقدسي براي اجراي تعليم فرزندان خود دارند تا بار مسئوليت خانه را بدوش گيرند از غذاي ساده راضي باشند و مرتب بوده و لباسهاي مناسبي بپوشند كه گران قيمت نباشد. مادران و پدران بايد درك كنند كه در مقابل خدا جوابگو هستند. با تربيت مناسب آنان اجتماع را تغيير خواهند داد. فرزندان نبايد با ستايش و نازپروري لوس و بد اخلاق بار بيايند يا اينكه با نوع لباس پوشيدن مغرور شوند.

بي آلايشي و توكل به خدا را تعليم دهيد- ما بايد به فرزندان خود درسهايي از سادگي و اعتماد به خدا را تعليم دهيم. بايد به آنان دوست داشتن و ترس و مطيع بودن در برابر پروردگار را آموزش دهيم. در تمامي برنامه ها و اهداف زندگي، جلال خدا بايد در وحله نخست قرار گيرد و محبت او بايد انگيزه اصلي و يا عامل اصلي هر فعاليتي باشد.

مسيح بعنوان الگوي ما- عيسي، منجي ما، با شكوه و مقام پادشاهي به اين زمين قدم نهاد با اينحال او قلبي متواضع و فروتن داشت. او نور و بركت براي هر خانه اي بود زيرا خوشرويي و اميد و شجاعت را با خود به هر جا ميبرد. ما ميتوانيم با چيزهاي كمتر قانع باشيم – چيزهايي كه بدست آوردن آنها سخت است – تنها بدنبال فروتني و روح آرام باشيد كه خدا آنرا فراتر از جواهرات و هر چيز ارزش مينهد. نعمت چيزهاي ساده و متواضعانه و مهر و محبت واقعي در خانواده است كه خانه را ببه هشت تبديل ميكند. بهتر است تا در خانه حتي با چيزهاي كوچك خوش و قانع بوده تا اينكه اصلا آرامش و رضامندي نداشته باشيم.

**فصل بيست و ششم**

**ادب و نزاكت**

ادب و متانت از خانه شروع ميشود – والدين! فرزندان خود را طوري تربيت كنيد كه در خانه آداب را رعايت كنند. به آنان تعليم دهيد تا نسبت به يكديگر با ملايمت و مهرباني رفتار كنند. اجازه ندهيد تا خودپسندي در قلبهايشان و در خانه تان جايي پيدا كند. جواني كه در گفتار و رفتار بي دقت و بي ادب رشد كند تربيت خانوادگي خود را آشكار ميكند. والدين اهميت مراقبت و نظارت را درك نكرده اند و محصولي را برداشت ميكنند كه خود آن را كاشته اند.

انتشار اصول آسماني- اصول آسماني بايد به قلمرو خانه آورده شود. هر كودكي بايد فرا گيرد تا مودب - با احساس و دلسوز- با محبت و ملايمت رفتار كند. شما اعضاي خانواده ملوكانه خدا هستيد. اعضاي خانواده ملوكانه با آداب و نزاكت ملوكانه در خانه رفتار خواهند نمود. هر عضوي از خانواده در پي اين خواهد بود تا اعضاي ديگر خانواده را خشنود و راضي نگهدارد.

آموزش توام با قاعده اخلاقي و الگوي خوب - فرزندان و همچنين بزرگترها در معرض وسوسه ها هستند و اعضاي مسن تر خانواده بايد براي آنان بعنوان اصول اخلاقي و الگو بوده و درسي از ادب و نزاكت و خوشرويي و دلسوزي و وفاداري نسبت به انجام وظايف روزمره باشند.

به بازنشستگان احترام بگذاريد- خداوند با حساسيت و بطور ويژه اي سفارش نموده تا به آناني كه بسوي كهنسالي پيش ميروند حرمت گذاشته شود. او در امثال سليمان 31:16 ميگويد: "عمر طولاني هديه اي است كه به نيكان داده ميشود و موي سفيد تاج زيبايي آنهاست" . اين داستاني از نبردها و پيروزيهاست - از تحمل سختيها و وسوسه هايي كه در برابر آن ايستادگي شده است. سخن در باره پاهاي خسته اي است كه بسوي استراحت پيش ميروند و مكانهايي كه بزودي خالي از تصدي ميشوند. به كودكان كمك كنيد تا در اين باره فكر كنند و آنان راه مسن تر ها را با مهرباني و احترام صافتر ميكنند و براي زندگي جوان خود زيبايي و فيض الهي را به ارمغان مي آورند و به اين فرمان توجه ميكنند كه ميگويد : "جلوي پاي ريش سفيدان بلند شويد به پيرمردان احترام بگذاريد و از من بترسيد زيرا من خداوند خداي شما هستم" .

مدارا و شكسته نفسي را تعليم دهيد- تكبر، خودبيني و گستاخي مشخصه هاي فرزندان امروزي هستند و آنان براي اين دوره زمانه لعنت بارمغان آورده اند ... مقدس ترين درس هاي شكسته نفسي و فروتني و افتادگي بايد در خانه و در مدرسه سبت به فرزندان آموخته شود. آيا به اين سخناني كه گفته شد توجه كرده و براي راهنمايي و هدايت ديگران آنرا بكار ميبريد؟ بگذاريد نوجوانان اين هشدار را دريافت كنند. به آنان بگوئيد كه در سخنانشان بيش از حد پيش نروند بلكه معتدل و كناره گير باشند. بگذاريد تا در شنيدن چيزهايي كه به منفعت جان آنان است گوش فرا گيرند و در سخن گفتن آرام باشند مگر اينكه براي اعتلاي نام عيسي و براي شهادت دادن به حقيقت باشد. فروتني انديشه را با اعتدال در سلوك و رفتار نشان دهيد.

حفاظي براي پاكدامني- گوهر گرانبها و پرارزش فروتني و اعتدال را گرامي بداريد... اين حفاظي است براي پاكدامني... حس ميكنم كه بر آن شده ام تا بواسطه روح خدا به خواهرانم اصرار كنم كه ادعاي دينداربودن را دارند بگويم كه فروتني و اعتدال در اخلاق و رفتار را رعايت و محتاط باشند تا حد و اندازه را نگاه دارند... آيا خواهران جوان آداب و نزاكت را مراعات ميكنند؟ والدين بهتر است تا اهميت تربيت صحيح فرزندان خود را احساس كنند. به فرزندانتان آموزش بدهيد تا اعتدال را رعايت و محافظه كار باشند.

برازندگي هاي حقيقي – فرزند برازنده معتدل و مطيع است – با دقت به سخنان هدايت كننده گوش فرا دهيد، تا با پاهاي راغب و دستهاي كوشا انجام وظيفه كنيد. و فرزند نيكوكار حتي در اين حيات اجر خود را خواهد يافت.

**فصل بيست و هفتم**

**خوشي و سپاس**

فضايي دلنشين در خانه- فراتر از هر چيز والدين بايد براي فرزندان خود فضايي را با خوشرويي- نزاكت و محبت ايجاد كنند. خانه اي كه محبت در آن ساكن است، خانه اي كه محبت در نگاه و گفتار و كردار هويداست و خانه اي كه فرشتگان از آشكار نمودن حضور خود از آن محظوظ هستند .

والدين بگذاريد تا نور محبت و خوشي و قناعت وارد قلبهايتان شود و بگذاريد تا رايحه خوش و مطبوع آن در خانه هايتان پخش شود. روح گذشت و مهرباني را آشكار كنيد و همين روحيه را در فرزندانتان تشويق كنيد و تمامي فيوضاتي را كه خانه هايتان را منور خواهد ساخت پرورش دهيد. فضايي كه بدينگونه بوجود آمده براي فرزندان، مانند هوا و نور براي گياهان جهان خواهد بود، كه سلامتي و نيروي ذهن و جسم را ترقي خواهد داد.

سيمايي خوشرو و بشاش داشته باشيد- در مذهب عيسي غمگساري نيست. گرچه بايد از سبكسري و بذله گوئي بطور جد پرهيز كرد ولي بايد همچون عيسي سيمايي دلپذير در چهره تجلي يابد. مسيحيان نبايد غمگين و افسرده و نوميد باشند. آنان بايد هشيار بوده با اينحال به ديگران خوشرويي و شادابي را نشان بدهند كه تنها بواسطه فيض ارزاني شده است.

فرزندان مجذوب رفتار و روي خوش هستند. به آنان مهرباني و نزاكت را نشان دهيد و آنان متقابلا روح مشابه را به شما و يكديگر آشكار خواهند نمود. به آنها خوشي وسپاسگزاري و قدردان بودن نسبت به محبت عظيمي كه خدا بما روا داشته است را تعليم دهيد... خوشروئي مسيحانه زيبايي قدوسانه اي است .

با كلام خوش و پسنديده سخن بگوييد - كلام خوش و مطبوع پر ارزش تر از گفتاري با كج خلقي و ترشرويي است. آيا دوست داريد تا با شما با كلامي تند و خشن صحبت شود؟ بياد داشته باشيد كه وقتي شما اين گونه صحبت ميكنيد ديگران حس ميكنند كه گزيده ميشوند... والدين بايد خدايي بودن را در خانه تمرين كنند. فرشتگان به خانه اي جلب نميشوند كه ناسازگاري و نزاع در آن حكمفرماست. به كودكان خود ياد دهيد تا با كلامي صحبت كنند كه ازدهان آنان بجاي آتش و تفرقه، دوستي و محبت بيرون بيايد.

ذهني شاداب ايجاد كنيد- كسي كه دائما" سپاسگزار است آن فرد يك مسيحي واقعي است. كساني كه در اين زندگي پرمشقت از شادي لذت ميبرند، در واقع پيروان وفادار عيسي مسيح هستند. اين وظيفه فرزندان خداست تا بشاش و شاداب باشند. آنان بايد شادي را در محيط خود تشويق كنند. كساني كه دايما در غمگساري و زير ابرهاي تيره و تار زندگي ميكنند نميتوانند خدا را جلال دهند. آنان بايد چهره اي بشاش داشته باشند. كودكان از غمگيني و دلتنگي نفرت دارند. قلبهاي آنان به خوشرويي و شادماني و محبت واكنش نشان ميدهد.

لبخند بزنيد! والدين لبخند بزنيد- برخي از والدين و بعضي معلمان بنظر ميرسد كه فراموش كرده اند كه خود آنان زماني كودك بوده اند. آنان رفتاري موقرانه و جدي و سرد داشته و شفقت از خود نشان نميدهند... آنان به قيافه اي جدي و نكوهش كننده عادت كرده اند. معلمان خوشي كودكانه يا خودسري، زنده دلي و بيقراري نوجواني را بنظر نميبينند. شيطنت كودكانه و ناچيز در نظر معلمان كوهي از گناه بشمار مي آيد. اين نوع سختگيري و انضباط مسيحانه نيست. كودكان بدينگونه آموخته ميشوند تا از والدين و معلمانشان ترس داشته باشند ولي آنان را دوست نداشته باشند. آنان تجربيات كودكي خود را بياد نمي آورند. بعضي از بارزترين ارزشهاي ذهني و قلبي رو بسردي گراييده و ميميرد قبل از اينكه اين گياه ظريف شكوفا گردد .

والدين لبخند بزنيد. معلمان لبخند بزنيد. اگر دل شما غمگين است نگذاريد كه صورت شما آنرا آشكار كند. بگذاريد تا نور محبت و قلب شكرگزار سيماي شما را روشن كند. از خشكي به انعطاف پذيري متبدل شويد و خود را با نياز كودكان وفق دهيد و كاري كنيد تا شما را دوست داشته باشند. اگر ميخواهيد ظاهر كننده حقيقت دين بر قلبهاي آنان باشيد بايد بر احساسات آنان پيروز شويد.

دعاي مناسب- كار خود را با سرودهاي شكرگزاري دلنشين كنيد. اگر ميخواهيد در دفتر آسماني سابقه اي خوب داشته باشيد بدحرفي و ترشرويي نكنيد. بگذاريد تا دعاي روزانه شما اين بشود كه: پروردگارا مرا بياموز تا كارم را بهتر انجام دهم. به من انرژي و خوش خلقي عنايت بفرما... در تمامي كارهايي كه ميكنيد مسيح را بياد بياوريد. سپس زندگي شما با روشني و شكرگزاري پر خواهد شد... بگذاريد تا به بهترين نحو كارمان را انجام دهيم و با خوش خلقي براي خدمت به خدا به پيش برويم تا دلهايمان سرشار از مسرت و خوشي گردد.

به كودكان ياد بدهيد تا سپاسگزار باشند- بخاطر هر خيريتي كه پروردگار به شما ارزاني داشته است خوشحال و مسرور باشيد. شكرگزاري و ستايش بايد براي خدا ابراز شود، بخاطر بركات و هر گونه آسايش و راحتي كه بما ارزاني داشته است. خداوند ميخواهد تا هر خانواده اي كه او آنان را براي سكونت در قصرهاي آسماني آماده ميكند، او را براي گنجينه هاي گرانبهاي فيض جلال داده و تكريم نمايند. اگر كودكان در خانه تعليم داده شوند تا نسبت به خداي بخشنده كه همه چيزهاي خوب و خير را ارزاني داشته شكرگزار باشند آنگاه عامل فيض آسماني را در خانواده خواهيم ديد. خوشي در خانه ديده خواهد شد و جوانان از آن خانه ها روح احترام و تكريم با خودشان به كلاسهاي درسي و به كليسا خواهند آورد. در جايگاه مقدس عبادت حضوري وجود خواهد داشت و آن ملاقات خدا با امت خويش خواهد بود و حرمتي براي نيايش و شكرگزاري او برقرار خواهد گرديد بخاطر تمامي عطايايي كه او مقدر نموده است.

اگر كلام خدا به همان صراحت و صلابتي كه قوم اسرائيل را هدايت مينمود در نظر گرفته شود آنگاه پدران و مادران ميتوانستند الگوئي براي فرزندانشان باشند كه داراي بالاترين ارزشها است... هر بركت دنيوي با سپاسگزاري دريافت ميگرديد و هر بركت روحاني پر ارزش تر در نظر گرفته ميشد زيرا ذهن هر عضوي از خانه با كلام حقيقت تطهير و تقديس گرديده بود. عيسي به آنانيكه قدردان عطاياي فيض بخش او هستند بسيار نزديك است زيرا او را منبع و خاستگاه همه خيريات و مراقبتها و محبتها ميدانند واو را بعنوان ر س چشمه فيض عظيم رفاه و آسايش پايان ناپذير ميدانند .

**فصل بيست و هشتم**

**صداقت**

ولدين الگوهاي صداقت باشند- والدين و معلمين بايد نسبت به خدا صادق باشند. زندگي شما بايد خالي از كردار گمراه كننده باشد. هيچ گونه دورويي و مكري بر لبانتان نباشد. هرچند ناگوار باشد ولي طريقهايتان ، گفتار و كردارتان در منظر خداي مقدس بايد درست باشد. تاثير اولين درس با فريبكاري هولناك است. آيا هر كسي كه ادعاي فرزندي خدا را دارد بايد خود را بدستهاي اعمال فريبكارانه و دروغ بسپارد؟

نگذاريد فرزندانتان بهانه بياورند و بگويند مادر حقيقت را نميگويد- پدر حقيقت را نميگويد. وقتي در آسمان براي داوري مي ايستيد آيا دفتر اعمالتان ميگويد فريبكاريد؟ آيا اولاد شما بايد با الگوهايي كه بايد آنان را براه راست هدايت كند گمراه شوند؟ در عوض اين آيا نبايد قدرت متحول كننده خدا وارد قلبهاي پدران و مادران گردد؟ آيا نبايد به روح مقدس خدا اجازه داده شود تا نشان و اثر خود را بر فرزندانشان بگذارد .

رويهمرفته نميتوان انتظار داشت كه فرزندان بي تزوير و صادق باشند. ولي خطري وجود دارد كه مديريت غير خردمندانه والدين و نيز صداقت و راستگوئي را در كودك از بين خواهند برد. اولياء بايد با تمام توان، گفتار و كردار خود را با سادگي توام با بي ريايي حفظ كنند. هنگامي كه كودكان با سپري شدن سالها رشد ميكنند والدين نبايد از فرزندان خود غافل شده و نسبت به آنان بي توجه باشند زيرا ممكن است بذرهاي فريب و ناراستي در قلب و ذهن آنان كاشته شده و رشد كند و با عادات خدعه آميز و ناراستي بزرگ شوند .

هرگز دو پهلو حرف نزنيد و زبان بازي نكنيد- والدين بايد الگوهاي راستي و صداقت باشند براي اينكه درسهاي روزانه بر قلبهاي كودك تاثير خواهند گذاشت. اصول بدون انحراف بايد در تمامي امور زندگي بر والدين حكمراني كند خصوصا در تعليم و تربيت فرزندان. فرزند صالح را ميتوان با كردار خالص و درست او شناخت .

مادر بي بصيرت و نا آگاه كه رهنمود هاي پروردگار را متابعت نكند ممكن است فرزندان را با حيله گري و تزوير بار بياورد .

مقبول داشتن چنين ويژگي و خصيصه اي ممكن است دوام يابد و دروغ گفتن مانند آب خوردن آسان شود. در اينصورت تظاهر جاي خلوص و واقعيت را ميگيرد. والدين هرگز دوپهلو حرف نزنيد. هرگز سخني ناراست و خلاف حقيقت نگوئيد و الگو و اسوه اخلاقي باشيد. اگر ميخواهيد فرزندتان صادق باشد بايد ابتدا خودتان صادق باشيد. راستگو و بي تزوير باشيد. حتي مقدار جزيي از ناراستي نبايد مجاز شود. زير مادراني كه به دو پهلو حرف زدن و ناراستي عادت كرده باشند براي كودك خود نمونه اي بارز شده و الگوي او را متابعت ميكنند.

ناراستي با كلام تند و خشن تقويت ميشود- وقتي از فرزندتان خطايي سر زد نسبت به او ناشكيبا نباشيد. وقتي كه آنان را اصلاح ميكنيد تند و خشن نباشيد. خشونت ذهن آنان را مغشوش ميكند و آنان از ترس دروغ خواهند گفت زيرا از عكس العمل تند و خشن واهمه خواهند داشت .

**فصل بيست و نهم**

**راستي و درستكاري**

صداقت بايد تعليم داده شده و اعمال گردد- از واجبات است كه مادر صداقت و درستكاري را در زندگي خود اعمال نمايد و بايد دختران نوجوان و همچنين پسران را طوري تربيت نمود تا ناراستي و رياكاري از آنان سر نزند .

استاندارد و معيار خدا - خدا ميخواهد كه مردان وي بطور جدي تحت بيرق او و در خدمت او بوده و صادق و امانت دار باشند. آنان بايد خصلتي غير قابل سرزنش داشته و زبان آنان ناراستي را بيان نكند. دهان بايد راستگو بوده و چشمان بايد صادق باشند و كردار بايد بطور تمام و كمال بگونه اي باشند كه خداوند فرمان داده است. ما در محضر خداي مقدس زندگي ميكنيم كسيكه بطوري جدي اعلام داشته كه "كردار آنان را ميدانم". چشمان الهي هميشه بر ما دوخته شده است. ما نميتوانيم يك عمل ناصالح و ناصحيح را از خدا پنهان كنيم. حقيقت اين است كه خدا شاهد اعمال ماست ولي تعداد كمي اين موضوع مهم را درك ميكنند. آنانيكه وابستگي خود را نسبت به خدا درك ميكنند احساس ميكنند كه بايد با همنوع خود صادق باشند و فراتر از هر چيز آنان بايد با خدا صادق باشند زيرا كه تمامي بركات زندگي از اوست. گريز از فرمانهاي قطعي خداوند در رابطه با عشر"يكدهي" و هدايا در دفتر آسماني بعنوان دستبرد از او ثبت ميشود .

ميزان و اندازه درستكاري- يك مرد درستكار بر اساس پيمانه مسيح كسي است كه راستي و درستكاري را بي كم و كاستي آشكار كند. پيمانه هاي فريبكارانه و ترازوهاي غلط از نظر خدا كريه و زشت است. كمال و راستي مانند طلا در ميان زباله هاي جهان ميدرخشد. فريب ، سخن كذب و بد عهدي ممكن است جلوه ظاهري داشته باشد و از ديد انسان پنهان شود اما از ديد خدا پنهان نخواهد بود. فرشتگان خدا كه رشد شخصيت را ميبينند و اين معاملات كوچك كه خصلت را آشكار ميكند را در دفاتر آسماني وزن و ثبت مينمايد .

با زمان و پول درستكار باشيد- انسانهايي كه عدالت را حس ميكنند نميگذارند تا لحظه اي از زمان به بطالت و نادرستي سپري گردد. انسانهايي كه درك نموده اند كه دارايي و مايملك آنان متعلق به خداست نخواهند گذاشت تا حتي يك ريال بناحق و بطور ناشايست بنفع خودشان مصرف شود – انسانهايي هستند كه عادل و صالح هستند همانگونه كه در ايمان و در كار خود دقيق ميباشند و در عدم حضور كارفرماي خود همانگونه اند كه گويي حضور دارد – آنان با ايمان خود ثابت ميكنند كه انسانهاي خوشگذران نبوده و آقا بالاسر نميخواهند تا مراقب آنان باشد. بلكه افرادي با وجدان و قابل اعتماد و كاري و درستكار هستند كه تعريف و تمجيد انسان را نميطلبند زيرا آنان حس التزام و تعهد به خدا را برگزيده اند.

دوست داريد تا ديگران نسبت به شما چه فكر كنند- در هر معامله تجاري يك مسيحي انتظار دارد كه برادران ديگر نسبت به او خوش فكر باشند. روشهاي كار او با اصول هدايت گرديده است. او برنامه چيني نميكند بنابراين چيزي براي پنهان كردن ندارد. ممكن است كه از او انتقاد شود - او ممكن است امتحان شود - ولي كمال و بي عيبي او مانند طلا ميدرخشد او . بركتي است براي تمامي آناني كه به او وابسته اند و كلام او امين و موثق است. او فردي است كه از همسايه خود سوء استفاده نخواهد كرد. او یك دوست مفيد براي همگان است و همنوعان وي به توصيه او اعتماد دارند... يك انسان درستكار هرگز از ضع في ان و ناتوانان سوء استفاده نخواهد كرد تا كيسه خود را پر كند .

نگذاريد تا صلابت درستكاري منحرف شود- در هر معامله تجاري درستكار باشيد. هرچند وسوسه كننده باشد هرگز در باره موضوعات كم ارزش خدعه نكنيد و يا دروغ نگوئيد. در زمانهايي ممكن است كه يك انگيزه ناخودآگاه وسوسه آميز بوده تا ما را از مسير درستكاري منحرف سازد ولي از اصول حتي يك ذره كوتاه نياييد. اگر در هر موردي اظهار كرديد كه چه انجام خواهيد داد و پس از آن مشخص شود كه با لطف به ديگران ضرر كرده ايد از اصول حتي يك ذره خارج نشويد و پيمان و قرارداد را ادامه بدهيد و بر عهد و قرار خود پابرجا بمانيد. تغيير در برنامه هايتان نشان خواهد داد كه كسي نيستيد كه بتوان به او اعتماد كرد و روي او حساب كرد. و اگر در معاملات كوچك ج ا بزنيد در معاملات بزرگ هم جا خواهيد زد. تحت اين قبيل شرايط برخي وسوسه شده اند با و نيرنگ ميگويند كه ما نفهميديم. و ميگويند كه ما منظور ديگري داشتيم. واقعيت اين است كه منظور آنان همان است كه گفته اند ولي انگيزه خود را از دست داده اند و از قرارداد و توافق خود جا زده اند. پروردگار از ما ميخواهد تا با انصاف بوده و عدالت و حقيقت و رحم و شفقت را دوست داشته باشيم.

در رعايت اصول صريح باشيد- در تمامي جزييات زندگي اصول راستي و درستكاري بايد بطور اكيد رعايت گردد. انحراف از انصاف در تجارت ممكن است در نظر ما ظاهرا كوچك و جزيي تلقي شود اما منجي ما به آن توجه دارد. كلام او در اين باره آشكار و روشن است. "كسيكه در چيزهاي كوچك وفادار است در چيزهاي بزرگ هم وفادار است". فردي كه در مقياس كوچك نسبت به همسايه پاي خود را فراتر ميگذارد وقتي وسوسه شود در مقياس بزرگتر هم پاي خود را فراتر خواهد گذارد. فريبكاري در موضوعات كوچك در نظر خدا ناراستي است. درستكاري بايد در هر فعاليتي از زندگي ما نقش ببندد. فرشتگان آسماني كاري را كه بعهده ما سپرده شده است را مي آزمايند و جايي كه از اصول حقيقت انحرافي وجود داشته باشد بعنوان نقص در دفتر اعمال ثبت ميشود .

**فصل سي ام**

**خود اتكايي و حس عزت و احترام**

به هر فرزندي بخود متكي بودن را ياد بدهيد- تا آنجا كه ممكن است هر كودكي بايد ياد بگيرد تا بخود متكي باشد. با عمل كردن به استعدادهاي گوناگون او خواهد آموخت كه نقطه قوت او در كجاست و در كجا نا كارآمد است. يك مربي خردمند براي رشد خصوصيات ضعيف كودك توجه ويژه اي خواهد داشت تا شخصيت او را متعادل و موزون بسازد.

راحت طلبي بيش از حد باعث ضعف ميشود- اگر والدين در حاليكه زنده هستند به كودكان خود كمي كمك كنند بهتر خواهد بود تا در زمان مرگ مشكلات فرزندانشان انباشته شود. فرزنداني كه خانه را ترك كرده و اختيار عمل يافته و بر زانوهاي خود تكيه ميكنند بهتر از زنان و مرداني خواهند شد كه همواره به دارايي پدر و مادر خود وابسته اند. فرزنداني كه خانه را ترك كرده و به كار خود متكي هستند معمولا اجر توانايي هاي خود را خواهند برد و فرصتهاي خود را مغتنم شمرده و استعدادهاي خود را براي شكوفايي يك زندگي هدفدار بكار خواهند برد. آنان خصلتهاي حرفه اي و صرفه جويي و ارزشهاي اخلاقي را پرورش ميدهند كه زير اساس شالوده موفقيت در زندگي مسيحي است. فرزندان لوس و بي عار كه والدين آنان بيشترين كارها را برايشان انجام ميدهند اكثرا" كمتر خود را نسبت به والدين متعهد ميبينند.

موانع باعث رشد و توانايي ميشوند- اين موانع هستند كه انسان را توانمند ميسازند. اين كمك نيست بلكه مشكلات است، ستيزهاست و سدهاست كه تار و پود اخلاقي انسان را ميبافد. راحتي بيش از حد و رد مسئوليت كساني را كه بايستي انسانهايي با روحيه و عضلات قوي باشند را ضعيف و ناتوان ميسازد. از همان سالهاي اوليه ضروري است تا اصول شخصيت با بنيه قوي در جوانان رشد يابد كه جوانان به بالاترين استاندارد مردانگي و زنانگي نائل آيند. آنان بايد هميشه در نظر داشته باشند كه با قيمتي خريداري شده اند و بايد با جسم و روح خود خداوند را جلال دهند. جوانان بايد بطور جدي در نظر بگيرند كه چه چيزي هدف و زندگيشان خواهد بود و بر اساس آن زندگي خود را پي ريزي نمايند. اگر ميخواهند در موقعيتي قرار بگيرند كه بر روي ديگران تاثير بگذارند بايد بخود متكي باشند .

كودكان را طوري بار بياوريد تا با شجاعت با مشكلات روبرو شوند- فراتر از انضباط در خانه و مدرسه همگي مجبورند تا با انضباط سخت زندگي روبرو شوند. چگونگي روبرو شدن با اين مشكلات با خردمندي درسي است كه بايد براي هر كودك و نوجوان واضح و آشكار باشد. اين درست است كه خدا ما را دوست دارد و او براي خوشي ما كار ميكند ولي اگر احكام او هميشه رعايت ميشد ما هرگز رنج و مصيبت را نميدانستيم و در اين جهان ، در اثر گناه است كه رنج و مشكلات و مصايب به زندگي مي آيد. ما ميتوانيم براي كودكان و نوجوانان خود در طول عمر كار خوب كرده و آنان را تعليم دهيم تا بتوانند با شجاعت از پس اين مشكلات و مصائب بر آيند. در حاليكه به آنان همفكري مي كنيم هرگزنبايد چنين باشد كه دلسوزي و دايگي تلقي شود. آنچه كه نياز دارند بايد محرك و مقوي كننده باشد و نه اينكه موجب تضعيف آنان گردد. آنان بايد بياموزند كه اين جهان ميدان نمايش و خودنمايي نيست بلكه يك ميدان نبرد است. همگي فراخوانده شده اند تا با سختي همانند يك سرباز دوام بياورند و مانند يك مرد قوي شوند. آزمون واقعي شخصيت در تحمل سختيهاست و انجام كارهايي است كه بايد تمام شود گرچه ممكن است تاييد نشود و اجري نيابد .

حس عزت و افتخار را تقويت كنيد- مربي حكيم و خردمند كه با دانش آموزان خود سر و كار دارد در پي استحكام اعتماد بنفس و تقويت حس عزت و احترام است. كودكان و نوجوانان از اينكه به آنان اعتماد بشود بهره ميبرند. خيلي از افراد حتي بچه هاي كوچك در باره عزت و احترام حس بزرگي دارند و همگي خواهان اين هستند كه با آنان با حرمت رفتار شود و اين حق آنان است. نبايد با آنان طوري رفتار شود كه حس كنند كه در رفت و آمدهايشان به مراقب نيازي ندارند. سوء ظن و ترديد روحيه را تضعيف ميكند. طوري با جوانان رفتار كنيد كه حس كنند كه به آنان اعتماد ميشود و تعداد كمي وجود دارند كه در پي اثبات اعتماد سازي نباشند .

**بخش ٨**

**بزرگترين وظيفه : رشد شخصيت**

**فصل سي و يكم**

**اهميت شخصيت و منش**

دنيا ببريم- شخصيتي كه مطابق با الگوي الهي تشكيل شده است تنها خزانه اي است كه ميتوانيم با خود از اين دنياي فاني به جهان سرمدي ببريم. كسانيكه تحت هدايت مسيح هستند در اين جهان هر محصول الهي را با خودشان به قصرهاي آسماني خواهند برد. و در ملكوت بطور پيوسته پيشرفت حاصل خواهيم نمود. پس بايد دانست كه چقدر رشد شخصيت در اين زندگي مهم است .

شخصيت واقعي گوهر جان است- قابليت عقل و هوش در واقع ماهيت شخصيت و ذات نيستند. زيرا خيلي از افراد منش خوبي نداشته ولي با هوش و ذكاوت هستند. شهرت و خوشنامي شخصيت نيست. شخصيت واقعي و درست، جوهره و ذات جان است كه در سلوك و رفتار آشكار ميشود. شخصيت خوب با ارزش تر از طلا و نقره است. درستكاري – ثبات عزم و پشتكار خصوصياتي هستند كه همگي بايد به جد در پي رشد و شكوفايي آن بود. و بواسطه اين خصوصيات، فرد قدرتي خواهد يافت كه كسي ياراي در هم شكستن آن نيست - قدرتي كه او را نيرومند ميسازد تا كار هاي نيك و خير انجام دهد و نيرومند باشد تا در برابر شرير مقاومت كند و توان تحمل مصايب و سختيها را داشته باشد .

دو عنصر ضروري- قدرت شخصيت شامل دو چيز است- قدرت اراده و قدرت خويشتنداري يا همان كنترل نفس. بسياري از جوانان به اشتباه قدرت داشتن را احساسات كنترل نشده براي استحكام شخصيت ميدانند ولي حقيقت اين است كه آن فردي كه در احساسات به استادي رسيده مرد ضعيفي است. بزرگي واقعي و نجابت مرد با مقاومت او براي مقهور ساختن احساسات خويش اندازه گيري ميشود نه با قدرت احساساتي كه بر او حاكم ميشود. قوي ترين انسان كسي است كه در حاليكه نسبت به بد رفتاري حساس است با اينحال بر احساسات خود چيره ميشود و دشمنان خود را ميبخشد .

ضروري تر از تظاهر و خودنمايي- اگر زيبايي باطن و رفتار و سلوك دلپسند به همان اهميت تقليد از مد هاي دنيايي از لباس و ظاهرپسندي در نظر گرفته ميشد بايد شاهد ميشديم كه صد ها نفر در صحنه زندگي نظاره گر افرادي لايق ميشدند كه تقليد و عمل به خصوصيات والاي آنها جامعه را تحت تاثير خود قرار دهد.

حاصل يك عمر - شكل گرفتن شخصيت حاصل يك عمر از زندگي است و اين براي ابديت است. اگر همه اين موضوع را درك ميكردند كه اين ما انسانها هستيم كه بايد براي عاقبت بخيري و يا خسران در آخرت تصميم بگيريم و اگر ذهنمان نسبت به اين تصميم مهم بيدار و هشيار شود تغييرات شگرفي در همين زندگي دنيايي صورت خواهد پذيرفت. آنگاه اين دوره آزمون در زندگي متفاوت ميبود و شخصيتهاي متفاوتي اين جهان را پر مي كرد.

رشد و ترقي- رويش و جوانه زني بذر معرف آغاز زندگي روحاني است و رشد گياه شكلي از رشد شخصيت است. زندگي بدون رشد وجود نخواهد داشت. گياه يا بايد رشد كند يا اينكه بميرد. همانطور كه رشد بي سر و صدا و غير قابل مشاهده و محسوس است ولي ادامه دار است همانند رشد شخصيت. در هر صحنه از رشد زندگي ما ممكن است كامل باشد با اينحال هدف خدا براي ما كامل شده است و رشد و ترقي دايمي وجود خواهد داشت.

رشد شخصيت محصول زندگي است - شخصيت محصول زندگي است كه تعين كننده سرنوشت در اين دنيا و جهان آخرت ميباشد. خرمن از بذر كاشته حاصل ميشود. هر دانه اي محصول خاص خود را توليد ميكند. ضرب المثل فارسي ميگويد گندم از گندم برويد جو ز جو. پس اين خصوصيات همان ذاتي است كه بر آن ارج مينهيم و خودخواهي- عشق بخود - تكيه به خود- افراط و تفريط - خود بخود توليد و تكثير ميشوند و عدم كنترل به تباهي خواهد انجاميد. غلاطيان 8:6 : اگر هر كس تخم هوي و هوس خود را بكارد فساد و نابودي روح خود را درو خواهد كرد اما اگر بذر اعمال نيك روحاني را بكارد از روح خدا حيات جاودان را درو خواهد كرد. محبت همدردي و مهرباني ثمر ميدهد ميوه بركات محصولي كه غير قابل فساد است .

بزرگترين گواه مسيحيت- اگر مادران كودكاني را با بي عيبي در شخصيت با اصول و مرام استوار و معنويات اخلاقي به جامعه تحويل دهند آنان مهمترين خدمت را در حق جامعه ايفا كرده اند. فرزندان بايد تحصيل كنند تا جايي را در جامعه اشغال كنند و بزرگترين گواه از مسيحيت باشند كه ميتواند به جهان هديه داده شود .

تاثير و نفوذ فرزندي كه بطور شايسته تعليم يافته است- هيچ كاري بزرگتر از شكل دادن شخصيت نيست. كودكان نه تنها بايد تعليم داده شوند بلكه بايد كار آزموده شوند. چه كسي ميتواند آينده يك كودك يا نوجوان را پيشگويي كند؟ بگذاريد تا بزرگترين توجه براي فرهنگ پذيري كودكانتان معطوف گردد. كودكي كه بطور شايسته در اصول حقيقت تاديب شده باشد محبت و ترس از خدا را دارد كه در ذات او گره خورده است. اين فرد چنان قدرت نيكوكاري نسبت به جهان خواهد داشت كه نميتوان آن را برآورد كرد .

**فصل سي و دوم**

**شخصيت چگونه شكل ميگيرد**

شخصيت با پشتكار و تلاش خستگي ناپذير بدست آمده است- شخصيت با شانس بوجود نمي آيد. و با يكبار طغيان خشم و يك پله حركت در مسير اشتباه تعيين نميشود. اين تكرار اعمال و رفتاراست كه تبديل به عادت ميشود و شخصيت را خواه براي نيكي خواه براي شر قالب ريزي ميكند. شخصيت درست ميتواند با استقامت و تلاشهاي خستگي ناپذير شكل پذيرد. با استعدادهاي خدادادي و به امانت سپرده شده ميتوان شخصيت را بهبود داد و خداوند را جلال داد. برغم انجام چنين كاري بسياري از افراد بخودشان اجازه ميدهند تا موج شرايط پيراموني و احساسات آنها را به هر سويي ببرد. اين مشكل بخاطر اين نيست كه آنان فاقد چيزهاي خوب نيستند بلكه بخاطر اين است كه آنان درك نميكنند كه در جواني خدا از آنها ميخواهد تا به بهترين نحو عمل كنند. اولين وظيفه ما نسبت به خدا و همنوعانمان رشد دروني و باطني است. هر استعدادي كه خالق بما عطا نموده است بايد در بالاترين درجه كمال پرورش يابد تا قادر شويم تا حد ممكن و در حد مقدوراتمان نيكي كنيم. بخاطر اينكه بتوانيم شخصيتهايمان را خالص و پالايش كنيم به فيض مسيح نيازمنديم كه ما را قادر خواهد ساخت تا نقص هايمان را ديده و آنرا اصلاح كنيم تا در شخصيت متعالي شويم .

پرورش قدرتهاي خدادادي- در يك بعد وسيع هر كس معمار شخصيت خود ميباشد. هر روزه ساختار وجودي بيشتر به دستيابي براي كمال نزديك ميشود. كلام خدا ذكر نموده است كه به چگونگي آفريده شدنمان توجه كنيم تا مشاهده كنيم كه ساختمان وجوديمان بر روي صخره ابدي بنا شده است. زماني فرا خواهد رسيد تا كار ما همان گونه كه هست خود را آشكار كند. اكنون زماني است براي همه كه توانايي هايي را كه خدا به آنان داده است را براي شكل دهي شخصيت هم براي اين دنيا و هم براي جهان آخرت پرورش دهند. ايمان به مسيح بعنوان منجي شخصي به شخصيت استحكام و قوت ميبخشد. آناني كه به مسيح ايمان راستين دارند هوشيار خواهند بود و بياد خواهند داشت كه چشمان خدا بر آنان نظاره ميكند. او كه داور همه انسانهاست و ارزشهاي اخلاقي را ميسنجد. مراقبين آسماني شاهد خواهند بود كه به چه طريقي شخصيت ما رشد نموده است .

شخصيت با هر عملي تحت تاثير قرار ميگيرد- هر عملي در زندگي هر قدر ناچيز باشد در شكل پذيري شخصيت تاثير خواهد گذارد. يك شخصيت خوب ، ارزشمند ترين و شريفترين دارايي هاي دنيايي است كه انسان بتواند در شكل دهي آن دخيل باشد.

شخصيتهايي متضاد كه تحت تاثير شرايط محيطي شكل گرفته اند تغيير پذير و ناموزون هستند. چنين شخصيتهايي اهداف عالي در زندگي ندارند. اين افراد تاثير بسزايي بر زندگي ديگران نيز ندارند. آنان بي هدف و ناتوان هستند .

شخصيت خوب با پيروي از الگوي خدا كامل ميشود- خدا از ما انتظار دارد تا شخصيتي را بنا كنيم كه مطابق با الگويي باشد كه براي ما ارائه شده است. ما بايد مانند ديوار چيني كه آجرها يك به يك بر روي هم چيده ميشوند فيض بر روي فيض اضافه كنيم و نقاط ضعف خود را يافته و آنها را مطابق با رهنمودهايي كه بما داده شده است اصلاح كنيم. وقتي در ديوار يك عمارت ترك ديده شود دلالت بر اين خواهد داشت كه مشكلي در ساختمان وجود دارد. در حين ساختن شخصيت اغلب تركهايي ديده ميشوند. اگر اين نقصها يا تركهاي كوچك برطرف نشوند وقتي كه توفان سختيها به آن برخورد كند آنگاه عمارت فرو خواهد ريخت.

خدا بما توانايي و قدرت تعقل و استدلال و زمان اعطا نموده است تا اينكه شخصيتها بر اساس آنچه كه او نشان تاييد گذارده بنا كنيم. خداوند مشتاق است كه هر يك از فرزندان او با پندار نيك و گفتار نيك و كردار نيك شخصيتي شريف بنا كنند كه شخصيتي متقارن با مسيح باشد – معبدي17 زيبا كه هم مورد احترام و تكريم انسان و همچنين براي خدا معزز باشد.

ما بايد شخصيت خود را بر بنياد مسيح بنا كنيم. او شالوده اي استوار و قابل اعتماد است – شالوده اي كه هيچ وقت تغيير ننموده و بر صخره ابدي محكم شده است. توفاني ترين وسوسه ها و مصايب نخواهد نتوانست بنايي كه به صخره ابدي متصل است را حركت دهد. كسيكه براي خدا ساختمان خود را بزيبايي بنا ميكند بايد هر گونه استعداد خود را نيز پرورش دهد. تنها استفاده درست و مناسب از استعدادهاست كه ميتواند شخصيت را بطور متوازن و هماهنگ بنا كند. پس ما معرف شالوده اي هستيم كه در كلام بعنوان طلا و نقره و سنگهاي قيمتي از آن ياد شده است مواد و مصالحي كه در بوته تخليص خدا مقاوم خواهند بود. در بناي شخصيت مسيح بعنوان الگوي حقيقي ماست .

در برابر وسوسه بايد مقاومت كرد- زندگي دانيال تصويري الهامي از شكل گيري يك شخصيت تقديس شده است. اين درسي براي همه مخصوصا براي جوانان است. اجابت محض از خواسته هاي خدا براي سلامت جسم و ذهن سودمند است.

والدين دانيال او را در كودكي به عادتهاي سخت پرهيزگاري و اعتدال تعليم دادند. آنان دانيال را طوري تربيت كردند كه قوانين طبيعت را بي چون و چرا مراعات كند كه نوع خوردن و نوشيدن او تاثير مستقيمي برجسم و ذهن و اخلاق طبيعي او داشت. خداوند بخاطر توانائيهايش بر روي او حساب مي كرد. زيرا او توانائيها و استعداد هاي خود را بعنوان هديه اي از طرف خدا ميدانست كه نبايد به هر طريقي آنرا تحقير يا ناكارآمد نمايد. اثر در اين تعليمات احكام خدا در فكر وي متعالي گرديد و آنان را در قلب خود تكريم نمود. در خلال سالهاي اسارت، دانيال از يك آزمون سخت عبور ميكرد كه او را با آداب ملوكانه- با تظاهر و دورويي - و با الحاد آشنا ميساخت. مدرسه اي عجيب كه در واقع او را براي يك زندگي متين و حرفه اي و وفاي به عهد آماده ساخت! با اينحال او با فضاي اهريمني كه او را احاطه كرده بود به فساد نگراييد. دانيال و همراهان او از بهره تعليم و آموزش صحيح در اوان زندگي محظوظ شدند ولي اين امتيازات به تنهايي آنان را اينگونه كه بودند نساخته بود. وقت آن فرا رسيد كه آنان بايستي به اختيار خود عمل ميكردند - زماني كه آينده آنان بستگي به شيوه و روش آنان داشت. سپس آنان مصمم شدند تا به درسهايي كه در كودكي به آنان داده شده بود به درست ي عمل كنند. ترس از خدا كه آغاز حكمت است شالوده اي براي بزرگي آنان بود. روح خدا هر نيت و هدف حقيقي را پابرجا و مستحكم نموده و هر عزمي را شريف و معزز نمود .

هدف بايد والامرتبه باشد- اگر جوانان امروز بخواهند همانطور كه دانيال استوار ايستاد محكم بايستند پس بايد تارهاي عصبي و عضله هاي روحاني را بكار برده و آنها را تقويت نمايند. خدا از آنان نميخواهد كه هميشه مبتدي باقي بمانند. او ميخواهد كه به بالاترين پلكان ترقي در مسيح دست يابند كه همان ملكوت خداوند ميباشد. اگر جوانان بدرستي براي موضوع مهم بناي شخصيت ارزش واقع شوند ضرورت دارد تا كردارشان توسط خدا مورد آزمون و بررسي قرار گيرد. افتاده ترين و ضعيفترين افراد با تلاش بي شائبه در برابر وسوسه ها مقاومت نموده و در پي كسب حكمت از آسمانها بر مي آيند تا به مقام رفيعي دست يابند كه در حال حاضر غيرممكن بنظر ميرسد. نيل به اين مقام بدون عزمي راسخ ممكن نيست و بايد در انجام و تكميل وظايف كوچك به عهد خود وفا كنيم. براي انجام اين امر نياز است كه بطور دايم هشيار باشيم تا صفات نادرست تقويت نشوند. جوان بايد قدرت معنوي كسب كند براي اينكه عيسي به اين جهان آمد تا بتواند الگوي ما باشد و به جوانان در هر سنيني كه هستند امداد الهي عطا نمايد .

به مشاوره و اندرز بايد توجه شود- آنانيكه در رفتار و عادات و كردار داراي كمبود شخصيت هستند بايد مشاوره و اندرز بگيرند. اين جهان كارگاه خداست و هر سنگي كه بتواند در معبد آسماني بكار برده شود بايد كنده كاري و صيقل داده شود تا اينكه سنگي قيمتي شده و براي ساختمان خدا متناسب گردد. اما اگر از كارآموزي - تربيت و انضباط سرباز زنيم مانند سنگها ي ي خواهيم بود كه تراشيده و صيقل داده نشده اند و بكناري انداخته شده و بلا استفاده خواهند بود. ممكن است لازم باشد تا براي بناي شخصيت كارهايي انجام بشود زيرا كه ما سنگهاي سخت و خشني هستيم كه بايد بريده شده و صيقل داده شويم - قبل از اينكه در معبد الهي بكار برده شويم. اگر با چكش و قلم خدا گوشه هاي تيز شخصيت شما بريده شوند نبايد متحير شويد زيرا بايد براي قرار گرفتن در مكاني كه او براي شما در نظر گرفته است آماده شويد. هيچ بشري نميتواند اين كار را كامل كند. تنها بواسطه خدا اين كار امكان پذير است. و مطمئن باشيد كه او هيچ چيزي را بلا استفاده خلق نكرده است. هر چه كه او آفريده با محبت آفريده و شادي ابدي را براي ما خواهان است. او ضعف هاي ما را ميداند و ميخواهد تا احيا گرديم نه اينكه نابود شويم.

**فصل سي و سوم**

**مسئوليت پدر و مادر در شكل گيري شخصيت**

ماموريت الهي به والدين- خداوند اوليا را موظف نموده تا الگوهاي الهي شخصيتها و منشهاي فرزندان خود را شكل دهند. والدين با فيض خدا ميتوانند اين وظيفه را به انجام رسانند ولي اين كار مستلزم صبر، تلاش فراوان، و عزمي راسخ است تا بتوان فرزندان را راهنمايي نموده و احساسات آنان را مهار نمود. يك زمين رها شده چيزي جز بته و خار ببار نمي آورد. آن كسيكه از محصول براي استفاده به نيكوئي مراقبت بعمل مي آورد ابتدا بايد خاك را آماده كند و بذر را بكارد و علفهاي هرز را در آورده و زمين را خيش بزند و آنگاه نهال هاي ارزشمند شكوفا خواهند شد و اجر او را براي مراقبت و كار وي خواهند داد. بناي شخصيت مهم ترين كاري است كه به بشر به امانت سپرده شده است و اهميت مطالعه آن هرگز مانند امروز نبوده است. نسلهاي قبل هرگز براي رويارويي با اين موضوعات خطير فراخوانده نشده بودند. قبلا مردان و زنان جوان اينگونه با چنين مخاطراتي بزرگ مانند مسايل امروز مواجه نميشدند. در اينجا والدين وظيفه دارند تا براي رشد شخصيت فرزندان خود با فرامين خدا هماهنگي لازم را بعمل بياورند. اين كار بايد بر هرچيز ديگري اولويت داشته باشد زيرا كه مصلحت ازلي در اينجا در ميان است. بناي شخصيت فرزندان شما مهم تر از كشت و زرع در مزارع است - واجب تر از بناي ساختماني است كه قصد سكونت در آن را داريد و با اهميت تر از هر نوع كار و تجارتي است.

خانه بهترين مكان براي بناي شخصيت است- مدرسه كليسا و كالج به اندازه خانه توانايي و استطاعت ايجاد فرصتهايي براي پي ريزي و شكل گيري بناي شخصيت كودكان را دارد.

شخصيتهاي نادرست بايستي درست شوند- آنانيكه شخصيتهاي نادرست خود را در اين زندگي اصلاح نميكنند هيچ سهمي در حيات غير فاني آينده نخواهند داشت. بسيار مهم است تا جوان در راه راست قدم بگذارد. والدين به بخش مهمي از اين موضوع عمل ميكنند. تعليم فرزندان براي خدا مسئوليتي الهي است كه بر عهده آنان گذارده شده است. آنان بايد به شكل گيري شخصيت جگرگوشه هايشان كمك كنند تا بتوانند به ملكوت اعلي نائل گردند.

والدين در اينجا كوركورنه عمل نكنيد- والدين براي رضاي خاطر مسيح در كار مهم خود دچار سهو و اشتباه نشويد كه آن كار خطير قالب ريزي شخصيت هاي فرزندانتان براي زمان حال و براي حيات ابدي است. اشتباه شما در قصور از آموزش متعهدانه يا افراط در نازپروري، چشمان شما را نسبت به مشاهده عيوب آنان كور خواهد كرد و باعث خواهد شد تا نتوانيد به نحو مقتضي آنان را مهار نماييد و اين غفلت موجب تباهي آنان خواهد شد. شما ممكن است درس اشتباهي به آنان بدهيد كه راه اشتباهي را براي زندگي آينده آنان در پيش روي قرار دهد. شما تعين خواهيد كرد كه آنان در آينده چگونه فردي باشند و چه كاري براي مسيح و انسانها و خودشان انجام دهند. با كودكان خود با صداقت و متعهدانه رفتار كنيد. با شجاعت و شكيبايي كار كنيد. از هيچ سدي نهراسيد. وقتي را براي كار هدر ندهيد و از زحمت و سختي نهراسيد. آينده فرزندانتان گوياي خصوصيات كار شما خواهد بود. سهم شما اين است كه نسبت به مسيح وفادار باشيد و وفاداري الگوئي براي فرزندانتان خواهد شد تا خود را با آن قرين و شبيه بسازند و اين شيوه از همه شيوه هاي ديگر بهتر و صريح تر است. كودكان به مسيح تعلق دارند زيرا كه با خون وي خريداري شده اند. اگر از مسيح متاثر گرديده باشند با او همكار خواهند بود تا ديگران را براي يافتن مسير درست زندگي هدايت كنند. اگر از كاري كه خدا بشما محول نموده غفلت ورزيد آموزه نابخردانه تربيتي و انضباطي شما آنان را در زمره افرادي قرار خواهد داد كه از مسيح انشقاق ورزيده اند و به بيراهگي و انحطاط سوق داده ميشوند.

خانه مرتب ولي بچه هاي بي تربيت – مادري را ديده ام كه چشمان باريك بينش هر چيز ناهماهنگ را در خانه رصد ميكند و بطور خاصي در تميز بودن خانه دقيق و تا سر حد مرگ نسبت به امور خانه حساس است در حاليكه فرزندان خود را در خيابان گردي و ولگردي آزاد و رها گذاشته تا از خيابان درس و تربيت ياد بگيرند. اين فرزندان بي ادب و پرخاشگر، خودخواه و نامطيع بار مي آيند. مادر خانه با اينكه براي كمك دستياري اجير كرده چنان درگير امور خانه است كه زمان كافي را براي تربيت فرزندان خود ندارد. او به فرزندان خود اجازه ميدهد تا با نقص در شخصيت، بي انضباطي و بي مبالاتي بزرگ شوند مي. توان احساس كرد كه خوش طبعي و خوش سليقگي مادر در جهت درست بكار گرفته نشده است. او لزوم قالب گيري ذهني و رفتاري فرزندان خود را نديده تا آنان را طوري تربيت كند كه شخصيتي متعادل و طبعي دلپذير داشته باشند.

مادر در عوض توجه بيش از حد به امور خانه بايد به تربيت اخلاقي و ذهني و جسمي فرزندان خود در وحله نخست بپردازد. كساني كه مسئوليت مادر بودن را متقبل شده اند بايد متعهدانه ترين الزام خود نسبت به خدا را در تربيت فرزندان خود احساس كنند كه بموجب آن فرزندان خلق و خويي دلپذير و خونگرم داشته و بالنتيجه مملو از اخلاقيات شده و طبعي خالص و شخصيتي محبوب داشته باشند.

تنها بواسطه روح خدا- آيا ميتوانيم زندگي خود را به سبك و سياقي شكل دهيم كه شايسته ورود به جلال خدا شويم؟ نخواهيم توانست. ما در هر لحظه محتاج روح خدا هستيم كه ما و فرزندانمان را اداره كند. اگر والدين حالتي متفاوت را در خانواده ببينند بايد كاملا به خدا تمركز و تفعل كنند و خداوند راهها و وسايلي را تدبير خواهد نمود كه بموجب آن تحولي در خانه صورت خواهد پذيرفت .

وظيفه خدا و وظيفه شما- اي والدين مسيحي، استدعا ميشود كه از خواب غفلت برخيزيد... اگر از وظيفه خود غفلت ورزيده و از مسئوليت خود شانه خالي كنيد و توقع داشته باشيد كه خدا تكليف شما را انجام دهد بايد بدانيد كه مايوس خواهيد شد. وقتي متعهدانه كار خود را انجام دهيد فرزندان خود را نزد عيسي بياوريد و با ايماني پرشور و ثابت قدم براي آنان شفاعت كنيد. خداوند دست ياري بشما خواهد داد و در تلاشهايتان با شما همكاري نموده و در قوت او ظفر خواهيد يافت...

وقتي والدين علاقه خود را همانند خدا عيان نمايند خداوند دعاي آنان را خواهد شنيد و در تلاشهايشان به آنان كمك خواهد نمود ولي خداوند كاري را كه بعهده والدين سپرده شده است را انجام نخواهد داد.

خالق ازلي بشما كمك خواهد نمود - مادران بخاطر داشته باشيد كه در كارتان خالق جهان به شما مدد خواهد رساند. با قوت خدا و بواسطه نام مقدسش ميتوانيد فرزندان خود را هدايت كنيد تا پيروز شوند. به آنان ياد بدهيد تا چشم به قوت خدا داشته باشند. به آنان بگوئيد كه او دعاهاي آنان را ميشنود. به آنان بياموزيد تا با نيكويي و خيريت بر شر و اهريمن فايق آيند. به آنان تعليم بدهيد تاثيري را اعمال كنند كه سرفراز كننده و شرافتمندانه است. آنها را هدايت كنيد تا با خدا متحد شوند و از اينرو قوت خواهند داشت تا در برابر نيرومند ترين وسوسه ها استقامت كنند. آنگاه آنان اجر ظفر خواهند يافت. ناجي دلسوز شما با محبت و دلسوزي به شما مينگرد و آماده است تا دعاي شما را شنيده و در طول عمر به شما دست ياري بدهد. محبت، شادي، آرامش، بردباري، مهرباني، نيكوكاري، وفاداري، فروتني و خويشتنداري عناصر و ويژگيهاي يك مسيحي است. اين فيوضات گرانبها ميوه هاي روح هستند. اينها تاج و سپر مسيحي هستند.

كلامي تشويق كننده به كساني كه اشتباه كرده اند- آنانيكه فرزندان خود را بطريقي ناشايست و نامناسب تربيت كرده اند نبايد نوميد شوند. آنان را تشويق كنيد كه بسوي خدا بازگردند و در پي روح حقيقي اطاعت باشند و آنان براي اصلاح توانايي خواهند داشت. در انطباق با رسوم خود براي رعايت اصول مقدس و احكام خدا شما بر فرزندانتان تاثير خواهيد گذارد.

برخي فرزندان از اعتنا به توصيه هاي والدين سرباز ميزنند- والدين هر كاري كه از دستشان بر آيد براي راهنمايي و آموزش فرزندان خود ميكنند تا دلهاي خود را به خدا بسپارند با اينحال فرزندان از قدم گذاردن در مسير ثواب طفره ميروند و با حركت در مسير ناثواب اثر نايمن و نامطلوبي را بر والدين خود ميگذارند – والديني كه آنان را دوست دارند و قلبهايشان مشتاق رستگاري فرزندانشان است.

اين شيطان است كه فرزندان را وسوسه ميكند تا براه گناه و نافرماني بروند... اگر از راه رفتن در مسير نور و ثواب سر باز زنند – اگر خود را تسليم اراده و راه خدا نكنند و با سرسختي در متابعت از مسير گناه مداومت كنند آنگاه در روز داوري امتيازات و نور هدايت بر ضد آنان شهادت خواهند داد زيرا آنان در مسير نور هدايت گامي برنداشتند و بجايي رفتند كه نميدانستند. شيطان آنان را هدايت ميكند و آنان در جهان عامل خطر خواهند بود. مردم خواهند گفت به آن كودكان نگاه كنيد! والدين آنان خيلي مذهبي هستند اما فرزندانشان از بچه هاي من بدترند و من نميخواهم تا يك مسيحي خوانده شوم. بدين طريق فرزنداني كه آموزه هاي خوبي دريافت نموده اند ولي با اينحال به توصيه و تاديب والدين خود بي اعتنايي نموده و آنان را بي احترامي ميكنند موجب خوار شدن و خجلت در برابر دنياي بي دين و خدانشناس ميشوند.آنان با اعمال شريرانه خود مذهب عيسي مسيح را نيز خوار و خفيف ميكنند.

والدين اين كار شماست- والدين بايد بدانند كه موظفند تا شكيبايي و پايداري و محبت واقعي را در فرزندان خود رشد دهند. با درست رفتاري با فرزندان خدا به آنان كمك ميكنيد تا خصوصياتي متعادل و خالص را پايه ريزي كنند. شما در اذهان آنان اصولي را القاء ميكنيد كه روزي خانواده آنان از آن متابعت خواهند نمود. اثر تلاشهاي درست هدايت شده طوري ديده خواهد شد گويي كه آنان در خانه خود و در مسير خدا آنرا مديريت ميكنند.

**فصل سي و چهارم**

**راههايي كه شخصيت را تباه ميكند**

والدين ممكن است بذر تباهي بكارند – والدين به اشتباه به فرزندان خود درسهايي ميدهند كه مطمئنا آنان را به تباهي خواهد كشانيد و نيز در جلوي پاهاي خود خار ميكارند... بديهي است كه شادي آينده فرزندان در دستان والدين آنهاست. كار مهم شكل دهي شخصيت اين فرزندان بعهده آنان است. تعليمات داده شده در كودكي در سراسر عمر با آنان خواهد بود. والدين بذرهايي را ميكارند كه ميوه هاي خوب يا بد بعمل خواهد آورد. آنان پسران و دختران خود را شايسته شادي و يا بدبختي ميكنند.

نازپروري يا مقررات سخت – بچه ها اغلب در طفوليت نازپرورده ميشوند و خلق و خو هاي اشتباه در آنان قرار ميگيرد. والدين نهالها را خم ميكنند. با روشهاي تربيتي خصوصيات رشد ميكند. يا بدشكل و بد قواره ميشود و يا اينكه زيبا و آراسته ميگردد. ولي در حاليكه بسياري از والدين با نازپروري اشباه ميكنند درجهت مخالف برخي نيز با فرزندان خود با مقررات سفت و سخت رفتار ميكنند. هيچيك از اينها با آموزه هاي كتاب مقدس تطابق ندارد ولي هر دو كار وحشتناكي را انجام ميدهند. آنان اذهان فرزندان خود را قالب گيري ميكنند و بايد در روز داوري بخاطر اين رفتار به خدا حساب پس بدهند. روز معاد نتيجه كارهاي اين زندگي را فاش خواهد ساخت.

قصور در تربيت براي خدا- والدين با قصور در تربيت فرزندانشان براي رهروي از خدا و آنچه را كه فرمان داده است از وظيفه مجدانه خود مسامحه ميكنند.

برخي از فرزندان رها شده اند تا هر كاري كه دلشان خواست بكنند – ديگران مورد انتقاد قرار گرفته و دلسرد ميشوند. ولي كمي خوشزباني و دلگرمي و سخنان تاييد آميز به آنان داده شده است. چنانچه مادران تنها خردمندانه عمل ميكردند و با آرامش و عزم راسخ بتربيت كردن پرداخته و خواهشهاي نفساني فرزندان خود را مقهور ميساختند چه مقدار گناه در نطفه خفه ميشد و چه گروه زيادي از افراد در كليسا نجات داده ميشدند. خيلي از جانها بطور هميشگي از دست خواهند رفت. اين بخاطر اهمالي است كه والدين بطور مناسب و مقتضي فرزندان خود را تاديب و تربيت نكرده اند تا در جواني و شباب مطيع اولياي خود باشند. خطاهاي جزيي و طغيانهاي كوچك باعث ميشود كه هزاران جان بتباهي كشيده شوند و نبايد هيچ خطايي را جزيي پنداشت. حال چگونه والدين بخاطر اين غفلت دهشتناك از وظايف خود پاسخگوي خدا خواهند شد؟

سهل انگاري در به هدر دادن زمان منجر به گناه ميشود- كودكان بيش از پيش به مراقبت و راهنمايي نيازمندند زيرا كه شيطان در صدد كنترل ذهن و دل آنان است تا روح خدا را از آنان دور كند. وضعيت نگران كننده جوانان در اين سن دلالت دارد بر اينكه ما در روزهاي آخر بسر ميبريم ولي تباهي بسياري از افراد مستقيما به مديريت اشتباه والدين اشاره ميكند.

خداوند سهل انگاري در هدر دادن وقت كه منجر به گناه و تبهكاري ميشود را محكوم ميكند. و بيتفاوتي و لاقيدي را كه حضور مصيبت بارش در خانواده هاي مسيحي دير تشخيص داده ميشود را مذموم و منكوب ميدارد.

فقدان تقيد – از آنجا كه والدين بطور مقتضي فرزندان خود را كنترل و هدايت نميكنند هزاران نفر با شخصيتهاي ناقص و بدشكل بار مي آيند كه اهمال كار بوده و در انجام وظايف عملي زندگي دانش كافي ندارند. آنان رها شده اند تا با انگيزه هاي هيجاني خود و وقت و توانائيهاي ذهني خود هر چه ميخواهند بكنند. از دست رفتن هدف خدا در اين استعدادهاي تلف شده متوجه پدران و مادران است و در كوتاهي خود چه عذر و بهانه اي را در پيشگاه خدا خواهند آورد؟ زيرا كه آنان مباشريني18 هستند كه وظيفه الهي به آنان سپرده شده تا جانها را تحت امر و تصدي خود با تمام توان اصلاح نموده تا خالق جلال يابد .

والدين ميپندارند كه فرزندان خويش را دوست ميدارند ولي ثابت كرده اند كه بدترين دشمنان آنان هستند. آنان بي بند و باري را آزاد گذاشته و اجازه داده اند تا شرارت افسار گسيخته شود. آنان به فرزندان خود اجازه داده اند تا فرزندانشان گناه را گرامي بشمارند مانند اين كه يك افعي را نوازش كنند كه نه تنها قرباني خود را كه نوازششان نموده نيش ميزنند بلكه همه كساني را نيز كه به او وابستگي دارند را نيز به سم خود مبتلا خواهد ساخت.

چشم پوشي كردن از خطاهاي مشهود خطاست– والدين برغم اتحاد و همراهي با كساني كه متحمل زحمت شده تا استاندارد اخلاقي و معنوي را ارتقا دهند - تا با قلبها و جانها با خداترسي كار كنند – و اشتباهات فرزندان خود را اصلاح كنند – بسياري از والدين وجدان خود را آسوده كرده و ميگويند: فرزندان من بدتر از ديگران نيستند. آنان در پي پنهان كردن اشتباهات فاحشي هستند كه خداوند از آنها بيزار است مبادا كه فرزندانشان رنجيده خاطر شده و كاري را انجام دهند كه نبايد بكنند (شايد كليسا را ترك كنند). اگر روح طغيان و تمرد در قلبهايشان وجود دارد بهتر اين است كه همين الان رام و مقهور شود زيرا ممكن است با نازپروري اين تمرد سركش شده و توانمند شود. چنانچه والدين وظايف خود را بخوبي انجام دهند وضعيت و شرايط متفاوتي را شاهد خواهيم بود. بسياري از اين والدين از خداوند روي گردانيده اند. آنان از او حكمت طلب نميكنند تا خدعه شيطان را درك نموده و از بدام افتادن اجتناب ورزند.

نوازش و نازپروري كودكان – والدين خيلي اوقات كودكان خويش را ناز و نوازش ميكنند زيرا بنظر با اين روش بهتر ميتوانند آنان را اداره كنند. اين كار راحت تري است كه به آنان اجازه داده شود تا براه خود بروند تا اينكه طبيعت ياغي آنان را كنترل و پاسداري كرد. با اينحال اين روش وخط سيري ضعيف است. بنابراين كار بدي است كه از زير بار مسئوليت شانه خالي كرد زيرا زماني فرا خواهد رسيد كه اين كودكان كه طبيعت آنان كنترل و بررسي نشده مطلقا به فسق و فجور كشيده شده و خفت و رسوايي را براي خود و خانواده خود مي آورند. آنان بدون آمادگي وارد وسوسه هاي زندگي شده و بحد كافي نيرومند نيستند تا بر رنج و پيچيدگيهاي روزگار فائق آيند – با هيجانات احساسي، غرور كاذب و بدون انتظام و تاديب در پي منحرف كردن ديگران بسوي خواسته خود ميباشند و با درماندگي چنين ميپندارند كه دنيا از آنان سوء استفاده نموده و از آن روي بر ميگردانند.

كاشتن بذر هاي غرور – هر كجا كه ميرويم مشاهده ميكنيم كه كودكان ناز و نوازش شده و نابخردانه مورد ستايش قرار ميگيرند. اين كار باعث ميشود تا مغرور، گستاخ و خودپسند بشوند. اين بذرهاي غرور براحتي توسط والدين و سرپرستان بي احتياط در قلبهاي بشر كاشته ميشوند و نوجواناني را كه تحت حمايت آنان هستند را بدون فكر به آينده ستوده و لوس ميكنند. خود رايي و غرور شرارتهايي هستند كه فرشتگان را به اهريمن تبديل نمودند و دروازه هاي آسمان بروي آنان بسته شد. و با اين وجود والدين ناخودآگاهانه مرتبا فرزندان خود را تعليم ميدهند تا نمايندگان شيطان بشوند.

اسير نوجوانان شدن- چه تعداد از والدين گرانبار و زحمتكش اسير و بنده نوجوانان خود ميشوند در حاليكه در هماهنگي با آموزش و تربيت فرزندان براي تفريح و سرگرمي زندگي ميكنند و خود را تجليل ميكنند. والدين بذري را در قلبهاي فرزندانشان ميكارند كه نسبت به محصول ببار آورده آن بي توجه هستند. تحت چنين تربيتي است كه در سنين ده سالگي دوازده سالگي يا شانزده سالگي بچه ها خود را خيلي عاقل ميپندارند. فرض كنيد كه آنان نابغه باشند و خود را در كل چنين ميپندارند كه نيازي ندارند تا تحت استيلاي والدين خود باشند و چنان خود را متعالي فرض ميكنند كه نبايد نسبت به انجام وظايف روزانه زندگي سر فرود آورند. عشق به عيش و تفريح اذهان آنان را تحت كنترل خود در مي آورد و خود پسندي و غرور و تمرد نتايج تلخي را در زندگي آنان بعمل مي آورد .

همدردي و محبت نادرست – عطوفت والدين بايد در جهتي بكار گرفته شود تا فرزندانشان از فرامين مقدس خدا پيروي كنند. والدين اگر با نازپروري فرزندان خود را هدايت كنند از خدا نافرماني كرده اند و از آموزه و تربيتي كه خدا حكم نموده مضايقه نموده اند. وقتي والدين به احكام خدا بي توجهي كنند جانهاي خود و فرزندانشان را بمخاطره انداخته اند.

شفقت و محبت نادرست ضعف ببار مي آورد – تصور غلط مبني بر اينكه ناز و نوازش و محدود نكردن حكيمانه است سيستم تربيتي را شكل ميدهد كه فرشتگان را اندوهگين ميسازد ولي در مقابل شيطان از آن محظوظ ميگردد زيرا صد ها و هزاران نوجوان و نونهال را تحت بيرق و سلطه خود در مي آورد. و بدين خاطر است كه چرا چشمان والدين را از اين امر مهم نابينا كرده حساسيتهاي آنان را از بين برده و اذهان آنان را مغشوش ميكند. آنان ملاحظه ميكنند كه پسران و دخترانشان دوست داشتني و خوش مشرب و مطيع و غمخوار نيستند با اين وجود فرزندان در خانه هايشان جمع ميشوند و زندگي آنان را مسموم كرده قلبهاي آنان را محزون و به تعداد كساني كه شيطان آنان را براي بدام انداختن استفاده ميكند اضافه ميشوند.

قصور در خواسته هاي احكام – چنانچه فرزندان ناسپاس خوراك و پوشاك داشته و به آنان اجازه داده شود تا بدون تاديب براه خود بروند آنان تشويق خواهند شد تا به راه شرارت ادامه دهند. و تا آنجاييكه والدين يا سرپرستان بچه ها را مورد لطف و تفقد خود قرارداده و از آنان نخواهند تا فرمانبردار باشند آنگاه شريك كردار نابخردانه فرزندان خويش خواهند شد. اين قبيل بچه ها با رفتار بد خود و راه ناثوابي كه در پيش گرفته اند همانگونه كه در خانه مسيحي باقي مانده اند ديگران را نيز مسموم رفتار بد خود ميكنند. هر فرد مسيحي بايد استوار بايستد و شرارت و اعمال شيطاني فرزندان متمرد و ناخلف را محكوم و مذموم كند. با جوان بدكار نبايد مانند افراد مهربان و مطيع رفتار شود بلكه بايد مثل برهم زنندگان آرامش و تباه كنندگان معاشرت رفتار شود.

روا داشتن فرزندان به پيروي از افكار خود- تاثير غالب در اجتماع اين است كه طرفدار مجاز شمردن جوانان براي پيروي از اميال طبيعي باشند، آنگونه كه جوان در ذهن خويش ميپروراند. والدين مي انديشند كه ارضاي اميال و خواسته هاي فرزندان و رها كردن آنان به پيروي از طبيعت ذاتي نشان دادن محبت است. چه اشتباه فاحشي! زيرا كه فرزندان نازپروده لجام گسيخته شده و در تمايلات خويش سركش و خودخواه و باجگير و غير قابل تحمل رشد كرده و لعنتي براي خود و اطرافيان خواهند شد.

مجاز شمردن رفتار اشتباه – دروس و تربيت كودكي چه خوب و چه بد بيهوده و عبث نبوده اند. صفات رفتاري براي خير و شر در جواني رشد مي يابد. در خانه ممكن است ستايش و تمجيد هاي غلط به فرزندان روا داشته شود ولي در بيرون از خانه و در اجتماع هر رفتاري بر اساس شايستگيهاي خود تمجيد و تجليل ميگردد. نازپرورده شدگان كه خانه در اقتدار آنان است هر روزه تحت انقياد و سرسپردگي نسبت بديگران خواهند بود. و بسياري با دروس عملي زندگي كار آزموده ميگردند. آنان اغلب بواسطه پذيرفته نشدن ها– نوميديها – و زبان رک و صريح مافوقهاي خود سطح واقعي خود را مي يابند و متواضعانه درك نموده و جايگاه مقتضي خود را ميپذيرند. ولي عدم عبور از اين آزمون سخت و غير ضروري ميسر ميبود چنانچه در دوران نوجواني تربيت و كارآموزي مقتضي صورت ميپذيرفت.

اكثر اين بد تربيت شدگان در مسير زندگي با دنيا در تضاد هستند و هنگامي كه بايد به توفيق ميرسيدند شكست ميخورند. آنان حس ميكنند كه دنيا با آنان از سر لجاجت و عناد برخاسته است زيرا با آنان ملاطفت و دلجوئي نميكند و با غرض ورزي بر ضد دنيا كينه توزي ميكنند و دعوت بمبارزه طلبي ميكنند. شرايط گاهي اوقات آنان را وادار ميسازد تا فروتن باشند ولي با طبيعت آنان موافقت ندارد و شخصيت واقعي آنان دير يا زود فاش خواهد گرديد...

چرا والدين فرزندان خود را با چنين روشي آموزش ميدهند كه با هر كسي كه روبرو ميشوند به ستيز بپردازند؟

تبعيت از جامعه – فرزندان نبايد طوري تربيت شوند تا از جامعه پيروي كنند. آنان نبايد براي بت مولك19 قرباني شوند بلكه بايد به عضويت خانواده خداوند در آيند. والدين بايد از شفقت و دلسوزي مسيح پر شوند تا اينكه براي نجات جانهايي كار كنند كه تحت تاثير و نفوذ آنان هستند. اذهان آنان نبايد مجذوب مد ها و رسوم دنيا شود. آنان نبايد به فرزندان خود آموزش بدهند تا به پارتي هاي شبانه و كنسرت و مجالس رقص و لهو و لعب بروند زيرا پس از آن به كفر و الحاد كشيده ميشوند .

خوشيهاي خودخواهانه نبايد مجازشمرده شود- بسياري از جوانان وجود دارند كه براي جامعه خود بركت هستند و براي خدا افتخاري بحساب مي آيند زيرا كه با ايده هاي درست كه توفيق را پايه گذاري ميكند راه خود را آغاز نموده اند. ولي برغم اينكه با استدلال و اصول كنترل شده باشند تربيت شده اند تا تسليم ذات و طبيعت خود سر بشوند و با عياشي هاي خودخواهانه در پي خشنودي و اقناع خود هستند و مي انديشند كه به شادي دست يافته اند. ولي آنان از نائل شدن به هدف شكست خورده اند زيرا كامروائيهاي خودخواهانه جز نكبت و بدبختي حاصلي نمي آورد. آنان در جامعه بلا استفاده و براي هدف خدا بيهوده و عبث خواهند بود. انتظارات آنان براي دنيا و آخرت دلسرد كننده است زيرا با عشق به كامرانيهاي خودخواهانه، هم دنيا را پايمال ميكنند و هم آخرت را از دست ميدهند.

فقدان تقوي و پرهيزكاري در خانه – در خانه هاي بظاهر مسيحي پدران و مادران چنين انگاشته شده اند كه شاگردان سخت كوش كلام خدا باشند زيرا بايد هر تذكره و حدودي را در كلام خدا بدانند. چنين هويداست كه از آموزه هاي كلام و آموزش فرزندان خود در پرورش وراهنمايي خدا قصور ورزيده اند. والدين بظاهر مسيحي از اهتمام به ممارست در تقوي و پرهيزگاري كوتاهي ميورزند. پدران و مادران چگونه ميتوانند معرف صفات و خصوصيات مسيح در خانه باشند در حينيكه از معيار هاي پست و دون مايه راضي اند؟ تنها كساني مهر و نشان خداي زنده را خواهند داشت كه متشبه به صفات مسيح باشند.

والدين مطيع خدا- خداوند سوء مديريت والدين را محق و شايسته نميداند. امروزه صدها نوجوان به خصم ميپيوندند و كار و زندگي آنان جدا از اهداف خداست. آنان نافرمان – ناسپاس و نا مقدسند و گناه آن به گردن والدين آنان نوشته شده است. والدين مسيحي بياد داشته باشيد كه هزاران فرزند در گناهان خود هلاك ميشوند بخاطر اينكه والدين در خانه حاكميت و اقتدار خردمندانه اي از خود نشان نداده اند. چنانچه والدين از راهنماي نامشهود جماعت بني اسرائيل كه جلال وي در ستونهاي ابر20 پوشيده بود اطاعت ميكردند وضعيت شوربختانه اي كه اكنون در بسياري از خانواده ها وجود دارد ديده نميشد .

**فصل سي و پنجم**

**والدين چگونه ميتوانند شخصيتهايي قوي بنا كنند**

بهترين زمان را اختصاص بدهيد و انديشه كنيد- والدين كودك را درمانده مي يابند؛ او هيچ چيز نميداند و به او بايد ياد داد تا خدا را دوست بدارد و براي خدا تربيت و تاديب گردد. وقتي كه والدين اهميت آموزش فرزندان خويش را درك كنند، وقتي ببيند كه اين كار با آخرت آنان سر و كار دارد احساس خواهند كرد كه بايد بهترين زمان و انديشه خود را وقف اين كار كنند.

درك اصول پيچيده- دروس آموخته شده و خلق و خوهاي شكل گرفته در خلال سالهاي طفوليت و كودكي با شكل گيري شخصيت و مسير زندگي ارتباط دارد كه والدين بايد آنرا مورد توجه قرار دهند. آنان بايد اصولي را درك كنند كه زير اساس مراقبت و كارآموزي فرزندان است. آنان بايد در پرورش جسمي و ذهني و سلامت اخلاقي كودكان بكوشند.

اجتناب از سطحي و ظاهري بودن – ما در عصري زندگي ميكنيم كه تقريبا همه چيز سطحي است. پايداري و ثبات كمي در شخصيت وجود دارد زيرا آموزش و پرورش كودكان از گهواره سطحي بوده است. شخصيت آنان از ماسه بادي ساخته شده است. ترك نفس و خويشتنداري در شخصيت آنان قالب گيري نشده است. ناز و نوازش بيش از حد زندگي آنان را تباه كرده است. خوشگذراني و لذت طلبي اذهان آنان را تحت كنترل خود در آورده و كودكان با تمجيد و تعريف بيش از حد تا مرز ويراني به پيش ميروند.

تقويت كودكان از طريق دعا و ايمان – شما كودكاني را به اين دنيا آورده ايد كه براي به وجود آمدن و هستي خود راي و نظري نداشته اند. شما تا حد زيادي مسئول شادكامي و رفاه آينده آنان هستيد. بار مسئوليت بر دوش شماست خواه برايتان مشهود و محسوس باشد يا خير آموزش كودكان براي خداست – بايد بدقت و غيرتمندانه مراقب اولين رويكرد خدعه هاي خصم باشيد و آماده باشيد تا با معيار و استاندارد مناسب با آن برخورد كنيد. قلعه ها و سنگرهاي دعا و ايمان را در اطراف فرزندانتان بنا كنيد و با سختكوشي مراقبت و نظارت را اعمال كنيد. شما حتي يك لحظه در مقابل حمله هاي شيطان در امان نيستيد. شما نبايد لحظه اي از كار شاق مراقبت و هشياري غافل شويد. در لحظه پاسداري لحظه اي نبايد بخوابيد. اين يكي از مهمترين جنگ هاست. عواقب و دستاوردهاي ابدي در پيش رو خواهد بود و زندگي يا مرگ را براي شما و خانواده تان ببار خواهد آورد.

راسخ و قاطع باشيد- والدين معمولا بيش از حد به فرزندانشان اعتماد دارند زيرا اغلب وقتي والدين به آنان اعتماد ميكنند فرزندان با شرارت پنهانكاري ميكنند. والدين بايد با توجه غيرتمندانه اي از فرزندانشان مراقبت كنند و. قتي بلند ميشويد آنان را نصيحت و سرزنش كرده و به آنان پند و اندرز بدهيد و وقتي كه مينشينيد- وقتي كه بيرون ميرويد- و وقتي كه بازميگرديد ببينيد كه آيا رفتار آنان و آموزه هاي شما با كلام مطابقت دارد يا خيرو هر مطلبي را بارها و بارها و كلمه به كلمه21 توضيح دهيد. فرزندانتان را وقتي كه هنوز جوان هستند رام و مطيع سازيد. متاسفانه بسياري از اولياء نسبت به اين موضوع مهم غفلت ميورزند. آنان آنطور كه بايد و شايد در قبال فرزندانشان راسخ و قاطع نيستند .

با شكيبايي و اميد و انتظار بذر گرانبها را بكاريد – "هر كس هر چه را بكارد همان را درو خواهد كرد22". والدين بايد اعتماد فرزندانتان را بخود جلب كنيد و با محبت و شكيبايي و اميد و انتظار بذر گرانبها را بكاريد23. با خشنودي كار كنيد و هرگز از سختي و نگراني و زحمت گله نكنيد. چنانچه با صبوري و مهرباني و تلاش مسيحانه فردي را براي عيسي مسيح به كمال برسانيد آنگاه بدانيد كه زندگي شما در بطالت نبوده است. خود نيز اميدوار و شكيبا باشيد. ياس و نوميدي را از چهره و رفتارتان دور كنيد. ساختن شخصيت در دستان شماست و با ياري خدا ميتوانيد در تاكستان سرور و مولايمان كار كرده و جانهاي زيادي را براي مسيح صيد كنيم. هميشه فرزندانتان را تشويق كنيد تا در عادتها و گرايشهاي خود به استاندارد بالايي دست يازند. نسبت به معايب آنان صبور باشيد همانطور كه خدا نسبت به شما و نقصهايتان بردبار است. خداوند شما را تحمل ميكند و ناظر و مراقب شماست تا اينكه براي جلال او ميوه بياوريد. فرزندان خود را تشويق كنيد تا با جد و جهد به پاكدامني نايل شوند.

اطاعت از احكام را تعليم بدهيد- پدران و مادران بايد حساس باشند. به فرزندان خود بياموزيد تا مطيع احكام باشند. لطف و مهرباني نبايد باعث شود تا نوجوان براه خود برود و هر كاري كه دلشان خواست انجام بدهند. او بايد مقيد به احكام بوده و هر گونه كوتاهي و قصور بايد اصلاح بشود زيرا اگر او را دوست داريد بايد او را تاديب و تنبيه كنيد. اين چه نوح محبتي است كه به فرزند خود اجازه ميدهيد تا ويژگيهاي شخصيتي را در خود رشد دهد كه هم خود او و هم ديگران را به مصيبت و تيره روزي ميكشد؟ از چنين محبتي دوري كنيد. عشق و محبت واقعي به حال و عاقبت بخيري جان مينگرد. والدين چه حقي را براي خود قائلند تا فرزندان را به اين دنيا آورده و نسبت به آنان كوتاهي نموده و اجازه دهند تا بدون فرهنگ و آموزش مسيحي بزرگ شوند؟ والدين بايد مسئوليت پذير باشند. به آنان كنترل خويش را ياد بدهيد به آنان آموزش بدهيد كه بايد اداره شوند نه اينكه اداره كنند.

جسم و فكر و روح را هماهنگ كنيد- قابليتهاي روحي و ذهني و جسمي بايد پرورش يابد تا اينكه شخصيتي متعادل و مناسب را شكل دهد. كودكان بايد تحت نظارت و حفاظت و انضباط قرار گيرند تا اينكه با موفقيت به كمال برسند. ساختار جسمي عيسي و همچنين رشد روحاني او با كلمات به منظر ما آورده شدند "كودك رشد كرد" و "در قد و قامت رعنا و رشيد گرديد24". در دوران كودكي و نوجواني بايد به رشد جسمي توجه شود. والدين همچنين بايد عادات خوب غذايي و نوشيدني و پوشش را تعليم داده و بدان عمل كنند زيرا اين شالوده خوب و محكمي است كه براي زندگي سالم كنوني و آخرت چيده ميشود.

سلامت و تندرستي با عقل و اخلاقيات رابطه دارد – بمنظور برانگيختن حساسيتهاي اخلاقي فرزندانتان كه خداوند دعوي آنرا دارد بايد بر ذهن و قلب خود نقش ببنديد كه چطور احكام خدا را رعايت كنيد. و جسم آنان را در چارچوبهاي درستي قرار دهيد زيرا كه تندرستي بطور شگرفي با عقلانيت و اخلاقيات رابطه دارد. چنانچه آنان تندرستي و خلوص قلب دارند پس بهتر براي زندگي آماده شده اند و براي جهان بركت خواهند بود. متعادل كردن اذهان آنان در مسير درست و در زمان مناسب مهمترين كار است زيرا بطور زيادي بستگي به تصميمي دارد كه در لحظه بحراني گرفته ميشود.

پس چقدر اهميت دارد كه ذهن والدين از پريشاني و سرگشتگي فارغ و آسوده باشد تا اينكه فكر و عملشان با آرامش و عقل و محبت توام بوده و توجه به سلامت جسم و اخلاق، اولين و مهمترين نگراني آنان باشد. والدين از اين در شگفت هستند كه كنترل فرزندان بيش از پيش مشكل شده است زيرا در اداره و كنترل اكثر بزهكاريها به تنگ آمده اند. كيفيت غذايي كه بر سر سفره مي آورند و فرزندانشان را تشويق به خوردن آن ميكنند دائما هواي نفس آنان را تحريك نموده و استعدادهاي فكري و اخلاقي آنان را ضعيف ميگرداند.

غذاي پاك براي ذهن ضروري است – به عزيزانتان نوع غذا و استعداد ها را آموزش بدهيد – در پي اشتغال ذهني آنان باشيد كه بدانوسيله جايي براي افكار يا هوسهاي پست و موهن وجود نداشته باشد. فيض مسيح تنها پادزهري است كه از شرارت ممانعت بعمل مي آورد. اين انتخاب شماست كه ذهن فرزندانتان از افكار غير اخلاقي مبرا و پاك باشد و براي منجي باعث مباهات شوند و يا اينكه از شرارتهايي كه در همه جا وجود دارند پر شوند. ذهن مانند جسم بايد از تغذيه خالص و پاك بهره مند گردد تا اينكه سالم و قوي باشد. به فرزندانتان چيزي بدهيد تا به فراتر از خودشان فكر كنند. ذهني كه در فضاي پاك و مقدس زندگي كند هرگز بازيچه ، سبكسر ، بيهوده و خودخواه نخواهد شد.

ما در زماني زندگي ميكنيم كه چيزهاي جعلي و ظاهري متعالي تر از چيزهاي طبيعي و واقعي و بادوام شده است. ذهن بايد بدور از هر چيزي باشد كه آنرا به مسيرهاي غلط سوق دهد. ذهن نبايد با داستانهاي پيچيده و مهمل پر شود زيرا كه استعدادهاي فكري را تقويت نخواهد كرد. انديشه ها خصوصياتي را جلوه گر ميشوند كه با آن تغذيه شده باشند.

عقل با ذكاوت كفايت نميكند - ممكن است از عقل هوشمندانه خود خشنود باشيد ولي اگر تحت كنترل قلب تطهير شده نباش دي آنگاه با اهداف خدا مغايرت خواهيد داشت. هيچ چيزي بجز مطالبات خدا نميتواند به ما ثبات شخصيت، فراست ذهني و درك عميق ببخشد چرا كه اينها براي توفيق و كامراني دنياي كنوني و جهان آخرت ضروري هستند.

هدفگيري به نقاط مرتفع در رشد شخصيت- اگر سختكوشي را به فرزندان خود آموزش دهيم نيمي از خطر برطرف شده است زيرا بيهودگي و بطالت انسان را به وسوسه هاي گناه ميكشاند. بياييد تا فرزندان خود را به سادگي و رفتار غيرگستاخانه تعليم داده تا خير انديش و فداكار بشوند ولي اسرافكار نباشند – مقتصد بوده ولي آزمند و خسيس نباشند. و فراتر از هر چيز مطالبات و خواسته هاي خدا را به آنان تعليم دهيم چرا كه آنان مكلفند تا دين خدا را در هر بخشي از زندگي دخيل كنند - خدا را در منتهي درجه دوست بدارند – همسايه خود را دوست بدارند و از هداياي كوچك زندگي غفلت نورزند كه براي شادكامي ضروري هستند.

براي حكمت آسماني دعا كنيد- والدين بايد با شور و حرارت براي كسب حكمت نزد خدا دعا كنند تا به آنان كمك كند تا بطور مناسب و شايسته فرزندان خويش را تربيت كنند – كه بموجب آن آنان خصوصياتي را پرورش دهند كه مورد تاييد خداست. نگراني والدين بايد اين باشد كه طوري فرزندان خود را تربيت كنند كه مايه مباهات و ستايش دنيا قرار گيرند و اينكه چونه آنانرا تعليم دهند تا ويژگيهاي زيبايي را شكل دهند كه مورد عنايت و تصديق خداوند واقع شود. دعاها و مطالعات زيادي براي حكمت آسماني نياز است تا بدانيم كه چگونه با انديشه هاي جوان سر و كار داشته باشيم زيرا اين مسئله بطور زيادي بستگي به والدين دارد تا چطور اذهان و خواسته هاي فرزندانشان را هدايت كنند.

رهنمودهاي معنوي و اخلاقي – والدين بايد به تعهد خويش واقف شوند تا فرزنداني با خصوصيات خوب پرورش يافته و به جهان تقديم كنند – فرزنداني كه نيروي اخلاقي و معنوي داشته تا در برابر وسوسه ها مقاومت كنند و كساني كه زندگي آنان مايه افتخار خدا باشد و بركتي براي همنوعان خود باشند. كسانيكه با اصول محكم وارد فعاليتهاي زندگي بشوند آماده خواهند بود تا در ميانه آلودگيهاي اين زمانه وانفسا بي عيب و نقص باقي بمانند.

به فرزندان آموزش بدهيد تا براي خود تصميم بگيرند- بگذاريد تا جوانان و بچه هاي خردسال ياد بگيرند تا براي خود رداي پادشاهي را كه در آسمان بافته شده است را انتخاب كنند – آن ردايي كه از كتان ظريف پاك و سفيد است (مكاشفه 19:8 )و همه مقدسين آنرا خواهند پوشيد. اين ردا صفات بي عيب مسيح است كه برايگان به هر بني بشري ارزاني گرديده است. و هر كسي كه آنرا دريافت كند در همين جهان آنرا خواهد پوشيد.

**بخش ٩**

**عناصر بنيادي بناي شخصيت**

**فصل سي و ششم**

**امتياز سالهاي اوليه**

دوره طفوليت از مهمترين زمانهاست- تربيت كودك در زمانهاي طفوليت اهميت بسزايي دارد. درسهايي را كه كودك در خلال هفت سال اول عمر خود ياد ميگيرد با شكل گيري شخصيت او سر و كار دارد و بيش از هر چيزي است كه در سالهاي بعدي مي آموزد. از خردسالي است كه شخصيت كودك بايد قالبگيري شده و به شكلي در آيد كه مطابق با برنامه الهي است. عفت و پاكدامني بايد در ذهن باز او القاء شود. كار والدين بايد از طفوليت آغاز شود كه بدانوسيله تاثير درستي را دريافت كند، قبل از اينكه دنيا مهر خود را بر قلب و ذهن او نقش ببندد.

آسيب پذيرترين سن- اولين سالهاي زندگي كودك دوره تاثير پذيري و آسيب پذيري است كه بموجب آن نيكي يا شر اثرات خود را بر وي ميگذارد. در خلال اين سالهاست كه راه درست يا غلط انتخاب ميشود. در يك طرف اطلاعات بي ارزش ميتواند حاصل شود و در طرف ديگر دانش با ارزش و خالص كسب گردد. قوت هوش و ذكاوت و دانش اساسي ترين دارايي هايي هستند كه نميتوان آنرا با طلاي خالص اوفير25 خريد. قيمت آنان فراتر از هر طلا و نقره اي است .

اولين تاثيرات ندرتا بفراموشي سپرده ميشوند- اطفال و كودكان و نوجوانان نبايد كلامي آزار دهنده را از پدر و مادر و اعضاي خانه بشنوند زيرا در سالهاي اوليه زندگي سريعا تحت تاثير قرار ميگيرند و كودكان در آينده همان فردي ميشوند كه در خانه با آنان رفتار ميشود. اولين دروس تاثيراتي هستند كه بر كودكان گذارده ميشوند و ندرتا فراموش ميشوند... هر چه كه قلب در سالهاي اوليه از آن متاثر ميشود در سالهاي بعد آنرا بروز خواهد. داد الحال ممكن است كه نهفته شده باشند ولي به ندرت به بوته فراموشي سپرده ميشوند.

شالوده در اولين سه سال زندگي ريخته ميشود- مادران بايد اطمينان حاصل كنند كه بطور شايسته فرزندانشان را در اولين سه سال زندگي تربيت كنند. به آنان اجازه ندهيد تا اميال و خواسته هاي خود را شكل بدهند. مادر بايد مراقب فرزند خود باشد. اولين سه سال زندگي زماني است كه شاخه هاي كوچك خم ميشوند. مادران بايد اهميت اين دوره را درك كنند از. آن زمان است كه پي ريزي انجام ميشود. چنانچه اولين دروس ناقص و ناتمام گذرانده شوند كه متاسفانه اغلب اوقات چنين ميشود، براي خاطر مسيح و براي آينده فرزندان و عاقبت بخيري آنها در پي اصلاح اشتباهاتي باشيد كه انجام داده ايد. اگر منتظر بوده ايد تا اينكه فرزندانتان سه ساله بشوند تا به آنان خويشتنداري و اطاعت را ياد بدهيد از همين حالا در پي انجام آن باشيد حتي گرچه سخت تر خواهد بود.

آنطور كه فرض شده به آن سختي ها هم نيست- بيشتر تشويشها و نگرانيهاي والدين را ميتوان زدود چنانچه فرزندان از گهواره آموخته شوند كه خواسته هاي آنان نبايد مثل قانون لازم الاجرا شود و هر چه دلشان خواست بر آورده شود. تعليم خردسالان به آن سختي ها هم كه فرض شده نيست و بايد تندمزاجيها فرو نشانده شده و آنانرا مطيع ساخت.

در اين كار تاخير نكنيد – بسياري از والدين در اوان سالهاي زندگي كودكان از وظايف خود كوتاهي كرده فكر ميكنند وقتي كه آنان بزرگتر شوند اشتباهات را منكوب و در مسير درست هدايتشان خواهند كرد. ولي بايد اين كار را از همان لحظه اي شروع كنند كه طفل را در آغوش ميگيرند. اين درست نيست كه والدين كودكان را نازپرورده و لوس بار بياورند و همچنين درست هم نيست تا با آنان بد رفتاري كنند. رك و صريح و قاطع بودن در اعمال نتايج سودمندي ببار خواهد آورد.

وقتيكه به والدين نسبت به عادات نادرست خردسالان هشدار داده ميشود برخي از آنان كاملا خود را خونسرد و بي تفاوت نشان ميدهند و ديگران با لبخند ميگويند: (طفلك! من توان برخورد با آنان را ندارم. وقتي بزرگتر شوند بهتر ميشوند. آنوقت از اين طغيانها خجلت زده خواهند شد. خوب نيست تا با اين بچه هاي كوچك بسيار سختگير و تند بود. با سختگير بودن وقتي بزرگ شوند آنوقت دروغگو و فريبكار و بي تفاوت و خودخواه ميشوند). اين حرفها راهي ساده براي خلاص شدن و طفره رفتن از موضوع است وليكن با اراده خدا سازگار نيست.

تلاشهاي شيطان براي خنثي سازي كارهاي شما- والدين معمولا از شروع كار اوليه كوتاهي ميكنند. شما به شيطان اجازه ميدهيد تا زمين دل را اشغال و اولين بذر را در آن بكارد. كار شما اين است كه نگذاريد شيطان كنترل فرزندانتان را در دست بگيرد و آنان را از شما دور بسازد قبل از اينكه شما اين كار را بكنيد. مادران بايد به اين مسئله دقت كنند كه نگذارند تا قدرتهاي اهريمني كنترل بچه هاي خردسال را در دست بگيرند. بايد اراده كنيد تا نگذاريد دشمن شما و فرزندانتان بيرق خود را در خانه شما برافرازد.

آماده سازي و تمهيد براي زندگي عملي- تعداد كمي وجود دارند كه به دانش اندوخته شده براي دنيا و آخرت توجه ميكنند و اين چيزها بايد در خلال سنين دوازده تا پانزده سالگي بدست بيايد. فرزندان نه تنها بايد در سالهاي شباب به كسب دانش نائل آيند بلكه بر آن باشند تا دانش عمومي و مهارتهاي فكري را براي زندگي عملي استحصال نمايند. كار امروز را به فردا ميفكنيد.

ميراث ناپلئون- شخصيت ناپلئون بناپارت بطور شگرفي نشات گرفته از تربيت دوران كودكي اش بود. آموزگاران بي خرد عشق به پيروزي را در او القاء كرده بودند و ارتش مسخره اي براه مي انداختند و او را بر شانه خود به عنوان فرمانده مينشاندند. در اينجا بود كه شالوده آينده او براي استيلا و خونريزي ريخته شد. اگر چنين توجه و تلاشي براي نيكمردي او صورت ميگرفت و قلب او از روح انجيل الهام ميگرفت چقدر تاريخ ميتوانست متفاوت باشد.

هيوم و والتير- گفته شده است كه هيوم26 شک گرای، در اوان زندگی یک ایماندار با وجدان بود و كلام خدا سر لوحه زندگي او بود. در ارتباط با مباحثات اجتماعي، او منصوب شد تا بحثي را پيرامون بدعهدي و كفر ارائه كند. او با اشتياق و پشتكار مطالعه كرد و ذهن فعال و مشتاق او با سفسطه و شكاكيت رنگ گرفت. بزودي او به تعاليم گمراه كننده اعتقاد پيدا كرد و آخرت و عاقبت او تحت تاثير كفر و الحاد واقع شد .

وقتي كه والتير27 پنج ساله بود شعري كفرآميز را حفظ كرد و تاثير مهلك آن هرگز از ذهن او خارج نشد. او يكي از موفقترين نمايندگان شيطان شد تا انسانها را از خدا دور سازد. هزاران نفر براي نظريه والتير كفر گو زندگي خود را به تباهي كشاندند .

انديشه ها و احساسات گرامي داشته شده در سالهاي شباب زندگي تعين كننده تاريخ زندگي خواهد بود. عادات صحيح و با فضيلت و جوانمردانه كه در جوان شكل گرفت بخشي از شخصيت او را تشكيل خواهد داد و معمولا خط سير افراد را در زندگي نشانگذاري خواهد نمود. جوانان با انتخاب خود ممكن است با فضيلت يا بدكار شوند. آنان را ميتوان از كردار شريف و درست و يا از تبهكاريها و شرارتهايشان متمايز و تشخيص داد .

پاداش حنا- فرصتهاي گرانبها و فوايد ارزشمند بيكران به هر مادري اعطا گرديده است. در طي اولين سه سال زندگي سموئيل نبي، مادرش بدقت او را تعليم ميداد تا فرق بين خوب و بد را ياد بگيرد. او با هر شيئي كه در اطراف بود در پي اين بود تا انديشه هاي او را به سوي خالق معطوف دارد. او نذر كرده بود تا پسر خود را وقف خدا كند و او را تحت مراقبت ايلي كاهن قرار داد تا براي خدمت در خانه خدا تعليم ببيند... اولين سالهاي تعليم او را هدايت نمود تا كمال مسيحيت را براي خود انتخاب و ابقا كند. حنا اجر خود را يافته بود. اشتياق و دلگرمي او براي وفاي به عهد اسوه و الگوي خوبي بود.

چگونه ذهن يوسف محافظت شد- يعقوب درسهاي توكل و اعتماد به خدا و يقين به رحمت و مراقبت بي وقفه او را به يوسف تعليم داده بود. اين تعاليم كمك شاياني به او كرد خصوصا زماني كه دور از وطن و در ميان مردم بت پرست بود. در زمان آزمايش او اين دروس آموخته شده را بكاربرد. وقتي كه در بحراني ترين آزمايشها بود او به پدر آسماني نگريست آنكسيكه بايد به او توكل نمايد. اگر احكام و الگوي پدر يوسف ضد شخصيت بود، كلك سروش هرگز نميتوانست اوراق تاريخ الهي را از داستان عفاف و پاكدامني يوسف كه شخصيت وي را درخشان نموده بود قلم بزند. تاثيرات اوليه بر ذهن او از قلب وي در برابر وسوسه هاي سبعانه محافظت نمود و سبب شد تا بانگ بر آورد: چگونه مرتكب اين شرارت بزرگ بشوم و به خدا خطا ورزم؟28

حاصل آموزش خردمندانه- اين واقعيت محزون كننده اي است كه هر شرارت و بي عزمي از طرف مادر را ميتوان بسرعت در رفتار كودكان ملاحظه نمود. و اغوا كننده بر اذهان آنان ار ك ميكند و آنان را هدايت كرده تا در انحراف خود پافشاري كنند. اگر والدين كيفيتهاي لازمه را در آموزش مناسب فرزندان ترويج و بهبود بخشند، اگر مقرراتي را كه بايد رعايت كنند در مقابلشان قرار داده شود و استقامت بخرج دهند تا اين مقررات شكسته نشود آنگاه خداوند همياري نموده و والدين و فرزندان را بركت خواهد داد.

در سالهاي اوليه كودكان مستعد فراگيري تاثيرات غير اخلاقي و سست بنياد هستند ولي والديني كه تظاهر به مسيحي بودن ميكنند بنظر ميرسد كه در دوره مديريت خود شرارت را تشخيص نميدهند. آنان بايد درك كنند كه پيش فرضهايي را كه به فرزندانشان در سالهاي اوليه داده اند درشخصيت آنان اثر گذارده و سرنوشت آنان را براي زندگي يا مرگ ابدي شكل ميدهد. كودكان مستعد پذيرش اثرات روحاني و اخلاقي هستند و كساني كه حكيمانه در كودكي تربيت شده اند ممكن است كه زماني خطايي از آنان سر بزند ولي به بيراهه كشيده نخواهند شد.

**فصل سي و هفتم**

**نيروي غريضه و عادات**

عادتها چگونه شكل ميگيرند- هر عملي خواه خوب يا بد شخصيت را شكل نميدهد ولي افكار و احساسات افراطي راهي را براي كردار و اعمال نوع مخصوص بخود آماده ميسازد. با تكرار اعمال است كه عادتها شكل ميگيرند و شخصيت تثبيت ميشود.

زمان براي ايجاد عادات خوب- تا حد زيادي شخصيت در سالهاي اوليه شكل ميگيرد. عادات شكل گرفته بيشتر از هر موهبت طبيعي اثر گذار است. اين عادات باعث خردمندي و يا خرفتي ميشود زيرا بهترين استعدادها بواسطه عادات اشتباه ضعيف و منحرف ميگردد. در سالهاي اوليه زندگي كسي كه با عادتهاي زيانبار در تماس باشد هر چه بيشتر قرباني خود را در اسارت نگاه دارند بيشتر معيار معنويت به پستي ميگرايد. در طرفي ديگر اگر عادتهاي صحيح و پرهيزكارانه در جوانان شكل بگيرد در زندگي صاحب كرامت خواهند شد. آنانيكه در بزرگسالي هستند معمولا سخت تر تاثير ميپذيرند29 ولي جوانان تاثير پذيرترند .

عادتها اصلاح و تعديل ميشوند ولي بندرت تغيير مي يابند- آنچه را كه كودك ميبيند يا ميشنود بر ذهن حساس و ظريف او نقش ميبندد كه تحت هيچ شرايطي در زندگي نميتوان آنرا محو نمود. هوش و ذكاوت اكنون شكل داده ميشود و علاقه ها مسير و قوت خود را مي يابند. اعمال تكرار شده در طي يك دوره تبديل به عادت ميشود. اين عادات تحت آموزش و تاديب سخت ميتوانند اصلاح و بهبود شوند ولي بندرت تغيير مي يابند30.

عادتها وقتي كه شكل گرفت بيشتر و بيشتر بر شخصيت اثر ميگذارد. هوش و ذكاوت بطور پيوسته از فرصتها و امتيازات قالب ميپذيرد كه ممكن است زيانبار و يا منفعت آميز باشد. ما روز به روز شخصيت خود را شكل ميدهيم كه دانش آموزان و سربازان كارآزموده اي را تحت بيرق عيسي قرار داده و يا اينكه طغيان گراني را تحت بيرق تباهي قرار دهد. كداميك بهتر است؟

استقامت و پشتكار ضروري است- هر چه خود را بيشتر به مخاطره بيندازيم تمايل بيشتري براي انجام دوباره آن خواهيم داشت. عادات متانت و خويشتنداري و مقتصد بودن و پشتكار داشتن و درست و دقيق بودن و گفتگوي معقول و مقبول و شكيبايي و ادب بدون سخت كوشي و مراقبت از نفس حاصل نميگردند. خلق سخيف و سفيه داشتن بسيار ساده تر از مستولي شدن بر نقايص و تحت كنترل در آوردن نفس و ارج نهادن به تقوي و پرهيزكاري است. تلاشهاي مجدانه براي به كمال رسيدن فيوضات مسيحانه در زندگي الزامي است.

بچه هاي فاسد ديگران را به مخاطره مي اندازند- والدين خداترس بايد هدفمندانه براي تربيت فرزندان براي عادتهاي درست برنامه ريزي كنند. والدين براي فرزندان خود بهتر است تا معاشر و همنشين انتخاب كنند تا اينكه آنانرا رها نموده و بدون تجربه و از روي ناپختگي براي خودشان همصحبت پيدا كنند.

اگر فرزندان در دوران كودكي با پشتكار و شكيبايي در طريق درست و مناسب تربيت نشوند عادات غلطي را شكل ميدهند. اين عادتها در زندگي آينده آنان رشد كرده و ديگران را به تباهي خواهد كشاند. كسانيكه ذهن آنان بد قالبريزي شده باشد با كارهاي فريب آميز خود در خانه تاثير ميگذارند و عادتهاي اشتباه خود را در سراسر زندگي با خود حمل خواهند كرد. اگر شغل مذهبي را پيشه كنند اين عادتها در زندگي مذهبي آنان آشكار خواهد گرديد.

شائول پادشاه مثالي اندوهناك- تاريخ اولين پادشاه اسرائيل معرف نمونه اي حزن آلود از قدرت عادتهاي اشتباه است. شائول در جواني خداترس و خدادوست نبود و آن روح شرزه براي اطاعت تربيت نشد و همواره آماده طغيان بر ضد امور الهي بود. آنانيكه در جواني اراده خدا را مقدم و محترم ميشمردند و در منصب خود وفادارانه به وظايف خود عمل ميكنند براي انجام خدمات عاليتر در آخرت خود را آماده ميكنند.

يك كودك آموزه هاي ديني درست را دريافت ميكند ولي چنانچه والدين و معلمين يا سرپرستان اجازه دهند تا شخصيت او با عادتهاي نادرست منحرف گردد و بر عادت غلبه نشود به قدرتي نافذ تبديل خواهد شد و كودك از دست خواهد رفت.

اعمال كوچك مهم هستند- هر عملي خصوصيت و اهميت دوگانه اي دارد. خوب يا بد – درست يا غلط مطابق با انگيزه اي كه آنرا بفعاليت وا ميدارد. يك عمل اشتباه با تكرار متوالي اثر دائمي را بر ذهن عامل ميگذارد و همچنين بر ذهن آنانيكه با او مرتبط هستند - در هر رابطه اي، خواه روحاني و يا دنيوي. والدين يا معلميني كه به كردار كوچكي كه درست نيست توجه نميكنند عادتهايي را در جوانان شكل ميدهند.

والدين بايد وفادارانه به جانهايي كه براي آنان سرمايه گذاري نموده اند سر و كار داشته باشند. آنان نبايد غرور و ولخرجي و يا عشق به تظاهر را تشويق كنند. آنان نبايد آموزش را بشوخي بگيرند زيرا باعث موذيگري در خردسالان ميشود بلكه بايد با جديت تعليم ببينند و رفتارهايشان اصلاح شود تا اينكه بزرگتر شوند.

شوخي ها و بازيگوشيهاي كوچك و شيطنت كودكي بنظر سرگرم كننده مي آيد و ممكن است آنان تشويق هم بشوند ولي وقتي بچه بزرگتر شود حركاتش ممكن است نفرت انگيز و اهانت آميز با شد.

عادات بد ساده تر از عادات خوب شكل ميگيرند- همه آموخته هاي كسب شده شرارتهايي را كه در اثر تاديب سهل انگارانه در كودكي رخ داده اند را خنثي و برطرف نميسازد. يك كوتاهي و غفلت اغلب تكرار ميشود و عادتها را شكل ميدهد. يا عمل اشتباه راه را براي اشتباه ديگر باز ميكند. عادتهاي بد ساده تر از خوبها شكل ميگيرد و مشكلتر ميتوان از آنها رها شد.

بچه هاي كوچك چنانچه به حال خود رها شوند بدها را آسانتر از خوبها ياد ميگيرند. عادتهاي بد با طبيعت و سرشت انساني موافقت دارند و چيزهايي كه در طفوليت و كودكي ميبينند و ميشنوند بطور عميقي بر اذهان آنان نقش بسته است.

عادتهاي اوليه منتج به پيروزي و يا شكست در آينده خواهد شد- منحصر بفردي ما براي حال و آخرت با عادتهاي ما شكل گيرد. زندگي كساني كه عادات درستي را شكل ميدهند و در انجام وظايف وفادارند نور هاي درخشاني هستند كه پرتوهاي خود را بر مسيرهاي ديگران ميتابانند ولي اگردر عادات بدعهدي افراط شود چنانچه سهل انگاري و بيتفاوتي مجاز شمرده شود در قوت خويش ابري سياهتر از نيمه شب بر رخساره اين زندگي پرتو افكنده و براي هميشه مانعي براي جهان آخرت خواهد شد. در كودكي و جواني شخصيت بسيار تاثير پذير است. نيروي خويشتنداري و كنترل نفس بايد استحصال شود. در كنار بخاري و در كنار خانواده است كه ديگران بر هم اثر ميگذارند كه نتيجه آن به اندازه ابديت است. بيش از هر موهبت طبيعي عادتهايي كه در سالهاي اوليه شكل داده شده اند تعين خواهند كرد كه آيا يك انسان در كارزار زندگي ظفرمند يا مغلوب خواهد.

**فصل سي و هشتم**

**سن و خلق و خو و مزاج را مورد بررسي قرار دهيد**

در برون رفت كودك از دوران كودكي تعجيل نكنيد- والدين هرگز نبايد در برون رفت كودك از مرحله كودكي شتاب بخرج دهند. بگذاريد درسها و تعاليم داراي خصوصياتي باشد كه اهداف شريف را در قلبهايشان الهام كند ولي اجازه بدهد كودك در مراحل كودكي خود با اعتماد و درستي و صداقت رشد كند كه آنانرا آماده خواهد ساخت تا به ملكوت آسمان وارد شوند.

هر مرحله اي زيبايي خاص بخود را دارد- والدين و معلمان هدفشان بايد گرايش دادن جوانان به سمتي باشد كه در هر مرحله از زندگي بتوانند زيبايي مقتضي به آن دوره و مرحله را نمايش داده و بطور طبيعي شكفته شوند همانگونه كه گلها و شكوفه ها در گلستان و بوستان چنين ميكنند.

يكي از گيرا ترين و زيباترين حكايتهاي مسيح حكايت برزگر و دانه است... حقايقي را كه اين حكايت مي آموزد واقعيتهاي زنده اي در زندگي خود مسيح بود. او در طبيعت روحاني و جسماني خويش از نظام رشد الهي تبعيت نمود كه بواسطه رشد گياه مصور گرديده بود و به همين شيوه نيز خداوند تمايل دارد كه همه جوانان چنين كنند. گرچه او سرور كائنات و پادشاه جلال بود همچون نوزادي در بيت لحم مولود شد و براي مدتي مانند طفلي درمانده تحت مراقبت مادر بود.

عيسي در كودكي فرزند مطيعي بود. او گفتار و كردار يك كودك را داشت و نه مانند يك مرد بزرگ – او به والدين خود احترام ميگذاشت و به خواسته هاي آنان بطريق اولي و مفيد مطابق با توانايي يك كودك عمل مينمود. كلام مقدس از كودكي او ميگويد: " آن كودك رشد ميكرد و قوي مي . شد او پر از حكمت بود و فيض خدا بر او قرار داشت. در قامت و حكمت، و در محبوبيت نزد خدا و مردم، رشد ميكرد" ( لوقا 2:40, 52).

تنوع خلق و خو در اعضاي خانواده- نشانه هاي تنوع رفتار و مزاج و شخصيت در جمع خانواده را ميتوان مشاهده كرد زيرا كه اين نظام خداست كه اشخاص با خلق و خو هاي متفاوت بايد بهم بپيوندند. وقتي كه مورد چنين باشد هر عضو از خانواده بايد مقدسانه توام با احترام و احساس به حقوق ديگران احترام بگذارد. بدينوسيله ملاحظات متقابل و مدارا ترويج خواهد شد – تبعيض و غرض ورزي فرو نشانده خواهد گرديد و نقاط خشن شخصيت صيقل داده خواهد . شد توازن و همساني تامين گرديده و آميختگي طبع هاي مختلف هر يك از اعضا را منتفع خواهد ساخت.

ذهنها و شخصيتهاي منحصر بفرد را در يابيد- هر كودكي كه به اين دنيا مي آيد مسئوليت والدين را افزايش ميدهد... خلق و خو و تمايلات و ويژگيهاي شخصيت آنان بايد مورد تفحص قرار گيرد. والدين بايد بسيار محتاطانه تشخيص خود را مورد مطالعه قرار داده تا قادر شوند تمايلات اشتباه را فرو نشانده و تقليد درست و اصول صحيح را ترغيب كنند. تندي و خشونت در اين كار لازم نيست. خويشتنداري بايد ترغيب و ترويج شود تا اثرات خود را بر ذهن و قلب كودكان بگذارد. كار با اذهان كودكان بسيار جالب و دلپذير است. با همه كودكان نميتوان بدينگونه رفتار كرد زيرا كه محدود كردن يك نفر ممكن است سبب از هم پاشيده شدن زندگي ديگري بشود. باصطلاح همه را نميتوان با يك چوب راند. يك كودك با زبان ملايم سربراه ميشود و ديگري با زبان تند سر جاي خود مينشيند. خلق و خوي هر كودك با ديگري متفاوت است.

ويژگيهاي ضعيف را تحريك به فعاليت كنيد و خصوصيتهاي اشتباه فرد را منكوب كنيد- تعداد كمي از كودكان از ذهنهاي متعادل برخوردارند زيرا والدين با بدكاري خويش از وظايف خود براي بفعاليت واداشتن ويژگيهاي منحصر بفرد و سركوب كردن اشتباهات كوتاهي ميكنند. آنان نميدانند كه تحت التزام جدي قرار دارند تا از تمايلات و گرايشهاي هر كودك مراقبت بعمل آورند و اين وظيفه آنان است تا فرزندان خود را به عادات درست و راههاي درست انديشيدن آموزش دهند.

ازحالات و خلق و خو هاي هر كودك آگاه شويد- كودكان بايد بطور پيوسته تحت مراقبت قرار گيرند ولي لازم نيست بدانند كه شما مراقب آنان هستيد. از حالات و رفتار هر يك از آنان در ارتباط با يكديگر آگاه باشيد و در پي تصحيح اشتباهات آنان باشيد و آنان را به داشتن خصوصيتهاي درست تشويق كنيد. كودكان بايد ياد بگيرند كه رشد قواي روحي و جسمي بستگي به خود آنها دارد و پيامد تلاش و پشتكار است. آنان بايد در همان ابتدا ياد بگيرند كه شادي در لذات خودخواهانه يافت نميشود و تنها در پي خدمت و كار سودمند حاصل ميگردد. در زمان مشابه مادر بايد در پي خشنود ساختن فرزندان باشد.

نيازهاي فكري به اندازه نيازهاي جسمي مهم هستند- برخي از والدين با دقت به خواسته هاي دنيوي فرزندان خود رسيدگي ميكنند- والدين با مهرباني و صادقانه در هنگام بيماري از آنان پرستاري ميكنند و فكر ميكنند كه وظيفه خود را بانجام رسانيده اند. آنان در اشتباهند. كار آنان تازه شروع شده است. خواسته هاي فكري نيز بايد بر آورده شوند و اين امر مستلزم مهارتي است تا با چاره انديشي درست ذهن مجروح درمان گردد.

كودكان نيز در معرض آزمونهاي سختي قرار دارند كه تحمل آن مشكل مينمايد درست مانند اشخاص بزرگتر كه با تالمات روحي و شخصيتي روبرو ميشوند. والدين در همه اوقات يك احساس مشابه ندارند. اذهان آنان اغلب مغشوش و مشوش است. آنان تحت عقايد و احساسات اشتباه در تقلا و كشمكش هستند. شيطان به آنان ضربه ميزند و آنان تسليم وسوسه هاي او ميشوند. آنان با تند مزاجي صحبت ميكنند و به شيوه اي كه خشم را در فرزندانشان بر مي انگيزند و گاهي اوقات سختگير و عبوس هستند. فرزندان بيچاره از روحيه مشابه سهم ميبرند و والدين آمادگي ندارند تا به آنان كمك كنند زيرا كه خود مسبب رنج و حرمان گرديده اند. گاهي اوقات بنظر ميرسد كه همه چيز در جهت غلط به پيش ميرود. كج خلقي همه جا شايع است و همه ايام شوربخت و تيره روزي دارند. والدين تقصير را به گردن فرزندان بيچاره خود مي اندازند و فكر ميكنند كه آنان نافرمان و سركش و بدترين كودكان در جهان هستند در حاليكه مسبب آشوبها خودشان هستند.

خوش مشربي را ترغيب كنيد- ذهن نامتعادل، تند مزاجي، كج خلقي، رشك و حسد ماحصل اهمال كاريهاي والدين است. اين خصوصيتهاي شرير ناخشنودي عظيمي را براي فرد ببار مي آورد. آنان از محبت كردن به همنشينان و دوستان خود كوتاهي ميكنند. و در هر كجا كه بكار گمارده ميشوند مشكل ايجاد ميكنند.

طبيعت هاي مختلف به تاديب هاي مختلف نيازمندند- كودكان طبيعت هاي متنوعي دارند و والدين نميتوانند بطريق مشابه هر يك را تاديب و تربيت كنند. افكار صفات مختلفي دارند و بايد با دعا بررسي كرد كه طوري ذهن آنان قالبريزي شود كه اهدافي را كه خدا برنامه ريزي كرده به انجام برسد. مادران بايد زماني اختصاص دهند تا با خصوصيات فرزندان خود آشنا شوند. حالات و مزاج آنان را بررسي كنيد تا بدانيد كه چگونه با آنان سر و كار داشته باشيد. برخي كودكان بيش از ديگران به توجه و مراقبت نياز دارند.

رفتار با كودكان ناهنجار- براي تربيت برخي از كودكان نياز به صبر و شكيبايي است و نسبت به آنان بايد مهربانتر از ديگران بود. آنان خصوصيتهاي موروثي غيرعادي دارند و بدين خاطر به دلسوزي و محبت بيشتري نياز دارند. با سختكوشي براي اين كودكان غير عادي جايي را براي كار پروردگار آماده كنيد. آنان ممكن است تا استعدادهاي پرورش نيافته اي داشته باشند كه وقتي اين استعدادها بيدار شد آنان را قادر خواهد ساخت تا به چنان پيشرفتي نائل آيند كه انتظار آن نميرفته است.

اگر فرزنداني با طبيعت خاص و غريبي داريد مگذاريد تا زنگارهاي نا اميدي بر زندگي آنان بنشيند... به آنان با ابراز دلسوزي و مدارا كمك كنيد. آنان را با كلام محبانه و كردار شفقت آميز تقويت كنيد تا بر معايب شخصيت فائق آيند .

بيش از آنكه فكرش را بكنيد ميتوانيد آموزش بدهيد- مادري كه عيسي را دوست دارد فرزند خود را براي او تربيت ميكند. شما ميتوانيد خلق و خوي فرزندان خود را تربيت كنيد بيش از آنچه كه فكرش را بكنيد توان آنرا داريد. نام گرانبهاي عيسي بايد سر لوحه كلام خانه و خانواده باشد.

**فصل سي و نهم**

**اراده عاملي براي توفيق است**

هر فرزندي بايد قدرت اراده را درك كند- اراده قدرت حاكمي در سرشت بشر است كه همه استعدادها و توانها را تحت سلطه خود در مي آورد. اراده سليقه يا تمايلات نيست ولي قدرت تصميم گيري است كه در فرزندان بشر كار ميكند تا مطيع خدا باشند. هر فرزندي بايد نيروي واقعي اراده را درك نمايد. او بايد هدايت شده تا ببيند كه چقدر بايد براي اين هديه عظيم مسئولانه رفتار كرد. اراده، قدرت تصميم گيري و انتخاب است.

توفيق زماني حاصل ميشود كه تسليم اراده خدا باشد- هر بشري شعور و عقل دارد تا راه درست را انتخاب كند. در هر تجربه از زندگي كلام خدا بما ميگويد: "امروز تصميم خود را بگيريد كه از چه كسي ميخواهيد پيروي كنيد" ( یوشع 15:24). هركسي ميتواند اراده خود را با اراده خدا همسان سازد و ميتواند تصميم بگيرد تا از او پيروي كند و بموجب آن خود را با نمايندگان الهي پيوند دهد و او را در جايگاهي قرار ميدهد كه هيچ نيرويي نتواند او را به انجام شرارت وادارد. در هر جوان و كودك قدرتي نهفته است كه با ياري خدا شخصيتي بي عيب شكل دهد و در زندگي مفيد فايده باشد.

والدين يا معلميني كه با اين قبيل آموزه ها كودك را به خويشتنداري و پرهيزگاري تشويق ميكنند بطور شگرفي سودمند بوده و دائما كامياب خواهند بود. از نظر سطحي نگرها در كار او برتري مشهود نيست و ارزش والا و شايسته اي ندارد زيرا كه ذهن و اراده كودك را تحت اختيار محض خود قرار ميدهد ولي پس از گذشت سالها روش برتر آموزش نتيجه خود را نشان خواهد داد.

اراده فرزند خود را تضعيف نكنيد بلكه آنرا هدايت كنيد- تمام قدرت اراده را حفظ كنيد زيرا كه بشر به آن نياز دارد ولي آنرا در مسير مقتضي هدايت كنيد. با آن همانند گنجينه الهي، خردمندانه و با ملايمت رفتار كنيد. آنرا خرد و خاكشير نكنيد بلكه با قاعده و الگوي درست آنرا فرم و شكل داده تا اينكه كودك به سن و سال مسئوليت پذيري برسد. كودكان بايد زود آموزش داده شوند تا اراده و و اميال خود را تسليم اراده و اختيار والدين خود كنند. وقتي كه والدين اين درس را به كودكان خود ياد ميدهند آنان را آموزش ميدهند تا تسليم اراده خدا بوده و از خواسته هاي او متابعت كنند تا شايسته عضويت در خانواده خدا باشند.

اراده بايد هدايت شود نه اينكه پايمال گردد- رشد كودك بدون تاخير با كنترل غير ضروري بررسي و مطالعه والدين و معلمين را ميطلبد. كنترل بيش از حد به همان بدي كم توجهي است. تلاش براي شكستن اراده يك كودك اشتباه فاحشي است. ذهنها با هم متفاوتند در حينيكه كه زور و جبر، متابعت و تسليم ظاهري آنانرا بهمراه دارد ولي نتيجه نشان داده است كه بسياري از كودكان در دلهاي خود ميل و عزم به سركشي دارند. حتي اگر والدين و معلمين در كنترل مورد نظر خود به توفيق نائل آمده باشند زيان آن كمتر نخواهد بود... از آنجا كه صرفنظر از اراده براي برخي از دانش آموزان مشكل تر از ديگران است معلم تا جايي كه ممكن است بايد به خواسته هاي او با ملايمت رفتار كند. اراده بايد راهنمايي و قالبريزي شود نه اينكه ناديده پنداشته شده و پايمال گردد.

هدايت گر باشيد نه اينكه تحميل كنيد- به كودكان تحت مراقبت خود اجازه دهيد تا استقلال فردي خود را داشته باشند و خود نيز چنين باشيد. هميشه سعي كنيد تا آنانرا هدايت كنيد ولي هرگز بر گرده آنان ننشينيد تا آنانرا بزور وادار به كار يا نهي از عملي كنيد.

وسعت اراده و تقويت ذهن- كودك بطور بايسته و شايسته تربيت شود ... نه آنطور كه خودش ميخواهد. فرديت او ممكن است با مربي و كارآموز او يكي گردد و اراده او در همه نيات و اهداف تحت تسلط اراده معلم در بيايد. كودكاني كه بدينگونه تعليم يابند هميشه روحيه ضعيف و مسئوليت پذيري فردي ناكارآمدي خواهند داشت. به آنان ياد داده نشده است تا با قوه استدلال و اصول حركت كنند و اراده آنان تحت كنترل ديگران خواهد بود و ذهن آنان فراخوانده نشده است تا با ممارست وسعت يافته و تقويت شود. آنان در خصوص ساختار خاص و توانائيهاي ذهن خود راهنمايي و تربيت نشده اند تا قدرت لازمه را بكار برند.

تصادم و تلاقي اراده ها- چنانچه كودك در خواسته خود سماجت ميورزد، مادري كه مسئوليت خود را درك ميكند ميفهمد كه اين اراده سرسختانه ميراثي است كه او به فرزند خود داده است. مادر نبايد بگونه اي برخورد كند تا اراده او را در هم شكند. زماني فرا ميرسد كه تصميم مادر در تقابل با تصميم كودك است و در اينجا مادر بايد با تحكم در برابر خواسته غير منطقي فرزند خود بايستد و اين قاعده بر اساس سن و تجربه مادر است و اصل حاكميت مادر بر فرزند بي نظم است. در اين زمان بايد حكمت طلبيد چرا كه با مديريت نابخردانه و با اجبار و سختگيري زندگي فرزند در اين دنيا و جهان آخرت تباه ميگردد. با فقدان حكمت و تعقل شايد همه چيز از دست برود.

اين بحراني است كه بندرت پديد مي آيد و مادر و فرزند هر دو در ستيز خواهند بود. بايد شديدا مراقب بود تا از اين قبيل موضوع اجتناب ورزيد. ولي چنانچه اين موضوع رخ داد فرزند بايد تسليم خردمندي برتر مادر بشود. مادر بايد كاملا كلام خود را تحت كنترل داشته باشد. نبايد با صداي بلند تحكم كرد. هيچ چيزي نبايد مخل رشد روحي فرزند بشود. مادر بايد بررسي كند كه چگونه با او رفتار كند بطريقي كه او مجذوب عيسي بشود. او بايد با ايمان دعا كند كه شيطان نتواند بر اراده فرزند مسلط شود. فرشتگان آسمان نظاره گر اين صحنه ها هستند.

مادر بايد درك كند كه خداوند مددكار است و او را ياري ميكند و محبت كليد موفقيت و توانمندي اوست. چنانچه او يك مسيحي عاقل باشد او به اجبار مبادرت نميورزد تا فرزند خود را به اطاعت وادارد. او دعا خواهد كرد و همانطور كه دعا ميكند ملتفت خواهد شد كه زندگي روحاني را درون خود نوسازي ك . ند و او مشاهده خواهد كرد كه در همان زمان قدرتي كه در او كار ميكند در فرزند او نيز موثر واقع شده است. و فرزند در عوض اجبار با آرامش هدايت ميشود و نزاع پايان مي يابد. هر نيت از روي محبت – هر عمل از روي بردباري و هر كلام مقيد كننده حكيمانه مانند شاه ميوه هايي هستند كه بر ارزش درخت مي افزايند. مادر به پيروزي دست مي يابد كه هيچ زباني نميتواند آنرا بازگو كند. او به نور تازه اي دست يافته و بر تجربياتش افزوده است. اما بعد، "آن نور32 واقعي آمد تا به هركس كه به اين دنيا مي آيد، بتابد" و اراده او را مقهور خود ساخت. پس از هر طوفاني آرامش خواهد بود مانند نور خورشيد كه پس از باران ميتابد.

والدين بايد احساسات جواني را از دست ندهند- خيلي ها از اين موضوع غافلند تا احساسات جواني خودشان را ابقا نموده و اجازه ندهند تا حس لطافت و بشاش بودن از وجودشان خارج شود. خداوند از داشتن خانواده هايي كه سادگي دلپذير يك فرزند را با قوت و خرد و بلوغ مردانگي و زنانگي در هم آميزند خشنود است. برخي هرگز كودكي نداشته اند. آنان هرگز از آزادي و سادگي و طراوت جواني لذت نبرده اند. آنان سرزنش و ملامت شده و كتك خورده اند تا اينكه بيگناهي و صراحت و صداقت كودكي به ترس و رشك و حسد و حيله گري مبدل گرديد. اين قبيل افراد بندرت خصوصيتهايي دارند كه دوران كودكي فرزندان خود را شادمان بسازند.

اشتباه بزرگ- اشتباه بزرگ اين است كه اداره امور را بدست خود كودك سپرد و به او اجازه داده شود تا به هر سو برود و خانه را تحت تسلط خود داشته باشد. اين كار بي مورد و غير ضروري است و نميتوان به كودك اجازه داد تا در خانه جولان بدهد تا قدرت اراده اش قوي شود. اين چنين كاري انجام شده است و ادامه خواهد يافت زيرا پدران و مادران بصيرت كافي ندارند تا مشكل را تشخيص بدهند.

مادري كه تسليم گريه هاي كودك ميشود- كودك شما دستان حكيمانه اي لازم دارد تا او را براه راست هدايت كند. به او اجازه داده شده است تا براي هر چه كه بخواهد داد و فرياد كند تا آنجا كه اين كار تبديل به عادت شده است. به او اجازه داده شده است تا براي پدرش گريه و زاري كند. بارها در حضور كودك گفته شده كه او چطور براي پدرش گريه ميكند و او فكر ميكند كه حتما كار بجايي ميكند و به اين كار ادامه ميدهد. اگر من بچه شما را داشتم ظرف سه هفته او را تغيير ميدادم. به او خواهم فهماند كه حرفهاي من قانون است. با مهرباني ولي قاطعانه تا رسيدن به هدف به اين كار ادامه ميدادم و اراده خود را تسليم اراده كودك نميكردم. شما كاري براي انجام دادن داريد و زمان زيادي را براي انجام چنين كاري از دست داده ايد.

زندگي شوربختانه فرزند لوس- كودكي كه با دقت و دعا تربيت نشده باشد در اين مرحله و زمان آزمون ناشاد خواهد بود و خصوصياتي را شكل خواهد داد كه خداوند نميتواند آنان را با خانواده آسماني بهم پيوند دهد. يك فرزند نازپرورده در سراسر زندگي بار سنگيني را بايد حمل كند. در سختيها و نوميدي ها و در وسوسه ها او اراده تاديب نشده و گمراه خود را دنبال خواهد كرد.

فرزنداني كه اختيار داشته باشند تا براه خود بروند شاد و خوشحال نيستند. قلب لجام گسيخته آرامش و رضايت ندارد. ذهن و قلب بايد تاديب شده و تحت تقيد مناسب قرار گيرد بخاطر اينكه شخصيت با احكام حكيمانه كه بر وجود ما حاكم است هماهنگ شود. بيقراري و نارضايتي ثمرات افراط و خودخواهي هستند.

پيش زمينه بسياري از مشكلات- مشكلات ناراحت كننده كه براي كاميابي كليسا خطرناك هستند باعث لغزش ديگران ميشود تا با ترديد و نارضايتي تغيير جهت دهند و معمولا از يك روح سركش و رام نشده بر ميخيزد. اين فرزندان ياغي اولاد والديني هستند كه در اوان جواني آنان را نازپرورده بار آورده اند.

**فصل چهلم**

**اصول مسيحي را سرمشق قرار دهيد**

فرزندان از والدين خود تقليد ميكنند- پدران و مادران ، شما مربي هستيد و فرزندانتان شاگرد هستند. لحن صدا و رفتار و روحيه شما با كوچكترها تقليد ميشود. فرزندان از اولاد خود تقليد ميكنند بنابراين بايد شديدا مراقبت شود تا مدل و الگوي صحيحي به آنان ارائه كنيم. والديني كه در خانه مودب و مهربان و تواما راسخ و قاطع هستند صفات مشابهي را در فرزندان خود مشاهده خواهند كرد. چنانچه درستكار و محترم و صادق باشند فرزندانشان نيز در اين خصوصيات شباهت خواهند داشت. اگروالدين خدا را حرمت داده و عبادت كنند فرزندانشان بهمان طريق تربيت خواهند شد و فراموش نخواهند كرد تا چنين كنند.

در خانواده پدران و مادران الگوئي براي فرزندانشان ارائه نموده و ميخواهند تا از آن تقليد شود. بايد آشكار سازند كه روح خدا آنان را كنترل ميكند و صفات ممتاز عيسي مسيح را نمايش دهند. نيروي تقليد قدرتمند است و در كودكي و نوجواني وقتي كه اين استعداد فعال است يك الگوي كامل بايد در مقابل جوان قرار گيرد. فرزندان بايد به والدين خود اعتماد داشته باشند و بنابر اين آن را در دروسي كه بتكرار فرا ميگيرند كم كم درك كنند.

با قاعده اخلاقي و نمونه تعليم دهيد- مادر در آموزش فرزندان خويش در يك مدرسه دائمي است. در حاليكه فرزندان خود را آموزش ميدهد خود نيز هر روزه درسي ياد ميگيرد. دروسي را كه با خويشتنداري به فرزندان خود ميدهد بايد توسط خودش نيز اعمال گردد. او در برخورد با افكار و حالات مختلف در فرزندان خويش به نيروهاي هوشمندانه اي نياز دارد ، در غير اينصورت در معرض خطر اشتباه در تشخيص خواهد بود و با فرزندان خود جانبدارانه رفتار خواهد نمود. قانون مهرباني را كه او بايد در خانه ممارست نمايد باعث خواهد شد تا فرزندانش مودب و مهربان شوند. از اين جهت آنان روزانه دروسي تكراري خواهند داشت كه با قاعده اخلاقي و الگو توام خواهد بود.

معلمين در مدرسه اموري را بجهت آموزش انجام خواهند داد ولي الگوي شما بيش از آنچه كه بايد صورت گيرد با روشي ديگر به انجام خواهد. شد محاوره شما و روشي كه در امور كاري و تجاري انجام ميدهيد ، چيزهايي كه به آن ميل داريد و چيزهايي كه از آن بيزار هستيد همگي به قالبريزي شخصيت كمك ميكند. خوش مشربي، خويشتنداري، متانت و نزاكتي را كه فرزندانتان در شما ميبينند دروس روزانه اي براي آنان خواهد بود. همانطور كه وقت ميگذرد اين آموزش نيز ميگذرد و هدف اين مدرسه روزانه بايد آن چيزي باشد كه براي فرزندتان انتظار داريد.

مراقب باشيد تا نسبت به كودكان خود خشن نباشيد... مطيع بودن را بطلبيد و به خودتان اجازه ندهيد تا از روي بي مبالاتي با فرزندان خود صحبت كنيد زيرا رفتار و كلام شما كتاب درسي است. به آنان در طول اين دوره از زندگي آنان با ملايمت و لطافت رفتار كنيد. بگذاريد تا آفتاب شخصيت شما بر قلبهاي آنان بتابد. اين پسران و دختران در حال رشد بسيار حساس هستند و با تندخويي ممكن است به كل زندگي آنان آسيب بزنيد. مراقب باشيد و هرگز سرزنش و اوقات تلخي نكنيد زيرا كمكي نخواهد كرد.

والدين بايد الگوي خويشتنداري و پرهيزگاري باشند- فرزندان بايد تا آنجا كه ممكن است از تحريك شدن رها باشند بنابراين مادر بايد آرام بوده و شتاب نكند و از بر انگيختگي و شتاب در تشنج و عصبي شدن بپرهيزند. اين مدرسه انضباط براي خود و براي فرزندانش است. در حاليكه به خردسالان درس خويشتنداري ميدهد او خود را آموزش ميدهد تا الگوئي براي فرزندانش باشد. در حاليكه با علاقه در زمين قلبهاي آنان كار ميكند بايد طبيعت گناه آلود را مهار كند. او كلام خود را مقهور ميسازد و با فيوضات روح اخلاق خويش را بهبود ميبخشد. غلبه بر خود داراي ارزش فوق العاده اي است و تشويقي خواهد بود براي فرزندانتان. شما شايد در موقعيت برتري بايستيد و بگوئيد كه من كشاورز خدا هستم و ساختمان خدا هستم. خود را تحت كنترل دستاني قرار ميدهم تا به شباهت الهي شكل گيرد تا شايد همكار خدا گردم و اذهان و خصوصيات فرزندان خود را شكل و فرم داده بطوريكه راه رفتن در مسير خدا برايشان آسانتر شود. پدران ومادران اگر خود را كنترل كنند پيروزي عظيمي را در كنترل فرزندانشان نصيب خود خواهند كرد.

ثمرات خويشتنداري- والدين، هر زمان كه كنترل خويش را از دست ميدهيد و گفتار وكردارتان با بد اخلاقي و ناشكيبايي همراه است بر ضد خدا گناه ورزيده ايد. فرشتگان هر رفتارناشكيبايي و بي مبالاتي و استهزاء كننده اي را ثبت ميكنند. عدم عفت كلام و بلند كردن صدا مانند لكه اي بر ضد شخصيت مسيحي شما خواهد بود. با فرزندان خود با مهرباني سخن بگوئيد. بخاطر داشته باشيد كه چقدر حساس هستيد و چقدر كم ميتوانيد ملامت را تحمل كنيد پس باري را بر دوش آنان نگذاريد كه خودتان نميتوانيد آنرا حمل كنيد زيرا كه آنان ضعيفتر از شما هستند و آنقدر تاب تحمل ندارند. ثمرات خويشتنداري، فكور بودن و تحمل رنج صد چندان خواهد شد.

بگذاريد تا كلام شاد و دلنشين شما پرتوهاي نور آفتاب بر خانواده تان باشد. چنانچه والدين ميخواهند تا فرزندانشان درست باشند و كار درست انجام دهند بايد خود نيز در تئوري و در عمل درست باشند.

فرزندان با اخلاق مسيحانه تحت تاثير قرار ميگيرند- فرزندان رعايت كنندگان سبت از جواني تعليم گرفته اند تا سبت را رعايت كنند. برخي از اينها خيلي فرزندان خوبي هستند و در انجام وظايف محوله دنيوي وفادارند اما اعتقاد راسخي به گناه و توبه از گناه ندارند. اين قبيل افراد در وضعيت خطرناكي هستند. آنان به اخلاق و مساعي مسيحيان نگاه ميكنند. آنان برخي از كساني را ميبينند كه زياد اعتراف ميكنند ولي مسيحيان وظيفه شناسي نيستند و عقايد و كردارشان را با اين موانع مقايسه ميكنند و نظر باينكه در زندگيشان طغيان گناه وجود ندارد خود را تمجيد نموده و محق جلوه ميدهند.

و بدين خاطر بسياري از والدين و معلمان ادعا ميكنند كه به كلام خدا ايمان دارند در حاليكه نوع زندگي آنان قدرت كلام را انكار نموده و با اين وضع جوانان فكر ميكنند كه تعاليم كلام تاثير زيادتري بر آنان نخواهد گذارد. گهگاهي جوانان قدرت كلام را احساس ميكن . ند آنان گرانبهايي محبت مسيح را ميبينند. آنان زيبايي صفات او را مشاهده ميكنند و محتمل است تا زندگي خود را براي خدمت به او وقف كنند . و همچنين زندگي كساني را مشاهده ميكنند كه احكام خدا را حرمت مينهند.

والدين بايد به وسوسه ها جواب خير بدهند- مادران نبايد اعمال دنيا را پيروي كنند زيرا كه الگويي از تعهد به خدا در برابر فرزندان خود هستند پس بايد به فرزندان خود ياد بدهند كه به اغوا ها جواب منفي بدهند. بفرزندان خود معني احكام را بفهمانيد. " اي فرزند من، وقتي گناهكاران كوشش مي كنند تو را فريب دهند، تسليم نشو33". ولي اگر ميخواهيد تا فرزندانتان قادر باشند تا به اغواها نه بگويند خودتان نيز بايد قادر باشيد تا نه بگوئيد. براي بزرگترها ضروري است تا نه بگويند همانطور كه براي يك كودك ضروري است.

نجابت را با مثال نشان دهيد- با فرزندانتان مهربان و ملايم باشيد آنگاه آنان ملايمت و نجابت را خواهند آموخت. بگذاريد تا در خانه هايمان ثابت كنيم كه مسيحي هستيم. اقرار به مسيحي بودن در خانه هايي كه عطوفت و شكيبايي و محبت در آن نيست پوچ و بي ارزش است.

مراقب لحن صدا و كلام خود باشيد- مگذاريد تا كلام كج خلقي و درشتي و يا احساسات تند و شديد از لبانتان رها شود. فيض مسيح در انتظار خواسته شماست. روح او قلب و باطن شما را كنترل خواهد كرد و و گفتار و كردار شما را هدايت خواهد نمود. هرگز عزت نفس خود را با كلام شتابزده و حلاجي نشده از دست ندهيد. شاهد و ناظر كلام خالصانه و گفتگوي مقدسانه خود باش . يد به فرزندان خود الگوئي را از آنچه كه دوست داريد باشند بدهيد. بگذاريد تا آرامش، كلام دلنشين و چهره هاي بشاش حضور بهمرسانند.

والدين درهر حال نميتوانند با غرور در امان بمانند. آنان نبايد روح خطاگيري و انتقاد و خودبزرگ بيني را از خود بنمايش بگذارند. كلامي كه آنان گفتگو ميكنند و لحني كه سخن ميگويند خواه براي نيكوئي ، درسهايي هستند كه يا براي فرزندانشان خوب و مسرت بخش بوده و يا بد و رنجش آور خواهد بود. پدران ومادران اگر كلام نادرست از زبانتان جاري شود به فرزندان خود آموخته ايد تا بهمين روش سخن بگويند و ت. جلي تطهير كننده روح القدس بي اثر خواهد بود. صبر ايوب در نيكوكاري ضروري است پس وظيفه خود را در قبال فرزندانتان انجام دهيد.

والدين ماموران خدا براي قالبريزي شخصيت هستند- ظرفيت ذهني فرزندانتان شكل ميگيرد - تاثيرات و خصوصيات قالبريزي ميشوند - ولي با چه الگو ئي؟ والدين بايد بياد داشته باشند كه آنان نقش مياني را در حد فاصل اين دنيا و جهان آخرت ايفا ميكنند. و وقتي كه در قبر در خواب هستند اعمال آنان باقي خواهد ماند و شهادت خواهند داد كه آيا خوب يا بد بوده اند.

نقش زدن تصوير الهي- شما بايد بياموزيد ، هشدار دهيد و مشاوره كنيد و هميشه بخاطر داشته باشيد كه شكل وشمايل و كلام و اعمال شما تاثير بسزايي در هدايت جگرگوشه هايتان براي آينده خواهد داشت. كار شما نقاشي بر روي كرباس و يا قلم زدن بر روي سنگ مرمر نيست بلكه نقش زدن تصوير الهي بر جان بشر است.

**بخش ١٠**

**تربيت و طريقه اداره آن**

**فصل چهل و يكم**

**اهداف تعليم و تربيت**

استقلال برترين آرمان – هدف از انضباط، تربيت كودك براي خودمختاري و استقلال است. بنابر اين به محض اينكه او قادر به فهم شود استدلال را بايد در كنار اطاعت بدست آورد. كساني كه با او در مراوده هستند بايد اطاعت و عدالت و رفتار معقول را از خود نشان بدهند به . او كمك كنيد تا ببيند كه همه چيز تحت قانون است و اينكه نافرماني در پايان ماجرا به مصيبت و رنج ختم ميشود. وقتي كه خدا با محبت ميگويد "نبايد" در اصل از عاقبت نافرماني به ما هشدار ميدهد تا اينكه ما را از خسران و گمراهي نجات دهد.

استحصال قدرت اراده، هدف واقعي تنبيه و ملامت تنها زماني موثر است كه خطاكار خودش به سمتي سوق داده شود كه خطايش را براي اصلاح ببيند. وقتي كه چنين شد او را به مرجع عفو و آمرزش هدايت كنيد.

آنانيكه شاگردان خود را آموزش ميدهند تا حس كنند كه قدرت در خودشان نهفته است مردان و زنان محترم و سودمندي خواهند شد و همواره كامياب خواهند بود.

عادات منحرفانه و گرايشهاي شرورانه را اصلاح و تاديب كنيد- اين كاربعهده والدين است تا فرزندان خود را راهنمايي، مقيد و كنترل كنند. بدتر از اين نيست كه به كودكان اجازه داد تا هركاري كه دلشان خواست بكنند و هوسها و آمال خويش را ارضا نمايند. نبايد آنانرا رها كرد تا پيرو طبيعت و غرائزخود باشند. كاري بدتر از اين نيست كه فرزندان را آزاد بگذاريم تا براي لذت و تفريح زندگي كنند و راه عياشي را در پيش گيرند... جوانان به والديني نياز دارند كه آنانرا تعليم و تربيت نموده و عادات و انحرافات غلط آنانرا اصلاح و گرايشهاي شريرانه را هرس نمايند.

فرو ريختن قلعه شيطان- مادران بدانند كه سرنوشت كودكانشان در بعد وسيعي بدست آنان سپرده شده است. چنانچه در وظيفه خود كوتاهي كنند آنانرا در رتبه شيطان قرار داده و به ماموراني تبديل ميكند تا جانهاي ديگران را به تباهي بكشانند. تاديب و انضباط متعهدانه و خداپسند آنانرا بسوي مسيح سوق ميدهد و آنان نيز در عوض بر روي ديگران تاثير خواهند گذارد و بدينگونه بسياري از جانها بواسطه آنان نجات مي يابند.

بدقت ملاحظه كنيد و زخمهاي رها شده را مرهم بگذاريد. بياييد تا قلعه هاي خصم را فرو بريزيم. بياييد با ترحم عزيزانمان را اصلاح و آنانرا از قدرت دشمن بدور نگاه داريم. دلسرد و مايوس نباشيد.

احترام به اختيار والدين و اقتدار روحاني را آموزش دهيد- فرزندان به تعليم و تربيت و انضباط نياز دارند تا اينكه به اختيارات و اقتدار والدين احترام بگذارند. بدين طريق احترام به اقتدار الهي در قلوب آنان جاي خواهد گرفت و آموزش خانواده مانند آموزش پيش مقدماتي خانواده براي ملكوت خواهد بود. آموزش كودك و جوان بايد داراي خصوصياتي باشد كه فرزندان آماده انجام وظايف مذهبي شوند و بنابراين شايسته شوند تا به سراي عالي ملكوت اذن دخول يابند. كسيكه مرجع همه دانشهاست شرط صلاحيت ورود به بهشت برين را با اين كلام تعين نموده است: " به خوشا حال آنان كه رداي خود را ميشويند تا حقِ دسترسي به درخت حيات را پيدا كنند و بتوانند به دروازههاي شهر داخل شوند34". بهاي ملكوت اطاعت از احكام خداست و . اطاعت از والدين درسي لازم الاجراست كه فرزندان بايد ياد بگيرند.

اطاعت از اصول نه از روي اضطرار- به فرزندان خودتان به دقت بگوئيد كه چه چيزي از آنان ميخواهيد. سپس بگذاريد بدانند كه حرف شما قانون است و بايستي اطاعت شود. از اينرو آنانرا تعليم ميدهيد تا به احكام خدا احترام بگذارند كه بصراحت "بايدها" و "نبايدها" را فرموده است. براي فرزندانتان بسي بهتر خواهد بود تا با اختيار مطيع اصول باشند و نه از روي اجبار و اضطرار.

درسي از اعتماد نهاني- اسحق با دستهاي لرزان و محزون پدرش محكم بسته شده بود زيرا كه خدا چنين گفته بود. پسر خود را براي قرباني شدن تسليم كرده بود زيرا به درستكاري پدرش ايمان داشت...

ايمان عملي ابراهيم براي منفعت ما در كلام خدا ثبت گرديده است كه درس عظيمي از اعتماد به الزامات خداست، هرچند براي احساسات ما سخت و مشكل باشند ولي به فرزندان تسليم كامل بودن به والدين و خدا را ياد ميدهد. اطاعت ابراهيم بما مي آموزد كه براي تقديم كردن به خدا هيچ چيزي آنقدر گرانبها نيست.

جوانان به اعتماد واكنش نشان ميدهند- بايد به جوانان نشان داده شود كه مورد اعتماد هستند. آنان حس عزت و احترام دارند و ميخواهند تا مورد احترام و ستايش قرار گيرند و اين حق آنان است. چنانچه جوانان حس كنند كه نميتوانند بيرون بروند يا بيايند ، يا به هر جايي بروند، و حس كنند كه حتي در اتاقهايشان كسي مواظب آنان است و چشمان منتقد بر آنان مينگرد و آنان را سرزنش ميكند، روحيه آنان تضعيف گرديده و از تفريح و سرگرمي لذتي نخواهد برد. اين نظارت و مراقبت دائمي بيش از حد مضر ميباشد زيرا باعث ميگردد تا جوانان در هنگام وسوسه شرير شيوه اي مخفي را پيش گرفته و براي رسيدن به خواهشهاي جواني عمل مقابله گرانه و پنهاني را در پيش بگيرند. ولي اين مراقبت دائمي طبيعي نيست و شرارت ببار مي آورد كه بايد در پي اجتناب از آن بود. بهبود بخشي جوانان براي رشد سلامت جسمي و شخصيتي متعادل مستلزم فعاليت و شادي و داشتن فضايي مطبوع و دلپذير است.

خوداتكايي در مقابل اقتدار محض- خانواده هاي زيادي هستند كه بنظر ميرسد فرزندانشان خوب تعليم ديده شده باشند در حاليكه تحت تقيد نظام تربيتي هستند ولي هنگامي كه آن سيستم از هم پاشيده شود(ممكن است آن سيستم خانواده و يا مدرسه باشد كه آنانرا تحت مقررات نگاه ميدارد) بنظر ميرسد كه توانايي خود را براي فكر و عمل يا تصميم گيري از دست بدهند. اين فرزندان براي مدتهاي طولاني تحت مقررات آهنين بوده اند و به آنان اجازه داده نشده است تا براي خودشان فكر و عمل كنند – آنان به خودشان اعتماد ندارند تا براي خودشان قضاوت كنند و از خودشان نظري داشته باشند. و وقتي كه از حيطه اختيار والدين خود بيرون رفته تا براي خودشان عمل كنند بسادگي توسط ديگران به مسير اشتباه ميروند. آنان ثبات شخصيت ندارند. آنان در قضاوت و داوري سريع العمل نبوده و بنابراين ذهن آنان بطور مناسب رشد و تقويت نيافته است. آنان بمدت طولاني تحت كنترل محض والدين بوده تا به آنان اتكا كنند – والدين ذهن و تصميم آنان هستند.

در طرفي ديگر جوان نبايد رها شده تا مستقل از نظر والدين و معلمين خود فكر و عمل كند. فرزندان بايد تعليم ببينند تا به تجربه ديگران احترام گذارده و از هدايت و راهنمايي والدين و اوليا بهره ببرند... آنان بايد چنان آموزش ببينند كه ذهن آنان با فكر والدين و معلمين متحد شده و چنان راهنمايي شوند كه به قواعد و اندرزها حرف شنوي و توجه كنند.

تعليم سختگيرانه جوانان- اگر آنان را بطور مقتضي هدايت نكنيد تا با ظرفيت خود فكر و عمل كنند – و افكار آنان بدون احساس به عزت نفس و اعتماد بخود رشد كند قشري در جامعه بوجود خواهد آمد كه در فكر و قدرت اخلاقي ضعيف خواهند بود. و وقتي كه در دنياي واقعي سر پا مي ايستند تا براي خود عمل كنند همان واقعيتي را آشكار ميكنند كه تعليم ديده اند مانند حيواناتي كه تعليم ديده نشده اند. تربيت سختگيرانه والدين و معلمين در عوض اينكه هدايت كننده اراده آنان باشد آنانرا به ضعف و ناتواني رهنمون ميسازد.

وقتي يك ذهن بر ديگري تسلط داشته باشد منجر به شرارت ميشود- والدين و معلميني كه به كنترل كامل بر اذهان و اراده فرزندان مباهات ميكنند بايد از اين لاف زدنهاي اغراق آميز دست بردارند زيرا آينده فرزندان خود را محدود به جبر و ترس مينمايند. آنگاه اين گونه افراد آمادگي مسئوليت پذيري در زندگي را نخواهند داشت. وقتي كه اين جوانان بيش از اين تحت قيموميت والدين و معلمين نباشند مجبور ميشوند تا براي خود فكر و عمل كنند و به مسير غلطي رفته و تسليم قدرت وسوسه ميشوند. آنان در اين زندگي توفيق نخواهند داشت و ناكارايي مشابهي در زندگي روحاني آنان ديده خواهد شد. اگر مربيان كودكان و نوجوانان اشتباهات خود را در تعليم و تربيت ببينند برنامه آموزشي خود را تغيير خواهند داد. آن طبقه از آموزگاران كه از كنترل كامل بر اراده دانش آموزان خود خشنودند معلمين موفقي نيستند اگرچه بظاهر براي زمان كوتاهي مورد تمجيد قرار بگيرند.

خداوند هرگز چنين تدبير ننمود تا ذهن بشر تحت كنترل كامل ديگري باشد. و كسانيكه تلاش ميكنند كه استقلال فردي دانش آموزان خود را با خود يكي كنند و براي آنان فكر و اراده و باطن شوند مسئوليتهاي هولناكي را بعهده گرفته اند. اين دانش آموزان در برخي از موقعيتها بظاهر مانند سربازاني هستند كه آموزش و مشق نظامي خوبي ديده اند. ولي وقتي محدوديتها برداشته شود منتج به كمبود استقلال در عملكرد ميشود و بخاطر اصول خشكي است كه در آنان بوجود آمده است.

مهارت و تلاش صبورانه- قالبريزي جوانان به رفتار درست به مهارت و تلاش صبورانه اي نياز دارد. خصوصا كودكاني كه با ميراث شرارت به اين دنيا آمده اند كه نتيجه مستقيم گناه والدين آنان است كه به فرهنگي نياز دارد تا استعدادهاي فكري و اخلاقي آنان را رشد دهد. و مسئوليتهاي والدين في الواقع سنگين است. گرايشهاي شريرانه بايد بدقت مهار و با ملايمت فرو نشانده شود و ذهن به راه راست برانگيخته شود. كودك بايد بمنظور خود اتكايي و داشتن اراده تشويق گردد و. همه امور بايد خردمندانه انجام شود در غير اينصورت هدف خواسته شده به نتيجه نخواهد رسيد.

**فصل چهل و دوم**

**زمان آغاز تعليم و تربيت**

نافرماني فرزندان، نشانه اي از آخر زمان- يكي از نشانه هاي آخر زمان نافرماني فرزندان از والدين است. و آيا والدين به مسئوليت خود واقف هستند؟ بسياري بنظر مي آيد كه بينش خود را براي نظارت بر فرزندانشان از دست داده اند و به افراط به خواسته هاي شريرانه آنان تن در داده و ميگذارند تا از آنان نافرماني كنند.

كودكان ميراث خدا هستند و والدين با مسامحه در تربيت و دور شدن از خدا از وظيفه جدي خود كوتاهي ميكنند. اين اراده و يا هدف خدا نيست كه فرزندان بي ادب ، خشن ، بي نزاكت ، نافرمان ، ناسپاس ، نا مقدس، بي پروا ، متكبر و عاشق عياشي باشند در حاليكه بايد بيشتر در زمره عاشقان خدا باشند. كلام الهي اظهار ميدارد كه اين شرايط اجتماعي نشانه آخر زمان است.

نظم و ترتيب تمام عياري در آسمان وجود دارد كه در وفاق و توازني كامل است. چنانچه والدين در اينجا مسامحه كارانه فرزندان خويش را تحت تاثير قرار دهند چگونه ميتوانند اميد داشته باشند كه معاشريني شايسته براي فرشتگان مقدس در جهان آرامش و موزون در نظر گرفته شوند؟

كساني كه در اين زندگي براي نظم و ترتيب حرمتي قائل نميشوند براي نظام ترتيبي كه در ملكوت رعايت ميشوند احتراني قائل نيستند. آنان هرگز به ملكوت اذن دخول نمي يابند زيرا كه همه كسانيكه شايستگي ورود مي يابند براي نظم و ترتيب احترام قائل هستند. شخصيتي كه در اين زندگي شكل گرفته است تعين كننده سرنوشت آينده خواهد بود. وقتي مسيح بازگردد خصوصيات افراد را تغيير نخواهد داد... والدين نبايد از وظايف خود براي منفعت فرزندان خويش كوتاهي كنند. آنان بايد چنان فرزندان خويش را تربيت كنند كه براي اجتماع بركتي باشند و اجر خود را در جهان آخرت بيابند.

وقتي كه تربيت و انضباط شروع شود- لحظه اي كه فرزند خواسته و راه خود را انتخاب كند آن لحظه اي است كه آموزش او براي انضباط آغاز ميشود. اين را آموزش ناخودآگاه ميگويند. سپس كار هوشمندانه و نيرومندي آغاز ميشود. بزرگترين بار و زحمت اين كار الزاما بر دوش مادر است. و او شالوده آموزش كودك را در جهت رشد و تقويت و خصوصيات متعادل پي ريزي ميكند ...

غالبا تنها اطفال عزم راسخ خود را نشان ميدهند. اگر اين خواسته ها تحت اقتدار خردمندانه تري از خواسته هاي رام نشده كودكان قرار نگيرند آنگاه شيطان كنترل ذهن آنان را در دست گرفته و حالات و مشرب آنان را با اراده خود هماهنگ خواهد ساخت.

مسامحه در كار آموزش و تربيت انحراف خلق و خو را در بر دارد و خطايي جدي است زيرا كه آنانرا خودخواه، طلبكار و غير دوست داشتني بار مي آورد. آنان از معاشرت لذت نميبرند بنابراين هميشه ناراضي بنظر ميرسند. كار مادر در سالهاي اوليه طفوليت آغاز ميشود و نبايد به شيطان شانسي بدهد تا اذهان و تمايلات جگرگوشه هايشان را تحت تسلط و كنترل خود در آورد.

ظهور شرارت را منكوب كنيد- والدين بايد كار انضباط را از همان زمان كه طفل را در آغوش داريد آغاز كنيد. به آنان آموزش دهيد تا اراده خود را تسليم شما سازند. اين امر ميتواند با متعادل سازي و تحكم انجام بشود. والدين بايد بر روحيه خود كنترل كامل داشته باشند و با ملايمت و با قاطعيت خواسته كودك را تغيير دهند تا اينكه انتظار چيز ديگري را نداشته باشند مگر تسليم خواسته هاي شما بشوند. والدين كار خود را فصلي شروع نكنيد. اگر اولين خلق و خو هاي آشكار شده مهار نگردند ، كودكان كله شق و لجوج بزرگ ميشوند كه اين حالت با رشد آنان افزايش مي يابد و با قوت آنان تقويت ميشود.

آيا براي تنبيه بسيار كوچك هستند؟ ايلي خانه خود را مطابق با احكام خدا اداره ننمود. او عقيده و نظر خود را متابعت نمود. پدر علاقمند از خطايا و گناهان پسران خود در كودكي چشم پوشي كرد و خود را ايجاب نمود كه پس از بزرگ شدن از تمايلات شريرانه خود دست خواهند كشيد. در حال حاضر نيز خيلي از افراد چنين اشتباهي ميكنند. آنان خيال ميكنند كه راه بهتري را براي آموزش فرزندان خود دارند كه بهتر از آن چيزي است كه خداوند در كلام خويش اعطا نموده است. و تمايلات غلطي را در آنها پرورش ميدهند و بر بهانه خود اصرار ميورزند كه "آنان براي تنبيه بسيار كوچك هستند. صبر كنيد تا بزرگتر شوند آنگاه درك و شعور بدست خواهند آورد". از اينرو عادات غلط آزاد گذاشته شده تا تقويت شوند تا جايي كه ذات و طبيعت دوم آنان بشود. فرزندان بدون محدوديت و تقيد رشد ميكنند ، با ويژگيهايي شخصيتي كه براي طول زندگي آنان لعنتي محسوب شده و باعث تكثير در ديگران ميشود.

لعنتي بزرگتر از اين بر خانواده نيست كه اجازه داده شود تا جوان براه خود برود. وقتي والدين هر خواسته فرزندان خويش را مورد توجه قرار داده و آنان را نسبت به چيزي كه خيريتي برايشان ندارد نازپرورده ميكنند آنگاه فرزندان تمامي احترام خود را براي خدا و والدينشان از دست ميدهند و در راه به اسارت در آمدن اراده شيطان هدايت ميشوند.

بيش از هر كاري آموزش و تربيت را در خانه مقدم بشماريد- بسياري به فرزندان كشيشان و معلمان و مردان خوش آوازه پرهيزگار اشاره ميكنند و اصرار ميورزند كه چنانچه اين مردان با امتيازات ممتازی که دارند در اداره خانواده شكست خورده اند پس آنانيكه در مقام پائينتري قرار دارند نيازي به اميد به كاميابي نخواهند داشت. سوالي كه بايد پاسخ داده شود اينست كه آيا اين مردان الگويي درست و آموزه اي متعهدانه و تقيدي مقتضي به فرزندانشان ارائه نموده اند؟ با اهمال از اين واجبات است كه اين قبيل والدين به جامعه فرزنداني را ميدهند كه با ذهن نامتعادل در نگاه داشتن قيودات ناشكيبا بوده و نسبت به عملكرد تكاليف زندگي نادان و جاهلند. در اين حالت آنان به دنيا صدمه ميزنند - سنگين تر از همه خيرياتي كه با زحمت خود بكمال رسانده اند. چنين افرادي انحرافات شخصيت را بعنوان ارثيه اي به اولاد خود منتقل ميكنند و در زمان مشابه الگو و تاثير شريرانه آنان جامعه را تباه و كليسا را به ويراني خواهد كشاند. ما نميتوانيم فكر كنيم كه هر انساني هر چند توانايي و سودمندي او بزرگ باشد بهترين خادم خدا يا دنياست در حاليكه زمان خود را بدنبال كارهاي ديگري اختصاص داده و نسبت به فرزندان خود كوتاهي ميكند.

وعده همياري ملكوتيان - خداوند تربيت و انضباط صالحانه و صحيح را بركت خواهد داد. مسيح فرمود: ولي بدون من هيچ كاري نميتوانيد بكنيد. فرشتگان آسماني نميتوانند با پدران و مادراني كه در تربيت فرزندان خويش كوتاهي ميورزند همكاري كنند زيرا كه اجازه ميدهند تا شيطان آن طفل كوچك را در دستان خود بگيرد و ذهن جوان و با طراوت او را بازيچه دست قرار داده و بدانوسيله بتواند كار روح القدس را خنثي و بي اثر نمايد.

**فصل چهل و سوم**

**نظم و انضباط در خانه**

خانواده هاي منظم و مرتب- اين وظيفه كساني است كه ادعا ميكنند كه مسيحي هستند تا معرف خانواده هاي منظم و مرتب باشند- خانواده هايي كه قدرت حقيقي مسيحيت را نشان ميدهند. تعليم و تربيت حكيمانه فرزندان كار ساده اي نيست. هنگاميكه والدين سعي ميكنند تا ترس و داوري خدا را در مقابلشان نشان دهند مشكلات بر ميخيزند. فرزندان كژي و كاستي پيوند خورده با قلبهايشان را آشكار ميسازند. آنان حماقت بي نيازي از ديگران و نفرت از مقيد بودن و انضباط را پديدار ميكنند. آنان مبادرت به حيله گري و سخنان كذب ميكنند. بسياري از والدين در عوض تنبيه كردن فرزندان بخاطر چنين تقصيراتي خود را به كوري ميزنند تا لايه هاي زيرين مشكل را نبينند و معني واقعي اين چيزها را تشخيص ندهند. بنابراين كودكان به كارهاي منحرفانه خود ادامه داده و شخصيتي كه خداوند تاييد نميكند را شكل ميدهند.

والديني هستند كه معيار و استاندارد خدا را دوست ندارند و بعبارتي ميخواهند تا از ژاكت مخصوص ديوانگان35 براي تعليم فرزندان خود استفاده كنند. بسياري از والدين از اصول مقدس كلام خدا بيزار هستند زيرا اين اصول مسئوليت بسيار زيادي بر دوش آنان ميگذارد.

محدود كردن فرزندان كار ساده اي نيست- در شرايط جاري در اجتماع محدود كردن و راهنمايي فرزندان مطابق با قواعد درست كتاب مقدس كار ساده اي بنظر نميرسد. وقتي والدين همچون ابراهيم كهن بخواهند فرزندان خود را در هماهنگي و توازن با احكام كلام خدا تعليم دهند فرزندان چنين ميپندارند كه والدين آنان بيش از حد نگرانند و قاطع بودن و سختگيري آنان غير ضروري است.

ايده هاي غلط در باره محدوديت- والدين! اگر طالب بركت خدا هستيد آنچه را انجام دهيد كه ابراهيم چنان كرد. شرير را منكوب و سركوب كنيد و نيكي را ترغيب نماييد. بعضي تحكم ها بجاي خود ضروري است، خصوصا براي انحراف و لذت طلبي كودكان مشاوره و اندرز دادن الزامي است.

اگر به فرزند اجازه دهيد تا از انگيزه هاي ذاتي و طبيعت نا آرام خود پيروي كند او رو بزوال گذارده و در شرارت حاذق ميگردد. والدين خردمند به فرزندان خود نميگويند: "از تصميم خودت پيروي كن و هر جايي كه دوست داري برو و هر كاري كه دوست داري انجام بده" ولي ميگويند : " به آموزه هاي پروردگار گوش كن". قواعد و مقررات خردمندانه بايستي تعين و تحميل شود تا زيبايي زندگي ضايع نگردد.

چرا خانواده عخان36 هلاك گرديدند- آيا توجه كرده ايد كه چرا همه كساني كه وابسته به عخان بودند مشمول مجازات خداوند گرديدند؟ زيرا آنان مطابق با رهنمودها و معيار عالي احكام خدا آموزش نديده بودند. والدين عخان پسر خود را تربيت كرده بودند بطريقي كه حس ميكرد كه از اطاعت از كلام خدا فارغ و آزاد است. اصولي كه در زندگي او جا گرفته بود باعث شد تا او نيز با فرزندان خود به روشي ناثواب در تعليم برخورد كند. هر عملي را عكس العملي است. مجازات مشمول خويشاوندان عخان گرديد و آشكار كننده اين واقعيت بود كه همگي متمرد و خاطي بودند .

چشم پوشي كوركورانه والدين بزرگترين سد در برابر تعليم و تربيت است- گناه مسامحه و كوتاهي والدين تقريبا موضوعي عالمگير است. معمولا كساني كه در قرابت و خويشاوندي هستند از خيلي چيزها چشم پوشي ميكنند. اين حس عاطفه و ترحم به اوج ميرسد و با حكمت و خداترسي هماهنگ نيست. چشم پوشي كوركورانه والدين بزرگترين مانع در برابر تعليم مناسب فرزندان است. اين موضوع مانع تربيت و تاديب ميشود چيزي كه خداوند آنرا لازم ساخته است. در زمانهايي بخاطر اين عطوفت بنظر ميرسد كه والدين از قوه استدلال و عقل برخوردار نيستند. اين مانند ملايمت و ترحم با فرد بدكار است – والدين بظاهر محبت ميكنند ولي اين محبت كوركورانه ظلمي است كه خود را در جامه عطوفت پنهان ساخته است. اين جريانهاي تند زيرگذر و خطرناك رودخانه است كه فرزندان را براي هلاكت با خود ميبرد.

والدين پيوسته در خطر افراط در عطوفتهاي احمقانه اند كه اطاعت از احكام خدا را زايل ميكند. بسياري از والدين براي خشنود كردن فرزندانشان آنچه كه خداوند ممنوع ساخته را مجاز و روا ميدارند.

والدين مسئول اعمال فرزندان خويش هستند- چنانچه پدران و مادران بعنوان مربيان در خانه اجازه دهند تا كنترل را بدستهاي خود بگيرند و خودسري كنند آنان مسئول آنچه هستند كه فرزندانشان انجام داده اند.

كسانيكه با محبت كوركورانه براي فرزندان پيرو گرايشهاي خود هستند و نسبت به خواسته هاي خودخواهانه مخالفتي نميكنند و تحكم خدا را براي توبيخ خطا و اصلاح شرارت اعمال نميكنند در اصل بطور بارز و آشكار فرزندان بدكار خود را بيش از خدا تمجيد ميكنند. آنان بيشتر در صدد نگاه داشتن آبروي خود هستند تا اينكه خدا را جلال دهند و بيشتر مشتاق خرسند نمودن فرزندان خود هستند تا اينكه خدا را خشنود سازند... آنانيكه جرات كمي براي نكوهش رفتار اشتباه دارند و آنانيكه بسبب رخوت و يا كم علاقگي تلاش مجدانه اي براي پالايش خانواده و يا كليساي خدا نميكنند بايد جوابگوي كوتاهي از وظيفه خود باشندكه منتج به شرارت گرديده است. ما به همان اندازه كه شرارتهاي ديگران را موشكافي ميكنيم بايستي بواسطه اختياراتي كه بعنوان والدين و يا مبشر داريم شرارتها و معضلات خود را نيز ببينيم و آنرا موشكافي كنيم.

جايي براي غرض ورزي وجود ندارد- بسيار طبيعي است كه والدين نسبت به فرزندان خود جانبدارانه عمل كنند. خصوصا چنانچه اين اولياء احساس كنند كه توانايي برتري دارند فرزندان خود را نيز نسبت به ديگران برتر ميدانند. از اينرو بسياري از كارهاي ديگران كه منتقدانه مورد سرزنش واقع ميشود براي فرزندان خودشان بعنوان كاري هوشمندانه و جالب توجه تلقي ميشود.در حاليكه اين جانبداري طبيعي است ولي ناعادلانه و عملي غير مسيحانه است. خطاي فاحشي است كه بفرزندان خود اجازه دهيم تا خطاهايشان اصلاح نشود.

با شرير سازش نكنيد.- بايد تصريح كرد كه مقررات خداوند مصالحه و سازش با شرير را بر نميتابد. نافرماني در خانه و در مدرسه نبايد تحمل شود. هيچ پدر و مادر يا معلمي كه در قلب خود جوياي سلامتي و خوشي كساني است كه تحت مراقبت او هستند نبايد با خودخواهي هاي لجوجانه كه اولياء امور را به چالش ميكشد يا با عذر و بهانه طفره ميرود يا براي فرار از اطاعت متوسل به حيله ميشود سازش و مصالحه كنند. اين محبت نيست بلكه احساساتي بودن است كه با خطاكاري سهل انگاري ميكند و با چرب زباني و رشوه در پي ايجاب كردن و توجيه اشتباهكاري هاست.

در بسياري از خانواده ها افراط و نافرماني ناديده گرفته شده و اصلاح نميشود و غرور را آشكار ميكند – روحي كه با حذاقت شرارتهاي پرگزندي را در شخصيت فرزندان خلق ميكند. والدين بايد هميشه طريقهاي سهل انگارانه منتهي به تيره روزي را اصلاح كنند. زيرا اگر چنين نكنند حرمت پدري و مادري و برادري و خواهري خود را از دست ميدهند.

والدين از فهم اصول صحيح قصور ميورزند- ديدن بلاهت و كند ذهني والدين حزن آور است زيرا كه خدا به آنان حكميت و اختيار بخشيده است و از آن غافلند. مرداني كه در هر چيز ديگري ثابت قدم و هوشيارند از درك اصولي كه بايد براي تربيت جگرگوشه هايشان بكار برده شود قاصرند. آنان از ارائه آموزه هاي درست و بهنگام وامانده اند و الگوي خداگونه اي را عرضه نميدارند و در جايي كه براي هدايت اذهان بي تجربه در مسير راست عزم راسخ نياز است كوتاهي ميكنند و نسبت به درك حيله گري ها و تاثيرات مهلك اهتمام نمي ورزند.

آلام و مصيبتهاي عظيمي بر خانواده بشر نازل شده است زيرا اولياء از نقشه الهي دور افتاده اند و خيالات و فرضيات ناقص و باطل را دنبال ميكنند. بسياري از والدين بدنبال انگيزه ها و خواسته هاي خود ميروند. آنان فراموش كرده اند كه خيريت حال و آينده فرزندانشان مستلزم تربيت و انضباط هوشمندانه است.

خداوند براي سوء مديريت بهانه اي نميپذيرد- تمرد و سركشي اغلب در قلب كودكان وجود دارد زيرا كه والدين آنان را درست تربيت و تاديب نكرده اند. اگر مسير درستي در تربيت اتخاد ميشد فرزندان شخصيت خوب و موزوني را شكل ميدادند. در حاليكه والدين قدرت تاديب و آموزش و تربيت كودكان را دارند آن قدرت را بايد براي خدا بكار ببرند. خداوند از آنان اطاعتي بدون ترديد و بي نقص و خالصانه را طلب ميكند.

بر روح ذاتي سرسختي غلبه يابيد- بعضي از فرزندان بطوري طبيعي سرسخت تر از ديگران هستند و تسليم اطاعت نميشوند و متعاقبا خود را ناپسند و نامطبوع نشان ميدهند. اگر مادر براي برخورد با اين مرحله از شخصيت حكمت بخرج ندهد وضعيت نامطلوبي پيش خواهد آمد زيرا كه اين قبيل فرزندان براي تباهي خود شيوه خود را دارند. ولي ارج نهادن به روح سركش و لجوج براي كودك بسيار بد است زيرا او با تلخي و نامهرباني رشد و نمو ميكند و به بزرگسالي ميرسد زيرا كه مادر از تحت كنترل قرار دادن و مقيد نمودن فرزند خود كوتاهي ورزيده است.

هرگز به كودك نگوييد: "نميدانم با تو چكار كنم"- هرگز چنين چيزي نگوئيد. نظر باينكه به درگاه خداوند دسترسي داريم بعنوان والدين بايد از ادا كردن چنين كلماتي شرمگين باشيم. نزد عيسي برويد و او بشما كمك خواهد كرد تا جگرگوشه هايتان را نزد او بياوريد.

حكمراني در خانواده بايد با سختكوشي مطالعه شود- شنيده شده كه مادران گفته اند كه توانايي حكمراني را مانند ديگران ندارند كه اين استعداد خاصي است كه از آن بي بهره اند. آنانيكه ناكارايي در اين رابطه را درك كرده اند بايد موضوع حكميت در خانواده را بدقت مورد مطالعه قرار دهند. و با اين وجود ارزشمندترين پيشنهادات ديگران نبايد بدون انديشيدن و تشخيص پذيرفته شود. آن پيشنهادات ممكن است كه با شرايط محيطي هر مادري وفق نداشته باشد يا ممكن است كه در خلق و خوي خاص هر فرزند در خانواده سازگار نباشد. مادران بايد با توجه تجربيات ديگران را بررسي و تحليل كنند و به تفاوت بين روشهاي ديگران و خودشان توجه كنند و با دقت آن روشهايي را كه با ارزش جلوه ميدهند را آزمايش كنند. چنانچه يك روش از تربيت نتايج مطلوبي بهمراه نداشت برنامه ديگري را امتحان كنيد و به تاثيرات آن بدقت ملاحظه كنيد.

مادران فراتر از همه بايد با انديشيدن و تفحص خو بگيرند. چنانچه در طي مرور پشتكار بخرج دهند خواهند يافت كه استعدادي را كسب ميكنند كه خود آنرا ناكارا ميپنداشتند كه بموجب آن فراگيري شخصيت درستي را براي فرزندانشان شكل ميدهند. نتيجه زحمات و انديشه هاي اين كار در فرمانبرداري و سادگي و فروتني و خلوص آنان ديده خواهد شد و اجر فراواني را براي همه تلاشهايشان در پي خواهد داشت.

والدين در تربيت و تاديب وحدت نظر داشته باشند- مادران هميشه بايد با پدران همكاري تا شالوده يك شخصيت مسيحي خوب را در كودكان خود پي ريزي نمايند. پدر تمجيد كننده نبايد چشمان خود را بر خطاياي فرزندان خويش ببندد زيرا تاديب و اصلاح خوشايند نخواهد بود.

صول درست بايد در ذهن كودك بنا نهاده شود. چنانچه والدين در كار تربيت و انضباط متحد شوند كودك خواهد فهميد كه چه مطالباتي از او خواسته خواهد شد. ولي چنانچه پدر با حرف يا نگاه نشان دهد كه او موافق تاديب و تربيت مادر نيست – اگر حس كند كه او بيش از حد قاطع است و فكر كند كه بخاطر تندي بايد مهرباني و نوازش كند آنگاه كودك تباه خواهد شد. والديني كه بخاطر دلسوزي نيرنگ ميزنند به كودك ياد ميدهند كه او ميتواند هر كاري را كه خوشش بيايد انجام دهد. والديني كه مرتكب چنين خطايي بر عليه فرزندان خود ميشوند براي تباهي جان آنان بايد پاسخگو باشند.

تاثير اختلاط عطوفت و تحكم- بگذاريد تا پرتو فيض آسماني شخصيت شما را منور سازد كه باعث درخششي در خانه خواهد بود. بگذاريد تا آرامش و كلام دلپسند و سيماي بشاش در وجودتان متجلي شود. اين محبت كوركورانه نيست و ملايمتي نيست كه گناه و افراط نابخردانه را ترغيب ميكند و اين ظلم محض است – نه آن محبت كذب كه به فرزندان اجازه ميدهد تا والدين را اسيران تمايلات خود گردانند. اينها نبايد عملكرد جانبدارانه والدين باشد و نه ظلم و ستم. اختلاط عطوفت و قاطعيت تاثير مثبتي را بر خانواده ميگذارد.

صفات خدا را در تربيت ارائه نماييد- در عملكرد به آموزه هاي كتاب مقدس استوار و قطعي ولي از احساسات تند و شديد بر حذر باشيد. در ذهن بسپاريد كه وقتي در مقابل عزيزانتان تندي و نابخردي كنيد به آنان ياد ميدهيد كه همانطور باشند. خداوند از شما ميخواهد تا فرزندان خود را آموزش دهيد و تحت انضباط خود در آوريد همانند يك معلم خردمند كه تحت اوامر خداست. اگر قدرت متحول كننده خدا در خانه بكار برده شود خودتان نيز محصلي دائمي خواهيد بود. شما معرف شخصيت خدا خواهيد بود و تلاشهاي شما در اين مسير خداوند را خشنود خواهد ساخت. از كاري كه بايد براي اعضاي كوچكتر خانواده خدا انجام بشود كوتاهي نكنيد. والدين نور خانه هستند. پس بگذاريد تا نور شما با كلام دلپسند بدرخشد با لحني كه آرامش بخش باشد. دعا كنيد تا خويشتندار باشيد. و فرشتگان در خانه شما خواهند بود زيرا كه نور شما را ميبينند. تربيتي را كه به كودكان خود داده ايد جريانهاي قوي و شفافي از خانه درست مديريت شده به جهان ارسال خواهد كرد.

از اصول راست منحرف نشويد- در زمانهاي كهن والدين حكميت داشتند و بدين سبب فرزندان تحت تسلط والدين خود بوده و آنان را با ترس حرمت ميگذاشتند ولي در اين ايام آخر اين نظم وارونه شده است. بعضي از والدين تحت تسلط فرزندانشان هستند و بنابراين تسليم آنان هستند. ولي تنها نظر باينكه فرزندان زير سقف والدين بوده و وابسته به آنان هستند بايد مطيع اوامر آنان نيز باشند. والدين بايد با عزم فرزندان خود را ملزم نموده تا از نظرات درست آنان پيروي كنند.

اگر نافرماني خودسرانه محدود نشده است گامهاي قاطعانه تري برداريد- برخي از والدين راحت طلب و تن آسا از حاكميت بر پسران سركش خود واهمه دارند مبادا كه از خانه فرار كنند. براي برخي انجام چنين كاري بهتر از باقي ماندن در خانه با نعماتي است كه والدين فراهم آورده اند و همزمان حاكميت بشري و الهي را پايمال ميكنند. اين ممكن است سودمند ترين تجربه براي اين قبيل فرزندان باشد تا آن استقلالي را كه خيال ميكنند بسيار مطلوب است را داشته و ياد بگيرند كه زندگي بهاي سنگيني دارد. بگذاريد والدين به پسرشان كه قصد فرار از خانه دارد بگويند كه "پسرم اگر عزم به ترك خانه داري در عوض اينكه با مقررات مناسب و عادلانه خودت را مطابقت دهي مانع تو نخواهيم شد. اگر خيال ميكني كه دنيا رفتار دوست داشتني تري از والدين دارد كه از طفوليت از تو مراقبت نموده اند ، بايد سرت به سنگ بخورد تا تجربه كسب كني. وقتي بخواهي در خانه پدر خود بماني آنگاه بايد به مقررات او مقيد باشي و از تو استقبال خواهد شد. تعهدات متقابل هستند و دو طرفه هستند. در حاليكه غذا و لباس داري و از مراقبت والدين برخورداري بايد به مقررات و انضباط خانه احترام بگذاري. خانه من نميتواند با دود بد بوي سيگار و كفر گويي و مستي آلوده شود. من ميل دارم كه فرشتگان خدا به خانه من وارد شوند. اگر كاملا عزم داري تا شيطان را خدمت كني بايد با كساني كه آنانرا دوست داري قطع رابطه كني.

اكثر اوقات فرزندان ميدانند كه بد ميكنند و با اينحال يك مادر بي خرد به آنان التماس ميكند و خطاهاي آنان را پنهان ميسازد. در بسياري اوقات پسر سركش خوشحال ميشود زيرا والدين او جرات محدود كردن او را ندارند... والدين اطاعت را وادار نميكنند. اين قبيل والدين فرزندان خود را به عياشي ترغيب ميكنند و خدا را با افراطگريهاي نابخردانه خود بي حرمت ميسازند. بخاطر اين جوانان فاسد و متمرد است كه كنترل مدارس و كالجها بسيار مشكل گرديده است.

از نيكوكاري خسته نشويد- كار والدين ادامه دار است. اين كار نبايد يك روز با شدت و روز ديگر با بي مبالاتي انجام شود. بسياري آماده اند تا كار را شروع كنند اما استقامت و پشتكاربخرج نميدهند. آنان مشتاق هستند تا كارهاي بزرگي انجام دهند و از خودگذشتگيهاي بزرگي كنند اما آنان از اين مراقبت بلا انقطاع و تلاش در اين امور كوچك روزانه – تربيت و اصلاح گرايشهاي متمردانه- كار آموزش، سرزنش يا تشويق مختصر شانه خالي ميكنند. آنان ميخواهند ببينند كه فرزندان خطاهاي خود را اصلاح و خصوصيتهاي درستي را شكل دهند و به قله هاي مرتفع نائل آيند. آنها ميخواهند ببينند كه فرزندانشان پله پله ترقي ميكنند و نميخواهند ببينند كه چون اميدهايشان بيدرنگ اجابت نشد مايوس و دلسرد شوند. بگذاريد همه آن اشخاص دلير باشند همانطور كه بياد مي آورند كلام رسول را كه ميگويد: اگر كسي بذر در كشتزار هوي و هوس خويش بكارد ، از آن خرمن مرگ را درو خواهد كرد و اگر در كشتزار روح خدا بكارد، از روح، حيات جاوداني را درو خواهد كرد37.

فرزندان رعايت كننده سبت ممكن است از محدود شدن صبر خود را از دست بدهند و فكر كنند كه والدينشان بسيار سختگير هستند و دشواري را در قلبهاي خويش حس كنند و ناخشنود باشند و بر عليه كسانيكه در حال حاضر براي عاقبت بخيري آنان كار ميكنند برخيزند. اگر به زندگي شما چند سال اضافه شده باشد آنان والدين خود را براي مراقبت قاطعانه و نظارت متعهدانه در سالهاي بي تجربگي مبارك خواهند خواند.

هشدارها را از كلام خدا بخوانيد- وقتي كه كودكان خطا كنند والدين بايد زماني را اختصاص دهند تا با ملايمت از كلام خدا برايشان بخوانند، تذكراتي كه مختص به آن مورد خاص باشد. وقتي كه چيزي را تجربه كردند يا وسوسه شدند و يا نوميد گرديدند از كلام ارزشمند تسلي دهنده برايشان قرائت كنيد و به آرامي آنان را هدايت كنيد تا به عيسي توكل كنند. از اينرو ذهن جوان به خلوص و شرافت سوق داده ميشود. و با مشكلات عظيم زندگي قوه استدلال ، تشخيص و قضاوت بكار انداخته ميشود و همزمان دروس حقيقت الهي بر قلبها نقش ميبندد. از اينرو والدين روزانه ميتوانند شخصيتهاي فرزندان را قالبريزي كه بموجب آن بتوانند براي حيات اخروي شايستگي يابند.

**فصل چهل و چهارم**

**تاديب و تربيت اصلاحي**

از خدا بخواهيد تا با اقتدارش بيايد- در فرمانبرداري در خانواده قاطع باشيد ولي در حينيكه چنين ميكنيد بهمراه فرزندان خود در پي خدا باشيد و از او بخواهيد تا حاكميتش را بياورد. فرزندان شما ممكن است كاري كرده باشند كه به تنبيه و تاديب نياز باشد ولي اگر با روح مسيح با آنان برخورد كنيد آنان دستان خود را بر گردن شما مي اندازند و خود را در برابر خداوند متواضع ساخته و به اشتباه خود صحه ميگذارند. همين كفايت ميكند. سپس آنان به تنبيه نيازي نخواهند داشت. بياييد خدا را شكر كنيم كه چنين طريقي را گشود تا بدان وسيله به هر جاني دست يابيم. اگر فرزندان شما نامطيع هستند بايد اصلاح شوند... قبل از اينكه آنان را اصلاح كنيد در خود تعمق كنيد و از خداوند بخواهيد تا قلبهاي فرزندانتان را آرام و مطيع سازد و به شما حكمت عطا كند تا بتوانيد بنحو احسن با آنان برخورد كنيد. در هيچيك از موارد اين شيوه شكست نخورده است. شما نميتوانيد توقع داشته باشيد كه يك كودك امور روحاني را درك كند وقتي كه او با شور و حرارت منقلب گرديده است.

با شكيبايي فرزندان را راهنمايي كنيد- خداوند ميخواهد كه قلبهاي اين فرزندان از همان طفوليت براي خدمت خدا بتپد. در حاليكه براي استدلال بسيار كوچك هستند اذهان آنان را تا آنجا كه ميتوانيد تغيير دهيد و وقتي كه بزرگتر شدند آنان را با الگو و مقررات تعليم دهيد كه نميتوانيد خواسته هاي غلط آنان را بر آورده كنيد. آنانرا با صبوري راهنمايي كنيد. گاهي اوقات آنان بايد تاديب شوند ولي نبايد به شيوه اي باشد كه فكر كنند كه با خشم و عصبانيت تنبيه شده اند. اگر چنين كنيد تنها براي بزرگتر شدن شرارت كار كرده ايد. در جمع خانواده ميتوان از بسياري از اختلافات اجتناب كرد اگر والدين در آموزش فرزندان خود مطيع آموزه هاي و توصيه هاي خدا باشند.

والدين بايد تحت انضباط خدا باشند- مادران بايد بدانند كه اذيت و آزار فرزندانشان در اثر جهالت آنان است و نبايد صبر خود را از دست داده و از كوره در بروند. آنانرا با شكيبايي و محبت تعليم دهيد. با آنان قاطع باشيد. اجازه ندهيد تا شيطان آنانرا كنترل كند. آنانرا مقيد كنيد تنها وقتي كه خودتان نيز تحت انقياد خدا هستيد. مسيح در زندگي فرزندانتان ظفر خواهد يافت چنانچه از او كه بردبار و افتاده و خالص و بي عيب است ياد بگيريد. ولي چنانچه به اداره كردن آنان مبادرت بورزيد بدون آنكه خويشتنداري را ممارست كنيد و بدون قاعده و فكر و دعا چنين كنيد مطمئنا دستاورد شما جز تلخي چيز ديگري نخواهد بود.

هرگز با عصبانيت تاديب و توبيخ نكنيد- شما بايد با محبت فرزندان خود را اصلاح كنيد. اجازه ندهيد تا براه خود بروند تا عصباني بشويد و تنبيهشان كنيد. اين قبيل تاديب در عوض اينكه چاره ساز باشد تنها به شرير كمك ميكند. آشكار نمودن غضب به فرزند خطا كار شرارت را افزايش خواهد داد. اين شيوه تنها او را بيشتر تحريك ميكند و او را هدايت ميكند تا احساس كند كه شما نسبت به وي توجه و نگراني نداريد. او با خودش استدلال ميكند كه شما نميتوانيد با او درست رفتار كنيد.

به اين بينديشيد كه آيا خدا طريق اصلاح اين فرزندان را نميداند؟ او ميداند كه چه نتايج متباركي خواهد بود چنانچه كار اصلاح و تربيت به شيوه اي انجام شود تا خشنودي از آن حاصل شود و نه اينكه موجب بيزاري گردد...

از شما استدعا ميشود كه فرزندان خود را با عصبانيت تاديب نكنيد. اين زماني است كه بايد با فروتني و صبوري و دعا عمل كنيد. زماني كه با فرزندانتان زانو زده و از خدا طلب بخشش كنيد. در پي بدست آوردن دل آنان براي مسيح باشيد و با مهرباني و محبت آنرا آشكار كنيد و خواهيد ديد كه قدرتي فراتر از آنچه بر زمين است با تلاشهاي شما همياري ميكند.

وقتي كه ملزم به اصلاح يك فرزند هستيد صداي خود را بالا نبريد... كنترل خود را از دست ندهيد. والديني كه يك فرزند را تاديب ميكنند توجه خود را با عصبانيت بيشتر به خطا معطوف ميكنند تا به كودك.

سرزنش و اوقات تلخي هرگز كمكي نميكند- كلام ناملايم و خشونت آميز منشاء آسماني ندارند. سرزنش و ترشروئي هرگز كمكي نميكند. در عوض باعث تحريك كردن احساسات ميگردد. وقتي از فرزندان خطايي سر ميزند و سركشي ميكنند و شما وسوسه ميشويد تا گفتار و اعمال تندي از خود نشان دهيد قبل از اينكه آنانرا تاديب كنيد صبر كنيد. به آنان فرصتي بدهيد تا فكر كنند و اجازه بدهيد تا عصبانيت فروكش كند.

همانطور كه با محبت و ملايمت با فرزندان خود برخورد ميكنيد هم شما و هم آنان از خداوند بركت دريافت ميكنيد. و بينديشيد كه در روز داوري آيا هركسي كه با فرزندان خود مهربان و صبور بوده پشيمان خواهد بود؟

عصبي بودن بهانه اي براي ناشكيبايي نيست- والدين گاهي اوقات براي راههاي غلط خود عذر و بهانه مي آورند زيرا احساس خوبي از آن ندارند. آنان عصبي هستند و فكر ميكنند كه نميتوانند صبور و آرام باشند و با روي خوش صحبت كنند. بدين سبب آنان خود را فريب ميدهند و شيطان را خشنود ميسازند زيرا در نظر ميگيرند كه فيض خدا براي آنان كفايت نميكند تا بر ناتواني هاي ذاتي غلبه يابند. آنان ميتوانند و بايد در همه اوقات خود را كنترل نمايند. خداوند از آنان چنين ميطلبد. گاهي اوقات وقتي والدين از كار و زحمت خسته و كوفته اند يا از دلواپسي افسرده اند روح ارامش را ابقا نميكنند ولي فقدان شكيبايي را آشكار ميكنند كه خدا را ناخشنود و خانواده را مغموم ميسازد. وقتي كه والدين احساس ناراحتي ميكنند نبايد مبادرت به گناه ورزيده و همه خانواده را با كج خلقي مهلك خود مسموم كنند. در چنين اوقاتي بيشتر مراقب رفتارتان باشيد و با خوش خلقي خود در صدد رفع مشكل بر آييد و كلام دلنشين را بر زبان خود برانيد. با ممارست در خويشتنداري بيشتر تقويت خواهيد شد. سيستم عصبي شما حساس نخواهد بود... عيسي ضعف و ناتواني شما را ميداند و از تجربيات ما آگاه است بنابراين او راهي مناسب براي ما تدارك ديده است كه موافق با توانايي و ظرفيت ماست. گاهي اوقات همه چيز بنظر ميرسد كه در جمع خانواده اشتباه است. در همه جا كج خلقي وجود دارد و همه چيز بنظر بسيار تيره و نگون بخت مي آيد. والدين تقصير ها را بر گردن فرزندان بيچاره مي اندازند و خيال ميكنند كه آنان خيلي متمرد و نافرمان بوده و بد ترين فرزندان دنيا هستند در حاليكه مسبب همه آشوبها خودشان هستند. خداوند از آنان ميخواهد تا خويشتنداري را تمرين كنند. آنان بايد درك كنند وقتي خود را تسليم ناشكيبايي و كج خلق ميكنند سبب رنج و مصيبت ديگران ميشوند. آنانيكه در اطراف ايشان هستند با روحي كه از خود آشكار ميكنند تحت تاثير قرار ميگيرند و چنانچه آنان نيز بنوبه خود روح مشابه را از خود بروز دهند شرارت طغيان خواهد نمود.

گاهي اوقات قدرتي در سكوت نهفته است- آنانيكه ميل به كنترل ديگران دارند ابتدا بايد خود را كنترل كنند... وقتي يك معلم يا پدر و مادر از كوره در ميرود و در خطر نابخردانه سخن گفتن بر مي آيد (بايد) سكوت اختيار كند. قدرت شگفت انگيزي در سكوت وجود دارد.

امر كنيد و فرمانبرداري را ملزم نماييد- مادران بايد مراقب باشند تا مطالبات غير ضروري را مطرح ننموده و تحكم خود را در معرض نمايش ديگران در نياورند. امر كنيد ولي ببينيد كه اطاعت شوند. در تربيت و انتظام از آنچه كه الزامي ساخته ايد صرفنظر نكنيد و پيگير آن باشيد. و از سرپرستي خسته نشويد زيرا فرزندان فراموش ميكنند و كاري را كه قدغن نموده ايد را انجام ميدهند. در همه دستوراتتان در صدد تامين بهترين خيريت براي فرزندان خود باشيد و سپس ببينيد كه اين دستورات اطاعت شده اند يا خير. انرژي و عزم قوي داشته باشيد و هميشه پيرو روح مسيح باشيد.

برخورد با فرزند بي مبالات- وقتي از فرزندان ميخواهيد تا كاري انجام دهند و او ميگويد "چشم همين الان انجام ميدهم" و ازانجام گفته اش فروگذاري ميكند نبايد از اين موضوع بگذريد. شما بايد از فرزند خود بخواهيد تا پاسخگو باشد. اگر بدون توجه از آن بگذريد به فرزند خود عادات بي مبالاتي و بد عهدي را آموخته ايد. خداوند به هر فرزندي مباشري داده است. فرزندان بايد مطيع والدين خود باشند. آنان بايد در حمل مشكلات و مسئوليتهاي خانه كمك نمايند و وقتي كه در كار تعين شده خود غفلت ورزيدند بايد براي توضيح فرا خوانده شده و كار ملزم شده را تمام كنند.

نتيجه تاديب شتابزده و دمدمي- وقتي كه كودك كار اشتباهي كرد به اشتباه خود پي برده و حس زبون و پريشانحالي دارد. سرزنش كردن خطاي آنان اغلب منتج به لجاجت و پنهانكاري ميشود. آنان مانند شخص نا آزموده درد سر ايجاد ميكنند و نكوهش كار خوبي براي آنان نميكند. والدين بايد در پي معطوف كردن ذهن آنان به مسيري ديگر باشند.

ولي مشكل اينجاست كه والدين در مديريت امور وحدت ندارند بلكه بيشتر با انگيزه هاي خود عمل ميكنند تا اينكه پيرو اصول باشند. آنان بطور ناگهاني عصباني ميشوند و مانند اولياي متعهد مسيحي الگوي خوبي را در برابر فرزندانشان نميگذارند. يك روز از خطاكاريهاي فرزندانشان ميگذرند و روز ديگر شكيبايي و خويشتنداري از خود نشان نميدهند. آنان راه خدا را براي انصاف و عدالت در پيش نميگيرند. آنان در اغلب موارد مقصرتر از فرزندانشان هستند.

بعضي از فرزندان اشتباه پدران و مادرانشان را زود فراموش ميكنند اما فرزنداني كه بطريقي متفاوت بزرگ شده اند نميتوانند تنبيه غير معقولانه و سخت را فراموش كنند. اما جان آنان صدمه ديده و ذهن آنان مغشوش گرديده است. مادر فرصتهاي خود را براي القاء اصول درست در ذهن فرزندان از دست ميدهد زيرا خويشتندار نبوده و از فكر خود اخلاق و گفتار متعادلي را نشان نميدهد. آرام باشيد و از خشم بدور باشيد كه بموجب آن متقاعد شوند كه دوستشان داريد حتي اگر آنان را تنبيه كنيد.

جذب كردن و تشويق گاهي اوقات بهتر از تنبيه كردن است- من عميقا چنان در اين كار شيفته شده ام كه كودكاني را به فرزندي قبول كرده ام تا به اين شيوه آنانرا تربيت كنم. هنگامي كه اشتباه مي ي كنند در عوض تنبيه آنان را تشويق ميكنم تا كار را درست انجام دهند. يكي از آنان عادت داشت هنگامي كه نميتوانست مطابق ميلش عمل كند خود را بزمين مي انداخت. به او گفتم "اگر امروز اخلاق خودت را خوب كني من و عمويت با كالسكه ترا با خودمان به ييلاق ميبريم تا يك روز را در آنجا خوش بگذرانيم. اما اگر خودت را بر زمين بيندازي جريمه ات اين خواهد بود كه از حق تفريح كردن محروم خواهي شد".

با خطا سريعا خردمندانه و قاطعانه برخورد كنيد- نافرماني بايد توبيخ شود. كار اشتباه بايد تصحيح گردد. با شرارتي كه در قلب كودك قرار گرفته بايد برخورد شده و توسط والدين و معلمين بر آن غلبه يافت. با خطا بايد سريعا و از روي تعقل و با قاطعيت و عزم راسخ برخورد نمود. نفرت از كنترل، عشق به افراط در خوشگذراني، سهل انگاري به امور ابدي، بايد بدقت مورد بررسي و در رفع آن اقدام صورت پذيرد. اگر شرارت ريشه كن نشود جان از دست خواهد رفت. و بيش از اين كسي كه خود را آزاد ميگذارد تا پيرو هدايت شيطان باشد پيوسته در پي فريفتن ديگران است. از همان سالهاي اوليه بايد در پي مطيع كردن فرزندانمان باشيم.

چوب تاديت گاهي اوقات لازم است- مادر ممكن است بپرسد آيا نبايد هرگز فرزندم را تنبيه كنم؟ چنانچه توسل به طريقهاي ديگر جواب ندهد تازيانه ممكن است ضروري باشد با اين وجود تا جايي كه ممكن است از چوب استفاده كند. ولي اگر اقدامات پيشگيرانه ملايم كفايت نكند تنبيه مهرورزانه خواهد توانست كودك را به خود آورد. خيلي اوقات اين طريق اصلاحات براي تمام زندگي كافي خواهد بود تا به كودك نشان بدهد كه او نيست كه افسار زندگي را در دست دارد.

و وقتي كه اين مرحله ضروري بشود كودك بايد بطور جدي با اين فكر تحت تاثير قرار بگيرد كه اين كار براي لذت بردن والدين نيست يا براي نشان دادن قدرت حكميت بلكه براي خيريت كودك است. او بايد ياد بگيرد كه هر خطاي اصلاح نشده براي او حزن و اندوه ببار مي آورد و خدا را ناخشنود ميسازد. تحت چنين انضباطي فرزندان با تسليم نمودن خواسته خود به اراده خدا، به عظيمترين شادماني دست خواهند يافت.

متوسل شدن به آخرين تدبير- بسياري اوقات خواهيد يافت كه اگر با آنان با عطوفت بحث كنيد آنان به تازيانه نيازي نخواهند داشت. و اين قبيل شيوه برخورد با آنان باعث ميشود كه بشما اعتماد كنند. آنان شما را محرم اسرار خود خواهند دانست. آنان نزد شما آمده و خواهند گفت كه من امروز در اين ساعت اين اشتباه را كردم و ميخواهم كه مرا ببخشي و از خدا بخواهي كه مرا ببخشد. من با چنين صحنه هايي روبرو بوده ام و بنابراين ميدانم... من سپاسگزارم كه دل و جرات داشته ام تا وقتي كار اشتباهي ميكردند با آنان با قاطعيت رفتار كنم و با آنان دعا كنم و استاندارد كلام خدا را در برابرشان قرار دهم. وعده پاداش به كساني كه وفادارند عطا خواهد گرديد.

هرگز آتشين مزاج نباشيد- هرگز از كوره در نرويد مگر اينكه باو بخواهيد نزاع و ستيز را ياد بدهيد. بعنوان والدين شما در برابر فرزندانتان در جايگاه خدا ايستاده ايد و بايد مواظب و محتاط باشيد.

ممكن است مجبور شويد تا با چوب تنبيه كنيد و اين گاهي اوقات واجب است ولي هر گونه فرو نشاندن مشكلات را بتعويق بيندازيد تا اينكه خودتان آرام شده باشيد. از خودتان بپرسيد آيا شيوه ها و اراده ام را به خدا سپرده ام؟ آيا خود را در جايگاهي قرار داده ام كه خدا بتواند مرا اداره كند از اينجهت كه بتوانم حكمت و صبر و محبت و مهرباني در برخورد با عوامل سركش در خانه داشته باشم؟

هشدار به پدران تند مزاج- آيا انديشيده ايد كه كودك چيست و به كجا ميرود؟ فرزندان شما اعضاي جوانتر خانواده خدا هستند- برادران و خواهراني كه توسط پدر آسماني براي مراقبت بشما سپرده شده اند تا آنان را براي ملكوت آموزش و تعليم بدهيد. چنانچه با آنان مانند قبل با خشونت و تندي برخورد كنيد آيا در نظر نميگيريد كه خدا براي اين برخورد شما را براي حساب پس دادن فرا خواهد خواند؟ پس شما نبايد با فرزندان خود را با درشتي رفتار كنيد. يك كودك سگ يا اسب نيست تا مطابق با خواسته تحكم آميز شما امر و نهي شود و نبايد در شرايطي با چوب و شلاق آنها را كنترل كرد يا با دست آنها را كتك زد. بعضي از فرزندان چنان بد طينت هستند كه كتك براي آنان ضروري است ولي در بسياري از موارد با چنين روشي از تنبيه بدتر ميشوند...

هرگز دست خود را بر روي آنها بلند نكنيد مگر اينكه بتوانيد با وجدان آرام در برابر خدا سر تعظيم فرود آوريد و بركت او را براي اصلاح و تربيت بطلبيد. محبت را در قلبهاي كودكان خود ترغيب كنيد. چگونگي خويشتنداري و انگيزه هاي صحيح را به آنان معرفي كنيد. به آنان نگرشي ندهيد كه بخاطر شما خود را مقيد به كنترل كنند زيرا آنان ضعيف هستند و شما قوي هستيد – زيرا شما پدر هستيد و آنان فرزندان هستند. اگر دوست داريد تا خانواده خود را ويران كنيد به حكميت خود با قوه قهريه ادامه بدهيد و مطمئنا توفيق خواهيد يافت.

هرگز يك كودك خاطي را كتك نزنيد– والدين آموزش درست به فرزندانشان نميدهند. اكثر اوقات آنان همان نقص را كه در فرزندان ديده شده تكرار ميكنند. آنان غذاي نامناسب ميخورند و باعث درد معده ميشود و آنان انرژي حياتي لازم را براي تحرك ندارند. آنان نميتوانند فرزندان خود را بطور شايسته كنترل كنند زيرا حوصله و شكيبايي ندارند و نميتوانند در مسير درست آنان را تعليم دهند. ممكن است كه با درشتي با آنان رفتار و با بي طاقتي آنانرا كتك بزنند. گفته ام كه كتك زدن كودك دو روح شرير را كتك ميزند در حاليكه ممكن است يك روح خارج شود. چنانچه كودك خاطي باشد كتك زدن او را بد تر ميكند. و باعث رام كردن او نميشود.

ابتدا دلالت و دعا را بكار گيريد- ابتدا با كودك خود با دليل و منطق گفتگو كنيد و بطور واضح به اشتباهاتش اشاره كنيد و به آنها نشان دهيد كه نه تنها آنان بر ضد تو گناه ورزيده اند بلكه بر ضد خدا. با قلبي مملو از تاسف و اندوه براي اصلاح شدن اشتباه فرزندانتان دعا كنيد. سپس خواهند ديد كه آنان را نه بخاطر اينكه مسبب زحمت و ناراحتي شده اند يا اينكه شما ميخواهيد به آنان غضب كنيد بلكه بعنوان حس وظيفه براي خيريت خودشان – آنگاه آنان شما را دوست داشته و احترام خواهند گذاشت. آن دعا ممكن است چنان تاثيري بر اذهان آنان داشته باشد كه خواهند ديد كه شما نامعقول هستيد. و اگر فرزندان ببينند كه شما نامعقول نيستيد آنگاه به پيروزي بزرگي دست يافته ايد. اين كاري است كه در اين روزهاي آخر در جمع خانواده انجام ميشود.

تاثيرات دعا در بحران انضباطي- اگر كار اشتباهي از آنان سر زد آنان را با غضب خدا تهديد نكنيد بلكه با دعاهاي خود آنان را نزد مسيح بياوريد. قبل از اينكه باعث درد جسمي فرزند خود بشويد اگر پدر و مادر مسيحي هستيد محبت خود را به آن خطاكاران نشان دهيد. همانطور كه نزد خدا سر تعظيم فرود مي آوريد كلام منجي را از روي دلسوزي بيان ميكنيد: "بگذاريد بچه ها نزد من بيايند ايشان را بيرون نكنيد چون ملكوت خداوند به آناني تعلق دارد كه مانند اين بچه ها باشند". آن دعا فرشتگان را كنار شما مي آورد. فرزند شما اين تجربيات را فراموش نخواهد كرد و بركت خدا مشمول چنين راهنمايي شده و آنانرا به مسيح هدايت خواهد نمود. وقتي فرزندان درك كنند كه والدين آنان سعي در كمك آنان دارند انرژي خود را در آن جهت متمايل خواهند كرد.

تجربه هاي شخصي در انضباط- من هرگز به فرزندانم اجازه ندادم كه فكر كنند كه ميتوانند در كودكيشان مرا بستوه در آورند. من همچنين در خانواده ام بچه هاي ديگران را نيز بزرگ كرده ام ولي هرگز به آن فرزندان اجازه ندادم تا فكر كنند كه ميتوانند موجب آزار مادر خود بشوند. هرگز بخودم اجازه ندادم تا حرفهاي تند بزنم يا از كوره در بروم يا از فرزندانم عصبي بشوم. آنان هرگز نتوانستند مرا عصباني يا تحريك كنند. وقتي كه روح من بجوش مي آمد يا وقتي كه حس ميكردم هر چيزي به خشمگين شدن دامن ميزند ميگفتم "فرزندان بگذاريد همه چيز آرام باشد و بيشتر از اين در اين باره چيزي نگوئيم. قبل از اينكه بازنشسته شويم در باره آن صحبت ميكنيم". با چنين عكس العملي قبل از شامگاه آنان آرام شده بودند و ميتوانستم بخوبي با آنان رفتار كنم.

يك راه درست وجود دارد و يك راه غلط. من هرگز دستم را بر روي فرزندانم بلند نكردم. پيش از آن با آنان گفتگو ميكردم اگر به اشتباه خود پي ميبردند (و آنان هميشه چنين ميكردند و با آنان دعا ميكردم) و اگر مطيع و آرام ميشدند (و آنان هميشه چنين ميشدند) آنگاه آنانرا تحت كنترل خود در مي آوردم. هرگز آنانرا طور ديگري نيافتم. وقتي كه با آنان دعا ميكردم دل آنان نرم ميشد و آنان دست خودشان را دور گردن من مي انداختند و گريه ميكردند...

هرگز بخودم اجازه ندادم تا براي اصلاح فرزندانم حتي صداي خودم را تغيير بدهم. وقتي چيزي اشتباه ميديدم صبر ميكردم تا آبها از آسياب بيفتد آنگاه به آنچه كه كرده بودند اشاره ميكردم تا آنها را شرمگين كنم. اگر به آنان يكي دوساعتي فرصت بدهم تا فكر كنند خجلت زده ميشوند. من هميشه فاصله ميگرفتم و دعا ميكردم. و با آنها صحبت نميكردم.

پس از اينكه براي مدتي بحال خودشان رها ميشدند بعد آرام آرام بطرف من مي آمدند. ميگفتم صبر كنيد تا شب. در آن زمان فرصتي براي دعا داشتيم و سپس به آنان ميگفتم كه آنان به جان خود صدمه زده اند و با رفتار خود روح خدا را غمگين كرده اند.

زماني را براي دعا بگذاريد- وقتي دلخور ميشدم و وسوسه ميشدم از كلامي سخن بگويم كه از آن شرم داشتم ساكت ميماندم و از كنار اتاق رد ميشدم و از خدا درخواست ميكردم تا بمن صبر بدهد تا فرزندانم را تعليم دهم. سپس ميتوانستم برگردم تا با آنان صحبت كنم. و به آنان بگويم كه دوباره اين كار اشتباه را نكنيد. ما ميتوانيم چنين كنيم و فرزندان خود را به خشم تحريك نكنيم. ما ميتوانيم با مهرباني و شكيبايي صحبت كنيم و هميشه بياد داشته باشيم كه چقدر خود راي هستيم و چگونه دوست داريم كه پدر آسماني با ما رفتار كند.

حال اين دروسي هستند كه والدين بايد ياد بگيرند و وقتي كه اين چيزها را آموختيد بهترين شاگردان مدرسه مسيح خواهيد بود و فرزندان شما بهترين فرزندان خواهند بود. در اين طريق شما ميتوانيد به آنان تعليم دهيد كه براي خدا احترام قائل شوند و احكام او را رعايت كنند زيرا بهترين صلاحديد را برايشان داريد و با چنين كاري در اجتماع فرزنداني را بزرگ ميكنيد كه براي همه اطرافيان خود بركت خواهند بود. شما آنان را شايسته ميسازيد تا همكار خدا باشند.

درد انضباط به خوشي منجر ميشود- روش حقيقي برخورد با رنجها فرار از آن نيست بلكه تغيير دادن آن است. اين موضوع در همه امور آموزشي و انضباطي اعمال ميشود چه در ابتدا و چه در انتهاي آموزش. اهمال در تربيت اوليه كودك و متعاقبا تحكيم تمايلات اشتباه، آموزش بعدي او را مشكلتر ميكند و سبب ميشود كه تاديب و تربيت فرآيند دردناكي بشود. اين بايد براي غريزه طبيعي ما دردناك و بر ضد خواسته هاي فطري و طبيعي ما باشد ولي درد و محنت با خوشي ناپديد ميشود. بگذاريد تا كودك و نوجوان ياد بگيرد كه ميتوان بر هر اشتباه، هر خطا، هر مشكل فائق آمد و تجربيات اينچنيني مانند پلي خواهد شد كه بتوان راحت تر از مشكلات عبور كرد. از طريق چنين تجربياتي است كه همه كساني كه زندگي را با ارزش نمودند به توفيق نائل آمده اند.

از كتاب راهنماي الهي پيروي كنيد- والديني كه بتوانند بطور مناسب فرزندان خود را تربيت كنند به حكمت آسماني نياز دارند تا اينكه در همه امور وابسته به انضباط خانه بطور صالحانه و خردمندانه عمل كنند. كتاب مقدس راهنماي مديريت بر فرزندان است. در اينجا اگر والدين بخواهند ميتوانند درسي مشخص را براي آموزش و تربيت فرزندانشان بيابند كه اشتباهي در آن نخواهد بود... وقتي اين كتاب راهنما دنبال شود والدين در عوض نازپروري بيش از حد فرزندانشان اغلب از چوب تنبيه استفاده خواهند نمود و برغم نديدن اشتباهات آنان – بدخلقي آنان – و تنها ديدن خوبيها- آنان بينش شفافي خواهند داشت و بر اين امور از منظر كتاب مقدس نگاه ميكنند. آنان خواهند دانست كه بايد به شيوه درستي به كودكان خود امر و نهي كنند.

خدا نميتواند طغيان گران را به ملكوت خود راه دهد بنابراين اطاعت از احكام او به طور خاصي الزامي است. والدين بايد با پشتكار فرزندان خود را به اين جمله عادت دهند: (خدا چه فرموده است). سپس خداوند به فرشتگان و به بشر نشان ميدهد كه او حفاظي را در اطراف امت خويش بنا خواهد كرد.

سهم شما و سهم خدا- والدين وقتي وظيفه خود را در حد توانايي خود وفادارانه و مومنانه انجام دهند بايد با ايمان از خداوند درخواست كنند كاري را انجام دهد كه از حد و توان آنان خارج است. وقتي وظيفه خود را وفادارانه براي فرزندان خود انجام داديد آنگاه آن نارا نزد خدا برده و از او درخواست كنيد تا بشما كمك كند. باو بگوئيد كه شما سهم خود را براي فرزندانتان انجام داده ايد و بعد با ايمان از خداوند درخواست كنيد كه سهم خود را ادا كند، آن كاري كه نميتواني انجام دهيد. او دعاي شما را خواهد شنيد. او از اجابت دعاهاي شما خشنود خواهد بود. از طريق كلام او به شما سفارش ميكند تا كودكان خود را اصلاح كنيد و نبايد وقتي گريه كردند آنانرا رها كنيد و براي اين امور بايد به كلام توجه و به آن عمل كنيد.

**فصل چهل و پنجم**

**محبت و ثبات عزم**

دو راه و پايان آن- براي برخورد با كودكان دو راه وجود دارد- راههايي كه در اصول و نتيجه كاملا مختلف هستند. ايمان و محبت با حكمت و ثبات يكي بوده و مطابق با كلام خدا هستند كه در اين زندگي و حيات اخروي شادي ببار مي آورند. مسامحه در انجام وظيفه براي برطرف نمودن يا اصلاح افراطگريهاي نامعقول و نابخرديهاي جوانان با شكست روبرو گرديده منتج به بدبختي و تباهي فرزندان و نوميدي و اضطراب در والدين ميشود.

محبت، خواهري دوقلو دارد كه نامش وظيفه است. محبت و وظيفه در كنار هم مي ايستند. گاهي اوقات محبت ممارست ميشود در حاليكه از انجام وظيفه كوتاهي ميگردد و فرزندان را خودسر، سر سخت، گمراه و نامطيع ميسازد. چنانچه به انجام وظايف سخت بپردازيم ولي محبت نداشته باشيم با نتيجه مشابهي نيز روبرو خواهيم شد. وظيفه و محبت بايد با هم عجين گردد تا فرزندان بطور شايسته تربيت و تاديب شوند.

خطاياي اصلاح نشده اندوه ببار مي آورد- در هر جايي كه ضرورت ايجاب كند تا خواسته كودك اجابت نگردد بايد به طور جد به وي القا شود كه اين نه بخاطر مسرت اولياء و يا افراط در اقتدار مستبدانه است بلكه براي خيريت اوست. او بايد بياموزد كه هر خطاي اصلاح نشده اندوه را براي او خواهد آورد و خداوند را ناخشنود خواهد ساخت. تحت چنين تربيت و انضباطي است كه فرزندان با زير پا گذاردن خواسته هاي خود براي بانجام رسانيدن اراده پدر آسماني به عظيمترين خوشيها دست خواهند يافت. جواناني كه از انگيزه ها و خواهشهاي دروني خود پيروي ميكنند نميتوانند در اين زندگي به شادي واقعي دست يابند و در آخر حيات ابدي را از دست خواهند داد.

مهرباني بايد قانون خانه بشود- طرز حكومت خداوند نمونه اي است كه چطور بايد فرزندان تربيت شوند. در خدمت خداوند هيچ ستم و جوري نيست و در خانه يا مدرسه نيز نبايد جور و فشاري وجود داشته باشد. با اينحال معلمين و والدين نبايد اجازه دهند كه حرفهاي آنان ناديده گرفته شده و با بي توجهي از آن بگذرند. اگر در اصلاح فرزندان خود براي اشتباه آنان غفلت ورزند خداوند بخاطر كوتاهي و مسامحه ايشان از آنان حساب پس خواهد گرفت. بگذاريد تا مهرباني و عطوفت قانون خانه و مدرسه بشود. و نسبت به كودكان نبايد بيش از حد خشن باشيد. به فرزندان بياموزيد كه احكام خدا را رعايت كنند و بگذاريد تا تاثير محبت آميز و راسخ شما آنان را از شرير محافظت كند.

جهالت كودكانه را مورد توجه قرار دهيد- پدران و مادران بايد صفات الهي را در خانه نشان دهند. فرمانبرداري و اطاعت را الزامي كنيد نه با قيل و قال بلكه با رفتار و منش محبت آميز و مهرورزانه. شما بايد مملو از محبت و مهرباني باشيد تا فرزندان مجذوب شما شوند. در خانه خوش برخورد باشيد. هر كلامي كه خلق و خوي نامقدسانه را برانگيزد بايد مقهور و كنترل شود. اين آيه حكمي الهي است: "در اينجا سخني نيز با شما پدر و مادرها دارم: فرزندانتان را بيش از حد سرزنش نكنيد مبادا دلگير و عصبي شوند38". بياد داشته باشيد كه فرزندان شما براي كسب تجربه كوچك هستند. در منضبط نمودن و كنترل فرزندانتان بايد قاطعانه ولي توام با مهرباني رفتار كنيد .

فرزندان هميشه درست را از غلط نميتوانند تشخيص بدهند و وقتي كار غلط انجام دهند در عوض اينكه با مهرباني هدايت شوند اغلب با آنان با درشتي رفتار ميشود. كلام خدا هيچ مجوزي را براي سختگيري يا تحت فشار قرار دادن نافرماني كودكان نداده است. حكم خدا در زندگي و در اداره رامو از محبت سرمدي نشات ميگيرد.

دلسوزي براي كودك سركش- ضرورت دارد كه والدين با حكمت مسيح با خطاهاي فرزندان برخورد كنند... فرزندان سركش و نوميد كننده هستند كه به شكيبايي و مهرباني و شفقت زياد نياز دارند. وليكن بسياري از والدين روح نامهربانانه و سرد را نشان ميدهند كه هرگز خطاكار را به توبه هدايت و رهنمون نميسازد. بگذاريد تا قلبهاي والدين با فيض خدا نرم و ملايم شود و محبت خداوند راهي را بسوي دلها خواهد يافت.

قانون منجي - "با ديگران آن چنان رفتار كنيد كه مي خواهيد آنها با شما رفتار كنند" (لوقا 31:6)- اين كلام بايد قانون همه كساني باشد كه آموزش كودكان و نوجوانان را بر عهده دارند. آنان اعضاي جوانتر خانواده خدا هستند و همراه با ما وارث فيض خداوند هستند. حكم مسيح بايد نسبت به كساني كه كند ذهن – جوان – سهوكار و حتي خطاكار و متمرد هستند مقدسانه رعايت شود.

به فرزندان كمك كنيد تا غلبه يابند- خداوند نسبت به كودكان عطوفت دارد. او از آنها ميخواهد تا هر روزه كامياب شوند. همه ما بايد تلاش نموده تا به فرزندان كمك كنيم تا پيروز باشند. اعضاي خانواده نبايد آنان را ناراحت كنند. مگذاريد تا اعمال و گفتارتان بگونه اي باشد كه فرزندانتان به خشم و غضب تحريك شوند. با اينحال وقتي خطا كردند بايد با ايمان تربيت و اصلاح شوند.

هرزمان كه ممكن بود آنان را تحسين كنيد- فرزندان را هنگاميكه كار خوبي ميكنند تحسين كنيد زيرا تقدير حكيمانه به همان اندازه كه براي بزرگتر ها خوب است به آنان نيز در بينش و بصيرت كمك عظيمي خواهد كرد. هرگز در جايگاه مقدس خانه مانند سنگ آسياب نباشيد. مهربان و با عطوفت باشيد و ادب مسيحانه را از خود نشان دهيد و براي كمكي كه بشما ميكنند از آنان تشكر و آنان را تحسين كنيد.

خوش آيند و دلپذير بشيد- هرگز با صداي بلند صحبت نكنيد و با كلام احساساتي و آتشين سخن نرانيد. در مهار كردن و منضبط نمودن فرزندانتان قاطع و راسخ ولي مهربان باشيد. آنان را تشويق كنيد تا وظايف خود را مانند اعضاي يك شركت خانوادگي انجام دهند. قدرداني خود را براي تلاشهاي آنان از عدم انجام كار هاي اشتباه نشان دهيد. همانگونه كه دوست داريد فرزندانتان وقتي عهده دار خانواده ميشوند منصف باشند انصاف داشته باشيد. همانطور كه دوست داريد آنان گفتگو كنند گفتگو كنيد.

مراقب لحن صداي خود باشيد- همواره با آرامش و صدايي دلنشين صحبت كنيد بطوريكه ابراز تندي در آن يافت نشود. تندي براي اطاعت عاجل ضرورتي ندارد. پدران و مادران شما مسئول فرزندان خود هستيد. مراقب باشيد كه تحت چه تاثيراتي آنان را قرار ميدهيد. با سرزنش و ترشروئي نفوذ خود را براي هميشه از دست ندهيد. شما بايد آنان را هدايت كنيد نه اينكه احساسات ذهني آنان را بهم بريزيد. در زمان برافروختگي مراقب باشيد كه لحن صداي شما باعث رنجش و آزردگي نگردد. مگذاريد تا در شما جلوه روح شيطان را ببينند. اين بشما كمك نخواهد نمود تا شايسته تربيت فرزندانتان براي آينده و زندگي جاودان باشيد.

عدالت بايد با ترحم بياميزد- خداوند شارع و پادشاه است و والدين بايد تحت قانون وي باشند. اين قانون تمامي جور و فشار ها را از خانواده ها و همه نافرماني ها را از فرزندان باز ميدارد. خداوند سرشار از مهرباني، رحمت و حقيقت است. حكم خداوند مقدس، عادلانه و نيكوست و بايد توسط والدين و فرزندان مراعات و اطاعت شود. قوانيني كه زندگي والدين و فرزندان را تنظيم ميكند از محبت سرمدي جاري ميشود و بركات باشكوه خداوند بستگي به اوليايي دارد كه اداره كننده حكم خداوند در خانه هايشان است و بستگي به فرزنداني دارد كه احكام او را رعايت ميكنند. اختلاط اثرات رحمت و عدالت بايد احساس شود. "رحمت و راستي با هم ملاقات كرده اند عدالت و صلح يكديگر را بوسيده اند39 ". خانواده ها تحت چنين تربيتي در راه خداوند قدم خواهند گذاشت تا انصاف و عدالت را بجاي آورند.

والديني كه اجازه ميدهند قانون آنان مانند حكومت مطلقه باشد مرتكب اشتباه بدي شده اند. او نه تنها فرزندان خود را به خطا مي اندازد بلكه خود نيز به خطا ميرود. و محبتي كه ميتوانست بواسطه اعمال و گفتار از قلبهاي جوانان جاري شود را خاموش ميسازد. مهرباني، مدارا، و محبت به فرزندان نشان داده ميشود به والدين منعكس خواهد گرديد. هر چه بكاريد همان را درو خواهيد كرد...

در حاليكه در پي اجراي عدالت و انصاف هستيد بخاطر داشته باشيد كه عدالت خواهر دوقلوئي بنام رحمت دارد. اين دو در كنار هم خواهند ايستاد و نبايد از هم جدا گردند.

سختگيري و شدت روح نزاع را بر مي انگيزد- والدين سختگير بايد به مشاور مراجعه كنند - سختگيري و عدالت با محبت عجين نميشوند و فرزندان را به انجام كار درست هدايت نميكند. توجه داشته باشيد كه چطور بسرعت روح ستيز در آنان بر انگيخته ميشود. حال راه بهتري از اجبار و تهديد وجود دارد. عدالت خواهر دوقلويي دارد كه محبت ناميده ميشود. محبت و عدالت در تمامي تدبيرهايتان دست در دست هم دارند و مطمئنا از كمك خداوند براي تلاشهايتان بهره خواهيد برد. خداوند آن رهايي بخش رئوف ميخواهد تا شما را بركت دهد و فكر و فيض و نجات خود را بشما بدهد كه بتوانيد شخصيت و صفاتي بيابيد كه مورد تاييد خدا باشد.

اختيارات و اقتدار والدين بايد محض باشد با اينحال اين قدرت نبايد بد بكار برده شود. در كنترل فرزندان پدر نبايد با گرايش فكري خود عمل كند بلكه با معيار كتاب مقدس بايد مديريت نمايد. وقتي كه او ويژگيهاي خشن شخصيت خود را روا دارد او به سلطان مستبدي مبدل خواهد گرديد سرزنش و ملامت كنيد.

سرزنش و ملامت كنيد ولي با شفقت و ملايمت- بي شك خطاها و خودسري هايي را از فرزندان خود خواهيد ديد. برخي والدين ميگويند كه با فرزندان خود گفتگو كرده و آنانرا را تنبيه ميكنند ولي آنان متوجه نيستند كه اين كار واقعا براي خيريت آنان موثر نيست. اين قبيل والدين بايد روش جديدي را بكار برند. محبت و عاطفه و شفقت در اداره خانواده بايد تلفيق شود و با اين وجود آنان بايد مانند صخره در اصول درست محكم و قاطع باشند. با جوانان و نوجوانان نبايد سخت گير و سنگدل باشيد بلكه با عطوفت و ملايمت و دلسوز و اديبانه و متقاعد كننده و رفيق باشيد با اينحال آنان بايد بدانند كه خطاكاري ملامت را بهمراه خواهد داشت و بايد سرزنش شوند تا اعمال شريرانه منقطع گردد .

والدين بايد معيار و استاندارد رفتار را در خانه هاي خود ترفيع بخشند. به فرزندان خود بياموزيد تا فرمانبردار باشند. با تلفيق اقتدار مسيحانه و عطوفت بر آنان حاكم باشيد. نوع زندگي و سخنان شما بايد بگونه اي باشد كه "خداترسي در تمام خانه برقرار باشد40".

هميشه اعتدال داشته باشيد- انضباط و تربيتي كه با سرزنش سختگيرانه فرزندان را نوميد ميسازد يا آنان را بجهت اصلاح آزرده خاطر ميسازد مورد تاييد نيست. همچنين ناز و نوازش و دلنوازيهاي مضرانه نيز خوب نيست. بايد از نازپروريهاي مفرط و سختگيريهاي غيرضروري بطور يكسان اجتناب نمود. درحاليكه مراقبت و قاطعيت لازم الاجراست دلسوزي و ملاطفت نيز ضروري است. والدين بياد داشته باشيد كه شما با فرزنداني سروكار داريد كه با وسوسه ها دست بگريبان هستند و براي آنان مقاومت در برابر القائات شرير به همان اندازه سخت است كه براي افراد بالغ مشكل مينمايد. فرزنداني كه واقعا مترصد بانجام كار درست هستند ممكن است بارها و بارها شكست بخورند و بكرات به تشويق نيازمندند تا با انرژي مداومت كنند. با دعا و نگراني مراقب افكار اين جوانان باشيد. هر انگيزه خوبي را تقويت كنيد و هر كردار شريف را ترغيب نماييد.

ثبات عزم و كنترل در آرامش را ابقا كنيد- فرزندان طبيعت و ذات حساسي دارند. آنان بسادگي خشنود و به آساني ناراحت ميشوند. با تربيت و انتظام ملايم و آرام در گفتار و كردار مادران ميتوانند فرزندان خويش را به قلوب خود پيوند دهند. استواري و كنترل در آرامش در انضباط هر خانواده اي ضروري است. منظور خود را با آرامش بيان كنيد و با ملاحظه به پيش برويد و بدون انحراف در معيار آنچه را كه ميگوئيد انجام دهيد.

نشان دادن عطوفت به فرزندانتان اجر خود را خواهد داد. با بازيهاي كودكانه و غم و شادي هاي آنان مقابله نكنيد. هرگز گره بر ابرويتان نيندازيد و نگذاريد تا كلام تند از لبانتان جاري شود.

حتي مهرباني بايد حد و حدود داشته باشد. اقتدار بايد با سختي و قاطعيت ابقا شود در غير اينصورت مورد استهزاء و اهانت واقع ميگردد. شفقت و عطوفت كذايي – نوازش كردن و نازپروري نوجوانان با والدين يا سرپرستان آنان بدترين شرارت و خسراني است كه بر سرشان مي آيد. قاطعيت، عزم راسخ، مصمم بودن و خواسته هاي مثبت در هر خانواده اي ضروري است.

اشتباهات خودتان را بياد بياوريد- پدران و مادران بياد داشته باشند كه خود نيز كودكاني بوده اند كه بزرگ شده اند. گرچه نورهاي عظيمي بر راهشان تابيده شده است و تجربيات زيادي داشته اند با اينحال بسادگي به حسادت و رشك و سوء ظن مي افتند. بخاطر اشتباهات و خطاهاي خودشان بايد بياموزند تا با خطاهاي كودكان با عطوفت و آرامش برخورد كنند. وقتي فرزندانتان بر خلاف خواسته شما عمل كنند احساس آزردگي ميكنيد. ولي آيا هرگز انديشيده ايد كه چه بسيار بر خلاف آنچه كه خداوند به شما فرمان داده است عمل كرده ايد؟

چگونه اعتماد و محبت را جلب كنيد- معلمان و والدين در خطري هستند زيرا كه بيش از حد امر و فرمان ميدهند در حاليكه از داشتن ارتباط اجتماعي با فرزندان خود و محققان قصور ميورزند. آنان اغلب خود را بكنار كشيده و با سردي و با رفتار غير دلسوزانه عمل ميكنند و از جذب قلوب فرزندان و دانش آموزان عاجز ميمانند. چنانچه فرزندان را دور خود جمع كنند و نشان دهند كه آنان را دوست دارند و علاقه خود را به همه تلاشهايشان نشان دهند و حتي در بازيها و سرگرميهايشان گاهي اوقات حتي مانند بچه ها در ميانشان بازي كنند ميتوانند كودكان را شاد كنند و محبت آنان را نسبت بخود جذب و اعتماد آنان را جلب نمايند. و كودكان بسرعت فرا خواهند گرفت كه به مديريت معلمان و والدين احترام بگذارند.

در پي تقليد از مسيح باشيد- مسيح خود را فروتن و نيازمند و رنجور شناساند. او كودكان را در بغل گرفت و خود را در سطح يك نوجوان پايين آورد. محبت و قلب رقيق او رنجها و نيازهاي آنان را احساس ميكرد. و او از خوشيهاي آنان خرسند بود. روح او از كشمكشها و پريشانيهاي شهر شلوغ و ارتباط با مردان رياكار خسته و بيزار بود. و آرامش را در جمع كودكان معصوم يافت. حضور او هرگز باعث نميشد كه آنان رانده شوند. سرور كائنات با تواضع آمد تا به سوالات آنان پاسخ دهد و دروس مهم را ساده بازگو كرد تا كودكان او را بفهمند. او بذر هاي حقيقت را كه جوانه زده و محصول فراوان بدهند را در اذهان آنان كاشت.

جوان سرگردان و حادثه جو به دلسوزي نياز دارد- پسران به دلسوزي پدران نيازمندند. او خطا كرده است و شما ميدانيد و او ميداند كه شما ميدانيد و كلام محبت آميزي كه در كودكي معصومانه به او گفته ايد و نتايج بدي حاصل ننموده الان بنظر ميرسد كه نامهربانانه و مانند كارد تيز است... والدين در برابر اشتباه كاريهاي فرزندانشان احساس شرم ميكنند ولي آيا خطاكار قلب والدين زميني را باندازه قلب پدر آسماني مجروح ميسازد كه به ما همچنان محبت خود را اعطا مينمايد؟ او آن كسي است كه ما را دعوت مينمايد تا بسوي وي بازگشت نموده و از گناهان و بي انصافي هاي خود توبه كنيم و عصيان هاي ما را مي آمرزد.

محبت خود را بازپس نگيريد. محبت و شفقت بيش از پيش نياز است. وقتي ديگران با سردي به بدكرداري فرزند شما رفتار ميكنند آيا مادر و پدر نبايد با رقت و دلسوزي در پي هدايت گامهاي او در مسير امن باشند؟ خصوصيتهاي گناهان فرزند شما بر ديگران نامشهود نيست ولي هر چه كه باشد مگذاريد تا نظرات و فشارهاي ديگران طوري وانمود سازد كه فرزندتان احساس كند كه شما بازگشت او را نميخواهيد و خطاهاي او را نمي بخشيد. مگذاريد تا چيزي باعث از دست دادن اميد شما بشود و هيچ چيزي نبايد باعث انتقطاع محبت و عطوفت شما نسبت به فرزند خطاكار بشود. تنها بخاطر اينكه او بزهكار است به شما نياز دارد و پدرو مادري ميخواهد كه او را كمك كند تا او را از دام شيطان رها سازد. او را با ايمان و عشق محكم در كنار خود حمايت كنيد و به رحمت منجي و رهايي بخش متمسك شويد و بدانيد كه مسيح بيش از شما به او علاقمند است...

به سردي و نوميدي سخن مگوئيد. از اميد و تشويق سخن بگوئيد. به او بگوئيد كه او ميتواند خود را خلاص كند و شما بعنوان پدر و مادر، بواسطه و ياري حق باو كمك خواهيد كرد تا پاي خود را بر صخره محكم عيسي مسيح بگذارد تا اينكه حمايت و پشتيباني مطمئن و قوتي پايدار در عيسي بيابد. اگر خطاي او بسيار دردناك بود مته به خشخاش گزاردن و خطاي او را گوشزد كردن باعث التيام او نميشود. راهكار درست نياز است تا جانها ازمرگ نجات داده شوند و جانها از ارتكاب گناهان محفوظ بمانند.

در پي مدد الهي باشيد تا بر خلق و خوي شتابزده غلبه كنيد- پدران و مادراني كه تند خو هستند بايد در پي مدد الهي باشند تا بر آن غلبه يابند. هنگامي كه به ناشكيبايي تحريك ميشويد به گوشه اي برويد و زانو زده و از خدا بخواهيد تا بشما كمك كند تا تاثير درستي بر روي فرزندانتان داشته باشيد. مادران وقتي شما بي تابي ميكنيد و با فرزندان خود به تندي بر خورد ميكنيد از مسيح پيروي نميكنيد بلكه از ارباب ديگري متابعت ميكنيد. عيسي ميفرمايد يوغ مرا بدوش بكشيد و بگذاريد من شما را تعليم دهم چون من مهربان و فروتن هستم و به جانهاي شما راحتي خواهم بخشيد41". وقتي كار خود را سخت ديديد وقتي از مشكلات گلايه كرديد وقتي بگوئيد كه توان مقابله با وسوسه ها را نداريد و نتوانيد بر ناشكيبايي غلبه يابيد و بيابيد كه زندگي مسيحي در سربالايي سخت قرار دارد مطمئن باشيد كه يوغ مسيح را نداريد بلكه يوغ ارباب ديگري را بر دوش داريد .

ازتاب وجهه الهي- كليسا نياز به مرداني دارد كه فروتن و روح آرامي داشته و بردبار و صبور باشند. آنان بايد اين خصوصيات را در برخورد و رفتار با خانواده هايشان بدانند. والدين بايد به سود ابدي براي فرزندانشان بينديشند و نه به آسايش خود. آنان بايد به فرزندان خود بعنوان اعضاي خانواده خدا بنگرند و آنان را تعليم و تربيت كنند بطريقي كه منعكس كننده وجهه الهي باشد.

**بخش ١١**

**تربيت ناقص**

**فصل چهل و ششم**

**اهريمن عشرت طلبي**

در محبت واقعي افراط نيست- محبت كليد قلب كودك است ولي محبتي كه والدين را به نازپروري فرزندان در خواسته هاي نامشروع سوق ميدهد محبت نيست كه به عاقبت بخيري ختم شود. مهر خالصانه كه از محبت به عيسي سرچشمه ميگيرد والدين را قادر ميسازد تا اقتدار متفكرانه را ممارست و اطاعت عاجل را خواستار شوند. قلوب والدين و فرزندان بايد بهم پيوند بخورد بدين خاطر بعنوان خانواده آنان ممكن است كانالي باشند كه حكمت، پاكدامني، مدارا، مهرباني و عشق از آن جاري شود.

آزادي بيش از حد فرزندان را اسرافكار و فاسق بار مي آورد- دليلي كه فرزندان با خدا نميشوند اين است كه آنان بيش از حد آزادي دارند. خواسته ها و تمايلات آنان برآورده ميشود... بسياري از فرزندان اسرافكار ميشوند زيرا در خانه نازپرورده و لوس ميشوند زيرا والدينشان به كلام خدا عمل نميكنند. فكر و هدف با اصول مقدس و استوار و بدون انحراف تقويت ميشوند. ثبات و عطوفت بايد با الگوي ثابت و دلپذير تقويت شود.

هر چه لطف و توجه به كودك بيشتر شود اداره كردن او سخت تر ميگردد- والدين بايد خانه را براي فرزندان خود فرحبخش سازند. نه به اين معني كه هميشه موافق آنان باشيد. هر چه بيشتر ناز و نوازش شوند اداره آنان سخت تر ميشود و زندگي واقعي براي آنان وقتي كه وارد اجتماع شوند مشكل تر ميگردد. اگر به آنان اجازه بدهيد تا هر چه بخواهند انجام دهند خلوص و صفاي شخصيت آنان بسرعت محو ميگردد. به آنان تعليم دهيد تا فرمانبردار باشند. به آنان نشان بدهيد كه اختيار و اقتدار شمابايد محترم شمرده شود. اين شرايط ممكن است كه الان موجب نارضايتي آنان بشود ولي آنان را از اندوه بيشتر در آينده نجات خواهد داد.

نازپروري فرزند خطاكار گناه است. فرزند بايد تحت كنترل باشد. چنانچه به فرزندان اجازه داده شود تا براه خود بروند آنان خيال خواهند كرد كه بايد چشم انتظار بوده، هميشه مورد توجه و ملاطفت قرار گرفته، ناز و نوازش شده و به تفريح و سرگرمي بپردازند. آنان خيال خواهند كرد كه خواسته ها و اميال آنان بايد بر آورده شود. مادران نبايد به فرزندان خود اجازه دهند كه هر كاري كه دلشان خواست انجام دهند زيرا كه نامطيع و نافرمان خواهند شد. مطمئنا مادر اجازه نخواهد داد چرا كه در غير اينصورت به شيطان اجازه خواهد داد تا بيرق جهنمي را در خانه برپا كند. مادر بايد با شيطان ستيز كند زيرا كه كودك توان نبرد را ندارد. اين كار و وظيفه اوست تا شرير را منكوب كند و مشتاقانه در پي خدا باشد و هرگز اجازه ندهد تا شيطان فرزند او را از آغوشش بربايد و در آغوش خود قرار دهد.

نازپروري سبب بيقراري و نارضايتي خواهد شد- در برخي خانواده ها اميال و خواسته هاي كودكان قانون است. هر خواسته اي كه او داشته باشد بدان عمل ميشود. و هر چيزي را كه او دوست نداشته باشد رعايت ميشود. اين نازپروريها چنين فرض شده است كه موجب خوشحالي و شادي كودك ميشود ولي اينها چيزهايي هستند كه باعث بيقراري و نا آرامي و ناخشنودي او ميشود و او را به مرحله اي ميرساند كه به هيچ چيزي قانع نباشد. نازپروري باعث ضايع كردن اشتهاي غذايي او نسبت به غذاهاي مقوي و سالم و استفاده درست از زمان ميشود. لذت طلبي كار خود را براي مغشوش كردن شخصيت براي زمان حاضر و آخرت انجام داده است.

توبيخ موثر اليشع براي بي احترامي- ايده اي كه ميگويد كه ما بايد تسليم خطاكاريهاي كودكان شويم اشتباه است. اليشع در همان ابتداي كار خويش مورد استهزاء و تمسخر جوانان بيت ايل قرار گرفت. او مردي بسيار ملايم بود ولي روح خدا او را وادار نمود تا طعنه زنندگان را لعنت كند. آنان معراج ايليا (الياس) را شنيده بودند و اين واقعه جدي را موضوعي براي تمسخر و طنز قرار داده بودند. اليشع ابراز داشت كه نبايد توسط پير و جوان مورد اهانت قرار گيرد زيرا كه براي وقف خدا خوانده شده است. وقتي به طعنه به او گفتند كه بايد مانند ايليا به آسمان صعود كند بنام خدا آنان را لعنت نمود. سرنوشت مهيب و ترسناكي كه بر آنان واقع شد از سوي خدا بود.

پس از آن اليشع در رسالت خويش بيش از اين مشكل ديگري نداشت. براي پنجاه سال او از دروازه بيت ايل وارد و خارج شد و شهر به شهر رفت و آمد ميكرد و از ميان جماعت گستاخ و بيهوده و جوانان فاسد ميگذشت ولي هيچ فردي ديگر او را مورد تمسخر قرار نداد و نبوتي را كه قادر متعال او را شايسته ساخته بود را خوار نشمردند.

تسليم چربزباني نشويد- والدين بايد براي نازپروري نابكار فرزندان خود حساب پس بدهند. بسياري خواسته هاي نامعقول را برآورده ساخته اند زيرا براي خلاص شدن از اصرار فرزندان خواسته هايشان را اجابت مينمايند. يك فرزند بايد طوري تربيت شود كه امتناع از خواسته او با روح درست پذيرفته شود و بعنوان پاسخ نهايي و قطعي مورد قبول واقع گردد.

داستان سازي كودك را بدون بررسي باور نكنيد- والدين نبايد بسادگي از گناهان فرزندانشان بگذرند. وقتي اين خطاها توسط يك دوست با وفا اشاره شد والدين نبايد احساس كنند كه به حقوق او تجاوز شده است و آنرا بعنوان اهانت تلقي نكنند. عادات هر جوان و هر كودك بر خيرو سعادت اجتماع اثر ميگذارد. راه غلط يك جوان ممكن است بسياري ديگر را به راه شرارت هدايت كند. حرف كودكانتان را بر حرف مسيحيان پيشكسوت ارجح ندانيد. زيرا كه صدمه بزرگتر از اين نيست كه بگوئيد من حرف فرزندم را قبول دارم و او را به عادت تزوير و تحريف تشويق كنيد.

ميراث فرزند نازپرورده و لوس- رها كردن فرزند به اراده و خواسته هاي خويش رها كردن او در دام شرير است. كساني كه گمراه شده اند بخاطر اين است كه در كودكي در فهماندن دروس عملي نسبت به آنان غفلت و كوتاهي شده است و بسياري براي هميشه از دست رفته اند زيرا در كودكي و نوجواني تنها فرهنگ يكسويه و ناقص را پذيرفته اند. فرزندي كه لوس و ضايع شده است بار سنگيني براي حمل كردن در سراسر زندگي خويش دارد. در رنجها و نوميديها و در وسوسه ها او از اراده و خواسته هاي تربيت نشده و منحرف خود متابعت خواهد كرد. فرزنداني كه هرگز نياموخته اند كه مطيع باشند خصوصيات ضعيف و احساس و ي عجولانه اي خواهند داشت. آنان ميخواهند تا فرمانروايي كنند ولي نياموخته اند تا اطاعت كنند. آنان نقاط قوت ندارند تا هيجانات خودسرانه خود را مهار كنند و عادات غلط خود را اصلاح نمايند و يا خواهشهاي مهار نشده خود را كنترل كنند. دوران كودكي تاديب و تربيت نشده ميراث دوران مردانگي و زنانگي ميگر . دد ذكاوت از راه بدر شده و بندرت درست را از غلط تشخيص ميدهد.

**فصل چهل و هفتم**

**تربيت سهل انگارانه و ثمره آن**

تربيت ناقص تمامي زندگي روحاني را تحت تاثير قرار خواهد داد- واي بحال والديني كه فرزندان خود را خداترس بار نياورده اند بلكه به آنان اجازه داده اند تا بي انضباط و كنترل نشده به مردانگي و زنانگي برسند. در خلال كودكيشان به آنان اجازه داده شده بود تا خودسري و احساسات خود را آشكار سازند و با هوي و هوس عمل كنند و چنين روح مشابهي را به خانه هايشان بياورند. آنان مزاج و خلق و خوي معيوب دارند و در اداره امور احساساتي و آتشين مزاج هستند. حتي در پذيرفتن مسيح بر قليانهاي روحي خود كه از كودكي در دلهايشان بوده غلبه نيافته اند. آنان ثمرات تربيت اوليه در سراسر زندگي خود حمل ميكنند. نهالي كه كج كاشته شود وقتي كه رشد كند درخت كجي خواهد شد. "خشت اول چون نهد معمار كج-تا ثريا ميرود ديوار كج" . اين گونه والدين جنگ سختي را در پيش رو خواهند داشت. آنان ممكن است در شخصيت و خصوصيات متبدل شوند ولي تمامي تجربه زندگي روحاني آنان بواسطه تربيت سهل انگارانه متاثر خواهد گرديد. و فرزندانشان بخاطر تربيت ناقص مجبور به رنج كشيدن هستند براي اينكه خطاياي خود را بر نسل سوم و چهارم حك ميكنند.

عيلي امروز- وقتي كه والدين آزادي بيش از حد را مجاز شمارند و بدينسان خطا را در فرزندانشان همچون عيلي هميشگي سازند خداوند مطمئنا آنان را در موقعيتي قرار خواهد داد تا ببينند كه نه تنها باعث تباهي خود شده اند بلكه جوانان خود را نيز به ويراني كشانده اند. آنان دروس تلخي را براي آموختن خواهند داشت.

عيلي هاي امروزي در همه جا يافت ميشوند و براي خودسري هاي فرزندانشان عذر و بهانه ميتراشند. با اينكه اختيار و اقتدار خدادادي براي محدود كردن و اصلاح كردن فرزندانشان داشته اند. والدين و سرپرستان كه از گناه كساني كه تحت مراقبتشان هستند چشم پوشي و بهانه مي آورند بياد داشته باشند كه ابزاري براي اين خطايا هستند. چنانچه در عوض نازپروري نامحدود چوب مجازات بكار ميرفت، نه با احساسات بلكه با محبت و دعا، آنگاه شاهد خانواده هاي شادتري در اجتماع ميبوديم.

مسامحه عيلي بسادگي در مقابل هر پدر و مادري قرار گرفته است. نتيجه عاطفه نامقدس او يا بي ميلي او به انجام وظيفه باعث شد تا او خرمن بي انصافي را از پسران منحرف خود درو نمايد. هم والدين كه شرارت و بدكاري را مجاز شمردند و هم فرزنداني كه چنين كردند در برابر خداوند مقصرند و هيچ قرباني يا نذوراتي براي سرپيچي آنان پذيرفته نخواهد شد.

اجتماع بواسطه صفات معيوب ملعون گرديده است- چه موقع والدين حكمت خواهند يافت؟ چه وقت چشم و گوش خود را باز خواهند كرد تا نتيجه كار خود را در غفلت ملزم نمودن فرزندان به فرمانبرداري و حرمت به آموزه هاي كلام خدا ببينند و درك كنند؟ ثمرات اين تربيت سهل انگارانه در فرزندان مشاهده شده است و زماني فرا خواهد رسيد كه به اجتماع رفته و خود سرپرستي خانواده اي را بر عهده بگيرند. آنان اشتباهات والدين خود را ادامه ميدهند. خصوصيات معيوب آنان وسعت زيادي دارد و عادات و خلق و خوهاي اشتباه آنان رشد كرده و شخصيت خود را بديگران انتقال ميدهند. بدين سبب آنان در عوض بركت براي اجتماع لعنت خواهند بود.

شرارتي كه در جهان امروز موجود است ميتواند در غفلت والدين در تربيت فرزندانشان رديابي شود. بخاطر روش نابخردانه اي كه در دوران كودكي اعمال گرديده است هزاران هزار قربانيان شيطان شده اند. خداوند چنين سوء تدبيري را شديدا ملامت نموده است.

سهل انگاري تربيت و تاديب- فرزنداني كه در شرارتند و براي اطاعت و احترام تعليم داده نشده اند خود را به دنياي مادي پيوند ميزنند و بر والدين خود افسار زده و به هر جايي كه ميخواهند آنان را ميرانند. اكثر اوقات در همان وقت كه بايد بي قيد و شرط به توصيه هاي والدين احترام گذارده و از آن اطاعت كنند والدين در تربيت مسامحه و سهل انگاري ميكنند. والديني كه تابحال الگوهاي درخشان استوار خداترسي بوده اند اكنون با كودكانشان ببازي گرفته شده اند. استواري و عزم راسخ آنان بباد رفته است. پدراني كه صليب مسيح را حمل ميكرده اند و نشان عيسي را بي تزوير نگاه داشته بودند با فرزندان خود در مسير شك و ترديد هدايت ميشوند.

ناز پروري فرزندان بزرگتر- پدران و مادراني كه درك كرده اند كه مسئوليت بر عهده آنان است اصلاح و انضباط خطاهاي پسران و دختران برومند خود را تقليل داده اند. گويي كه خواسته ها و تمايلات فرزند، قانون است. مادراني كه استوار و ثابت قدم و به اصول پايبند بوده و بي آلايشي و صداقت را رعايت ميكرده اند وقتي فرزندانشان به مردانگي و زنانگي رشد ميكنند سهل انگار ميشوند. در عشق به تظاهر و خودنمايي، آنان فرزندان خود را با دستان خود به شيطان ميسپارند همانند يهوديان از دين برگشته كه بچه هاي خود را بر دستان بت مولك بر روي آتش ميگذاردند .

بي حرمت ساختن خدا براي طرفداري و التفات به كودك- پدران و مادراني وجود دارند كه راه را براي انحراف فرزندان بي خدا باز ميگذارند و به آنان پول و امكانات ميدهند تا در اين دنياي مادي خودي نشان دهند. اين والدين بايد به خدا حساب پس بدهند. آنان خدا را بي حرمت ميكنند و به فرزندان متمرد خود امتياز عطا ميكنند و دربها را كه در گذشته براي پايبندي به اصول بسته بود را براي سرگرمي و تفريح آنان باز ميگذارند. آنان اجازه دارند تا ورق بازي كنند به رقص و پارتي بروند تا فرزندانشان دنيا را بدست بياورند. در زماني كه تاثير كلامشان بر فرزندان بايد پر زور باشد و بر حقيقت مسيحيت شهادت بدهند – مانند عيلي بخاطر بي حرمت ساختن خدا تحت لعنت قرار ميگيرند چرا كه ميخواسته اند دل فرزندانشان را بدست بياورند. ولي پارسايي در زمان مرگ بيهوده است. گرچه برخي مبلغان انجيل ممكن است چنين مذهبي را تاييد كنند والدين خواهند يافت كه تاج جلال را بخاطر چيزي پوچ و بي ارزش از دست داده اند. خداوند به پدران و مادران كمك خواهد كرد تا به وظايفشان عمل نمايند.

آنطور باشيد كه دوست داريد فرزندتان باشد- فرزندان شما خصوصيات شما را با روشها و الگوهايي كه از شما ميبينند ادامه ميدهند. خلق و خو و كلام هوي پرستانه، تند خو و بي ادبانه ، فرزندان و فرزندان فرزندان را تحت تاثير قرار خواهد داد و بدينسان معايب در مديريت والدين بر ضد آنان از نسلي به نسل ديگر شهادت خواهد داد.

**فصل چهل و هشتم**

**واكنش كودك**

برافروختن و تحريك كردن- به فرزندان نصيحت شده تا در خداوند از والدين خود اطاعت كنند ولي به والدين نيز سفارش شده است: "فرزندانتان را آنقدر سرزنش نكنيد كه دلسرد و دلشكسته شوند42 ". ما اغلب بجاي جذب كردن، فرزندان خود را عصباني و تحريك ميكنيم. من مادري را ديده ام كه چيزي را از دست كودك گرفته كه باعث خوشحالي او ميشده است. كودك دليل آنرا نفهميده است و طبيعتا احساس كرده كه با او بدرفتاري شده است. پس نزاعي بين والدين و كودك صورت گرفته است و تنبيه سختي به ماجرا خاتمه داده است ولي اين ستيز تاثيري را بر ذهن لطيف ميگذارد كه بسادگي پاك نميشود. اين چنين مادراني خردمندانه عمل ننموده اند. او دليلي براي علت و سبب نداشته است. كردار غيرعاقلانه و خشن او احساسات قلبي كودك را بهم ريخته است و در هر موقعيت مشابه اين احساسات برانگيخته و مشكل ميشوند .

بدنبال يافتن خطا و ايرادگيري- شما چنين حقي نداريد تا با ايرادگيري باران غم را بر شادي فرزندانتان ببارانيد و يا اينكه براي اشتباهات جزيي شديدا از آنان انتقاد كنيد. خطاي واقعي بايد آنطور كه گناه آلود است نشان داده شود و تدبير قاطع و استواري بايد براي آن اتخاذ گردد تا از تكرار مجدد آن جلوگيري شود با اينحال فرزندان نبايد در وضعيت نوميدانه فكري رها گردند بلكه با كمي تشويق و ايستادگي اعتماد بدست آورده و خود را بهبود بخشند. فرزندان ممكن است بخواهند كار درستي انجام دهند و هدف قلبي آنان فرمانبرداري باشد ولي به كمك و دلگرمي نياز دارند.

تاديب سختگيرانه- خانواده هايي هستند كه با عدم درك تاديب و انضباط در خانواده خدا را بي حرمت ميسازند و فرزندان نيز سر درگم مانده اند كه تاديب و انضباط و اداره خانواده چيست. حقيقت اين است كه تاديب سختگيرانه و انتقاد و نكوهش بيش از حد، عدم استلزام و تمكين به مقررات و قوانين باعث بي احترامي و بي توجهي به اختيار و مقام اوليايي گرديده و نهايتا به مقررات مسيح كه بايد به انجام برسد تاثير ميگذارد.

وقتي كه والدين روح سختگير و تند را از خود نشان ميدهند روح سرسختي و لجاجت در كودكان برانگيخته ميشود. بنابراين اوليا از تاثير گذاري لطيف و ملايم بر فرزندان خود باز ميمانند. والدين آيا نميتوانيد ببينيد كه گفتار خشن باعث رويارويي و تحريك ميشود؟ اگر با شما سهل انگارانه رفتار شود چكار خواهيد كرد و متشابها چگونه با كودكان خود رفتار خواهيد كرد؟ اين وظيفه شماست تا رابطه علت و معلول را بيابيد. وقتي كه با فرزندان خود اوقات تلخي كنيد وقتي كه با عصبانيت آن طفل معصومها را كه قدرت دفاع ندارند را كتك ميزنيد آيا از خود پرسيده ايد كه اين قبيل رفتار با شما نيز كرده خواهد شد؟ آيا انديشيده ايد كه چقدر در خصوص كلام سرزنش آميز يا عيبجوئي كردن حساس هستيد؟ چقدر سريع رنجش را حس خواهيد كرد چنانچه بفهميد كه كسي از تشخيص توانايي هاي شما قصور كرده است؟ شما همان كودكان بزرگ هستيد. پس بينديشيد كه فرزندتان وقتي كه با كلام تند و تيز با آنان صحبت ميكنيد چه حسي خواهند كرد؟ در نظر خدا تنبيه شما اندوهناك تر از خطايي است كه فرزندتان انجام داده است.

بسياري از والدين كه ادعاي مسيحي بودن دارند بواقع متبدل نگرديده اند. مسيح در قلب آنان با ايمان ساكن نگرديده است. درشتي آنان و بي مبالاتي آنان و خلق و خوي رام نشده آنان موجب تنفر و بيزاري فرزندان آنان ميگردد و از آموزه هاي مذهبي و روحاني آنان منزجر ميگردند.

انتقاد و نكوهش دائمي- در تلاشهايمان براي اصلاح شرارت بايستي بر ضد گرايش به عيبجويي يا سرزنش بايستيم. انتقاد و سرزنش دائمي گمراه كننده و مبهوت كننده است و هيچ اصلاحي انجام نميدهد. براي كساني كه حساس و روح آسيب پذيري دارند فضاي انتقاد آميز و غير دوستانه مهلك و مصيبت بار است. گلها توان ايستادگي در برابر بادهاي سهمگين را ندارند.

كودكي كه به استمرار براي خطايي خاص نكوهش ميشود به اين نگرش ميرسد كه خطا صفت ويژه اوست، چيزي كه تلاش براي آن بيهوده است. از اينرو دلسردي و نوميدي در وجود او خلق ميگردد و اغلب خود را تحت ظاهري بي تفاوت يا لافزنانه پنهان ميسازد.

امر و نهي و سرزنش- برخي از والدين در اثر فقدان خويشتنداري جوش مي آورند. در عوض اينكه با آرامش از كودك بخواهند تا اين كار را بكن يا آن كار را نكن با لحني سرزنش آميز به آنان دستور ميدهند و در همان زمان سرزنش و ملامت بر زبانشان است كه فرزندان شايسته آن نيستند. والدين بايد بدانند كه اين روش خوشرويي و بلند همتي آنانرا نابود خواهد كرد. آنان اوامر شما را به اجرا ميگذارند نه از روي عشق و علاقه بلكه جرات آنرا ندارند كه طور ديگري رفتار كنند. قلب آنان از قضيه نا آگاه است. اين كار برغم خوشايند بودن كار مشقت آميزي است و اين اغلب آنان را هدايت ميكند تا دستورات شما را فراموش كنند كه باعث افزايش ناراحتي شما شده و زندگي را براي فرزندانتان بدتر ميكند. تكرار عيبجوئي و نمايش دادن رنگ برنگ بد رفتاري آنان بجايي ميرسد كه نوميدي بسراغ آنان آمده و ديگر خود را منحصر بفرد حس نميكنند چه بخواهند و چه نخواهند. روح "به من چه و برايم اصلا مهم نيست" آنان را اسير خود ميكند و آنان لذت و خوشي را بيرون از خانه و بدور از والدين جستجو ميكنند زيرا آنرا در خانه نيافته اند. آنان در خيابان به معاشرت ميپردازند و بد تر اندر بدتر فاسد و تباه ميگردند.

راهكار اختياري و دلبخواه- اراده و خواست والدين بايد تحت انتظام مسيح باشد. و به قالب و كنترل روح القدس ناب خدا در آمده و فرزندان را تحت تسلط بي چون و چرا قرار دهد. ولي چنانچه والدين در تاديب خود جابر و سختگيرباشند كاري را انجام داده اند كه هرگز خود نميتوانند آنرا تغيير دهند. آنان با راهكار اختياري و دلبخواه خود مرتكب بي انصافي و بي عدالتي شده اند.

بي انصافي و ستم- فرزندان به كمترين جور و ستم حساس هستند و برخي در چنين شرايطي نوميد ميشوند و نه به صداي بلند و فرمان اعتنايي ميكنند و نه از تهديد به تنبيه ابايي دارند. طغيان و سركشي غالبا در دلهاي فرزندان بواسطه تاديب و تربيت ناصحيح والدين بنا ميگردد. اين در حالي است كه چنانچه مسير درستي در پيش گرفته شود فرزندان خصوصيات و خصائل خوب و خوشايندي را شكل خواهند داد. مادري كه بطور كامل خود را كنترل نكند شايستگي و آمادگي مديريت فرزندان را نخواهد داشت.

گوشمالي دادن يا كتك زدن- وقتي كه يك مادر فرزند خود را گوشمالي داده يا كتك بزند آيا فكر ميكنيد كه او را قادر خواهد ساخت تا زيبندگي خصوصيات مسيحي را ببيند؟ در واقع خير. تنها احساسات اهريمني را در دل بر انگيخته و كودك اصلا اصلاح نشده است.

كلام خشن و بي احساس- مسيح آماده است تا پدر و مادر را تعليم داده تا مربيان درستي بشوند. كساني كه در مدرسه او تعليم يابند هرگز با لحن خشونت و لاقيد سخن نخواهند گفت زيرا كه كلام رانده شده به چنين طرزي گوش را آزرده ساخته، اعصاب را بهم ميريزد وسبب عذاب ذهني ميگردد. و شرايطي را پديد خواهد آورد كه فرزندان با گستاخي با والدين خود صحبت كنند.

استهزاء و طعنه زدن- والدين مجاز نيستند تا فرزندان خود را آزار داده، آنان را سرزنش و استهزاء كنند. آنان هرگز نبايد فرزندان خود را با خصوصيات ناخوشايند دست بيندازند زيرا كه خودشان آنرا به آنان انتقال داده اند. اين طرز تاديب هرگز شرارت را علاج نخواهد داد. والدين بايد احكام كلام خدا را اقامه نموده تا تمرد و نافرماني فرزندان خود را نكوهش و ملامت نمايند. براي الزام و خواسته هاي خود جمله"خداوند فرموده است" را به آنان نشان دهيد. پند و نكوهش كلام خدا فراتر از تاثير خشمگين شدن و لحن تند است.

بي طاقتي- كم صبري در والدين ناشكيبايي را در فرزندان القاء ميكند. احساسات تندي كه با والدين آشكار ميشود احساسات تند را در فرزندان پديد آورده و شرارت باطني را بر مي انگيزد. هر زمان كه آنان خويشتنداري خود را از دست داده و از روي بيطاقتي عمل نمايند بر ضد خدا گناه ورزيده اند.

تناوب در سرزنش و نوازش- بوفور ديده شده است كودكاني كه از انجام خواسته آنان انكار شده است خود را بزمين انداخته لگد ميكوبند و جيغ ميزنند در حاليكه مادر بي خرد متناوبا سرزنش و نوازش ميكند به اميد اينكه فرزند خود را به طبيعت و ذات خوب بازگرداند. اين چاره و علاج تنها هيجانات كودك را بيشتر و بدتر ميكند. و براي دفعه بعد همان طريق با لجاجت بيشتري تكرار ميشود زيرا كه او اطمينان يافته است كه مانند روز قبل توفيق خواهد يافت. بدينسان از چوب تاديب چشم پوشي شده و كودك ضايع و لوس بار مي آيد.

مادر نبايد اجازه دهد تا فرزندش در موقعيتهايي خاص از او سوء استفاده كند. و براي حفظ و ابقاي اين اقتدار لزومي ندارد تا به خشونت متوسل شد بلكه قاطعيت و يكنواخت بودن و عطوفت كه فرزند دوست داشتني شما را متقاعد سازد، مقصود را به انجام خواهد رسانيد.

فقدان ثبات و عزم راسخ- آسيب عظيمي بواسطه فقدان ثبات عزم بوقوع ميپيوندد. والديني وجود دارند كه ميگويند تو نميتواني اين يا آن را داشته باشي و سپس دلشان برحم آمده و فكر ميكنند كه خيلي سختگير بوده اند و به كودك چيزي را ميدهند كه ابتدا آنرا رد كرده اند. آسيب مادام العمري بدينگونه تحميل ميگردد. قانون مهم ذهن چنين است درخواست قاطعانه رد شود همه اميد ها از بين ميرود و ذهن بزودي اشتياق خود را براي آن از دست خواهد داد و به فكر چيزهاي ديگري خواهد افتاد. ولي تا زمانيكه اميدي براي بدست آوردن چيز خواسته شده وجود داشته باشد آنگاه براي بدست آوردن آن تلاش خواهد شد...

وقتي كه لازم باشد تا والدين مستقيما امر كنند مجازات نافرماني بايد از قوانين طبيعت متفاوت باشد. فرزنداني كه تحت اين قانون قاطع و سفت و سخت هستند ميدانند كه وقتي چيزي قدغن يا ممنوع است هيچ تزوير و نيرنگي خواسته آنان را تامين نخواهد نمود. از اينرو آنان بزودي خواهند آموخت تا تسليم شوند و با چنين عملكردي بيشتر شاد خواهند شد. فرزندان بدون عزم و بيش از حد ناز و نوازش شده دائما اميدوارند كه ممكن است چربزباني، گريه و زاري يا كج خلقي آنان را به خواسته شان برساند يا اينكه آنان ميتوانند مبادرت به نافرماني كنند بدون اينكه از مجازات رنج ببرند. از اين جهت آنان در وضعيت آرزومندي اميدواري و ترديد ميمانند كه آنان را بيقرار و زود رنج و سركش ميسازد. خداوند چنين والديني را براي تباهي شادي فرزندانشان مقصر ميداند. اين سوء مديريت شريرانه كليد توبه ناپذيري و بيديني هزاران نفر است و باعث تباهي بسياري از مسيحيان ايماندار شده است.

محدوديتهاي غيرضروري- وقتي كه والدين پا به سن گذارده و فرزندان جواني را براي بزرگ كردن دارند پدر محتملا حس ميكند كه فرزندان بايد مسير سخت و ناهمواري را كه او ميپيمايد را بپيمايند. براي او مشكل است درك نمايد كه فرزندان او نيازمند زندگي شاد و دلپذير هستند.

بسياري از والدين از تفريحات سالم و بي ضرر فرزندان جلوگيري ميكنند و از ترغيب آنان به رشد تمايلات براي چيزهاي نامشروع بسيار نگرانند و حتي به فرزندانشان اجازه برخورداري از خوشي و سرگرمي كه حق آنان است را نميدهند. بواسطه ترس از نتايج شرارت آميز، والدين از اجازه بازي و سرگرمي هاي ساده كه ميتواند آنان را از شرارت محافظت نمايد اجتناب مينمايند. و بدين سبب فرزندان فكر ميكنند كه انتظار هر لطف و مرحمتي بيهوده است و بنابراين درخواستي نميكنند. آنان دزدكي به بازي و سرگرمي ميپردازند زيرا خيال ميكنند كه ممنوع خواهد بود. بدينسان اعتماد بين والدين و فرزندان از بين ميرود.

عدم پذيرش امتيازات معقول- چنانچه پدران و مادران خودشان در دوران كودكي از شادماني برخوردار نبوده باشند چرا حال بايد زندگي فرزندان خود را بخاطر اين ضايعه عظيم تيره و تار كنند؟ پدر ممكن است فكر كند كه اين تنها مشي و معبر ايمن براي رسيدن به مقصود است ولي بايد بخاطر داشت كه همه ذهنها مانند و مشابه يكديگر نيستند و هر چه تلاش بيشتري براي محدود كردن كنند خواسته ها و تمايلات بيشتر از كنترل خارج ميشوند زيرا كه ازاستحصال آن نهي شده است و نتيجه آن نافرماني و سرپيچي به اختيار و اقتدار والدين خواهد بود. پدر از خودسري و تمرد پسرش مغموم ميگردد و قلبش بخاطر سركشي او بدرد مي آيد. ولي آيا براي او عاقلانه و درست نخواهد بود تا تفكر كند كه واقعيت اين است كه اولين سبب سركشي پسر بي ميلي او براي سرگرم نمودن او بوده كه گناه محسوب نميشده است. والدين خيال ميكنند كه دليل كافي به پسرشان داده اند تا از تفريح و سرگرمي پرهيز كند. ولي والدين بايد بياد داشته باشند كه فرزندان آنان مخلوقات هوشمندي هستند و بايد با آنان آنطور رفتار كنند كه دوست دارند ديگران با خودشان رفتار كنند .

سختگيري و شدت عمل- والديني كه روح سلطه گري و اقتدار را متابعت ميكنند چنين خويي از والدينشان به آنان منتقل گرديده است كه آنانرا بر آن واميدارد تا در تاديب و آموزه هاي خود قاطع و سختگير باشند و لهذا فرزندان خود را درست تربيت نميكنند. آنان با سختگيري و شدت عمل در برخورد با خطاها هيجانات و احساسات قلب بشري تحريك ميكنند و فرزندان خود را در حسي از بي انصافي و خطا رها ميكنند. آنان با حالات و خلق و خوهايي روبرو ميشوند كه خود به فرزندانشان داده اند.

اين قبيل والدين با سخن گفتن از موضوعات مذهبي فرزندان خود را از خدا دور ميسازند و مذهب مسيحيت را بد جلوه داده حقيقت را غير جذاب و حتي تنفر آميز مينمايند. فرزندان خواهند گفت "اگر مذهب چنين است هيچ چيزي از آن نميخواهیم ". و از اين روست كه اغلب خصومت در دلها بر عليه مذهب شكل ميگيرد و بخاطر اقدام مستبدانه فرزندان احكام و ملكوت آسمان را حقير ميشمارند. والدين با سوء اداره سرنوشت ابدي فرزندان خود را قطعي ميكنند.

آرامش و رفتار محبت آميز- چنانچه والدين خواستار خوش طبعي فرزندانشان باشند هرگز نبايد با آنان با لحن سرزنش آميز سخن بگويند. مادر اغلب بخود اجازه ميدهد تا عصبي و تحريك پذير بشود. او اغلب كودك را متوقف ميكند و با لحني تند صحبت ميكند. اگر با كودك با لحن مهربان و آرام رفتار شود كمك بسيار بزرگي براي مطبوع ساختن خلق و خوي او خواهد كرد.

درخواست محبت- پدر بعنوان كاهن خانواده بايد با آرامش و شكيبايي با فرزندان خود رفتار كند. او بايد مراقب باشد كه خوي مجادله و ستيز را در آنان برنينگيزد. او نبايد اجازه دهد كه سركشي و تمرد اصلاح نشده براه خود برود و با اين حال راهي براي اصلاح بدون تحريك هيجانات وخيم در قلوب بشري وجود دارد. او بايد با محبت با فرزندان خويش سخن بگويد و بگويد كه چقدر منجي از راه آنان اندوهگين است و سپس با او در برابر تخت رحمت وي زانو زده و آنان را به مسيح تقديم كند و دعا نموده كه خداوند بر آنان رحم نموده و آنانرا هدايت كند تا توبه و طلب آمرزش كنند. اين قبيل تربيت تقريبا هميشه قلبهاي سخت و لجوج را نرم ميكند.

خداوند از ما ميخواهد تا با فرزندان خود با سادگي و بي آلايشي رفتار كنيم. ما مسئول غفلت از فرزنداني هستيم كه براي سالهاي طولاني امتياز تعليم نداشته اند، آنچه را كه بزرگترها از آن برخوردار بوده اند. اگر كوچكترها مطابق با ايده ها و نظرهاي ما از هر حيث عمل نكنند گاهي اوقات خيال ميكنيم كه آنان شايسته نكوهش و ملامت هستند. ولي اين باعث بهبود و اصلاح نخواهد شد. آنان را نزد منجي ببريد و در باره همه چيز به او بگوئيد سپس ايمان داشته باشيد كه بركات او مشمول حال آنان خواهد شد .

**فصل چهل و نهم**

**رفتار وابستگان و خويشاوندان**

خويشاوندان نازپرور مشكل ساز هستند- قمرا ب باشيد كه اداره و تربيت فرزندان خود را به ديگران واگذار مكنيد. هيچ كسي بطور شايسته نميتواند شما را مسئوليت خدادادي تربيت فرزندان معاونت كند. بسياري از فرزندان با مداخله خويشاوندان و يا دوستان كاملا به تباهي كشيده شده اند. مادران هرگز نبايد به ديگران اجازه دهد تا در مديريت خردمندانه تربيت كودكان دخالت كنند. مادربزرگها و خاله و عمه ها بخاطر محبت و دلبستگي فراوان در بسياري از موارد فرزندان را لوس بار مي آورند. همه تلاشهاي صابرانه مادران با اين مداخلات پوچ و باطل ميشود. بطور استعاره اي گفته شده است كه پدربزرگها و مادربزرگها براي تربيت فرزندان نامناسب هستند مر. دان و زنان بايد تمامي احترام خود را نسبت به والدين خود ادا نمايند ولي در خصوص تربيت فرزندانشان نبايد اجازه مداخله بدهند بلكه اداره امور تربيتي را در دستان خود بگيرند.

خنديدن و بي احترامي - هر كجا غفلت از تربيت و تاديب در خانه مشهود است. به بچه هاي كوچك اجازه داده ميشود تا حاضرجوابي كنند و بي احترامي و جسارت در آنان مشهود است و زباني را بكار ميبرند كه هيچ كودكي نبايد مجاز شمرده شود تا مافوق خود را خطاب كند. والديني كه كاربرد زبان ناشايست را روا ميدارند شايسته سرزنش و ملامت هستند. جسارت از طرف كودك نبايد تحمل شود حتي براي يكبار. ولي پدران و مادران و وابستگان به نمايشهاي هيجاني و شورانگيز اين مخلوقات كوچك ميخندند. سخنان زشت گستاخانه و لجوجانه بچگانه را نبايد زيركانه و هوشمندانه در نظر گرفت. چنانچه عادات غلط تاييد شوند وقتي كودكان بزرگ شوند در جمع اطرافيان مورد انزجار قرار خواهند گرفت.

وقتي كه بستگان و خويشاوندان والدين را از تاديب مقتضي بر حذر ميدارند- از اينكه بعضي مادران درست نميبينند بايد بخود لرزيد كه اختيارات خود را بديگري محول كرده اند. آنان ميبينند كه شيطان بر روي كودك خود راي كار ميكند حتي اگر چند ماهه باشد. شيطان با اغراض معاندانه بنظر ميرسد كه همه چيز را تحت تسلط خود دارد. در خانه ممكن است كه مادربزرگي يا خاله اي يا دوست و خويشي باشد كه در پي ايجاب والدين باشند كه اصلاح و تاديب كودك ظالمانه است در حاليكه تنها عكس قضيه درست است و اين ظالمانه ترين كار است كه به شيطان اجازه داده شود تا كودك لطيف الطبع و درمانده را تحت تسلط خود در آورد. شيطان بايد توبيخ شود. زنجير اسارت كودك در دستان شيطان بايد شكسته شود. چنانچه نياز به اصلاح باشد با ايمان و درستي اصلاح كنيد. محبت خدا دلسوزي واقعي براي كودك است و شما را هدايت ميكند تا وظيفه خود را با ايمان و وفادارانه انجام دهيد.

آشفتگي و سرگشتگي جمع خانواده- براي فرزندان خط مشي مناسبي نيست كه يك يا دو يا سه خانواده وابسته فاميلي در فاصله چند كيلومتري در نزديك هم زندگي كنند. تاثير خوبي بر طرفين نميگذارد. كار يكي كار همه است. سرگشتگي و دردسرهايي كه هر خانواده بايد تجربه كند كمابيش تا حدي كه ممكن است بايد منحصر به قلمرو خانواده باشد به فاميل نزديك تعميم داده ميشود و بر جلسات مذهبي تاثير ميگذارد. موضوعاتي وجود دارد كه فرد سومي نبايد بداند هر چند رابطه ممكن است دوستانه و نزديك باشد. افراد و خانواده ها بايد آنرا در سينه خود محبوس كنند. ولي رابطه نزديك چند خانواده كه مراوده دائمي در آن وجود دارد زمينه تخريب شان و وقار را دارد كه بايد در هر خانواده اي حفظ شود. در ايفاي وظيفه حساس نكوهش و نصيحت خطر آسيب رساندن به احساسات وجود دارد مگر اينكه با توجه و دلسوزي فوق العاده اي انجام شود. بهترين افراد نيز به اشتباه و خطا مي افتند و بايد مراقب باشيم كه از كاه كوهي نسازيم.

اين گونه خانواده و رابطه كليسايي براي احساسات طبيعي بسيار دلپذير است ولي بهترين نيست. همه چيزها براي رشد متعادل صفات مسيحي بايد در نظر گرفته شود... همه طرفين در دوري و ديد و بازديدهاي گهگاه خوشحالتر خواهند بود و تاثير آنان بر يكديگر ده چندان عظيمتر خواهد بود(دوري و دوستي).

خانواده هايي كه بواسطه ازدواج با يكديگر بهم پيوسته اند و مانند جوامع ديگر بهم مي آميزند هر يك نسبت به خطاها و نقصهاي يكديگر هشيار و آگاهند و احساس وظيفه ميكنند تا يكديگر را اصلاح كنند و چونكه اين خويشاوندان بواقع براي يكديگر عزيز هستند نسبت بيكديگر متوقع و حساس هستند و از چيزهاي كوچك از يكديگر دلگير ميشوند در حاليكه كساني كه با هم ارتباط نزديكي ندارند توجهي به آن نميكنند. عذاب فكري تحمل ميشود زيرا احساسات كساني بر انگيخته ميشود كه با آنان منصفانه رفتار نشده و آنگونه كه شايسته آن هستند به آنان توجه نشده است. حسادتهاي جزيي گاهي اوقات برانگيخته ميشوند و از كاهي كوه ساخته ميشود. اين سوء تفاهم هاي كوچك و مغايرتهاي جزيي عذابهاي فكري شديدتري را نسبت به رنجهايي كه از چيزهاي ديگر سرچشمه ميگيرد حاصل ميكند.

**بخش ١٢**

**رشد قدرتهاي ذهني**

**فصل پنجاهم**

**آموزش واقعي شامل چه چيزي است؟**

پهنه واقعي آموزش - آموزش واقعي بيش از مطالعه چند درس معني ميدهد. آموزش دامنه وسيع ي دارد. آموزش شامل رشد موزون همه قدرتهاي جسمي و استعدادهاي ذهني است. آموزش واقعي محبت و ترس از خدا را آموزش ميدهد و آماده سازي براي ايفاي مومنانه وظايف زندگي است. آموزش مناسب نه تنها شامل تربيت ذهني است بلكه پرورشي است كه تامين كننده معنويات و اخلاقيات درست و سلوك صحيح است.

اولين درس بزرگ در همه آموزشها درك و فهم اراده خداست. ما بايد هر روزه تلاش كنيم تا اين دانش را كسب نمائيم. آموختن علوم از طريق شرح و تفسير بشري تنها استحصال آموزش غلط است ولي فراگيري خدا و مسيح آموختن دانش آسماني است. در آموزش اغتشاش بوجود آمده است زيرا حكمت و دانش خدا تجليل و تمجيد نگرديده است.

تاثير مقابله با چشم و هم چشمي و طمع ورزي- در چنين اوقاتي چه نوع آموزشي داده شده است؟ به چه انگيزه اي اغلب توسل گرديده است؟ پاسخ مطالبات خودخواهانه است. بيشتر آموزش داده شده بازي با اسامي و تعاريف است. در آموزش واقعي بلندپروازيهاي خودخواهانه – قدرت طلبي – بي توجهي به حقوق و نيازهاي بشري كه لعنتي براي جهان هستند از تحت نفوذ قرار گرفتن مقابله كنيد. نقشه خدا براي زندگي براي هر بشري جايگاهي دارد. هر يك براي بهبود و ارتقاي استعدادهاي وي در منتها درجه است و خوش عهدي در انجام اين كار فرد را مستحق هداياي كم و زيادي ميكند.

در نقشه خدا جايي براي چشم و هم چشمي وجود ندارد. كساني كه خودشان را با خودشان ميسنجند و خودشان را با خودشان مقايسه ميكنند عاقل و خردمند نيستند. (دوم قرنتيان12:10.(هر چه كه انجام ميدهيم بهمان اندازه توانايي است كه خدا داده است (اول پطرس11:4.(كار ها بايد از روي ميل و قلبا انجام شود " و آنچه كنيد از دل كنيد بخاطر خداوند نه بخاطر انسان زيرا از خداوند اجر ميراثيرا خواهيد يافت چونكه مسيح خداوند را بندگي ميكند" (کولسیان 23:3, 24). انجام خدمات پر ارزش تحصيل آموزش است. آموزشي كه اكنون داده شود بسيار متفاوت خواهد بود. تقليد و چشم و هم چشمي از اوان كودكي خودخواهي را پرورش ميدهد كه ريشه همه شرارتهاست.

الگوئي كه در عدن داده شده است- سيستم آموزشي كه در بدو جهان تاسيس گرديده است در همه ادوار الگوئي براي انسان بود. بعنوان يك مثال از اصول الگوي مدرسه در باغ عدن اولين خانه والدين ما بود بنا نهاده شد. باغ عدن كلاس درس بود و طبيعت كتاب درسي و خالق ازلي خود معلم و آموزگار بود.

الگوي معلم الهي- منجي در تعليم رسولان خويش از سيستم آموزشي ازلي پيروي كرد. اولين دوازده منتخب با معدودي از ديگران كه گهگاهي بخدمت گماره ميشدند خانواده عيسي را تشكيل ميدادند. آنان در خانه با او بودند، بر سر ميز غذا مينشستند، در نهانخانه و در كشتزار بودند. آنان در سفرهاي عيسي او را همراهي ميكردند و در سختيها و مشكلات با او شريك بودند و با هر آنچه كه در توان داشتند وارد كار او شدند.

گاهي اوقات هنگامي كه با يكديگر در دامنه كوهها مينشستند به ايشان تعليم ميداد و گاهي اوقات در كنار دريا و يا درون قايقهاي ماهيگيري و گاهي اوقات هنگامي كه در راه قدم ميزدند آنان را پند و اندرز ميداد. هر گاه كه سخن ميگفت جماعت دور او حلقه ميزدند. آنان در نزديكي او ازدحام ميكردند تا از آموزه هاي او چيزي را از دست ندهند. آنان شنوندگان دقيقي بودند و مشتاق فهم حقايقي بودند كه قرار بود در تمامي سرزمينها و در تمامي اعصار تعليم داده شود.

آموزش واقعي هم بواسطه كتاب است و هم عملي است- در كودكي و نوجواني آموزش عملي و درسي بايد به هم تلفيق شوند و ذهن با دانش انباشته شود... كودكان بايد آموخته شوند تا بخشي از وظايف خانگي را بعهده بگيرند. آنان بايد ياد بگيرند كه چگونه به پدر و مادر در امور كوچك كمك كنند. اذهان آنان بايد براي انديشيدن تربيت شود حافظه آنان كار تعين شده را بخاطر بياورد و در آموزش عادات مفيد در خانه بايد انجام وظايف عملي را كه بر مقتضاي سن و سال آنان است ياد بگيرند.

آموزش واقعي انتخاب طبيعي جوانان نيست- نوع آموزشي كه مناسب نوجوانان براي زندگي عملي است را آنان بطور طبيعي انتخاب نميكنند. آنان بر خواسته هاي خود پافشاري ميكنند – دوست داشتن ها و دوست نداشتن ها – سلايق و تمايلات آنان – ولي چنانچه والدين ديدگاه صحيحي از خدا و حقيقت داشته باشند و از تاثيرات و وابستگيهايي كه بايد فرزندانشان را در بر گيرد - مسئوليتهاي خدادادي هدايت محتاطانه نوجوانان بي تجربه را احساس خواهند نمود.

آموزش واقعي روش فرار كردن از زير بار مسئوليتهاي زندگي نيست- نوجوانان نبايد با انديشه اي كه فرار از تكاليف نامطبوع و بار سنگين مسئوليت است تحت تاثير قرار بگيرند زيراكه هدف آموزش سبك كردن كار با تعليم شيوه هاي بهتر براي اهداف والاتر است. به آنان تعليم دهيد كه هدف واقعي زندگي بدست آوردن بزرگترين امكانات براي خودشان نيست بلكه براي حرمت دادن به خالق با ايفاي بخشي از كار در دنياست و دستگيري و كمك به ضعيفان و نادانان است.

آموزش بايد روح خدمت را بيدار كند- فراتر از هر كار خدمت به خاطر مسيح در امور كوچك روزانه قدرت قالبگيري شخصيت را دارد و زندگي را در مسير خدمت غير خودخواهانه هدايت ميكند. بيدار كردن اين روح براي هدايت در مسير درست بعهده والدين و معلمان است. اين وظيفه بزرگي است كه بر عهده آنان است. روح خدمت روح ملكوت است و براي رشد و تقويت آن فرشتگان كوشش ميكنند. اين قبيل آموزش بايد بر اساس كلام خدا باشد. در اينجا تنها اصولي براي كمال و پري آن داده شده است. كتاب مقدس بايد بنيادي براي مطالعه و تعليم باشد. دانش واجب دانش خدا و چيزهايي است كه فرستاده است.

آموزش واقعي جايگاه تربيت معنوي و اخلاقي را فراتر از پرورش ذهني قرار ميدهد- فرزندان در نياز عظيمتري از آموزش مناسب هستند تا اينكه افراد مفيد فايده اي در جهان بشوند. ولي هر گونه تلاش كه باعث تعالي پرورش ذهني مافوق تربيت اخلاقي و معنوي بشود گمراهي و انحراف در آموزش است. آموزش – پرورش – تهذيب و پالايش كودكان و نوجوانان بايد مسئوليت اصلي والدين و معلمان باشد.

هدف آموزش واقعي بناي شخصيت است- عاليترين كلاس آموزش، دانش و تربيتي است كه باعث رشد شخصيتي بشود و جان را براي آن زندگي شايسته سازد كه براي زندگي خدا سنجيده شود. آخرت نبايد بخاطر گمانهاي ما از دست برود. عاليترين آموزش آنست كه فرزندان و جوانان ما را به علوم مسيحيت تعليم دهد كه به آنان دانش تجربي راههاي خدا را عطا ميكند و دروسي را ياد ميدهد كه مسيح به حواريون خود داد كه شخصيت پدرانه خدا بود.

آموزش واقعي هدايتگر و رشد دهنده است- زماني براي تعليم كودكان است و زماني براي آموزش نوجوانان و ضروري است كه در مدرسه هر دوي اينها در حدي زياد با هم تلفيق شوند. فرزندان ممكن است براي خدمت به گناه يا براي خدمت به عدالت تعليم داده شوند. آموزش ابتدايي نوجوانان شخصيت آنان را براي زندگي دنيوي و روحاني شكل ميدهد. سليمان ميگويد: " بچه را در راهي كه بايد برود تربيت كن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد43. "اين گويش مثبتي است. تربيتي را كه سليمان سفارش ميكند براي هدايت آموزش و رشد و ترقي است.

والدين و معلمان بجهت انجام اين كار خودشان بايد شيوه هاي كودكان را درك كنند. اين موضوع بتنهايي بيش از اين در برگيرنده دانش كتابهاست. اين مطلب هر چيز خوب و با فضيلت و نيكو و مقدس را در بر دارد. اين امر شامل تمرين اعتدال و ميانه روي – دينداري – مهرباني برادرانه – و محبت به خدا و ديگران است. بخاطر نائل شدن به اين هدف آموزش اخلاقي و ذهني و مذهبي و جسمي فرزندان بايد مورد توجه قرار گيرد.

آموزش واقعي، كارگران را براي خدا آماده ميسازد- تعليم مسيحي به عهده پدران و مادران سپرده شده است تا فرزنداني را كه به آنان به امانت سپرده شده اند را آموزش دهند. در هيچ موردي ذهن و وقت و استعداد آنان نبايد دستخوش انحراف گردد مبادا كه از خدا جدا گرديده و دور شوند. فرزندان آنان نبايد از دست آنان رها شده و بدستهاي بي ايمانان بيفتند. والدين با تمام توان خود بايستي تلاش كنند تا فرزندانشان جذب روح دنياگرايي نشود. اوليا بايد فرزندان خود را تعليم دهند تا كارگران خدا بشوند. آنان بايد دستان خداوند باشند تا خود و فرزندانشان را شايسته حيات جاويد سازند.

آموزش واقعي محبت و ترس خدا را ياد ميدهد- والدين مسيحي آيا بخاطر مسيح خواسته هاي خويش را نمي آزمائيد؟ اهداف خود را براي فرزندانتان ميدانيد؟ و آيا ميتوانيد ببينيد كه آيا آنان ميتوانند آزمون احكام خدا را تحمل كنند؟ ضروري ترين تعليم به آنان محبت و خداترسي است.

آموزش براي بسياري بعنوان يك موضوع از مد افتاده است- آموزشي كه به درازاي ابديت است كاملا مورد غفلت واقع گرديده است و بعنوان موضوعي از مد افتاده و ناخوشايند در آمده است. آموزش فرزندان در بر گيرنده كار بناي شخصيت در خيريت زمان حاضر – شادي و آرامش فعلي آنان و هدايت گامهاي آنان براي فديه دادن در راه خداست بدين ترتيب براي آنان مورد قبول نبوده بنابراين غيرضروري است. بخاطر اينكه فرزندانتان بعنوان فاتح وارد دروازه هاي شهر خدا بشوند بايد خداترسي را بياموزند و احكام او را در زندگي جاري رعايت كنند.

آموزش واقعي همواره رو برشد است و هرگز كامل نشده است- كار يك عمر زندگي آمادگي براي حيات ابدي است. آموزشي كه در اينجا آغاز شده در اين زندگي كامل نخواهد شد و در سراسر ابديت به پيش خواهد رفت و هميشه رو برشد خواهد بود و هرگز كامل نميشود. و هر چه بيشتر و بيشتر حكمت و محبت خدا در نقشه رستگاري آشكار ميشود. منجي همچنانكه فرزندان خود را به چشمه هاي آب زندگي هدايت ميكند آنان را از ذخاير دانش بهره مند خواهد ساخت. و روز بروز كارهاي شگفت انگيز خدا – نشانه هاي قدرت وي در خلقت و ابقاي گيتي حسن جمال خود را در مقابل انديشه آشكار خواهد ساخت. در پرتو انوار بارگاه جلال رازها ناپديد خواهند گرديد و جان با شگفتي در بي آلايشي از چيزهايي كه هرگز درك نگرديده بودند لبريز خواهد گرديد.

**فصل پنجاه و يكم**

**آماده سازي براي مدرسه**

هشت تا ده سال اول- كودكان نبايد بمدت طولاني درون خانه محبوس بمانند و نبايد به مطالعه اجباري ملزم شوند قبل از اينكه شالوده خوبي براي رشد جسمي آنان ريخته شود. در ابتداي هشت تا ده سالگي زندگي كودك، دشت و صحرا يا باغ و بوستان بهترين كلاس درس بوده و مادر بهترين معلم و طبيعت بهترين كتاب درسي خواهد بود. حتي زمانيكه كودك باندازه كافي بزرگ شده باشد تا به مدرسه بپيوندد سلامتي او مهم تر از دانش كتابها در نظر گرفته شود. او بايد در محيطي قرار گيرد كه بهترين شرايط مطلوب براي رشد جسمي و ذهني او فراهم گردد. فرستادن بچه هاي كوچك به مدرسه مرسوم و متداول شده است. آنان ملزم گرديده اند تا كتابها را مطالعه كنند كه بر ذهن كوچك آنان فشار وارد مي آورد. اين روش حكيمانه نيست. نبايد در هر صورت به كودك فشار عصبي وارد آورده شود.

برنامه كودك در خلال طفوليت- در خلال شش تا هفت سالگي زندگي كودك، بيش از توجه به بالا بردن ظرفيت ذهني بايد توجه خاصي نسبت به تربيت جسمي او بشود. پس از اين دوره چنانچه بنيه جسمي خوب باشد آنگاه بايد به تعليم هر دو پرداخت. طفوليت تا سن شش يا هفت سالگي ادامه خواهد يافت. تا اين دوره آنان مانند بره هاي كوچك بايد آزاد باشند تا در خانه و حياط بگردند و در سبكبالي روح جست و خيز كنند و از هر غم و رنجي فارغ باشند. والدين خصوصا مادران بايد تنها معلمين ذهني اين قبيل اطفال باشند. آنان نبايد با كتاب تعليم دهند. كودكان معمولا كنجكاو خواهند بود تا چيزها را از طبيعت ياد بگيرند. آنان راجع به چيزهايي كه ميبينند و ميشنوند سوال ميكنند و والدين بايد فرصتها را بهبود بخشند تا با شكيبايي تعليم داده و به سوالهاي كوچك جواب دهند. آنان ميتوانند در اين روش از خصم پيشي گرفته و انديشه هاي فرزندان خود را با كشت بذرهاي خوب در قلبها تقويت كنند و فضايي را براي ريشه هاي بد باقي نگذارند. آموزه هاي محبت آميز مادر در سنين طفوليت براي شكل گيري شخصيت كودكان نياز است.

دروس در خلال دوره تحول- مادر بايد معلم باشد و خانه مدرسه باشد، مكاني كه هر كودك اولين دروس خود را بياموزد و اين دروس بايد شامل عادات كار و فعاليت باشد. مادران بايد بگذارند تا جگرگوشه هايشان در هواي آزاد بازي كنند و بگذارند تا آواز پرندگان را بشنوند و محبت خدا را فراگيرند همانگونه كه در كارهاي زيبايش متجلي گرديده است. به آنان دروس ساده را از طبيعت و از وجود خودشان ياد بدهيد و همچنانكه ذهن آنان مبسوط ميگردد دروسي از كتابها ميتواند اضافه شود و بطور دائمي در خاطر ثبت گردد. ولي حتي در سالهاي اوليه نيز به آنان بياموزيد تا مفيد باشند. آنان را تعليم دهيد تا فكر كنند كه بعنوان اعضاي خانواده بعنوان بخشي مفيد در امور داخلي خانه نقشي ايفا كنند و در پي اعمال امور سالم در اجراي وظايف ضروري خانه بر آيند.

اين موضوع نبايد مرحله دردناكي بشود- اين قبيل تربيت ارزش ناگفته اي براي يك كودك است و نبايد فرآيندي ناراحت كننده براي كودك باشد. تربيت بايد بگونه اي باشد كه كودك از يادگيري لذت ببرد و براي او مفيد باشد. اين كار مادر است كه با شكيبايي كودكان خود را بياموزد و سطر به سطر و حكم به حكم كمي از اينجا و كمي از آنجا بگويد. و در انجام اين كار مادر خود نيز آموزش و تعليم فوق العاده گرانبهايي را خواهد يافت.

روحيه با هم مدرسه اي ها به مخاطره خواهد افتاد- جگرگوشه هاي خود را زود به مدرسه نفرستيد. مادر بايد مراقب باشد كه چگونه ذهن طفل خود را در دستان خود قالب بگيرد. بسياري از مادران احساس ميكنند كه براي آموزش فرزندان خود وقت ندارند و بخاطر اينكه آنها را از سر راه خود دور كنند و از سر و صدا و دردسر خلاص شوند آنان را بمدرسه ميفرستند.

نه تنها سلامت ذهن و جسم فرزندان با فرستادن زود بهنگام بمدرسه به خطر خواهد افتاد بلكه آنان از جنبه معنوي زيان خواهند ديد. آنان فرصتهايي را داشته اند تا با كساني كه زمين تربيت آنان كشت نشده بود آشنا شوند. آنان به جامعه خشن و زمخت كه دروغ و فحش و سرقت و اغفال در آن است افكنده ميشوند و كساني هستند كه دانش گناه و فساد را با خوشحالي به افراد كوچكتر از خود مي آموزند. عادات بد موافق طبيعت و ذات بشري است و چيزهايي را كه در طفوليت ميبينند و ميشنوند عميقا بر روي اذهان آنان نقش ميبندد و بذرهاي بد در قلبهاي جوان آنان كاشته شده و ريشه ميدواند و خارهاي تيزي خواهند شد كه قلوب والدين خود را مجروح خواهند ساخت.

**فصل پنجاه و دوم**

**انتخاب مدرسه**

ما متحمل ضررهاي بسيار بدي ميشويم- گهگاهي آرزو ميكنم كه ايكاش خداوند ميتوانست با صدايي رسا با والدين صحبت كند همانگونه كه با همسر مانوح صحبت كرد و به آنها بگويد كه چگونه فرزندان خود را تربيت كنند. ما بخاطر غفلت و كوتاهي از تربيت خانگي در هر شعبه و شاخه اي از كار متحمل ضررهاي هولناكي ميشويم. بدين خاطر بود كه نياز مدارس مذهبي بر اذهان ما اثر گذاشت تا تاثيرات آن حكمفرما شود. هر كاري كه از دستتان بر مي آيد انجام دهيد تا كارهاي شيطان بزرگ را خنثي نماييد و با قدرت عيسي آنرا بانجام رسانيد.

مواجهه با موضوعي خطير- والدين و سرپرستان فرزندان خود را براي تعليم و تربيت به مدارسي بفرستيد تا تاثيرات همانند مدارس خانگي داشته باشند – مدارسي كه معلمان آنانرا نقطه به نقطه بجلو پيش ببرند بدين مضمون كه فضاي روحاني حياتبخش و روح افزا باشد... بهر صورت جوانان ما كه آموزه هاي حكمت و تربيتي را از والدين خداشناس خود دريافت نموده اند تقدسشان بواسطه حقيقت ادامه خواهد يافت و باندازه زيادي به تاثيري بستگي خواهد داشت كه پس از اينكه خانه هاي خويش را ترك نمودند با كساني ملاقات مينمايند كه بدنبال آموزه هاي مسيحي ميگردند.

كدام قشر از مربيان؟- دو گروه مربي در دنيا وجود دارد. يك طبقه كساني هستند كه خداوند آنان را معبر نور و روشنايي خود قرار ميدهند و طبقه ديگر را شيطان بعنوان عوامل خود بكار ميبرد كه راه و روش شرارات را در پيش گيرند. يك قشر خصلت و صفات خدا را در نظر گرفته تا معرفت و شناخت عيسي را فزوني دهند- آنكسيكه خداوند به جهان فرستاد. اين گروه همه چيز را رها كرده تا به فرزانگي و روشنگري ملكوتي و حكمت آسماني نائل گردد تا جانها را متعالي سازد و هر قابليت از جوهره خويش را به خدا ارزاني ميدارد و افكار آنان در اختيار تام مسيح است. دسته ديگر با اهريمن هم پيمان ميشوند كه همواره هشيار است تا از هر فرصتي براي تعليم دانش شرير بهره گيرد.

مدرسه اي را انتخاب كنيد كه خداوند شالوده و بنياد آن است- در برنامه تعليم فرزندان در بيرون از خانه والدين بايد درك كنند كه فرزندانشان به دانشي نائل خواهند شد كه بر اساس بنياد كتاب مقدسي است. بر هر پدر و مادر مسيحي واجب است كه بطور جدي و الزامي تعليم و تربيتي را به فرزندان خود اعطا نمايد كه آنان را به كسب معرفت پروردگار هدايت كند تا از طريق اطاعت از اراده خدا و راه او شريك ذات الهي بشوند.

اندرز و توصيه خدا به بني اسرائيل را در نظر بگيريد- در حاليكه داوري و غضب خداوند بر سرزمين مصر فرود مي آمد پروردگار نه تنها به بني اسرائيل دستور داد تا فرزندانشان را در خانه نگهدارند بلكه دام و حشم خود را از صحرا بخانه باز گردانند.

همانطور كه بني اسرائيل فرزندان خويش را در خلال فرو ريختن غضب خدا بر سرزمين مصر در خانه هايشان نگاه داشتند بدين جهت در اين زمان وانفسا و خطر ما نيز بايد فرزندان خود را جدا ساخته و از دنيا متمايز سازيم. ما بايد آنان را تعليم دهيم كه فرامين خدا بيش از آنچه كه درك ميكنيم حائز اهميت هستند و معني و مفهوم والاتري دارند. كسانيكه از فرزندان خود مراقبت ميكنند مقلد اعمال طغيانگران از احكام خدا نيستند.

والدين بايد كلام خدا را حرمت داده و از تعاليم آن فرمانبرداري نمايند. خداوند به بني اسرائيل و نيز والدين امروز آشكارا ميفرمايد: "اين قوانيني كه امروز به شما ميدهم بايد دايم در فكرتان باشد. آنها را به فرزندان خود بياموزيد و هميشه در باره آنها صحبت كنيد خواه در خانه باشيد خواه در بيرون خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح. آنها را روي انگشت و پيشاني خود ببنديد آنها را بر سر در منازل خود و دروازه هايتان بنويسيد44".

عليرغم اين آموزه هاي واضح و آشكار برخي از امت خدا به فرزندان خويش اجازه ميدهند تا به مدارس عمومي بپيوندند جاييكه ممكن است با كساني كه از نظر اخلاقي فاسد هستند در تماس باشند. در اين مدارس فرزندان نه تنها نميتوانند كتاب مقدس را مطالعه كنند بلكه نميتوانند اصول آنرا ياد بگيرن . د والدين مسيحي بايد براي فرزندان خويش مقرر بدارند تا اصول كتاب مقدس را فرا گيرند.

حقيقت كتاب مقدس خنثي گرديده و ذهن كودك مغشوش ميگردد- آيا فرزندان ما در مدارس عمومي ايده هايي كه با كلام خداوند همخواني دارند را فرا ميگيرند؟ آيا گناه بعنوان اهانت به خدا تلقي ميشود؟ آيا اطاعت به همه احكام خدا بعنوان آغاز همه حكمتها تعليم داده ميشود؟ ما فرزندان خود را به مدرسه سبت ميفرستيم تا راجع به حقيقت تعليم يابند و سپس هنگامي كه به مدرسه ميروند دروسي كه شامل چيزهاي غلط و كذب است براي فراگيري به آنان داده ميشود. اين چيزها ذهن را مغشوش ميسازد و نبايد چنين شود بخاطر اينكه اگر جوانان ايده هايي را بياموزند كه حقيقت را منحرف سازد چگونه تاثير اين آموزش را ميتوان خنثي نمود؟

شگفت نيست كه چرا تحت چنين شرايطي برخي از جوانان در بين ما قدردان مزيتهاي مذهبي نيستند. آيا در تعجب نيستيم كه چرا آنان به وسوسه كشيده ميشوند؟ آيا در بهت و حيرت نيستيم بخاطر اينكه از آنان غفلت شده و انرژي آنام صرف تفريحاتي ميشود كه هيچ بهره و خيريتي براي آنان ندارد – و اينكه تمايلات مذهبي آنان تضعيف گرديده و زندگي روحاني آنان تباه گرديده است؟ از كوزه همان برون تراود كه در اوست و محصول برداشته شده داراي خصوصيات همان بذري است كه كاشته شده است. آيا اين واقعيتها براي حفاظت آنان در سالهاي اوليه آموزش جوانان كافي نيست؟ آيا جوانان آنطور كه بديده غلط عموم آموزش انگاشته شده بايد در جهل رشد يابند و در رابطه با حقيقت خدا بي تفاوت باشند؟

مدارس در تمام كليساهاي ما- در همه كليساهاي ما بايد مدرسه وجود داشته باشد و معلمان در اين مدارس مبلغين و مبشرين هستند. واجب است كه معلمان تعليم يابند تا كار مهم آموزش فرزندان رعايت كننده سبت را بر عهده گيرند، نه تنها در علوم بلكه در كلام. اين مدارس در محله هاي مختلف تاسيس و توسط مردان و زنان خداترس اداره ميشود و همانگونه كه خواسته شده بايد بر اصول مشابه مدارس انبيا بنا شود .

مدارس كليسايي در شهرها- از اهم است تا مدارس كليسايي تاسيس گردند تا اينكه فرزندان به آنجا فرستاده شوند و همچنان تحت مراقبت مادرانشان قرار گيرند و فرصتي داشته باشند تا به دروس مفيد عمل نمايند كه تدبير خداست تا آنرا در خانه فرا گيرند...

براي نجات و آموزش فرزنداني كه در حال حاضر نميتوانند از شهر ها خارج شوند بيش از اين ميتواند كرده شود. اين موضوع سزاوار بهترين تلاشهاي مجدانه است. مدارس كليسايي بايد براي كودكان در شهرها تاسيس شوند و در رابطه با اين مدارس تمهيداتي بايد براي تعاليم عالي در زمان لزوم در نظر گرفته شود

مدارسي را براي كليساهاي كوچك تدارك ببينيد- بسياري از خانواده ها بمنظور تعليم فرزندانشان به مكانهايي ميروند كه مدارس بزرگ در آنجا تاسيس شده است. آنان خدمت بهتري را به خداوند انجام خواهند داد تا در همانجايي كه هستند بمانند. آنان بايد كليسايي كه در آن عضو هستند را ترغيب كنند تا مدرسه كليسايي تاسيس كرده تا فرزندان در محيط خود آموزش عملي مسيحي را كسب كنند. در عوض رفتن به كليساهاي بزرگتر براي فرزندان و براي خودشان و براي رضاي خدا بسيار بهتر خواهد بود چنانچه در كليساهاي كوچكتري باقي بمانند زيرا كه به كمك آنان نياز است چرا كه در كليساهاي بزرگتر چون به كمك آنان نياز نيست وسوسه اي دائمي وجود دارد تا به ركود روحاني سقوط كنند.

هر جايي كه چند نگاهدارنده سبت وجود داشته باشد والدين بايد متحد شده و مكاني را براي مدارس روزانه تدارك ببينند تا كودكان و نوجوانان تعليم داده شوند. آنان بايد يك معلم مسيحي را بكار بگمارند كه بعنوان يك مبلغ وقف شده فرزندان را به شيوه اي تعليم دهند تا سرمشق گرفته و مبشران مسيح بشوند. بگذاريد معلماني بكار گرفته شوند كه آموزش تمام و كمال را در شاخه هاي عمومي بدهند و از كتاب مقدس كه بنياد و سرچشمه همه دروس است استفاده كنند.

در محلاتي كه تعداد ايمانداران كم است، دو يا سه كليسا متحد شده و ساختماني ساده را براي مدرسه كليسايي بنا سازند. چنانچه والدين به اهميت اين مراكز كوچك آموزشي پي ببرند و براي كاري كه خدا اشتياق دارد همكاري كنند نقشه هاي خصم براي فرزندان ما نقش بر آب ميشود.

مدارس خانگي كليسايي – تا حدي كه ممكن است همه فرزندان بايد از امتياز تعليم مسيحي برخوردار باشند. براي ميسر ساختن چنين امري بايد گاهي اوقات مدارس خانگي كليسايي داير كنيم. معقول خواهد بود چنانچه چندين خانواده در همسايگي متحد گرديده و معلمي خداترس و متواضع را بكار بگمارند تا به والدين براي تعليم فرزندان كمك كند. اين كار بركت بزرگي را نصيب بسياري از گروههاي نگاهدارنده سبت خواهد كرد و اين برنامه خدا را بيشتر خشنود خواهد ساخت تا اينكه فرزندان جوان را از خانه دور كنيم تا به مدارس بزرگتر بپيوندند.

مشاركت هاي كوچك نگاه دارندگان سبت نياز است تا نور هدايت را در مقابل همسايگان بتابانند و به وجود فرزندان در خانه ها نياز است تا به والدين خود پس از خاتمه زمان مطالعه كمك كنند. به سفارش خدا بهترين مكان براي كودكان خانه هاي منضبط مسيحي است كه فرزندان كوچك بتوانند از تعليم و تاديب والدين بهره ببرند.

مشكلي براي اعضاي دور افتاده- برخي از خانواده هاي نگاهدارنده سبت بتنهايي زندگي ميكنند يا بسيار از ايمانداران ديگر بدور افتاده اند. اينها گاهي اوقات فرزندان خود را بمدارس شبانه روزي ميفرستند تا پس از بازگشت بركتي براي خانه خود باشند. ولي برخي نميتوانند فرزندان خود را دور از خانه بفرستند تا آموزش ببينند. در اين موارد والدين بايد تلاش كنند تا يك معلم مذهبي شايسته را استخدام كنند كه با تمام ظرفيت براي خدمت براي كار خداوند علاقمند بوده و مشتاق باشند تا در هر قسمت از تاكستان خداوند فلاحت كنند. پدران و مادران بايد با معلمان همكاري كنند و با اشتياق براي تغيير فرزندانشان زحمت بكشند.

كار براي رستگاري فرزندان- در برخي كشورها والدين باجبار قانون، بايد فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. در اين كشورها در محلاتيكه در آنجا كليسا وجود دارد اگر بيش از شش بچه وجود دارد در آنجا مدرسه بايد تاسيس گردد. چنان كار كنيد كه گوئي كارتان براي رستگاري و نجات فرزندانتان از غرق شدن در آلودگي و فساد دنيا است. ما از ايفاي مسئوليتهايمان در اين وظيفه خطيربسيار عقب افتاده ايم. در بسياري از مكانها مدارس بايد از سالها قبل مشغول به كار ميشدند. بدينسان بسياري از محلات بايد نمايندگان حقيقت ميداشتند كه ميتوانستند خصوصيتهاي كار و امور خدا را عرضه دارند. برغم متمركز ساختن بسياري از ساختمانهاي بزرگ در تعدادي از مكانها، مدارس ميتوانستند در بسياري از محلات داير گردند.

اين مدارس اكنون بايد تحت رهبري خردمندانه آغاز بكار كنند كه فرزندان و جوانان بتوانند در كليساهاي خودشان تعليم ببينند. براي خداوند تالم آور خواهد بود كه در اين خصوص غفلت بزرگي صورت پذيرد زيرا كه مشيت الهي امكاناتي فراوان را براي كار فراهم آورده است.

مدارس تاسيس شده نبايد رها گردند- مدارس كليسايي تاسيس شده نبايد بحال خود رها كرد مگر اينكه خداوند آشكار كند كه چنين بايد كرده شود. تاثيرات ناسازگار ممكن است بر ضد مدرسه باشد ولي با كمك خداوند معلم ميتواند كاري والا و رستگارانه در تغيير دادن آيين و انتظام امور انجام دهد.

متعالي ساختن فرزندان سركش و نافرمان- گاهي اوقات در مدرسه عاملي مختل ساز وجود دارد كه كار را سخت و مشكل ميسازد. فرزنداني كه آموزش درست و مناسب نديده اند بيشتر مشكل ساز ميشوند و با كژي هاي خويش دل معلم را بيشتر بدرد مي آورند. ولي معلم نبايد نوميد شود. آزمون و خطا تجربه ببار مي آورد. چنانچه كودكان سركش و نافرمان باشند تلاش بيشتري را ميطلبند. در واقع فرزنداني با چنين خصلتهايي هستند كه ايجاب ميكند تا مدارس خانگي تاسيس شود. فرزنداني كه بواسطه والدين در آموزش و تربيت مورد اهمال و كوتاهي قرار گرفته اند بايد چنانچه ممكن است نجات يابند.

متبدل ساختن جوانان دنيوي- سالها قبل ساختمانهاي مدارس بايد در جاهاي ديگر بنا ميگرديدند- نه ساختمانهاي بزرگ ولي ساختمانهايي مناسب براي مدارس كليسايي كه كودكان و نوجوانان ميتوانستند آموزش حقيقي كسب كنند. كتابهاي درسي بايد خصوصيات احكام خدا را مورد توجه قرار دهند. كتاب مقدس بايد بنياد آموزشي تلقي گردد. در اين كار نور و قوت و قدرت حقيقت بسط داده خواهد شد. جوانان دنيوي كه اذهانشان با عادات شهوت پرستي تباه نگرديده به اين مدارس پيوسته و متبدل خواهند گرديد... اين نوع كار تبليغي و بشارتي تاثيرات بسياري در بسط نور هدايت و دانش حقيقت دارد.

بقاي عاليترين استاندارد- خصوصيات كار انجام شده در مدارس كليسايي ما بايد در مراتب بسيار عالي قرار گيرد. عيسي مسيح آن ترميم كننده تنها علاج براي آموزش غلط است و دروس تعليم داده شده با كلام وي بايد هميشه بصورت جذاب در مقابل جوانان مطرح گردد. نظم و ترتيب مدرسه بايد مكمل آموزش خانگي باشد و در خانه و مدرسه بي آلايشي و قدوسيت بايد برقرار گردد.

آماده سازي براي درجات عاليتر- اين هشدار به والدين داده شده است تا فرزندان خود را در خانه جمع كنند و آنان را از بي اعتنايي به احكام خدا و كساني كه شرارت را موعظه و تعليم ميدهند دور سازند. هر چه سريعتر كه ممكن است از شهرهاي بزرگ دور شويد. مدارس كليسايي تاسيس كنيد. به فرزندان خود كلام خدا را بعنوان بنياد و شالوده همه تعليماتشان بدهيد. كتاب مقدس سرشار از دروس زيباست و چنانچه جزو دروس كلاسهاي دانش آموز بشود آنان براي دوره هاي عاليتر آماده ميشوند.

خداوند تدارك ديده است- مدارس ما واسطه هاي مخصوص خدا هستند تا فرزندان و جوانان را براي كار تبليغ آماده سازند. والدين بايد مسئوليت خويش را درك كنند تا بفرزندان خود كمك كنند تا قدردان امتيازات و بركاتي باشند كه خداوند براي آموزش بهتر آنان تدارك ديده است.

**فصل پنجاه و سوم**

**مسئوليت كليسا**

كليسا بعنوان مراقب و نگهبان- خداوند مدرسه كليسايي را بعنوان كمكي براي والدين در آموزش و آماده سازي فرزندان بكار ميبرد. پس بگذاريم تا كليسا عهده دار جدي تكاليف مدرسه باشد و آنرا آنطور كه خداوند دوست دارد بسازد. خداوند كليسا را بعنوان مراقب تعين نموده است تا غيرتمندانه مراقب جوانان و نوجوانان باشد و بعنوان نگهبان، دشمن را زير نظر داشته باشد و در هنگام خطر هشدار دهد. ولي كليسا وضعيت را درك نميكند. و در هنگام نگهباني بخواب رفته است. در اين زمان وانفسا و خطر پدران و مادران بايد برخاسته و كار كنند در غير اينصورت جوانان براي هميشه از دست خواهند رفت.

احكام خدا بايستي تقويت گردد- كليسا كار خاصي در تعليم و تربيت فرزندانش بعهده دارد كه آنان نبايد در مدرسه رفتن يا در هر جمع ديگري با عادتهاي تباه تحت تاثير قرار گيرند. جهان پر از بي انصافي و شرارت است و نسبت به الزامات خداوند بي اعتناست...

كليساهاي پروتستان سبت جعلي را پذيرفته اند كه مولود سيستم پاپ كاتوليك است و آن را در حد اعلي فرا تر از روز تقديس شده و مقدس خدا قرار داده اند. اين وظيفه ماست تا براي فرزندانمان شفاف و آشكار بسازيم كه يكشنبه روز سبت حقيقي نيست و بطور آشكار با احكام خدا در تضاد است.

كارگران متخصص بايد براي مسيح تعليم داده شوند- بعنوان اعضاء كليسا چنانچه درست قضاوت كنيم بايد تلاشهاي بيشتري براي تربيت جوانان بخرج دهيم تا اينكه بهتر صلاحيت كسب كنند زيرا كه كارهاي عظيمي به دستان ما سپرده شده است. ما بايد برنامه هاي خردمندانه اي بريزيم تا اينكه ذهن مبتكر كساني كه داراي استعداد هستند تقويت گرديده و منضبط شده و جلا يابند تا بخاطر فقدان كارگران متخصص در كار مسيح تاخيري واقع نگردد كه كار خود را با اشتياق و صداقت انجام دهند.

همگي در هزينه مشاركت داشته باشند- كليسا بايد ببيند كه آنانيكه بايستي منتفع گردند به مدرسه بپيوندند. به خانواده هاي فقير بايد كمك شود. اگر از كسانيكه كه در نزديكي ما هستند و در سنين بحراني هستند غفلت كنيم آنگاه نميتوانيم خود را خادمين واقعي بخوانيم. كساني هستند كه به كمك و دانش و تجربه ما نياز دارند تا صلاحيت خدمت به خدا را كسب كنند. خداوند با تلاشهاي بي شائبه در پي آموزش و تعليم فرزندان ماست.

بارهاي مالي را براي تعليم جوانان برداريد- كليساها در محلات مختلف بايد احساس كنند كه مسئوليتي جدي بر دوش دارند تا براي پيوستن به كار تبليغ، جوانان را تعليم دهند و استعدادها را آموزش دهند. افرادي وجود دارند كه خدمات خوبي را در تاكستان خداوند انجام خواهند داد ولي خيلي ها بيش از حد فقير و ناتوان هستند تا بدون مساعدت به تحصيل نائل شوند. كليساها بايد احساس برتري كنند كه از اين امتياز برخوردارند تا مخارج اينچنيني را متقبل شوند. كساني كه در قلبهاي خويش حقيقت را يافته اند هميشه سخاوتمندند و در جايي كه نياز است كمك ميكنند. آنان رهبري ميكنند و ديگران از الگوهاي آنان تقليد ميكنند. چنانچه كساني وجود داشته باشند كه به تحصيل در مدرسه نيازمندند ولي نميتوانند هزينه تحصيلي كامل را بپردازند كليساها بايد سخاوت خود را نشان داده و به آنان كمك كنند.

صندوق مدرسه براي تحصيل عالي- صندوقي براي اعانه و كمك سخاوتمندانه براي تاسيس مدارس بمنظور تحصيلات عالي بايد تشكيل شود. ما به مردان خوب تعليم ديده شده و خوب تحصيل كرده نيازمنديم تا براي خيريت كليساهاي خويش كار كنند. آنان بايد به اين واقعيت توجه كنند كه ما نميتوانيم جوانان خود را براي تحصيل به دانشكده هاي الهيات مذاهب ديگر بفرستيم. و آنان را بايد در مدارسي گردآوريم كه آموزش مذهبي آنان مورد غفلت و كوتاهي واقع نگردد.

به ماموريتهاي تبليغي كمك كنيد ولي از جوانان در خانه غفلت نكنيد- آيا اعضاي كليسا براي پيشرفت امور مسيح كمك مالي ميكنند و فرزندان خود را بحال خود رها كرده تا در خدمت شيطان باشند؟ در حاليكه ميتوانيم تلاشهاي مجدانه اي براي توده هاي مردم در اطراف خود كنيم و كار را در ميدانهاي ديگر با قوت بجلو بريم هيچ مقدار كار در اين مسير نميتواند عذر و بهانه اي براي غفلت از آموزش كودكان و نوجوانان ما باشد. آنان بايد تعليم داده شوند تا كارگران خدا بشوند. هم والدين و هم معلمين با الگو و قاعده اخلاقي بايد اصول حقيقت و درستكاري را در اذهان و قلوب جوانان تزريق كنند تا اينكه آنان مردان و زناني به صلابت پولاد براي خداوند و اهداف او بشوند.

با ايمان دعا كنيد آنگاه خداوند درها را ميگشايد- برخي ميپرسند "اينگونه مدارس چگونه بايد تاسيس شوند؟" ما مردمي ثروتمند نيستيم ولي اگر با ايمان دعا كنيم و اجازه دهيم تا خدا از طرف ما كار كند او راهها را در مقابل ما ميگشايد تا مدارس كوچك در مكانهاي دور افتاده براي تحصيل جوانان ما تاسيس شود نه تنها با كلام و با آموزشهاي كتابي بلكه در بسياري از كتابهاي راهنما.

برخيزيم و بنا كنيم- ما بايد كار را در مسير درست انجام دهيم. آيا بايد به فرزندانمان اجازه بدهيم تا با شرارتهاي دنيوي آلوده شوند و به احكام خداوند بي اعتنايي كنند؟ والدين در فرستادن فرزندان خويش به مدارس عمومي مسئول آلوده شدن آنان هستند و چطور متقبل چنين مخاطره اي ميشوند؟

ما مايل به بناكردن مدرسه براي فرزندانمان هستيم. بخاطر درخواستهاي بيشمار براي پروژه هاي مختلف، جمع آوري پول كافي مشكل مينمايد يا حتي برپايي يك ساختمان كوچك و مناسب بمنظور ايجاد مدرسه خانگي سهل نيست. (الن جي وايت ميگويد): به انجمن مدرسه گفتم كه زميني را براي ايجاد مدرسه اجاره ميدهم تا براي مدتي از آن براي اهداف مدرسه استفاده شود. اميد كه علاقه كافي ايجاد شده باشد تا ما را قادر سازد كه ساختماني را بنا كنيم كه در آن به فرزندانمان كلام خدا آموخته شود... آيا علاقه به برپايي مدرسه اي نداريد كه كلام خدا در آنجا تعليم داده شود؟ امداد الهي بسوي ما خواهد آمد. ما انتظار داريم كه ساختمان مدرسه اي داشته باشيم كه در آن كتاب مقدس تعليم داده شود و در آنجا نزد خدا دعا و پرستش انجام شود و فرزندان با اصول كتاب مقدس راهنمايي شوند. ما انتظار داريم كه هركسي كه ميتواند در بنا كردن مدرسه مشاركت داشته باشد. انتظار داريم كه يك ارتش كوچك از كارگران را در اين مدارس تعليم دهيم.

با نيروي كار و پول كمك كنيد- ما ميدانيم كه همه در توفيق چنين اقدام مهمي علاقه مند هستند. بگذاريد كساني كه زمان اضافي دارند چند روز خود را در كمك به بناي اين مدرسه خانگي اختصاص دهند. پول كافي براي پرداخت مواد مورد نياز ارائه كنيد. از آنچه كه پرداخت شده خوشحاليم ولي حال از همه ميخواهيم تا اين موضوع را با علاقه دنبال كنند تا بزودي شاهد مكاني باشيم كه فرزندانمان بتوانند در آن كتاب مقدس را مطالعه كنند كه شالوده تمامي آموزشهاي حقيقي است. ترس از خدا اولين درسي است كه بايد تعليم داده شود كه همان آغاز حكمت است.

دليلي وجود ندارد كه اين موضوع بداراز كشيده شود. هركسي بايد كمكي را متقبل شود و با تلاش خستگي ناپذير پشتكار بخرج دهد تا ساختمان باتمام برسد. بگذاريد تا هر كسي كاري انجام دهد. برخي ممكن است صبح خيلي زود در ساعت چهار صبح براي كمك از خواب بيدار شوند. بعضي ها كار خود را در اين ساعت يا قبل از آن آغاز ميكنند. وقتي سپيده صبح بدمد بعضي ميتوانند كار را در ساختمان شروع كنند و يك تا دوساعتي را قبل از صبحانه كار كنند. ديگران كه نميتوانند چنين كنند شايد بتوانند به اموري بپردازند تا علاقه خود را نشان دهند تا تحصيل را در مدرسه براي فرزندان ممكن بسازند تا بتوانند براي خدمت خدا تربيت شوند. خداوند هر تلاشي را بركت خواهد داد...

برادران و خواهران براي بناي يك مدرسه چه خواهيد كرد؟ ايمان داريم كه هر كسي اين كار را بعنوان امتيازي و بركتي در نظر خواهد گرفت تا ساختمان اين مدرسه را داشته باشد. بگذاريد تا به روح اين كار دست يازيم و بگوئيم ما برخاسته و بنا خواهيم كرد. چنانچه همگي متحد شده و كار را تقبل كنند بزودي مدرسه اي خواهيم داشت كه روز بروز فرزندانمان در راه خداوند تعليم داده شوند. چنانچه كار خود را بهترين نحو انجام دهيم بركت خدا بر ما نازل خواهد گرديد. آيا نبايد برخاسته و مدرسه اي بنا كنيم؟

**فصل پنجاه و چهارم**

**مشاركت معلمين و والدين**

نياز براي درك مشفقانه – معلمين خانگي و معلمين مدرسه بايد نسبت به كار يكديگر درك مشفقانه اي داشته باشند. كار آنان بايد با يكديگر همخواني داشته باشد و با روح مشابه خدمت الهي آغشته باشد و با تلاش مجدانه در جهت نفع روحي و ذهني و جسمي فرزندان توام باشد و شخصيتها و خصايل را ارتقا داده تا در برابر آزمونها و وسوسه ها استوار بايستند.

والدين بايد بياد داشته باشند كه كار بسيار بيشتري بواسطه مدرسه كليسايي بانجام خواهد رسيد. آنان خود درك خواهند نمود كه فرزندانشان در اين قبيل مدارس مزيتي بدست خواهند آورد و با معلم يكدل و متحد خواهند گرديد. والدين با دعا و با شكيبايي ميتوانند كارهاي اشتباهي كه با افراطگريهاي نابخردانه و نابردباري انجام داده اند را خنثي كنند. والدين و معلمين بايستي كار را با يكديگر متقبل شوند و بايد بخاطر داشته باشند كه به خود آنان نيز با حضور در كنار معلمين مشتاق و خداترس كمك خواهد شد.

جدايي و نفاق اثرات خوب را خنثي خواهد كرد- روح جدايي و نفاق در دلهاي تعداد كمي اثر كرده و تاثير خوبي را كه بواسطه مدرسه بكار برده شده را خنثي خواهد كرد. بدون آمادگي و اشتياق براي همكاري با معلم براي رستگاري فرزندان، آنان آماده نخواهند بود تا با يكديگر مدرسه را تاسيس كنند.

كار گروهي در خانه آغاز ميشود- همكاري و همياري بايد با خود پدر و مادر در خانه آغاز شود. آنان در كارآموزي فرزندانشان مسئوليت مشتركي را بر عهده دارند و اين امر بايد با پشتكار دائمي براي همكاري همراه باشد. آنان بايد خود را تسليم خدا سازند و در پي استعانت از خدا و همه كساني كه با آنان رابطه دارند باشند. با چنين كارآموزي، وقتي كه فرزندان به مدرسه فرستاده شوند موجب اختلال و يا تشويش خاطر نخواهند شد. آنان براي معلمين خويش تكيه گاهي خواهند بود و نمونه و مشوقي براي همشاگردي هاي خويش خواهند گرديد.

فرزندان با خود اثرات و قدرت كارآموزي شما را به كلاس خواهند برد. هنگامي كه والدين خداشناس و معلمان با تقوي با هم در هماهنگي كار كنند قلوب فرزندان آماده ميشود تا علاقه بيشتري را در كار خدا در كليسا نشان دهند. فيوض پرورش يافته در خانه به كليسا منتقل ميشود و خداوند جلال خواهد يافت. اگر والدين چنان جذب كار و تفريح در اين زندگي باشند كه از تاديب و تربيت مناسب و شايسته فرزندان خود غفلت كنند نه تنها كار معلم بسيار سخت تر خواهد بود بلكه رويهمرفته بي حاصل خواهد بود.

كار معلم كاري تكميلي است- در شكل دادن شخصيت تاثيرات ديگر آنقدر مانند تاثيرات خانه بشمار نمي آيد. كار معلم بايد مكمل كار والدين باشد ولي نبايد جايگزين آن گردد. در تمامي توجهات نسبت به خيريت و رفاه كودك معلمين و والدين بايد با هم همكاري داشته باشند.

وقتي كه كودك باندازه كافي بزرگ شده باشد بايد به مدرسه فرستاده شود و معلم بايد با والدين همكاري داشته و آموزش عملي بايد با آموزش تحصيلي توام باشد. بسياري از دانش آموزان به اين نوع كار عملي در مدرسه معترض هستند. آنان فكر ميكنند كه اين كارهاي سودمند مانند يادگيري كار ، باعث خفت آنان است ولي اين گونه ايده ها نادرست هستند بلكه آنان نميدانند كه چه چيزي باعث شان و وقار ميشود.

خانه از طريق مدرسه بركت مي يابد- اگر معلم با شكيبايي و اشتياق و پشتكار در جهت مسيح كار كند، كار بهسازي و تاديب در مدرسه انجام شده و ميتواند به خانه هاي كودكان تعميم يابد و فضايي ملكوتي و خالص را ايجاد كند. اين در واقع كاري تبليغي در مرتبه اي عاليتر خواهد بود. معلم مراقب ، فرصتهاي بسياري خواهد يافت تا شاگردان را راهنمايي كند كه سودمندانه عمل كنند. بچه هاي خردسال به معلم خود با اعتماد و احترام نگاه ميكنند. هر چه كه او بعنوان راهي براي كمك به خانه پيشنهاد كند مانند وفاداري در وظايف و تكاليف روزانه خدمت به مريض و فقير بندرت بي ثمر خواهد شد. و بدين ترتيب مجددا ثمره اي مضاعف را تامين خواهد نمود. پيشنهاد مهرآميز به باني آن اثر خواهد گذارد. سپاسگزاري و همياري بوسيله والدين بار معلم را سبك خواهد نمود و راه او را هموارتر خواهد ساخت.

والدين ميتوانند كار معلم را سبك كنند- اگر والدين كار خود را وفادارانه ايفا نمايند كار معلم بطور شگرفي سبك خواهد شد. اميد و جرات او افزايش خواهد يافت. والديني كه قلوبشان مملو از محبت مسيح باشد از خرده گيري خودداري خواهند نمود و با تمام قوت خويش كسي را كه بعنوان معلم فرزندان خويش برگزيده اند را تشويق و كمك خواهند كرد. آنان به وظيفه شناسي او در كار ايمان خواهند داشت همانطور كه به كار خويش ايمان دارند. وقتي كه والدين مسئوليت خويش را درك كنند آنگاه كار معلم بسيار ساده تر خواهد بود.

والدين ميتوانند مشاوران معلم باشند- ما بايد در خانه در باره محبت خدا گفتگو كنيم و بايد آنرا در مدارسمان تعليم دهيم. اصول كلام خدا بايد به خانه و مدرسه آورده شود. چنانچه والدين بطور كامل به وظيفه خود واقف باشند و تسليم اراده آشكار خدا باشند آنان مشاوران خردمندي در مدرسه و امور تحصيلي خواهند بود. و به شاگردان تعليم خواهند داد كه چگونه مراقب وسوسه هايي باشند كه بسراغ نوجوانان و جوانان خواهد آمد. معلمين و والدين بدين ترتيب با هم با خدا در تعليم جوانان براي ملكوت كار خواهند نمود.

دانش خصوصي و محرمانه والدين در باره شخصيت و ويژگيهاي جسمي يا ضعف كودكان چنانچه به معلم گفته شود به او كمك خواهد نمود تا چگونه با آن مورد خاص رفتار كند. باعث تاسف خواهد بود كه بسياري در درك اين امر مهم قصور كنند. اكثر والدين علاقه كمي نشان ميدهند كه خود را به معلم معرفي كنند و يا صلاحيتهاي معلم را بدانند و يا با او در اين كار همياري نمايند. والدين بايد وظيفه خود را احساس كنند تا با معلم همكاري كنند، تاديب و تربيت حكيمانه را تشويق كنند و براي كسي كه فرزندانشان را تعليم ميدهد دعا كنند.

معلمان ميتوانند به والدين مشورت بدهند- از آنجا كه والدين بندرت خود را با معلم آشنا ميسازند دانستن اين امر مهم خواهد بود كه معلمين در پي آشنايي با والدين خود باشند. او بايد براي ملاقات به خانه شاگردان خود برود و تاثيرات و شرايط محيطي كه در آن زندگي ميكنند را در يابند. در ارتباط شخصي با خانه و زندگي، معلم ميتواند رابطه خود را با شاگردان تقويت سازد و ياد بگيرد كه چطور با خلق و خو و حالات آنان با توفيق سر و كار داشته باشد.

همانطور كه او علاقه خود را به تعليم خانگي نشان ميدهد معلم از سود مضاعفي بهره مند ميگردد. بسياري از والدين كه غرق در كار و مراقبت هستند بصيرت خود را از فرصتهاي مغتنم براي تاثير گذاري بمنظور خيريت زندگي فرزندان خويش از دست ميدهند. معلم ميتواند بيش از اين براي بر انگيختن اين والدين براي امكانات و امتيازاتي كه ميتوانند از آن سود ببرند كار انجام دهد. او بار سنگين حس مسئوليت را در والدين خواهد يافت كه نگران فرزندانشان هستند كه مردان و زناني خوب و مفيد بشوند. اغلب معلم ميتواند اين والدين را در حمل بار مسئوليت شان كمك كند و با رايزني با يكديگر ، معلم و والدين تشويق و تقويت خواهند شد.

**فصل پنجاه و پنجم**

**اتحاد در انضباط و تاديب و تربيت**

معلم در مديريت خويش به درايت و كارداني نياز دارد- در ميان جوانان تنوع خصوصيات اخلاقي و تحصيلي را نميتوان يافت. برخي در محيط مستبدانه و خشن زندگي كردند كه در آنان روح سرسختي و مخالفت را رشد داده است. با برخي از كودكان مانند حيوانات خانگي رفتار شده است زيرا كه والدين بيش از حد شيفته، به آنان اجازه داده اند تا هر كاري دلشان ميخواهد بكنند. هر نقصي توجيه شده است و تا آنجا ادامه يافته كه شخصيت آنان ناقص و ضايع گرديدو و رو به انحطاط گذاشته شوند. براي توفيق يافتن بر اين اذهان متفاوت، معلم ناگزير به اعمال شگردهاي حاذقانه و حساسي در مديريت خويش خواهد بود و در طرز اداره امور بايد استوار و محكم باشد.

اعلام انزجار و حتي اهانت اغلب براي خط مشي مناسب آشكار ميشود. برخي از قوه نبوغ خود براي طفره رفتن از مجازات ها استفاده ميكنند در حاليكه ديگران خونسردي و بي اعتنايي را به پيامدهاي سرپيچي نشان ميدهند. همه اينها شكيبايي و تلاش بيشتري را از سوي كساني كه به آنان امور آموزشي سپرده شده است ميطلبد.

بهتر است مقررات كم باشد ولي بخوبي رعايت گردد- در مدرسه و همچنين در خانه تاديب و نظم خردمندانه اي بايد اعمال شود. معلم بايد مقرراتي را وضع كند تا شاگردان خويش را اداره كند. اين مقررات بايد كم ولي بخوبي مراعات شود و وقتي وضع گرديد بايد اجرا شود. اصول بايد در مقابل دانش آموز قرار گيرد تا درستي و عدالت آن وي را متقاعد سازد.

معلم بايد دانش آموز را ملزم به اطاعت از مقررات كند- در مدرسه و همچنين در خانه مفهوم انضباط و تاديب بايد درك گردد. ما بايد اميدوار باشيم كه در مدرسه هيچگاه موقعيتي پيش نيايد كه چوب تاديب مورد استفاده قرار بگيرد. ولي اگر در مدرسه كساني با لجاجت در مقابل استدعا و اندرز مقاومت كنند آنگاه لازم است به آنان فهمانده شود كه آنان بايد اطاعت كنند. برخي معلمان فكر ميكنند كه اجبار به اطاعت ضروري نيست. آنان فكر ميكنند كه وظيفه آنان تنها تدريس كردن آموزش است. درست است - آنان بايد آموزش بدهند. ولي آموزش فرزندان با ناديده گرفتن اصول چه فايده اي دارد. معلم حس نميكند كه حق حكميت و اداره امور را در دست داشته باشد.

او به همكاري والدين نياز دارد- معلم نبايد تنها رها شود تا بار مسئوليت را بتنهايي بر دوش بكشد. او به همفكري و لطف و همياري و محبت اعضاي كليسا نيازمند است. والدين بايد معلم را با نشان دادن قدرداني از تلاشهايش تشويق كنند. آنان هرگز نبايد سخني بگويند يا كاري كنند كه نافرماني در فرزندانشان را ترغيب نمايد.

ولي ميدانيم كه بسياري از والدين با معلم همكاري نميكنند. آنان در خانه تاثير خوبي را كه در مدرسه بكار برده ميشود پرورش نميدهند. در عوض ادامه دادن تاثيرات خوبي كه در مدرسه بكار برده ميشود، آنان به فرزندان خود اجازه ميدهند كه هر چه دلشان ميخواهد انجام دهند و بدون محدوديت به اينطرف و آنطرف بروند. و چنانچه معلم به اختيار و اقتدار خود در الزام فرمانبرداري عمل نمايد فرزندان گزارشي اغراق آميز و تحريف شده را به والدين خود ميدهند. معلم تنها به وظيفه دردناك خود عمل نموده است ولي والدين با فرزندان خود همدردي ميكنند، حتي اگرچه آنان خطاكار باشند. و اغلب والديني كه خود با عصبانيت و خشونت حكمراني ميكنند وقتي كه فرزندانشان در مدرسه تاديب ميشوند بسيار نامعقول رفتار ميكنند.

وقتي كه والدين شكايت فرزندان خود را بر عليه حكميت و انضباط به مدرسه ميبرند آنان مشاهده نميكنند كه نيروي تضعيف روحيه را افزايش ميدهند كه در حال حاضر به اندازه خطرناكي شايع شده است. هر تاثيري كه جوانان را احاطه كرده است بايد در جاي درست باشد زيرا كه تباهي جوانان رو به رشد است.

معلمين وفادار را حمايت كنيد- والديني كه هرگز دلواپسي را براي جانهاي فرزندانشان احساس ننموده اند و كسانيكه هرگز آنان را محدود ننموده و هدايت نكرده اند همانهايي هستند كه مخالفت لجام گسيخته خود را هنگاميكه فرزندانشان مهار و ملامت شده يا در مدرسه اصلاح شده اند ابراز ميدارند. برخي از اين فرزندان براي كليسا موجب ننگ و رسوايي هستند. والدين بايد فرزندان خويش را بگونه اي تعليم دهند كه نسبت به خدا و اصول و نسبت بخودشان و تمامي كساني كه با آنان در ارتباط هستند رو راست باشند .

والديني كه فرزندانشان را درست تربيت ميكنند از معلم انتقاد نميكنند. آنان احساس ميكنند كه علاقه به فرزندانشان و خوش انصافي در مدرسه طلب ميكند كه تا در حد ممكن از معلمي كه در مسئوليتها با او شريك هستند حمايت و او را محترم بشمارند.

در مقابل فرزندان هرگز از معلم انتقاد نكنيد- والدين - وقتي كه معلم مدرسه كليسايي سعي در آموزش و تربيت فرزندانتان دارد تا به حيات جاوداني نائل آيند در مقابل فرزندانتان كار هاي معلم را مورد انتقاد قرار ندهيد حتي گرچه ممكن است فكر كنيد كه او خيلي سختگير است. اگر از آنان ميخواهيد تا قلوب خود را به منجي بسپارند با تلاشهاي معلم بمنظور رستگاري همكاري نماييد. چقدر بهتر خواهد بود كه بجاي شنيدن نكوهش و انتقاد از لبهاي مادران كلام ستايش در خصوص كار معلم شنيده شود. اين قبيل كلام اثري بادوام ميگذارد تا فرزندان معلم خويش را احترام بگذارند.

اگر انتقاد يا پيشنهاد در باره كار معلم لازم باشد بايد بطور خصوصي با او در ميان گذارده شود. اگر موثر واقع نيفتاد آنگاه موضوع را به هيئت مديره مدرسه در ميان بگذاريد. هيچ چيزي نبايد گفته يا عمل شود تا احترام فرزندان را نسبت به كسي كه خيريت آنان در حد اعلا به او بستگي دارد تضعيف شود. چنانچه والدين خود را در موقعيت معلم قرار دهند و ببينند كه لزوما چقدر مشكل بايد باشد تا صدها دانش آموز را در سطوح و طبقه ذهني اداره و منضبط نمود آنگاه امور را متفاوت خواهند ديد.

سرپيچي اغلب در خانه آغاز ميشود- در اجازه دادن به فرزندان به انجام هر چه كه آنان را خشنود ميكند، والدين ممكن است خود را مهربان و خونگرم احساس كنند ولي نميدانند كه مطلقا ظلم ميكنند. فرزندان قدرت استدلال دارند و جان آنان با مهرباني سهل انگارانه صدمه ميبيند هر چند كه در نگاه والدين ممكن است مهرباني ديده شود. هنگامي كه فرزندان بزرگتر ميشوند سرپيچي آنان نيز رشد ميكند. معلمين آنان ممكن است سعي كند تا آنان را اصلاح كند ولي اغلب اوقات والدين از فرزندان طرفداري ميكنند و شرارت به رشد خود ادامه ميدهد و با حيله گري بيشتري پوشش مي يابد. كودكان ديگر بواسطه تاثير اينگونه فرزندان اغفال و منحرف ميشوند و با اينحال والدين نميتوانند اشتباه را ببينند. سخن فرزندانشان قبل از كلام معلمي شنيده ميشود كه در سوگ اشتباهاتشان نشسته است.

كار معلم با عدم همكاري والدين مضاعف ميشود- غفلت والدين در تربيت فرزندان كار معلم را دو برابر سخت تر ميكند. در خانه نسبت به آنان كوتاهي ميشود و آنان تعليم و تاديب مدرسه را بعنوان ظلم و و سختگيري ميبينند. اين قبيل فرزندان اگر بدقت مراقبت نشوند مانند بز گري هستند كه ديگران را نيز آلوده ميسازند. ولي درست و بجاست كه فرزندان در مدرسه تاديب و تربيتي فرا گيرند كه دلسوزي بيجاي والدين را در خانه بخاطر خطاكاري آنان خنثي ميسازد.

آيا والديني كه به كلام خدا اعتقاد دارند بايد به مديريت نادرست خود ادامه دهند و كامراني هاي شريرانه فرزندانشان را تاييد كنند؟ پدران و مادراني كه حقيقت را ابراز ميكنند در اين زمان بهتر است كه به مشاعير خود رجوع و بيش از اين شريك اهريمن نشوند و بيش از اين شيوه شيطان را با پذيرفتن شهادتهاي غلط فرزندان بي ايمان خود حمل نكنند. براي معلمين، ستيز با رفتار فرزندان كافي است و نيازي به مقابله با تاثير رفتاري والدين نميباشد.

**بخش ١٣**

**اهميت عمده رشد جسمي**

**فصل پنجاه و ششم**

**آموزش آكادميك و دانشگاهي**

بسياري در مراكز آموزشي دنيوي از راه بدر ميشوند- واقعيت هولناكي وجود دارد كه قلب هاي والدين را بلرزه در مي آورد. بسياري از مدارس و كالجهايي هستند كه جوانان براي پرورش فكري و تربيتي به آنجا فرستاده ميشوند ولي در آنجا شخصيت آنان تغيير مي يابد و ذهن آنان از اهداف واقعي زندگي و اخلاقيات پست و منحرف ميگردد. از طريق رابطه با بي دينان و عشرت طلبان و فاسدان بسياري از جوانان بي آلايشي و خلوص خود را از دست ميدهند و ايمان آنان نسبت به خدا زايل گرديده و روح از خود گذشتگي كه پدران و مادران آنرا گرامي داشته و از آن با دعاهاي شور انگيز پاسداري ميكردند منحط ميگردد. بسياري كه وارد مدرسه ميشوند با هدف خدمت متواضعانه در مطالعات دنيوي و غير روحاني مستغرق ميشوند. جاه طلبي براي گرفتن امتياز در كمك هزينه دانشجويي براي نائل شدن به مناصب و مفاخر دنيوي در آنان بر انگيخته شده است. هدفي كه براي آن وارد مدرسه شده اند جلوه خود را از دست داده و زندگي براي مشاغل دنيوي و خودخواهانه به باد سپرده ميشود. و اغلب عادات شكل گرفته، زندگي و آخرت را به ويراني ميكشاند.

تجلي خانه هاي روحاني محو گرديده است- ما نزد خدا دعا ميكنيم كه "ما را در وسوسه مياور"، پس رضايت ندهيد كه فرزندانتان به مكانهايي بروند كه با وسوسه ها مواجه شوند. آنان را به مدارس دوردست نفرستيد كه با رفقايي تحت تاثير قرار گيرند كه مانند علفهاي هرزي هستند كه در قلبهايشان كاشته ميشوند. در مدرسه خانگي در طي سالهاي شباب فرزندانتان را طوري تربيت كنيد كه خداترس بار بيايند. و آنگاه مراقب باشيد مبادا اثرات روحاني كه در قلبهايشان حلول كرده محو گردد و محبت خدا از دلهايشان بيرون رود. مگذاريد كه جذبه هاي حقوق عالي و يا ظاهرا امتيازات عالي تحصيلي باعث شود تا فرزندان خود را دور از نظر خود بفرستيد كه در معرض وسوسه هاي بزرگ قرار گيرند. "چه فايده كه انسان تمام دنيا را ببرد ولي در عوض جانش را از دست بدهد؟ مگر چيزي با ارزش تر از جان او پيدا ميشود؟"(مرقس 36:8, 37).

همكاران ما بواسطه خدا مقدر گرديده اند- يك نهاد روحاني بايد براي تحصيل جوانان تاسيس گردد. اگر تاثير كالج يا مدرسه ما آنطور است كه بايد باشد، جواناني كه تحصيل كرده اند قادر به تشخيص خدا بوده و او را در اعمالش جلال ميدهند و در حاليكه بكار گمارده ميشود در ترويج استعدادها و توانائيهايي كه خدا به آنان عطا نموده است او را آماده ميسازند تا بيشتر در خدمت كارآمد و موثر باشد. جوانان ترغيب ميشوند تا به مدارس ما بپيوندند تا بيش از پيش مانند مدرسه انبيا بشود. مدارس ما بواسطه خدا تاسيس گرديده اند.

امتيازات تجربه مدرسه خانگي- در حد زيادي بچه هايي كه قرار است در مدارس وابسته به كليسا تحصيل كنند پيشرفت بسيار بيشتري خواهند داشت چنانچه از گردونه خانواده اي كه در آنجا غلط بار آمده اند جدا شوند. براي برخي خانواده ها ممكن است لازم باشد تا فرزندان خود را به مدارس شبانه روزي بفرستند اما در بسياري موارد در عوض بركت براي فرزندان باعث بازماندگي و عقب افتادگي گرديده است.

مدرسه خانگي براي دختر نافرمان و خودسر- خصم شيوه خود را با دختر شما داشته است تا اينكه او را در دام آهنين خود گرفتار سازد و تلاش و پشتكار زيادي ميطلبد تا جان او را نجات . داد چنانچه در اين مورد توفيق داشته ايد نبايد بيش از نيمه راه باشيد. عادات ساليان دراز بسادگي نميتوانند شكسته شوند. او بايد در مكاني قرار گيرد كه يك تاثير پايدار و راسخ و پابرجا بطور دايم او را تحت كنترل داشته باشد. پيشنهاد ميشود تا او را به يك كالج بفرستيد و بگذاريد تا تحت انضباط پانسيون باشد. اين مكاني است كه او بايستي سالهاي قبل به آنجا ميرفته است.

پانسيون يا خوابگاه تحت نظامي برنامه ريزي و اداره ميشود كه مانند خانه اي خوب است. اين خانه ممكن است براي برخي افراد خودسر مناسب نباشد زيرا كه كه آنان با تئوريهاي غلط آموزش ديده اند تا افراط گري و خوشگذراني كنند و همه عادات و رسومشان در مسيري غلط قرار گرفته بوده است. ولي بدانيد كه ما در نزديكي زمانهاي آخر هستيم و نميخواهيم الان ممارستهاي دنيا را تجربه كنيم بلكه ميخواهيم با انديشه هاي خدا مواجه شويم تا ببينيم كه كلام چه گفته است و آنگاه در مسيري گام برداريم كه نور خدا آنرا منور ساخته است. طبيعت و ذات ما رسوم ما و اعمال ما نبايد اولويت و تقدم داشته باشد. كلام خدا استاندارد و معيار ماست.

دانشجويان مقيم- بنظر ميرسد كه برخي معلمان فكر ميكنند كه هيچيك از كودكان و نوجوانان در نزديكي مدرسه زندگي ميكنند نبايد از امتيازات مدرسه برخوردار باشند مگر اينكه با معلم خود در مدرسه خانگي زندگي كنند.

جواناني وجود دارند كه تاثيرات مدرسه خانگي بر آنان به گونه اي بوده است كه به نفع آنان خواهد بود تا براي مدت زماني در يك مدرسه خانگي منظم زندگي كنند. و براي كساني كه جايي زندگي ميكنند كه ضروري است تا آنجا را ترك كنند تا از امتيازات مدرسه بهره مند گردند مدارس خانگي بركات عظيمي خواهند بود. ولي خانه والدين كه خداترسي و فرمانبرداري در آنجا وجود دارد- كه هميشه بايد چنين باشد- بهترين مكان براي فرزندان است تا تحت آموزش مناسب زير نظر والدين از مراقب و تربيت و مديريت خانواده روحاني بهره مند گردند.

راجع به جوانان كه در سن مناسبي هستند و به مدارس شبانه روزي ميپيوندند بايد از مقررات اختياري و غير ضروري براي جدايي دانش آموز از والدين براي دانش آموزي كه در نزديكي مدرسه زندگي ميكند اجتناب نمود. مگر اينكه والدين متقاعد شده باشند كه اين به نفع فرزندانشان است تا تحت انضباط و تربيت مدرسه شبانه روزي قرار بگيرند. در غير اينصورت بهتر است تا جايي كه ممكن است اجازه يابند تا آنان را تحت كنترل خود قرار دهند. در برخي مكانها والديني كه در نزديكي مدرسه زندگي ميكنند ممكن است ببينند كه فرزندانشان از زندگي در مدارس خانگي منتفع شوند زيرا ممكن است برخي خط مشي ها و راهنمايي را در خانه كسب نكنند. ولي نبايد اصرار كرد كه كودكان بايد در تمام موارد از خانواده هاي خود جدا شوند بخاطر اينكه از امتياز مدارس بهره مند گردند.

والدين سرپرستان طبيعي فرزندانشان هستند و مسئوليتي جدي دارند تا بر تحصيل و تربيت آنان نظارت كنند. آيا نبايد درك كنيم كه والديني كه براي سالها شاهد رشد فرزندانشان بوده اند بهتر ميدانند كه چه نوع آموزش و مديريتي براي پرورش شخصيت آنان لازم است؟ توصيه ميشود فرزنداني كه چند كيلومتري از مدرسه دور تر نيستند بايد مجاز باشند تا به مدرسه بپيوندند در حاليكه در خانه زندگي ميكنند از اثربخشي والدين بهره ببرند. هرجا كه ممكن باشد بايد افراد خانواده در كنار هم باشند.

همه فرزندان بايد از امتياز تحصيلي برخوردار باشند- كليسا در خواب است و بزرگي مسئله غامض جوانان و نوجوانان را درك نميكند. چرا؟ چه ويژگي خاصي در آموزش تمام و كمال جوانان وجود دارد؟ كساني كه به نحوي فرا خوانده شده اند به نوعي انضباط و تعليم نيازمندند و بايد به آنان توجه شود، اين همه آن چيزي است كه لازم است. الزامي نيست كه تمام جمعيت جوان آموزش و تحصيل داشته باشند. آيا اين پاسخ درستي است؟ خير قطعا درست نيست. همه جوانان ما بايد اجازه داشته باشند تا از بركت و امتياز تحصيل در مدرسه بهره مند گردند تا اينكه ملهم شوند تا با خدا همكاري كنند. همه به تحصيل نيازمندند تا با احراز رتبه و شايستگي در زندگي خصوصي و عمومي مفيد فايده قرار گيرند.

برنامه متعادل مدرسه- استعدادهاي ذهني به پرورش نيازمندند تا براي جلال خدا مورد استفاده قرار گيرند. توجه دقيق بايد به پرورش ذهني داده شود كه اعضاي ديگر ذهن قدرت و توان مساوي داشته باشند تا در كار ويژه بكار برده شوند. اگر والدين اجازه دهند تا فرزندان از كژي ذهن و تمايلات و خوشگذراني خود متابعت كرده و از وظايف كوتاهي ورزند شخصيت آنان طبق همان الگو شكل خواهد گرفت و توانايي و شايستگي مسئوليت در مناصب زندگي را نخواهند داشت. تمايلات و خواهشهاي نفساني جوانان بايد تحت كنترل و محدوديت قرار گيرد و نقاط ضعف شخصيتي بايد تقويت شود و تمايلات حساس بايد فرو نشانده شود.

اگر يك استعداد در سكون و ركود قرار بگيرد و يا از حيطه خود خارج شود هدف خدا انجام نشده است. همه استعدادها بايد بخوبي پرورش و رشد يابند. به هر كدام از آنها بايد توجه شود زيرا حلقه هاي زنجير با هم مرتبطند و بر هم اثر ميگذارند و همگي بايد بكار برده شوند تا اينكه ذهن بطور شايسته و مناسب متوازن و متعادل گردد. چنانچه يك يا دو عضو پرورش يافته و در استفاده دائمي قرار گيرند بخاطر اينكه انتخاب فرزندانتان بوده اند تا تقويت ذهن در يك راستا قرار گرفته و از توانهاي ذهني ديگر غفلت گردد به بلوغ و كمال نامتعادل ذهني ميرسند و خصوصيات نا متوازن و ناهماهنگي خواهند داشت. آنان در يك جهت استعداد و توان داشته ولي در جهات ديگر بطور زيادي ناكارآمد خواهند بود. آنان مردان و زنان با كفايت و شايسته اي نخواهند بود. ناكارايي و نقص آنان برجسته گرديده و به تمامي شخصيت آسيب خواهد رسانيد.

زيانهاي مطالعه دائمي يك سال كامل- بسياري از والدين فرزندان خود را براي تمام سال در مدرسه نگاه ميدارند. اين فرزندان در روال مطالعه ماشيني قرار ميگيرند ولي آنچه را كه آموخته اند را بياد ندارند. بسياري از اين دانش آموزان ثابت تقريبا از فكر زندگي عاجز و درمانده اند. بی تنوعي و يكنواختي تحصيل دائمي ذهن را كسل ميكند و علاقه كمي به دروس دارند و كاربرد بسيار زياد كتاب دردناك است. آنان عشق و محبت باطني ندارند و براي تحصيل دانش بلند همت نيستند. آنان در خود عادات تامل و تعمق ندارند.

افراد منطقي و با استدلال كم هستند بدليل اينكه تاثيرات غلط از رشد فكري ممانعت بعمل آورده اند. فرضيات والدين و معلمان كه مطالعه مستمر باعث تقويت ذهني ميشود نادرست و غلط از كار در آمده است زيرا در بسياري موارد اثر معكوس و متضاد داشته است.

والدين مستحق سرزنش هستند- نبايد از معلم انتظار داشت تا كار والدين را انجام دهد. بسياري از والدين از وظيفه خود كوتاهي ميورزند. مانند عيلي از اعمال محدوديت قصور ميكنند و سپس فرزندان تربيت نشده خود را به كالج ميفرستند تا تربيتي را كه بايد در خانه به آنان ميدادند در مدرسه كسب كنند. معلمين وظايفي بعهده دارند كه تعداد كمي قدردان آن هستند. اگر در اصلاح اين جوانان خودسر توفيقي كسب كنند اعتبار و تشكر كمي دريافت ميكنند. اگر جوانان جمع شريري را انتخاب كنند و از وضعيت بد به افتضاح كشيده شوند آنگاه معلمان سرزنش شده و مدرسه تقبيح ميشود. در بسياري از موارد سرزنش شايسته والدين است. آنان اولين فرصت را براي كنترل و تربيت فرزندانشان داشته اند وقتي كه روح تعليم يافتني بود ذهن و قلب بسادگي تحت تاثير قرار ميگرفت. ولي بواسطه سستي والدين فرزندان مجاز گرديدند تا براه خود بروند تا اينكه در راه شرارت سخت دل شدند.

والدين بايد از اقتدار و مديريت معلم حمايت كنند- يكي از بزرگترين مشكلات كه معلمان با آن در ستيز بوده اند كوتاهي و قصور والدين در همكاري با امور تربيتي كالج و مدرسه بوده است. اگر والدين ملزم و متعهد به حمايت از اقتدار معلم ميشدند ازبسياري نافرماني ها – فسق و فجور و ناهنجاري ها جلوگيري ميشد. والدين بايد فرزندان خود را ملزم نموده تا به اقتدار مشروع احترام و فرمانبردار باشند. آنان بايد با پشتكار مراقبت كنند و براي راهنمايي و تعليم و محدود كردن فرزندان همت بخرج دهند تا اينكه عادات درست استوار پابرجا شود با ا. ين قبيل كارآموزي جوانان را تحت پيروي مراكز آموزشي و نهادهاي جامعه قرار داده و ملزم به كنترل رفتار خواهند بود.

نبايد به فرزندان اجازه داد تا در باره تاديب و انضباط مدرسه بطور معقول يا نامعقول راي و نظر بدهند. چنانچه والدين اعتماد كافي به معلمان و سيستم آموزشي كه توسط مدرسه پذيرفته شده داشته و فرزندان خود را به آنجا بفرستند بايد به آنان توصيه شود تا معلم را پشتيباني و عقل سليم و خلق خوش را در اجراي نظم و ترتيب نشان دهند.

والدين خردمند از مدارسي كه بي نظمي در آن تحمل نميشود سپاسگزار خواهند بود. اين مكاني است كه بي مبالاتي جاي خود را به فرمانبرداري ميدهد و مكاني است كه در آن تاثيرات خوب وجود دارد.

برخي والدين قصد ميكنند تا فرزندان بد خلق خود را به مدرسه بفرستند چرا در خانه اصلاح ناپذيرند. آيا اين والدين معلمان را در كار تاديب و تربيت حمايت ميكنند يا به هر گزارش غلطي از سوي فرزندان خود گوش جان ميسپارند؟

والدين بايد از نظم و ترتيب مدرسه حمايت كنند- برخي والدين به فرزندان خود ميگويند كه چنانچه در مدرسه چيزي غير معقول از آنان خواسته شد انجام ندهند. اين چه درسي است كه والدين به فرزندان خود ميدهند؟ جوانان خام و بي تجربه چگونه ميتوانند در باره معقول بودن يا نامعقول بودن چيزي در مدرسه نظر بدهند؟

 آنان ممكن است بخواهند تا در شب به بيرون بروند و هيچكس نميداند كه به كجا ميروند و چنانچه معلمان يا سرپرستان از آنان دليل بخواهند – آيا اين را ميتوان نامعقول خواند و تجاوز به حقوقشان تلقي نمود؟ آنان نميخواهند تا در استقلال شان خدشه و مداخله اي صورت پذيرد. چه قدرتي ميتواند بر اين قبيل جوانان حكميت داشته باشد در حاليكه هر گونه تاديب و انضباط را محدوديت نامعقول بر آزاديشان تلقي ميكنند؟

در بسياري از موارد اين جوانان در دوره اي كوتاه در مدرسه ميمانند و بدون كامل كردن تحصيلات بخانه باز گشته تا آزادي كامل داشته باشند و از كژي هاي تاديب نشده خود پيروي كنند- آن آزادي را كه در مدرسه نداشته اند. دروس افراطگري پدر و مادر بي خرد كار خود را براي دنيا و آخرت انجام داده است و از دست رفتن اين جانها بحساب آنان نوشته خواهد شد.

آموزش خارج از برنامه آموزشي مدرسه- كودكان و نوجوانان بايد عادات كمال در موضوع تحصيل را در خود پرورش دهند. درس كالج همه آموزشها را شامل نميشود كه بايد فرا گيرند. آنان بطور دائمي چيزهايي كه ميبينند و ميشنوند را فرا ميگيرند. آنان ممكن است علت و معلول را از محيط و شرايط پيراموني مورد مطالعه و بررسي قرار دهند. آنان ممكن است هر روزه چيزي را ياد بگيرند كه بايد از آن اجتناب كنند و چيزي را عمل كنند كه آنان را متعالي و شريف سازد و شخصيت را با اصولي استوار و مستحكم سازد كه شالوده مردانگي و زنانگي شرافتمندانه است. چنانچه با اهداف بيتفاوت و بدون تلاش ويژه به تحصيل بپردازند آنگاه به معياري كه خدا ميخواهد دست نخواهند يافت.

**فصل پنجاه و هفتم**

**ورزش و سلامتي**

تمدد اعصاب و بازيافت روحيه – بخاطر اينكه كودكان و نوجوانان داراي سلامت، بشاشيت، نشاط و رشد خوب عضله و ذهن باشند بايد تا بتوانند در هواي آزاد بوده و كار منظم و تفريح داشته باشند. فرزندان بايد در زمان خودشان مشغول باشند. كار ذهني مناسب و ورزش جسمي در هواي آزاد باعث بهمريختگي بنيه پسرانتان نميشود. كار مناسب و آشنايي با فنون خانه داري براي دخترانتان سودمند خواهد بود و برخي كارهاي بيرون از خانه بطور قطعي براي بنيه و سلامت ضروري است.

ورزش و هواي آزاد- آنانيكه اعضاي بدن خود را هر روزه بكار نميبرند وقتي شروع به ورزش ميكنند احساس ضعف ميكنند. رگها و عضلات در وضعيتي نيستند تا كار خود را انجام دهند و همه سيستمهاي زنده را در فعاليت سالم نگاه دارند – هر عضوي در سيستم كار خود را انجام ميدهد. اعضا با ورزش تقويت ميشوند. ورزش متعادل روزانه عضلات را قوت ميبخشد زيرا كه بدون تمرين شل و ضعيف ميشوند. با ورزش و فعاليت در هواي آزاد كبد و كليه و ريه ها تقويت گرديده و كار خود را بخوبي انجام ميدهند.

از قدرت اراده استفاده كنيد كه در برابر سرما مقاومت و به سيستم عصبي انرژي ميبخشد. در زمان كوتاه ثمره ورزش و هواي خالص را درك خواهيد كرد كه بدون اين بركات زنده نخواهيد بود. ريه هاي بي بهره از هوا مانند فرد گرسنه اي هستند كه از غذا محرومند. در واقع ما بدون غذا بيشتر زنده خواهيم ماند تا بدون هوا كه غذايي است كه خداوند براي ريه ها تدارك ديده است.

دانش آموزان بطور خاصي به ورزش جسمي نيازمندند- عدم فعاليت سيستم را تضعيف ميكند. خداوند زنان و مردان را خلق كرد تا فعال و سودمند باشند. هيچ چيزي فرد جوان را نميتواند مانند ورزش مناسب تقويت كرده و عضلاتش را براي كار مفيد بكار اندازد.

همه اعضا و استعدادها با ورزش تقويت ميشوند- كودكان و نوجوانان كه در مدرسه نگهداري ميشوند و به كتاب محدود شده اند نميتوانند بنيه سالم جسمي داشته باشند. ورزش مغز در مطالعه است و ورزش جسمي خون را به مغز ميرساند و عدم گردش خون از طريق سيستم باعث عدم توازن ميشود. مغز مقدار زيادي خون دارد و بايد براي مطالعه فرزندان مقرراتي وضع شود تا در ساعتهايي مطالعه كنند و سپس بخشي از زمان آنان بايد صرف تحرك جسمي شود. و اگر عادت غذايي و لباس و خواب مطابق با قانون جسمي باشد آنان ميتوانند آموزش را بدون قرباني كردن بهداشت ذهني و جسمي كسب كنند.

بگذاريد تا فرزندان زماني كه كوچك هستند مسئوليتهاي كوچك زندگي را بر دوش كشند و بدين سبب استعدادهايي كه بكار گرفته شده با ورزش تقويت ميشوند. بدين سبب جوانان در كارهاي بزرگترمددكاران كارآمدي خواهند بود كه خداوند سپس آنانرا براي انجام كار فرا خواهد خواند... تعداد كمي براي عادات حرفه اي و فكري و مراقبت فراخوانده ميشوند. رخوت و سستي بزرگترين لعنت براي فرزندان در اين سن است. كار مفيد و موثر با ترويج و شكل دادن عادات خوب و شخصيت شرافتمندانه بركت بزرگي خواهد بود.

براي تنوع و تغيير در كار برنامه ريزي كنيد- ذهن فعال و دستان جوان بايد بكار گرفته شوند و چنانچه به اجراي وظايفي كه سودمند هستند هدايت نشوند تا آنان را رشد داده و ديگران را بركت بخشند به كاري خواهند پرداخت كه باعث جراحت جسم و ذهن آنان خواهد شد.

جوانان بايد با خوشرويي در حمل بار مسئوليت والدين شريك شوند و با چنين عملكردي وجدان و دل خود را پاك و شفاف نگاه دارند كه يقينا براي بهداشت جسمي و اخلاقي ضروري است. با چنين كاري آنان از فشارهايي كه ممكن است در آينده زندگي به آنان بيايد در امان خواهند بود. اگر جوانان بطور يكنواخت در يك كار نگاه داشته شوند كار و وظيفه برايشان كسل كننده و ملالت آور خواهد شد و كار كمتر به انجام خواهد رسيد و براي رفع اين معضل بايد تنوع در كار باشد و زماني براي استراحت و تمدد اعصاب در نظر گرفته شود. اگر به ذهن بيش از حد فشار آورده شود از تقويت باز خواهد ماند و رو به انحطاط خواهد گذارد. با يك تغيير در كار انرژي و سلامت ابقا خواهد گرديد. نيازي نخواهد بود تا سودمندي را براي عاطل و باطل بودن رها كنيم و به تفريحات خودخواهانه بپردازيم زيرا كه براي اخلاق مضر و خطرناك خواهد بود.

خستگي نتيجه عادي كار است- مادران بايد بدانند كه هيچ چيزي زيانبار تر از اين نخواهد بود تا بار را از دوش دختران خود بردارند و كار خاصي براي انجام دادن به آنان ندهيد و به آنان اختيار دهيد كه هر طور كه دلشان ميخواهد مشغول شوند - شايد يك قلابدوزي كوچك يا كار هاي حاشيه دوزي و دوخت و دوز آنان را مشغول كند. بگذاريد تا دست و پاي خود را بحركت در آورند و عضلاتشان فعاليت كند. اگركار آنانرا خسته كند چه؟ آيا شما در كار خود خسته نميشويد؟ آيا خستگي اگر بعلت كار طاقت فرسا باشد به فرزندان شما صدمه ميزند؟ در واقع خير!

آنان ممكن است خسته باشند ولي پس از يك مقدار كار مناسب استراحت دلنشين خواهد بود. خواب ترميم كننده و نشاط آورنده طبيعي جسم خسته است و بدن را براي وظايف روز بعد آماده ميسازد.

چرا فقر اغلب بركت است- ثروت و كار نكردن بخيال بعضي افراد بركت است ولي فقط آنانيكه هميشه مشغول بكار هستند و كسانيكه با خوشرويي به وظايف روزانه خود ميپردازند شادترين افراد بوده و از سلامت برخوردارند. جمله اي است كه ميگويد مرد بايد براي نان روزانه زحمت بكشد. آنگاه وعده شادي و جلال آينده هر دو از سرير سرمدي آمده و او را بركت خواهند داد.

تهيدستي در بسياري از موارد بركت است زيرا كودكان و نوجوانان را از ويران شدن در تباهي بر حذر ميدارد. قدرتهاي جسمي و ذهني بايد بطور شايسته رشد و پرورش يابند. اولين مراقبت و توجه دائمي والدين بايد اين باشد كه ببينند كه فرزندانشان بنيه خوب و استواري دارند كه مردان و زنان سالمي باشند. نائل شدن به اين هدف بدون ورزش جسمي غير ممكن است.

براي سلامت جسمي و اخلاق خوب فرزندان بايد تعليم داده شوند تا كار كنند. چنانچه خصايل با فضيلت و خالص داشته باشند بايد داراي نظم و مقررات خوب كاري نيز باشند كه همه عضلات را به حركت و فعاليت واميدارد. خشنودي كه فرزندان در مفيد بودن و از خود گذشتگي و كمك بديگران خواهند داشت بهترين حظ و خوشي است كه تا بحال داشته اند.

فعاليتهاي جسمي و ذهني برابر- دانش آموزان نبايد مجاز شوند تا آنقدر واحد درسي بردارند كه وقتي براي ورزش جسمي نداشته باشند. سلامتي نميتواند حفظ شود مگر اينكه بخشي از ساعات روز به حركات عضلاني در هواي آزاد اختصاص يابد. وظايف قدرتهاي ذهني و جسمي بايد برابر باشند و بدين سبب فكر دانش آموز تازه و با طراوت خواهد شد. در مريضي ورزش جسمي به سيستم او كمك ميكند تا بهبودي خود را به وضع عادي بازگرداند. وقتي دانش آموزان كالج را ترك كنند تا زندگي را آغاز كنند بايد از سلامتي بهتر و درك بهتري از قوانين زندگي برخوردار شده باشند. سلامت بايد به اندازه خصايل و فضايل مقدس باشد.

انرژي جواني با شتاب به هدر ميرود- جوانان در طراوت و نيروي حياتي زندگي، ارزش فراواني انرژي را كم درك ميكنند. گنجينه اي كه از طلا ارزشمند تر است و واجب تر از فراگيري يا كسب درجه يا ثروت براي پيشرفت است – چقدر به آن كم بها داده شده است! و چقدر با شتاب به هدر ميرود! در مطالعه فيزيولوژي (علم الاعضاء) دانش آموز بايد هدايت شده تا ارزش انرژي جسمي را مشاهده كند و ميتواند در حد عالي حفظ شده و پرورش يابد تا در كشمكش هاي بزرگ زندگي به كاميابي دست يابد.

فعاليت نبايد منكوب شود بلكه بايد در جهت درست هدايت گردد- فرزندان ما بر سر چند راهي انتخاب ايستاده اند. از هر طرف فريبهاي دنيوي براي خودپويايي و تن آسايي آنان را از مسير فديه و بازخريد خدا دور ميسازد. خواه زندگي آنان بركت باشد يا لعنت بستگي به انتخاب آنان دارد. آنان سرشار از انرژي هستند و مشتاق تواناييهاي ناآزموده هستند و بايد راهي را براي زندگي تعين كنند. آنان به فعاليت خواهند پرداخت خواه براي خير و خواه براي شر.

كلام خدا فعاليتها را سركوب نميكند بلكه آنرا در جهت درست هدايت ميكند. خداوند امر نميكند كه جوانان بايد بلند همت نباشند. عناصر و عوامل خصلت كه يك مرد را بدرستي موفق و محترم ميدارد ميل وافر براي نيكوييهاي بزرگتر است. نبايد از داشتن اراده تسخير ناپذير - فعاليت شديد- استقامت خستگي ناپذير نوميد و مايوس شد. با فيض خدا آنان بايد براي نائل شدن به اهدافي فراتر از علايق دنيوي و خودخواهانه هدايت شوند.

**فصل پنجاه و هشتم**

**آموزش براي زندگي عملي**

چرا خداوند كار را براي آدم و حوا تعين نمود- خداوند آدم و حوا را در باغ عدن قرار داد تا باغ را بيارايند و از آن براي خداوند نگهداري كنند. اين براي خوشي آنان بود تا مقداري فعاليت داشته باشند وگرنه خداوند براي آنان كاري تعين نمي نمود. قبل از خلقت دنيا خداوند باغ عدن را براي آدم و حوا مهيا ساخت و به آنان وظيفه نگهداري از درختان ميوه و كاشت و پرورش گياهان را داد. كار مفيد آنان را محافظت مينمود و اينطور مقرر شده بود تا براي همه نسلها تا پايان تاريخ جهان جاودان باشد.

الگوي مسيح بعنوان كارگر كامل و بي نقص- مسيح در طول زندگي خود بر زمين در خانه مطيع و مفيد بود. او حرفه نجاري را فرا گرفت و با دستان خود در كارگاهي كوچك در ناصره كار نمود. "در آنجا عيسي رشد كرد و بزرگ شد. او سرشار از حكمت بود و فيض خدا بر او قرار داشت45". همانطور كه در كودكي و جواني كار ميكرد ذهن و جسم او رشد كرد. او از توان جسمي خود بي ملاحظه استفاده ننمود ولي ممارست مينمود تا آنرا سالم و تندرست حفظ كند تا بتواند به نحو احسن در هر اموري بپردازد. او خواهان نقص و ناكارايي نبود - حتي در جابجايي ابزارها. او بعنوان يك كارگر كامل بود همانطور كه در خصايل كامل بود. هر جزء از كار او بخوبي انجام ميشد – اجزاء مختلف بدقت نصب ميگرديد و در كل توان تحمل آزمايش را داشت .

زحمت روزانه با دستهاي صبور- عيسي با الگوي خود براي زندگي بشر معبري ساده و بي آلايش ساخت... زندگي او كاري طاقت فرسا و پر تلاش بود. او بعنوان پادشاه ملكوت در معابر قدم ميزد و ملبس به جامه اي ساده از كار معمولي و عاميانه بود. او در سرازيري و سربالايي هاي كوهها تقلا ميكرد و به كار متواضعانه خود رفت و آمد مينمود. فرشتگان ارسال نشدند تا در سربالايي هاي طاقت فرسا او را بر بال خود حمل كنند يا قدرت خويش را در انجام وظيفه فروتنانه به او واگذارند. با اين وجود كه او براي پشتيباني از خانواده با زحمت روزانه خويش به پيش ميرفت داراي همان قدرتي بود كه با آن پنج هزار جان گرسنه را در ساحل جليل بطور معجزانه اطعام نمود.

ولي او قدرت الهي خويش را بكار نبرد تا بار مسئوليت خويش را كم كند يا زحمت خويش را خفيف سازد. او مسئوليت را با تمامي مشكلاتش پذيرفت و از آزمون سخت خويش شانه خالي ننمود. او در يك خانه روستايي زيست و جامه هاي ساده ميپوشيد. او با افتاده حالان نشست و برخاست ميكرد و با دستان صبور خود روزانه زحمت ميكشيد. الگو و اسوه او بما نشان ميدهد كه اين وظيفه انسان است تا ساعي باشد زيرا كه كار و زحمت شريف است.

براي مدت طولاني عيسي در ناصره ساكن بود و بي شهرت و نشان بود تا به انسان تعليم دهد كه چگونه ميتوان خداگونه و در كنار خدا زيست نمود در حينيكه تكاليف خاضعانه زندگي را بانجام رساند. براي فرشتگان اسرار آميز بود كه مسيح آن سرور كائنات خود را پست نمايد نه تنها جامه بشريت را بر خود بگيرد بلكه بارهاي سنگين را بر دوش كشد. او اينكار را بخاطر اين كرد تا شبيه ما بشود و با زحمت و غم و خستگي فرزندان انسان آشنا بشود.

بلند همتي را براي انجام كارهاي مفيد توصيه كنيد- در كودكان و نوجوانان بلند همتي بايد در چيزي كه براي آنان سودمند و براي ديگران مفيد فائده است بكار رود. كاربردي كه ذهن و شخصيت را رشد ميدهد و دستها را كار آمد ميكند و به جوانان مشاركت در حمل بارهاي سنگين زندگي را تعليم ميدهد باعث تقويت بنيه جسمي گرديده و هر استعداد و توانايي را جاني تازه ميبخشد. و اجري در مجاهدت وجود دارد كه رشد عادت به امور خير در زندگي است.

جوانان بايد آموزش ببينند كه زندگي يعني كار و تلاش و مسئوليت پذيري و مراقبه. آنان به تعليمي نياز دارند كه بتواند آنان را مردان و زناني سودمند و اهل عمل سازد تا بتوانند از عهده امور فوق العاده بر آيند. آنان بايد تعليم يابند كه تعليم و تربيت سيستماتيك و كار منظم ضروري است نه تنها بعنوان سپري براي مقابله با فراز و نشيبهاي زندگي بلكه بعنوان كمكي براي رشد كامل.

كار جسمي تحقير كننده نيست- خطاي عمومي توسط گروه بزرگي است كه كار فيزيكي را حقير كننده ميپندارد. بنابراين مردان جوان بسيار نگرانند تا دوره اي بياموزند تا معلم و يا كارمند و تاجر و حقوقدان بشوند و تقريبا هر تصدي را اشغال كنند كه به كار جسمي نيازي نداشته باشد. زنان جوان خانه داري را تحقير آميز و كم ارزش ميپندارند. و گرچه ورزش جسمي براي انجام كارهاي خانه نياز است - چنانچه سخت نباشد، مروج بهداشت و سلامت است با اينحال آنان در پي تحصيلاتي هستند كه آنان را معلم و كارمند بسازد يا اينكه حرفه اي بياموزند كه آنان را محدود به امور داخل ساختمان بسازد تا كارمندي بي تحرك باشند.

جهان پر از مردان و زنان جواني است كه از جهالت خويش مغرورند و به كارهاي مفيد نميپردازند و تقريبا يا شايد همواره سبكسر و عاطل و باطل – شيفته تظاهر و خود نمايي – ناشاد – ناخشنود و اغلب اوقات ولخرج و بي مسلك هستند. اين قبيل خصوصيات لكه اي بر جامعه است و ننگي براي خانواده ها ميباشد. هيچيك از ما نبايد از كار خجل باشيم هر چند كه كوچك و بي مقدار بنظر بيايد. كار شريف است. همه كساني كه با ذهن يا دستهايشان زحمت ميكشند مردان و زنان كار گر هستند. و همه وظايف خود را انجام داده و مذهب خود را حرمت ميدهند به همان اندازه اي كه لباس يا ظرف ميشويند يا به جلسات كار ميروند. در حاليكه دستان مشغول كارهاي معمولي هستند ذهن ممكن است با افكار پاك و مقدس شريف و متعالي گردد.

جوانان بايد در كار استاد بشوند نه اينكه برده كار باشند- جوانان بايد در مسيري هدايت شوند كه شان واقعي كار را ببينند. يك دليل بزرگ كه چرا زحمت جسمي خوار شمرده ميشود عدم ملاحظه به چيزي است كه اغلب اوقات انجام شده است. اين كار از روي نياز بوده و نه از روي انتخاب. كارگر دل و وجود خود را بكار نميبندد و عزت نفس را حفظ نميكند و احترامي براي ديگران قايل نيست. دوره آموزشي بايد اين اشتباه را اصلاح كند. و بايد عادات درستي و كمال را رشد دهد. شاگردان بايد كارداني و نظام در مجموعه را ياد بگيرند آنان بايد صرفه جوئي در زمان را با بلند همتي ياد بگيرند و دائما آنرا بهبود بخشند. اين بايد هدف آنان باشد تا كار خود را تا آنجا كه ممكن است كامل انجام دهند همانگونه كه دستان و ذهنهاي بشري قادر بانجام آن است.

اين قبيل آموزش جوانان را در كار استاد ميسازد نه بردگان كار. فراگيري استادانه كار، زحمات را سبك كرده و حتي كارهاي پست را شريف ميگرداند. كسيكه كار را تنها جان كندن در نظر ميگيرد و با جهل در تن آسايي رسوب ميكند هيچ تلاشي براي رشد و بهبود نميكند و در واقع آنرا بار سنگين و زحمت ميپندارد. ولي كسانيكه علم را در حقيرترين كار تشخيص ميدهند، در آن اصالت و زيبايي ميبينند و در ايفاي آن با وفاداري و كارآيي لذت خواهند برد.

توانگري نبايد بهانه و اعتذار از آموزش عملي باشد- در بسياري موارد والديني كه توانگرند اهميت آموزش در وظايف عملي در زندگي و همچنين در علوم را احساس نميكنند. آنان ضرورتي براي خيريت ذهنها و اخلاق و براي مفيد بودن در آينده فرزندانشان نميبينند و درك كاملي از كار مفيد ارائه نميدهند. اين را به فرزندان بدهكارند كه اگر سختي و حادثه اي بد پيش بيايد آنان بايد با شرافت روي پاهاي خويش بايستند و بدانند كه چطور دستهاي خويش را بكار برند. اگر تواني عالي داشته باشند نميتوانند فقير بشوند حتي اگر چه پولي در بساط نداشته باشند.

بسياري كه در جواني متمول بوده اند ممكن است ثروت خود را از دست بدهند و براي امرار معاش و روزي به والدين و برادران خود وابسته بشوند. آنگاه چقدر مهم است كه هر جواني حرفه اي فني بياموزد تا براي حوادث غير مترقبه آماده باشد. مال و ثروت در واقع لعنت است هنگامي كه مالكين آنان در مقابل فرزندان خويش ايستاده و نگذارند تا آنان براي كار سودمند دانش كسب كرده و براي زندگي عملي شايستگي بدست آورند.

فرزندان بايد براي وظايف خانه مشاركت داشته باشند- مادر با ايمان نميخواهد و نميتواند مريد مد باشد و نه ميتواند برده داخلي باشد تا براي هوسهاي فرزندان خود خوش خلقي نموده و آنان را از كار معذور بدارد. او به آنان تعليم خواهد داد تا در وظايف و امور داخلي خانه مشاركت كنند و براي زندگي عملي معلوماتي كسب كنند. چنانچه فرزندان با مادر در كار مشاركت كنند آنان كار مفيد را بعنوان ضرورتي براي خوشي و شرافت در نظر خواهند گرفت و نه به عنوان امري تحقير كننده و خوار شمارنده. ولي اگر مادر دختران خود را به سستي و تنبلي تعليم دهد در حاليكه بارهاي سنگين امور خانه را بر دوش ميكشد به آنان تعليم ميدهد كه به او مانند يك خدمتكار نگاه كنند تا منتظر او بمانند تا كاري را برايشان انجام دهد كه خود ميتوانسته اند آنرا انجام دهند. مادر هميشه بايد شان خود را حفظ كند.

برخي از مادران از اينكه دختران خود را از كار و زحمت معاف ميكنند در اشتباهند. با چنين كاري فرزندان خود را به رخوت و راحت طلبي ترغيب ميكنند. عذري كه مادران مي آورند اين است كه دختران من قوي بنيه نيستند. ولي آنان مطمئنا باعث ضعف و ناكارايي دختران خود ميشوند. كار خوب مديريت شده تنها چيزي است كه الزاما آنان را قوي – نيرومند – بشاش – خوشحال و دلير ميكند تا با رنجها و آزمونهايي كه اين زندگي آنان را احاطه كرده مقابله كنند.

وظايف و تكاليف مفيدي را براي فرزندانتان تعين كنيد- بي تفاوتي والدين در اهمال به تمهيد در كار براي فرزندانشان منتج به شرارتهاي بيشمار و بمخاطره انداختن زندگي بسياري از جوانان شده و متاسفانه كارآيي آنان را فلج ميسازد. خداوند خواهان اين است كه والدين و معلمان فرزندانشان را در وظايف عملي هر روزه زندگي تعليم دهند. كار و تلاش را تشويق كنيد. دختران و حتي پسران كه كار ندارند بايد ياد بگيرند كه چطور به مادر خود كمك كنند. پسران و دختران از كودكي بايد ياد بگيرند تا بار هاي سنگينتري را حمل كنند و با هوشمندي در كار خانواده به آنان كمك كنند. مادران بايد با شكيبايي به فرزندانشان نشان دهند كه چطور از دستان خود استفاده كنند. بگذاريد بفهمند كه دستان آنان بايد به مهارت دستان شما بكار روند همانگونه كه در كارهاي خانه از آن استفاده ميكنيد.

هر كودكي در خانواده بايد سهمي را در ايفاي كارهاي خانه داشته و بايد ياد بگيرد تا تكليف خود را صادقانه و با روي خوش انجام دهد. چنانچه كار بدين شيوه تقسيم شود و كودكان در انجام مسئوليتهاي مناسب خو گرفته و بزرگ شوند هيچ عضوي از خانه كار بيش از حد بر دوش نخواهد داشت و همه چيز با خوشي و آرامي در خانه به پيش خواهد رفت. صرفه جويي مناسب و شايسته برقرار خواهد گرديد و هر يك نسبت به جزييات خانه آشنا شده و علاقمند خواهد گرديد.

پخت و پز و دوخت و دوز دروس اساسي هستند- مادران بايد دختران خود را به آشپزخانه برده و به آنان بخش آموزشي پخت و پز را ياد بدهند. آنان همچنين بايد هنر خياطي را فرا بگيرند. آنان بايد ياد بگيرند كه چگونه پارچه را بطور اقتصادي ببرند و تميز و مرتب آنها را در كنار هم قرار داده و بدوزند. بعضي مادران در عوض اينكه با شكيبايي دختران نا كارآزموده خود را راهنمايي كنند ترجيح ميدهند تا همه كارها را خود انجام دهند. ولي با چنين كاري آنان شاخه هاي ضروري آموزش را رها كرده و از آن غفلت ميكنند و اشتباه بزرگي بر عليه فرزندانشان ميكنند زيرا آنان در زندگي آينده خود بخاطر عدم شناخت اين چيزها احساس خجالت و شرم ميكنند.

هم به دختران و هم به پسران آموزش بدهيد- از آنجايي كه هم مردان و هم زنان در امور خانه سهمي بعهده دارند پسران و دختران بايد دانش امور خانه داري را كسب كنند. تختها بايد مرتب و اتاق بايد منظم و بشقابها شسته و غذا آماده و لباسشها شسته يا مرمت شوند و اينها آموزشي است كه پسران و مردان نبايد از آن عار داشته باشند زيرا آنان را شادتر و كار آمدتر ميكند. و چنانچه در عوض، دختران اسب سواري را ياد بگيرند و طرز استفاده از ميخ و چكش و استفاده از كج بيل و شن كش و اره رابدانند بهتر براي امور فوق العاده زندگي آماده ميشوند. (توجه: اين مطلب در سال ١٩٠٣ميلادي نوشته شده است با اين وجود اين اصول براي امروز نيز كاربرد دارد گرچه در حال حاضر از اسب و خر بعنوان وسيله نقليه استفاده نميشود و مردم از زندگي مردنتري برخوردارند.)

براي دختران و پسران ما ضروري است تا استفاده بهينه از زمان را ياد بگيرند و هر دو بطور يكسان در برابر خدا مسئول و بخاطر طريقه اي كه آن را بكار ميبندند جوابگو هستند. زندگي به ما ترفيع خردمندانه استعدادها و توانائيها را عطا نموده است.

در حفظ قوت و بنيه مادر بكوشيد- هر روزنه كار خانه بايد انجام شود – پختن – شستن ظرفها – جارو و گرد گيري. مادران آيا به اين انديشيده ايد كه دخترانتان نيز ميتوانند اين تكاليف روزانه را انجام دهند؟ عضلات آنان به ورزش و تمرين نياز دارد. در عوض ورزش و بالا و پايين پريدن و بازي با توپ بگذاريد ورزشهاي آنان هدفدار باشد.

به فرزندان تعليم دهيد تا در امور خانه مشاركت داشته باشند. در برخي كارها از آنان استفاده مفيد ببريد. به آنان نشان دهيد كه چگونه كار را آسان و خوب انجام دهند. به آنان كمك كنيد تا درك كنند كه با سبك كردن بارهاي مادر، بنيه او را قوي نگاه داشته و زندگي وي را طولاني خواهند نمود. چه بسا بسياري از مادران خسته و درمانده نابهنگام در قبر خوابانيده شده اند به اين دليل كه فرزندانشان به فكر نيفتادند تا در زحمات وي شريك شوند. با تشويق روح خدمت متواضعانه در خانه والدين فرزندان خود را به مسيح نزديكتر ميكنند - آن كسيكه فروتن است.

تجربه شادماني- فرزندان بايد مادر خود را بر روي صندلي راحت بنشانند و از او بخواهند تا بايشان بگويد كه چه كاري بايد در وحله نخست انجام شود. براي بسياري از مادران خسته و بيش از حد كار كرده اين عمل شگفت انگيز خواهد بود! جوانان و نوجوانان هرگز خرسندي و آرامش را احساس نخواهند نمود تا اينكه با انجام وظايف خانه دستان و ذهن خسته مادر را تسلي و آرامش دهند. اينها پله هاي نردبان ترقي هستند كه آنان را پيش خواهد برد تا به آموزش عالي دست يابند.

اجراي صادقانه تكاليف روزانه خشنودي و آرامش را براي كاركنان خانه ببار مي آورد. آناني كه از ايفاي سهم خود در مسئوليتهاي خانه غفلت ميورزند با تنهايي و نارضايتي درگيرند و شاد نيستند زيرا نياموخته اند كه شادي زماني حاصل ميشود كه در كارهاي روزمره اي كه بر دوش مادر و ديگر اعضاي خانواده است بايد كمك نمود. بسياري خانه را بدون ياد گرفتن دروس مفيد ترك ميكنند كه براي خيريت آينده آنان واجب است.

اجر و پاداش وفاداري در تكاليف خانه- انجام وفادارانه وضايف خانه با بدست گرفتن وظيفه اي كه به نحو احسن ميتوانيد انجام بدهيد حتي اگر ساده و ناچيز باشد بواقع قابل تمجيد و متعالي كننده است. اين تجلي الهي لازم است. در اين كار آرامش و خوشي مقدسي نهفته است. و شامل قدرت شفا بخش است. اين موضوع بطور اسرارآميز و بطور نامحسوسي تسكين دهنده جراحات جان و حتي رنجهاي جسمي است. آرامش خيال كه از انگيزه ها و فعاليتهاي خالص و مقدس ناشي ميشود چشمه نيرومند و رايگاني را به همه اعضاي بدن عطا ميكند. آرامش باطني ما را از گناه ورزيدن نسبت به خدا بر حذر داشته و بنيه و فكر را روح و جان خواهد بخشيد، درست مانند شبنمي كه بر روي گياهان لطيف مينشيند. آنگاه اراده و خواست، هدايت و كنترل گرديده و بيشتر راسخ ميگردد و با اين حال از خطا و فساد بري ميشود. انديشه و تعمق خوشايند خواهد بود زيرا تطهير و تقديس گرديده اند. صفاي ذهن صفت ملكوتي است كه فرشتگان از آن برخوردارند.

در آسمان جنب و جوش خواهد بود- فرشتگان كارگران هستند ، آنان فرستادگان و خادمان خدا براي فرزندان انسان هستند. آن خادمان سست كه با سهل انگاري چشم انتظار ملكوت هستند ايده هاي غلطي از آنچه كه ملكوت را تشكيل داده دارند. پروردگار مكاني را براي لذت راحت طلبان گنهكار نيافريده است. ملكوت جايي براي علاقمندان به فعاليت است با اينحال براي خستگان و گرانباران و كسانيكه براي ايمان در ستيز و تقلا بوده اند آرامگهي مجلل و با شكوه خواهد بود و مكاني براي جوانان و مشتاقان براي جاودانگي بوده و بيش از اين بر ضد گناه و شيطان در ستيز و كشمكش نخواهند بود. براي اين كارگران فعال و پر انرژي وضعيت رخوت ابدي منزجر كننده خواهد بود. و براي كاهلان بهشتي نخواهد بود. راه كار و زحمت براي مسيحيان در زمين تعين گرديده است كه ممكن است سخت و خسته كننده باشد ولي بوسيله منجي حرمت داده شده است و راه او راه بي خطر است.

**فصل پنجاه و نهم**

**آموزش حرفه مفيد**

هر فرزندي بايد حرفه اي بياموزد- بي تفاوتي والدين در قصور در ايجاد شغل براي فرزندان كه بايد مسئوليتي را در اين جهان بعهده بگيرند منتج به زيانها و شرارتهاي بيشماري شده است. زندگي بسياري از جوانان به مخاطره افتاده و بطور عظيمي قدرت كارآمدي آنان را از كار انداخته است. اشتباه بزرگي است تا به مردان جوان اجازه داده شود تا بدون ياد گرفتن حرفه اي بزرگ شوند.

مسيح در بين ابرها به موسي دستورالعملي داد تا به عبرانيان بدهد كه بايد فرزندان خود را براي كار آموزش دهند و حرفه اي به آنان بياموزند و هيچكسي نبايد بيكار و تنبل باشد. شما بايد به فرزند خود ياد دهيد تا به كسب دانش بپردازند كه چنانچه لازم باشد با كار خود زندگي كنند. شما بايد به آنان تعليم دهيد كه در فراخواني نسبت به انجام وظايف قاطع باشند.

استفاده از ابزار را آموزش بدهيد- وقتي كه فرزندان به سن مناسبي رسيدند بايد براي آنها ابزاري تدارك ديده شود. اگر كار براي آنان جالب باشد دانش آموزان مستعدي يافت ميشوند كه از ابزار استفاده كنند. چنانچه پدر نجار است او بايد به فرزندان خود (ساختمانسازي با چوب) و كارهاي چوبي را ياد بدهد و هميشه دروس كتاب مقدس را در كار بياورد واژه هاي كلام كه خداوند بشر را به عمارت خود تشبيه ميكند.

به پسران خود كشت و زرع ياد بدهيد- پدران بايد پسران خود را مشغول حرفه و كاري كنند. كشاورزان نبايد فكر كنند كه مزرعه داري كاري جالب و درخور پسرانشان نيست. كشاورزي بايد با دانش علمي تلفيق و بهبود داده شود. مزرعه داري كاري غير سود ده معرفي شده است. مردم ميگويند كه خاك مخارج كاري را كه صرف شده نميپردازد و به حال كساني كه خاك را شخم زده و كشت ميكنند تاسف ميخورند. ولي آيا نبايد ابتدا در باره خاك و كشاورزي مطالعه شود و ياد گرفت كه چه بذري را چگونه بايد كاشت و پرورش داد و آنرا درو كرد؟ بسياري ميگويند ما كشاورزي را تجربه كرديم و محصول آنرا ديده ايم و با اينحال اين قبيل افراد بايد بدانند كه چگونه بايد در خاك فلاحت كرد و بايد دانش را بكار ببرند. خيش هاي آنان بايد عميقتر شخم بزند و شيارش وسيعتر باشد و بايد ياد بگيرند كه در كشاورزي نبايد زمخت و خشن باشند. بايد ياد بگيرند كه تخم را در فصل مناسب بكارند و به گياهان توجه و مراقبت كنند و از برنامه اي كه خداوند تدبير نموده تبعيت كنند.

آموزش و ارزش عالي- هيچ رشته اي در رسته آموزش فني حرفه اي با ارزش تر از كشاورزي نيست. تلاش بيشتري بايد براي ايجاد و ترغيب به حرفه كشاورزي انجام گردد. معلم بايد براي جلب توجه به كشاورزي از كتاب مقدس استفاده كند كه اين برنامه خدا براي بشر بود تا در زمين كشت كند - مالك جهان باغي را ايجاد كرده بود تا در آن كشت شود و بسياري از بزرگترين مردان جهان در خاك كشت ميكرده اند.

كسيكه با كشاورزي امرار معاش ميكند از بسياري از وسوسه ها ميگريزد و از امتيازات و بركات بيشماري بهره ميبرد و كساني كه در شهرهاي بزرگ كار ميكنند از آن بركات بي بهره اند. و در اين عصر شركتهاي غول آسا و رقابتهاي تجاري تعداد كمي هستند كه بواقع مانند فلاحان و كشتكاران زمين از كار خود بهره كافي ميبرند.

محصول تازه ارزش خاصي دارد- خانواده ها و مراكز آموزشي بايد بيشتر در كشت و زرع و پرورش زمين آموزش ببينند. اگر مردم تنها ميدانستند كه ارزش محصولات زمين كه در فصل خودش ببار مي آورد چقدر است تلاش بيشتري براي كشت زمين صورت مي گرفت. همه بايد با ارزش خاص ميوه و سبزيجات تازه از باغستان ها و مزارع آشنا شوند.

مدارس بايد حرفه هاي مفيد را راهنمايي كنند- بايد به آموزش حرفه اي بايد بيش از اين ها ارزش داده شود. مدارسي بايد تاسيس شوند كه علاوه بر پرورش اخلاقي و فكري بهترين امكانات را براي رشد جسمي و آموزش حرفه اي و فني فراهم آورند. در مزارع و كارخانجات آموزش بايد داده شود- و تا حد ممكن حرفه هاي مفيد بايد پوشش داده شوند – همچون در اقتصاد خانوار – آشپزي بهداشتي – خياطي – درمان بيماران و رشته هاي وابسته با علوم اجتماعي و خانواده. باغات – كارگاهها و اتاقهاي درمان بايد تدارك ديده شوند و كار در هر رسته بايد تحت نظر آموزشياران زبده و ماهر صورت پذيرد.

كار بايد هدفي معين داشته باشد و بايد كامل گردد. در حاليكه هر شخصي به دانش مختلف هنرهاي دستي نياز دارد ضروري خواهد بود تا او حد اقل در يك حرفه مهارت يابد. هر جواني در هنگام ترك مدرسه بايد با دانش برخي حرف يا مشاغل آشنا شود تا در صورت نياز با آن امرار معاش كند.

آموزش با ارزش مضاعف- مدارس تاسيس شده بايد با شعبه هاي مختلف كاري و حرفه اي مرتبط باشند كه دانش آموزان بتوانند شغلي گرفته و در ساعاتي به كارآموزي و تمرين بپردازند. آنگاه در حين گذراندن دروس نظري ميتوانند به دانش عملي كار و حرفه نائل گردند.

دانش حرفه اي با ارزش تر از دانش علمي و نظري است- معلمين با تجربه بايد دروس آشپزي را به بانوان جوان بياموزند. دختران جوان بايد بياموزند كه چگونه پارچه را برش داده و جامه بدوزند و بدين سبب براي تكاليف زندگي آموزش ببينند.

براي مردان جوان بايد بنيادهايي وجود داشته باشد تا حرف مختلف را ياد بگيرند تا عضلاتشان و همچنين قواي فكري آنان را بكار اندازد. چنانچه جوان دانش يكسويه اي را كسب كند – كه البته دستاورد بزرگي دارد ، آيا دانش علوم نظري با تمامي بي فايدگيهايش در بهداشت و زندگي مفيد خواهد بود يا دانش كار براي زندگي عملي؟ بيدرنگ بايد پاسخ داد : مورد دوم. اگر از چيزي بايد كوتاهي شود آن چيز بايد مطالعه بيمورد دانش نظري كتابها باشد. كساني ممكن است وجود داشته باشند كه آموزش نادرستي داشته اند و كساني كه ايده هاي غلطي براي آموزش فرزندان داشته اند. اين جوانان و نوجوانان خواهان بهترين آموزش هستند و شما بايستي كار جسمي را با كار ذهني توامان كنيد – تئوري و عمل هر دو بايد با هم كار كنند.

عيسي الگوئي از يك فرد اهل كار و اهل قناعت بود - به تربيت و انضباط سخت و محكمتري نياز است تا براي خدا بعنوان مكانيك – بازرگان – وكيل – يا كشاورز كار كنيد و مقررات و اصول مسيحيت را به فعاليتهاي معمولي زندگي ببريد – مبشرين مذهبي را ديگران ميشناسند و كمتر از افراد ذكر شده در كار خود كه بشارت و امور مذهبي است مشكل دارند. شما بايد از نظر روحاني قوي باشيد تا اينكه مذهب را به محل كار خود ببريد كه وجهه اي روحاني بكار خود بدهيد كه كار شما متناسب با معيار كتاب مقدس باشد و نه اينكه استاندارد بشري داشته باشد.

عيسي در سي سالگي انزوا در ناصره كار و زحمت كشيده ميخورد و استراحت مينمود و هفته ها و سالها را ميگذرانيد. او بعنوان شخصي برجسته هيچ توجهي به خويش نمينمود با اين وجود منجي جهان بود كه او را حمد و تسبيح ميخواندند و در همه اوقات كار پدر خويش را انجام ميداد و براي بشريت درسهايي باقي گذارد كه تا پايان زمان باقي خواهد ماند.

اين درس واجب از كار با قناعت و خشنودي در وظايف ضروري زندگي هر چند كه ناچيز باشد با اين حال بايد توسط بخش بزرگي از پيروان مسيح آموخته شود. چنانچه چشم بشري براي انتقاد از كار ما وجود نداشته باشد و صدايي براي ستايش يا نكوهش نباشد بايد طوري به نحو احسن انجام شود كه گوئي آن فرد ازلي شخصا براي بررسي آن حاضر و ناظر است.

**فصل شصتم**

**علم و اطاعت از قوانين زندگي**

شگفتيهاي جسم بشري- ما محصول كار استادانه خدا هستيم و كلام او صراحتا ميگويد كه او ما را با ابهت و شگفتي46 خود ساخته است. او معبدي را كه روح القدس او در آن ساكن شود را ساخته است. ذهن كنترل كننده انسان است. همه اعمال خوب و بد ما منشائي از ذهن و فكر ما دارد. اين ذهن است كه خدا را عبادت ميكند و ما را با ملكوتيان محشور ميسازد. با اينحال بسياري زندگي خود را ميگذرانند بدون اينكه در اين جسم محصور كه شامل گنجينه اي است هوشمند شوند .

همه اعضاي جسم تابع ذهن هستند و تارهاي عصبي مانند كابلهاي ارسال كننده پيام هستند كه دستورات را به هر عضوي از بدن منتقل كرده و حركات ما را در ماشين زنده هدايت ميكنند. همانطور كه مكانيزم بدن مطالعه شده است توجهي بايد به انطباق و سازگاري شگفت انگيز او بشود تا حركات موزون و هماهنگ گرديده اعضاي مختلف با يكديگر در هماهنگي باشند. همانطور كه دانش آموز نسبت پرورش جسمي علاقمند ميشود معلم بيشتر ميتواند عادتهاي درست را در او پرورش دهد.

سلامتي بايد حفظ گردد- از آنجايي كه ذهن و جان از طريق جسم متجلي ميگردد فكر و قدرت روحاني در حد بالايي بستگي به قوت جسماني و فعاليت خواهند داشت خواه ترفيع دهنده بهداشت جسمي باشد ی‑ ترفيع دهنده رشد در قواي ذهني يا شخصيت متعادل باشد. بدون سلامت هيچ كسي نميتواند بطور مشخص آنطور كه بايد و شايد بطور كامل مسئوليت خود را نسبت به همنوع يا خالق خود ايفا نمايد. بنابراين سلامت بايد بهمان اندازه اي كه شخصيت حفظ ميشود تحت مراقبت قرار گيرد. دانش فيزيولوژي و بهداشت بايد اساس تمامي كارهاي آموزشي باشد.

بسياري بي تمايل به مطالعه قوانين بهداشتي هستند- بسياري از افراد از تلاش براي نائل شدن به دانش قوانين زندگي و چيزهاي ساده براي تجديد قوا و بازگرداندن سلامت رغبتي ندارند. آنان خود را در جايگاه درست زندگي قرار نميدهند. وقتي كه بيماري نتيجه تخطي از قوانين طبيعي است آنان سعي نميكنند تا اشتباهات خود را اصلاح كنند و آنوقت بركات خدا را ميطلبند.

ما بايد خود را آموزش دهيم نه تنها براي زندگي هماهنگ و متوازن با قوانين زندگي بلكه بايستي ديگران را براي زندگي بهتر تعليم دهيم. بسياري از افراد حتي آنانيكه مدعي اعتقاد به حقايق خاص براي اين زمان هستند بطور رقت آميزي راجع به بهداشت و اعتدال جاهل و نا آگاهند. آنان لازم است تا آموزش ببينند - سطر به سطر و جزء به جزء و از الف تا ياء. موضوع بايد در نظر آنان تازه بماند. از اين موضوع نبايد بعنوان يك چيز غير ضروري بسادگي گذشت زيرا هر خانواده اي لازم است تا در اين باره به تكاپو و جنبش در آيد. باطن بايد نسبت به وظيفه كاربرد اصول بدرستي تجديد و اصلاح گردد. اصول بهداشتي در رژيم غذايي و ورزش و مراقبت از كودكان و درمان بيماران و بسياري از موضوعات مشابه بايد بيش از پيش مورد توجه قرار گيرد.

مطالعه براي پيشگيري – تامل و بررسي بسيار كمي نسبت به علل مرگ و مير و بيماري و زوال صورت ميپذيرفته است. نژاد بشر رو بزوال است. اكثر چيزهاي زيانبار كه بدبختي و تباهي را براي نژاد بشر آورده قابل پيشگيري است و توانايي مقابله با آن در حد بسيار زيادي بستگي به والدين دارد.

به فرزندان استدلال كردن را از علت و معلول را ياد بدهيد- به فرزندان خود استدلال از علت و معلول را ياد بدهيد. به آنان نشان دهيد كه اگر به قوانين خلقت تجاوز كنند بايستي تاوان آن را با رنج بپردازند. اگر نميتوانيد شاهد بهبود سريع خود باشيد دلسرد و مايوس نشويد بلكه با شكيبايي به پيش برويد تا به پيروزي نائل آييد. آنانيكه در مطالعه و عمل به اصول درست زندگي پافشاري ميكنند هم بطور جسمي و هم روحاني بركات عظيمي خواهند يافت. درك فلسفه بهداشت سپري است در مقابل بسياري از چيزهاي زيانبار و شرير كه دائما در حال افزايش هستند.

آموزش بايد رو به پيشرفت باشد- فرزندان بايد در اوايل كودكي در دروس مقدماتي فيزيولوژي و بهداشت بطور ساده و آسان آموزش ببينند. اين كار بايد از طريق مادردر خانه شروع شود و بايد صادقانه در مدرسه ادامه يابد. همانطور كه شاگردان طي سالها به پيش ميروند راهنمايي و تدريس در اين رشته بايد ادامه يافته تا اينكه براي مراقبت از خانه اي كه در آن زندگي ميكنند صلاحيت يابند. آنان بايد اهميت مراقبت و مقابله با بيماري را با تقويت اعضاي بدن درك كنند و همچنين بايد ياد بگيرند كه چطور با بيماري هاي متداول و سوانح برخورد نمايند.

دانش نظري كافي نيست- دانشجويان فيزيولوژي بايد آموزش ببينند كه هدف تحصيل تنها بدست آوردن دانش نظري و اصول نيست. اين تنها سود كمي دارد. او ممكن است اهميت تهويه هوا را بداند و اين كه اتاقش بايد از هواي تميز پر شود ولي وقتي با نفس عميق درك كرد كه از كمبود هواي سالم رنج ميبرد آنگاه به اهميت وجود هواي تازه پي خواهد برد. پس لزوم پاكيزگي بايد درك شود و امكانات مورد نياز بايد فراهم گردد ولي همه چيز بيفايده خواهد بود مگر اينكه از آن استفاده نمايد. شرط ضروري بزرگ در تعليم اين اصول وادار نمودن دانش آموزان به اهميت آن است آنگاه بطور ناخودآگاه به آن عمل خواهد نمود.

دانش قوانين طبيعي ضروري است- موضوعاتي هستند كه بطور معمول مشمول مطالعات فيزيولوژي قرار نگرفته اند- موضوعات بسيار با ارزش تر از اصطلاحات فني كه بطور معمول تحت اين سرفصل تعليم داده شده است. بعنوان اصول پايه اي و بنيادين همه تحصيلات در اين رشته ها جوانان بايد ياد بگيرند كه قوانين طبيعت قوانين خدا هستند – و به همان اندازه ده فرمان الهي مهم هستند. قوانيني كه اندامهاي جسمي ما را اداره ميكنند بر هر تار عصبي و عضله و بافت بدن توسط خدا نوشته شده اند. هر گونه تخطي بي ملاحظه و خودسرانه از قوانين گناهي بر ضد پروردگار جهانيان است. پس ضروري است كه علم كامل به اين قوانين ابلاغ و تفهيم شود.

نظم و ترتيب در خوردن و خوابيدن- از اهميت نظم و ترتيب براي خوردن و خوابيدن نبايد چشم پوشي شود. از آنجايي كه كار ترميم و تجديد قواي جسمي بدن در خلال ساعتهاي استراحت صورت ميپذيرد خصوصا براي جوانان ضروري است كه خواب منظم و كامل داشته باشند. در تنظيم ساعتهاي خواب نبايد كارهاي غير منظم صورت پذيرد. شاگردان نبايد عادت سوزاندن چراغ موشي را در ساعتهايي كه بايد بخوابند شكل دهند. اگر انجام چنين كاري در خانه مرسوم است آنان بايد اين عادت را اصلاح كنند و در ساعت مناسب به رختخواب بروند. آنگاه با طراوت در صبحگاه از خواب برخواهند خاست تا وظايف روزانه را در پيش گيرند.

بر عادات درست بهداشتي اصرار ورزيد- بايد بر عادات درست خوردن و نوشيدن و لباس پوشيدن اصرار ورزيده شود. عادات غلط جوان را كمتر مستعد پذيرش آموزه هاي كتاب مقدس در مي آورد. فرزندان بايد نسبت به افراط در شكمبارگي و مخصوصا بر عليه محركها و مخدرها محافظت شوند. والدين مسيحي نبايد سفره هايشان را از غذاهايي كه سرشار از ادويه و چاشني است پر كنند. ما نبايد عاداتي را كه باعث ضعف بنيه جسمي و ذهني ميشود در پيش گيريم يا اينكه از توانايي هايمان در اين راه سوء استفاده كنيم. ما بايد از تمام توان استفاده كنيم تا خود را در سلامت نگاه داريم بخاطر اينكه بايد خوش طبع بوده و ذهني شفاف داشته و قادر باشيم تا فرق بين مقدس را از چيز از پيش پا افتاده تشخيص داده و خدا را در جسم و روحمان حرمت دهيم زيرا كه همه چيز متعلق به اوست.

اهميت طرز ايستادن صحيح- در ميان اولين چيزهايي كه بايد هدف باشد اصلاح طرز قرار گرفتن در نشستن و ايستادن است. خداوند انسان را درست خلق نمود و ميخواهد تا او نه تنها از جسم بهره ببرد بلكه از فكر و اخلاق نيز بهره برده – خوش اندام بوده و شان و متانت داشته – اتكاء بنفس داشته باشد و قائم و سر راست بايستد كه موارد ياد شده را ترغيب ميكند. معلم بايد به اين نكته توجه داشته و با نمونه و مثال دانش آموزان را راهنمايي و تعليم دهد.

تنفس و پرورش صدا- در كنار طرز وضعيت اندام تنفس و پرورش صدا قرار دارد. كسيكه عمود منشيند و مي ايستد باحتمال زياد درست هم نفس ميكشد. ولي معلم بايد بر اهميت تنفس عميق به شاگردان پافشاري كند. نشان دهيد كه چطور فعاليت بهداشتي اعضاي تنفسي به گردش خون كمك ميكند و تمامي سيستم را بنيه و قوت ميبخشد و اشتها را تحريك كرده و باعث هضم غذا ميگردد و باعث سلامتي شده و خوش خوابي را باعث ميگردد بنابر اين نه تنها جسم را تازه و با طراوت ميسازد بلكه ذهن را آسوده و آرام ميسازد. و در حاليكه اهميت تنفس عميق نشان داده ميشود بايد بر ورزش و تمرين اصرار گردد. تمرين و ورزش باعث ترفيع همه اين چيزهاست و خواهيد ديد كه به آن عادت خواهد شد...

آموزش صدا جايگاه مهمي در پرورش جسمي دارد. ريه ها گرايش به انبساط و تقويت شدن دارند و بيماريها را دفع ميكنند. براي اطمينان از خوب خواندن و صحبت كردن ملاحظه كنيد كه عضلات شكمي در تنفس نقش خود را خوب ايفا كنند و بموجب آن اعضاي تنفسي از قيد و بند فارغ خواهند بود. اجازه بدهيد تا فشار بر عضلات شكمي وارد آيد تا اينكه بر حنجره فشار آورده شود. بنابر اين از خستگي و بيماري جدي حنجره و ريه ها پيشگيري بعمل خواهد آمد. توجه زيادي بايد براي درست ادا كردن و طرز گفتار روان و سليس و تنظيم خوب لحن صدا صورت پذيرد و اداي جملات نبايد سريع صورت پذيرد. اين نه تنها باعث ترفيع سلامتي ميشود بلكه به كارآيي و مقبوليت كار دانش آموز مي افزايد.

سه چيز ضروري براي شادي خانواده- در بحث بهداشت معلم كوشا و علاقمند از هر فرصتي بهره برده تا ضرورت پاكيزگي كامل را در عادات شخصي و در همه شرايط محيطي نشان دهد. ارزش حمام روزانه در ارتقاي بهداشت و سلامت و در برانگيختن فعاليت ذهني بايد مورد تاكيد قرار گيرد. نور آفتاب و تهويه هوا نيز بايد مورد توجه قرار گيرد كه در بهداشت اتاق خواب و آشپزخانه موثر است. به شاگردان بياموزيد كه يك اتاق خواب بهداشتي و سالم و يك آشپزخانه كاملا تميز و يك ميز با سليقه آراسته شده شادي خانواده و احترام هر مهمان حساسي را بيش از مبلمان و اثاثيه گرانقيمت در اتاق پذيرايي بر خواهد انگيخت. اين تذكره حدودا دو هزار سال پيش داده شده است كه:"زندگي بسيار با ارزشتر از خوراك و پوشاك است" (لوقا 23:12).

در پي درك داروها و شفا بخش هاي طبيعي باشيد- هواي پاك، نور خورشيد، پرهيز و امساك در خوردن و نوشيدن، استراحت، ورزش، رژيم غذايي مناسب، نوشيدن آب، توكل و اعتماد به قدرت الهي، همه اينها داروها و شفا بخش هاي طبيعي هستند. هر فردي بايد از معلومات شفابخش هاي طبيعت و چگونگي استعمال آن آگاه باشد. درك اصول براي علاج بيماري ضروري است و دوره عملي كه فرد را قادر ميسازد تا بطور صحيح از اين دانش بهره ببرد اجتناب ناپذير است.

كاربرد شفابخشهاي طبيعي مستلزم تلاش و مراقبه اي است كه بسياري از توجه به آن كوتاهي ميكنند. مراحل طبيعي التيام و تجديد قوا تدريجي است و براي فرد نا شكيبا كند بنظر ميرسد. صرفنظر از افراطگريهاي مضر به از خود گذشتگي نياز است. ولي در پايان پي برده خواهد شد كه طبيعت آزاد و خود مختار كار خود را بخوبي و حكيمانه انجام ميدهد. كسانيكه از اصول آن تبعيت كنند سلامت جسمي و ذهني را بدست خواهند آورد.

رمز جامع و فراگير- راجع به آنچه كه براي خودمان ميتوانيم انجام دهيم نكته اي وجود دارد كه به توجه فكورانه نيازمند است. ما بايد با خصوصيات جسمي و ذهني خود آشنا بشويم. ما بايد هميشه در حال آموختن چيزهايي باشيم كه چگونه از اين بناي جسم كه خدا بما ارزاني داشته است مراقبت كنيم تا از بهترين وضعيت سلامت برخوردار شويم. ما بايد چيزهايي را تناول كنيم كه براي جسم منفعت داشته باشد و بايد توجه ويژه اي به نوع لباس داشته باشيم تا منتهي به گردش خون سالم گردد. نبايد خود را از ورزش در هواي آزاد محروم كنيم. ما بايد تا حدي كه ممكن است نور آفتاب را جذب كنيم. ما بايد حكمت داشته باشيم تا نگهبان با وفاي جسم خود باشيم.

وقتي كه در حال تعريق هستيم نبايد وارد اتاق سرد بشويم و نبايد در معرض باد بنشينيم و بموجب آن سرما بخوريم. نبايد بگذاريم تا دستان و پايهايمان سرد شوند و از ورود خون به قسمتهاي تحتاني بدن جلوگيري و خون را به مغز و اعضاي داخلي بازگردانيم. همواره بايد از پاهاي خود در هواي مرطوب مراقبت كنيم. بايد بطور منظم غذاي سالم و بهداشتي تناول شود تا بهترين كيفيت خون ساخته شود و نبايد بي اعتدال كار كرد. و وقتي احكام خدا را كه در وجودمان نهفته است نقض كنيم بايد توبه كرده و خود را اصلاح كنيم و خودمان را در وضعيت مطلوبي تحت طبابت خدا قرار دهيم كه هواي پاك و آب خالص و آفتاب شفابخش ارزشمند را تدارك ديده است.

ما بطور شخصي به خدا جوابگو هستيم- بدنهاي ما توسط مسيح خريداري شده اند و آزاد نيستيم تا با آن هر چه ميخواهيم انجام دهيم. همه كساني كه قوانين بهداشت را درك ميكنند بايد التزام خود را به اطاعت از اين فرامين كه خداوند در وجود آنان شكل داده است درك كنند. اطاعت از قوانين بهداشتي بايد بعنوان موضوع و وظيفه اي شخصي در نظر گرفته شود. ما از پيامد قانون تخطي شده رنج ميبريم. ما بطور فردي براي عادات و اعمال خود به خدا پاسخگو هستيم. بنابراين پرسش اين نيست كه دنيا چه ميكند يا خود را توجيه كنيم كه خواهي نشوي رسوا همرنگ جماعت شو! بلكه چطور بعنوان يك فرد با جسمي كه خدا به ما عطا نموده است رفتار كنيم.

**بخش ١٤**

**برقراري و ابقاي توانايي جسمي**

**فصل شصت و يكم**

**خانه دار در آشپزخانه**

فراخوانده شدن اداره كننده خانه- هيچ كاري مهم تر از كار خانه نيست. پخت و پز خوب و آماده ساختن غذاي بهداشتي بطريقي كه طالب داشته باشد به درك و تجربه نياز دارد. فردي كه غذا را آماده ميسازد تا در شكم ها برود تا تبديل به خون شده و سيستم را تغذيه كند مقامي عالي و مهم را اشغال نموده است.

براي هر جواني ضروري است تا با هر وظيفه اي بطور كامل آشنا شود. چنانچه ضروري باشد خانمي جوان ميتواند از دانش فرانسه و جبر يا حتي پيانو معاف گردد ولي ضروري است كه او بداند چگونه بخوبي نان بپزد و جامه اي آراسته بدوزد و با درايت و كارداني بسياري از وظايفي را كه وابسته به خانه داري است را ياد بگيرد. هيچ چيزي حياتي تر از مهارت و حذاقت در طبخ كه سلامت و شادماني را براي خانواده ببار مي آورد نيست. با غذاي بد آماده شده و ناسالم او ممكن است بهره وري بزرگسالان و رشد كودكان را بتاخير بيندازد. يا با آماده ساختن غذايي كه با نياز جسم سازگار است و همزمان خوش طعم و لذيذ او ميتواند آنچه را كه در مسير درست است را بانجام رساند در غير اينصورت او در جهت خلاف جريان حركت ميكند. پس در بسياري از شيوه ها شادماني در زندگي جزيي تفكيك ناپذير در وظيفه شناسي نسبت به كارهاي معمولي زندگي است.

دانش پخت و پز هنري واجب است- عمل طبخ موضوعي كوچك نيست... اين هنر بايد ارزشمند ترين هنر ها در نظر گرفته شود زيرا بطور نزديكي با زندگي پيوند دارد. بايد به آن توجه بيشتري مبذول گردد تا اينكه خونسازي بهتري انجام گردد زيرا كه سيستم بدن به غذاي خوب نيازمند است. بنيادي كه مردم را در سلامت نگاه ميدارد كار تبليغي وابسته به بهداشت و سلامت در طبخ خوب است. اغلب با تهيه غذاي نامطبوع، اصلاح سلامت و بهداشت، به خسران سلامت و بهداشت تبديل ميشود. فقدان دانش راجع به آشپزي بهداشتي بايد اصلاح و بهبود گردد. طباخان خوب كم هستند. بسياري از مادران بايد به كلاس آموزش آشپزي بروند تا غذاي خوب را براي خانواده تهيه كنند.

در پي اين باشيد تا كدبانوي هنرمندي بشويد- خواهران ما اغلب نميدانند كه چگونه آشپزي كنند. بدين مضمون من اگر جاي ايشان بودم براي كارآموزي نزد بهترين آشپزها رفته تا در هنر طبخ به مهارت و كارداني دست يابم.

مطالعه و عمل به آن- غذا ميتواند به سادگي و بهداشتي تهيه گردد ولي به مهارت نياز دارد تا لذيذ و مغذي باشد. براي يادگيري هنر آشپزي، زنان بايد مطالعه كنند و سپس با صبوري آنچه كه فرا گرفته اند را عملي سازند. مردم رنج ميبرند زيرا زحمت اين كار را نميخواهند متقبل شوند. آنان بايد انرژي راكد شده خود را بكار گيرند و خود را از اين دانش مطلع گردانند. خيال نكنيد كه زمان خود را كه صرف نائل شدن به دانش و تجربه آماده كردن غذاي بهداشتي و لذيذ نموده ايد حرام كرده ايد. مسئله اي نيست كه چقدر در طبخ تجربه داشته ايد چنانچه هنوز مسئوليتي در قبال خانواده داريد اين وظيفه شماست تا ياد بگيريد كه چگونه بطور شايسته به آن عمل كنيد.

هم سادگي و هم تنوع ضروري است- غذاها بايد متنوع باشند. يك نوع غذا نبايد هر روزه بر روي سفره ظاهر شود. تنوع در طبخ غذاهايي كه با ذائقه و اشتهاي بيشتري خورده شود سيستم را بهتر تغذيه مينمايد. جسمهاي ما از آنچيزهايي كه ما ميخوريم ساخته ميشوند و بخاطر اينكه بافتهايي با كيفيت بهتري ايجاد كنند بايد نوع غذاي مناسب و درست خورده شود و بايد با چنان مهارتي طبخ شوند كه براي نياز سيستم سازگار باشند. اين وظيفه ديني براي آشپز است تا ياد بگيرد كه چگونه غذاي سالم و بهداشتي را با تنوع تهيه كند تا هم بهداشتي و و هم لذيذ باشند.

حتي بر سفره غذا مد و ظاهر نمايي تاثير مصيبت بار خود را نشان ميدهد. تهيه بهداشتي غذا موضوعي ثانوي شده است. سرو كردن متنوع بزرگي از غذاها پول و وقت و كار زيادي ميبرد بدون اينكه خيريتي در آن نهفته باشد. ممكن است مد روز باشد كه نيم دوجيني غذا بر سر سفره باشد ولي اين رسم سلامت را به تباهي ميكشاند. مردان و زنان معقول بايد اين مد را محكوم كنند. چقدر براي بهداشت و سلامت بهتر خواهد بود تا تداركات سفره ساده تر شود.

نتايج پخت و پز نامرغوب- با آشپزي نامرغوب انرژي هاي زندگي هزاران نفر حرام ميشود. جانهاي زيادي بدون اينكه بتوانند بفهمند از دست رفته اند. در آشفتگيها بيماريهايي توليد ميشود. در اين شرايط چيزهاي آسماني نميتوانند بسادگي تشخيص داده شوند. غذاهاي ناكافي و بد طبخ شده عضوهاي خونساز بدن را ضعيف ميسازد. اين نوع غذاها سيستم را بهم ريخته و باعث تندمزاجي و خلق و خوي بد ميشود و بيماري را بوجود مي آورد. قربانيهاي آشپزيهاي نامرغوب هزاران و ده ها هزار فرد برآورد شده اند. بر روي سنگ قبرهاي آنان بايد نوشته شود: اين فرد بخاطر غذاي نامرغوب و بد رفتاري با شكم درگذشته است.

به كودكانتان ياد بدهيد كه چگونه آشپزي كنند- غفلت نكنيد كه به فرزندانتان ياد بدهيد كه چگونه غذا بپزند. با چنين كاري آنان را با اصولي كه آنها بايد در آموزش مذهبي داشته باشند بهرمند ميسازيد. در دروسي كه در باره فيزيولوژي ميدهيد به آنان چگونگي طبخ ساده و با مهارت را ياد بدهيد و با اينكار شالوده اي براي شاخه هاي مفيد آموزش پي ريزي خواهيد نمود. براي پختن نان نيز به مهارت نياز است. در مذهب خوب طبخ خوب نيز بايد وجود داشته باشد و سلامتي جانها در نظر گرفته شود. و كساني كه در ياد گيري پخت و پز جاهلند نسبت به مذهب هم بي تفاوتند.

آنان را با صبوري و خوشرويي راهنمايي كنيد- مادران بايد دختران خود را وقتي كه خيلي جوان هستند به آشپزخانه ببرند و هنر آشپزي را به آنان ياد بدهند. مادر نميتواند از دختر خود انتظار داشته باشد كه دخترانش رازهاي خانه داري را بدون تحصيل درك كنند. او بايد آنان را با شكيبايي و محبت راهنمايي نمايد و كار را تا آنجا كه ميتواند با سيمايي بشاش و كلامي متنفذ و تشويق آميز مطبوع و دلپذير نمايد. اگر يكبار يا دو بار يا سه بار خرابكاري كردند آنان را سرزنش نكنيد. هم اكنون نوميدي كار خود را ميكند و آنان را وسوسه نموده تا بگويند "فايده اي ندارد و نميتوانم اين كار را انجام دهم". اين زمان سرزنش نيست. اراده ضعيف خواهد شد. اين كار به ترغيب و خوشرويي و كلام اميدوار كننده نياز دارد". به اشتباهاتي كه كرده ايد اهميت ندهيد. زيرا شما كارآموز هستيد و بايد اشتباهات سهوي را پيش بيني كنيد. دوباره سعي كنيد. ذهن خود را بر آنچه كه ميكنيد متمركز كنيد. خيلي محتاط باشيد و حتما موفق خواهيد شد".

چگونه شور و حرارت به سردي خواهد گرائيد- خيلي از مادران اهميت اين شاخه از دانش را درك نميكنند و بيش از زحمت ديدن و نگراني نسبت به راهنمايي فرزندانشان و تحمل كردن شكستها و خطاهايشان در حاليكه در يادگيري هستند ترجيح ميدهند تا همه چيز را خود انجام دهند. و وقتي كه دخترانشان در تلاشهايشان ناتوان ميمانند آنان را دور ميكنند و ميگويند "تو بلا استفاده اي و نميتواني اينكار يا آن كار را انجام بدهي. تو برايم دردسر درست ميكني بيش از آنكه كمكم كنی".

دين سبب تلاشهاي كارآموز پس زده ميشود و اولين شكست مايه سرد شدن شور و حرارت آنان براي ياد گيري ميگردد كه از تلاشي ديگر بيم و هراس داشته و هر كاري ديگر را همچون خياطي و بافندگي و تميز كردن خانه - به آشپزي ترجيح ميدهند. در اينجا مادر بطور زيادي در خطاست. او بايد با صبوري آنان را راهنمايي نموده كه بتوانند با تمرين كردن تجربه اي را كسب كنند كه ناشي گري را رفع نموده و ناپختگي و بي تجربگي را علاج نمايد.

ضروري ترين اقدامات تمهيداتي زن جوان را ميتواند براي زندگي عملي آماده سازد- زنان جوان بايد بطور كامل در آشپزي آموزش ببينند. در هر شرايطي كه زندگي كنند دانشي وجود دارد كه ميتواند مورد استفاده كاربردي قرار گيرد. اين شاخه آموزشي است كه تاثير مستقيمي بر زندگي بشر دارد خصوصا در زندگي كساني كه بسيار عزيز هستند.

الن وايت مينويسد: من خياط خود را ميستايم – تايپيست من فردي ارزشمند است ولي آشپز ما كه ميداند چطور غذا را براي ابقاي زندگي و تغذيه مغز و استخوان و عضلات آماده سازد جايگاه بسيار مهمي در ميان دستياران خانواده دارد. زنان جوان خيال ميكنند كه آشپزي كاري تحقير آميز است و كارهاي ديگري را در خانه انجام ميدهند و به اين دليل بسياري از دختران كه ازدواج كرده و از خانواده مراقبت ميكنند ايده كمي در انجام وظايف دارند كه به يك همسر و مادر محول گرديده است.

سدي را در برابر نابخردي و نقص ايجاد كنيد- وقتي به دخترانتان هنر آشپزي را تعليم ميدهيد در اطراف آنان سدي ايجاد ميكنيد كه آنان را از نابخردي و عيب كه ممكن است ايشان را به وسوسه بيندازد در امان نگهدارد.

مردان همانند زنان بايد آشپزي كردن را ياد بگيرند- مردان همانند زنان نياز به دانستن تدارك ديدن غذاي سالم و ساده بهداشتي هستند. كار و مشغوليت آنان را از بدست آوردن غذاي سالم محروم ميدارد بدين سبب چنانچه آنان دانش آشپزي داشته باشند آنرا ميتوانند در جهت اهداف مناسب و خوب بكار گيرند. هم مردان و هم زنان جوان بايد تعليم ببينند كه چگونه مقتصدانه آشپزي كنند و از غذاهاي گوشتي تا جايي كه ممكن است بپرهيزند.

اقتصاد را فرا گيريد و از هدر دادن اجتناب كنيد- در آشپزي سوالي كه بايد مورد توجه قرار گيرد اين است كه چگونه ميتوان غذا را بطريقي ارزان و طبيعي درست نمود؟ و در اينجا مطالعه با دقت بايد صورت پذيرد كه خرده هاي غذاي باقيمانده نبايد بدور ريخته شود. مطالعه كنيد كه چطور ميتوان اين خرده هاي غذا را از دست نداد. اين مهارت – صرفه جويي و كارداني را ميتوان نوعي ثروت و دارايي تشبيه نمود چيزي كه خانم خانه را يك كدبانوي واقعي ميسازد. در بخشهاي گرمتر فصل كمتر غذا درست كنيد. بيشتر از مواد خشك استفاده كنيد. بسياري از خانواده هاي فقير وجود دارند كه گرچه غذاي كافي براي خوردن ندارند ولي بخاطر فقرشان روشنفكر هستند و چيزي را حرام نميكنند و ته كاسه را نيز با نان تميز ميكنند تا چيزي از غذا باقي نماند و حرام نشود.

سوالهاي اساسي براي تعمق- "هرچه ميخوريد يا مي آشاميد يا هر چه كه ميكنيد همه را براي جلال نام خدا انجام دهيد". آيا اين كار را هنگامي كه غذا را براي خانواده تهيه ميكنيد انجام ميدهيد؟ آيا غذايي را كه ميدانيد بهترين خون را براي فرزندانتان درست ميكند در مقابلشان قرار ميدهيد؟ آيا اين غذايي است كه حرارت و تب سيستم آنان را به حد اقل ميرساند؟ آيا غذا بگونه اي است كه سلامت زندگي آنان را حفظ ميكند؟ آيا اين غذايي است كه مطالعه ميكنيد تا در مقابل كودكانتان قرار دهيد؟ يا اينكه آيا بدون توجه به خيريت آينده آنان برايشان غذايي ناسالم و تحريك كننده و آزار دهنده تهيه ميكنيد؟

**فصل شصت و دوم**

**خوردن براي زنده ماندن**

خداوند تمايلات و اشتها را تعين نمود- تمايلات و اشتهاي ما از سوي خدا تعريف و تعين شده است و وقتي به انسان داده شد خالص و مقدس بودند. اين برنامه خدا بود تا تعقل را بر اشتها مسلط گرداند و خوشي ما را فراهم آورد. و هنگامي كه با دلايل مقدس منظم و كنترل گردد براي خدا قدوسيت خواهند بود.

موضوع انديشه الهي- تعليم بني اسرائيل شامل همه عادات زندگي آنان بود. هر چيزي كه در ارتباط با خيريت و سلامت آنان بود عامل انديشه و نگراني خداوند براي آنان بود و از فحواي قانون الهي نشات گرفته بود. خداوند حتي در تهيه غذا در پي بهترين ها براي خيريت و سلامت آنان بود. (من آسماني) را كه خداوند از آن ايشان را در بيابان اطعام مينمود از طبيعت بود تا قواي جسمي و ذهني و اخلاقي آنان را متعالي سازد. عليرغم زندگي سختي كه در بيابان داشتند هيچ كسي در همه قبايل ضعف جسماني نداشت.

بدن ما از غذايي كه تناول ميكنيم ساخته ميشود- بافت ها و نسج ها دائما در حال گسستگي و از بين رفتن هستند. هر حركتي از هر عضو بدن قوت خود را از دست ميدهد و اين اتلاف قوت با غذايي كه ميخوريم جبران ميشود. هر عضوي از بدن به تغذيه نيازمند است. مغز و استخوان و عضلات و تارهاي عصبي بايستي سهم خود را نيز در تغذيه دريافت كنند. اين مرحله اعجاب بر انگيزي است كه غذا به خون مبدل ميگردد و از خون استفاده ميكند تا قسمتهاي مختلف بدن را ايجاد كند. ولي اين مرحله مداوما ادامه مي يابد و حيات را براي تقويت هر تار عصبي و عضله و بافت تدارك ميبيند.

اطفال را با غذاي صحيح تغذيه كنيد- اهميت تعليم فرزندان به عادات درست رژيم غذايي را بايد در نظر گرفت. كوچكترها نياز دارند تا ياد بگيرند كه بايد بخورند تا زنده بمانند نه اينكه زنده بمانند تا بخورند. آموزش بايد با طفل كه در آغوش مادر است شروع شود. به كودك بايد فقط در فواصل منظم غذا داده شود و وقتي بزرگتر ميشود فواصل و توالي كمتر شود. به كودك نبايد شكلات و آب نبات يا غذاي افراد بزرگسال را داد زيرا كه قادر به هضم آن نيست. مراقبت و نظم و ترتيب در تغذيه اطفال سلامتي را ترفيع ميبخشد و بدين موجب آنان را آرام و خوش خلق خواهد نمود ولي شالوده عاداتي را پي ريزي خواهد نمود كه براي آنان براي ساليان سال بركت خواهد آورد.

ذائقه و اشتها را پرورش دهيد- بايد توجه وافري به ذائقه و اشتهاي فرزندي كه از كودكي بيرون مي آيد داشت. غالبا به آنان اجازه داده ميشود تا هر چيزي كه انتخاب ميكنند بخورند و هر وقت كه دلشان خواست بخورند بدون اينكه سلامتي در نظر گرفته شود. تمامي تلاشها و پول اغلب صرف ولخرجي براي چيزهاي خوشمزه ناسالم ميشود كه جوان را به اين خيال وا دارد كه هدف غايي در زندگي و آنچه كه بيشترين مقدار خوشي را ايجاد ميكند چيزي است كه باعث لذت شكم ميشود. نتيجه اين آموزش شكم پرستي است كه بيماري را حادث ميشود. والدين بايد ذائقه فرزندانشان را پرورش داده و نبايد مصرف غذاهاي ناسالم را مجاز شمارند.

قواي جسمي و ذهني و روحي با رژيم غذايي تحت تاثير قرار ميگيرد- مادراني كه خواهشهاي فرزندانشان را در قبال به خطر انداختن سلامت آنان بر آورده ميسازند تا آنان را دلشاد سازند بذرهاي شرير را ميكارند كه جوانه زده و ثمر خواهد آورد. اسرافكاري و ولخرجي با رشد اين بچه هاي كوچك رشد خواهد نمود و قواي جسمي و ذهني به هدر خواهد رفت. مادراني كه اين كار را ميكنند، با تلخي بذرهايي را كه كاشته اند درو ميكنند. آنان ميبينند كه فرزندانشان در فكر و شخصيت ناشايست بار آمده اند تا سهم خود را در اجتماع با عزت و سودمندي در جامعه يا خانه ايفا نمايند. وجدان و باطن خرفت ميشود و قابليت براي اثرات نيكو ضايع ميگردد.

بهترين غذا را انتخاب كنيد- بخاطر اينكه بدانيد چه غذاهايي بهترين هستند ما بايد برنامه اصلي خدا را براي عادت غذايي بشرمطالعه كنيم. آنكسيكه بشر را خلق نمود نيازهاي او را ميداند و غذاهاي آدم را تعين نموده است... حبوبات – ميوه جات – دانه هاي روغني – و سبزيجات رژيم غذايي را تشكيل ميدهد كه توسط خالق براي ما انتخاب شده است.

غذاها را ساده و اشتها آور تهيه كنيد- خداوند تمهيدات فراواني را براي برآورده ساختن ذائقه و اشتهاي انسان پديد آورد. او محصولات زمين را براي او در زمين گستراند – تنوعي سخاوتمندانه از غذا كه براي ذائقه و تغذيه سيستم خوش طعم و دلپذير بود. پدر آسماني كريم و فياض در اين باب ميگويد كه ما آزادانه ميتوانيم بخوريم. ميوه جات – حبوبات و سبزيجات كه بطريقي ساده تهيه شده اند و عاري از انواع ادويه و چاشني يا شير و خامه هستند بهترين رژيم غذايي سالم ميباشند. آنها جسم را تغذيه و قدرت پايداري را به بدن اعطا ميكنند و قوه ادراكي را بوجود مي آورد كه با رژيم غذايي محرك توليد نشده باشد.

سليقه غذايي- غذاهايي بايد انتخاب شوند كه عناصر مورد نياز را براي رشد و ابقاي بدن تامين ميكنند. سليقه غذايي غلط سلامت را به خطر مي اندازد. بواسطه عادتهاي غذايي غلط اشتها از مسير اصلي خود منحرف ميگردد. اغلب غذايي طلب ميشود كه سلامت را بخطر مي اندازد و در عوض تقويت كردن بدن را تضعيف ميكند... بيماري و رنج هاي شايع بطور وسيعي ناشي از اشتباهات عوامانه در خصوص رژيم غذايي است.

فرزنداني كه از ذائقه نا آموخته خود متابعت ميكنند- نظرات والدين حاكي است كه فرزندانشان غذاهاي خوشمزه را دوست دارند و غير از اين كه گوشت و كيك بخورند چيز ديگري نميتوانند بخورند. كيفيت غذايي كه در هنگام ظهر به آنان داده ميشود رقت انگيز و مخاطره آميز است: نان گندم بدون سبوس و ورقه اي از گوشت خوك كه با فلفل سياه آغشته شده با ترشي هاي ادويه دار- كيك و كنسرو ميوه. چهره رنگ پريده و مريض اين كودكان بطور واضح حاكي از اين ميباشد كه سوء تغذيه نامناسب معده را به رنج و عذاب انداخته است. دو نفر از اين كودكان با غذاهاي خود پنير ميخوردند كه اشتهاي آنان نسبت به غذاهاي ديگر كور شده بود و به مادرانشان التماس ميكردند كه كمي بيشتر پنير به آنها داده شود. مادر اظهار كرد كه: "فرزندان من اين يا آن را بسيار دوست دارند و من به آنها اجازه ميدهم تا هر چه ميخواهند بخورند زيرا اشتها نوعي غذا را طلب ميكند كه سيستم بدن بدان نياز دارد".

چنان ذائقه اصلاح ميگرديد چنين انحرافي بوجود نمي آمد. يك ذائقه طبيعي وجود دارد و يك ذائقه تباه شده. والديني كه فرزندان خود را در تمام زندگيشان به خوردن غذاهاي ناسالم و محرك عادت داده اند، تا هنگامي كه ذائقه از مسير خود منحرف شده آنان خاك رس و مغز مداد و قهوه سوخته و چاي خشك و دارچين و ميخك و ادويه جات ميخورند – و نميتوان مدعي شد كه سيستم بدن چنين چيزهايي را ميطلبد. ذائقه و اشتها بطور غلط پرورش يافته اند تا اينكه از مسير اصلي منحرف گرديده اند. عضوهاي حساس و ظريف معده تحريك شده و ميسوزند تا اينكه حساسيت خود را از دست ميدهند. غذاي ساده و بهداشتي بنظر آنان بي مزه است. معده رنجور كاري را كه بايد انجام نميدهد مگر اينكه با مواد محرك بر انگيخته شود. چنانچه اين فرزندان از طفوليت آموزش ميديدند تا فقط غذاهاي سالمي را كه با شيوه اي بسيار ساده درست شده اند بخورند و عناصر طبيعي آن را تا جايي كه ممكن است حفظ نمايند و از گوشت و روغن و ادويه جات پرهيز ميكردند ذائقه و اشتها سالم باقي خواهد ماند. سيستم بدن در حد بالايي مواد طبيعي را طلب ميكند.

غذاهاي گوشتي چطور؟- ما دقيقا مسيري را براي رژيم غذايي نشان نميدهيم ولي توصيه ميكنيم مناطقي كه در آنجا ميوه جات و حبوبات و دانه هاي روغني همانند گردو و بادام درختي و بادام زميني و از اين قسم بوفور يافت ميشود از غذاهاي گوشتي كه براي امت خدا مناسب نيست استفاده نكنند. به ما آموزش داده شده است كه غذاهاي گوشتي گرايش دارد تا طبيعت انساني را حيواني كند و حس ترحم و دلسوزي را از زنان و مردان بربايد كه بايد براي هر كسي بايد احساس نمايند و رذالت بر كمال تفوق مي آيد. اگر در زمان هاي گذشته گوشتخواري هميشه سالم و مقوي بود ولي در حال حاضر چنين نيست.

دلايلي براي دست كشيدن از غذاهاي گوشتي- كساني كه گوشت ميخورند بايد حبوبات و سبزيجات نيز بخورند زيرا حيوان براي رشد و تغذيه از اين چيزها ميخورد. قدرت حياتي كه در حبوبات و سبزيجات وجود دارد به خورنده آن انتقال مي يابد. ما با خوردن گوشت حيوانات آنرا دريافت ميكنيم. چقدر بهتر است تا مستقيما آنرا با خوردن غذايي كه خداوند براي استفاده تهيه نموده بدست آوريم.

گوشت هرگز بهترين غذا نبوده است ولي استفاده آن اكنون بطور مضاعفي قابل اعتراض است. از آنجا كه بيماري در حيوانات بطور سريعي در حال افزايش است. آنانيكه از غذاهاي گوشتي استفاده ميكنند كمي ميدانند كه چه ميخورند. اگر ميتوانستند ببينند كه حيوان چگونه زندگي ميكند و چه ميخورد با انزجار از خوردن گوشت طفره ميرفتند. مردم مداوما گوشتي را ميخورند كه مسلول است و منشاء سرطانزا دارد. سل ، سرطان و بيماريهاي مهلك بدين وسيله منتشر ميگردند.

تاثير آن بطور آني درك نميشود- تاثيرات غذاهاي گوشتي ممكن است بيدرنگ درك نگردد ولي مصداقي بر اين مطلب نيست كه مضر نيستند. تعداد كمي را ميتوان متقاعد نمود كه گوشت خورده شده سم را بخون وارد نموده و علت ابتلاي آنان به رنج و بيماري است. بسياري از افراد از بيماريهايي ميميرند كه كاملا منشاء خوراك گوشتي دارد در حاليكه دليل واقعي توسط ايشان يا ديگران مورد بررسي قرار نگرفته است.

به رژيم غذايي اصلي سالم بازگرديد- آيا زمان آن فرا نرسيده است كه قصد كنيم تا از غذاهاي گوشتي رهايي يابيم؟ كساني كه در پي پاك و خالص شدن و مقدس شدن هستند ميتوانند با فرشتگان آسماني محشور شوند و از خوردن غذاهايي كه براي جسم و جان مضر هستند بپرهيزند. چگونه ميتوان جان مخلوقاتي را بگيرند بخاطر اينكه گوشت را بعنوان يك غذاي تجملي تناول كنند؟ بگذاريد تا در عوض، به مصرف غذاهاي سالم و لذيذي كه در ابتدا به آنان داده شده بود بازگردند.

خط سير كساني كه منتظر بازگشت مسيح هستند- در ميان آناني كه منتظر بازگشت مسيح هستند گوشتخواري سرانجام بكنار خواهد رفت و گوشت از رژيم غذايي آنان حذف خواهد شد. ما هميشه بايد با جد و جهد به اين مسيرادامه بدهيم. از ديدگاه نويسنده كتاب، گوشتخواري با نور هدايتي كه خداوند ارزاني داشته هماهنگي ندارد.

بازگشت به طرح خداوند- دوباره و دوباره نشان داده شده است كه خداوند امت خويش را به برنامه اصلي فرا ميخواند كه با خوردن گوشت حيوانات مرده نبايد زيست. او از ما ميخواهد تا مردم را بهتر آموزش بدهيم... چنانچه خوردن گوشت ترك شود، اگر ذائقه در مسيري كه بايد و شايد هدايت گردد - اگر ميل به خوردن ميوه جات و حبوبات ترغيب گردد بزودي شاهد آنچيزي خواهيم بود كه خداوند در ابتدا برنامه ريزي كرده بود. هيچ گوشتي توسط امت وي خورده نخواهد شد.

آموزش در رابطه با تغيير رژيم غذايي- اين فرضيه اشتباه است كه تقويت عضلاني بستگي به استفاده از فرآورده هاي حيواني دارد. نياز سيستم بهتر ميتواند بدون آن تامين گردد و بنيه جسمي بدون آن بيشتر تقويت ميگردد. حبوبات با ميوه جات، دانه هاي گياهي و سبزيجات شامل همه خصوصيات لازمه مغذي براي خون سالم هستند. اين عناصر بطور كامل توسط رژيم غذايي گوشتي تامين نميگردد. اگر گوشت ميتوانست براي بنيه و سلامتي ضروري باشد غذاي حيواني در همان ابتدا در رژيم غذايي انسان منظور ميگرديد.

وقتي استفاده از غذاي گوشتي صرفنظر شود اغلب حس ضعف و كمبود انرژي بوجود مي آيد. بسياري بر اين مدعا اصرار ورزيده مبني بر اينكه غذاي گوشتي ضروري است ولي اين بدين خاطر است كه اين گروه غذايي محرك هستند زيرا خون را گرم نموده و اعصاب را تحريك و تهييج مينمايند. بهمين دليل است كه فقدان آن احساس ميگردد. براي برخي رها كردن گوشت مانند گرفتن مي از ميگسار است ولي با اين كار بتدريج سلامت خود را باز خواهند يافت. وقتي غذاي گوشتي ترك شود جاي آن بايد با حبوبات و دانه هاي روغني و سبزيجات و ميوه جات پر شود كه هم مغذي است و هم اشتها آور. اين امر بخصوص در مورد كساني كه ضعيف هستند و يا با كار مداوم تحت فشار هستند ضروري است.

جايگزينهاي خوب تهيه شده سودمند هستند- خصوصا زماني كه گوشت جزو مواد اصلي تشكيل دهنده غذاست طبخ خوب از اهم واجبات است. چيزي بايد تهيه شود تا جاي گوشت را بگيرد و اين جايگزينها براي گوشت بايد خوب آماده شوند كه بدين جهت رغبتي براي گوشت نباشد. با خانواده هايي آشنا هستيم كه رژيم غذايي خود را از گوشت به نوعي تغيير داده كه بي خاصيت و تضعيف كننده است. غذاي آنان چنان نامرغوب تهيه شده كه معده از آن بيزار است و اين مطلب را ميرساند كه با بهبود سلامت در تغاير است بدين سبب كه بنيه جسمي رو به افول است. در اينجا دليلي وجود دارد كه چرا بعضي در تلاشهاي خود در ساده سازي غذاي خود توفيقي نيافته اند. آنان رژيم غذايي ضعيفي دارند. غذا بدون زحمت و دقت تهيه شده است و آش همان آش و كاسه هم همان كاسه است!

در يك وعده غذايي نبايد چند نوع غذا وجود داشته باشد ولي همه غذاها هم نبايد با همان نوع درست شده باشد و تنوع بايد داشته باشد. غذا بايد با سادگي درست شود با اينحال با ظرافتي كه اشتها آور باشد.

غلبه بر اشتهاي غير طبيعي- افرادي كه خود را با يك رژيم غذايي شديدا تحريك كننده عادت داده اند ذائقه اي غير طبيعي دارند و نميتوانند از طعم غذايي كه ساده است لذت ببرند. طبيعي شدن ذائقه براي معده اي كه از سوء تغذيه رنج ميبرد زمان بر است. ولي كسانيكه در مصرف غذاي سالم پشتكار بخرج ميدهند پس از مدت زماني آنرا مطبوع و خوش طعم خواهند يافت. طعم و مزه لذيذ و خوشمزه آن حس خواهد شد و با لذت بيشتري از آن غذاهاي ناسالم خورده خواهد شد. و معده در وضعيت سالم نه رنج خواهد برد و نه به آن فشار آورده خواهد شد و بسادگي ميتواند وظيفه خود را در هضم غذا اجرا كند.

غذاي سالم خوردن فداكاري نيست- در حاليكه فرزندان بايد به كنترل اشتهاي خود تعليم داده شوند و با مراجع سالم و بهداشتي خورده شوند بايد بسادگي گفته شود كه آنان تنها از آنچه كه به آنان آسيب و ضرر ميرساند حذر ميكنند. آنان از چيزهاي مضر پرهيز ميكنند تا به چيزهاي بهتر نائل شوند. سفره غذا بايد جذاب باشد همانطور كه خدا از چيزهاي خوب آنها را بوفور ارزاني داشته است.

فصل و آب و هوا و اشتغال را در نظر بگيريد- همه غذاها بطور مساوي براي نيازهاي ما تحت همه شرايط سالم و بي خطر نيستند. در انتخاب غذا بايد توجه كرد. رژيم غذايي ما بايد متناسب با فصل باشد و با آب و هوايي كه در آن زندگي ميكنيم سازگار بوده و با كاري كه ميكنيم همنوا باشد. بعضي غذا ها كه در يك فصل يا شرايط آب و هوايي انتخاب ميشود براي فصول و يا آب و هواي ديگر مناسب نيست. بنابراين غذاهاي مختلفي هستند كه براي افراد در حرفه هاي مختلف تناسب دارند. اغلب نوع غذايي كه براي كار هاي سنگين و جسمي بكار برده ميشود براي افرادي كه كار ذهني و باصطلاح پشت ميزي انجام ميدهند متفاوت بايد باشد. خداوند وسعت تنوع را در غذاهاي سالم بما ارزاني داشته است و هر فردي بايد آن چيزهايي را انتخاب كند كه تجربه و عقل سليم مويد بهترين مناسبت آن براي سلامت ما باشد.

غذا را با مهارت و كارداني تهيه كنيد- خوردن غذا محض ارضاي اشتها كاري اشتباه است و هيچ سهل انگاري نبايد راجع به كيفيت غذا يا شيوه درست شدن آن صورت پذيرد. اگر غذاي خورده شده خوشمزه نبوده باشد جسم بخوبي تغذيه نخواهد شد. غذا بايد بدقت انتخاب و با مهارت و كارداني تهيه گردد.

براي مهمان چلو خورش براي خودمان عدس پلو؟ - بسياري از خانواده ها تنها براي مهمانان سفره بزرگي تدارك ميبينند. غذاهاي متنوعي آماده ميشود. اين غذا براي آنهايي كه به اين تنوع غذايي با شكوه عادت ندارند وسوسه كننده است. شاهد خانواده هايي هستيم كه براي مهمانان خود چنين چرب و نرم و متنوع غذا تدارك ميبينند. آنان در خانواده خود نظم و ترتيبي را رعايت نميكنند. غذا آنطور كه همسر يا مادر راحت باشد درست ميشود. و خشنودي شوهر و فرزندان مورد بررسي قرار نميگيرد. چنين نمايش با شكوهي فقط براي مهمانان تدارك ديده شده است و خانواده در زمانهاي عادي از آن بي نصيب است. سفره اي در يك گوشه با غذاهاي سرد يا شب مانده كه دلربا نيست اغلب ديده ميشود.

زمان غذا خوردن را موقعيتي براي معاشرت دلپذير بسازيد- زمان غذا بايد فصلي براي مراودات اجتماعي و رفع خستگي باشد. بايد از هر چيزي كه باعث رنجش خاطر و زحمت ميشود اجتناب نمود. بايد به ارزاني دارنده همه خيريات حمد و سپاس گفت و با مهرباني گفتگو را جذاب و خوشايند نمود - تراوش انديشه هايي دلنشين كه فرد خسته را به اعتدال آورده و او را بشاش كند.

سفره جايي نيست كه در آنجا توسط كودكان سركشي انجام شود و و والدين هم آن را ادامه بدهند. همه خانواده بايد با شادماني غذا بخورد و با سپاسگزاري بياد داشته باشد كه آنانيكه خدا را دوست داشته و از او پيروي ميكنند در ملكوت خدا در شام عروسي بره شركت خواهند جست و عيسي خود نيز آنان را خواهد پذيرفت.

نظم و ترتيب در غذا خوردن- بي قاعدگي در غذا خوردن هماهنگي دستگاه هاضمه را بهم خواهد ريخت و مخل سلامت و خوشي خواهد بود. در هيچ موردي زمان خوردن غذا نبايد نامنظم باشد. چنانچه غذا يك يا دو ساعت قبل از زمان معمول خورده شود معده براي كار جديد آماده نخواهد بود زيرا هنوز از هضم غذاي خورده شده قبلي فارغ نشده است و نيروي لازمه را براي كار جديد ندارد. بنابر اين به سيستم فشار وارد ميشود.

در خوردن غذا نبايد يكي دوساعت تاخير انداخته شود تا شرايط را آنگونه كه دوست داريم آماده سازيم يا اينكه در صرف غذا تعلل شود بخاطر اينكه هنوز كاري باقي مانده است. معده براي زماني كه به آن عادت كرده است غذا ميطلبد. اگر در آن زمان تاخير صورت پذيرد انرژي سيستم افول نموده و نهايتا اشتها بطور كلي از بين ميرود. چنانچه پس از آن زمان غذا خورده شود معده قادر نخواهد بود تا بطور شايسته كار خود را انجام دهد. غذا نميتواند به خون پاك و خوب مبدل گردد. چنانچه همه در دوره هاي منظم غذا بخورند و بين غذا هيچ چيزي خورده نشود همه براي غذاهاي خود آماده بوده و از خوردن لذت خواهند برد.

به فرزندانتان ياد بدهيد كه چه وقت و چطور و چه چيزي بخورند- كودكان بطور كلي در خصوص اهميت اينكه كي و چطور و چه چيزي بخورند نا آگاه هستند. به آنان اجازه داده شده است تا هر وقت كه دلشان خواست آزادانه شكمبارگي كنند و در همه ساعات غذا بخورند و هر وقت چيزي چشمانشان را وسوسه كرد از آن بخورند خواه كيك يا نان و پنير و تنقلات و حلويات باشد تقريبا دايما خورده ميشود و آنان را شكم پرست نموده و باعث سوء هاضمه آنان ميگردد. دستگاه جهاز هاضمه مانند يك آسياب كه دايما از آن كار ميكشند سست و ضعيف ميشود. تحريكات غير طبيعي و استهلاك قواي ضروري آنان را عصبي – بي صبر و حوصله – خود راي و زود رنج و تند خو ميسازد. بندرت ميتوان آنان را از زير نظر والدينشان دور داشت. در بسياري موارد روحيه اخلاقي بنظر خرف ميگردد و مشكل خواهد بود تا حس خجالت و شرمندگي و گناه را در آنان بيدار كرد زيرا كه بسادگي به دروغگوئي و فريب ميلغزند و اغلب آشكارا دروغ ميگويند.

والدين بخاطر اين چيزها براي فرزندانشان دلسوزي ميكنند ولي درك نميكنند كه اين مديريت بد آنان است كه آنان را به شرارت رهنمون گردانيده است. آنان نياز به كنترل و محدود كردن شكمبارگي و احساسات فرزندانشان را مشاهده نكرده اند. و آنان با همين خصوصيات و شيوه با ناهنجاريهاي خود بزرگ شده اند. مادران با دستان خود براي فرزندانشان غذاهايي تهيه و در مقابل آنان گذارده اند كه زمينه آسيب جسمي و ذهني آنان را فراهم مي آورد.

هرگز بين غذاها چيزي نخوريد- بايد به معده توجه خاصي مبذول شود. و نبايد هميشه آنرا مشغول نگاه داشت. به اين عضو سوء رفتار شده بدن و بيش از حد كار كشيده شده اجازه دهيد تا براي پنج ساعت استراحت كند. در بين غذا نبايد خرده ريز را در شكم ريخت. در اين فاصله معده كار خود را انجام خواهد داد و سپس در وضعيتي خواهد بود تا غذاي بيشتري دريافت كند. مادران اشتباه بزرگي ميكنند كه به فرزندانشان اجازه ميدهند تا در بين غذا چيزهايي بخورند. معده با چنين عملي مختل ميشود و رنج و درد آينده پايه ريزي ميشود. غذاي ناسالم باعث كج خلقي آنان شده است - در حاليكه هنوز هضم نشده است- وليكن مادر احساس ميكند كه نميتواند زمان بگذارد تا در باره اين موضوع استدلال نموده و مديريت زيانبار خود را تصحيح نمايد. او به اين كودكان رنجور تكه اي كيك يا چيزهايي كه از نظر آنان خوشمزه است ميدهد ولي اين تنها شرارت را مي افزايد.

مادران اغلب از سلامت ضعيف فرزندانشان گلايه ميكنند و با طبيبان مشاوره ميكنند در حاليكه اگر كمي فكر خود را بكار بيندازند خواهند ديد كه مشكل با رژيم غذايي غلط ايجاد شده است.

خورده خوري عادت زيانباري است- عادت زيانبار ديگر، خوردن غذا كمي قبل از خواب است. ميتوان غذا را از روي نظم و ترتيب خورد ولي بخاطر اينكه حس ضعف وجود دارد غذاي بيشتري خورده ميشود. با افراطگري اين عمل اشتباه به عادت مبدل ميشود و اغلب از اين فكر نميتوان بسادگي گذر كرد كه خواب بدون غذا غير ممكن است. در نتيجه خوردن شام دير هنگام مرحله هضم در طي زمانهاي خواب و استراحت روي ميدهد. ولي گرچه معده دائما كار ميكند كار آن بطور شايسته انجام نميشود. خواب اغلب با ديدن خوابهاي ناگوار و كابوس مختل ميشود و در صبحگاه فرد بدون طراوت از خواب بيدار شده و رغبت كمي به صبحانه دارد. وقتي كه براي استراحت دراز ميكشيد معده بايد كار خود را انجام داده باشد و همچنين اعضاي ديگر بدن نيز بايد در آسودگي باشد تا از استراحت بهره مند گردد. براي افراد كه عادات غير متحرك دارند شام ديرهنگام بطور اخص مضر است. و در چنين حالتي اختلال ايجاد شده كه اغلب آغاز بيماريهايي است كه به مرگ ختم ميگردد.

صبحانه مهم است- فرزند شما خوي عصبي دارد و رژيم غذايي او بايد بطور دقيقي كنترل شود. او نبايد مجاز شود تا غذايي را انتخاب كند كه خشنود كننده ذائقه و فاقد تغذيه مناسب است... هرگز نگذاريد تا بدون صبحانه از خانه به مدرسه برود. هرگز در اين موضوع مخاطره نكنيد. خود را كاملا تحت كنترل خدا قرار دهيد و او به شما كمك خواهد كرد تا همه خواسته هاي شما را در توازن با مطالبات خود در آورد.

اين رسم و آيين جامعه است كه مقدار كمي صبحانه بخورد. ولي اين بهترين روش رفتار با معده نيست. در زمان صبحانه معده نسبت به زمانهاي ديگر نوبت غذايي در وضعيت بهتري قرار دارد. عادت كم خوردن صبحانه و پر خوري در هنگام ناهار و شام اشتباه است. صبحانه را غذاي اصلي روزانه خود قرار دهيد.

بهترين غذاها را تهيه كنيد- كودكان و نوجوانان نبايد كم غذا بخورند و بايد غذاي سالم را بحد كافي ميل نمايند ولي اين بدين معني نيست كه در جلوي آنان كيك و نان خامه اي بگذاريد. آنان بايد بهترين ورزش و بهترين غذا را داشته باشند زيرا كه اينها در اخلاق و ذهن تاثير ميگذارد. يك رژيم غذايي سالم يكي از اهدافي خواهد بود كه بدانوسيله هضم سالم را ميتواند در بر داشته باشد.

با اعتدال و ميانه روي غذا بخوريد- والدين اغلب با زياد دادن غذا به فرزندان خود اشتباه ميكنند. فرزنداني كه اينگونه با آنان رفتار شده است وقتي بزرگ شوند داراي اختلال و سوء هاضمه هستند. اعتدال حتي در خوردن غذاهاي خوب واجب است. والدين بايد مقدار غذايي را جلوي فرزند خويش بگذارند كه قادر به خوردن آن باشد. جلوي آنان باندازه اي غذا نگذاريد كه هر چقدر مايل بودند بخورند. والدين اگر چنين كنند موجب كندي ادراك فرزندان خود خواهند . شد آنان وقتي به مدرسه بروند قادر به فراگيري مناسب نخواهند بود. زيرا خوني كه قرار بوده براي فراگيري به مغز برود بخاطر غذاي اضافه و كار اضافي معده به شكم منتقل شده است. والدين بايد بياموزند و ببينند كه غذاي بيش از حد دادن به فرزندان آنان را در عوض ستبر و تنومند شدن ضعيف و خرفت ميسازد.

كودكان نبايد ديكته كنند بلكه اين وظيفه والدين است- به آنان بياموزيد تا چگونه از ميل به خوردن اضافي صرفنظر كنند و براي غذاي ساده سپاسگزار باشند آن رژيم غذايي ساده اي كه خدا به آنان داده است. نبايد به آنان اجازه دهيد تا بشما ديكته كنند كه چه چيزي دوست دارند بخورند بلكه شما بايد به آنها ديكته كنيد كه چه چيزي براي آنان خوب است. اين گناه است تا به فرزندان خود اجازه دهيد بخاطر اينكه غذايي باب طبع آنان نيست غر و لند كنند.

به فرزند اجازه ندهيد تا حس كند كه چون فرزند شماست بايد به او احترام گذارده شود و مستقيما راه و روش خود را انتخاب كند. تجربه والدين بايد در زندگي كودك داراي قدرت كنترل باشد.

به سليقه فرزند خود چنانچه مقبول باشد احترام بگذاريد- اين به عهده ما افراد است تا تصميم بگيريم كه آيا زندگي ما بايد با ذهن يا جسم ما تحت كنترل قرار گيرد. جوانان هر يك بايد براي خودشان انتخاب داشته باشند تا زندگي خود را شكل دهند و بايد درك كنند كه چگونه با مشكلات و تاثيرات دست بگريبان شده و شخصيت و سرنوشت خود را قالبريزي كنند.

در آموزش، جوانان و نوجوانان بايد تعليم ببينند كه عادت خوردن و نوشيدن و لباس پوشيدن كه با معيارهاي دنيوي شكل گرفته اند مطابق با احكام تندرستي و حيات نيست و بايد با دليل و برهان كنترل و استدلال گردد. بدعادتي در اشتها و سليقه نبايد مجاز گردد زيرا بر عقل فائق ميشود. بمنظور تامين اين هدف جوانان بايد اهداف عالي و انگيزه هاي خود را فراتر از لذات حيواني در خوردن و نوشيدن قرار دهند.

تاثيرات وسيع اشتهاي منحرف شده- برخي مردم به لزوم خوردن و نوشيدن براي جلال خدا اهميتي نميدهند. شكمبارگي در همه روابط زندگي تاثير ميگذارد. در خانواده ، در كليسا ، در جلسات دعا و در رفتار با كودكان اين مسئله ديده شده است. اين بي تفاوتي براي زندگي آنان لعنت است. اين مسئله آنان را از درك حقايق روزهاي آخر محروم ميكند.

زندگي سالم وظيفه شخصي است- آنچه كه ميخوريم و مينوشيم اثر مهمي را بر زندگي ما و شخصيت ما ميگذارد و مسيحيان بايد عادات خوردن و نوشيدن خود را با قوانين طبيعت انطباق دهند. ما بايد در باره اين موضوعها وظيفه خود را حس كنيم. اطاعت از قوانين بهداشت بايد موضوعي براي مطالعه قرار گيرد زيرا كه ناداني و جهل خودخواسته در اين باب گناه محسوب ميشود. هر يك بايد وظيفه شخصي خود بداند تا احكام و قوانين زندگي سالم را بر دوش بكشد.

**فصل شصتم و سوم**

**اعتدال در همه چيز**

افراط و بي اعتدالي موجب اكثر بيماريها در زندگي ميشود- افراط سالانه ده ها هزار نفر را هلاك ميكند. در اينجا بحث بر سر مشروبات الكلي نيست بلكه در بعدي وسيعتر، افراطگري در پر خوري يا خوردن بيش از حد چيزهايي است كه براي بدن مشكل ايجاد ميكند. بواسطه افراط بعضي افراد نيم و ديگران دو سوم قواي جسمي و ذهني و روحاني خود را از دست داده و خود را بازيچه دست خصم ميسازند.

افراط و تفريط گناه است- افراط و تفريط در خوردن و نوشيدن و خوابيدن يا تماشا گردن گناه است. فعاليتهاي موزون سالم همه قواهاي جسم و ذهن منتج به شادماني ميگردد و اين قوا ها هر چه بيشتر متعالي و پالايش گردد شادي ناب تر و خالص تر ميشود.

اعتدال اصل زندگي مذهبي است- اعتدال و ميانه روي در هر چيز اين زندگي بايد آموخته شده و بدان عمل شود. ميانه روي در خوردن و نوشيدن و خوابيدن و لباس و آرايش، اصول با شكوهي از زندگي مذهبي است. حقيقتي كه وارد حريم جان گردد چگونگي رفتار با جسم را رهبري مينمايد. هيچ چيزي راجع به سلامت بشر نبايد با بي قيدي و سهل انگاري نگريسته شود. سعادت ابدي ما بستگي به استفاده اي است كه در طي زندگي از زمان و توان و تاثيرات براي خود ميكنيم. تنها يك زندگي در اينجا بما واگذار شده است و هر كسي بايد در جستجوي اين سوال باشد كه چگونه ميتوانم از زندگي بيشترين بهره را ببرم؟

اولين وظيفه ما نسبت به خدا و همنوعان خودمان، رشد و ترقي زندگي خودمان است. هر گونه توانايي كه خالق بما ارزاني داشته است بايد پرورش يافته تا حدي كه به كمال برسد. تا اينكه قادر شويم در حد زيادي به خود و ديگران خير و منفعت برسانيم. از اينجهت زماني كه براي نيكوكاري صرف گرديده سلامت ذهن و جسم ما را در پي خواهد داشت. ما نبايد با كار بيش از حد يا سوء استفاده از هر قسمت از دستگاه زنده بدن باعث عجز و ناتواني ذهن و جسم شويم. اگر چنين كنيم بايد از پيامد و عاقبت آن متحمل رنج شويم.

قدرت شگفت انگيز- رعايت اعتدال و نظم در تمامي چيزها باعث توانمندي اعجاب بر انگيزي ميشود. اعتدال بيش از شرايط محيطي يا موهبت هاي طبيعي در خوش خلقي و صفاي روحيه كمك ميكند و مسير زندگي را صاف و هموار ميسازد. و همزمان نيروي عزت نفس حاصل گرديده يكي از ارزشمند ترين لوازم براي توفيق يافتن بر وظايف مشكل است و اين واقعيتي است كه هر بشري در انتظار آن است.

كمكي براي واضح فكر كردن- انسانها در هر مقام و مسئوليتي هر روزه بايد تصميم هايي بگيرند كه نتيجه بسيار مهمي در بر دارد. آنان غالبا مجبورند سريع فكر كنند و اين امر تنها بوسيله كساني ميسر است كه اعتدال و ميانه روي را رويه خود كرده اند. ذهن تحت رفتار صحيح قدرتهاي جسمي و ذهني تقويت ميگردد. اگربه مغز خود فشار نياوريد هر گاه كه مغز خود را بكار ببريد در هر بار تنش فكري انرژي و قوت تازه اي خواهد يافت.

عادتهاي معتدل اجر زيادي را بهمراه خواهد داشت- نسل جديد با فريبهاي برنامه ريزي شده براي وسوسه كردن ذائقه و اشتها احاطه شده است. مخصوصا در شهرهاي بزرگ انواع و اقسام چيزهاي مفرح و دلپذير كننده درست شده است. كسانيكه مانند دانيال از آلوده ساختن خويش سر باز زدند اجر عادتهاي معتدل و ميانه روي خود را خواهند يافت. با بنيه جسمي بهتر و قدرت پايداري افزايش يافته، آنان پس اندازي دارند كه ميتوانند در هنگام اضطرار از آن برداشت كنند.

عادتهاي درست جسمي باعث تفوق ذهني ميگردد. قدرت فكري، توان جسمي و طول عمر بستگي به قوانين تغيير ناپذير دارد. طبيعت خدا مداخله نخواهد نمود تا انسان را از پيامدهاي تجاوز به احكام طبيعت مصون و محفوظ بدارد.

براي سلامت كامل در همه امور ميانه رو بوده و اعتدال داشته باشيد- بخاطر حفظ بهداشت و سلامت ميانه روي در همه چيز ضروري است... پدر آسماني ما نور هدايت خود را براي بهبود سلامت بر عليه چيزهاي زيان آور فرستاد كه نتيجه رغبت براي چيزهاي پست بود كه بموجب آن كسانيكه خلوص و قدوسيت را دوست دارند بدانند كه چطور از چيزهاي خوبي كه او برايشان تدارك ديده استفاده كنند و با ميانه روي و اعتدال در زندگي روزانه بتوانند بواسطه حقيقت تطهير شوند.

اعتدال پيش نياز تقديس است- امت خدا بايد اعتدال را در همه امور ياد بگيرند... همه تن آسايي ها بايد از زندگي قطع شود. مردم قبل از اينكه معني تقديس واقعي و انطباق با اراده مسيح را بفهمند بايستي با همياري با خدا بر عادات و كارهاي اشتباه خود تسلط يابند.

در مطالعه- زياده روي در مطالعه گونه اي از مسكرات است و كساني كه در آن افراط كنند مانند ميگساران از مسيرهاي امن منحرف و سرگردان شده و لغزش خورده و در تاريكي سقوط ميكنند. خداوند از هر دانش آموزي ميخواهد كه در ذهن داشته باشد كه فقط به خدا چشم بدوزد و به او توكل كند. او نبايد خود را خسته و توان جسمي و ذهني خود را در بدست آوردن همه علوم و دانشها هدر دهد بلكه بايد انرژي خود را براي كاري كه خدا براي او تعين نموده است در كمك به جانها و يافتن راه عدالت بكار برد.

در كار- ما بايد در كار خود اعتدال داشته باشيم. وظيفه ما نيست تا خود را در جايگاهي قرار دهيم كه كار مفرط انجام دهيم. بعضي افراد در زمانهاي ضروري چنين ميكنند ولي اين بايد استثنا باشد و نه قانون. ما بايد ميانه روي در هر چيز را تمرين و تجربه كنيم. چنانچه خدا را با ايفاي سهم خود در كار حرمت نهيم او نيز به سهم خود سلامت ما را محفوظ نگاه خواهد داشت. ما بايد بطور حساس همه اعضاي خود را كنترل كنيم. با ميانه روي در خوردن و نوشيدن و لباس و آرايش و كار و در همه امور كاري را كه طبيبان براي ما ميخواهند انجام دهند را تكميل ميكنيم. بعنوان قانون، كار روز نبايد به شب امتداد يابد. كساني كه چنين ميكنند بيش از آنچه كه بدست آورند از دست ميدهند زيرا كه انرژي خود را از دست داده و كار خود را با برانگيختگي عصبي انجام ميدهند. آنان ممكن است آسيب آني را درك نكنند ولي مطمئنا بنيه خود را تحليل ميدهند.

آنانيكه سعي بليغ ميكنند تا با خستگي و بدون استراحت كار را در زمان تعين شده تمام كنند به كار خود ادامه ميدهند هرگز نفعي نخواهند برد. آنان با سرمايه استقراض شده زندگي ميكنند. آنان نيروي حياتي را كه در آينده با آن نياز خواهند داشت را صرف ميكنند. و وقتي انرژي را كه بي ملاحظه مصرف كرده اند مطالبه شود، از داشتن آن بي بهره اند. قواي جسمي از بين رفته و توان فكري درمانده ميگردد. آنان درك ميكنند كه مغبون و مضرور گرديده اند ولي دليل آنرا نميدانند. زمان نياز آنان فرا رسيده است ولي منابع جسمي آنان كوفته و درمانده گرديده است. هركسي كه به احكام بهداشت و سلامت تجاوز كند گاهي اوقات بايد كمابيش متحمل رنج بشود. خداوند نيروي دروني و ذاتي را براي ما فراهم آورده است كه در دوره هاي مختلف زندگي به آن نياز داريم. اگر با بي قيدي با كارممتد و فشار مستمر اين نيرو را زائل نمائيم زماني متضرر خواهيم شد.

در لباس پوشيدن- لباس پوشيدن از هر حيث بايد بهداشتي باشد. فراتر از هر چيز خداوند از ما ميخواهد تا در سلامت باشيم - در سلامت جسم و جان. و ما بايد با او براي جسم و جان همكاري كنيم. سلامت جسم و جان با درست لباس پوشيدن تامين خواهد شد.

لباس بايد برازنده و زيبا و متناسب با سادگي طبيعي باشد. مسيح بما در مورد غرورهاي زندگي هشدار داد ولي نه بر ضد برازندگي و زيبندگي طبيعي.

در خوردن- اعتدال واقعي بما تعليم ميدهد تاكاملا از هر چيز مضر بر حذر بوده و با استفاده از عقل سليم از چيزي استفاده كنيم كه سالم و درست باشد. تعداد كمي وجود دارند كه ميدانند كه چطور عادات رژيم غذايي آنان با سلامت و شخصيت و سودمندي آنان در اين جهان و سرنوشت ابدي آنان پيوند خورده است. اشتهاي غذايي بايد هميشه تحت كنترل قدرتهاي فكري و اخلاقي باشد. جسم بايد به ذهن خدمت برساند و نه اينكه ذهن به جسم خدمت كند.

آنانيكه از روي افراطگري و نامعقولانه غذا ميخورند و كار ميكنند، حرف و عمل آنان نيز نامعقول است. نيازي نيست تا براي معتدل شدن مشروبات الكلي نوشيد. گناه خوردن از روي افراطگري – خوردن غذاي ناسالم چرب و زياد بطور مكرر، فعاليتهاي سالم جهاز هاضمه را از بين برده و بر ذهن اثر ميگذارد و قدرت تشخيص و قضاوت را به انحراف ميكشاند و از فكر و عمل سالم و آرام و معقول جلوگيري بعمل مي آورد.

توجه مخصوص و نه پرخوري- در نه مورد از ده مورد خطر بيشتري در زياد خوردن وجود دارد تا كم خوردن... بسياري از افراد مريض وجود دارند كه از بيماري رنج ميبرند. علت بيماري آنان افراط در خوردن است. آنان خيال ميكنند چون غذا سالم است هر چقدر كه دوست دارند بايد بخورند. اين اشتباه بزرگي است. افرادي كه ناتوان شده اند بايد غذاي مناسب و يا حتي مقدار كمي بخورند. آنگاه سيستم بدن قادر خواهد شد تا بسادگي كار خود را انجام دهد و ميتوان رنج طاقت فرسا را كاهش داد.

با يك عمل افراطي خدا را حاشا نكنيد- ما با قيمتي خريداري شده ايم بنابر اين بايد خدا را در جسم و روح خود جلال دهيم كه به او تعلق دارند. ما نبايد با عملي افراطگرايانه از او بري شويم زيرا يگانه فرزند خدا ما را با قيمتي زياد خريداري كرد- حتي زندگي خود را براي ما قرباني نمود. او براي ما نمرد تا اينكه بردگان عادات زيان بار و مضر شويم بلكه پسران و دختراني بشويم كه او را با تمام وجود خود خدمت ميكنند.

كسانيكه درك ثابتي از اين موضوع دارند كه براي خدا ايستاده اند، و چيزهايي را براي لذت بردن از خوردن در معده خود نخواهند ريخت تا به دستگاه جهاز هاضمه آسيب برساند. آنان چيزهايي را كه به خدا تعلق دارد را با افراطگري نامناسب در خوردن و آشاميدن و يا لباس پوشيدن ضايع نخواهند نمود. آنان مراقب اين دستگاه بشري خواهند بود و درك ميكنند كه اين كار را بايد بخاطر همكاري با خدا انجام دهند. خداوند ميخواهد كه بشر هميشه سالم و شاد و كارآمد باشد. بخاطر به اين مقصود نائل شوند بايد خواسته هاي خود را با اراده خدا تطبيق دهند.

در همه جزييات زندگي اعتدال داشته باشيد- اصرار ميشود تا اصول اعتدال و ميانه روي به همه جزييات زندگي انتقال يابد. الگوي والدين بايد درسي از ميانه روي باشد و ترك نفس و خويشتنداري بايد به فرزندان از كودكي آموخته شود و در رعايت آن تاكيد شود. در محيط خانواده و در كليسا بايستي اعتدال مسيحي برقرار شود. اين بايد عنصري زنده و كارآمد باشد و اصلاح كننده عادات و خلق و خو و شخصيت باشد.

**فصل شصتم و چهارم**

**خانه و جهاد براي اعتدال**

زياده روي بيداد ميكند- زياده روي همچنان تاخت و تاز ميكند. شرارت در هر نوع مانند سدي ستبر در مقابل ايستاده تا از پيشرفت حقيقت و عدالت ممانعت بعمل آورد. خطاهاي اجتماعي – زايش جهل و فساد، همچنان سبب رنجهاي بيشماري ميشود و سايه مصيبت بار خود را بر كليسا و جهان مي افكند. تباهي همچنان در ميان جوانان در عوض كاهش رو به افزايش است. هيچ چيزي بجز تلاش پر شور و دائمي نميتواند اين بلاي ويرانگر را برچيند. كشاكش در باره علايق و شهوات با عادات زيانبار و شريرانه و غرايض نامقدس مهلك و مرگبار خواهد بود و تنها كسانيكه با اصول حركت ميكنند در اين ميدان نبرد به پيروزي دست خواهند يافت.

زياده روي و افراط رو به فزوني است، عليرغم تلاشهايي كه براي كنترل آن صورت ميپذيرد. ما نميتوانيم با حدت خود در پي پس زدن پيشرفت آن بر آئيم تا افتاده را بر خيزانيم و در برابر ضعف از وسوسه سپري ايجاد كنيم. با دستان ناتوان خود ميتوانيم كار كمي انجام دهيم وليكن مددرسان باوفا و شكست ناپذيري داريم. نبايد فراموش كنيم كه دستان مسيح قادر به كمك به بشر پريشانحال و فرو پاشيده است. او حتي ميتواند بما كمك كند تا بر اين اهريمن افراد و زياده روي فائق آئيم.

پرهيز پاسخ به سوال است- تنها راه ايمن بر عليه قدرت افراط و زياده روي، خودداري از نوشيدنيهاي سنگين و شراب و آبجو است. ما بايد فرزندان خود را آموزش دهيم كه بخاطر اينكه مرد بشوند بايد از اين چيزها دوري جويند. خداوند بما نشان داده است كه چه چيزي مردانگي را تشكيل ميدهد. كسي كه بر اين چيزها غالب آيد حرمت داده خواهد شد و نام او از دفتر زندگي حذف نخواهد شد. در بين جوانان و نوجوانان شايع است كه نوشيدن مشروب عملي مردانه است در حاليكه تصوري باطل و غلط بوده و هم بسلامت جسم ضرر ميرساند و هم سلامت عقل را زايل ميگرداند.

والدين ميتوانند با تلاش مجدانه و غير مغرضانه بواسطه سنتهاي روز زندگي ديوار حائلي براي فرزندانشان بسازند كه از آنان در برابر بدبختي ها و تباهي هايي كه با زياده روي و افراط بوجود مي آيد دفاع كنند. فرزندان نبايد بحال خود رها شوند تا هر گونه كه دوست دارند بار بيايند و نبايد بي جهت صفاتي را پرورش دهند كه شخصيتي متزلزل در آنان بوجود بياورد بلكه بايد بدقت تربيت و تاديب شوند و آموزش ببينند تا در موقعيت درستي از اصلاح پذيري و پرهيز قرار بگيرند. آنگاه آنان در هر بحراني استقلال معنوي و اخلاقي خواهند داشت تا در برابر طوفانهاي خصم سينه سپر كنند و از اصلاح واقعي حمايت كنند.

زياده روي اغلب نتيجه تن پروري در خانه است- تلاشهاي زيادي صورت پذيرفته تا از زياده روي جلوگيري شود ولي غلبه و به زنجير كشيدن يك شير بالغ مشكل يا اصلا ناممكن مينمايد. چنانچه نيمي از اين تلاشها بجهت روشنفكر كردن والدين هدايت ميشد كه مسئوليت شكل دادن عادات و خصايل فرزندانشان هستند هزاران برابر نتيجه بيشتر و بهتري از وضعيت حاضر را نصيب خود ميساختند. براي همه كارگراني كه اعتدال دارند آرزوي خوشبختي داريم ولي از آنان دعوت ميكنيم تا عميقتر به دليل شرارت كه بر عليه آن در نزاع هستند نگاه كنند و بطور كامل و پايدار در اصلاح خود بكوشند.

براي رسيدن به ريشه افراط و زياده روي بايد فرا تر از استفاده الكل و تنباكو رفت. تنبلي و بطالت – بي هدفي- يا ارتباط با چيزهاي شريرانه – ميتواند زمينه را مهيا سازد. افراط اغلب در سفره خانواده هايي يافت ميشود كه خود را كاملا ميانه رو ميدانند. هرچيزي كه باعث اختلال در هضم غذا بشود و هيجان فكري زايدي ايجاد كند يا در هر صورت سيستم را سست نمايد و توازن قواي جسمي و فكري را بر هم زند كنترل ذهن بر بدن را تضعيف ميكند و بدين سبب به زياده روي و افراط گرايش دارد. انحطاط بسياري از جواناني كه انتظار ميرود آينده خوبي در انتظار داشته باشند ميتواند در ذائقه غير طبيعي كه با رژيم غذايي ناسالم ايجاد گرديده است رد يابي بشود.

ميزهاي آمريكائيان معمولا طوري چيده شده كه گوئي براي ميگساري است. ذائقه و اشتها اصل حاكم بر قشر وسيعي از مردم است. با پرخوري و كيفيت ناسالم غذا استقامت در برابر خواهشهاي شكمبارگي تضعيف گرديده و تمايل به عادات تغذيه ناصحيح تقويت ميگردد.

چاي و قهوه عاملهاي نامتعادل كننده سلامتي- بواسطه عدم تعادل كه در خانه شروع شد اعضاي دستگاه جهاز هاضمه ابتدا ضعيف گرديده و بزودي غذاي معمولي ديگر اشتها را برآورده نميسازد. وضعيتهاي ناسالم بوجود آمده و هوس بيشتر براي غذاهاي تحريك كننده وجود دارد. چاي و قهوه تاثير آني ايجاد ميكند. تحت تاثير اين سموم، سيستم عصبي تحريك ميشود و در برخي موارد قوه ادراك بنظر برانگيخته و تقويت ميشود و تخيل واضح ميگردد. بخاطر اينكه چنين محركهايي چنين نتايج مطبوعي حاصل ميكنند بسياري استنتاج ميكنند كه واقعا به آن نياز دارند ولي همواره واكنشي وجود دارد. سيستم عصبي قدرت خود را براي آينده از استفاده هاي زمان حال ميگيرد و همه اين تقويتهاي موقتي به افسردگي مي انجامد. تسكين ناگهاني بدست آمده از چاي و قهوه بنظر تقويت كننده است وليكن تنها برانگيختگي عصبي است و نتيجه آن آسيب به سيستم است.

تنباكو سمي موذي- استفاده از تنباكو عادتي است كه بوفور بر سيستم عصبي تاثير ميگذارد و قدرتمند تر از استفاده از الكل ميباشد. تنباكو قرباني را بيش از جامهاي زهرآلود در زنجير هاي اسارت در بند ميكند و غلبه بر اين اعتياد مشكل تر است. جسم و ذهن در بسياري از موارد بيشتر با كاربرد تنباكو مسموم ميشود تا اينكه از نوشابه هاي الكلي تخدير شود زيرا كه تنباكو سمي موذي است.

تنباكو مغز را تحت تاثير قرار ميدهد و احساسات و ادراك را كرخ ميكند بطوريكه ذهن نميتواند بطور واضح امور روحاني را تشخيص دهد خصوصا حقايقي كه گرايش به اصلاح اين زياده روي پليد دارد. كسانيكه تنباكو را در هر شكل و فرمي استفاده ميكنند در برابر خدا پاك نيستند. در اين قبيل كارهاي پليد براي آنان غير ممكن است تا با بدنهاي خويش كه متعلق به اوست خدا را جلال دهند. تنباكو مغز را ضعيف نموده و حساسيتها قوه ادراك آنرا از كار مي اندازد. استفاده از تنباكو سيستم را تحريك ميكند تا تمايل شديدي براي نوشيدني هاي قوي بوجود بيايد و در بسياري موارد بنياد اعتياد به الكل است.

اثرات محركها و مخدرها- اثرات محركها و مخدر ها، قواي جسمي را تقليل داده و هر تاثيري كه بر جسم بيايد بر ذهن نيز اثر ميگذارد. يك محرك ممكن است در ابتدا انرژي را افزايش و باعث زايش فعاليتهاي جسمي و ذهني بشود ولي وقتي كه تاثير نشاط آور از بين برود ذهن و جسم هر دو در وضعيت بدتري از قبل قرار ميگيرد. نوشيدنيهاي مسكر و تنباكو لعنت دهشتناكي براي نژاد بشر هستند و نه تنها جسم را تضعيف و ذهن را مغشوش مينمايد بلكه اخلاقيات را به پستي ميكشاند. وقتي كنترل عقل و استدلال بكناري برود شهوات حيواني برانگيخته ميگردد. هر چه آزادانه و بي قيد و بند تر اين سموم مورد استفاده قرار گيرد باطن حيواني تر خواهد شد.

به فرزندانتان بياموزيد تا از اين مواد تحريك كننده مبرا باشند- به فرزندانتان ياد دهيد تا از اين مواد افيوني و مخدره برحذر بوده و از افتادن در دام اين سموم در بيم و هراس باشند. چقدر بسيارند كساني كه از روي جهل از اين چيزهاي بد استفاده ميكنند. خداوند والدين را فرا ميخواند تا فرزندان خود را از افراط حفاظت نمايند و خصوصا در مقابل استفاده از مواد محرك زا و مخدره هوشيار باشند. سفره هاي والدين مسيحي هرگز نبايد از غذاهايي مملو باشد كه شامل ادويه و چاشني است. آنان بايد مطالعه كنند تا معده را از هرگونه سوء تغذيه حفظ نمايند. در اين عصر زودگذر غذا هر چه كمتر تحريك كننده باشد بهتر است ميا. نه روي در همه امور و جلوگيري از شكم پروري تنها راه سلامت است.

چالشي براي والدين- والدين ممكن است به فرزندان خود گرايش به هوس به غذا و اغراض نفساني را منتقل كنند كه كار آموزش و تربيت فرزنداني را كه بايد كاملا ميانه رو بوده و عادات پرهيزكارانه و خالص داشته باشند را مشكل تر مينمايد. چنانچه از طرف والدين هوس به غذاهاي ناسالم و محركها و مخدرها به آنان به عنوان ارث انتقال داده شود چه مسئوليت هولناكي بعهده والدين است تا گرايشهاي شريرانه و زيانباري را كه به فرزندانشان داده اند را خنثي نمايند. كار والدين براي اولاد بيچاره چقدر بايد سخت باشد تا بوظيفه خود با ايمان و اميد عمل نمايند.

ذائقه و اشتها بايد آموزش داده شود- والدين بايد فهم قوانين زندگي و بهداشت را بعنوان اولين كار خود در نظر بگيرند كه هيچ چيزي در تدارك غذا يا از طريق عادات ديگر نبايد گرايشهاي غلط را در فرزندانشان رشد و پرورش دهد. مادران بايد بدقت مطالعه كنند تا سفره ها را با ساده ترين و سالم ترين غذا پر كنند تا اينكه دستگاه جهاز هاضمه تضعيف نگردد و قواي عصبي نامتعادل نگردد. اين غذا اعضاي معده را تضعيف يا آنرا تقويت ميكند و ارتباط زيادي با كنترل جسمي و سلامت اخلاقي فرزندان دارد كه متعلق به خدا هستند و خونبهاي آنان داده شده است.

امانت مقدسي بعهده والدين سپرده شده است تا از ساختار اخلاقي و جسمي فرزندانشان محافظت نمايند كه بموجب آنان سيستم عصبي ميتواند بخوبي متعادل گردد و جان نبايد در معرض خطر قرار بگيرد. خواهران ما ميتوانند كار بزرگي را با گستراندن سفره با غذاهاي سالم و مغذي در رستگاري ديگران انجام دهند. آنان ميتوانند زمان پرارزش خود را در آموزش ذائقه و اشتهاي فرزندانشان بكار گرفته تا عادات ميانه روي در همه چيز شكل گيرد و در ترك لذات نفساني و نيكخواهي براي خيريت ديگران رغبت داشته باشند.

والدين مسامحه كار مسئول هستند- بسياري از والدين براي اجتناب از آموزش صبورانه فرزندانشان براي ترك عادات نفساني به آنان هر چه كه دوست دارند ميدهند تا بخورند و بياشامند. تمايلات براي عطش به نوشيدنيها و برطرف نمودن اميال با سپري شدن سالها كم نميشود و اين جوانان تن پرور همانطور كه بزرگ ميشوند با انگيزه هاي خود كنترل ميشوند و برده هوسهاي غذايي خود هستند. وقتي كه آنان جايگاه خود را در جامعه اشغال نمودند و زندگي را براي خودشان آغاز كردند آنگاه براي مقاومت در برابر وسوسه ها ناتوان خواهند بود. پر خوري و استفاده از تنباكو ... و سر مستي نتايج زيانباري از آموزش نادرست است.

وقتي كه ضجه و زاري مردان و زنان مسيحي را بخاطر افراطگريهاي زيانبار ميبينيم سوالي پيش مي آيد و اينكه چه كسي اين جوان را تربيت كرده است؟ چه كسي اين اشتهاي سركش را در آنان پرورش داده است؟ چه كسي از مسئوليت جدي خود در شكل دادن خصوصيات براي مفيد بودن دراين زندگي و براي جمع آسماني فرشتگان در آخرت كوتاهي كرده است؟

كار واقعي در خانه شروع ميشود- در خانه است كه كار واقعي بايستي شروع شود. زحمت زيادي بر دوش كساني است كه مسئوليت آموزش جوانان را بعهده دارند تا خصايل آنان را شكل دهند. در اينجا كاري براي مادر وجود دارد تا به فرزندان خود در شكل دادن ذائقه صحيح و طعم خالص كمك كنند تا بنيه اخلاقي را رشد دهند. به آنان تعليم دهيد كه نبايد با ديگران به اين سو و آن سو حركت كنند و تاثير سوء بگيرند بلكه آنان بايد براي خيريت و براي شرافت و متعالي ساختن كساني كه در ارتباط با آنان هستند تاثير بپذيرند. به آنان تعليم دهيد كه اگر خود را با خدا مرتبط سازند از او قوت خواهند يافت تا در برابر وسوسه هاي ديوانه وار مقاومت كنند.

اعتدال شوخي و مزاح نيست- بسياري اعتدال و ميانه روي را به مزاح و استهزاء ميگيرند. آنان ادعا ميكنند كه خداوند خود را درگير اين چيزهاي كوچك و جزيي در باره خوردن و نوشيدن نميكند. ولي چنانچه خدا نسبت به اين چيزها بيتفاوت بود، خود را به همسر مانوح47 آشکار نميكرد تا به او آموزش جدي بدهد و دوبار به او امر كند تا هشيار باشد كه مبادا او آنها را ناديده بگيرد. آيا اين گواهي مستدل و كافي نيست كه او نسبت به اين چيزها توجه دارد؟

اصلاحات با مادر شروع ميشود- دقتي را كه مادر بايد در مواظبت از عادتهاي خود در زندگي داشته باشد در كلام تعليم داده شده است. اصلاح بايد با مادر قبل از تولد فرزندش شروع شود و چنانچه آموزه هاي خدا وفادارانه اطاعت ميشد زياده روي و افراط وجود نميداشت.

نه تنها عادتهاي مادر بلكه آموزش والدين كودكان عبراني در آموزه هاي فرشتگان شامل گرديده بود. كافي نبود كه سامسون آن فرزندي كه قرار بود اسرائيل را رهايي بخشد ميراث خوبي در ولادت داشته باشد. اين امر بايد با آموزش محتاطانه صورت ميپذيرفت. او از نوباوگي بايد به عادتهاي اعتدال محض پرورده ميشد

آموزه هاي داده شده در رابطه با فرزندان عبراني بما ياد ميدهد كه هيچ چيزي در خصوص سلامت جسمي كودك نبايد مورد غفلت واقع شود. هيچ چيزي بي اهميت نيست. هر مشوقي كه بر سلامت جسم تاثير ميگذارد بر ذهن و شخصيت تاثير گذار است. اعتدال و خويشتنداري از گهواره بايد آموزش داده شود. تا حد زيادي بر عهده مادر است كه بار اين كار را بر دوش بگيرد و از پدر كمك بگيرد تا بتواند با موفقيت به پيش برود.

اين دروس را در كنار بخاري و در مدرسه پيگيري كنيد- مشكلترين موضوع فراموش كردن عاداتهايي است كه در طي ساليان دراز با افراط و تفريط و ارضاي هوسها پرورش داده شده است. ولي والدين بايد جنگي را بر ضد افراط گري در كنار بخاري هايشان و در خانواده خودشان شروع كنند. آنان بايد اصولي را از طفوليت به فرزندان خويش تعليم دهند تا از آن پيروي شده و براي توفيق يافتن اميدوار باشند. اين موضوع به مادران اجر خواهد داد تا از زمانهاي گرانقدري كه خدا به آنان داده در شكل دهي و رشد و آموزش شخصيت فرزندان استفاده كنند و به آنان ياد بدهند تا شديدا به اصول اعتدال در خوردن و نوشيدن پايبند باشند.

تعليم دادن در اين مسير بايد به هر مدرسه اي و هر خانه اي راه يابد. كودكان و نوجوانان بايد از تاثير الكل و تنباكو و سموم مشابهي كه جسم را به انحطاط كشانيده و ذهن را مغشوش ساخته و جان را به پيروي از هواي نفس بر مي انگيزاند برحذر باشند. بايد آشكار شود كه هيچ كسي كه اين چيزها را مصرف ميكند نميتواند بمدت زيادي مالك قدرت كامل در جسم و ذهن و تواناييهاي اخلاقي باشد.

تاثير انحرافات كوچك را شرح دهيد- كه شروع شرارت است و بايد در مقابل آن استقامت كرد. در آموزش جوانان اثر بظاهر كوچك انحرافات از درستكاري بايد بوضوح تشريح شود... جوانان بايد با فكري كه آنان ارباب هستند و نه برده آشنا شوند. خداوند از ملكوت خويش آنان را شهريار ساخته است و آنان بايد شهرياري منتصب شده از ملكوت را پيروي كنند. وقتي چنين آموزه هايي صادقانه داده شده است نتايج آن فراتر از خود جوانان است. تاثيرات حاصل شده هزاران زن و مرد را نجات خواهد داد كه در مرز نابودي هستند.

نيروي معنوي و اخلاقي را ايجاد تا در برابر وسوسه مقاومت كنيد- تلاش فردي در جهت مناسب و درست نياز است تا شرير رو به رشد افراط و تفريط مقهور گردد. ايكاش واژه هايي مي يافتيم تا قلوب والدين را در اين زمين ذوب ميكرد.

والدين ميتوانند زندگي شاد و سالم را براي فرزندان خويش پي ريزي كنند. آنان ميتوانند فرزندان خود را با بنيه معنوي و اخلاقي به دور بفرستند تا در مقابل وسوسه مقاوم باشند تا قوي و دلير بوده و با موفقيت با مشكلات زندگي دست بگريبان شوند. آنان بايد در ذهن فرزندان خويش هدف را رشد داده كه زندگي آنان باعث تكريم خدا گرديده و بركتي براي جهان باشند. آنان ميتوانند راههاي راست را براي گامهاي آنان بسازند تا به اوج شكوه برسند.

خداوند ما را فرا ميخواند تا در خوردن و نوشيدن و لباس پوشيدن راه ثواب را پيش گيريم. والدين! آيا نسبت به مسئوليت خدادادي خود آگاه هستيد؟ اصول بهداشت را مطالعه كنيد و به فرزندان خود ياد بدهيد كه راه ترك نفس تنها راه ايمن است.

**فصل شصتم و پنجم**

**بركات لباس مناسب**

زيبندگي و تناسب- در پوشش همچون تمام چيزهاي ديگر اين امتياز مخصوص ماست تا آفريننده خود را حرمت نهيم. او ميخواهد كه لباس ما نه تنها مرتب و سالم بوده بلكه مناسب و زيبنده باشد.

ما بايد در پي اين باشيم كه بهترين ظاهر را داشته باشيم. در خدمات خيمه مقدس، خداوند جزييات جامه هاي كساني كه او را خدمت ميكنند را مشخص نمود. بدين ترتيب به ما تعليم داده شده است كه او اولويتي را براي كساني كه وي را خدمت ميكنند تعين نموده است. راهنمايي هاي داده شده بسيار خاصي در باره جامه و رداي هارون داده شده بود زيرا كه لباس او نمادين بود. پس لباس پيروان مسيح بايد نمادين باشد. در همه چيز ما بايستي نماينده و معرف او باشيم. ظاهر ما از هر حيث بايد با پاكيزگي، بي آلايشي و آراستگي متصف باشد.

با چيزهايي از طبيعت مزين شده- با چيزهايي در طبيعت (مانند گلها و زنبق) مسيح زيبندگي را مصور ساخت كه ملكوت به زيبايي فروتنانه – سادگي – پاكي و تناسب ارزش مينهد و پيراستگي ما او را خشنود ميسازد.

خصلت و خصوصيات با شيوه لباس پوشيدن مورد قضاوت قرار ميگيرد- لباس و نحوه قرار گرفتن آن بر شخص معمولا شاخص مذكر بودن يا مونث بودن است. ما شخصيت فرد را با شيوه لباسي كه پوشيده شده مورد قضاوت قرار ميدهيم. يك زن با حيا و خداشناس بطور متين و محجوب لباس ميپوشد. يك سليقه خالص – يك ذهن پرورش داده شده – در انتخاب لباس با تناسب و سادگي آشكار ميشود. فردي كه ساده پوش است و تظاهر و خودنمايي نميكند با رفتار خود نشان ميدهد كه او ميفهمد كه يك زن واقعي با ارزش هاي اخلاقي توصيف ميشود. سادگي در لباس مليح و جالب است و در خوش منظري ميتواند با گلهاي صحرا مقايسه گردد.

اصول هدايت كننده صراحتا اعلام گرديده است- از مردم تمنا ميشود تا با تدبير و دقت در برابر خداوند گام بردارند. در لباس از رسوم متابعت كنيد تا جايي كه مطابق با اصول بهداشتي باشند. خواهران بهتر است لباسي ساده به تن كنند كه از جنس بادوام بوده و متناسب با سن و سال آنها باشد و نگذاريد نوع لباسي كه ميپوشيد در اذهان سوال ايجاد كند. خواهران بايستي با سادگي لباس بپوشند. آنان بايد خود را با جامه اي محجبانه بپوشانند و با حيا و متين باشند. به دنيا تصويري زنده از آرايندگي باطني از زيبايي خدا نشان دهيد.

رسوم متداول متناسب و متين – در پوشش از لباسهاي بهداشتي و مناسب پيروي كنيد - مسيحيان نبايد با لباسي متغاير با دنيا خود را انگشت نما كنند. ولي چنانچه از رسوم خود راجع به لباس مناسب و متين و بهداشتي پيروي ميكنند خود را طبق مد روز نميبينند و نبايد لباس خود را عوض كنند تا شبيه دنيا شوند بلكه بايد استقلال شرافتمندانه و اخلاقي خود را فاش نمايند حتي اگر همه دنيا با آنان متفاوت باشند.

چنانچه جهان لباسي متين و مناسب و بهداشتي را معرفي نمود كه مطابق با كتاب مقدس است - يا اگر دنيا چنين سبك لباسي را پذيرفت، رابطه ما با خدا تغيير نخواهد كرد. مسيحيان بايد از مسيح پيروي كنند و لباس خود را مطابق با كلام خدا تعين كنند. آنان بايد از افراط اجتناب كنند. آنان بايد با فروتني مسيري درست را دنبال كنند كه صرف نظر از تمجيد يا انتقاد باشد و بايد از آنچه كه صحيح و شايسته است پيروي كنند.

از افراط و تجملگرايي پرهيز كنيد- زمان خود را براي پيروي از مد هاي لباس ابلهانه هدر ندهيد. مناسب و مرتب لباس بپوشيد ولي با بيش از حد لباس پوشيدن و يا لباس هاي بدن نما و نامرتب جلب توجه نكنيد. چنان عمل نماييد كه گوئي چشمان ملكوتيان بر شما دوخته شده است و اينكه شما تحت موافقت يا مذمت خداوند هستيد.

با دقت لباس بپوشيد و با غرور ذهن خود را مغشوش نسازيد- قشري هستند كه دائما بر غرور و لباس چنگ ميزنند و نسبت به ظاهر خود بي تفاوت هستند و خيال ميكنند كه كثيف بودن پارسايي و تقوي است و بدون نظم و سليقه لباس ميپوشند و باصطلاح شنبه يكشنبه لباس ميپوشند. لباسهاي آنان كثيف هستند و با اينحال اين قبيل افراد هميشه بر عليه غرور سخن ميگويند. آن قشر ادعا ميكند كه اگر با محجوبيت و آراستگي لباس بپوشيد آدم هاي افاده اي هستند.آنانيكه در لباس پوشيدن بي تفاوت و نامرتب هستند چيزي عالي براي گفتگو ندارند و سخنان بي اهميت ميگويند و خيلي زمخت بوده و احساسي نسبت بديگران ندارند. آنان گاهي اوقات عجيب و غريب بودن را فروتني و تواضع در نظر ميگيرند.

مسيح اخطار نمود- مسيح شيفتگي نسبت به لباس را مورد توجه قرار داد و هشدار داد و به پيروان خود امر نمود تا فكر خود را بيش از حد به آن مشغول نكنند". چرا براي لباس و پوشاك غصه ميخوريد؟ به گلهاي سوسن كه در صحرا هستند بنگريد. آنها براي لباس غصه نميخورند. با اينحال بشما ميگويم كه سليمان هم با تمام شكوه و ثروت خود هرگز لباسي به زيبايي اين گلهاي صحرايي نپوشيد48"... تفاخر و افراط در لباس پوشيدن گناه است كه خصوصا زنان به آن تمايل دارند از اينرو اين اوامر مستقيما خانمها را هدف قرار ميدهد. چقدر طلا و مرواريد و آراينده هاي گرانبها كم ارزش هستند وقتي كه با فروتني و زيبندگي پر عظمت مسيح مقايسه ميشوند .

آموزه هاي كتاب مقدس براي امت خدا- به پيروي از كلام خداوند فرا خوانده شده ايم. فرشته گفت: "زنان نيز بايد در طرز پوشاك و آرايش خود با وقار باشند. زنان مسيحي بايد براي نيكوكاري و اخلاق خوب خود مورد توجه قرار گيرند نه براي آرايش مو و يا آراستن خود به زيورآلات و لباس هاي پر زرق و برق" ( اول تیموتائوس 9:2, 10). براي زيبايي به آرايش ظاهري نظير جواهرات و لباسهاي زيبا و آرايش گيسوان توسل نجوئيد بلكه بگذاريد باطن و سيرت شما زيبا باشد. باطن خود را با زيبايي پايدار يعني با روحيه آرام و ملايم زينت دهيد كه مورد پسند خداست. اينگونه خصايل در گذشته در زنان مقدس ديده ميشد. ايشان به خدا ايمان داشتند و مطيع شوهران خود بودند" (اول پطرس 3:3- 5).

بسياري به اين اوامر بعنوان چيزهاي از مد افتاده نگاه ميكنند كه ارزش توجه داشته باشد ولي آن كسيكه به حواريون خود اين دستورات را داده بود خطرات عشق به لباس را در زمانهاي ما درك كرده بود و تذكره هشدار را براي ما ارسال نمود. آيا با خردمندي به اين هشدار اعتنا ميكنيم؟ آنانيكه صادقانه در طلب پيروي از مسيح هستند در خصوص پوشيدن لباس وظيفه شناس هستند و ميكوشند تا با التزام اين دستور(اول پطرس ٣:٣- 5) موافقت كنند كه توسط خداوند تصريح شده است.

خطر عشق به لباس- عشق به لباس اخلاقيات را به مخاطره مي اندازد كه با اصول مسيحي و متانت و محجوبيت منافات دارد. لباسهاي عجيب و پرجلوه اكثر اوقات شهوت را در قلب پوشنده لباس ترغيب ميكند و اغراض نفساني را در دل نظاره گر بيدار ميكند. خداوند ميبيند كه تباهي شخصيت بطور زيادي با افراط در تفاخر و خودبيني در لباس پوشيدن مقدم است. او ميبيند كه جامه هاي گرانبها تمايلات نيكوكاري را فرو مينشاند.

شاهد بي آلايشي در لباس پوشيدن- لباس ساده و بي آلايش و بي تظاهر به خواهران جوان توصيه ميشود. راهي بهتر از اين نيست كه بگذاريد تا نور شما با سادگي در لباس پوشيدن و سلوك بر ديگران بتابد. شما ميتوانيد به همه نشان دهيد كه در مقايسه با چيزهاي ازلي شما شهرت شايسته اي را بر چيزهاي اين زندگي قرار ميدهيد.

عفت و فروتني از هزاران خطر محافظت ميكند- خواهران از ظاهر شيطاني بپرهيزيد. در اين زمان وانفسا كه با فساد توام گرديده ايمن نخواهيد بود مگر اينكه پناهگاهي داشته باشيد. عفت و پاكدامني كمياب شده است. از شما درخواست ميشود كه بعنوان پيروان مسيح گوهر گرانبهاي عفت و پاكدامني در لباس و اخلاق را ارج بنهيد. اين امر از پاكدامني شما مراقبت خواهد نمود.

در لباس پوشيدن بي آلايش و ساده باشيد كه زنان جوان را با فضايي مقدس احاطه مينمايد و اين عفت و فروتني از هزاران خطر محافظت ميكند.

ايده از مد افتاده- آموزش فرزندان به گام برداشتن در مسير باريك پاكدامني و قدوسيت بطور كلي عجيب و تصوري از مد افتاده و كهنه محسوب گرديده است. اين امر شايع است حتي در ميان والديني كه اقرار و ادعاي عبادت خدا را دارند ولي كارهاي آنها شهادت ميدهد كه آنان پرستندگان ثروت و جاه هستند. آنان در چشم و هم چشمي با همسايگان خود رقابت ميكنند و لباس آنان را با لباس خود و فرزندانشان مقايسه ميكنند و حتي با اعضاي كليسا كه به آن تعلق دارند.

تنها لباسي كه براي رفتن به ملكوت مجاز است- لباسي وجود دارد كه هر جوان و نوجوان ممكن است از روي سهو و بي تقصيري در پي بدست آوردن آن باشد. آن لباس عدالت مقدسين است. اگر با همان اشتياقي كه در بدست آوردن جامه هايي با استاندارد جامعه دنيوي هستند در بدست آوردن عدالت بكوشند آنان بزودي با عدالت مسيح پوشانيده خواهند شد و نامهاي آنان از دفتر حيات پاك نخواهد گرديد. مادران همچنين جوانان و كودكان به دعا نياز دارند "خدايا دلي پاك در درون من بيافرين و از نو روحي راست بمن عطا فرما" (مزامير 51- 10).

پس اي مادران به فرزندان خود خط به خط و سطر به سطر آموزش دهيد كه عدالت مسيح تنها لباسي است كه ميتوانند با آن به ملكوت راه يابند و با پوشيدن چنين جامه اي آنان بطور دائمي به وظيفه اي عمل ميكنند كه خداوند را جلال خواهد داد.

**فصل شصت و ششم**

**آموزش اصول اساسي پوشش**

بخش ضروري آموزش- هيچ آموزشي نميتواند كامل باشد چنانچه اصول درست را در باره لباس پوشيدن ارائه نكند. بدون چنين آموزشي كار تعليم اكثر اوقات بتاخير افتاده و از مسيرمنحرف ميگردد. عشق به لباس و هواداري از مد روز و چشم و هم چشمي در ميان معلمين از عوامل بازماندگي است.

مد و سبك دقيق و معيني داده نشده است- هيچ سبك مشخصي بعنوان قاعده و الگوي درست براي پيروي داده نشده است.

تميز و مرتب و جذاب- جوانان بايد ترغيب شوند تا عادات درست را در پوشش شكل دهند كه ظاهري مرتب و جذاب داشته باشند و بايد به آنان تعليم داده شود تا جامه هاي آنان تميز و مرتب و رفو كرده باشد. همه عادات آنان بايد بطريقي باشد تا مايه آسودگي و كمك به ديگران باشند. لباس بايد مناسب و زيبنده باشد. حتي اگر لباس از كرباس يا پارچه هاي ارزان باشد بايد مرتب و تميز نگهداري شود.

سليقه درست و مرسوم داشته باشيد- مسيحيان در پوشش خود بايد از تظاهر و جلوه گري پرهيز نمايند ولي لباس آنان بايد مرتب و بدون زرق و برق – محجوب و آراسته و مناسب با سليقه درست و مرسوم باشد. سليقه درست نبايد تحقير گرديده يا تقبيح شود. ايمان ما چنانچه درست انجام شود ما را هدايت ميكند تا در پوشش ساده بوده و در كار خوب غيرتمند باشيم كه بعنوان موضوعي ويژه مورد توجه قرار گيرد. ولي وقتي سليقه خود را براي زيبندگي و آراستگي در پوشش از دست ميدهيم در واقع حقيقت را رها ميكنيم بخاطر اينكه حقيقت هرگز نبايد تنزل كند بلكه بايد متعالي گردد.

سليقه خوب در رنگ و شكل- سليقه بايد در رنگها آشكار شود. يكنواختي در اين رابطه تا آنجا كه مناسب باشد پسنديده است. وضعيت كلي رنگ در هر صورت شايد بحساب آورده شود. بايد در پي رنگهاي معتدل بود. وقتي مواد شكيل بكار برده شود كه داراي اشكالي بزرگ و جلوه گر هستند آنگاه خودبيني و غرور سطحي را در ميان كساني كه آنها را انتخاب كرده اند پديد مي آيد. از چنين چيزهايي بايد اجتناب گردد. يك سليقه و مد غير عادي در اختلاط رنگها نيز بد است.

دوام و كاركرد را مورد توجه قرار دهيد- پوشاك ما در حاليكه متعادل و ساده است بايد از كيفيت خوب باشد و رنگهاي مناسب داشته و مناسب براي كاري كه ميخواهيم باشد. لباس بايد بيش از اينكه براي نمايش انتخاب شود بايد دوام داشته باشد. لباس بايد از جنسي باشد كه در برابر تغييرات دما محافظي خوب باشد. زن خردمند در امثال سليمان از برف براي اهل خانه اش نميهراسد: زيرا كه همه اهل خانواده اش با جامه هاي دو لايه ملبس گرديده اند (امثال سليمان 21:13).

خريد پارچه ها و مواد خوب بايد مقتصدانه باشد- لباس بايد از جنس خوب بوده و بايد به دقت درست شود. و بايد مقتصدانه باشد. ولي تزيين و آذين بندي مورد نياز نيست و پولي را كه با افراط براي ارضاء نفس خرج ميگردد بايد براي مقاصد خدا مصرف گردد.

يازهاي تاكستان خدا را بياد بياوريد- ما بايد مرتب و با سليقه لباس بپوشيم ولي وقتي براي خود و فرزندانتان لباس ميخريد يا ميدوزيد به كار تاكستان خدا كه همچنان در انتظار انجام شدن است فكر كنيد.

افراد مادي و دنيا پرست خرج زيادي براي لباس ميكنند ولي خداوند به امت خويش مسئوليتي داده تا از دنيا گرايي بيرون آمده و از آن جدا شوند. جامه هاي گران يا خوش منظر مناسب كساني نيست كه ادعاي ايمان دارند زيرا كه ما در روزهاي آخر زندگي ميكنيم. در خرجهاي خود براي لباس و پوشاك صرفه جو باشيد. بياد داشته باشيد كه آنچه كه ميپوشيد دايما بر كساني كه با آنان ارتباط داريد تاثير ميگذارد. پولهايي را كه براي جاهاي ديگر نياز است به هدر ندهيد. پول خدا را براي خوش سليقگي خرج لباسهاي گرانقيمت نكنيد.

سادگي در لباس پوشيدن به دينداران توصيه ميشود- زن عاقل لباس ساده ميپوشد كه كيفيت خوب و مناسب داشته باشد و اين برتري شما را ميرساند. مانند فردي مسيحي لباس بپوشيد – مانند زن شايسته خداشناس و نيكوكار خود را ساده و مرتب زينت دهيد. بسياري براي عقب نماندن از مد روز سليقه خود را براي سادگي عادي از دست ميدهند و شيفته چيزهاي مصنوعي ميشوند. آنان زمان و پول و قدرت فكري و رفعت جان خود را قرباني ميكنند و تمام جوهر خويش را وقف زندگي شيك و مد روز ميسازند.

جوانان عزيز شخصيت شما در لباس پوشيدن مطابق با مد روز با بند و يراق به خود آويزان كردن و طلا و زيورآلات بدلي براي نمايش و تظاهر، مذهب شما را به ديگران خوب معرفي نميكند - و يا آن حقيقتي را كه مدعاي آن هستيد. مردم با بصيرت به آرايش ظاهري شما بعنوان دليلي از ذهن ضعيف و دلهاي مغرور نگاه ميكنند.

جلوه نامناسب و نامقتضي نبايد نمايش داده شود- به جواناني كه زينت آلات بر خود مي آويزند ياد آوري ميشود كه بخاطراين گناه منجي از رفتار آنان شرمگين ميشود. وقتي كه زمان گرانبهاي خود را صرف زيبندگي و آرايش ميكنيد بياد داشته باشيد كه پادشاه جلال رداي ساده و يكپارچه اي پوشيد. شما كه نگران آرايش كردن خود هستيد بياد داشته باشيد كه عيسي اغلب در جدال مداوم و ترك نفس و از خودگذشتگي بود تا نيازمندان و رنجديدگان را بركت دهد. اين بخاطر ما بود كه او بشدت دعا كرد و گريست و اشك ريخت. بخاطر اين بود تا ما را از غرور و خودبيني و تن آسايي كه حال در آن افراط ميكنيم نجات دهد و از چيزهايي كه محبت و دوستي به عيسي را كنار ميزند- بخاطر اشكهايي كه ريخته شد و بخاطر اينكه رخسار منجي ما بيش از هر اولادي از بشر از رنج و غم آسيب ديد.

زينت آلات غيرضروري- پول خود را براي پيشبرد اهداف خدا كنار بگذاريد و نه براي زينت آلاتي كه غيرضروري هستند. درس ترك نفس را فراگيريد و به فرزندان خود آنرا بياموزيد.

يك نكته واضح و روشن- اغلب سوالي پرسيده ميشود كه آيا اين اشتباه است تا يقه49 ساده بسته شود. پاسخ اين است كه خير. برخي منظور از نوشته هاي اين كتاب را افراطي برداشت كرده اند و طوري تعبير ميكنند كه هر نوع زيبندگي و آرايش اشتباه است. منظور زينت آلات و يقه هاي گرانقيمت غير ضروري بوده است كه نگاهدارندگان سبت از آنها استفاده ميكرده اند و همچنان بمنظور نمايش و مد روز ميپوشيده اند. در اشاره به يقه سوء تفاهم شده است و برخي با تصور غلط فكر ميكنند كه هيچ چيزي مانند يقه يا روبان نبايد بكار برده شود.

زينت آلات غير معقول يا افراطي- خادمان و همسرانشان بايد نمونه سادگي و بي آلايشي در لباس پوشيدن باشند- آنان بايد لباس مرتب و راحت و از جنس خوب بپوشند ولي از هر گونه زيور آلات غيرمعقول و يا افراطي پرهيز كنند. حتي اگر گرانقيمت نباشد زيرا اين براي ما عيب و ايراد است. ما بايد جوانان خود را به ساده پوشي و مرتب بودن آموزش دهيم. زيورآلات اضافي را كنار بگذاريد حتي گرچه كم قيمت و ارزان باشد.

نه براي نمايش- تهذيب واقعي با آرايش جسم براي تظاهر و نمايش منافات دارد. كتاب مقدس اعتدال در لباس پوشيدن را تعليم ميدهد. "زنان بايد در طرز پوشاك و آرايش خود باوقار باشند" (اول تيموتائوش 9:2). عبارت فوق عبارت خودنمايي در لباس پوشيدن، رنگ هاي جلف و پر زرق و برق و آرايش زياد را قدغن ميدارد. هر اسبابي كه جلب توجه كند و يا موجب حيرت و بر انگيختگي شود از مناهي كلام خداست كه بايد از آن دوري جست.

ترك نفس در لباس پوشيدن بخشي از وظيفه مسيحيان است. پوشش ساده و امتناع از نمايش جواهرات و زينت آلات از هر نوع جزو ايمان ماست. آيا نابخردي دنياپرستان را در افراط در پوشش عجيب و غريب و خودنمايي آنان ميبينيد؟

زيورآلات مداوم در مقابل طلا و مرواريد- زيوري وجود دارد كه هيچگاه نابود نميشود و باعث شادماني همه كساني كه در اطراف ما هستند خواهد شد و جلوه آن در جان رنگ نخواهد باخت... در عوض جستجو براي زيورآلات طلايي براي ظاهرنمايي بايد تلاش زيادي براي يافتن حكمت نمود كه ارزش آن از هر طلاي خالصي بيشتر است.

دلربايي و جذبه مسيح از هر طلا و مرواريدي ارزشمند تر است. زيبايي طبيعي در برگيرنده تناسب موزون و هم آهنگ لباس در قسمتها با قسمتهاي ديگر است ولي جذبه و زيبايي روحاني شامل هماهنگي يا شباهت جانهاي ما به عيسي است. اين امر دارنده آنرا ارزشمند تر از طلاي ناب ميسازد حتي ارزشمند تر از شمش طلاي اوفير50. فيض مسيح در واقع زينت و پيرايه اي گرانقيمت است. اين فيض دارنده آنرا شريف و متعالي گردانيده و پرتوهاي جلال را منعكس مينمايد و آنانرا به منبع نورهدايت و بركت جذب مينمايد.

دلربايي و جذابيت زيبايي حقيقي- گرايشي طبيعي به همه احساسات وجود دارد. نظر به اين واقعيت اهميت دارد كه والدين در آموزش فرزندان خويش اذهان آنان را به عشق به حقيقت و ترك نفس و داشتن استقلال و انتخاب درست هدايت كنند حتي اگر اكثريت چيزي اشتباه را انتخاب كرده باشند.

چنانچه بنيه و ساختار درست و خلق و خوي دلپذيري را حفظ كرده باشند آنگاه داراي زيبايي واقعي خواهند بود كه با فيض الهي زينت داده شده است. و آنان نيازي به زيورآلات تصنعي نخواهند داشت كه اينها ابراز كننده فقدان پيرايش باطني از ارزشهاي اخلاقي و معنوي حقيقي هستند. خصلت و صفات زيبا در نظر خدا ارزشمند است. اين قبيل زيبايي مجذوب كننده خواهد بود و نه منحرف كننده. اين قبيل جذابيت ها رنگهاي بادوام هستند كه هرگز محو نخواهند . شد مذهب ناب عيسي پيروان خويش را ملزم ميدارد تا در سادگي زيبايي طبيعي خود بمانند و براي خلوص و صفا آنرا جلا دهند و نه اينكه بدنبال چيزهاي تصنعي و كذب باشند.

به فرزندان خود تعليم دهيد كه پوشش معقول و مناسب را تشخيص بدهند- بگذاريد تا در وظايف خانه و زندگي وفادار باشيم. بگذاريد تا فرزندان درك كنند كه اطاعت بايد حكمفرما باشد. به آنان تعليم دهيد تا فرق بين پوشش معقول و مضحك را تشخيص دهند و لباسهايي براي آنان تهيه كنيد كه مرتب و ساده باشد. بعنوان مردمي كه براي بازگشت سريع مسيح خود را آماده ميسازند بايد نمونه اي از پوشش متعادل را به جهاني كه در آن مد روز شايع شده است ارائه نمايند. در مورد اين چيزها زياد گفتگو كنيد و خردمندانه برنامه ريزي كنيد سپس برنامه هاي خود را براي خانواده هاي خويش به پيش ببريد. مصمم باشيد كه با اصول عالي تصورات و خواسته هاي فرزندانتان را هدايت كنيد.

چنانچه دلهاي ما با مسيح متحد گردد هيچ چيزي نميتواند توجه ما را بخود جلب كند.

جامه هايي را متناسب با سن و سال تهيه كنيد- خواهران فرزندان خود را با دلسوزي به خود پيوند دهيد. از آنان بدقت مراقبت كنيد و در همه چيزها توجه كنيد. براي آنان جامه هاي مناسب تهيه كنيد كه با ظاهر خود تحقير و شرمگين نشوند زيرا كه به عزت نفس آنان آسيب خواهد رسانيد. حق هر فردي است كه مرتب باشد و لباس مناسبي داشته باشد كه متناسب و با سن و احوال فرد باشد.

به بدن نبايد فشار آورد- لباس بايد براحتي پوشيده شود و نبايد مانع گردش خون و يا تعريق طبيعي شود. پاها بايد از سرما و رطوبت محافظت گردد. با چنين پوششي ميتوانيم در هواي آزاد ورزش كنيم حتي در شبنم صبحگاهي يا شامگاهي يا پس از باران يا برف بدون ترس از سرما خوردن.

لباس بچه هاي كوچك- اگر لباس كودك تركيبي از لباس مناسب و گرم و محافظ است در هنگام ناراحتي و بيقراري بايد درآورده شود. بچه ها سلامتي بهتري خواهند داشت و مادر مراقبت از كودك را سنگين و سخت نخواهد ديد.

كمربندها و كرستهاي تنگ و چسبان جريان قلب و ريه را به تاخير مي اندازد و بايد از آن اجتناب شود. هيچ بخشي از بدن در هر زمان نبايد با لباسهايي كه به اعضا فشار وارد ميكند احساس ناخوشايندي كند يا اينكه آزادي تحرك را از فرد بگيرد. لباس همه كودكان بايد باندازه كافي آزاد باشد تا تنفس كامل و آزاد را ميسر سازد.

قسمتهاي انتهايي بدن بايد بطور مناسب پوشيده شود- توجه خاصي بايد به كساني كه در پوشش افراط ميكنند كرده شود كه قفسه سينه آنان كاملا پوشيده شود كه بيشترين مقدار دما در آنجا قرار دارد. والديني كه فرزندان خود را درست پوشش نميدهند و آنها را لخت ميگذارند سلامت و زندگي آنان را براي مد روز بخطر مي اندازند. اگر اين قسمت بدن گرم نگاه داشته نشود گردش خون بطور مساوي انجام نميشود. وقتي اعضاي خاص بدن خوب پوشيده نشود خون از مغز رانده ميشود سبب سردرد و خون دماغ ميشود يا سنگيني در سينه احساس ميشود و باعث سرفه يا تپش قلب ميگردد و در قسمت مياني كه شامل معده ميشود به خون نياز است و كمبود گردش خون در آن ناحيه باعث سوء هاضمه ميگردد.

بمنظور تبعيت از مد روز مادران فرزندان خود را با دست و پاهاي لخت لباس ميپوشانند كه خون سرد شده و به قسمتهاي ديگر باز ميگردد و باعث وقفه در گردش خون شده و بيماري ايجاد ميكند. دست و پا توسط آفريننده طوري خلق نشد تا مانند صورت در معرض هوا باشد. خداوند همچنين مقدار زيادي رگ و تار عصبي براي دست و پا گذارده است كه مقدار زيادي جريان خون را در خود جاي دهد كه مانند بدن گرم بماند. آنان بايد كاملا پوشيده شوند تا خون به قسمتهاي تحتاني حركت كند.

شيطان مدي را ابداع نمود كه دست و پا در معرض نمايش در آيد و جريان حيات از مرجع اصلي آن باز ماند. و والدين سر تعظيم به معبد مد فرود آورده و از اينرو فرزندان خود را طوري لباس ميپوشانند كه تارهاي عصبي و رگها منقبض شوند و منظور خدا را از طرح آفريده خود زير سوال ميبرند. نتيجه هميشگي سردي در دست و پاست. والديني كه مد را در عوض عقل دنبال ميكنند بايد پاسخگوي خدا باشند از اينجهت كه سلامت فرزندان خود را به مخاطره مي اندازند. حتي زندگي خيلي اوقات فداي بت مد ميشود.

تمايز لباس مردان و زنان- گرايش در بين زنان رو به فزوني گذاشته است تا لباس و ظاهري مانند جنس مخالف داشته باشند و لباس خود را شبيه مردان بسازند ولي خداوند اين عمل را شنيع خوانده است. "زنان بايد در طرز پوشاك و آرايش خود با وقار باشند" (اول تيموتائوس 9:2).

خداوند چنين تدبير كرد كه بايد تمايزي آشكار بين لباس مردان و زنان باشد و موضوع را بطور كافي مهم در نظر گرفت و در اين خصوص دستورالعملي صريح صادر نمود زيرا لباسي كه توسط هر دو جنس پوشيده شود موجب تشويش خاطر شده و فساد را افزايش ميدهد.

لباس براي كليسا- هيچكس نبايد جايگاه مقدس خدا را با لباسهاي پر زرق و برق بي حرمت سازد. همه بايد ياد بگيرند تا در لباس پوشيدن مرتب و پاكيزه و منظم باشند. توجه مردم اغلب به مقاله هاي مد لباس جلب ميشود و بدين سبب جايگاه خود را در قلبها و افكار عابدان خدا باز ميكند. عبادت خداوند بايد موضوع تفكر باشد و نه مد روز و هر چيزي كه ذهن را از خدمت مقدس بدور ميسازد توهيني نسبت به اوست. نمايش رنگها و روبانها و فر مو و پرها و طلا نقره گونه هايي از بت پرستي هستند و كاملا براي خدمت مقدس خداوند نامناسب و نابجا هستند.

برخي افراد ايده هايي دريافت ميكنند كه بمنظور جدا شدن از دنيا كه كلام خدا آنرا ملزم داشته است، آنان بايد نسبت به ظاهر خود بي تفاوت و اهمال كار باشند. زناني هستند كه فكر ميكنند با گذاشتن كلاههاي معمولي اصول ناهمنوايي با دنيا را اجرا ميكنند و يك دست لباس را براي يك هفته ميپوشند تا اينكه براي عبادت خدا در روز سبت وارد بشوند. و برخي مردان كه ادعاي مسيحي بودن دارند چنين ميكنند. اين افراد در سبت با لباس گرد و خاك دار با مردم جمع ميشوند و حتي با لباس شكافته وارد ميشوند كه جز شلختگي و ژوليدگي معنايي ندارد.

اين طبقه از افراد چنانچه بخواهند به مهماني يكي از دوستان خود كه توسط دنياپرستان مورد احترام ميباشد بروند با بهترين لباسهايي كه بتوانند تهيه كنند در جمع حاضر ميشوند و چنانچه با موهاي شانه نكرده و جامه هاي كثيف و نامرتب نزد دوست خود بروند احساس ميكند كه به او توهين شده است. با اينحال اين افراد فكر ميكنند كه اهميتي ندارد كه با چه سر و وضعي براي عبادت خداي بزرگ در روز سبت حاضر شوند.

لباس نبايد موضوعي براي مشاجره باشد- نيازي نيست لباسي بدوزيد تا بحث برانگيز باشد. چيزي با ارزش تر براي بحث وجود دارد. صحبت از مسيح قلب را دگرگون ساخته و هر چيزي كه با كلام خدا منافات داشته باشد را بكنار خواهد زد. اين لباس شما نيست كه بشما ارزش ميدهد. اين زينت باطن است - فيوضات و زيبندگي روح و كلام محبت آميز است و توجه انديشمندانه براي چيزهايي كه خداوند بدان ارزش مينهد.

الگوي ارزشمندي را ارائه كنيد- مروج طبقه و قشري نباشيد كه مركز دينشان لباس است. بگذاريد هركدام تعاليم واضح كلام را مطالعه كنند و سادگي و بي آلايشي را با ايمان اطاعت كنند و الگوي ارزشمندي براي دنيا و آناني كه در ايمان جديد هستند قرار دهند. خداوند نميخواهد تا يك فرد براي ديگري وجدان و عقل باشد و براي او تصميم گيري و دلالت كند.

از محبت و تواضع عيسي سخن بگوئيد ولي برادران و خواهران را تشويق نكنيد تا براي يكديگر لباس يا ظاهر انتخاب كنند. برخي از اين كار لذت ميبرند و هنگامي كه اذهان آنان به اين جهت چرخيده شد آنان اين را حس ميكنند كه والي كليسا هستند. آنان از صندلي قضاوت بالا ميروند و بمحض اينكه يكي از برادران و يا خواهران خود را ديدند بدنبال چيزي ميگردند تا از آن انتقاد كنند. اين يكي از روشهاي موثر است تا كوته نظر شده و در رشد روحاني آنان وقفه ايجاد شود. خداوند از آنان ميخواهد تا از اين صندلي قضاوت پائين بيايند چرا كه او هرگز آنان را در چنين جايگاهي بكار نگمارده است.

خوشدل بايد بود- اگر ما مسيحي هستيم بايد مسيح را تبعيت كنيم حتي اگر بر خلاف خواسته ها و تمايلاتمان باشد. نفعي وجود ندارد كه بشما بگوئيم چه بپوشيد و چه نپوشيد چرا كه عشق و علاقه به اين چيزها بيهوده است و اگر منطق و استدلال را نپذيريد تمام اين گفته ها آب در هاون كوفتن است. تمايلات دل در غير اينصورت بيدار خواهد شد. شما بايد براي خودتان فكر و قضاوت كنيد.

در كجا بسياري از مذاهب قدرت خود را از دست دادند- استدلال بشري هميشه در پي طفره رفتن يا كنار گذاردن آموزه هاي ساده و هدايتگر كلام خدا است. در هر سن اكثر پيروان مدعي مسيح آن احكام را ناديده گرفته كه به ترك نفس و تواضع سفارش ميكند كه مستلزم بي آلايشي و سادگي در گفتگو و سلوك و لباس است. نتيجه هميشه يكسان بوده است – انحراف از تعاليم انجيل افراد را به پذيرفتن مد و رسوم و اصول دنيوي ترغيب ميكند. تقدس و دينداري جاي خود را به آيين ها و تشريفات مرده ميدهد. حضور و قدرت خدا از كساني كه مادي گرا هستند بازپس گرفته ميشود. در عوض گروهي از عابدان فروتن وجود دارند كه راغب به اطاعت از تعاليم كلام مقدس هستند. توسط نسلها اين مسير دنبال شده است. يكي پس از ديگري مذاهب مختلف برخاسته و سادگي و بي تكلفي خود را در همان اوان بمقدار عظيمي از دست داده اند.

استاندارد و معيار كلام خداست- موضوعات لباس بايد اكيدا مورد صيانت قرار گيرد و بايد هر چه نزديكتر به احكام كتاب مقدس باشند. مد روز الهه دنياي ظاهري است و اغلب خود را به كليسا تلقين و تحميل ميكند. كليسا بايد كلام خدا را معيار قرار دهد و والدين بايد به اين موضوع هوشمندانه فكر كنند. وقتي ميبينند كه فرزندانشان متمايل به پيروي از مدهاي دنيوي هستند آنان بايد مانند ابراهيم با عزم به اهل خانه خود امر كنند تا متابعت كنند. در عوض متحد شدن با دنيا خود را با خدا متحد سازيد.

**فصل شصت و هفتم**

**قدرت مسحور كننده مد**

مد روز، حاكم ستمگري است- مد بر جهان حكمراني ميكند و معشوقه ظالمي است و اغلب هواداران خود را مجبور ميكند تا تسليم بزرگترين رنج ها و ناراحتي بشوند. مد روز بدون دليل باج و خراج ميگيرد و بي رحمانه وصول ميكند. مد قدرت مسحور كننده اي دارد و آماده ايستاده تا از كساني كه رد پاي او را دنبال نميكنند انتقاد و آنان را استهزا كند.

ثروتمندان جاه طلب بدنبال مد هاي جور و واجور هستند و طبقات فقير و متوسط تلاش ميكنند به استانداردي دست يابند كه بواسطه ديگران براي آنان تنظيم شده است. جايي كه توان يا استطاعت محدود است و جاه طلبي براي بزرگ منشي زياد است بار سنگين تحمل ناپذير است. توسط بسياري اين مسئله اي نيست كه چقدر يك لباس مناسب يا زيباست بلكه مد اهميت دارد و بايد تجديد شود يا بكناري گذارده شود. شيطان آن عامل تحريك كننده در دگرگوني ها و ناخرسندي در مد همواره مشغول ابداع چيزي جديد است كه بتواند آسيبي به جسم و سلامت اخلاقي بزند و جشن پيروزمندانه ميگيرد كه ابداعات او به خوبي به توفيق نائل آمده است. مرگ قهقهه سر ميدهد كه سلامت ابلهان را بتباهي كشانده و شور و حرارت براي عبادت را در معبد مد بسردي كشانيده و آنان را به آساني زير يوغ و تسلط خود در آورده است. آنان خشنودي و لطف خدا را بخاطر مد قرباني و بكناري گذارده اند.

لباس پرستي بيماري اخلاقي است و نبايد به زندگي آورده شود. در بسياري موارد اطاعت از الزامات انجيل تغيير قطعي و مصمم در لباس را طلب ميكند.

قيمتي كه بعضي ميپردازند- مدل هاي لباسي كه مد تجويز ميكند چقدر با اصول ارائه شده در كلام متفاوت است. به سبك هايي فكر كنيد كه براي چند صد سال اخير شايع شده است و يا حتي براي چند دهه اخير. چه مقدار از اين مد ها را ميتوان براي يك زن مهذب و خداترس و محترم نامناسب خواند. چه بسا در موردي يك دختر فقير بخاطر يك روپوش شيك خود را از يك زير جامه گرم محروم ساخته و تاوان آنرا با جان خود پرداخته است. چه بسا ديگري ميل به نمايش زيبايي خود داشته و براههاي نادرست و شرمساري افتاده است. چه بسا خانه اي از آسايش و رفاه محروم مانده چه بسا مردي به اختلاس يا ورشكستگي و فلاكت افتاده تا مطالبات غير معقول همسر و فرزندان را برآورده سازد.

رستگاري با لباس پرستي به مخاطره افتاده است- غرور و خود بيني در هر جايي آشكار گرديده است ولي كسانيكه به آينه چسبيده تا خود را تحسين كنند تمايل كمي به نگاه كردن در احكام خدا دارند كه بزرگترين آينه اخلاق است. اين لباس پرستي همه چيزهايي را كه نجابت و فروتني شخصيت هستند را تباه ميسازد. اين مسلك زمانهاي گرانبهايي را كه بايد براي مطالعه كلام خدا وقف انديشه و تعمق در دل شود را تحليل داده و زوال ميدهد. هيچ مسيحي نميتواند خود را با مدهاي تحقير كننده دنيا تطبيق دهد مگر اينكه بخواهد رستگاري جان خود را به مخاطره بيندازد.

عشق به خودنمايي خانه را به فساد ميكشاند- زنان با كمك فيض مسيح قادر به انجام كار بزرگ و والايي هستند. بدين دليل شيطان با تمهيدات خود در پي ابداع لباس هاي مد روز است كه عشق به خود نمايي و تظاهر بگونه اي بتواند ذهن و دل را در خود فرو برد كه حتي مادران متعهد مسيحي در اين عصر وقتي را براي آموزش و تربيت فرزندان خود و يا پرورش افكار و خصايل ، بعنوان الگوي كارهاي خوب براي فرزندانشان اختصاص نميدهند. وقتي كه شيطان زمان و علاقه مادر را اشغال ميكند او كاملا آگاه است كه چقدر كامياب شده است. در نه مورد از ده مورد او تمام اوقات خانواده را براي نمايشهاي ابلهانه لباس بخود اختصاص داده است. او فرزندان را به يغما برده است چرا كه مادر را به اسارت خود در آورده است.

فرزندان كوچك بيش از رستگاري، از لباس سخن ميشنوند چرا كه مادر بيشتر از منجي خود با مد آشناست. والدين و فرزندان از بهترين و شيرين ترين و واقعي ترين هاي زندگي به تاراج رفته اند. آنان بايد خود را براي حيات اخروي آماده ميكردند ولي بخاطر مد فريب خورده اند.

اندازه كافي شجاع نيستيد تا ريشه را در بياوريد- بسياري از بارهاي سنگين مادران نتيجه تلاش او براي دنبال گيري مد روز است. تاثير دهشتناك اين مدها بر جسم و ذهن و سلامت اخلاق است. فقدان جرات در مقابله به زنان اجازه ميدهد تا در جريان سيل عامه پسند كشيده شوند... اكثر اوقات مادران مسيحي متعهد اصول را قرباني خواسته هايشان ميكند تا جماعتي را كه از مد براي خود بت ساخته اند را دنبال كنند. وجدان اعتراض ميكند ولي آنان باندازه كافي شجاعت ندارند تا با عزم راسخ در برابر اين خطا بايستند.

والدين مراقب باشند- والدين به كرات لباسهاي عجيب و غريب به فرزندان خود ميپوشانند كه زيورآلات زيادي را نمايش ميدهد آنگاه آشكارا ظاهر آنان را ميستايند و به آنها بخاطر ظاهرشان تحسين و مرحبا ميگويند. اين والدين احمق بهت زده خواهند شد چنانچه ببينند كه چطور شيطان از تلاشهايشان پشتيباني ميكند و آنان را به انجام بلاهت بزرگتري ترغيب ميكنند.

مشكلي كه بسياري از مادران با آن روبرو هستند- دختران شما اگر ببينند لباس آنان با لباس شما متفاوت است تحت تاثير قرار ميگيرند و ميخواهند مشابه همان لباس را داشته باشند يا . شايد چيز ديگري بخواهند كه ديگران دارند و احساس نميكنند كه مطابق با ايماني نيست كه به آنان اعطا نموده ايد. آيا اجازه ميدهيد كه آنان شما را آزار دهند و اجازه ميدهيد تا شما را در چارچوب خود قرار دهند يا اينكه شما آنانرا مطابق با اصول انجيل در چارچوب قرار ميدهيد ؟ فرزندان ما در نظر خداوند بسيار ارزشمند هستند. به آنان كلام خدا را تعليم دهيد و آنان را در راه وي تربيت كنيد. اين امتياز شماست تا فرزندان خود را تعليم داده تا چنان زندگي كنند كه ملكوت از آنان تقدير كند.

فرزندان خود را ترغيب نكنيد تا مد هاي دنيا را پيروي كنند و چنانچه ما با ايمان به آنان آموزش درست بدهيم آنان چنين نخواهند كرد... مدهاي جهان اغلب اشكال مضحكي دارند و شما بايد سليقه اي انتخاب كنيد كه بر ضد آن باشد.

حاصل عشق به خود نمايي- عشق به لباس و عياشي شادي هزاران نفر را از بين ميبرد. و كساني كه متعهد به دوست داشتن احكام خداوند هستند از اين طبقه تقليد ميكنند و احتمالا نام مسيحي را بر خود نگاه ميدارند. بعضي از اين جوانان چنان مشتاق خود نمايي هستند كه حتي حاضرند از مسيحي بودن صرفنظر كنند و تنها تمايل به نمايش دادن لباس و عياشي دارند.

خانواده هايي كه زمان زيادي را براي خود نمايي در نشان دادن لباس صرف ميكنند ميتوانند به درخت انجيري شبيه باشند كه مسيح از دور ديد. اين درخت انجير شاخه هاي برومند خود را در برابر داوري جلوه ميداد ولي وقتي عيسي بدنبال ميوه انجير ميگشت از بالاترين شاخه تا پائين ترين شاخه نگاه كرد ولي هيچ چيزي بجز برگ نديد. او به ميوه اشتياق دارد او ميوه و محصول ميخواهد.

ناخرسندي از دختران خدا- كارهاي مهم و واجبي در اين جهان براي انجام شدن وجود دارد و نبايد لحظه هاي گرانبها براي زيورآلات و نمايش هدر برود. دختران پادشاه سماوي بار سنگين مسئوليت را براي نائل شدن به زندگي متعالي تر احساس ميكنند كه بايد به ملكوت و كار در هماهنگي با منجي جهان پيوند و رابطه نزديكتري پيدا كنند. كساني كه در اين كار متعهد شده اند با مد و نمايش كه اذهان و علاقه زنان را در اين ايام آخر مجذوب ساخته خرسند نميشوند. اگر آنان بواقع دختران خدا هستند در ماهيت الهي شريك خواهند بود. وقتي كه تاثيرات تباهي در جامعه را ببينند همانند منجي الهي خويش، آنان با تاثر عميق بلرزه در خواهند آمد. آنان در حيطه امور خويش همراه با مسيح دلسوزي خواهند كرد و با توان و فرصت هاي بدست آمده همانگونه كه مسيح با بلند مرتبگي خويش براي نفع مردم كار كرد كار خواهند نمود تا جانهاي رو بموت را نجات دهند.

**فصل شصت و هشتم**

**شيوع و رواج چيزهاي جزيي تباه كننده**

عصر وفور شرارت و بي انصافي- ما در ميان مخاطرات روزهاي آخر زندگي ميكنيم. بخاطر اينكه بي انصافي زياد است علاقه بسياري براي رشد و تعالي بسردي گراييده است. واژه بسياري اشاره به پيروان متعهد مسيح دارد. آنان با شيوع بي انصافي تحت تاثير قرار گرفته اند و از خدا برگشته اند. واقعيت اين است كه علاقه آنان به خدا رو بسردي گراييده است زيرا وفور شرارت در برخي جهات نشان ميدهد كه آنان در اين شرارت سهيم هستند. و الا خدادوستي و غيرت و اشتياق آنان تحت تاثير قرار نميگرفت.

تاثير كتابها و تصاوير پست و موهن- بسياري از جوانان مشتاق كتاب هستند. آنان هر چيزي را كه بدست بياورند ميخوانند. داستانهاي عشقي مهيج و عكسهاي ناپاك تاثيرات فاسد كننده اي بهمراه دارند. بسياري داستانهاي رمان را دنبال ميكنند و بالنتيجه پندار آنان آلوده ميگردد. تصاوير عريان بوفور در حال فروش است. اين تصاوير نفرت انگيز در استوديوهاي عكاسي نيز يافت ميشوند و بر ديوارهاي كساني كه با نقاشي سر و كار دارند آويزان است. اين دوره و زماني است كه فساد در هر جايي زاده ميشود. شهوت چشم چراني و اغراض فاسد با مشاهده كردن و خواندن بر انگيخته ميشوند. دلها بواسطه تصورات به تباهي كشيده ميشوند. ذهن با صحنه ها لذت ميبرد كه بدين سبب اغراض پست و نفساني را بيدار ميكند. اين تصويرهاي شرم آور با خيالات آلوده ديده ميشوند و اخلاقيات را فاسد و بشر را فريفته و شيفته ميگرداند تا افسار خود را به اغراض نفساني بسپارد. آنگاه بدنبال گناه و فساد رفته و آن فرد كه شبيه تصوير خدا خلق شده به سطح حيوان تنزل ميكند و در مرگ روحاني مستغرق ميسازد.

هرزگي، گناهي خاص است- تصوير دهشتناك وضعيت جهان را ميبينيم. فساد اخلاقي به هر جا كشيده شده است. هرزگي در عصر ما گناه خاصي است. گناه هرگز هيبت زشت خود را اينگونه تا كنون نشان نداده بود. مردم بنظر كرخت و خرفت شده اند و دوستداران تقوي و زيبندگي واقعي تقريبا با گستاخي و قدرت و نفوذ آن نوميد گشته اند. روميان 18:1 -٣٢ شرح واقعي جهان پيش از رجعت ثاني مسيح است.

اين گناه است و نه رنج و زحمت كه خدا را از امت خويش جدا ساخته و جان را از خشنود نمودن و جلال دادن او عاجز و ناتوان ساخته است. اين گناه است كه جان را نابود ساخته است. گناه و فساد در خانواده هاي رعايت كنندگان سبت وجود دارد.

شيطان به جوانان حمله ميكند- در اين ايام آخر اين كار مخصوص شيطان است كه افكار جوانان را تسخير كند تا اذهان آنان را تباه ساخته و اغراض نفساني را شعله ور سازد چرا كه ميداند كه با چنين كاري ميتواند افراد را به اعمال ناپاك هدايت كند و بموجب آن همه استعدادهاي شريف ذهن به پستي گرائيده و ميتواند آنان را تحت كنترل خود در آورد تا مناسب براي اغراض و نيات او باشند.

راهنمايي براي آينده جامعه – جوانان امروز مطمئنا راهنماهاي جامعه آينده خواهند بود و همچنانكه آنان را نظاره ميكنيم چه اميدي به آينده داريم؟ اكثريت هوادار عياشي هستند و از كار كردن بيزارند... آنان كنترل نفس كمي دارند و بهيجان آمده و در موارد بي اهميت خشمگين ميشوند. بسياري در هر دوره و موقعيت زندگي فاقد اصول و يا وجدان هستند و با بيهودگي و عادات اسرافكارانه به جامعه فاسق و رو بگناه شتابانند تا اينكه دنياي ما سدوم دوم بشود. چنانچه علاقه ها و اغراض تحت كنترل عقل و دين در آيند جامعه سيمايي كاملا متفاوت را ارائه مينمود. خداوند هرگز مقرر ننمود كه وضعيت اسفناك كنوني وجود داشته باشد. اين وضعيت از طريق تخطي از قوانين طبيعت بوجود آمده است.

مشكلات خودآزاري- برخي كه ادعاي زياد دارند گناه خود آزاري و نتايج مسلم آن را درك نميكنند. عادتهاي شكل گرفته دراز مدت آنانرا از درك موضوع عاجز ساخته است. آنان گناه زياد اين خطاي منحط كننده را درك نميكنند.

جوانان و نوجوانان از هر جنسي كه درگير تباهي اخلاقي هستند و به اعمال نفرت انگيز مبادرت ميورزند و جسم و روح خود را تباه ميكنند. بسياري از مسيحيان با اين اعمال قدرت فكري خود را از دست داده اند و نميتوانند درك كنند كه اين كار گناه است و چنانچه ادامه يابد نتيجه قطعي آن ويراني قطعي جسم و روح خواهد بود. انسان شريف ترين موجود روي زمين كه شبيه خدا آفريده شده خود را به حيوان متبدل ساخته است. او خود را زشت و فاسد ساخته است. هر فرد مسيحي مجبور است بياموزد تا اغراض خود را محدود و كنترل نمايد و با اصول تحت كنترل قرار گيرد. چنانچه چنين كند آنگاه شايسته است تا نام مسيحي را بر خود بگذارد.

آلودگي اخلاقي بيش از هر شرارتي كار خود را براي به پستي كشاندن نژاد بشر انجام داده است. اين اعمال زنگ خطر را بصدا در آورده و هر نوع بيماري را بارمغان آورده است. حتي فرزندان كوچك و اطفال با آزردگي در اعضاي جنسي بدنيا آمده اند و با لمس كردن احساس آسايش خاطر نموده كه تنها آزردگي و سوزش را افزايش داده و تكرار اين عمل تا جايي است كه به عادت تبديل ميشود و در هنگام رشد آنان افزايش خواهد يافت.

تمايلات شهواني ارثي است- والدين معمولا در باره اين عيب از فرزندانشان آگاه نميشوند. در بسياري از موارد والدين گناهكاران واقعي هستند. آنان از امتياز ازدواج خود سوء استفاده كرده و با افراط اغراض حيواني خود را تقويت نموده اند. و همانطور كه اينها تقويت ميشوند استعدادهاي اخلاقي و فكري تضعيف ميشوند. كودكان با تمايلات حيواني بدنيا مي آيند زيرا كه نقش شخصيت والدينشان را بر خود دارند... فرزنداني كه توسط اين والدين بدنيا مي آيند تقريبا بطور ثابت بطور طبيعي به اين عادات نفرت انگيز فاسقانه ادامه ميدهند... گناهان والدين در فرزندانشان يافت ميشود زيرا كه والدين تمايلات باطني خود را به فرزندان خود به ارث داده اند.

برده افسون شده- اغراض حيواني زنان و مردان را در زير يوغ خود قرار داده است. آنان قادر به انجام كارهاي نيك خواهند بود چنانچه بنده اغراض و تمايلات فرومايه نباشند. اعتماد به بشريت بطور دهشتناكي از بين رفته است.

نشان داده شده است كه افرادي كه بظاهر سلوك و منش خوبي داشته و خود را در گرو آزادي با جنس مخالف نميديده اند تقريبا هر روزه مخفيانه مبادرت به گناه ورزيده اند. آنان از اين گناه هولناك خودداري نورزيده اند حتي در حاليكه جلسات بسيار رسمي در شرف انجام بوده است. آنان به سخنرانيهاي جدي و گيرا در باره داوري گوش فرا داده اند- كه آنان در محضر عدل الهي حاضر خواهند شد و باعث ترس و رعشه آنان شده است با اين وجود يك ساعت هم نگذشته است كه آنان درگير گناه محبوب و محسور كننده خود ميشوند و بدنهاي خود را آلوده ميسازند. آنان مانند برده هايي براي اين جرم ترسناك بوده كه بنظر از كنترل اغراض خود ناتوان بوده اند. براي برخي متحمل زحمت شده ايم- از آنان استدعا كرده ايم- براي آنان گريسته و دعا كرديم- با اين وجود ميدانستيم كه در اين ميانه تلاش و محنت زياد- زور و قدرت عادت گناه آلود سلطه يافته است و اين گناهان مرتكب گرديده اند.

دانش اين گناه با قربانيهاي آن منتشر شده است- آنانيكه كاملا در اين گناه نابود كننده جسم و روح فرو رفته اند بندرت ميتوانند آرامش بيابند تا اينكه بار سنگين شرارت نهاني به كساني كه با آنان در رابطه هستند بيان شود. حس كنجكاوي بر انگيخته ميشود و دانش گناه از يك جوان به جوان ديگر منتقل ميشود و از كودكي به كودكي ديگر تا اينكه ندرتا كسي از اين گناه منحط بي اطلاع باشد. يك ذهن منحط ميتواند بذرهاي شرارت را در مدت كوتاهي بكارد كه جمعيت بسياري در تمام طول زندگي از ريشه در آوردن آن عاجز ميمانند. ضرب المثل شيرين پارسي نيز ميگويد: يك ديوانه سنگي را در چاه مي اندازد كه چهل فرد عاقل از بيرون در آوردن آن عاجزند.

**فصل شصت و نهم**

**تاثيرات اعمال مضر**

تحليل نيروي زندگي- عادات پنهاني مسلما قواي حياتي سيستم را تحليل ميدهد. همه فعاليتهاي غيرضروري به افسردگي مي انجامد. در ميان جوانان به نيروي حياتي مغز در دوران شباب بشدت فشار آورده ميشود كه ناكارائي و خستگي مفرط را بهمراه داشته و سيستم را در معرض بيماريهاي گوناگون قرار خواهد داد.

شالوده اي براي بيماريهاي گوناگون در زندگي آينده ريخته ميشود- اگر اين اعمال از سنين پانزده سالگي به بالا انجام شود طبيعت بر ضد سوء استفاده معترض ميشود و رنج ميكشد و آنان مجبور خواهند شد تا تاوان سرپيچي از آن را بپردازند خصوصا از سنين سي تا چهل و پنج سالگي با دردهاي زياد در سيستم با بيماريهاي گوناگون از قبيل ابتلاء كبد و ريه ها – دردهاي عصبي – روماتيسم – دردهاي ستون فقرات – بيماريهاي كليه – و بافت هاي سرطاني. برخي از دستگاههاي ظريف بدن مجبور به انجام وظايف سنگينتري ميشوند كه اختلال بوجود مي آورند و اغلب از كار افتادگي ناگهاني در ساختمان طبيعي بوجود آمده و مرگ را در پي مي آورد.

فرمان ششم از روي بيفكري نقض ميشود- جان كسي را آني گرفتن از نظر ملكوت بزرگتر از ويراني قطعي و تدريجي نيست. اشخاصي كه با خطاكاري براي خويشتن تباهي مي آورند از تاوان آن رنج خواهند برد و بدون توبه واقعي زودتر از كسي كه بطور آني زندگي خود را از بين ميبرد اجازه ورود به ملكوت را ندارند. اراده خدا رابطه بين علت و معلول را ايجاد ميكند.

كساني كه افكار سالم دارند نيز در معرض بيماري هستند- ما همه جواناني را كه براي عادات اشتباه مقصرند را به حساب نمي آوريم. كساني هستند كه داراي افكار سالم و باوجدان و وظيفه شناس هستند و بخاطر عواملي كه خود آنرا نميتوانند كنترل كنند رنج ميبرند.

قدرتهاي ذهني ضعيف ميشوند- والدين افراطي و شيفته با فرزندان خود دلسوزي ميكنند زيرا باور غلط دارند كه مصلحت نيست تا ذهن جوانان را با مطالعات سخت و سنگين پر نمود و سلامت آنان را بخطر مي اندازد. ولي اي والدين آيا به اين موضوع عميق تر نگاه نكرده ايد كه صرفا ايده پيشنهادي فرزند خود را ميپذيريد؟ آيا به دليل داده شده توسط آنان بخاطر بي ميلي و تنبلي آنان خيلي ساده انگار و ساده لوح نبوده ايد؟ اين وظيفه سرپرستان و والدين است كه به سطوح زيرين براي يافتن علت نگاه كنند.

اذهان برخي از اين فرزندان چنان ضعيف شده است كه از نيمي يا يكسوم هوش و ذكاوت خود استفاده ميكنند. آنان ذكاوت خود را براي خودآزاري به بيرون ريخته اند.

تصميم عالي و زندگي روحاني نابود گرديده است- گناه پنهاني ويران كننده تصميمات عالي – تلاشهاي بي شائبه – و قدرت اراده براي ايجاد يك شخصيت مذهبي خوب هستند. همه كساني كه داراي حس واقعي هستند از آنچه كه شامل مسيحي بودن ميشود- ميدانند كه پيروان مسيح و حواريون او تحت التزام هستند تا همه احساسات و توان جسمي و استعدادهاي ذهني را تحت تبعيت كامل براي اراده او در بياورند. كساني كه با احساسات و اغراض خود كنترل ميشوند نميتوانند پيروان مسيح باشند. آنان بيش از حد خود را وقف خدمت به ارباب نفس خود نموده اند كه باني هر گونه شرارت است و بايد از عادات فاسد خود دست كشيده و خدمت به خدا را انتخاب كنند.

مذهب ممكن است تشريفاتي باشد ولي چيزي را كم دارد – كساني كه خود را پيروان مسيح مينامند ميدانند كه برضد خدا گناه ميورزند و سلامت خود را تباه كرده اند با اين وجود برده اغراض فاسد خود هستند. وجدان آنان تقصير را حس ميكند و تمايل كمتر و كمتري در دعاهاي نهاني نسبت به نائل شدن بخدا دارند. آنان ممكن است كه شكلي از دينداري داشته باشند ولي در قلوب خويش از فيض خدا تهي هستند. آنان براي خدمت به او اخلاص و فداكاري ندارند و به او اعتماد ندارند و در جلال او زندگي نميكنند و از اوامر او خشنود نيستند و از او محظوظ نيستند.

قدرت استقلال بنظر از دست رفته است- برخي به افراطگريهاي شريرانه گناه آلود اعتراف ميكنند با اين وجود با گفتن اينكه نميتوانند بر اغراض خود غلبه يابند عذر و بهانه مي آورند. اين پذيرفتن هولناكي است براي فردي كه نام خود را مسيحي ميگذارد. "هر كسي كه نام مسيح را بر خود نهاده بايد از بي انصافي دوري گزيند" چرا اين ضعف ناميده ميشود؟ بخاطر اين است كه تمايلات حيواني با تمرين تقويت شده اند تا اينكه به قدرتهاي بيشتري نائل گرديده اند. مردان و زنان فاقد اصول هستند. آنان مرگ روحاني دارند زيرا براي مدتها خواسته هاي طبيعي خود را برآورده كرده اند و از اينرو قدرت استقلال و حكميت خود را از دست داده اند. اغراض پست آنان حكمراني ميكند و آن قدرت حاكمه در خدمت اغراض فاسد است. جان در اسارت و پستي افتاده است. شهوانيت ميل براي قدوسيت را از بين برده و توفيق روحاني را به پژمردگي كشانيده است.

ارتباط با ملكوت قطع گرديده است- پيامهاي جدي از آسمان نميتواند به اجبار به قلبي كه بر عليه فسق و فجور و گناه مستحكم نشده است اثر بگذارد. تارهاي عصبي حساس مغز آهنگ سالم خود را با هيجانات ناسالم از دست داده اند تا خواهشهاي غير طبيعي را براي هوسراني ارضا نمايند. تارهاي عصبي كه با كل سيستم ارتباط برقرار ميكنند تنها رسانه اي هستند كه بواسطه آن ملكوت ميتواند با بشر ارتباط برقرار كند و زندگي او را تحت تاثير قرار دهد. هر چه كه گردش جريان الكتريكي در سيستم عصبي را مختل ميكند قواي حياتي را تحليل داده و نتيجه بي حسي حساسيتهاي ذهن است. در ازاي اين واقعيتها چقدر مهم است كه خادمان و مردمي كه مدعي خداشناسي هستند قائم بايستند و از لكه گناه پست كننده جان خود را پاك كنند.

برخي نادم و اندوهناك هستند ولي عزت نفس از دست رفته است- اثرات چنين عادات منحطي در همه ذهنها مشابه نيست. بعضي كودكان هستند كه قدرتهاي اخلاقي آنان بطور وسيعي رشد نموده ولي وقتي با كودكاني كه خودآزاري ميكنند ارتباط برقرار ميكنند قدم در اين گناه بر ميدارند. تاثير بر چنين افرادي ميتواند ماليخوليا – زود رنجي و تحريك پذيري و حسادت باشد با اينحال اين قبيل احترام خود را از عبادت مذهبي از دست نداده و در رابطه با امور روحاني بد عهدي از خود نشان نميدهند. آنان گهگاهي از احساس ندامت رنج ميبرند و در نظر خود به انحطاط و پستي گرائيده اند و مناعت طبع را از دست ميدهند.

ذهن ميتواند در برابر وسوسه ها محسور شود- قدرت اخلاقي وقتي كه با عادتهاي شكل گرفته در ستيز مي افتد بحد زيادي ضعيف ميشود. افكار ناپاك تصورات را تحت كنترل خود دارد و در مقابل وسوسه ها نميتوان تقريبا مقاومت نمود. اگر ذهن به انديشه هايي متعالي خو گرفته باشد تصورات طوري پرورش مي يابد كه پاك و مقدس باقي بماند و در برابر وسوسه ها محسور و مستحكم خواهد ماند. و تا دم آخر ملكوتي و پاك و مقدس باقي خواهد ماند و مجذوب چيزهاي پست و فاسد و شرم آور نخواهد شد.

در اين امور هشيار باشيد- زياده روي در اغراض پست باعث ميشود كه بسياري چشمان خود را بروي نور هدايت ببندند چرا كه هراس دارند كه گناه را ببينند زيرا كه از ترك گناه بي ميل هستند. فقط چيزهايي را ميبينند كه بخواهند. اگر تاريكي را بر نور انتخاب كنند چيزي جز تباهي نصيب خود نميكنند. چرا مردان و زنان نميخوانند تا در باره اين امور هوشيار شوند كه بطور قطعي بر قواي اخلاقي و فكري و جسمي آنان تاثير بگذارد؟ خداوند به شما قلمروي داده تا از آن مراقبت و آن را در بهترين وضعيت براي خدمت و جلال او حفظ كنيد. بدنهاي شما متعلق به شما نيستند". آيا هنوز نميدانيد كه بدن شما مسكن روح القدس ميباشد كه او را خدا بشما عطا كرده است؟ آيا نميدانيد كه روح القدس در وجود شما زندگي ميكند؟ پس بدن شما از آن خودتان نيست. خدا شما را به بهايي گران خريده است پس تمام اعضاي بدن خود را51 متقابلا براي نشان دادن جلال و عظمت خداوند بكار بريد چون او صاحب بدن شماست ."

**فصل هفتاد**

**احتياطات و مشاوره ها**

بسياري از موارد آشكار گرديده است- بسياري از موارد نزد من52 اينكه چشم اندازي از زندگي باطني آنان داشته ام جانم بيمار گشته است و از بشريت رو بفساد كشيده شده اي كه مدعي دينداري است منزجر گرديده ام. من بوفور از خود پرسيده ام به چه كسي ميتوان اعتماد داشت؟ چه كسي از بي انصافي و شرارت آزاد است؟

از وضعيت خانواده هاي مدعي حقيقت شناس به وحشت افتادم. هرزگي جوانان و حتي كودكان باور نكردني است. والدين نميدانند كه گناهان پنهاني، تصوير خداوند را در فرزندانشان نابود و بد شكل ميكند. گناهاني كه از سدوميان توصيف شده بود در ميان آنان موجود است. والدين مسئول هستند چرا كه فرزندانشان را تربيت ننموده اند تا خدا را دوست داشته و از او اطاعت كنند. والدين فرزندان خويش را مقهور و مطيع نساخته اند و با سختكوشي راه خدا را به آنان تعليم نداده اند. والدين به فرزندان خويش اجازه داده اند تا هر وقت كه دلشان خواست بروند و بيايند و با دنياپرستان دمخور شوند. اين تاثيرات دنيوي كه با تعاليم و اقتدار والدين تناقض دارد باصطلاح رابطه اجتماعي خوب ناميده ميشود. آنان با لباس و قيافه و ظاهرنمايي ها خود را با فضايي كه در ضديت با مسيح است محاط نموده اند.

نها مامن و ملجاي ما اين است كه مانند قوم خاص خداوند پابرجا بايستيم. ما نبايد حتي مقدار كمي نسبت به رسوم و مدهاي اين دوران وانفسا و منحط عقب نشيني كنيم بلكه در استقلال اخلاقي راست قامت بوده و با اعمال فاسد و كفر سازش نكنيم.

افراد نادان بايد به روشنگري برسند- مسئله اي نيست كه چقدر فرد مدعي ايمان باشد- كسانيكه تمايل به ارضاي هوي و هوس هستند نميتوانند مسيحي ناميده شوند. بعنوان خادمان مسيح كار و فكر و سرگرمي آنان بايد مركب از چيزهاي عاليتري باشد. بسياري از اين عادات گناه آلود و برخي نتايج آن ناآگاهند. و بايد نسبت به آن آگاه شوند.

كسي كه براي شفا درخواست دعا دارد- يكبار در جلسه اي شركت جستيم كه براي برادري كه از بيماري سل رنج ميبرد همدردي كنيم. او رنگ پريده و نحيف بود. او از قوم خدا التماس دعا داشت. او گفت كه خانواده اش بيمار بوده اند و بدين خاطر فرزندي را از دست داده است. او از احساسات داغدارانه اش سخن ميگفت. او گفت كه براي مدتي در انتظار ديدن برادر و خواهر وايت بوده است. او ايمان داشت كه اگر آنان برايش دعا كنند او شفا خواهد يافت. پس از اينكه جلسه خاتمه يافت برادران توجه ما را نسبت به اين مورد جلب كردند. آنان گفتند كه هنگامي كه همسرش بيمار بوده كليسا به آنان كمك كرده است و فرزندش درگذشته است. برادران در خانه او گرد آمده و بطور متحد براي آن خانواده مصيبت زده دعا كردند. در خلال جلسه از بار سنگيني كه بر دوشمان گذاشته شده بود هلاك و درمانده شده بوديم و خواهان اين بوديم كه عذرمان را بپذيرند. من تصميم گرفته بودم تا خود را درگير دعا براي كسي نسازم مگر اينكه روح خدواند چنين امر كند...

آنشب براي دعا سر خم كرده و مورد او را نزد خدا برديم. و از خدا خواستيم تا اراده او را در مورد فرد بيمار جويا شويم. همه خواسته ما اين بود كه خداوند جلال يابد. آيا خداوند ميخواهد تا براي اين مرد رنجور دعا كنيم؟ بار مسئوليت را به خدا واگذار كرديم و بكناري نشستيم. در رويا مورد آن مرد بوضوح هويدا گرديد. جريان زندگي او از كودكي تا حال نشان داده شد و اگر دعا ميكرديم خداوند دعاي ما را نميشنيد چرا كه شرارت را در قلب او ديده بود. صبح روز بعد آن مرد آمده تا برايش دعا كنيم. او را بكناري برده و به او گفتيم كه از دعا كردن براي او معذوريم. من روياي خود را به او بازگو كردم و او درستي آنرا تاييد كرد. او از پسربچگي تا بحال مرتكب خودآزاري نفساني شده بود و آنرا در دوران زندگي زناشويي خود ادامه داده بود ولي گفت كه تلاش خواهد كرد تا از اين عمل شنيع دست بردارد. اين مرد عادت طويل المدتي داشت كه بايد بر آن غلبه مي يافت. او در سن ميانسالگي بود. اصول اخلاقي او چنان ضعيف بود كه غلبه بر آن عادت طولاني مدت سخت بود...

در اينجا مردي را شاهد بوديم كه خود را روزانه پست كرده بود و با اين وجود جسارت داشت تا به حضور خدا برود و تمناي بازيافتن قوت داشت كه آنرا در پستي به تحليل برده بود و چنانچه درخواست او پذيرفته ميشد او اين قوت را براي هواي نفساني خود بكار ميبرد. خداوند چه صبر و تحملي دارد! چنانچه خداوند مطابق با راههاي فاسد انسان سريعا مقابله ميكرد چه كسي زنده ميماند؟ چطور ميشد اگر ما كم احتياط بوديم و مورد او را نزد خدا ميبرديم در حينيكه او به شرارت خويش ادامه ميداد آيا خداوند دعا را ميشنويد؟ آيا خداوند جواب ميداد؟ "تو خدايي نيستي گناه را دوست بداري و شرارت را تحمل كني. تو تحمل ديدن متكبران را نداري و از همه بد كاران نفرت داري53 ".

اين يك مورد خاص نيست. حتي رابطه زناشويي كفايت نميكرد تا اين مرد را از عادات زشت جواني بر حذر دارد. ايكاش متقاعد ميشدم كه اين قبيل موارد كه يك نمونه از آنرا ارائه نمودم كمياب بودند ولي ميدانم كه بسيارند.

قاتل خويشتن- يك مردي مدعي پيروي از مسيح بود. او رو بموت و نحيف بود. فرا خوانده شديم تا برايش همدردي كنيم... مورد او در رويا بمن نشان داده شد. او خود را فريب ميداده است و توجه و عنايتي نسبت به خدا ندارد. او خودآزاري نفساني را تا حدي پيش برده تا اينكه بشريت او تباه گرديده بود. اين گناه بعنوان عملي شنيع در ديدگاه خدا بمن نشان داده شد.

او به اين عادات را بمدتي طولاني پرداخته بود تا اينكه كنترل خويش را از دست داده بود. او بطور طبيعي مردي با ذكاوت و هوشمند بود و بيش از معمول توانايي داشت. ولي چگونه قدرت و توانايي جسمي و ذهني او تحت تسلط شيطان قرار گرفته بود و او را قرباني كرده بود!

اين مرد تا بدانجا پيش رفته بود كه بنظر خدا رهايش كرده بود. او به صحرا رفته و روز و شب خود را در روزه و دعا سپري كرده بود تا بر اين گناه كبيره فايق آيد و آنگاه دوباره به عادات كهنه خود باز ميگشت. او بار نزد خدا پيمان بسته بود و پيمان خود را شكسته و خود را در اغراض نفساني خويش رها ميكرد تا اينكه خداوند او را رها كرده تا ويران شود. او از آن موقع مرده بود. او قاتل خويش بود. پاكي ملكوت با حضور تبهكارانه او هرگز تباه نخواهد گرديد.

درخواست از يك دختر فاسق. (توجه: اينها خلاصه اي از نامه اي است به يك دختر خود راي كه به گناه پنهاني ميپرداخت) – ذهن تو ناپاك است. تو در كل مدتهاست كه به پستي گرائيده اي. كارهاي خانه يكي از پربركت ترين كارهايي بوده است كه ميتوانستي انجام بدهي. خستگي نميتوانست يكدهم افكار و اعمال شهوت انگيز به تو آسيب برساند. تو برداشت ناصحيحي را از رابطه دخترها و پسرها داشته اي و از مشاركت با پسرها لذت ميبري. تو در ذهن و دل پاك نيستي. تصورات و خيالهاي تو به فساد و تباهي گرائيده است تا اينكه بنظر ميرسد كه قدرتي براي كنترل افكارت نداري. شيطان آنگونه كه دوست دارد تو را هدايت ميكند...

رفتار تو عفيف و محجوب و مناسب نبوده است. تو از خدا ترسي نداشته اي. بارها براههاي منحرفانه رفته اي تا برنامه هايت را كامل كني و به ذهنيت و وجدان خود تجاوز كرده اي. دختر عزيز اگر از اين رفتار دست نكشي مسلما تباه خواهي شد. از خيال و وهم دست بردار و قصرهاي خيالي نساز. از افكار و اوهامات ابلهانه و منحرفانه اي كه ترا به مسير ويراني ميكشاند دست بدار.

تو نميتواني در كنار پسران در امان باشي. موج وسوسه ها در سينه ات بحركت در مي آيد و تمايل به ريشه كن كردن اصول و پاكدامني و عفت زنانه و حجب وحياي واقعي دارد. اگر به راه خودسرانه و سرسختانه خود بروي چه سرنوشتي در پيش رو خواهي داشت؟ تو در معرض خطر هستي و در نقطه اي قرار داري كه در مذبح هوي و هوس حيات اخروي خود را قرباني كني. احساسات و غرايض ميتواند تمامي زندگي را تحت كنترل خود در آورد – ولي به چه قيمت و كيفيتي؟ كه از اساس طبيعت بشري را به نابودي بكشاند. با تسليم شدن به آن زندگي والدين خود را تلخ خواهي كرد و غم و شرمساري را براي خواهران خود آورده و شخصيت خود را قرباني ميكني و ملكوت و زندگي پرجلال ابدي را از دست خواهي داد.

تو گستاخ شده اي. تو عاشق پسرها هستي و دوست داري كه هميشه پسرها را موضوع صحبت خود كنی. " سخنان انسان نشان دهنده باطن اوست54". عادتها قدرتمند شده و كنترل تو را بدست خواهند گرفت و ياد گرفته اي تا فريب بدهي تا اينكه به مقاصد و خواهشهاي خود دست پيدا كني. مورد تو مورد نوميد كننده اي نيست و اگر چنين بود قلم به زحمت نمي افتاد. با قوت خدا ميتواني گذشته را بازيابي كني...

از پسرها دور باش. در جمع آنان وسوسه هاي تو پرشورتر و قدرتمند تر خواهد شد. ازدواج را از ذهن دخترانه خودت دور كن. زيرا كه الان آماده نيستي. تو به سالها تجربه نياز داري تا وظايف و بارهاي مسئوليتي را كه بايد بر دوش بكشي درك كني. مثبت انديش باش و بطور قطعي از افكار و احساسات و علايق خود محافظت كن. از اين ها تنزل نكن تا بخدمت شهوات در آيي. آنها را در پاكي متعالي بساز و به خدا وقف كن.

تو ميتواني يك دختر احتياط كار و متين و پاكدامن بشوي ولي بدون پشتكار و تلاش بدان نائل نخواهي شد. بايد مراقب باشي، بايد دعا كني، بايد تعمق كني، بايد انگيزه ها و اعمال خود را مورد تفتيش و بررسي قرار بدهي. از نزديك و با دقت احساسات و كردار خود را بررسي كن. آيا در حضور پدر خود به چنين كردارهاي ناپاكي ميپردازي؟ در واقع نه. ولي تو در حضور پدر آسماني مرتكب چنين اعمالي ميشوي كسيكه بيش از اين متعالي و مقدس و پاك است. آري تو جسم خود را در حضور فرشتگان معصوم و پاك و در حضور مسيح تباه مي كني و به اين كار ادامه ميدهي صرف نظر از وجدان و بدون در نظر گرفتن نور هدايت و هشداري كه بتو داده شده است رفتار ميكني. بياد داشته باش كه تمام كردار تو ضبط خواهد شد. تو بايد با نهاني ترين چيزهاي زندگي مقابله كني...

مجددا به تو هشدار ميدهم. بدون تاخير خود را به مسيح تسليم و ارزاني كن او بتنهايي با قدرت فيض خويش ميتواند ترا از تباهي رهايي بخشد. او بتنهايي ميتواند قدرتهاي ذهني و اخلاقي ات را در وضعيتي سالم درآورد. با محبت خداوند دلگرم خواهي شد و فهم تو شفاف و بالغ خواهد شد و ضمير و باطن تو روشن و سريع و پاك خواهد گرديد و اراده تو درست و مقدس خواهد بود و تحت كنترل روح خدا قرار خواهد گرفت. تو ميتواني خود را آنطور كه انتخاب ميكني بسازي. اگر ميخواهي چهره اي درست داشته باشي به شرارت پايان بده و ياد بگير كه چگونه درستكار باشي آنگاه بواقع شادمان خواهي بود. در كشمكشهاي زندگي موفق خواهي شد و در زندگي بهتري جلال و حرمت خواهي يافت. "انتخاب كن كه خادم چه كسي باشي55".

وقتي كه والدين در خوابند شيطان كار ميكند- اين دوره زودگذري است. پسرها و دخترهاي كوچك از زماني كه در مهدكودك هستند به يكديگر توجه ميكنند. تاثير اين اختلاط چه خواهد بود؟ آيا عفت و نجابت وقتي كه با هم مخلوط هستند افزايش مي يابد؟ در واقع نه! اولين غرايض شهواني افزايش مي يابد. پس از چنين جلساتي جوانان توسط شرير ديوانه ميشوند و خود را براي اعمال شرم آور رها ميكنند.

والدين در خوابند و نميدانند كه شيطان بيرق جهنمي خود را در خانه هايشان نصب كرده است. تكرار ميكنم والدين در خوابند. كودكان با احساسات شيدايي سحر شده اند و حقيقت قدرت ندارد تا خطا را اصلاح كند. چه ميتوان كرد تا از يوغ شيطان رها شد؟ والدين اگر بخواهند ميتوانند خيلي كار ها كنند.

اگر دختربچه اي وارد مرحله بلوغ و نوجواني بشود و توسط پسر همسن يا بزرگتر از خود آشنا شود به او بايد ياد داده شود تا مراقب باشد تا به مراحل ديگري كشيده نشود. وقتي مشاركت دختران بطور فراوان توسط پسران و يا مردان جوان زير نظر گرفته شود اشكالي بايد وجود داشته باشد. آن دختر جوان به مادري نياز دارد تا جايگاه او را بوي نشان دهد و او را محدود و مقيد سازد و باو نشان دهد كه چه چيزهايي مناسب دختري در سن و سال اوست.

اصول تباه كننده چنين متداول نموده است كه از نقطه نظر بهداشتي جنسهاي مختلف بايد با هم در آميزند - ولي اين كار بد و شنيعي است. وقتي والدين و سرپرستان يكدهم موذي گري شيطان را فاش سازند آنگاه انجمن جنسهاي مختلف تقريبا بي خطر خواهد بود. آنطور كه هست شيطان در تلاشهاي خويش كامياب است تا اذهان جوانان را فريفته و اختلاط پسران و دختران تنها شرارت را بيشتر افزايش ميدهد.

صورت كلي از يك تصوير- خود را فريب ندهيد كه پس از اين همه گفتگو اين موضوع بطور اغراق آميزي گفته شده است. شما صورت كلي از يك تصوير را ميبينيد. واقعيت ها در اين باره اظهار گرديده است. بيدار شويد! بيدار شويد! به شما استدعا ميكنم قبل از اينكه بيش از حد براي اصلاح اشتباهات دير شده باشد و نكند كه شما و فرزندانتان در ويراني هلاك گرديد. كار را جدي بگيريد و براي كمك گيري از هر پرتوي از نورهدايت كه مسير پيش رويتان را روشن ميكند و قدر دادن آن نبوده ايد استفاده كنيد و از نوري كه هم اكنون بر شما تابيده است زندگي و شخصيت خود را تفحص كنيد گوئي كه در ديوان عدالت خداوند ايستاده ايد. هيچ اميدي براي فرزندان نخواهد بود مگر اينكه والدين از خواب خرگوشي بيدار شوند.

**فصل هفتاد و يكم**

**مراقبتهاي والدين و كمك**

والدين خويشتنداري و كنترل نفس را از طفوليت تعليم دهند- چقدر اهميت دارد كه فرزندان خود را به خويشتنداري از اوان طفوليت تعليم دهيم و به آنان بياموزيم كه مطيع ما باشند. اگر بد اقبال بوده تا عادات بد را بياموزند و نتايج شرارت را ندانند آنان ميتوانند با عقل و استدلال خود را اصلاح كنند و خود را متقاعد سازند كه اين عادات ساختار آنان را تباه و بر ذهنشان تاثير ميگذارد. ما بايد به آنان نشان دهيم كه هر قدر از ترغيبهاي شخصي فاسد استفاده كنند ترس هاي برانگيخته شده را خاموش ساخته و آنان را به افراط به عادات مهلك هدايت ميكند و هر قدر هم تظاهر كنند آنان دشمن خودشان بوده و نمايندگان اهريمن خواهند بود.

آنان را پاك نگاهداريد و اذهانشان را تقويت كنيد- مادران تقصير كار خواهند بود اگر بخود اجازه دهند تا در جهل و نا آگاهي در خصوص عادات فرزندانشان باقي بمانند. اگر پاكدامن هستند آنان را همانطور حفظ كنيد. ذهنهاي جوان آنان را تقويت كنيد و آنان را آماده سازيد تا از اين نقص گناه آلود ويران كننده سلامتي و جان بيزار باشند.

شيطان اذهان جوانان را كنترل ميكند و بايد ثابت قدم و با ايمان كار كنيم تا آنان را نجات دهيم. نوجوانان و كودكان به چنين گناهي ميپردازند و با آنان در طي سالها رشد كرده و قوي ميشود تا اينكه خصايل شريف جسم و جان به انحطاط و پستي گرايد. بسياري ميتوانند نجات يابند چنانچه بدقت در باره اثراث اين عمل بر ذهن آنان راهنمايي گردند. آنان از اين حقيقت ناآگاه بودند كه چه رنج و مصيبتي براي خود ببار مي آورند... مادران شما ميتوانيد كودكان خود را از اين كردار پست بشدت مراقبت كنيد. پيشگيري ساده تر از علاج است.

با عزم راسخ نظارت كنيد و از نزديك امور را بازبيني كنيد- اگر فرزندان شما به اين گناه مبادرت ورزند در خطر توسل به دروغ گفتن و فريب دادن شما خواهند بود. ولي مادران نبايد آسان بگيريد و خاموش باشيد و سركشي هاي خود را متوقف سازيد. نبايد براحتي از موضوع بگذريد تا اينكه خيالتان كاملا آسوده شود. سلامت و جان كساني كه دوست داريد در خطر است كه اين موضوع را مهمترين موضوع ميسازد.

نظارت مصمم و بازبيني از نزديك بدون توجه به كوشش براي طفره رفتن و پنهان ساختن بطور كلي وضعيت واقعي مورد را آشكار ميسازد. آنگاه مادر بايد با ايمان اين موضوع را با آنان بطور روشن در جريان بگذارد و به آنان گرايش انحطاط كننده را نشان دهند. سعي كنيد تا آنان را متقاعد سازيد كه افراط در اين گناه عزت نفس و شرافت شخصيت را نابود ساخته و سلامت و اخلاقيات را به تباهي ميكشاند و لكه ننگ آن محبت واقعي براي خدا و زيبايي مقدسانه را به تباهي ميكشاند. مادر بايد اين موضوع را پيگيري كند تا اينكه به اندازه كافي متقاعد شود كه آن عمل خاتمه يافته است.

در شروع از سرزنش و شتاب پرهيز كنيد- شما ميتوانيد جويا شويد كه چطور ميتوان شرارتهاي موجود را بر طرف ساخت؟ چگونه كار را بايد شروع كرد؟ اگر به حكمت نياز داريد نزد خدا برويد و او وعده داده تا وسعت نظر عطا نمايد. با شور و حرارت زياد براي استمداد الهي دعا كنيد. يك قانون نميتواند براي همه موارد اعمال شود. ممارست براي داوري مقدسانه ضروري است. شتابزده و سراسيمه فرزند خود را نكوهش نكنيد. اين طريق تنها آنانرا به طغيان و سركشي واميدارد. بايد عميقا بينديشيد كه مسبب چه چيزي شده ايد كه فرزندتان به خطا رفته و درب را براي وسوسه هاي شيطان گشوده است. اگر در رابطه با تخطي از قوانين بهداشتي آنانرا راهنمايي نكرده ايد آنگاه شما تقصير كاريد و بايد سرزنش شويد. شما از وظيفه مهم كوتاهي كرده ايد چرا كه نتيجه آن در كردار اشتباه فرزندانتان ديده ميشود.

راهنمايي با متانت و همدردي- قبل از اينكه در كار تعليم فرزندان خود در آييد به آنان درس پرهيزگاري و كنترل نفس بدهيد و خود نيز بايد آن را فرا گيريد. اگر براحتي آشفته و بي تاب ميشويد در حينيكه آنان را راهنمايي ميكنيد تا احساسات خود را كنترل كنند چگونه ميتوانيد نسبت به فرزندانتان رفتاري معقول داشته باشيد؟ با متانت و آرامش و احساس همدردي و ترحم بايد به فرزندان خطاكار خود نزديك شويد و صادقانه به آنان بگوييد كه چنانچه به آن مسيري كه شروع كرده اند ادامه دهند مسلما بنيه خود را تباه خواهند كرد – همانطور كه جسم و ذهن خود را تضعيف ميكنند همينطور اخلاقيات فاسد ميشوند و آنان نه تنها بر عليه خودشان گناه ميورزند بلكه بر ضد خدا عصيان ميكنند.

شما بايد كاري كنيد تا احساس كنند كه آنان بر عليه خداي پاك و قدوس گناه ميورزند كه آن تفتيش كننده بزرگ قلوب از اين خط سير آنان ناخشنود است و هيچ چيزي از او پوشيده نيست. اگر بتوانيد آنچنان فرزندانتان را تحت تاثير قرار بدهيد تا توبه را كه مقبول نظر خداست عملي سازند. حزن مقدس توبه آنان را به رستگاري رهنمون ميسازد- كاري كه تمام و كمال است و اصلاح در آن قطعي ميباشد.

آنان تنها بخاطر گناهاني كه هويداست محزون نخواهند شد بلكه كردار گنه آلود خود را در خصايل زشت خود خواهند ديد و بسوي خدا هدايت شده تا به آن بدون استثنا اعتراف نمايند و آنها را ترك خواهند نمود. آنان احساس خواهند كرد كه براي مسير اشتباه خود تاسف بخورند زيرا خدا را ناخشنود ساخته اند و بر عليه او گناه ورزيده اند و بدنهاي خويش را در مقابل كسي كه آنان را آفريده بي حرمت ساخته اند. خداوند آنان را ملزم ساخته تا بدنهاي خويش را قرباني زنده ساخته و مقدس باشند تا نزد او مقبول گردند چرا كه اين وظيفه عاقلانه آنان است.

روابط فرزندان خود را كنترل نماييد- اگر افكار فرزندانمان با اصول روحاني محكم و متعادل نباشد اخلاق آنان با سرمشقهاي تبهكارانه در روابط با ديگران فاسد خواهد گرديد.

مانند مادران مومن و صادق از فرزندان خود در برابر روابط با همنشينان بد محافظت كنيد. آنان را مانند جواهرات گرانبها از تاثيرات فاسد زمانه بدور نگاه داريد. اگر در وضعيتي قرار داريد كه مراودات آنان با همقطاران جوان هميشه نميتواند تحت تسلط قرار گيرد- آنگونه كه دوست داريد- آنگاه اجازه دهيد تا آنان در حضور شما بديدار فرزندانتان بيايند و به اين رفقا اجازه ندهيد كه در يك تخت يا حتي اتاق با هم بيتوته كنند. جلوگيري از شرارت و خسران بسيار ساده تر از درمان واپسين خواهد بود...

والدين به فرزندان خود اجازه دهيد تا به ملاقات دوستان و آشنايان خود بروند و حتي از دور مراقب آنان باشيد. شيطان از همه فرصتها استفاده كرده تا كنترل اذهان فرزنداني را كه مادرانشان از روي بيخبري خود را در معرض دام حيله گرانه او قرار ميدهند در دست بگيرد.

رژيم غذايي مهم است- شما نميتوانيد حس تشخيص فرزندانتان بر بر انگيزانيد در حاليكه مراقب انتخاب غذاي آنان نيستيد. سفره هايي را كه والدين معمولا براي فرزندانشان آماده ميكنند برايشان دامي بيش نيست.

والدين آسانگير به فرزندان خود پرهيزگاري و كنترل نفس را نمي آموزند. همان غذايي را كه در مقابل آنان قرار ميدهند بگونه اي است كه معده را آزار ميدهد. شور و هيجان بوجود آمده با مغز گفتگو ميكند و بالنتيجه غرايض نفساني بروز مينمايد. باز هم تكرار ميشود كه هر چه به شكم ميرود نه تنها بر جسم اثر ميگذارد بلكه نهايتا ذهن را نيز متاثر ميسازد. غذاهاي محرك و ناخالص خون را بقليان مي آورد و سيستم عصبي را تحريك ميكند و اكثر اوقات ادراك اخلاقي را ركود ميبخشد بدين سبب عقل و ضمير با انگيزه هاي نفساني مغلوب ميشود. براي كسيكه در رژيم غذايي بي اعتدال است مشكل يا تقريبا ناممكن است تا شكيبا بوده و پرهيزگاري را ممارست ورزد. از اين سبب اهميت خاص دارد تا به فرزنداني كه خصلتهايشان هنوز شكل نگرفته است تنها خوردن غذاهاي سالم و غير محرك مجاز شمرده شود. اين محبت خدا بود كه نور هدايت و سلامت را فرستاد تا ما را اصلاح كند و از شرارتهايي كه نتيجه آن تن آسايي و افراط لجام گسيخته در خوراك است مهار سازد.

اگر زماني براي ساده ترين نوع رژيم غذايي باشد آن زمان همين حالاست. گوشت نبايد در مقابل فرزندان ما قرار بگيرد. اثرات آن تحريك كردن و تقويت اغراض نفساني است و گرايش به بي حس كردن قواي اخلاقي و معنوي را دارد.

اهميت نظافت و پاكيزگي- حمام مداوم بسيار سودمند است مخصوصا در شب تنها قبل از استراحت يا پس از برخاستن از خواب. تنها چند دقيقه بيشتر نيازي نيست تا كودكان خود را حمام كنيد تا اينكه پوستشان گل بيندازد. اين عمل خون را به سطح ميرساند و مغز را آسايش ميبخشد و تمايل كمتري براي اعمال ناپاك خواهد بود. به فرزندان كوچك خود بياموزيد كه خدا از بدنهاي كثيف و ژوليده و لباسهاي مندرس آنان خشنود نميشود. به آنان بگوئيد كه خداوند از آنان ميخواهد كه در باطن و ظاهر پاك باشند تا اينكه در وجودشان ساكن گردد.

لباسهاي آزاد و تميز- داشتن لباسهاي مرتب و تميز يكي از راههاي نگهداري افكار پاك و خوش طبع است. هر قسمت از لباس بايد ساده و بي آلايش باشد بدون زيور آلات غير ضروري كه بموجب آن لباس راحت شسته و بسادگي اطو شود. مخصوصا بخشهايي كه در تماس با پوست قرار ميگيرند بايد تميز و عاري از هر رايحه آزار دهنده باشد. هيچ چيزي نبايد خصوصيتهاي آزار دهنده اندام كودكان باشد و نبايد لباس تنگ و ناراحت كننده باشد. اگر توجه بيشتري به اين موضوع معطوف شود ناپاكي بسيار كمتري اعمال خواهد گرديد.

از ورزش دست بر نداريد- جوانان را از ورزش معاف ميدارند به بهانه اينكه نكند زياد خسته شوند. والدين بارهاي مسئوليتي را بر دوش ميكشند كه فرزندانشان بايد چنين كنند. كار بيش از حد بد است ولي نتيجه راحت طلبي وحشتناكتر است. تنبلي انسان را به عادات تن آسايي و فاسد سوق ميدهد. كار و كوشش كسل كننده نيست و يك پنجم عادت مضر ارضاي جنسي تحليل برنده است. اگر كار منظم فرزندانتان را خسته كند والدين مطمئن باشند كه چيزي جداي كار آنان وجود دارد كه ناتوان كننده سيستم است و حس دائمي خستگي را ايجاد ميكند. به فرزندان خود كار جسمي بدهيد كه عضلات و عصبها را به ورزش وادار ميكند. خستگي چنين كاري تمايلاتشان را نسبت به عادات شريرانه و فاسد كم ميكند.

تن آسايي دربي باز براي وسوسه است- مادران به فرزندان خود به اندازه كافي كار بدهيد... تن آسايي براي جسم و ذهن و سلامت مناسب نيست. اين كار درب را باز ميكند تا شيطان بدرون وارد شود و فرصت را مغتنم شمارد و جوانان را به دام بيندازد. با راحت طلبي نه تنها قوه اخلاقيات ضعيف ميشود و اغراض نفساني افزايش مي يابد بلكه فرشتگان شيطاني قلعه ذهن را تصرف كرده و ضمير را وادار به تسليم در برابر اغراض نفساني ميكند. ما بايد به فرزندان خود عادات كوشايي بردبارانه را تعليم دهيم.

خداوند اجازه نخواهد داد تا توبه كننده هلاك شود- شما بايد مايه دلگرمي و تشويق فرزندانتان باشيد كه خداي رحمان قلب توبه كار واقعي را پذيرفته و تلاشهايشان را براي تطهير نفس از همه ناپاكي هاي جسم و روح بركت خواهد داد. وقتي شيطان ببيند كه كنترل خود را بر اذهان فرزندانتان از دست ميدهد او با قدرت آنان را وسوسه كرده و در پي ملزم ساختن آنان براي كردار گناه آلود بر خواهد آمد. آنان نبايد به محيطهاي مخاطره آميز قدم بگذارند تا شيطان آنان را در كنترل خويش قرار دهد. چنانچه آنان در تواضع از خداوند براي پاكي و صفاي فكر و خصايل مطهر و خالص استدعا كنند او صداي آنان را خواهد شنيد و درخواست آنان را خواهد پذيرفت. خداوند آنان را رها نخواهد ساخت تا در گناهانشان هلاك شوند بلكه اگر با ايمان نزد او بروند به ضعيف و درمانده كمك خواهد كرد.

**فصل هفتاد و دوم**

**نزاع براي اصلاحات**

توبه بي ريا و تلاش مصمم ضروري است- آنانيكه جسم خود را تباه ميسازند نميتوانند از رحمت خدا لذت ببرند مگر اينكه مخلصانه توبه كنند و تماما اصلاح شوند و قدوسيت كامل در خداترسي داشته باشند.

تنها اميد براي كسانيكه به عادات شرم آور ميپردازند اين است كه اگر آنان هر گونه ارزشي را بر سلامتي حال و رستگاري آينده دارند بايد آن عادتها را ترك كنند. ترك عادت عزمي راسخ ميطلبد تا در برابر وسوسه ها مقاومت شود و از اعمال بد پرهيز گردد.

افكار بايستي كنترل گردد. (توجه: اين نوشتجات خلاصه اي از نامه اي است به جواني خود سر كه به اعمال بد پنهاني ميپرداخت). شما بايد افكار خود را كنترل كنيد. اين كار ساده اي نيست شما نميتوانيد با تلاش سخت حتي آنرا انجام دهيد... چنانچه در خيالات باطل لذت ببريد و به ذهن خود اجازه بدهيد تا در موضوعات ناپاك بماند - باندازه افكارتان كه به عمل مي انجامد در برابر خداوند مقصريد. همه آنچه كه از عمل ممانعت ميكند دادن فرصت كم است. خيالات و روياهاي روزانه و شبانه و قصرهاي باشكوه در ذهن ساختن، عادتهاي بد و بشدت خطرناكي هستند. وقتي كه يكبار شكل گرفتند تقريبا ناممكن است تا اين عادات شكسته شود و افكار بسمت پاكي – قدوسيت و موضوعات متعالي هدايت شوند. شما بايد نگهبان چشمها و گوشها و همه حواس خود باشيد چنانچه بخواهيد ذهن خود را كنترل كنيد و از افكار فاسد و باطن ممانعت ورزيد كه جان شما را لكه دار ميكند. قدرت فيض بتنهايي ميتواند اين كار بسيار پسنديده را كامل كند.

هوي و هوس- نه تنها خداوند از شما ميخواهد تا افكار خود را كنترل كنيد بلكه هوي و نفس خود را نيز كنترل كنيد. رستگاري شما بستگي دارد به اداره خود و امور اطراف خود. هوي و هوس عوامل قدرتمندي هستند. چنانچه بطور ناصحيحي استفاده شوند- چنانچه بواسطه انگيزه هاي اشتباه استعمال گردند- چنانچه در جاي ناصحيحي قرار گيرند، آنقدر قدرتمند هستند تا شما را تباه نموده و شما را بدون خدا و بدون اميد متلاشي كنند.

تصورات و خيالات بايد بطور مثبت و مداوم كنترل شوند. اگر افكار و مطالعات و كلام خود را كنترل و مهار نكنيد تخيلات شما بيمار ميشود. كتاب مقدس خود را با دقت و با دعا مطالعه كنيد و با تعليمات آن هدايت شويد. اين ايمني شماست.

محصور كردن احساسات بر ضد اهريمن- كسانيكه از خداوند حكمت بخواهند بايد از دانش گناه آلود اين زمان تهي شوند. آنان بايد چشمان خود را ببندند تا از شيطان چيزي نبينند و ياد نگيرند. آنان بايد گوشهاي خود را ببندند مبادا از شرير بشنوند و از او دانشي را ياد بگيرند كه خلوص افكار و كردار آنان را لكه دار ميكند و زبان خود را محافظت كنند مبادا كه حرفهاي فاسدي را بيان كنند و تلبيس و تزوير در زبانشان يافت شود. از خواندن و ديدن چيزهايي كه افكار ناپاك را تلقين ميكند بپرهيزيد. تواناييهاي اخلاقي و فكري خود را پرورش دهيد.

از بي تحركي كه با مطالعه بيش از حد قرين شده است بپرهيزيد- مطالعه بيش از حد با افزايش جاري شدن خون در مغز قابليت تحرك را تضعيف نموده و به تقليل كنترل نفس مي انجامد و اغلب به انگيزه هاي نفساني كمك ميكند. بنابراين دربها براي ناپاكي باز ميشوند. سوء استفاده يا عدم استفاده از تواناييهاي جسمي به فسادي كه در دنيا منتشر ميگردد كمك ميكند. غرور و فراواني نعمت و آسايش دشمنان مرگباري براي ترقي بشر در اين نسل هستند همانگونه مايه نابودي سدوم شدند.

معلمين بايد اين چيزها را درك كنند و بايد شاگردان خويش را به اين مسير هدايت كنند. به دانش آموزان تعليم دهيد كه درست زندگي كردن بستگي به درست فكر كردن دارد و فعاليت جسمي براي خلوص افكار ضروري است.

زماني براي دو دلي نيست- خلوص زندگي و شخصيت فرم داده شده با الگوي الهي بدون تلاش بي شائبه و اصول ثابت بدست نمي آيند. فرد دو دل و دمدمي مزاج به كمال مسيحيت نخواهد رسيد. شيطان مانند شيري غران بدنبال شكار است. او تلاش ميكند تا دام خود را بر هر جوان بي گناهي بيندازد... شيطان به جوانان ميگويد كه هنوز فرصت كافي دارند تا يكبار به فسق و فجور بپردازند ولي آن گناه تمام زندگي آنان را مسموم ميكند. در جايي كه قدغن شده است خود را به مخاطره نيندازيد. در اين روزهاي خطرناك پرشرارت وقتي اغوا براي تباهي و گناه در همه سليه افكنده است بگذاريد تا فرياد پرشور و بي رياي جوانان به آسمان برسد: "با چه چيزي مرد جوان ميتواند راه خويش را تطهير نمايد"؟ و گوشهاي او ميتواند باز باشد و قلب او مايل به اطاعت ازاين دستور ميشود " مرد جوان چگونه ميتواند زندگي خود را پاك نگاه دارد؟ بوسيله خواندن كلام خدا و اطاعت از دستورات آن" مزامير 9:119

همه افراد در اين جهان جوابگوي كردار خود هستند. همگي قدرت كنترل بر اعمال خود دارند چنانچه بخواهند. اگر در پاكدامني و خلوص افكار و كردار ضعيف باشند ميتوانند از دوستان كمك بگيرند. عيسي با تمامي ضعفهاي ذات بشر آشناست و چنانچه استدعا كنيد قوت غلبه بر وسوسه هاي نيرومند خواهيد يافت. همه ميتوانند با تواضع به اين قدرت دست يابند.

تنها ملجا و مامن براي جوانان در اين دوره براي فرار ازآلودگي توسل و تمسك بخداست. بدون ممد الهي قادر به كنترل هوي و هوس و شكم خود نخواهيد بود. در مسيح كمك بطلبيد ولي چه تعدادي از مردم براي كمك نزد او ميروند؟ وقتي عيسي در زمين بود گفت: اگر نزد من آييد حيات خواهيد يافت. در مسيح همه ظفر خواهند يافت. من مثل يك ورزشكار با تمرينهاي سخت بدنم را آماده ميكنم و آنقدر بر آن سخت ميگيرم تا آن كاري را انجام دهد كه بايد بكند نه آنچه را كه ميخواهد.

خوشي واقعي در او يافت ميشود- تنها مامن مطمئن براي فرزندانمان بر عليه هر گونه اعمال شريرانه جستجو براي پيوستن به گله مسيح است و تحت مراقبت قرار گرفتن شبان واقعي و وفادار. او آنان را از هر شرارتي حفظ خواهد نمود و از هر خطري حفظ خواهد نمود چنانچه به نداي او اعتنا كنند. او ميفرمايد "گوسفند من صداي مرا بشنو و مرا متابعت كن". در مسيح آنان چراگاهي مطمئن خواهند يافت و اميد و قوت خواهند يافت و با خواهشهاي بيقرار براي چيزي كه ذهن و قلب را منحرف ميسازد دچار مشكل نميشوند.

اين قبيل خوشي به سلامتي زيان نميرساند و ذهن را درمانده نميسازد بلكه طبيعي است. مشاركت محبت آميز براي خدا و اعمال مقدسانه و نابودي گناه همگي لذت بخش هستند. خواندن كلام خدا مانند داستانهاي جعلي باعث شيدايي و برافروختن هيجانات نميشود بلكه قلب را نرم كرده آنرا تسلي ميدهد و آنرا متعالي ساخته و تطهير ميكند. وقتي كه در مشكل هستيد، وقتي كه با وسوسه ها مورد هجوم واقع گرديده ايد بايد دعا كنيد. در اين كار جان به قرب الهي نزديك ميشود و در دانش و قدوسيت واقعي باز سازي شده و بر ضد يورشهاي خصم مستحكم ميشود.

**بخش ١٦**

**بيداركردن قدرتهاي روحاني**

**فصل هفتاد و سوم**

**مسئوليت براي عاقبت بخيري**

مسئوليتي جدي بخاطر فرزندانمان بعهده ماست- ما در دوره اي وانفسا زندگي ميكنيم. سيل فنا در پيش است و بيش از تجربيات و قوت كودكي نياز است تا بر ضد اين جريان مقابله نمود و نبايد بگذاريم تا آن سيل ما را ببرد. جوانان بظاهر اسيران شيطان هستند و او و فرشتگان اهريمني، آنان را به نابودي حتمي گسيل ميدارند. شيطان و سپاهش با ملكوت خدا در ستيز هستند و شيطان تلاش ميكند همه كساني را كه خواهان تسليم كردن دلهاي خود به خواسته هاي خدا هستند را با وسوسه هاي خويش مغشوش نموده و بر آنان تسلط يابد تا شايد دلسرد شده و از جهاد بر عليه گناه دست بردارند.

ما امروز بيش از هر وقت ديگر به رابطه نزديك با خدا نياز داريم. يكي از خطرناكترين چيزهايي كه امت خدا را بمحاصره خود در آورده است پيروي از رسوم و قواعد دنيوي است. علي الخصوص جوانان در خطر دائمي هستند. پدران و مادران بايد بر عليه مكر شيطان در حال آماده باش بسر ببرند. در حاليكه شيطان در پي تباهي فرزندان است والدين نبايد خود را فريب دهند كه هيچ خطري گريبانگير آنان نيست. آنان نبايد توجه و افكار خود را به امور دنيوي متمركز كنند در حاليكه از عاقبت بخيري فرزندانشان مسامحه ميورزند.

والدين در كل بي تفاوت هستند- غم انگيز است كه والدين در زندگي روحاني خود رو بسردي گرائيده اند و بخاطر تنزل در پرهيزگاري و نياز به عبادت خدا مسئوليت عظيمي كه به آنان سپرده شده است را درك نميكنند تا با شكيبايي و در حد كمال فرزندان خود را تربيت نموده تا راه خدا را در پيش گيرند.

والدين در كل تمام هم و غم خود را بكار ميبرند تا فرزندان خود را در برابر شقاوتهاي زندگي ناشايست و ناكار آمد بسازند. و وقتي كه مشكلات و وسوسه ها در آينده آنان را احاطه ميكند درست را از غلط تشخيص نميدهند. آنگاه آنان خود را ضعيف خواهند يافت در حاليكه بايد قوي ميبودند. آنان در وظايف و اصول دو دل خواهند بود و بشريت بخاطر ضعف آنان در عذاب خواهد افتاد.

از كار واجب قصور گرديده است- يك دليل بزرگ كه چرا اينقدر در اين دنياي امروزي شرارت برقرار است اينست كه والدين اذهان خود را با چيزهاي ديگر مشغول نموده كه كار واجب و لازم الاجراي تربيت مهربانانه و صبورانه فرزندان خود را در راه خدا بفراموشي سپرده اند.

مادران ممكن است كه دانش بسياري از چيزهاي ديگر را كسب كرده باشند ولي دانش ضروري در باره مسيح بعنوان منجي شخصي خود را كسب ننموده اند. اگر مسيح در خانه است- اگر مادران مسيح را بعنوان مشاور خود قلمداد ميكنند- آنگاه فرزندان خود را از طفوليت در اصول مذهب واقعي تعليم خواهند داد.

به شيطان اجازه داده شده است تا كنترل نمايد- بخاطر اينكه مردان و زنان خدا را پيروي نميكنند بلكه راه خود را انتخاب نموده و از تخيلات منحرف خود پيروي ميكنند شيطان مجاز شده است تا بيرق جهنمي خود را در خانواده هاي آنان بر افرازد و اقتدار خود را از طريق اطفال و كودكان و نوجوانان آنان نشان دهد. صداي او در خواسته ها و تمايلات مقهور نشده آنان ابراز گرديده و شخصيت فرزندان را در لفافه خود پيچيده و از طريق آنان قدرت كنترل كننده خود را اعمال و نقشه هاي پليد خود را ادامه ميدهد. خداوند با نمايش خلق و خوي منحرف آنان بيحرمت ميشود كه او را تكريم نميكنند و به پيشنهادات شيطان سر تسليم فرود مي آورند. گناهي كه والدين بموجب مجاز شمردن شيطان مرتكب ميشوند فرا تر از تصور است. بسياري از والدين با تربيت خود و با ناز و نوازشهاي ابلهانه و شكمبارگي مسئول راههاي ناشايست و ناثواب فرزندان خود هستند. شيطان ميتواند بشر را كنترل كند كه بموجب آن احكام خداوند اطاعت نشود. والديني كه مانند ابراهيم از اهل خانه خود نخواهند تا آنان را متابعت كنند نتيجه بدي را حاصل ميكنند. كودكان و نوجوانان تحت بيرق تمرد خواهند ايستاد. به آنان تحكم نميشود ولي آنان عزم دارند تا اراده خود را تبعيت كنند. تنها اميد براي فرزندان اين است تا آنان را تعليم داده تا از نفس خود تبري جسته و افراطگري نكنند.

جنگ سخت در مقابل فرزندان تربيت نشده- فرزنداني كه بي تربيت و بي انضباط بزرگ شده اند وقتي كه اقرار به پيروي از مسيح ميكنند خيلي چيزها براي آموختن نياز دارند. تمام تجربيات مذهبي آنان با طريقي كه از كودكي بزرگ شده اند تحت تاثير قرار خواهد گرفت. همان خود رايي اغلب هويدا ميشود – همان فقدان انكار خويشتن و نفس پديدار است – همان بي طاقتي در حين نكوهش – همان عشق بخود پرستي و بي ميلي براي اندرزهاي ديگران يا تحت تاثير قرار گرفتن با قضاوتهاي ديگران – همان سستي و تنبلي – و شانه خالي كردن از بار مسئوليت.

همه اينها در ارتباط با كليسا ديده شده است. براي برخي محتمل است تا غلبه يابند ولي اين كشمكش چقدر سخت خواهد بود. اين ستيز چقدر طاقت فرسا خواهد بود. عبور از دوره تربيت و انضباط كه براي آنان ضروري است چقدر سخت خواهد بود تا به تعالي شخصيت مسيحي برسند. با اينحال چنانچه سرانجام غلبه يابند آنان مجاز خواهند بود تا ببينند قبل از اينكه تغيير يابند چقدر به پرتگاه نابودي ابدي نزديك خواهند بود- و اين بخاطر فقدان تربيت درست در جواني و عدم موفقيت در فراگيري تسليم و فرمانبرداري در كودكي است.

بر عليه تاثيرات مفسدانه سنگربندي كنيد- والدين شما عهده دار مسئوليت آوردن فرزندان به اين جهان هستيد بدون اينكه آنان خواسته باشند و شما مسئول زندگي و جانهاي فرزندان خود هستيد. آنان مجذوب و شيفته جذابيتهاي جهان ميشوند. شما بگونه اي ميتوانيد آنانرا تعليم دهيد كه در برابر فساد هاي اين دنيا سنگر بندي كنند. شما ميتوانيد آنان را تربيت كنيد تا بار مسئوليت را بدوش بكشند و وظايف خود نسبت به خدا و حقيقت و وظايف درك كنند و در نظر داشته باشند كه كردار آنان در حيات جاوداني موثر خواهد بود.

جوانان زمان ما از خدعه هاي شيطان نا آگاهند. بنابر اين والدين بايد در اين ايام وانفسا بيدار بوده و با پشتكار و مجاهدت كار كنند تا اولين مكر دشمن را از ريشه در بياورند. آنان بايد فرزندان خود را وقتي در خانه نشسته اند يا در كنار خيابان قدم ميزنند- وقتي بلند ميشوند و يا دراز ميكشند هدايت كنند.

هشياري ابدي بايد ممارست شود كه بموجب آن كودكان در مسيرهاي عدالت و انصاف هدايت شوند. شيطان كار خود را از اوان طفوليت آنان آغاز ميكند و تمايلاتي را در آنان ايجاد ميكند كه خداوند قدغن نموده است. امنيت فرزندان باندازه زيادي بستگي به هشياري و نظارت و توجه والدين دارد و بستگي به همه كساني كه خواهان تسليم كردن دلهاي خود به خواسته هاي خدا هستند دارد. والدين در همه احوال و زمانها بايد به فرزندان خود ياد بدهند كه اطاعت و اعتماد كامل به خدا چه معنايي دارد.

والدين از خواب سنگين مرگبار بيدار شويد- از بي تفاوتي والدين بسياري از فرزندان رها شده اند تا احساس كنند كه والدين نسبت به جانهاي آنان توجهي ندارند. اين نبايد چنين باشد ولي آنانيكه داراي فرزند هستند بايد امور خانه و كار را طوري اداره كنند كه هيچ چيزي در ميان والدين و فرزندان قرار نگيرد كه تاثير و نفوذ والدين را در هدايت آنان به مسيح كم كند. شما بايد به فرزندان خود درس محبت عيسي را ياد بدهيد كه در قلوب خود خالص و در رفتار و گفتار خود پاك و بي ريا باشند.

خداوند در قلوب فرزندان كار خواهد نمود چنانچه والدين با عوامل الهي همكاري كنند. ولي او مسئوليتي را كه بعهده شما سپرده شده است را بعهده نميگيرد. والدين بايد از خواب سنگين مرگبار بيدار شوند.

اميد بزرگ ما دينداري در خانه است- والدين در خوابند. فرزندان آنان در مقابل چشمانشان به نابودي كشيده ميشوند و خداوند پيام آوران خود را در مقابل مردم قرار ميدهد و الگو ها و احكام كه براي دينداري در خانه ضروري است را به آنان نشان ميدهد. اين موضوع را درمقابل حضار كليسا ترغيب كنيد. در تاكيد اين وظايف اهمال شده بكوشيد. اين شيوه روح فريسي و مخالفت در برابر حقيقت را در هم ميشكند. مذهب در خانه اميد عظيم ماست و نوري تابان را براي تبديل همه خانواده به حقيقت خداوند ميدرخشاند.

قدرت شيطان ميتواند شكسته شود- والدين تعهد بيشتري از آنچه كه تصور ميكنند دارند. از گناه به فرزندان ارث ميرسد. گناه آنان را از خدا جدا ساخته است. عيسي زندگي خود را ارزاني داشت تا پيوند شكسته شده با خدا را ترميم كند. همانطور كه در ابتدا به آدم مربوط ميشد بشر هيچ چيزي جز تقصير و محكوميت به مرگ دريافت نميكند. ولي مسيح در زميني كه آدم سقوط كرده بود قدم گذارد و فديه گناه را پرداخت نمود... الگوي كامل مسيح و فيض خدا باو داده شده تا او را قادر سازد تا پسران و دختران خويش را طوري بياموزد كه پسران و دختران خدا بشوند. با آموزش آنان سطر به سطر و حكم به حكم قلب و اراده خود را به مسيح داده آنگاه قدرت شيطان شكسته ميشود.

پدران و مادران در اطمينان كامل و با ايمان به دختران و پسران خود التماس و درخواست كنيد تا براه خدا بروند. نگذاريد تا از لبان شما كلام بد اخلاقي بشنوند. اگر لازم باشد با تمام وجود به فرزندان خود اعتراف كنيد بخاطر اينكه به آنان اجازه داده ايد تا مسير بطالت در پيش گرفته و خداوند را ناخشنود ساخته اند- خدايي كه فرزند خود را از اين جهان گمشده دريغ نداشت تا همه بتوانند آمرزش و عفو از گناه را بواسطه و شفاعت او دريافت دارند.

پدران و مادراني كه در جهات مختلف فرزندان خود را براي بطالت و فراغت بيش از حد آزاد گذاشته ايد تا بخودشان صدمه بزنند ، خداوند از شما ميخواهد تا زمان از دست رفته را بازيابيد. امروز و همين الان كه اين مطالب را ميخوانيد فرا خوانده شده ايد- پس با انجام آن توجه كنيد.

والدين ماموريتي شريف به عهده دارند- كار مادام العمر شما شكل دادن شخصيت فرزندانتان بر اساس الگوي الهي است. چنانچه فرزندان داراي زيور نجابت و فروتني و روح آرام و زيبايي باطني باشند به اين خاطر است كه شما با پشتكار آنان را تربيت نموده ايد تا تعاليم كلام خداوند را دوست داشته باشند و فراتر از دنيا در پي ستايش عيسي باشند.

بعنوان كارگران خدا كار ما بايد با كسانيكه در نزديكي ما هستند شروع شود. اين كار بايد از خانه شروع شود. هيچ ماموريتي شريف تر از اين كار در خانه نيست.

ما به شوق كار تبليغي در خانه نياز داريم كه كلام حيات بخش را در حضور اعضاي خانواده خود بياوريم و آنان را هدايت كنيم تا در پي منزلگاهي در ملكوت خدا باشند. مديريت و هدايت فرزندان كار تبليغي شرافتمندانه اي است كه هر زن يا مردي ميتواند بعهده بگيرد.

والدين بعنوان هنرمندان شكل دهنده خاك زنده- چقدر كار هنرمند براي بتصوير كشيدن نقشي بايد مشتاقانه و پشتكارانه باشد تا شبيه الگو باشد و چقدر سنگتراشي بايد با ظرافت باشد تا سنگ شبيه الگوي خود بشود. پس والدين بايد كار كنند تا شكل داده – صيقل دهند و فرزندان خود را با الگويي كه از عيسي مسيح دارند پالايش دهند. بعنوان هنرمند صبور و عامل شكل دهنده نقشه، والدين بايد وقت خود را صرف آموزش كنند تا براي زندگي سودمند بوده و آنان را براي ملكوت جاودان شايسته سازند.

كار هنرمند در مقايسه با كار والدين كوچك و كم اهميت است. هنرمند با مواد بي جان سر و كار دارد كه بدان وسيله زيبايي را شكل ميدهد ولي والدين با بشري سر و كار دارند كه زندگي او ميتواند براي خيريت يا خسران شكل گيرد تا براي بشريت بركت يا لعنت باشند – به تاريكي فرو روند يا براي هميشه زنده بمانند.

هدفتان رسيدن به كمال باشد- مسيح ابتدا يك نوباوه بود. بخاطر او كودكان را حرمت دهيد. به آنان بعنوان شخصي مقدس نگاه كنيد ولي آنان را ستايش و پرستش نكنيد بلكه به آنان تعليم دهيد تا خالص و پاك زندگي كنند و زندگي شرافتمندانه اي داشته باشند. آنان متعلق به خدا هستند. او آنان را دوست دارد و او شما را فرا ميخواند تا با وي در تعليم آنان براي شكل دادن شخصيت كامل همكاري كنيد. خداوند از خانواده هاي باز خريد شده كمال را ميطلبد. او از ما انتظار دارد كمالي را كه مسيح در بشريت خود آشكار نمود متابعت كنيم. پدران و مادران بطور اخص نياز به درك بهتر روشهايي براي تربيت كودكان دارد تا آنان با خدا همكاري كنند.

به والدين دگرگون شده نياز است- روز و شب به اين فكر ميكنيم كه به والدين متبدل شده نيازمنديم. چه بسيار كساني هستند كه بايد قلب خود را در برابر خدا متواضع نموده و رابطه درستي با ملكوت برقرار كنند- چنانچه بخواهند تاثيرات رستگار كننده را بر خانواده هاي خود بگذارند. آنان بايد بدانند كه چه بايد بكنند تا به حيات ابدي دست يابند و بايد فرزندان خود را تربيت كنند تا ميراث رهايي را دريافت نمايند. آنان هر روزه بايد نور ملكوت را به جانهاي خود دريافت نمايند و هر روزه اثر روح القدس را بر قلبها و ذهن خود بيابند.

آنان هر روزه بايد كلام حقيقت را دريافت كنند و بگذارند تا زندگي آنان را كنترل نمايد. مسئوليتهاي عظيمي بر دوش والدين است و بايد مشتاقانه كوشش كنند تا ماموريت خدادادي انجام شود. وقتي نياز تمركز تمام انرژي به كار تربيت فرزندان براي خدا ديده شود بيهودگي ها و ادعاهاي غير ضروري بايد بكنار گذارده شود. آنان به فداكاري و يا رنج كشيدن توجهي ندارند كه آنانرا قادر سازد تا با خوشي براي ملاقات خدا آماده شوند. اين ارزشمندترين بخش از خدمت آنان بعنوان پيروان خداست و كسي كه نميتوان از او غفلت نمود.

دائما به عيسي نگاه كنيد- والدين از هر انرژي روحاني خود استفاده كنيد تا گله كوچك را نجات دهيد. نيروهاي جهنمي براي نابودي متحد ميشوند ولي خداوند شما را بر عليه خصم بر ميخيزاند، بيش از آنكه بتوانيد دعا كنيد. با محبت و از روي دلسوزي فرزندان خود را تعليم دهيد تا بسوي خدا بعنوان پدر آسماني خود بازگردند. با الگوي خويش به آنان خويشتنداري و كنترل نفس و كارآمد بودن را تعليم دهيد. به آنان بگوئيد كه مسيح زندگي نكرد تا خود را خشنود سازد.

نورهاي الهي را گرد هم آوريد كه بر مسير شما بتابند. در نور قدم بگذاريد همانگونه كه مسيح در نور است. همانطور كه مسئوليت كار كمك به فرزندان خود براي خدمت به خدا را بر عهده مي گيريد آزمونها و وسوسه هاي تحريك كننده خواهند آمد ولي ملجاي خود را از دست ندهيد و به عيسي متوسل شويد. او ميفرمايد " او بايد به من متمسك شود تا با من صلح كند و او با من صلح خواهد نمود" (اشعيا 5:27). مشكلات برخواهد خاست با مشكلات و موانعي روبرو خواهيد شد ولي دائما به عيسي بنگريد. وقتي امري غير منتظره پيش مي آيد از خداوند بپرسيد كه چه بايد كنم؟ آنگاه خداوند راه را بشما نشان خواهد داد. او بشما كمك خواهد نمود تا استعداد و توانايي خود را مسيح گونه بكار ببريد كه صلح و محبت در خانه حكمفرمايي كند با . پيروي مصمم از راهكار ميتوانيد مبشري در خانه بشويد و مبلغ فيض خدا براي فرزندانتان بشويد.

اين كار اجر خود را خواهد يافت- گاهي اوقات بزرگ كردن فرزندان در راه خدا هزينه در بر دارد. هزينه آن براي مادران اشك هايي است كه ميريزند و براي پدران دعا هاي آنان است. بنابراين والدين ميتوانند در اطراف فرزندان خود سنگر بچينند كه آنان را از طوفان و سيل شرارتي كه جهان ما را فرا گرفته محافظت نمايد.

**فصل هفتاد و چهارم**

**هر خانه اي كليساست**

والدين نمايندگان و معرفين خدا بايد باشند- هر خانواده اي در خانه بايد يك كليسا باشد- يك نماد و سمبل زيبا از كليساي خدا در آسمان. اگر والدين مسئوليت خويش را در قبال فرزندان خويش درك كرده باشند تحت هيچ شرايطي آنان را نكوهش و تهديد نميكنند. اين نوع تربيت براي كودكان مناسب نيست. بسياري از كودكان فرا گرفته اند كه خرده گير و ناراحت و نكوهشگر و احساساتي باشند زيرا به آنان اجازه داده شده است تا در خانه احساساتي باشند. والدين بايد در نظر بگيرند كه آنان براي فرزندان خود در جايگاه خدا قرار دارند تا اصول درست را ترغيب نموده و افكار غلط را منكوب كنند.

اگر خصايل اخلاقي فرزندان بوسيله والدين و معلمين مورد غفلت واقع شود آنان مطمئنا از راه بدر ميروند.

مذهب كتاب مقدس تنها ملجاست- بطور عمومي جوانان بنيه اخلاقي ضعيفي دارند. كه اين در نتيجه غفلت در آموزش در زمان كودكي است. فهم شخصيت خدا و تعهدات ما به او نبايد بعنوان يك موضوع كوچك در نظر گرفته شود. مذهب كتاب مقدس تنها ملجا براي جوانان است.

خوشا بحال والديني كه زندگيشان بازتاب واقعي الهي است كه بموجب آن وعده ها و فرامين خدا باعث تكريم و ستايش كودك ميشود – والديني كه شفقت و انصاف و بردباري آنان براي كودك محبت و انصاف و بردباري خدا تعبير ميشود- و كسيكه با تعليم خود باعث اعتماد و فرمانبرداري او ميشود او را چنان تعليم ميدهند تا به خداوند در ملكوت محبت ورزيده او را فرمانبرداري كنند و به او اعتماد داشته باشند. والديني كه به فرزندان خود چنين هديه اي ارزاني دارند او را با گنجينه اي بيش از ثروتهاي همه اعصار صاحب مال و مكنت كرده اند – ثروتي كه به اندازه ابديت پابرجاست.

در خانه اقرار به دينداري بدون عمل كردن به دين بي ارزش است- اعمال روزانه زندگي سنجيده ميشود و حالات و شخصيت ما را قالب ميزند. در جائيكه دين در خانه وجود نداشته باشد اقرار به ايمان بي ارزش است. پس نگذاريد تا كلام نا مهربان از لبان شما به كساني كه خانواده را تشكيل ميدهند جاري شود. فضا را با رايحه اي از توجه و مهر نسبت به ديگران پر كنيد. تنها كساني وارد ملكوت ميشوند كه در دوره آزمون شخصيتي را شكل داده اند كه عطر و بوي ملكوتي داشته باشد. مقدسين ملكوتي ابتدا بايد مقدسين زميني باشند.

آنچيزي كه شخصيت را در خانه دوست داشتني ميسازد آنچيزي است كه قصرهاي آسماني را دوست داشتني خواهند نمود. پيمانه مسيحي بودن شما با شخصيت شما در خانه سنجيده ميشود. فيض مسيح مالكين آنرا قادر ميسازد تا خانه را مكاني شاد بسازند كه سرشار از صلح و صفا و آرامش است. اگر روح مسيح را نداشته باشيد به او تعلق نداريد و هرگز مقدسين آزاد شده را در ملكوت او نخواهيد ديد-كسانيكه با او در ملكوت خواهند بود و سعادت را خواهند يافت. خداوند از شما ميخواهد تا خود را كاملا وقف او كنيد و معرف شخصيت او در خانه باشيد.

كار تطهير در خانه آغاز ميشود. كسانيكه در خانه مسيحي هستند در كليسا نيز مسيحي بوده و در دنيا نيز مسيحي خواهند بود. بسياري هستند كه در فيض رشد نميكنند زيرا در پرورش دينداري در خانه قصور ورزيده اند.

والدين بعنوان آموزگاران در كليساي خانگي- خطاب به پدران و مادران است: شما ميتوانيد آموزگاران در كليساي خانگي باشيد شما ميتوانيد نمايندگان روحاني بشارت دهنده باشيد. بگذاريد تا پدران و مادران نياز به بشارت در خانه را حس كنند- لازم است تا فضاي خانه عاري از كلام تند و نامهربان نگاهداشته شود و به كليساي خانگي ، جايي كه فرشتگان خدا بتوانند وارد آن شده و بركت داده و به تلاشهايي كه كرده ميشود توفيق ارزاني دارند.

نهاد خانواده را مدرسه كارآموزي در نظر بگيريد جايي كه مقدمه اي براي اجراي وظايف ديني است. فرزندان شما در ظرفيت كليسايي موظف به كار هستند و هر بنيه ذهني و هر ظرفيت جسمي بايد قوي نگاه داشته شده و براي خدمت به مسيح فعال باشند. آنان بايد فرا بگيرند تا حقيقت را دوست داشته باشند- آنان بايد از طريق حقيقت تطهير شوند و بايد بدانند كه بزودي در جايگاهي قرار ميگيرند كه بايد قابليت ورود به مدرسه عاليتري را داشته و عضو خانواده پادشاهي يعني فرزند پادشاه سماوي بشوند.

آنان بايد هدايتگر طريقهاي زندگيهاي ثابت و پا برجا باشند- هرچيزي بر ذهن جوان تاثير خواهد گذارد. آنان سيما و صدا و رفتار و سلوك را از نزديك تقليد ميكنند. پدران و مادران بد خلق و عبوس به فرزندان خود درسهايي ميدهند كه در زماني فرا ميرسد كه حاضرند همه چيز را در دنيا بدهند كه فرزندانشان آن دروس را فراموش كنند و تغيير كنند. فرزندان بايد در زندگي والدين خود ببينند كه ثبات بر اساس ايمان است. با ثبات در زندگي و عمل كردن به كنترل نفس و خويشتنداري والدين ميتوانند شخصيت فرزندان خود را قالبريزي كنند.

فرزندان خود را بعنوان كارگران مسيح تربيت كنيد- كسانيكه با خانواده بطور طبيعي اتحاد و اتفاق نظر دارند تاثرات شديدتري بر روي همديگر دارند... اعضاي خانواده بايد مهرباني و محبت را آشكار كنند. كلام گفته شده و كردار بايد مطابق با اصول مسيحي باشد. بدين طريق خانه به مدرسه مبدل گرديده جائيكه كارگران براي مسيح آموزش ميبينند.

خانه بعنوان مكاني مقدس بايد در نظر گرفته شود... در هر روز از زندگي بايد خود را تسليم خدا كنيم. بدين جهت ميتوانيم امداد خاصي حاصل نموده و هر روزه ظفر يابيم. صليب هر روزه بايد حمل شود. بايد مواظب هر كلامي بود چرا كه ما نسبت به خدا مسئوليم تا با زندگي خود تا جائيكه ممكن است شخصيت مسيح را معرفي كنيم.

اشتباه مهلكي كه بسياري مرتكب ميشوند- آيا ميتوانيم پسران و دختران خود را براي يك زندگي آبرومند مطابق با آيين و رسوم تربيت كنيم- يك زندگي مسيحانه توام با فداكاري- يك زندگي كه با حقيقت مسيح بايد توام باشد. "من شما را نميشناسم56". هزاران نفر چنين ميكنند. آنان در فكر تامين منافع انجيل براي فرزندانشان هستند در حاليكه روح آنرا انكار ميكنند. كسانيكه امتياز مشاركت در خدمت به مسيح را رد ميكنند آموزشي را رد ميكنند كه آنان را براي مشاركت با او در جلال وي قابل ميسازد .

آنان آموزشي را رد ميكنند كه در اين زندگي به شخصيت شرافت و قوت ميبخشد. بسياري از پدران و مادران صليب مسيح را براي فرزندانشان نميپذيرند و خواهند آموخت كه بسيار دير شده است زيرا كه فرزندان خود را تسليم دشمن خدا و بشر كرده اند. آنان بر ويراني خود مهر تاييد زده اند نه تنها براي آخرت بلكه براي زندگي كنوني. وسوسه ها آنانرا مغلوب ساخته است. آنان براي جهان لعنت ميباشند - و اندوه و شرمساري براي كساني كه به آنان هستي بخشيده . اند ما نميدانيم كه در چه مسيري فرزندانمان براي خدمت فرا خوانده خواهند شد. آنان ممكن است زندگي خود را در محيط خانه سپري كنند - آنان ممكن است زندگي معمولي داشته و به حرفه اي مشغول شوند. ولي همگي بطور يكسان فرا خوانده شده اند تا بشارت دهندگان خدا باشند-مبشران رحمت براي جهان. آنان بايد به آموزشي نائل گردند كه به آنان كمك كند تا در خدمت فروتنانه در كنار مسيح بايستند.

به آنان تعليم دهيد كه به مدد الهي تكيه داشته باشند- اگر ميخواهيد تا فرزندانتان ظرفيت زيادي براي كارهاي خير داشته باشند به آنان تعليم دهيد تا به آخرت و عاقبت بخيري بينديشند. اگر به آنان آموخته شده كه در مصايب و مشكلاتشان به مدد الهي تكيه كنند آنان بي بنيه نخواهند بود تا احساسات و غرايض خود را تحت كنترل در آورند و با وسوسه هاي دروني براي خطاكاري مقابله كنند. ارتباط با مرجع حكمت قدرت تشخيص بين درست و غلط را خواهد داد. كسانيكه صاحب دارايي و مكنت هستند در اخلاق و خرد قدرتمند شده و ديدگاه شفافتر و قضاوت بهتري حتي در امور دنيوي خواهند داشت.

رستگاري از طريق ايمان و اعتماد بيمه شده است- ما در خانواده هايمان ميتوانيم رستگاري خدا را داشته باشيم ولي بايد به آن اعتقاد داشته براي آن زندگي كنيم و ايمان و اعتماد دايمي و پايدار به خدا داشته باشيم... محدوديتهايي كه كلام خداوند ما را ملزم نموده است براي نفع و خيريت خود ماست. اين شادماني خانواده و تمام كساني كه در اطراف ما هستند را افزايش خواهد داد. اين سليقه ما را پالايش – قضاوتهايمان را تقديس و به ذهن آرامش داده و در آخر حيات جاودان را برايمان بارمغان مي آورد. فرشتگان خادم تا دم آخر با ما خواهند بود و با خوشي خبر پيشرفت در زندگي الهي را به آسمان ميبرند و فرشتگان ثبت كننده در دفتر اعمال سابقه را با شادي و خوشي ثبت ميكنند.

روح مسيح نفوذ پايداري در زندگي ما در خانه خواهد داشت. چنانچه مردان و زنان قلوب خود را به تاثيرات ملكوتي از حقيقت و محبت باز بدارند اين اصول مانند جريان آبي در بيابان جاري و همه چيز را تر و تازه نموده و سبب ميشود تا شكوفايي كه در حال حاضر در خشكي و شوره زار است در هر جا آشكار شود.

فرزندان شما از خانه اثرات آموزش خانگي را با خود حمل خواهند نمود. سپس در حلقه خانواده در اوين سالهاي زندگي كودكان كار خواهد كرد و آنان تاثيرات شما را به كلاسهاي مدرسه برده كه نفوذ و اثر آن توسط بسياري حس خواهد شد. و بموجب آن خداوند جلال خواهد يافت.

**فصل هفتاد و پنجم**

**هدايت بچه هاي كوچك بسوي مسيح**

كودكان كي بايد مسيحي بشوند؟ در كودكي ذهن بسادگي تحت تاثير قرار گرفته و قالبريزي ميشود و به اين ترتيب است كه پسران و دختران بايد ياد بگيرند تا خدا را دوست داشته و او را حرمت نهند.

خداوند از هر كودك در سنين خردسالي ميخواهد تا فرزند او باشند و بعنوان خانواده او پذيرفته شوند. گرچه ممكن است كوچك باشند ولي ميتوانند اعضاي اهل بيت ايمان باشند و تجربيات ارزشمندي كسب كنند. آنان ممكن است قلوبي داشته باشند كه ظريف بوده و آماده براي دريافت مفاهيمي باشند كه دايمي باشد. قلب مجذوب اعتماد و محبت عيسي شده و براي منجي زندگي خواهند كرد. مسيح آنان را مبشران كوچك خواهد ساخت. تمامي جريانهاي فكري آنان عوض خواهد شد و از گناه لذت برده نخواهد شد بلكه از آن پرهيز شده و منفور خواهد بود.

عصر بي اهميت- يك مقام برجسته روحاني يكبار پرسيد يك كودك بايد چند ساله باشد تا از نظر عقلاني مسيحيت را درك كند. پاسخ اين بود كه سن و سال هيچ ارتباطي با آن ندارد. محبت به عيسي اعتماد – آرامش – اطمينان همه كيفياتي هستند كه با طبيعت كودك وفق دارند. بمحض اينكه يك كودك بتواند به مادر خود دلبستگي و اعتماد پيدا كند آنگاه ميتواند به عيسي بعنوان ياور با محبت مادر اعتماد داشته باشد. عيسي دوست او خواهد بود و محبت شده و تكريم خواهد گرديد.

نظر به اظهارات درست پيشين، آيا والدين ميتوانند در بيان احكام و الگو در مقابل آن چشمان كوچك نافذ و احساسات ظريف بسيار مراقب باشند ؟ مذهب ما بايد عملي باشد. هم در خانه و هم در محل عبادت مورد نياز است. در رفتار ما سردي و سختگيري و چيز زننده نبايد باشد ولي ما نشان ميدهيم كه چگونه با محبت و دلسوزي قلبها را با محبت تسخير ميكنيم. مسيح بايد يك ميهمان افتخاري در خانه ها باشد. ما بايد با او گفتگو كنيم و همه بارهاي خود را به او بسپاريم و در باره محبت او گفتگو كنيم- از فيض او بگوئيم و از كامليت شخصيت او سخن بگوئيم. چه درسهايي روزانه بواسطه والدين خداشناس به فرزندان داده ميشود كه مشكلات خود را به عيسي بسپارد او كه بارها و رنجهاي مارا بدوش ميكشد و بما توجه دارد- زيرا ما در سرگشتگيهاي خود نميتوانيم بخودمان كمك كنيم. افكار جگر گوشه ها بايد آموخته شود تا به عيسي معطوف گردد همانگونه كه گلها گلبرگهاي خود را بطرف خورشيد بر ميگردانند.

محبت خدا در هر درسي بايد آموخته شود- اولين درسي كه بايد به فرزندان آموخته شود اين است كه خدا پدر آنهاست. اين درس بايد در عنفوان جواني به آنان داده شود. والدين بايد درك كنند كه در برابر خدا مسئول هستند تا فرزندان خود را با پدر آسماني خود آشنا كنند... اين كه خدا محبت است بايد در هر درس آموخته شود.

پدران و مادران بايد اطفال و كودكان و نوجوانان را با محبت عيسي آشنا كنند. بگذاريد هر طفل تازه بزبان آمده اي با عيسي آشنا شود. مسيح بايد با تمام دروس داده شده به كودكان مرتبط شود.

از همان سالهاي طفوليت كودك بايد با امور خدا آشنا شود. مادربايد با كلامي ساده در باره زندگي مسيح در زمين سخن بگويد. و بيش از اين مادر بايد تعليمات خود را در باره منجي در زندگي روزانه بياورد. مادر بايد اسوه و الگويي براي كودك خود بشود زيرا كه اين زندگي آماده سازي براي حيات ابدي است كه فرا ميرسد دوره اي كه به بشر اعطا گرديده است كه بدانوسيله شخصيتهايي را شكل داده و ورود به شهر خدا را برايشان تحصيل خواهد نمود.

آنان به بيش از تذكر اتفاقي نيازمندند- بطور كلي توجه بسيار كمي به كودكان و نوجوانان شده است و از پرورشي كه بايد در زندگي مسيحي داشته باشند قصور ورزيده اند زيرا اعضاي كليسا به آنان با دلسوزي و شفقت نگاه نكرده اند تا آنان در زندگي روحاني پيشرفت كنند.

خداوند تكريم نخواهد شد هنگاميكه از فرزندان غفلت شود و از كنار آن گذر شود... آنان به بيش از تذكر اتفاقي نياز دارند و به بيش از كلام تشويقي نيازمندند. آنان به كار پرتلاش و دعا و دقت نياز دارند. قلبي كه مملو از محبت و شفقت است به قلوب جواناني كه بظاهر بي تفاوت و نوميد هستند بايد دست يابد.

عيسي ميگويد اين فرزندان را براي من تربيت كنيد- والدين بايد در پي فهميدن اين واقعيت باشند كه آنان بايد فرزندان خود را براي رضاي خدا تربيت كنند. وقتي فرزندان به آنان به امانت سپرده شده اند مانند زماني است كه عيسي آنان را در بازوان خود گرفت و گفت: اين كودكان را براي من تعليم دهيد تا در بارگاه خداوند بدرخشند. يكي از اولين صداهايي كه ميتواند توجه آنها را بخود جلب نمايد نام عيسي است و در سالهاي ابتدايي آنان بايد بياموزند تا دعا كنند. افكار آنان بايد از داستانهاي زندگي مسيح پر شود و تصورات آنان بايد با تصويرهايي از جهاني كه در شرف وقوع است پرورده شود.

آنان ميتوانند در كودكي مسيح را تجربه كنند- به كودكان خود كمك كنيد تا خود را براي قصرهايي كه مسيح براي دوستداران خود تهيه ميكند آماده سازند. به آنان كمك كنيد تا اهداف خدا را به انجام برسانند. تعليمات شما بايد بگونه اي باشد كه آن كسي را كه مرد تا براي آنان حيات جاودان را تامين كند تكريم و تجليل شود. به آنان تعليم دهيد تا به دعوت پاسخ دهند. "يوغ مرا بر دوش بكشيد و بگذاريد من شما را تعليم دهم چون من مهربان و فروتن هستم و به جانهاي شما راحتي خواهم بخشيد. زيرا باري را كه منت بر دوش شما ميگذارم سبك است57".

برادر و خواهرم شما كاري الهي براي انجام بعهده داريد كه تربيت فرزندانتان است. در حاليكه جوان هستند قلبها و اذهانشان مستعد فراگيري براي تاثيرات درست است... به آنان تعليم بدهيد كه مسئوليتي انفرادي براي انجام بعهده دارند و تجربه مسيحي را كسب خواهند كرد- حتي در زمان كودكي.

اولين كار والدين راهنمايي فرزندان است تا در همان سالهاي اوليه قدم در مسير عدالت بگذارند در غير اينصورت مسير غلط بجاي مسير درست انتخاب ميشود.

اطاعت آزموني براي كسي است كه متبدل گرديده است- آيا نبايد به فرزندانمان بياموزيم كه اطاعت از اراده خدا مويد اين است كه آيا آنانيكه ادعاي مسيحيت ميكنند آيا واقعا مسيحي هستند يا نه؟ منظور خداوند همه كلماتي است كه ميگويد.

احكام خدا بنياد و اساس اصلاحات است- قانون و احكام خدا وسايل آموزش در خانواده است. والدين تحت التزام جدي هستند تا همه احكام خدا را مراعات نمايند و براي فرزندان خود نمونه اي از كمال باشند. احكام خدا بنياد همه اصلاحات دائمي است. ما بايد به جهان نياز اطاعت از فرامين خدا را بطور نص و صريح بازگو كنيم. فرمانبرداري از احكام خدا مشوق عظيمي براي كار و اقتصاد و صداقت و عدالت بين انسانهاست.

فرزندان خود را بياموزيد- آيا بفرزندان خود از طفوليت آموخته ايد تا احكام خدا را نگاه دارند؟ شما بايد به آنان تعليم دهيد تا شخصيتها و خصوصيتهايي را با شباهت الهي شكل دهند كه مسيح خود را به آنان آشكار كند. او راغب است تا خود را به كودكان آشكار كند. ما اين موضوع را از تاريخچه زندگي يوسف و سموئيل و دانيال و همراهانش ميدانيم. آيا نميتوانيم از سابقه زندگي آنان ببينيم كه خداوند چه چيزي را از جوانان و نوجوانان انتظار دارد؟

والدين تحت التزام نسبت به خدا هستند تا فرزندان خود را براي او در همان دوران اوليه شايسته سازند تا دانش هوشمندانه اي را از آنچه كه در پيروي عيسي مسيح بودن درك شده است كسب كنند.

شهادت يك كودك متبدل شده – دين به كودكان كمك ميكند تا بهتر مطالعه كنند و كار را بيشتر با ايمان انجام دهند. يك دختر دوازده ساله با سادگي شهادت ميداد كه او مسيحي است". من دوست نداشتم مطالعه كنم بلكه دوست داشتم بازي كنم. من در مدرسه تنبل بودم و اغلب كلاسها را از دست ميدادم. ولي حالا همه درسها را خوب ياد ميگيرم تا خدا را خشنود سازم. من در مدرسه شيطنت ميكردم وقتي كه معلمين به من نگاه نميكردند و با بچه ها شوخي ميكردم. الان ميخواهم با رفتار خوب و رعايت مقررات مدرسه كه خدا را خشنود سازم. من در مدرسه خودخواه بودم دوست نداشتم تا فرمانبري كنم و وقتي كه مادرم مرا كه در حال بازي بودم صدا ميزد تا در كار خانه باو كمك كنم ناراحت ميشدم. حال براي من واقعا خوشي است تا بمادرم در هر چيزي كمك كنم و نشان دهم كه او را دوست دارم".

از تعويق و طفره رفتن آگاه باشيد- والدين - بايد تربيت ذهن فرزندان خود را در حيني آغاز كنيد كه هنوز جوان هستند و تا آخر تا اينكه مسيحي بشوند ادامه دهيد... هشيار باشيد مبادا كه با لالايي و با افكار غلط در سياهچال نكبت و تباهي نخوابند زيراكه آنان باندازه كافي بزرگ نيستند تا جوابگو بوده تا از گناهان خود توبه نموده و به مسيح اعتراف كنند.

كودكان هشت و ده و يا دوازده ساله باندازه كافي بزرگ هستند تا در خصوص مذهب شخصي مورد خطاب قرار گيرند. فرزندان خود را به آينده ارجاع ندهيد كه وقتي باندازه كافي بزرگ شدند توبه كرده و به حقيقت ايمان بياورند. چنانچه بطور شايسته هدايت شوند كودكان نوباوه ميتوانند ديدگاههاي صحيحي از وضعيت خود بعنوان گناهكار داشته و راه نجات را از طريق مسيح در يابند.

براي آنانيكه در پي منجي هستند به بسياري از آيات ارزشمند در خصوص وعده هايي بر ميخوريم. جامعه سليمان 1:12 "آفريننده خود را در روزهاي جوانيت به ياد آور قبل از اينكه روزهاي سخت زندگي فرا رسد روزهايي كه ديگر نتواني از آنها لذت ببري". امثال سليمان 17:8 "من كساني را كه مرا دوست دارند دوست دارم. آنانيكه در جستجوي من باشند مرا خواهند يافت". شبان اعظم اسرائيل همچنان ميگويد:"بگذاريد بچه هاي كوچك نزد من آيند و مانع ايشان نشويد. زيرا فقط كساني كه مانند اين كوچكان باشند از بركات ملكوت خداوند برخوردار خواهند شد58. به فرزندان خود بياموزيد كه جواني بهترين زمان براي جستجوي خداست .

از طفوليت تا جواني هدايتگر باشيد- اجازه دادن به كودك براي تبعيت از انگيزه هاي طبيعي مجاز شمردن او براي انحطاط و حاذق شدن در شرارت است. نتايج آموزشهاي غلط در كودكي آشكار ميگردد. در اوان جواني خلق و خوي خودخواهانه رشد ميكند و هنگامي كه جوان رشد كرده و به مردانگي ميرسد او در گناه رشد مي يابد. شهادت بر عليه مسامحه والدين با كودكاني كه مجاز شمرده شدند تا براه و انتخاب خود بروند ادامه دارد. از اين سير انحطاط تنها زماني ميتواند جلوگيري شود كه آنان را با تاثيراتي كه شرارت را بتواند خنثي كند محاط كرد. از طفوليت تا جواني و از جواني تا مردانگي يك كودك ميتواند براي نيكوئي تحت تاثير قرار گيرد.

فرزندان را براي آزمونهاي آينده نيرومند سازيد- والدين- از خود سوالي جدي را بپرسيد " آيا فرزندانمان را طوري آموزش داده ايم تا تسليم اولياء امور باشند و آيا آنان را تعليم داده ايم تا مطيع خدا باشند و او را دوست بدارند و احكام او را بعنوان راهنماي افضل در امور و زندگي نگاه دارند؟ آيا آنان را آموخته ايد تا مبشرين مسيح باشند؟ و به نيكوكاري روي آورند؟" والدين معتقد فرزندان شما در روز واقعه براي خدا خواهند جنگيد و در حاليكه براي سرور صلح و آرامش پيروزي بارمغان مي آورند براي خودشان پيروزيهايي را بدست خواهند آورد. ولي اگر با خداترسي بزرگ نشده باشند - اگر از مسيح هيچ ندانند و رابطه اي با ملكوت نداشته باشند آنان قدرت اخلاقي و معنوي نخواهند داشت و آنان تسليم فرمانروايان زميني خواهند شد - آنهايي كه فرض ميكنند فراتر از خداي آسمان در تشكيل سبت جعلي هستند تا جايگاه سبت يهوه را اشغال كنند.

**فصل هفتاد و ششم**

**آمادگي براي عضويت در كليسا**

آموزش موزون- راهنمايي ها آنگونه كه خداوند تدبير نموده است بايد ارائه گردد. كودكان بايد با شكيبايي – با دقت – با كارداني و حذاقت – با مهرباني- تربيت شوند. بعهده همه والدين است كه از نظر جسماني و ذهني و روحاني فرزندان خود را راهنمايي كنند. حتي واجب است كه خواسته هاي خدا را در برابر كودكان قرار داد.

ازآموزش روحاني تحت هيچ موردي نبايد اهمال گردد. بگذاريد به فرزندانمان درسهاي زيباي كلام خدا را بدهيم كه بواسطه آن به فهم و دانش او نائل گردند. بگذاريد بفهمند كه نبايد كار نادرست را انجام دهند. به آنان ياد بدهيد كه با انصاف و عدالت رفتار كنند. به آنان بگوييد كه نميتوانيد به آنان اجازه دهيد تا به مسير غلط بروند. در نام خداوند عيسي مسيح آنان را در تخت فيض به خداوند پيشكش كنيد. بگذاريد بدانند كه عيسي زندگي ميكند تا آنان را شفاعت نمايد. آنان را تشويق كنيد تا شخصيت خود را مطابق با شباهت الهي قالبريزي كنند.

دانش خدا و مسيح اساسي و بنيادين است- آموزش روحاني در هيچ موردي نبايد اهمال شود" زيرا كه ترس از خدا شروع حكمت است": مزامير 10:110 .توسط برخي افراد آموزش در كنار مذهب قرار گرفته است اما آموزش واقعي مذهب و ديانت است.

تجربه مذهب عملي را تعريف كنيد- راهنمايي عملي در تجربه روحاني چيزي است كه والدين مسيحي بايد براي ارائه به فرزندانشان تدارك ببينند. خداوند اين را از شما ميخواهد و اگر در انجام اين كار قصور كنيد از وظيفه خود كوتاهي كرده ايد. فرزندان خود را راجع به شيوه هاي تربيتي منتخب خدا آموزش دهيد و شرايط توفيق در زندگي مسيحي را شرح دهيد. به آنان تعليم دهيد كه آنان نميتوانند خدا را خدمت كنند و اذهان خود را در سور و سات اين زندگي مستغرق سازند - به آنان اجازه ندهيد تا فكري را ارزش دهند كه به كار و زحمت نيازي ندارند و اوقات فراغت خود را در تنبلي بگذرانند. كلام خدا در اين نكته آشكار و شفاف است.

دانش خدا را تعليم دهيد- فهم خدا حيات ابدي است. آيا به فرزندان خود تعليم ميدهيد تا معيار ها و استانداردهاي دنيا مقابله كنند؟ آيا براي خانه اي كه خداوند براي شما تدارك ميبيند خود را آماده كرده ايد؟ به فرزندان خود از زندگي، مرگ و قيام منجي سخن بگوئيد. به آنان آموزش بدهيد تا كتاب مقدس را مطالعه كنند. به آنان تعليم دهيد كه شخصيتي را شكل بدهند كه تا مادام العمر پابرجا بماند. ما بايد خيليدعا كنيم تا خداوند فرزندان ما را حفظ كند و بركت دهد.

به آنان توبه روزانه و بخشش را ياد بدهيد- ضروري نيست تا همه بياد بياورند كه دقيقا در چه زماني گناهشان با دعا و توسط خدا آمرزيده شده و نبايد نگران به زمان دقت داشته باشيد كه در چه روزي يا چه زماني خدا شما را بخشيده است. درسي كه بايد به فرزندان آموخته شود اين است كه اشتباهات و خطاياي آنان بايد در همان اوان كودكي نزد خدا آورده شود. به آنان ياد بدهيد تا از خداوند هر روزه براي هر گونه خطايي كه مرتكب شده اند طلب مغفرت كنند و بگوئيد كه عيسي دعاهاي ساده را از قلبهاي صبور ميشنود و مي آمرزد و آنان را ميپذيرد - همانگونه كه او كودكان را در زماني كه در زمين بود بحضور پذيرفت.

اصول تعليمي درست را تعليم دهيد- كسانيكه حقيقت را ديده اند و اهميت آنرا احساس نموده اند و در امور خدا تجربه اي داشته اند بايد به فرزندان خود اصول تعليمي درست را تعليم دهند. والدين بايد آنان را با اركان عظيم ايمان آشنا كنند و دليل اينكه چرا ما ادونتيستهاي روز هفتم هستيم را بگويند همانطور كه ما فرزندان اسرائيل هستيم و قوم برگزيده و امت مقدس خدا هستيم و خود را از تمام مردمان ديگر در زمين جدا و متمايز ساخته ايم. اين چيزها بايد با زبان ساده به كودكان شرح داده شود كه بسادگي قابل درك باشد و همچنانكه طي سالها رشد ميكنند دروس ارائه شده متناسب با ظرفيت افزايش يافته آنان شود تا اينكه شالوده هاي حقيقت بطور وسيع و عميق چيده شود.

بطور خلاصه و بكرات آموزش بدهيد- كساني كه به كودكان و نوجوانان آموزش ميدهند بايد از اظهارات كسل كننده بپرهيزند. كلام كوتاه و شفاف و هدفدار تاثير خوشي خواهد داشت. اگر بيش از اين بايد گفته شود- به كرات ولي كوتاه و مختصر بگوئيد. بيانهاي جالب هر از گاهي بيشتر سودمند خواهد بود تا اينكه همه آموزش يكباره گفته شود. كلام طولاني ذهنهاي جوان را خسته و مشوش ميسازد. بيش از حد حرف زدن حتي باعث انزجار از آموزه هاي روحاني ميشود- درست مثل پرخوري كه شكم را آزار ميدهد و اشتها را كم ميكند و باعث انزجار از غذا ميشود.

شامگاهان فرصتهاي گرانبهايي هستند- خانه بايد مدرسه اي براي آموزش بشود بيش از يك مكان يكنواخت و كار پرزحمت. شامگاهان بايد بعنوان فرصتهاي گرانبها گرامي داشته شود و وقف آموزش فرزندان در راه عدالت بشود.

وعده هاي خدا را بازگو كنيد- ما بايد روح القدس را بعنوان روشن كننده افكار در درك مفاهيم تشخيص بدهيم. روح القدس دوست دارد تا كودكان را خطاب كند و براي آنان گنجينه ها و زيبايي كلام را مكشوف سازد. وعده هاي گفته شده با معلم اعظم حواس را شيفته خود ساخته و جان كودك را با قدرت روحاني سرزنده ميكند زيرا كه الهي است. ذهن شيفته از آشنايي با امور الهي رشد خواهد نمود كه مانند مانعي در برابر وسوسه هاي دشمن خواهد بود.

موزه هاي روحاني را مطبوع و دلپسند بسازيد- آموزه هاي روحاني از اون كودكي بايد به فرزندان داده شود. اين آموزه ها نبايد با روح تقبيح و محكوميت بلكه با خوش روئي و روحيه شاد ارائه گردد. مادران لازم است تا هميشه مراقب باشند مبادا كه وسوسه بطريقي كه براي آنان قابل تشخيص نيست بسراغ فرزندان برود. والدين بايد با حكمت و آموزه هاي دلپسند از فرزندان خود محافظت كنند. بعنوان بهترين دوستان اين افراد ناكارآزموده و بي تجربه والدين بايد بفرزندان خود در كار مقابله كمك كنند چرا كه براي آنان پيروزي خيلي با معنا و پر ارزش است. آنان بايد در نظر بگيرند كه فرزندانشان كه در پي درستكاري هستند اعضاي جوانتر خانواده خدا هستند و بايد مشتاقانه مايل باشند تا به آنان كمك كنند كه مسير خود را براي اطاعت از خدا راست بسازند. والدين با علاقه و محبت بايد هر روزه تعليم بدهند كه فرزند خدا بودن چه معنايي دارد و تسليم نمودن خواسته هاي خود به اراده او چه معني ميدهد. به آنان تعليم بدهيد كه اطاعت از خدا در بر دارنده اطاعت از والدين است. اين امر كار روزانه و هر ساعت ميباشد. والدين ! مراقب باشيد و دعا كنيد و فرزندان خود را معاشرين و همنشينان خود سازيد.

دروس روحاني را از وظايف خانگي تعليم دهيد- خداوند به والدين و معلمين كار آموزش كودكان و نوجوانان را در اين مسير تفويض نموده است. در حاليكه آنان را در عادات پاكيزگي جسمي آموزش ميدهند بايد به آنان تعليم داد كه خدا از آنان ميخواهد تا هم در قلب و هم در جسم پاك باشند. درحاليكه اتاق را جارو ميزنيد آنان ميتوانند ياد بگيرند كه چطور خدا قلبها را طاهر ميسازد. آنان دربها و پنجره ها را نميبندند و در اتاق مواد پاك كننده رها نميكنند بلكه درها را باز كرده و پنجره ها را كاملا باز ميكنند و با پشتكار همه جا را گرد گيري ميكنند. پس پنجره هاي انگيزه ها و احساسات بايد بسوي آسمان باز شود و غبارهاي خودخواهي و دنيوي بايد بدور ريخته شود. فيض خدا بايد راهروهاي ذهن را بروبد و هر عنصري از طبيعت بايد با روح خدا پاك و سر زنده شود. بي نظمي و نامرتبي در وظايف روزانه باعث فراموشي از خدا ميشود و شكل خداگونه را در اقرار به ايمان بد قواره و واقعيت از دست ميرود. ما بايد مراقب بوده و دعا كنيم - يا اينكه در بطالت بسر برده و جوهر كلام را از دست بدهيم. ايمان زنده مانند ريسمانهاي طلا بايد هر روزه از داخل تجربيات ما در انجام وظايف كوچك عبور كند.

آموزش ضمني در مقابل فراگيري از روي كتاب- اين حق جوانان است تا احساس كنند كه بايد به بالاترين درجه پيشرفت قدرتهاي ذهني برسند. خداوند براي تحصيلات محدوديتي قائل نشده است. ولي تحصيلات ما سودمند نخواهد بود چنانچه براي تكريم خداوند و خيريت بشريت بكار برده نشود. اگر دانش پلي براي اتمام اهداف عالي نباشد بي ارزش خواهد بود. آموزش ضمني مهمتر از آموزشي است كه از كتابها بدست آمده است. اين خوب است و حتي واجب است كه دانش جهاني را كه در آن زندگي ميكنيم كسب كنيم ولي اگر ابديت را بحساب نياوريم شكست خواهيم خورد و هرگز نميتوانيم آنرا بازيابيم. منظور از آموزش ضمني آموزشي است كه از طريق والدين و يا تجربيات زندگي دنيوي و روحاني كه كسب مي كنيم بدست مي آيد.

فوايد متقابل- فرزندان ما متعلق به خدا هستند و با قيمتي خريداري شده اند. اين فكر بايد انگيزه اصلي كارهاي ما براي آنان باشد. موفقترين شيوه هاي مطمئن براي رستگاري آنان و دور نگاه داشتن آنان از وسوسه ها هدايت متداوم از طريق كلام خداست. و وقتي والدين بهمراه فرزندان خود تعليم ميبينند رشد خود را در دانش حقيقت سريعتر خواهند يافت. بي ايماني ناپديد خواهد شد – ايمان و فعاليت افزايش خواهد يافت – اعتماد و اطمينان عمقي تر خواهد شد در حينيكه شناخت خدا را دنبال ميكنند.

چگونه والدين تبديل به مانع ميشوند- چه مثال و الگويي را به فرزندان خود ميدهيد؟ چه رسم و آئيني را در خانه داريد؟ فرزندان شما بايد ياد بگيرند كه مهربان و با ملاحظه و نجيب باشند و فراتر از هر چيز به امور ديني احترام بگذارند و خواسته هاي خدا را احساس و درك كنند. پسران و دختران ممكن است خيلي زود پارسايي و خداترسي عميق خود را آشكار كنند چنانچه تسهيلات و امكاناتي را كه خدا براي راهنمايي آنان مقدر نموده توسط هر خانواده خداترسي اعمال و تعاقب گردد. آنان ارزش آموزش و پرورش صحيح را بنمايش خواهند گذارد. ولي اثراتي كه از حقيقت بر ذهن كودكان بواسطه معلمين گذارده ميشود اغلب توسط والدين با سخنان و رفتار خنثي ميشود. گرچه قلبهاي مستعد فرزندان خودسر اغلب با حقيقت تحت تاثير قرار ميگيرد ولي اغلب وسوسه ها از طريق پدر و مادر نزد آنان مي آيد و آنان در دام حيله هاي شيطان مي افتند. اگر والدين همكاري نكنند تقريبا غير ممكن است كه پاهاي فرزندان را در مسيرهاي امن قرار داد. احساسات زيانبار و شريرانه كه از لبهاي والدين بي خرد بيرون مي آيد مانع اصلي بر سر راه تبديل روحاني در ميان فرزندان است.

با دعاهاي خود در اتحاد و هماهنگي زندگي كنيد- " اگر در من بمانيد و از كلام من اطاعت كنيد هر چه بخواهيد بشما داده خواهد شد59". وقتي دعا ميكنيد اين آيه را بياد داشته باشيد. اين امتياز ماست تا با دليري مقدسانه نزد او برويم. همانگونه كه با خلوص نزد او دعا ميكنيم تا نور او بر ما بتابد او سخن ما را شنيده و بما پاسخ خواهد داد. ولي ما بايد در هماهنگي با دعاهايمان زندگي كنيم. دعاهاي ما هيچ سودي نخواهد داشت چنانچه بر خلاف آن قدم برداريم. من پدري را ديده ام كه پس از خواندن بخشي از كلام و اقامه دعا بمحض اينكه از روي زانوهاي خود برخاست شروع به نكوهش فرزندان خويش ميكند. خداوند چگونه ميتوان بدعاي فردي كه اينگونه عمل ميكند پاسخ دهد؟ و اگر پس از بدحرفي و سرزنش فرزندان پدري دعا كند آيا اين دعا نفعي براي كودكان خواهد داشت؟ خير مگر اينكه اين دعا اعتراف به خطا نزد خدا باشد .

وقتي فرزندان براي تعميد آماده ميشوند- هرگز به فرزندان خود اجازه ندهيد كه فرض كنند كه آنان فرزندان خدا نيستند تا اينكه به اندازه كافي بزرگ شده تا تعميد يابند. تعميد فرزندانتان را مسيحي نميسازد و نه آنان را متبدل ميسازد بلكه اين يك نماد و سمبل ظاهري است و نشان ميدهد كه آنان حس كرده اند كه بايد فرزندان خدا باشند با تاييد اينكه آنان به عيسي مسيح بعنوان منجي خود ايمان داشته و از اين به بعد براي مسيح زندگي خواهند كرد.

والديني كه آرزو دارند تا فرزندانشان تعميد يابند كاري براي انجام شدن دارند- هم در خويشتن بيني و هم ارائه راهنمايي مومنانه به فرزندانشان. تعميد يكي از مقدس ترين و مهمترين آيين هاست و بايد معني آن كاملا فهميده شود. تعميد يعني توبه از گناه و ورود به زندگي جديد در عيسي مسيح. نبايد در كار بيجا شتاب شود تا اين آيين اجرا شود. بگذاريد تا هم والدين و هم فرزندان بدانند كه چه ميكنند. والدين با رضايت به تعميد فرزندانشان خود را مقدسانه ملزم ميكنند تا ناظران با وفايي بر اين فرزندان باشند و آنان را در بناي شخصيت راهنمايي كنند. آنان خود را ملزم ميدارند تا با علاقه خاصي از اين بره هاي گله محافظت نمايند تا ايماني را كه مدعي آن هستند را بي حرمت نسازند...

وقتي كه شادترين دوره زندگي آنان فرا رسد و آنان با تمام وجود خود مسيح را دوست بدارند و مايل به تعميد گرفتن باشند آنگاه با ايمان و صادقانه با آنان گفتگو كنيد. قبل از اينكه آيين انجام شود از آنان بخواهيد كه اين اولين هدف زندگي آنان براي كار و خدمت براي خدا باشد. به آنان بگوئيد كه چگونه شروع كنند. اين اولين دروسي است كه معنا و مفهوم زيادي دارد. آنگاه به سادگي به آنان بگوئيد كه چگونه اولين خدمت به خدا را آغاز كنند. كار را تا آنجا كه ممكن است ساده و قابل فهم كنيد. از خود گذشتگي براي خدا را به آنان شرح دهيد تا كلام او را همانطور كه راهنمايي شده تحت مشاوره والدين مسيحي انجام دهند.

وظيفه والدين پس از تعميد- پس از كار مومنانه اگر قانع شديد كه فرزندان شما معني متبدل شدن و تعميد را فهميده اند اجازه بدهيد تا تعميد بگيرند. ولي تكرار ميشود كه اول از همه خود را آماده كنيد تا بعنوان شبانان با وفا پاهاي بي تجربه را در راه باريك اطاعت هدايت كنيد. خداوند بايد در والدين كار كند كه با محبت نمونه اي درست و با نزاكت و با تواضع مسيحي به فرزندانشان بدهند و خود را كاملا تسليم مسيح كنند. اگر با تعميد فرزندان خود موافقيد و آنانرا رها كنيد تا هر چه دوست دارند بكنند و وظيفه خاصي براي نگاه داشتن پاهاي آنان در مسير راست احساس نكنيد آنگاه شما خودتان مسئول هستيد چون ممكن است كه ايمان و دليري و علاقه به حقيقت خود را از دست بدهند.

خداوند شما را فرا خوانده تا آماده شويد تا اعضاي خانواده پادشاهي باشيد- فرزندان پادشاه آسماني. همكاري با خدا با پشتكار براي رستگاري آنان. اگر آنان خطا كنند آنان را نكوهش نكنيد. هرگز به آنان طعنه نزنيد كه شما تعميد ديده ايد و با اين وجود هنوز اشتباه و خطا ميكنيد. بياد داشته باشيد كه آنان خيلي چيزها براي فرا گرفتن در خصوص وظايف يك فرزند خدا لازم دارند.

آمادگي براي گردهمايي مخصوص- در اينجا كاري براي خانواده ها وجود دارد كه بايد قبل از آمدن به گردهمايي مقدس انجام دهند. تهيه و تدارك براي خوردن غذا و لباس بايد موضوعي ثانوي باشد ولي بگذاريد تا كاوش عميق قلبها در خانه آغاز شود. سه بار در روز دعا كنيد و مانند يعقوب اصرار بورزيد. خانه مكاني است كه عيسي را بايد در آنجا يافت آنگاه او را با خود به جلسه ببريد و چقدر زمانهايي كه سپري ميشود ارزشمند خواهد بود. ولي چگونه ميتوانيد توقع داشته باشيد كه حضور خدا را احساس كنيد و قدرت او را ببينيد وقتي كه كار فردي براي تدارك براي آن زمان اهمال شود؟

براي خاطر جان خودتان و بخاطر ديگران در خانه كار كنيد. دعا كنيد. بگذاريد تا قلبتان در حضور خدا شكسته شود. خانه خود را مرتب كنيد. فرزندان خود را براي آن موقعيت آماده كنيد. به آنان تعليم بدهيد كه با دستان پاك و قلبهاي خالص نزد خدا دعا كنند و نتيجه آنرا خواهند ديد. هر سدي كه مانع راه آنان ميشود را بر داريد- كه آن سدها همه اختلافاتي خواهد بود كه بين شما و آنان وجود داشته است. با چنين كاري دعوت ميكنيد تا خداوند در خانه شما حضور يابد و فرشتگان مقدس به شما خواهند پيوست هنگامي كه براي جلسه ميرويد و نور و حضور آنان تاريكي فرشتگان اهريمني را بعقب خواهد راند.

بذرهاي حقيقت در ايمان را بكاريد- كار برزگر كار ايمان است. او راز جوانه زدن و رشد بذر را نميتواند بفهمد ولي او به عواملي كه بواسطه خدا سبب رويش و رشد ميشوند اطمينان دارد. او بذرها را پاشيده است و انتظار دارد تا چندين مرتبه بيشتر محصول را جمع آوري كند.

پس ما بايد بركت خدا را براي بذر كاشته شده بطلبيم و تائيد روح القدس حتي كوچكتر ها را در بر ميگيرد. اگر ايمان به خدا را عمل كنيم قادر خواهيم بود تا آنان را به بره خدا هدايت نمائيم- او كه گناه جهان را زدوده است. اين كار دستاورد عظيمي براي اعضاي جوانتر خانواده خداست.

**بخش ١٧**

**ابقا و ادامه تجربه هاي روحاني**

**فصل هفتاد و هفتم**

**كتاب مقدس در خانه**

كتاب مقدس كتابي متنوع و چند منظوره است- در دامنه وسيع سبك ها و موضوعها كتاب مقدس داراي چيزي است كه نظر هر ذهني را بخود جلب مينمايد و هر قلبي را مجذوب خود ميسازد. در ميان اوراق آن كهن ترين سرگذشتهاي زندگي اصيل را ميتوان يافت – اصول حكومتي براي كنترل اوضاع – تنظيم خانواده – اصولي كه حكمت بشري هرگز نتوانسته با آن برابري كند. اين كتاب شامل فلسفه عميق – اشعار دلنشين و متعالي – بسيار هيجان انگيز و بسيار حزن آور است - ودر تاليف بيش از حد عالي است. كتاب مقدس داراي افق ديدي بيكران است و بينهايت ارزشمند ميباشد. با اين ديدگاه هر موضوعي داراي مفاد و مفهوم و اهميت تازه اي است. كلام مقدس در سادگي حقايق با اصولي سر و كار دارد كه به بلنداي آسمان است و در مدار ابديت قرار دارد.

كلام خدا بوفور داراي گوهر ارزشمند حقيقت است و والدين بايد آنرا از جعبه جواهرات خود بيرون آورده و به فرزندان خود با جلوه هاي حقيقي هديه دهند... در كلام خدا شما گنجينه اي داريد كه از آن ميتوانيد موجودي برداريد و بعنوان يك مسيحي ميتوانيد با كار خوب و نيكوكاري خود را مزين كنيد.

خداوند مهماني باشكوهي را تدارك ميبيند- خداوندي كه به ما امتياز خواندن كلام خويش را داده است در مقابل ما مهماني با شكوهي ترتيب داده است. بسياري از ضيافت كلام او بهره ميبرند كه او صاحب ضيافت است و از گوشت و خون و روح و حيات اوست. با سهيم شدن در اين كلام قوت روحاني ما افزايش مي يابد و ما در فيض و در دانش حقيقت رشد مي يابيم. عادات كنترل نفس شكل گرفته و قوي ميشوند. ناتواني و ضعف كودكي – كج خلقي – خود رايي – خودپسندي – زودجوابي – كردار احساسي ناپديد شده و بجاي آنها فيوض مردانگي و زنانگي مسيحي رشد ميكند. دروس زيباي داستانهاي كتاب مقدس و تمثيلات – آموزه هاي ساده و خالص كلام مقدس خدا، غذاي روحاني براي شما و فرزندان شماست.

وه كه چه كاري در مقابل شماست! آيا با محبت و خداترسي عهده دار آن خواهيد شد؟ آيا از طريق كلام خدا با وي ارتباط برقرار خواهيد نمود؟

استاندارد درستكاري- كلام خدا بايد خردمندانه بر ذهنهاي جوانان اعمال گردد – خطاهاي آنان را اصلاح نموده – اذهان آنان را هدايت و روشن نمايد و خلق و خوي هيجاني را ممكن است به خشم منتهي گردد را كنترل و مهار سازد. اين آموزش فرزندان براي مطابقت با استاندارد كتاب مقدس به زمان و پشتكار و دعا نياز دارد. اگر در خانه از اين كار غفلت شده است بايد به آن توجه شود.

حقايق كتاب مقدس ذهن را از پستي و مادي گرايي به تعالي خواهد رسانيد. اگر كلام خدا مورد تقدير واقع شود كه بايد چنين باشد، هم جوانان و هم بزرگسالان راستي و درستكاري باطني را در بر خواهند داشت كه تقويت اصول بوده و آنانرا قادر خواهد ساخت تا در برابر وسوسه ها ايستادگي كنند.

قدوس اسرائيل احكام و مقرراتي كه كل بينش بشري را اداره ميكند به ما شناسانده است. اين احكام كه "مقدس و عادلانه و خوب" اعلان شده اند بايد معيار و استاندارد كردار را در خانه شكل دهند. نميتوان از آن براحتي عبور كرد زيرا كه بنيان مذهب مسيحي چنين است.

هوش و ذكاوت را تقويت ميكند- اگر كتاب مقدس آنطور كه بايد و شايد مطالعه شود انسان در هوش و ذكاوت قوي خواهد شد. موضوعهاي مورد بحث در كلام خدا- سادگي بلندمرتبه آن و موضوعهاي شريفي كه به ذهن ارائه ميگردد، استعدادها و توانائيها را در انسان رشد داده كه خودبخود نميتواند رشد و ترقي يابد. در كتاب مقدس ميدان وسيعي براي تصورات باز ميگردد. تعمق دانش آموز در باره موضوعهاي بزرگ - در رابطه با تصورات بزرگ خالص تر و متعالي تر از افكار و احساسات كم بها و بي ارزشي خواهد بود كه با مطالعه كار محض بشري فرا گرفته شده است. اذهان جوان از پيشرفت هاي اصيل فرو ميماند وقتي كه از مرجع و منشاء عالي غفلت ورزد - كه همان كلام خداست. دليلي كه چرا تعداد كمي از انسانهاي خوش فكر با ثبات و ارزشمند داريم اين است كه خداترسي وجود ندارد – عشق ورزي به خدا وجود ندارد – اصول دين در زندگي آنطور كه بايد و شايد آورده نشده است.

خداوند از ما ميخواهد تا به رشد و تقويت قدرتهاي فكري نائل گرديم... اگر كتاب مقدس بيشتر خوانده شود اگر حقايق آن بهتر درك شود ما بايد بيش از اين مردم هوشمند و روشنفكري ميشديم. با جستجو و مطالعه در اوراق كتاب مقدس جان از انرژي مستفيض ميگردد.

بنياني براي توفيق در خانه، اجتماع و در سطح ملي- تعليم كتاب مقدس براي توفيق انسانها در رابطه با همه امور زندگي واجب است. اين امر اصولي را آشكار ميسازد كه سنگ مبناي كاميابي ملي است- اصولي كه با آن خيريت جامعه تامين ميگردد و مامن و ملجايي براي خانواده است- اصولي كه بدون آن هيچ انساني نميتواند به سودمندي – شادي و حرمت در اين زندگي نائل گردد و يا اميد به آينده و حيات ابدي داشته باشد. تعاليم كتاب مقدس امري واجب براي آماده سازي براي كسب موقعيتها در زندگي و فازهاي تجربيات بشري است.

دانش كلام مامن و ملجاست- تيموتائوس از كودكي كتاب مقدس را ميشناخت و اين دانش براي او حفاظي بود در مقابل نفوذها و تاثيرات شيطاني كه او را احاطه كرده بود و وسوسه هايي موجب لذت و ارضاي خودخواهانه بشود. همه فرزندان ما به چنين حفاظي نيازمندند و اين بايد بخشي از كار والدين و نمايندگان مسيح باشد تا ببينند كه فرزندان بطور شايسته با كلام خدا تعليم داده شده باشند.

عشق براي كتاب مقدس طبيعي نيست- جوانان ناآگاه و بي تجربه اند و دوست داشتن كتاب مقدس و حقايق الهي آن بطور طبيعي رخ نخواهد داد. والدين بايد تلاش مجدانه اي كنند تا حصارهاي محافظ را در اطراف فرزندانشان ايجاد كنند تا سپري در مقابل مكر هاي شيطان ايجاد شود زيرا آنان در معرض وسوسه هاي او و در بند اسارت خواسته هاي او هستند. در سالهاي اوليه بايد به كودكان خواسته هاي احكام خدا و ايمان به عيسي بعنوان نجات دهنده آموخته شود تا از لكه هاي گناه پاك و تطهير گردند. اين ايمان بايد روز بروز با پندهاي اخلاقي و تمثيلات آموخته شود.

جوانان مخصوصا از مطالعه كتاب مقدس غفلت ميورزند- هم بزرگسالان و هم جوانان از كتاب مقدس غفلت ميورزند. آنان مطالعه كتاب مقدس را قانون زندگي خود نميسازند. بويژه جوانان بخاطر اين غفلت تقصير كارند. اكثر آنان براي خواندن كتابهاي ديگر زمان ميگذارند ولي كتابي را كه به راه حيات ابدي اشاره ميكند روزانه مورد مطالعه قرار نميگيرد – داستانهاي سست بنياد با توجه خاصي خوانده ميشود در حاليكه از كتاب مقدس كوتاهي ميگردد. اين كتاب راهنمايي براي يك زندگي عالي تر و مقدس تر است. جواناني كه آنرا جالبترين كتاب عنوان كرده اند با خواندن داستانهاي جعلي ذهن خود را منحرف خواهند ساخت.

افكار جواني از نائل شدن به پيشرفت هاي عالي باز ميماند هنگاميكه از عاليترين مرجع حكمت و خرد غفلت ميشود – كه كلام خداست. ما در جهان خدا هستيم - در محضر خالقي كه شبيه او ساخته شده ايم كه مراقب ماست و بما توجه داشته و ما را دوست دارد – اينها موضوعهاي شگفت انگيزي براي فكر و ذهن هستند و انديشه را متعالي ميسازند. فردي كه ذهن و قلب خود را به تعمق در باره چنين موضوعهايي هدايت ميكند هرگز با موضوعهاي جزيي و احساسي قانع نخواهد گرديد.

بي اعتنايي والدين به فرزندان منعكس ميگردد- حتي وقتي كه بچه ها خيلي كوچك هستند دقيق هستند و اگر والدين نشان بدهند كه كلام خدا راهنما و مشاور آنان نيست و اگر به پيامهايي كه نزد آنان آورده ميشود بي اعتنايي كنند مشابه روحيه بي اعتناي "بمن مربوطي نيست و من كار و شيوه خود را دارم" آنگاه فرزندان از آن تقليد كرده و همانرا متجلي خواهند ساخت.

كلام را در جايگاه خود حرمت دهيد – بعنوان امتي كه نور هدايت عظيمي داشته است بايد عادات خود را متعالي سازيم- در كلاممان و در رابطه با زندگي خانوادگيمان. به كلام در خانه بعنوان راهنماي زندگي جايگاه محترمانه اي اختصاص دهيد. بگذاريد تا در مصايب و مشكلات بعنوان مشاوري در نظر گرفته شود و در هر اموري بعنوان معيار و ضابطه در نظر گرفته شود. آيا برادران و خواهران متقاعد نخواهند شد كه هرگز كاميابي واقعي نصيب جاني در گردونه خانواده نخواهد شد مگر اينكه حقيقت و حكمت و عدالت خدا اداره كننده امور باشد؟ هر تلاشي توسط پدران و مادران بايد كرده شود تا بر عادات سستي در خدمت به خدا فائق آيند. قدرت حقيقت بايد عاملي مقدسانه در خانه باشد.

والدين به فرزندان خود سطر به سطر و حكم به حكم و با پندها و تمثيلات آموزش دهيد - راهنمايي هايي كه شامل كلام مقدس خداست. اين كاري است كه پس از تعميد آنان ملزم به انجام آن هستيد. همه اينها را با تمام قوت انجام دهيد تا جانهاي فرزندان خود را نجات دهيد خواه از گوشت و استخوان شما باشند و يا خواه به فرزندي پذيرفته شده باشند.

كتاب مقدس را كتاب درسي خانه خود بسازيد- والدين اگر ميخواهيد فرزندان خود را بياموزيد تا خدا را خدمت و به جهان نيكي كنند كتاب مقدس را كتاب درسي خود بسازيد. كتاب مقدس حيله هاي شيطان را آشكار ميسازد. كتاب مقدس متعال كننده قومهاست- ملامت كننده و تصحيح كننده شرارتهاست- و رديابي است كه ما را قادر ميسازد تا فرق بين درست و غلط را تشخيص بدهيم. هر چيز ديگري كه در خانه يا در مدرسه آموزش داده شده است به كنار بلكه كتاب مقدس بعنوان آموزنده بزرگ بايد در مقام اول بايستد. اگر چنين موقعيتي به آن داده شود خداوند حرمت داده ميشود و او براي شما كار خواهد نمود و با فرزندانتان سخن خواهد گفت. معدني غني از حقيقت و زيبايي در اين كتاب مقدس وجود دارد و والدين بايد خودشان را سرزنش كنند اگر آنرا براي فرزندان خود جالب و جذاب نسازند.

"مكتوب است" تنها سلاحي بود كه مسيح در هنگامي كه وسوسه كننده آمده تا نيرنگ بزند بكار برد. تعليم حقيقت كتاب مقدس كار عظيم و با شكوهي است كه هر پدر و مادري بايد به عهده بپذيرد. در چارچوب دلپذير و شاد ذهن حقيقت را قرار بدهيد همانگونه كه توسط خداوند در مقابل فرزندان سخن گفته شده است. بعنوان پدران و مادران شما بايد نمونه هاي عملي براي فرزندان در كارهاي روزمره زندگي باشيد و با شكيبايي و مهرباني و محبت و با آنان را بخود دلبسته كنيد. به آنان اجازه ندهيد هر كاري كه دوست دارند انجام دهند ولي به آنان نشان دهيد كه كار شما عمل به كلام خدا و رشد و پرورش در خداست.

با سخت كوشي و اسلوب معين مطالعه كنيد- نظمي را در مطالعه كلام در خانواده رعايت كنيد. از هر چيزي كه ذات دنيوي و مادي دارد فرو گذار باشيد... ولي مطمئن باشيد كه جان با نان حيات اطعام شده است. برآورد نتايج خوب يك ساعت يا حتي نيم ساعت غيرممكن است ولي بايد زمان با خوشي و مسرت و با آداب اجتماعي به كلام خدا وقف گردد. بگذاريد تا كتاب مقدس توضيح دهنده و تفسير كننده خود باشد و در زمانهاي مختلف در محيط هاي متنوع در باره موضوع مورد نظر گفتگو و مطالعه كنيد. كلاس خانگي خود را براي ملاقات كنندگان و يا تلفن كنندگان بر هم نزنيد. اگر در هنگام اين ممارست آمدند آنان را دعوت كنيد تا در آن جلسه شركت كنند. توجه به اهميت كسب دانش از كلام خدا بايد هميشه مهم تر از بدست آوردن لذتهاي دنيوي باشد. اگر كتاب مقدس را با پشتكار و دعا هر روزه مطالعه كنيم هر روزه ميتوانيم حقيقت تازه و زيبا و شفاف و الواني بيابيم.

بگذاريد تا همگي دروس مدرسه سبت را مطالعه كنند- مدرسه سبت بهمراه والدين و فرزندان فرصتي براي مطالعه كلام خدا داده است. ولي بمنظور استحصال اين بهره اي كه در مدرسه سبت بدست خواهند آورد هر دوي والدين و فرزندان بايد زماني را به مطالعه دروس اختصاص دهند و در پي بدست آوردن دانشي از حقايق ارائه شده باشند و همچنين از حقايق روحاني كه براي تعليم تدبير شده است بهره ببريد. ما بايد مخصوصا بر ذهنهاي جوانان اهميت جستجوي معني غايي كلام را تحت نظر داشته باشيم.

والدين زمان اندكي را هر روزه براي مطالعه دروس مدرسه سبت با فرزندانتان اختصاص بدهيد. از معاشرتهاي اجتماعي در صورت لزوم صرف نظر كنيد تا اينكه بخواهيد زمانهاي وقف شده براي دروس تاريخ مقدس قرباني كنيد. والدين از جمله كودكان از اين مطالعات منتفع خواهند گرديد. بگذاريد قطعه هاي مهم كلام در رابطه با درس براي حفظ كردن اختصاص يابد نه بعنوان كار و وظيفه بلكه بعنوان يك امتياز. گرچه در ابتدا ممكن است حافظه ناكارآمد باشد ولي با تمرين تقويت خواهد شد پس بعد از زماني محظوظ خواهيد شد از اينكه كلام حقيقت را بعنوان گنجينه اي حفظ كرده ايد. و عادت ارزشمند ترين كمك به رشد روحاني را تاييد خواهد نمود.

والدين بايد اين وظيفه الهي را درك نموده تا فرزندان خود را در احكام و خواسته هاي خدا منجمله نبوتها راهنمايي كنند. آنان بايد فرزندان خود را در خانه تعليم داده و خود نيز بايد به دروس مدرسه سبت علاقمند باشند. مطالعه با فرزندان به آنان نشان ميدهد كه حقيقتي كه در دروس آورده شده اهميت دارد و به آنان كمك ميكند تا نسبت به كسب دانش كتاب مقدس ذوق داشته باشند.

به دانش سطحي قانع نشويد- اهميت جستجوي دانش كامل از كلام بسختي ميتواند برآورده شود. كلامي كه با وحي خدا ارزاني شده ما را قادر ميسازد تا حكمت يافته به رستگاري برسيم و مرد خدا را دگرگون ساخته تا كامل بوده و براي همه كارهاي خوب مجهز باشد (دوم تيموتائوس 15:3- 17) كتاب مقدس از ما مطالبه ميكند كه توجهات عالي و محترمانه اي به كلام داشته باشيم. ما نبايد از دانش سطحي قانع باشيم ولي در پي آموختن معني كامل كلام حقيقت باشيم و از روح مقدس وحي سيراب شويم.

دروس را براي تجربه كودك بكار بريد- در تعليم كتاب مقدس به كودكان ما ميتوانيم بيشتر منتفع شويم تا نظر آنان را نسبت به چيزهايي كه بدان علاقه دارند جلب كنيم. بعنوان دانش آموزان ببينيد كه دروس كتاب مقدس در زندگي آنان بكار برده شود و به آنان تعليم دهيد كه به آن مانند يك مشاوره نگاه كنند...

كتاب مقدس داراي پري و قوت و عمق معناست كه پايان ناپذير است. كودكان و نوجوانان را تشويق كنيد تا در پي گوهرهاي آن باشند- هم در جلوه و هم در مطلب فكري.

هر يك بايد براي خود مطالعه كند- مادران و پدران مسئوليت سنگيني را در رابطه با فرزندانشان بدوش ميكشند. والديني كه به مطالعه كلام اعتقاد دارند درك ميكنند كه بايد از احكام خدا پيروي كنند و نبايد در جهت مخالف احكام مقدس گام بردارند. آنانيكه به هر كسي حتي مبلغ مذهبي اجازه ميدهند تا آنان را به بي اعتنايي از كلام خدا هدايت كنند بايد در روز داوري نتيجه راه و روش خود را ببينند. والدين نبايد به جانهاي خود و فرزندان خود اعتماد كنند بلكه بايد به خدا اعتماد داشته باشند كه با خلقت و با رهايي باو تعلق دارند. والدين بايد كلام را براي خود مورد تحقيق و بررسي قرار دهند چرا كه جانهايي را براي نجات دادن و يا از دست دادن در دست دارند. آنان نميتوانند براي رستگاري وابسته به مبلغ باشند. آنان بايد حقيقت را براي خود مطالعه كنند.

مطالعه كتاب مقدس را براي فرزندان خود جالب و دلپذير سازيد- بگذاريد تا جوانان ياد بگيرند تا مطالعه كتاب مقدس را دوست داشته باشند. بگذاريد تا اولين جايگاه در افكار و علاقه هايمان به كتاب اعظم داده شود چرا كه داراي دانشي است كه بيش از هر چيز ديگر به آن نياز داريم.

بمنظور انجام چنين كاري والدين بايد خود با كلام خدا آشنا شوند... و برغم حرفهاي بيهوده و گفتن داستانهاي بيهوده براي فرزندان خود، با آنان از موضوعات كتاب مقدس سخن بگويند. كتاب تنها براي پژوهشگران طراحي نشده است. كتاب با سبكي ساده و شفاف نگاشته شده تا براي مردم عامي قابل درك باشد و با تشريح مناسب قسمت بزرگي از آن ميتواند بطور شگرفي براي بچه هاي كوچك جالب و سودمند باشد.

فكر نكنيد كه كتاب مقدس كتابي خسته كننده براي كودكان خواهد بود. تحت آموزش حكيمانه كلام بيشتر و بيشتر خوشايند خواهد شد. و براي آنان مانند نان حيات خواهد بود و هرگز كهنه نخواهد شد. در آن تازگي و طراوتي وجود دارد كه كودكان و نوجوانان را جذب و شيفته خود ميسازد. اين مانند خورشيدي است كه بر زمين ميتابد و نور و گرما به آن ميبخشد با اين وجود هرگز تمام نميشود. با دروسي از تاريخ كتاب مقدس و اصول كودكان و نوجوانان ميتوانند بياموزند كه همه كتابهاي ديگر پائين رتبه و پست هستند. آنان در اينجا چشمه رحمت و محبت را خواهند يافت.

والدين بايد آموزه هايي ساده را كه بفرزندان خود بدهند و مطمئن باشند كه بطور واضح درك خواهد شد. دروسي را كه شما از كلام مي آموزيد بايد به ذهن جوانان منتقل كنيد بطوريكه چنان ساده باشد كه از درك آن باز نمانند. با دروس ساده كه از كلام خدا و تجربيات خويش اقتباس نموده ايد به آنان تعليم دهيد كه چگونه زندگي خود را با استانداردهاي عالي مطابقت دهند. حتي در كودكي و نوجواني آنان مي آموزند تا با فكر و ملاحظه زندگي كنند كه زندگي آنان ثمره پرباري را ارزاني دارد.

تازه ترين افكار را بدهيد و از بهترين روشها استفاده كنيد- پدر آسماني ما با ارزاني داشتن كلام خود از كودكان چشم پوشي نكرد. در تمام چيزهايي كه انسان نوشته چه مقدار مانند كتاب مقدس در باره بچه هاي كوچك نوشته شده است؟

در اين داستانهاي ساده اصول بزرگ احكام خدا بسادگي نوشته شده است. اين مثالها بهترين و مناسبترين تصاوير براي درك و فهم كودك هستند و والدين و معلمين ممكن است كار خود را خيلي زود در رابطه با احكام او شروع كنند: "و اين سخنانيكه من امروز ترا امر ميفرمايم بر دل تو باشد و آنها را به پسرانت بدقت تعليم نما و حين نشستنت در خانه و رفتنت براه و وقت خوابيدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما" (تثنیه 7:6).

استفاده از مثالهاي عملي – نقشه ها – و تصاوير در تشريح اين دروس و حفظ كردن آنان كمكي خواهند بود. والدين و معلمين بايد دائما در پي روشهاي اصلاح شده باشند. تعاليم كتاب مقدس بايد تازه ترين افكار و بهترين متد ها را داشته باشد.

كتاب مقدس را بعنوان كتاب راهنما در نظر بگيريد- شما بايد كتاب مقدس را بعنوان كتاب راهنماي خود در نظر بگيريد چنانچه بخواهيد تا فرزندان خود را با پرورش و راهنمايي هاي خدا بزرگ كنيد. بگذاريد تا زندگي و شخصيت مسيح بعنوان الگويي براي تقليد از آن ارائه شود. چنانچه آنان خطا كنند از كتاب مقدس در رابطه با آن گناه مشابه مطلبي بخوانيد. نيازي براي توجه و مراقبت دائمي و سختكوشانه به اين كار وجود دارد. يك خصيصه اشتباه تحمل شده توسط والدين و تصحيح نشده توسط معلم ممكن است سبب شود تا تمامي خصايل نامتعادل و بد قواره شود. به فرزندان خود تعليم دهيد كه بايد قلبي نو داشته باشند و سليقه هاي جديد بايد ايجاد شود و انگيزه هاي تازه الهام گردد. آنان بايد از مسيح كمك بگيرند و بايد با خصايل و فضايل خداوند آنگونه كه در كلام وي آشكار گرديده آشنا بشوند.

**فصل هفتاد و هشتم**

**قدرت دعا**

نياز براي دعاي خانوادگي- هر خانواده اي بايد محرابي براي دعا برپا كرده و درك كند كه ترس از خدا آغاز حكمت است. چنانچه هر فردي در دنيا به قوت و تشويقي نياز داشته باشد كه مذهب آنرا ايجاد ميكند مسئوليت آن بر عهده كساني است كه فرزندان را تعليم و تربيت ميكنند. در حاليكه آنان خدا را در زندگي خود دخيل نميكنند نميتوانند الگوهاي خوبي براي فرزندان باشند. چنانچه فرزندان را بگونه اي تربيت كنند كه فقط براي اين دنيا زندگي كنند آنان هيچ آمادگي براي حيات ابدي نخواهند داشت. آنان همانگونه كه بدون خدا زندگي كرده اند خواهند مرد و والدين فراخوانده خواهند شد تا براي از دست رفتن اين جانها حساب پس بدهند. پدران و مادران شما بايد روز و شب در محراب خانواده خدا را جستجو كنيد تا ياد بگيريد كه چگونه فرزندان خود را خردمندانه با محبت و ظرافت تربيت كنيد.

از دعاي خانوادگي غفلت گرديده است- الان زماني است كه هر خانه اي بايد خانه دعا باشد. كفر و شك گرايي شايع گرديده است. بي انصافي و شرارت از حد گذشته است. فساد در جريانهاي زنده هر جاني جاري گرديده است و طغيان بر عليه خدا در زندگي شيوع يافته است. در اسارت گناه قدرتهاي اخلاقي تحت جور و بيداد شيطان قرار گرفته است. جان جولانگاه وسوسه ها گرديده است و جز اينكه دستهاي توانا او را نجات دهد انسان بجايي ميرود كه رهبر طغيانگران سكاندار مسير است.

و با اين وجود در اين زمان هولناك برخي از افرادي كه ابراز ايمانداري به مسيح را ميكنند دعاي خانوادگي ندارند. آنان خدا را در خانه حرمت نمينهند و به فرزندان خود خداترسي و خدادوستي را تعليم نميدهند. بسياري از افراد خود را از او جدا ساخته اند كه با نزديكي به او احساس جرم و تقصير ميكنند. آنان نميتوانند با جرات به تخت فيض نزديك شوند و دستهاي مقدس را بدون غيظ و جدال برافرازند. (عبرانيان 16:4؛ اول تيموتائوس 8:2). آنان رابطه زنده اي با خدا ندارند. رابطه آنان شكلي از دينداري بدون قدرت و اقتدار است.

ايده اي كه دعا ضروري نيست يكي از شيوه ها و خدعه هاي موفق شيطان براي تباهي جانهاست. دعا مشاركت با خداست – چشمه حكمت است- منشاء قدرت است- و آرامش و شادي است.

مصيبت خانه بدون دعا- خانه اي كه در آن عبادت نيست باعث حزن ميشود. در چنين خانه اي حتي براي يك شب نبايد احساس امنيت كرد و اگر به اميد كمك به چنين والديني براي درك لزوم دعا و كوتاهي اسفبار آنان نبود باقي نميماندم. فرزندان نتيجه اين كوتاهي را نشان داده اند چرا كه خداترسي به آنان ياد داده نشده است.

دعاي تشريفاتي قابل پذيرش نيست- در بسياري موارد دعاي صبح و شام كمي بيشتر از يك آئين كسل كننده يكنواخت عبارتهاي تكراري است. خداوند چنين تشريفاتي را نميپذيرد. ولي او درخواست قلب حليم و روح نادم را خوار نخواهد شمرد. گشايش قلبهاي ما به پدر آسماني – تاييد وابستگي كامل ما – ابراز خواسته هاي ما – بيعت حق شناسانه در محبت – اينها دعاهاي واقعي است.

اهل بيت در عبادت- همانند پدران ايمان در عهد كهن آنانيكه اقرار به خدا دوستي دارند بايد محرابي براي خداوند برپا كنند هرجايي كه چادر خود را نصب ميكردند... پدران و مادران بايد اغلب قلوب خود را به خداوند در تضرع خاضعانه براي خود و فرزندانشان بگشايند. بگذاريد تا پدران بعنوان كاهن اهل بيت قرباني صبح و شام را در مذبح بگذارند در حاليكه همسر و فرزندان در دعا و حمد متحد ميشوند. عيسي دوست خواهد داشت تا در چنين خانه اي بماند.

گذاريد تا اعضاي هر خانواده اي در ذهن داشته باشد كه آنان بطور نزديكي با ملكوت اتحاد دارند. خداوند علاقه خاصي به خانواده هايي كه فرزندان وي هستند دارد. فرشتگان بخور معطر براي دعاهاي وقدسين مي افشانند. آنگاه هر خانواده اي براي ملكوت دعاي خويش را به آسمان ببرد هم در صبحگاه و هم در زمانهاي آرام غروب و شايستگيهاي منجي را به آسمان ببرد.

فرشتگان از فرزندان وقف شده به خدا نگهداري ميكنند- قبل از ترك خانه براي كار همه خانواده بايد گرد هم خوانده شوند و پدر و يا مادر در غياب پدر بايد با شور و حرارت از خدا درخواست كند تا آنان را در طول روز در پناه خود نگاه دارد. با خضوع و قلبي سرشار از شفقت و حسي از خطر وسوسه براي خود و فرزندانتان با ايمان در محراب بهم آييد و مراقبت و محافظت خدا را طلب كنيد.

دعا پرچين و حصاري براي فرزندان ايجاد ميكند- در صبحگاهان اولين انديشه هاي مسيحيان بايد به خدا معطوف گردد. كار دنيوي و علايق شخصي بايد فكر ثانوي باشد. مسيحيان بايد بياموزند تا زمان هاي دعا را حرمت دهند... اين وظيفه والدين مسيحي است تا صبح و شب با دعاهاي مشتاقانه و اعتقاد راسخ حصاري را براي فرزندان خود بسازند. آنان بايد با شكيبايي فرزندان خود را هدايت و ارشاد كنند – با مهرباني و بطور خستگي ناپذير به آنان تعليم دهيد كه چطور زندگي كنند تا اينكه خدا را خشنود سازند.

زمانهاي ثابتي را براي دعا در نظر بگيريد- در هر صبحگاهان و شامگاهان زمان ثابتي را براي عبادت در نظر بگيريد. چقدر مناسب است كه والدين فرزندان خود را در طلوع صبح گرد هم آورده و پدر آسماني را براي محافظت در طول شب حمد و سپاس گفته و از او براي راهنمايي و مراقبت در طول روز مدد جويند. چقدر بجاست كه در طول شب نيز والدين و فرزندان يكبار ديگرگرد هم آمده و او را براي بركات روزي كه سپري شده حمد و سپاس گويند.

با شرايط محيطي تحت تاثير قرار نگيريد- دعاي خانوادگي نبايد با شرايط محيطي تحت تاثير قرار بگيرد. شما نبايد گاه و بيگاه دعا كنيد و وقتي كه كار شما در روز بدرازا ميكشد نبايد از دعا كردن غفلت كنيد. با اين كار شما فرزندان خود را هدايت ميكنيد تا به دعا بعنوان يك موضوع كم اهميت نگاه كنند. دعا براي فرزندان خدا داراي معني و مفهوم خاصي است و در صبح و شام بايد از خداوند سپاسگزاري كنيد. نويسنده مزمور ميگويد "بياييد خداوند را بسرائيم و صخره نجات خود را آواز شادماني دهيم. بحضور او با حمد نزديك شويم و با مزامير او را آواز شادماني دهيم60".

پدران و مادران هر قدر كارتان انبوه باشد از آوردن خانواده خود در محراب خدا كوتاهي نكنيد. براي نگهداري و قيموميت از فرشتگان مقدس در خانه هايتان درخواست كنيد. بياد داشته باشيد كه عزيزان شما در معرض وسوسه ها قرار دارند.

در تلاشهايمان براي آسايش و شادي مهمانان از انجام تعهدات خود نسبت به خدا چشم پوشي نكنيم. زمان دعا نبايد براي هر عذر و بهانه اي مورد غفلت واقع گردد. در هنگام دعا آنقدر حرف نزنيد تا اينكه همه از لذت آن خسته و كسل شوند. چنين دعايي مانند اين است كه گوسفند ناقصي را براي خدا قرباني كنيم. در زمانهاي اوليه شامگاهان وقتي كه ميتوانيم بدون عجله و فكورانه دعا كنيم بايد استدعاي خود را تسليم داريم و صداي خود را با شادي بلند كرده و حق شناسانه او را سپاس گوئيم.

بگذاريد همه آنانيكه مسيحيان را ملاقات ميكنند ببينند كه زمان دعا ارزشمند ترين، مقدس ترين و شادترين زمان روز است. اين زمانهاي دعا تاثير خالص كننده و متعال كننده خود را بر همه آنانيكه در آن شركت ميكنند خواهد داشت. آنان صلح و آرامش را براي روح بارمغان مي آورند.

بگذاريد همه آنانيكه مسيحيان را ملاقات ميكنند ببينند كه زمان دعا ارزشمند ترين، مقدس ترين و شادترين زمان روز است. اين زمانهاي دعا تاثير خالص كننده و متعال كننده خود را بر همه آنانيكه در آن شركت ميكنند خواهد داشت. آنان صلح و آرامش را براي روح بارمغان مي آورند.

فرزندان بايد به زمانهاي عبادت احترام بگذارند- فرزندان شما بايد تعليم يابند تا نسبت به ديگران مهربان و با ملاحظه و متين و گوش بفرمان باشند و فراتر از هر چيز ديگري به امور روحاني احترام گذارده و اهميت خواسته هاي خدا را احساس كنند.

زمانهاي عبادت را جالب و جذاب بسازيد- پدر كه كاهن اهل بيت است بايد دعاي صبح و شام را اداره كند. دليلي وجود ندارد كه چرا اين ممارست نبايد جالب و لذت بخش نباشد و خداوند از دعاهاي خشك و كسالت آور بي حرمت ميشود. بگذاريد تا دوره هاي دعاي خانواده كوتاه و پر از روح باشد. نگذاريد تا فرزندان و يا هر عضوي از خانواده براي دعا بيعلاقه و كسل بشوند. وقتي كه يك فصل طولاني خوانده و تشريح شده و دعايي طولاني تقديم گردد اين خدمت ارزشمند خسته كننده ميشود و وقتي كه تمام شود ديگران احساس راحتي ميكنند.

اين بايد براي رئيس خانواده هدف خاصي بشود تا زمان عبادت را جالب و جذاب نمايد. با كمي فكر و تدارك دقيق براي دعا وقتي كه در محضر خداوند مي ايستيم دعاي خانوادگي دلپذير گرديده و سرشار از دستاوردي خواهد شد كه بتنهايي جاودانگي را آشكار خواهد نمود. بگذاريد تا پدر بخشي از كلام را انتخاب كند كه جالب و بسادگي قابل فهم است – تعدادي آيه كافي است تا درس روز را براي مطالعه و تمرين تشكيل دهد. سوالاتي ممكن است پرسيده شود و تعداد كمي ممكن است بطور اتفاقي با شور و حرارت اظهار نظر كنند كه بايد كوتاه و مختصر و مفيد بدان پاسخ داد. حد اقل تعدادي سرودهاي روحاني خوانده شود و دعاها مختصر و مفيد باشد. كسي كه دعا را هدايت ميكند نبايد در باره هر چيزي دعا كند بلكه بايد نيازهاي خود را با كلامي ساده ابراز نموده و با شكرگزاري خدا را حمد و سپاس گويد.

تقويت و انگيزش علاقه به مطالعه كتاب مقدس بيشتر بستگي به استفاده از زمان عبادت دارد. ساعتهاي عبادت صبح و شامگاه بايد دلپذيرترين و مفيدترين زمانهاي روز باشد. بايد درك شود كه در اين زمان نبايد افكار آزار دهنده و بي مهر سر زده وارد شوند زيرا كه والدين و فرزندان با عيسي جمع شده اند و حضور فرشتگان مقدس را بخانه دعوت كنند. بگذاريد تا اين دعاها مختصر و پر از شور و حيات و متناسب با موقعيت باشد و گاهگاهي متنوع باشد. بگذاريد تا همه براي مطالعه و يادگيري كتاب مقدس بپيوندند و اغلب احكام خدا را تكرار كنيد. اگر بعضي اوقات به فرزندان اجازه داده شود تا آيه هايي را براي خوانده انتخاب كنند علاقه آنان زياد ميشود تا بيشتر در مجلس دعا شركت كنند. در باره آن از آنان بپرسيد و بگذاريد تا آنها هم سوال كنند. هر چيزي كه به معني و مفهوم رنگ و جلا ميدهد را اشاره كنيد. وقتي كه جلسه دعا طولاني نباشد بگذاريد تا كوچكترها در دعا مشاركت جويند و بگذاريد تا در سرودخواني مشاركت جويند حتي اگر يك آيه باشد.

واضح و مشخص دعا كنيد- با الگوئي كه از خود نشان ميدهيد بگذاريد تا فرزندانتان با صدايي واضح و مشخص دعا كنند. به آنان تعليم دهيد تا سر خود را بالا بگيرند و هرگز صورت خود را با دستانشان نپوشانند. بدينسان آنان ميتوانند دعاهاي خود را با سادگي تقديم و دعاي رباني را با هماهنگي تكرار كنند.

قدرت موسيقي- تاريخ موسيقي و آواز در كتاب مقدس سرشار از الهامات است. موسيقي اغلب براي خدمت به اهداف شرير منحرف گرديده است و بدينسان يكي از عوامل فريب دهنده وسوسه است. ولي اگر بدرستي بكار برده شود ارزشمند ترين هديه خداست كه براي تعالي افكار به موضوعهاي عالي و شريف تخصيص يافته تا جان را الهام بخشيده و رفيع گرداند.

اين يكي از وسايل موثر در اثر گذاري بر قلوب با حقيقت روحاني است. سرودهاي روحاني كه در كودكي خوانده و حفظ ميگردد به ياد آوري آيات در دوران پيري كمك ميكند و در زمان وسوسه ها چنانچه خوانده شود قدرت وسوسه زايل خواهد گرديد و زندگي معني جديد و هدف تازه اي خواهد يافت و دليري و مسرت خاطر به جانها ارزاني ميگردد.

ارزش سرود بعنوان ابزاري براي آموزش نبايد منظر خود را از دست بدهد. بگذاريد تا در خانه موسيقي و سرود باشد - از سرودهايي كه دلپذير و خالص است – بدين جهت گفتار كمتري از سرزنش و ناراحتي خواهد بود و بيشتر خوشي و مسرت و اميد خواهد بود. بگذاريد تا در مدرسه سرود خوانده شود و شاگردان بيشتر به خدا و معلمين و به يكديگر نزديك شوند.

بعنوان بخشي از عبادت، سرود بهمان اندازه پرستش كار خود را ايفا ميكند. در واقع بسياري از سرودها پرستشي هستند. اگر كودك بياموزد تا اين موضوع را درك كند او بيشتر به معني كلامي كه ميخواند فكر ميكند و بيشتر مستعد ميشود.

آلات موسيقي و صوت- در شامگاه و صبح بهمراه خانواده براي دعا جمع شويد- كلام او را بخوانيد و با سرود او را پرستش كنيد. به آنان ياد بدهيد تا به احكام خدا احترام بگذارند. در رابطه با احكام ، بني اسرائيل ارشاد گرديدند: "و آنها را به پسرانت بدقت تعليم نما و حين نشستنت در خانه و رفتنت براه و وقت خوابيدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما61 ". مطابق با آن موسي بني اسرائيل را ارشاد نمود تا واژه هاي احكام را در موسيقي بياورند. در حاليكه فرزندان بزرگتر آلات موسيقي را مينواختند كوچكتر ها رژه ميرفتند و بطور هماهنگ سرود احكام خدا را ميخواندند. در سالهاي آخر كلام احكام را در ذهنهاي خود حفظ كرده بودند كه در خلال دوره كودكي ياد گرفته بودند .

چنانچه براي موسي ضروري بود تا احكام را در سرودهاي روحاني درج كند كه بموجب آن در بيابان گام بر دارند- كودكان احكام را آيه به آيه ميتوانستند ياد بگيرند- پس در زمان حاضر چقدر ضروري خواهد بود تا بكودكان خود كلام خدا را ياد بدهيم! بگذاريد تا براي كمك به خدا بپا خيزيم و فرزندان خود را ارشاد كنيم تا احكام را لغت به لغت رعايت كنند.

دوره مخصوص عبادت براي سبت- در دعاي خانوادگي در روز سبت بگذاريد تا كودكان عهده دار بخشي بشوند. بگذاريد تا همگي كتابهاي مقدس خود را آورده و هركدام يك يا دو آيه بخوانند. بگذاريد تا سرودهاي آشناتري خوانده شود و با دعا دنبال شود. بدين خاطر مسيح براي ما الگويي را داده است. دعاي رباني چنين مقدر نشده بود تا تكرار شود بلكه تصويري از دعايي بود كه ما بايد از آن الگو بگيريم – ساده – پر شور – و جامع. با درخواستي ساده به خداوند نياز خود را بگوييد و سپاسگزاري خود را بخاطر رحمت وي ابراز نماييد. بدينسان عيسي را بعنوان يك مهمان عزيز به خانه و قلب خود ميپذيريد. در خانه دعاهاي طويل در ارتباط با موضوعات بعيد و پرت جايگاهي نبايد داشته باشد. چرا كه زمان دعا را خسته كننده و ملال آور خواهد ساخت در حاليكه بايد بعنوان بركت و امتيازي تلقي شود. عبادت بايد دلپذير و جالب و جذاب باشد.

دعاي بيشتر يعني تنبيه كمتر- ما بايد بيش از آنكه ميتوانيم نزد خدا دعا كنيم. بركت و قوت عظيمي در دعاست وقتي كه با خانواده و با فرزندان خود دعا ميكنيم. و قتي فرزندان من كار اشتباهي كرده اند و با آنان با مهرباني گفتگو ام و سپس دعا كرده ام هرگز پس از آن لزومي نديدم تا آنانرا تنبيه كنم. قلبهاي آنان در حضور روح القدس نرم و ذوب خواهد شد كه پاسخ دعاست.

فوايد دعاي تنهايي- اين زمان دعاهاي خصوصي بود كه عيسي در زندگي خود بر روي زمين حكمت و قدرت يافت. به جوانان اجازه دهيد تا الگوي او را پيروي كنند تا در زمان غروب و تاريكي زمان ساكتي براي مشاركت با پدر آسماني خود داشته باشند. و در سرتاسر روز به آنان اجازه دهيد تا قلوب خود را براي خداوند متعالي سازند. در هر قدم از راه او ميفرمايد من كه يهوه خداي تو هستم دست راست ترا گرفته و بتو مي گويم مترس زيرا من ترا نصرت خواهم داد (اشعيا 13:41). آيا فرزندان ما ميتوانند در صبحگاهان سالهاي خويش اين دروس را بياموزند- چه تازگي و قدرتي- چه شادي و ملاحتي ميتواند بزندگي آنان آورده شود.

دروازه هاي آسمان براي هر مادري گشوده شده است- وقتي كه مسيح در كرانه رود اردن پس از تعميد سر تعظيم فرود آورد و بخاطر بشر دعا نمود آسمان گشوده شد و ندايي از آسمان گفت " اين پسر محبوب من است كه از او خشنودم62".

اين موضوع چه معني خاصي براي شما دارد؟ اين ميگويد كه آسمان در هنگام دعا بروي شما گشوده شده است. ميگويد كه محبوب و پذيرفته شده ايد. دروازه ها بروي هر مادري كه بارها و رنجهاي خود را بپاي منجي بريزد گشوده ميشود. اين ميگويد كه مسيح قوم خود را با دستان بشري احاطه نموده است و با دستهاي الهي خويش سرير سرمدي را بر گرفته و انسان را با خدا و زمين را با آسمان متحد ساخته است.

دعاهاي مادران مسيحي با پدر آسماني ناديده گرفته نشده است - خدايي كه فرزند خود را به زمين فرستاد تا خونبهاي مردم را خود بپردازد. او درخواست شما را رد نخواهد كرد و شما را زير ضربتهاي شيطان در روز عظيم نبرد نهايي رها نخواهد نمود. اين وظيفه شماست تا با بي آلايشي و ايمان كار كنيد و خداوند كار دستهاي شما را اجر خواهد داد.

**فصل هفتاد و نهم**

**سبت – روز شادي**

بي اعتنايي متداول براي سبت- بسياري از مدعيان مسيحي فرزندان خود را براي خدا تعليم نميدهند. آنان خود را كنترل نكرده اند و از هر كسي كه بخواهد آنان را كنترل كند آزرده و خشمگين ميشوند. آنان در زندگي روزانه خود با ايمان فرزندان را در محراب خدا جمع نميكنند. به بسياري از اين جوانان اجازه داده شده است تا از چهارمين فرمان سرپيچي كنند تا در روز مقدس خدا در پي تفريح و سرگرمي خود باشند. آنان در روز سبت از رفتن به خيابان براي تفريح كردن احساس ندامت نميكنند. بسياري به هر جايي كه دوست دارند ميروند و هر كاري كه دوست دارند انجام ميدهند و والدين آنان از اين ميترسند كه نكند رنجيده خاطر شوند و مديريت خانوادگي عيلي را تقليد ميكنند و هيچ فرماني به آنان نميدهند.

اين جوانان نهايتا احترامي براي روز سبت قائل نميشوند و هيچ رغبتي به جلسات مذهبي و يا مقدس و امور ابدي ندارند.

به اولين واژه فرمان چهارم اعتنا و توجه كنيد- عبارت (بياد داشته باش) در اولين قسمت فرمان چهارم جاي گرفته است. والدين بايد بياد داشته باشيد كه خودتان روز سبت را مقدس نگاه داريد. و چنانچه چنين كنيد به فرزندان خود راهنمايي مناسبي ارائه كرده ايد و آنان به روز مقدس خدا حرمت خواهند نهاد... آموزش مسيحي در خانه هايتان الزامي است. در سراسر هفته سبت مقدس خدا را در نظر داشته باشيد چرا كه آنروز به خدمت خداوند اختصاص يافته است. اين روزي است كه دستان از كار دنيوي مستريح هستند و به نيازهاي جان توجه خاصي ميشود.

وقتي كه بدينسان روز سبت بخاطر سپرده شود امور دنيوي بر روحاني دست اندازي نخواهد نمود. هيچ كاري مربوط به شش روز كاري نبايد براي روز سبت گذارده شود. در خلال هفته كه انرژي خود را در كار از دست داده ايد در روز سبت خدا از كار فارغ شويد تا طراوت و تازگي خود را بعد از روز استراحت بدست آوريد چرا كه خداوند شش روز كار كرد و زمين و هر چه در آنست را آفريد و در روز هفتم سبت استراحت نمود. اين روز را براي خدمت به او اختصاص دهيد.

روز جمعه را روز تدارك در نظر بگيريد- در روز جمعه بگذاريد تا تدارك براي روز سبت كامل گردد. لباسهاي خود را آماده كنيد و غذا را بپزيد. كفشهايتان را واكس بزنيد و حمام برويد. اين كار ممكن است. چنين كاري را ميتوانيد مقرر كرده و بطور منظم انجام دهيد. روز سبت براي ترميم لباس و پختن غذا و در پي تفريح و يا هر امور دنيوي نيست. پيش از غروب آفتاب همه كارهاي دنيوي را كنار بگذاريد و همه اوراق دنيوي دور از نظر نگاه داشته شود. والدين كار خود و هدف آنرا براي فرزندان خود تشريح كنيد. و بگذاريد تا براي آماده شدن براي سبت مطابق با فرمان شما را ياري كنند.

در بسياري خانواده ها در روز سبت كفشها در روز سبت واكس زده ميشوند و لباسها كوك زده ميشود زيرا همه اين خرده كارها در روز جمعه انجام نشده اند. آنان بخاطر نسپرده اند كه روز سبت را مقدس نگاه دارند. در روز جمعه لباس فرزندان بايد آماده شود. در خلال هفته همه آنها بايد با دستهاي خودشان با راهنمايي مادر كنار گذاشته شود تا بتوانند با آرامش و بدون هر گونه سراسيمگي يا عجله و حرفهاي تند لباس خود را بپوشند.

كار ديگري وجود دارد كه در روز تدارك بايد مورد توجه واقع شود. در اين روز همه اختلافات بين برادران خواه در خانواده و يا در كليسا بايد كنار گذاشته شود.

روز سبت توسط خانواده با دعا شروع ميشود- قبل از غروب آفتاب بگذاريد تا اعضاي خانواده جمع شده و كلام خدا را بخوانند سرود خوانده و دعا كنند برا. ي اصلاحات نيازي وجود دارد چرا كه بسياري بي مبالات هستند. ما بايد به خدا و يا به يكديگر اعتراف كنيم. ما بايد تازگي را آغاز كنيم تا نظم خاصي ايجاد نموده كه هر عضو خانواده آماده شده تا روزي را كه خدا بركت داده و تقديس نموده است را حرمت دهيم.

زمانهاي سبت به ما تعلق ندارند بلكه متعلق به خدا هستند- خداوند بما همه شش روز را داده است كه كار كنيم و تنها يكروز را براي خود نگاه داشته است. اين بايد روز بركتي براي ما باشد – روزي كه بتوانيم همه امور دنيوي را كنار گذارده و افكار خود را به خداوند و ملكوت متمركز كنيم.

وقتي كه سبت آغاز ميشود ما بايد مراقب اعمال و گفتار خود باشيم مبادا كه زماني را كه اكيدا به خدا اختصاص يافته است را براي استفاده خود بكار بريم. ما نبايد خود كاري انجام دهيم و نه زحمت آنرا بر فرزندان خود تحميل كنيم. جمعه روز تدارك است. آنگاه زمان ميتواند به تدارك چيزهاي ضروري براي سبت و فكر كردن و سخن گفتن در باره آن اختصاص يابد. هيچ چيزي كه از نظر ملكوت تخطي از سبت مقدس در نظر گرفته ميشود نبايد گفته يا كرده شود. خداوند نه تنها خودداري از كار جسمي را در سبت ملزم نموده بلكه ذهن بايد منضبط گردد تا بر موضوعات الهي ساكن گردد. فرمان چهارم با سخن گفتن در امور دنيوي يا سخنان بيهوده بواقع مورد تخطي قرار ميگيرد. صحبت درباره هرچيزي كه به ذهن بيايد سخن گفتن از حرفهاي خودمان است. هر گونه انحراف از نور هدايت ما را به اسارت در آورده و محكوم و مذموم است.

زمان سبت بسيار ارزشمند است تا در آن بخوابيم- هيچ كسي نبايد در طي هفته چنان خود را در امور دنيوي مستغرق بسازد و با تلاشهاي خويش در منافع دنيوي خود را از پاي در آورد كه در روز سبت انرژي يا قوتي نداشته تا خدا را خدمت كند. ما به خدا دستبرد ميزنيم وقتي كه خود را براي عبادت در روز مقدس او ناشايست سازيم.

نگذاريد تا ساعتهاي ارزشمند سبت بر روي تختخواب به هدر رود. در صبح روز سبت خانواده بايد زود از خواب بيدار شود. اگر دير بلند شويد سراسيمگي و شتاب در تدارك صبحانه و مدرسه سبت خواهد بود. عجله و شتاب و ناشكيبايي وجود خواهد داشت. بدين سبب احساس نامقدسانه به خانه وارد ميشود. روز سبت بدينسان بي حرمت ميشود و در عوض روزي دوست داشتني به روزي ملال آور و هولناك تبديل ميشود.

با فرزندان به عبادت همگاني بپيونديد- پدران و مادران بايد مقرر دارند كه فرزندانشان در روز سبت در عبادت همگاني مشاركت جويند. و بايد با نمونه اي كه از خود بنمايش ميگذارند آنرا قانونمند كنند. اين وظيفه ماست تا به فرزندان و اهل بيت خود امر كنيم تا پيرو ما باشند همانگونه كه ابراهيم چنين نمود. با الگو و حكم بايد اهميت تعاليم مذهبي را به آنان گوشزد كنيم. همه كساني كه پيمان تعميد را قرائت كرده اند خود را وقف خدمت به خدا نموده اند. و تحت ميثاق هستند تا خود و فرزندان خود را در جايگاهي قرار دهند كه در زندگي مسيحانه تشويق و ترغيب شوند. ولي در حاليكه خدا را عبادت ميكنيم نبايد آنرا زحمت و محنت در نظر بگيريم. سبت خدا بايد براي ما و فرزندانمان بركت باشد. آنان بايد به سبت بعنوان روز خوشي نگاه كنند روزي كه خداوند آنرا تقديس نموده است و چنانچه بطور مقتضي ارشاد شود آنرا خواهند پذيرفت.

لباسهاي خوب خود را در خانه عبادت بپوشيد- بسياري از افراد به راهنمايي و ارشاد نيازمندند كه چگونه در جمع عبادي روز سبت پديدار شوند. آنان نبايد در محضر خداوند با لباسهاي معمولي كه در طول هفته ميپوشند ظاهر شوند. همگي بايد لباس مخصوص سبت را داشته باشند تا وقتي كه در خانه خدا براي عبادت مي آيند آنرا بتن كنند. در حاليكه نبايد خود را با مدهاي دنيوي مطابقت دهيم نبايد در خصوص ظاهر خود بي تفاوت باشيم. ما بايد بدون زينت آلات مرتب و آراسته باشيم. فرزندان خدا بايد ظاهر و باطني خالص داشته باشند.

موعظه سبت را به فرزندان خود شرح دهيد- خادمين بايد در يك كار الهي و جدي مشغول باشند. آنان بايد با جديت گوش فرا دهند تا هدايتي را دنبال كنند كه همگي بايد به حيات ابدي نائل گردند. هر شنونده اي بايد با جد و جهد خطابه هاي حقيقت كتاب مقدس را درك كند كه بعنوان پيامي از طرف خداست تا با ايمان آنرا دريافت كند و آنرا در زندگي روزمره عملي سازد. والدين بايد به فرزندان خود كلامي را كه از منبر موعظه ميشود تشريح كنند كه آنان نيز بفهمند و دانشي را داشته باشند كه اگر بدان عمل شود فيض و آرامش فراواني را بارمغان خواهد آورد.

خوراك لذيذي را براي زمان غذا تهيه كنيد- ما نبايد براي سبت بيش از روزهاي معمولي غذا تهيه كنيم. در عوض، اين غذا بايد ساده تر بوده و كمتر خورده شود بخاطر اينكه ذهن شفاف و پرتوان باشد تا امور روحاني را درك كند. پرخوري ذهن را مغشوش ميكند. ارزشمند ترين گفتار شايد شنيده شود ولي قدر آن دانسته نشود زيرا ذهن با رژيم غذايي نامناسب مغشوش ميگردد. با پرخوري در روز سبت بسياري بيش از آنكه فكرش را بكنند خدا را بي حرمت ساخته اند.

در حاليكه از پختن غذا در روز سبت بايد خودداري نمود ضرورتي ندارد تا غذاي سرد خورد. در هواي سرد روز قبل غذا را آماده كنيد تا بعدا گرم شود. و بگذاريد غذا گرچه ساده است خوش طعم و جذاب باشد. چيزي را تدارك ببينيد كه بعنوان غذاي لذيذ در نظر گرفته شود چيزي كه خانواده هر روز آنرا نميخورد.

آرامش روز ارزشمند است- مدرسه سبت و اجتماع براي عبادت تنها بخشي از سبت را اشغال ميكند. بخش ديگري كه براي خانواده باقي ميماند مقدس ترين و ارزشمند ترين دوران از تمام ساعتهاي سبت است. والدين بيشتر اين زمان را بايد صرف فرزندانشان كنند.

زمان مناسبي را براي خواندن و گفتگو برنامه ريزي كنيد- روز سبت شيرين ترين و مبارك ترين روزي است كه والدين ميتوانند به فرزندان خود توجه كنند براي آنان جذابترين بخشهاي تاريخ كتاب مقدس را بخوانند و آنان را آموزش دهند تا روز سبت را حرمت بگذارند و آنرا مطابق با فرمان نگاه دارند. اين نميتواند انجام شود چنانچه والدين علاقه اي براي فرزندان خود احساس نكنند. ولي ميتوانند سبت را لذتبخش بسازند چنانچه مسير مناسبي را دنبال كنند. نظر فرزندان با خواندن كلام يا گفتگو در باره رستگاري جانهاي خود ميتواند جلب شود. ولي آنان بايد آموزش ديده و تربيت شوند. طبيعت انساني دوست ندارد تا به خدا يا به امور آسماني يا ملكوت فكر كند. بايستي بطور دائمي جريانهاي دنيوي و علاقه به شرارت را عقب راند و بگذاريم تا نور ملكوت بدرخشد.

نسبت به فعاليتهاي فرزندان بي تفاوت نباشيد- بسياري در روز سبت بي تفاوت هستند و نميدانند كه فرزندانشان كجا هستند و چه ميكنند.

والدين فراتر از هر چيز در روز سبت مراقب فرزندان خود باشيد. بازي در خانه يا بيرون از خانه تخطي از روز مقدس خداست. شما با مجاز شمردن بازي، خود نيز سبت را زايل كرده ايد و وقتي چنين كنيد خداوند بشما بعنوان ضايع كننده سبت خواهد نگريست.

بيرون از در با فرزندان- والدين ميتوانند فرزندان خود را به بيرون برده تا خدا را از طريق طبيعت ستايش كنند. به آنان گلهاي شكفته شده و غنچه ها را نشان دهيد تا درختان مرتفع و ساقه زيباي گياهان را ببينند و به آنان ياد بدهيد كه خداوند همه اينها را در شش روز آفريد و در روز هفتم استرحت نمود و آنرا تقديس كرد. بدينسان والدين اين دروس ارشادي را به فرزندان خويش مي آموزند كه وقتي اين فرزندان به اين چيزها در طبيعت نگريستند در ذهن خود آفريننده بزرگ را بخاطر بياورند. افكار آنان با نگريستن به طبيعت خدا به آفرينش جهان معطوف ميگردد. وقتي كه بنياد سبت گذاشته شد و همه فرزندان خدا از خوشي فرياد زدند. اين قبيل دروسي هستند كه بايد در ذهن فرزندان نقش ببندد. ما نبايد به فرزندان خود بياموزيم كه آنها نبايد در روز سبت خوشحال نباشند و در بيرون از خانه در طبيعت راه نروند. مسيح حواريون خود را در كنار درياچه در روز سبت تعليم ميداد. خطابه هاي وي در روز سبت هميشه در چهار ديواري موعظه نگرديد.

دروس ديگري از طبيعت – دروس عملي و پند آموز- به فرزندان خود تعليم دهيد تا مسيح را در طبيعت ببينند. آنان را به هواي آزاد ببريد- در زير درختان برافراشته -به باغها و بوستانها و به همه كارهاي شگفت انگيز خلقت- و به آنان تعليم دهيد تا ابراز محبت او را ببينند. به آنان تعليم بدهيد كه او احكام را ايجاد نمود تا بر خلايق حاكم گردد و اينكه او احكام را براي ما ايجاد نمود و اينكه اين فرامين براي شادي و خوشي ماست. آنان را با دعاهاي طولاني و ملالت آور خسته و بيزار نكنيد بلكه از طريق دروس پندآموز و عملي طبيعت به آنان فرمانبرداري از احكام خدا را تعليم دهيد.

مفهوم درستي را از شخصيت خدا ارائه نماييد- چگونه فرزندان ميتوانند دانش صحيح تري از خدا دريافت كنند و اذهان آنان بهتر تحت تاثير قرار گيرد با سپري كردن بخشي از زمان خود در طبيعت و نه در بازي بلكه در مشاركت و همراهي با والدين خود؟ بگذاريد تا اذهان جوان آنان در چشم اندازهاي زيباي طبيعت با خدا پيوند داده شو . د بگذاريد تا توجه آنان به محبت خدا نسبت به بشر بعنوان آفريده او جلب گردد و مجذوب و علاقمند گردند. آنان در ارتباط با خصايل خدا در معرض خطر نخواهند بود ولي وقتي چيزهاي زيبا را كه خداوند براي شادي بشر آفريده ببينند او را بعنوان يك پدر مهربان و رقيق القلب خواهند ديد. آنان خواهند ديد كه ممنوعيت ها و نهي ها تنها براي نشان دادن اقتدار او نيست بلكه او براي فرزندان خويش شادي را در نظر گرفته است. بعنوان آفريدگار خداوند وجهه هاي محبت و خيرخواهي و زيبايي و جذابيت را آفريده تا بشر به دوست داشتن او جلب گردد. شما ميتوانيد اذهان آنان را به پرندگان دوست داشتني كه فضا را با نغمه هاي شاد خود طنين انداز ميكنند جلب كنيد به ساقه هاي گياهان و گلهاي باشكوه رنگارنگ كه در كمال خود هوا را معطر ميكنند. همه اينها مهارت و محبت هنرمند آسماني را اعلان نموده و جلال خدا را نشان ميدهد.

والدين! چرا از دروس ارزشمندي كه خدا در كتاب طبيعت داده استفاده نميكنيد تا به فرزندان خود ايده صحيحي از خالق ارائه دهيد؟ كسانيكه سادگي و بي آلايشي را قرباني مد كرده و درهاي زيبايي طبيعت را بروي خود ميبندند نميتوانند ذهن روحاني داشته باشند. آنان نميتوانند حذاقت و قدرت خدا را درك كنند آنگونه كه در كارهاي خلقتش آشكار گرديده است بنابراين قلبهاي آنان روح زندگي و محبت و علاقه را نمي يابد و از هيبت و تكريمي كه در طبيعت خداوند ميبينند پر نميشود.

يك روز زندگي مانند زندگي در باغ عدن- ارزش سبت بعنوان وسيله اي براي آموزش فراتر از ديدگاه ماست. هر چه كه متعلق بماست را خداوند ادعا و طلب ميكند او آنرا با جلال خويش باز ميگرداند غني ميسازد و متجلي ميگرداند...

سبت و خانواده بطور يكسان در باغ عدن ايجاد گرديد و از نظر خدا با هم پيوند جاودان و ناگسستني دارند. در اين روز بيش از هر روز ديگر براي ما غير ممكن است كه مانند باغ عدن زندگي كنيم. اين براي اعضاي خانواده، برنامه اي از خدا بود تا در كار و مطالعه مرتبط باشند - در عبادت و فراغت پدر بعنوان كاهن خانه خود و هم پدر و مادر بعنوان معلمين و همراهان فرزندان خود. ولي نتيجه گناه تا حد زيادي وضعيت و شرايط زندگي را تغيير داد. پدر اغلب بسختي صورت فرزندان خود را در طول هفته ميبيند. او تقريبا رويهمرفته از داشتن فرصتي براي مشاركت يا راهنمايي فرزندان محروم مانده است. ولي محبت خدا محدوديتي را براي كار و زحمت قائل شده است. در طول سبت او دستان رحيم او گشوده است. در روز مخصوص ، او فرصتي را براي خانواده براي مشاركت با او در نظر گرفته است- با طبيعت و با يكديگر.

سبت را لذتبخش بسازيد- همه كسانيكه خدا را دوست دارند هر چه ميتوانند بكنند تا سبت را لذتبخش و مقدس و ارجمند بسازند. آنان نميتوانند با سرگرمي هاي گناه آلود و تفريحات ممنوعه چنين كنند. با اين وجود آنان ميتوانند سبت را با خانواده خود تجليل سازند و آنرا جالبترين روز هفته بسازند. ما بايد زماني را تخصيص داده تا براي فرزندانمان جالب و جذاب باشد. يك تغيير ميتواند تاثير شادي بر آنان داشته باشد. ما ميتوانيم با آنان در فضاي آزاد قدم بزنيم ما ميتوانيم با آنان در ميان درختان و درخشش آفتاب بنشينيم و با ذهنهاي بيقرار آنان در باره كارهاي خدا گفتگو كنيم و ميتوانيم با محبت و احترام توجه آنان را به اشياء زيبا در طبيعت جلب كنيم. سبت بايد چنان براي خانواده هاي ما جالب باشد كه گذشت و چرخش هفته ها با خوشي ياد شود. با ارشاد و راهنمايي خانواده ها به امور روحاني ، جلوه صحيحي از ذات خدا به آنان بدهيد تا در خصوصيات و صفات مسيحي كامل بوده و به حيات جاودان دست يابند. والدين! سبت را روزي لذتبخش بسازيد كه فرزندانتان هر هفته چشم انتظار سبت بوده و با قلوب خود آنرا خوش آمد گويند.

اوج هيجان در دعا و سرود- وقتي خورشيد غروب ميكند بگذاريد تا صداي دعا و آواز پرستش نشاني از ساعتهاي وقف شده براي خدا باشد و از خدا بخواهيد تا هفته اي خوب در طول هفته داشته و از شما مراقبت و محافظت نمايد.

بدينسان والدين ميتوانند سبت را آنطور كه بايد و شايد بسازند- شادترين و لذتبخش ترين روز هفته. آنان ميتوانند فرزندان خود را هدايت كنند تا آنرا بعنوان روز خوش و محترم و مقدس بر اي خدا بسازند.

**فصل هشتاد**

**احترام براي چيزي كه مقدس است**

فيض ارزشمند تكريم و احترام- فيض با ارزش ديگري كه بايد با دقت گرامي داشته شود تكريم و احترام است.

آموزش و پرورش جوانان بايد داراي خصوصياتي باشد كه امور الهي را متعالي سازد و مشوق عبادت خالص براي خدا در خانه عبادت او باشد. بسياري كه مدعي فرزند بودن پادشاه آسماني هستند نسبت به تقدس امور ابدي ارزش واقعي قائل نيستند.

بايد براي خداوند حرمت قائل شد- حرمت واقعي براي خدا با حسي از عظمت سرمدي و دركي از حضور او الهام گرديده است. با اين حس ناديده قلب هركودكي بايد عميقا تحت تاثير قرار گيرد. "خداوند در جماعت مقدسان بينهايت مهيب است. و ترسناك است بر آنانيكه گرداگرد او هستند" (مزامير 7:98).

نام او بايستي حرمت داده شود- احترام و تكريم همچنين بايد براي نام خدا نشان داده شود. نام او نبايد با بيتفاوتي و از روي بيفكري قرائت گردد. حتي در دعا تكرار زياد يا غيرضروري از آن بايد اجتناب گردد. "نام او قدوس و مهيب است" (مزامير 9:111). فرشتگان هنگامي كه سخن ميگويند صورت خود را ميپوشانند. حال ما بايد با چه نوع حرمتي چنين كنيم كه گناهكار و مقصريم!

كلام او مقدس است- ما بايد براي كلام او حرمت قائل شويم. براي كتاب مقدس بايد احترام قائل شويم و براي كابردهاي پست آنرا بكار نبريم يا با بي تفاوتي آنرا حمل كنيم. و كلام و آيات نبايد هرگز با استهزاء يا گويش عاميانه و با كنايه نقل قول شود. "هر كلام از خدا پاك و خالص است" و "كلام خداوند كلام طاهر است، نقره مصفاي در قال زمين كه هفت مرتبه پاك شده است".( امثال5:30؛مزامير 6:12).

كودكان بايد ياد بگيرند تا به هر كلامي كه توسط خداوند بيان شده احترام بگذارند. والدين همواره بايد احكام خدا را براي فرزندان خود با اطاعت از احكام و زندگي تحت كنترل خدا بزرگ جلوه بدهند. چنانچه حس قدوسيت احكام والدين را در يد تسلط خود بگيرد بطور حتم شخصيت را با متبدل ساختن جان تغيير خواهد داد.

مكان عبادت جايي است كه خدا حضور دارد- در هر خانه مسيحي خداوند بايد در صبحگاه و شامگاه تجليل و تكريم گردد زيرا خداوند در آنجا حضور دارد. و از آنجا كه احترام و تكريم در رفتار و سلوك آشكار ميگردد احساسي كه آنرا الهام ميكند عميق ميگردد.

خانه خدا – معبد مقدس اوست- براي كودكان و نوجوانان خوب است تا مطالعه و تعمق كنند و اغلب آن كلام مقدس را تكرار كنند كه نشان ميدهد كه چگونه مكاني كه با حضور خاص خدا مشخص گرديده مورد احترام قرار گيرد. خداوند به موسي از ميان بوته مشتعل فرمان داد "كفشهاي خود را بيرون بياور زيرا كه زميني كه در آن ايستاده اي مقدس است" (خروج 5:3).

يعقوب پس از مشاهده روياي فرشتگان فرياد زد "خداوند در اين مكان است و من نميدانستم... اين هيچ نيست جز خانه خدا و اينجا دروازه آسمان است" (پيدايش16:27, 17). خداوند در معبد مقدس خويش ميباشد: همه ساكنان زمين در محضرش سكوت اختيار كنند" (حبقوق 20:2 .(بسياري ارزش واقعي قدوسيت امور سرمدي را درك نميكنند. تقريبا همه نياز است تا ياد بگيرند كه چگونه در خانه خدا رفتار كنند. والدين نه تنها بايد تعليم دهند بلكه فرمان دهند تا فرزندانشان به مكان مقدس عبادت با متانت و احترام وارد شوند.

نگذاريد تا بي تفاوتي و بي مبالاتي رشد كند- از قدوسيتي كه به معبد زميني منضم گرديد مسيحيان بايد ياد بگيرند كه چگونه به مكاني كه خداوند با امت خويش ملاقات ميكند احترام بگذارند. تغيير بزرگي رخ داده است- نه در جهت مثبت بلكه در جهت منفي، در عادتها و رسومي كه مردم راجع به عبادت مذهبي خود دارند. امور مقدس و گرانقدري كه ما را با خدا پيوند ميدهد تقيد خود را در اذهان و قلوب ما بسرعت از دست داده و به پستي گرائيده است. احترامي را كه مردم در دوران كهن براي عبادتگاه داشتند- و خدا را در امور مقدس ملاقات ميكردند- بطور وسيعي از دست رفته است. با اين وجود خداوند خود دستورالعملي را براي امور خويش مقدر ساخت كه فراتر از هر چيزي از ذات فاني دنيوي است.

خانه خدا اغلب بي حرمت شده است و سبت توسط فرزندان معتقدين به سبت مورد هتك احترام قرار گرفته است. در برخي موارد حتي به كودكان اجازه داده شده است تا بدرون محل عبادت وارد شده و بازي و گفتگو كنند و خلق و خوي شيطنت آميز خود را در هر جلسه اي آشكار كنند جايي كه مقدسين بايد خدا را در حسن تقدس عبادت كنند. و مكاني كه بايد مقدس باشد و مكاني كه آرامش بايد در آن حكمفرما باشد و جاييكه نظم كامل – آراستگي و تواضع بايد در آن برقرار باشد به يك بابل كامل تبديل شده است كه همان اغتشاش باشد. اين كافي است تا خدا رنجيده خاطر شود و از حضور خود در جمع ما حذر كند.

ما بيش از عبرانيان دليلي براي حرمت قائل شدن داريم- اين بسيار درست است كه تكريم براي خانه خدا تقريبا از بين رفته است. امور روحاني و مكانها درست تشخيص داده نميشوند و به چيزهاي مقدس و متعالي بها داده نميشود. آيا انگيزه اي براي پارسايي در خانواده هاي ما وجود ندارد؟ آيا بدين خاطر نيست كه استاندارد عالي روحاني پشت سر گذاشته شده و خاك خورده شده است؟ خداوند مقررات نظم و انضباط را عطا نموده است كه براي امت كهن كامل و دقيق بوده است. آيا خصوصيات خدا تغيير كرده است؟ آيا او خداي عظيم و قدير نيست آنكسيكه بر زمين و آسمان حاكم است؟ آيا براي ما خوب نيست تا اغلب راهنمايي هاي داده شده توسط خدا كه به عبرانيان داده شده است را بخوانيم – و ما كه نور هدايت حقيقت عظيم را داريم از آن براي تكريم خانه خدا پيروي كنيم؟ ما دلايل فراواني داريم... حتي بيش از يهوديان در عبادت خود بايد با فكر و ملاحظه و حرمت گذار باشيم. ولي خصم مشغول بكار است تا ايمان ما را در قدوسيت عبادت مسيحي نابود سازد.

كليسا – مكان مقدس و حرم مطهر جماعت – خانه حرم مطهر خانواده است و صندوق خانه يا خلوتگاهي براي عبادت فردي ولي كليسا حرم مطهري براي اجتماع است. مقرراتي بايد در خصوص زمان ، مكان و طرز عبادت وجود داشته باشد.

به فرزندان تعليم دهيد تا با احترام و متانت وارد كليسا شوند- والدين، معيار و استاندارد مسيحيت را در اذهان فرزندان خويش بالا ببريد و به آنان كمك كنيد تا عيسي را در تجربيات خويش بگنجانند- به آنان ياد دهيد تا بالاترين احترام را براي خانه خدا داشته و بفهمند كه وقتي وارد خانه خدا ميشوند بايد با قلوبي توام باشد كه آرام و مطيع است با چنين فكري كه: خداوند در اينجا حضور دارد و اينجا خانه اوست. من بايد افكار پاكي داشته باشم و مقدس ترين نيت ها و انگيزه ها را داشته باشم. من نبايد غرور و حسادت و رشك و گمانهاي اهريمني و نفرت يا نيرنگ را در قلب خود داشته باشم چرا كه من به محضر مقدس خدا وارد ميشوم. اين مكاني است كه خداوند جلوس خواهد نمود و امت خويش را متبارك خواهد فرمود. آن يگانه مقدس و متعال كه با حضور سرمدي خود بر من نظر خواهد نمود و قلب مرا جستجو نموده و پنهاني ترين افكار و كردار زندگي مرا خواهد خواند.

كودكان در كنار خانواده بمانند- سليقه اخلاقي و معنوي عبادت كنندگان در حرم مقدس خدا بايد رفيع گرديده- خالص شده و تقديس شود. اين موضوع متاسفانه مورد غفلت واقع گرديده است. از اهميت آن چشم پوشي گرديده است و در نتيجه بي نظمي و بي حرمتي شايع و متداول گرديده است و خداوند مورد بي حرمتي واقع شده است. وقتي رهبران كليسا، خادمان و مردم، پدران و مادران نظر و عقيده خود را در اين موضوع متعالي نساخته باشند چه توقعي ميتوان از كودكان بي تجربه داشت؟ آنان اغلب در گروههايي يافت ميشوند دور از چشم والدين كه بايد مراقب آنان باشند. عليرغم اينكه آنان در محضر خدا هستند و چشمان وي بر آنان دوخته شده است آنان همه چيز را سرسري و بي اهميت ميبينند- نجوا كرده و ميخندند و بي تفاوت ، بي ادب و بي اعتنا هستند.

متين و ساكت بايد بود- براي خانه و عبادت خدا احترام قايل شويد و در خلال موعظه با يكديگر گفتگو نكنيد. اگر كسانيكه چنين تقصيري ميكنند بتوانند ببينند كه فرشتگان خدا به آنان نگاه ميكنند و كارهاي آنان را مينويسند آنان شرمنده شده و از خود احساس انزجار خواهند نمود. خداوند مستمعين سراپاگوش و دقيق را ميپسندد. اين زماني خواهد بود كه مردان خوابيده و دشمن ماشك ها63 را ميكارد .

مانند مكانهاي عمومي و معمولي عمل نكنيد- بايد نقطه اي مقدس مانند حرم مطهر عهد عتيق وجود داشته باشد كه خداوند با امت خويش جلوس كند. آن مكان نبايد بعنوان اتاق غذاخوري يا دفتر تجاري در نظر گرفته شود بلكه بطور ساده براي عبادت خدا باشد. وقتي كودكان به مدرسه ميروند در همان مكاني كه براي عبادت روز سبت جمع ميشوند آنان تقدس مكان را حس نخواهند كرد و اينكه آنان بايد با احساس احترام وارد شوند. مكان مقدس و مكان عمومي چنان بهم آميخته اند كه تشخيص آن برايشان مشكل مينمايد.

به همين دليل است كه خانه و يا مكان مقدسي براي خدا وقف گرديده و نبايد به يك مكان عمومي تبديل شود و تقدس آن نبايد با هم اشتباه شود و يا با احساسات روزانه عام يا كار در هم آميزد. عابدان در بدو ورود به مكان مقدس بايد رفتاري موقرانه و توام با احترام داشته و بايد همه افكار دنيوي و پست را پشت سر بگذارند چرا كه اين مكاني است كه خداوند حضور خود را آشكار خواهد نمود. اين سراي عظيم و ابدي خداست بنابراين غرور و اغراض نفساني ، نفاق و خودخواهي و طمعكاري كه خداوند آنرا بت پرستي خوانده است براي چنين مكاني نامناسب است.

روح سبكسري نبايد آشكار گردد- والدين اين وظيفه شماست تا فرزندان خود را تحت كنترل كامل قرار دهيد و همه انگيزه ها و رفتار شرورانه آنها را مقهور سازيد. و وقتي كه فرزندان به جلسه اي برده شدند بايد به آنان فهمانده شود كه در كجا هستند – و اينكه در خانه نيستند بلكه جائيكه خدا با امت خويش ملاقات ميكند. و بايد ساكت نگاه داشته شوند و از بازي كردن منع شوند و آنگاه خداوند بشما نظر خواهد نمود تا با شما جلوس نموده و شما را بركت دهد.

چنانچه نظم و انضباط در جماعت مقدسين رعايت شود حقيقت تاثير بهتري بر همه مستمعين خواهد داشت. وقاري كه بسيار لازم است تا ترغيب گردد و قدرتي خواهد بود در حقيقت تا اعماق جانرا متلاطم سازد و خرفتي مرگبار بر كساني كه ميشنوند سايه نخواهد افكند. ايمانداران و بي ايمانان تحت تاثير قرار خواهند گرفت. بديهي خواهد بود كه در برخي مكانها تابوت عهد خداوند از كليسا بيرون برده شده است چرا كه احكام مقدس مورد تخطي واقع شده اند و قوت اسرائيل تضعيف گرديده است.

كودك بر هم زننده آرامش را بيرون ببريد- فرزند شما بايد بياموزد تا فرمانبرداري كند همانگونه كه فرزندان خدا او را اطاعت ميكنند. چنانچه اين استاندارد ابقا گردد حرف شما همان اعتبار را خواهد داشتدر زمانيكه فرزند شما در خانه خدا بيقراري ميكند. ولي وقتي كه نتوانيد كودك آرام كنيد و مهار آنان سخت باشد فورا كودك را از كليسا بيرون ببريد و اين كار نبايد با حرف زدن و دويدن توام باشد و ذهن شنوندگان را منحرف كند. خداوند با بي تفاوتي شما در اداره فرزندانتان در حاليكه در كليسا هستيد بي حرمت ميشود.

با نشان دادن لباس و ظاهر نمايي بي حرمتي تشويق ميگردد- همه بايد ياد بگيرند تا در پوشش مرتب و پاكيزه و با انضباط باشند ولي در تزيين آن نبايد افراط كنند كه كاملا براي مكان مقدس خدا نامناسب است... همه چيز لباس بايد دقيقا مورد توجه قرار گيرد و بدقت با قواعد كتاب مقدس پيروي شود. مد بت كساني است كه به ظاهر دنيا نگاه ميكنند و غالبا خود را به كليسا تحميل ميكند. كلام خدا بايد معيار كليسا باشد و والدين بايد با بصيرت به اين موضوع فكر كنند.

به خادمين – نمايندگان خدا كليسا احترام بگذاريد- براي نمايندگان خدا در كليسا احترام قائل شويد – براي خادمين و معلمين و والدين كه براي سخنراني فرا خوانده شده اند و در عوض او كار ميكنند. با احترامي كه نشان ميدهيد خداوند را حرمت مينهيد.

كودكان بندرت راهنمايي ميشوند كه خادم سفير خداست كه پيامي كه او مي آورد يكي از عوامل منتصب خدا در رستگاري جانهاست و اينكه به همه كسانيكه فرصت يافته اند تا به آنان دسترسي داشته باشند عطر حيات، حيات مي آورد و بوي مرگ، مرگ آور است. با هيچ چيزي كه مقدس و مربوط به عبادت خداست نبايد با بي تفاوتي و لاقيدي رفتار شود. وقتي كه كلام حيات گفته شود بايد بخاطر داشته باشيد كه بواسطه خادمين كه نماينده او هستند به صداي خدا گوش فرا ميدهيد. با بي اعتنايي اين حرفها را از دست ندهيد و چنانچه به آن اعتنا شود گامهاي شما را از انحراف به مسير غلط باز خواهد داشت.

پاسخگويي والدين نكوهشگر- والدين مراقب باشيد كه چه الگوئي و چه ايده اي به فرزندان خود ميدهيد. ذهن آنان تغيير پذير است و بسادگي تحت تاثير قرار ميگيرد. در خصوص خدمت در خانه خدا چنانچه سخنران نقص دارد مراقب باشيد كه مبادا به آن اشاره كنيد. تنها از كار خوبي كه او انجام ميدهد گفتگو كنيد و از ايده هاي خوبي كه ارائه شده است سخن بگوئيد. ميتوان بسهولت ديد كه چرا فرزندان كمتر تحت تاثير كلام قرار گرفته اند و چرا به خانه خدا كم احترام قائل ميشوند. آموزش آنان در اين خصوص معيوب بوده است.

ذهنهاي ظريف و مستعد جوانان كارهاي خادمين خود را با روشي كه والدين با آن برخورد كرده اند برآورد ميكنند. بسياري از سرپرستان خانواده عبادت را موضوعي براي انتقاد و نكوهش در نظر ميگيرند كمي را تاييد و مابقي را محكوم ميكنند. بدينسان پيام خدا به انسان مورد انتقاد و پرسش قرار گرفته و موضوع را سبك ميكنند. چه تاثيري با اين اظهارات نا محترمانه و لاقيد بر ذهن جوان گذاشته ايد – كتاب آسماني بتنهايي آنرا آشكار خواهد نمود. فرزندان بسيار سريعتر از والدين اين چيزها را ميتوانند ببينند و درك كنند. درك اخلاقي آنان به غلط يكجانبه خواهد شد كه زمان هرگز آنرا تغيير نخواهد داد. والدين بر سخت دلي اولاد خويش ماتم ميگيرند و مشكل خواهد بود تا به خواسته هاي خدا در حساسيتهاي اخلاقي پاسخ گفت. ولي كتابهاي آسماني بي ترديد علت واقعي آنرا نشان ميدهند. والدين خود از نظر روحاني دگرگون و متبدل نشده اند. آنان با ملكوت يا امور ملكوتي در هماهنگي نيستند. آنان برداشت درستي از احكام و مكان مقدس خدا نداشته اند و چيزهايي را بطور سطحي بفرزندان خويش تعليم داده اند.

اين سوالي است كه آيا كسي كه براي سالها تحت نفوذ زنگار هاي آموزش در خانه بوده آيا هرگز حرمتي براي كار خدا و امور خدا داشته است. اين چيزها با احترام بايد گفته شود- با مراعات در گويش و با حساسيت زياد- كه بتوانيد به همه كسانيكه به آنان وابسته هستيد آشكار كنيد كه شما پيام خادمين خدا را بعنوان پيامي كه خدا براي شما فرستاده در نظر بگيري .

حرمت و نزاكت را تمرين و تكرار كنيد تا بعنوان عادت در آيد- جوانان اين عصر به آموختن و حرمت گذاردن نيازمندند. مشاهده رفتار بي نزاكت و بي نظم فرزندان بي اعتناي خانواده هاي مذهبي وحشت آور است كه بايد در خانه خدا رعايت گردد. در حاليكه خادمين خدا كلام زندگي بخش را به مردم ارائه ميكنند برخي در حال خواندن و ديگران نجوا كرده و ميخندند. چشمان آنان با توجه به مردم و انحراف به اين طرف و آنطرف گناه ميورزد. اين عادت اگر بدون اينكه مورد بررسي قرار گيرد بحال خود رها شود رشد كرده و بر ديگران تاثير ميگذارد.

كودكان و نوجوانان هرگز نبايد از لاقيدي و بي تفاوتي در جلساتي كه خدا عبادت ميشود احساس مباهات كنند. خداوند با كردار ما همه بي حرمتيها را ميبيند و در دفتر اعمال آسماني ثبت ميگردد. او ميفرمايد "من كردار آنان را ميدانم". هيچ چيزي از ديده او مخفي نيست. اگر در هر اندازه اي عادت بي توجهي و بي تفاوتي را در خانه خدا شكل داده ايد با تمام توان تلاش كنيد تا آنرا اصلاح كنيد. و نشان دهيد كه عزت نفس و مناعت طبع داريد. حرمت و نزاكت را ممارست كنيد تا اينكه بخشي از وجود شما بشود

**فصل هشتاد و يكم**

**هماهنگي و تشريك مساعي خانه و كليسا**

كار فيض را در خانه شروع كنيد- والدين! كار فيض در كليسا را از خانه خود شروع كنيد با . چنين كاري فرزندانتان خواهند ديد كه شما با فرشتگان آسمان همكاري ميكنيد. مطمئن شويد كه هر روزه متبديل ميشويد. خود و فرزندانتان را براي حيات ابدي در ملكوت خدا آموزش دهيد. فرشتگان امدادرسانان توانمند شما خواهند بود. شيطان شما را وسوسه خواهد نمود ولي تسليم نشويد. حتي كلمه اي نگوئيد تا خصم از آن سوء استفاده كند.

حقيقت خالص است و غير قابل فساد. بگذاريد تا در قلبتان ساكن گردد. بگذاريد تا عزم هر عضو از خانواده اين باشد كه من يك مسيحي خواهم بود و در اين مدرسه بايد شخصيتي را شكل دهم كه به من در درجات عالي ملكوت اجازه ورود دهد. من بايد براي ديگران كاري كنم كه دوست دارم ديگران برايم انجام دهند چرا كه تنها كسانيكه مسيح را در اين جهان آشكار ميكنند ميتوانند به سراي ملكوت الهي وارد گردند.

زندگي خود را در خانه تا حد ممكن مانند ملكوت كنيد. اعضاي خانواده فراموش نكنند كه در محراب خانوادگي گرد آيند تا براي مرداني كه مسئوليت كار خدا را دارند دعا كنند.

آنانيكه خانواده هاي خود را در راه درست حكمراني ميكنند انضباط و احترام را با خود به كليسا مي آورند. آنان صفات رحمت و عدالت را بنمايش ميگذارند در حاليكه دست در دست ايستاده اند. آنان به فرزندان خود صفات مسيح را آشكار ميكنند. قانون مهرو محبت بر لبهايشان دستورات و اقتدار ايشان را تضعيف نميكند و فرامين آنان با نافرماني روبرو نميشود.

مدل خانه مدل كليسا را خواهد ساخت- هر خانواده اي كليساست كه والدين اداره كردن آن را در دست دارند. اولين توجه والدين بايد براي كار براي رستگاري فرزندانشان باشد. وقتي كه پدر و مادر بعنوان كاهن و معلم خانواده در كنار مسيح مسئوليت خود را ميپذيرند يك تشويق خوب در خانه بكار برده خواهد شد. و اين نفوذ مقدس در كليسا احساس خواهد شد و توسط هر ايمانداري تشخيص داده خواهد شد. بخاطر فقدان پارسايي و تقدس در خانه در كار خدا به اندازه زيادي تاخير روي ميدهد. هيچ انساني نميتواند تاثيري را به كليسا بياورد كه خود در خانه و در رابطه با كار خود اعمال نكرده است.

رفتار مناسب در كليسا در خانه آموخته ميشود- خانه مدرسه اي است كه همه ميتوانند بياموزند كه چطور بايد در كليسا رفتار كنند. وقتي همه اعضاي خانواده سلطنتي هستند ادب و نزاكتي واقعي در خانه بر قرار خواهد بود. هر عضوي از خانواده در پي خرسند نمودن اعضاي ديگر خانواده خواهد بود. فرشتگان خدا كه وارثان رستگاري را خدمت ميكنند بشما كمك خواهند نمود تا براي خانواده شما الگوئي بسازند. بگذاريد تا در خانه آرامش وجود داشته باشد و آنگاه در كليسا آرامش برقرار خواهد بود. تجربيات ارزشمند به كليسا آورده شده وسايلي خواهند شد تا مهرورزي نسبت بيكديگر ايجاد گردد. پرخاش و ستيز متوقف خواهد شد. ادب واقعي مسيحانه در ميان اعضاي كليسا ديده خواهد شد. جهان از دانش آنان بهره خواهد جست گوئي كه با عيسي بوده و از وي آموخته اند. چه تاثيري را كليسا بر جهان خواهد گذارد چنانچه همه اعضا مانند يك مسيحي زندگي كنند.

چرا در كليسا ضعف وجود دارد- بسياري بنظر فكر ميكنند كه عدم نزاكت در كليسا و علاقه به خوشگذراني بعلت كار شباني است. درست است كليسا بايد ارشادات و كار شباني صادقانه اي را تدارك ببيند. خادمان بايد با اشتياق براي جواناني كه خود را به مسيح نسپرده اند كار كنند و همچنين براي ديگران، گرچه نامهاي آنان در دفتر كليسا ثبت است ولي با اينحال بي دين و غير مسيحانه اند. ولي خادمين كار خود را خوب و صادقانه انجام ميدهند با اين وجود مقدار آن بسيار كم خواهد بود چنانچه والدين از كار خود قصور ورزند. اين همچنين بدليل فقدان مسيحيت در خانه است كه ناشي از فقدان قدرت در كليساست. وقتي والدين كار خود را بعهده گيرند مشكل خواهد بود تا جوانان را برانگيزيم تا وظيفه خود را حس كنند. چنانچه دين در خانه حكمفرمايي كند آنگاه تاثير آن به كليسا خواهد رسيد. والديني كه كار خود را براي خدا انجام ميدهند نيرويي براي نيكوكاري و امور خير خواهد بود. هنگامي كه آنان فرزندان خود را مهار نموده و تشويق كنند و آنانرا براي خدا آموزش دهند آنگاه همسايگان خود را با روش زندگي خود بركت ميدهند. و كليسا با كار صادقانه آنان تقويت ميشود.

والدين اهمال كار نميتوانند كليسا را به تعالي برسانند- چنانچه در خانه نافرماني مجاز شود قلوب فرزندان با ضديت براي حكومت خدا پر ميشود. قدرت روح القدس بي اثر بوده تا قلبهاي ايشان را نرم و مقهور سازد. در سالهاي بعد تحت شرايط خاص آنان تسليم انجيل مسيح ميگردند- آنان مجبورند تا بطور هولناكي با خواسته هاي غلط در ستيز باشند تا اراده خدا را اطاعت كنند. اغلب كليسا از طريق اعضاي خويش رنج ميبرد زيرا آموزش غلط در كودكي به آنان داده شده است. وقتي كه در كودكي بوده اند به آنان اجازه داده شده است تا فريبكاري را ممارست كنند بخاطر اينكه به هدف خود نائل گردند و روحي كه مجاز شده بود تا در خانه طغيانگر باشد دوامي نخواهد داشت تا فرمانبرداري به الزامات كلام خداوند را عملي سازد.

روحانيت با انتقاد و سرزنش زايل ميگردد- وقتي كه وسوسه ميشويد تا با كج خلقي حرف بزنيد براي فيض دعا كنيد تا در مقابل وسوسه پايداري كنيد. بياد داشته باشيد كه فرزندان شما وقتي كه حرفهاي شما را ميشنوند حرف هاي شما را تكرار خواهند كرد. با الگوي خود شما آنان را مي آموزيد. بياد داشته باشيد كه اگر با اعضاي كليساي خود با كج خلقي حرف بزنيد در ملكوت نيز با همان زبان سخن خواهيد البته گفت اگر اجازه ورود به ملكوت را داشته باشيد...

پس از خانواده نوبت كليساست. تاثير خانواده بگونه اي خواهد بود كه كمك و بركتي براي كليسا خواهد بود. هرگز با كلام شكايت آميز و خرده گيري سخن نگوئيد. كليساهايي وجود دارند كه در آن روحانيت تقريبا مرده است زيرا روح بدگوئي در آنجا رواج يافته است. چرا با كلام سرزنش و عيب جويي حرف ميزنيم؟ سكوت قويترين سرزنش است كه ميتوانيد به كسي بدهيد كه به تندي و بي ادبانه سخن ميگويد. كاملا سكوت كنيد. اغلب اوقات سكوت فصاحت و شيوايي است.

توجه به جوانان ناموفق- مردان و زنان جوان كه تحت نفوذ خانه نيستند به كسي نياز دارند تا از آنان مراقبت كند و علاقه به آنان نشان دهد و كسانيكه چنين ميكنند حقيقتا كاري براي خدا و رستگاري جانها ميكنند مانند كاري كه خادم در منبر موعظه ميكند. اين كار خيرخواهانه بيدريغ براي خيريت جوان چيزي است كه خداوند از هر يك از ما ميخواهد. چقدر كار مسيحيان با تجربه بايد مشتاقانه باشد تا از شكل گيري عادتهايي كه به شخصيت آسيب ميرسانند جلوگيري كند. بگذاريد تا پيروان مسيح كلام خدا را براي جوانان جذاب بسازند.

خادم فرصت خاصي دارد- در هر فرصت مناسبي، بگذاريد تا داستان محبت عيسي براي كودكان تكرار شود. آنگاه هيچ فرصتي را از دست ندهيد تا به آنان كمك كنيد تا در دانش كلام هوشيار تر شوند. اين امر بيش از آنكه درك كنيم كارساز است تا بر ضد خدعه هاي شيطان سدي ايجاد كنيم. چنانچه فرزندان با حقايق كلام خدا زود آشنا شوند مانعي در مقابل بي خدايي برپا ميگردد و آنان قادر خواهند بود تا با كلام بر عليه خصم سخن بگويند كه " اينگونه مكتوب است".

به همان اندازه كه در خانه مومن و صادق هستيد در عبادت نيز چنين باشيد – والدين! بعنوان معلمين جگر گوشه هايتان بدانيد كه حقيقت بايد قدرت كنترل كننده اي بر ضمير و فهم شما داشته باشد و بر كلام و اعمال شما تفوق داشته باشد. به همان اندازه كه در خانه مومن و صادق هستيد در عبادت نيز چنين باشيد. به همه كساني كه در خانه هستند صفات و شخصيت خوبي ارائه كنيد. فرشتگان خدا حاضرند. توجه داشته باشيد كه چگونه با اعضاي جوانتر خانواده خدا رفتار ميشود. ديانتي كه در خانه داريد مطمئنا به كليسا آورده خواهد شد.

**بخش ١٨**

**روز حساب پس دادن**

**فصل هشتاد و دوم**

**زمان به سر رسيده است**

شيطان سپاه خود را فرمانروايي ميكند- شيطان سپاه خود را فرمانروايي ميكند و آيا ما بطور فردي براي نبرد هولناكي كه الساعه پيش روي ماست آماده ايم؟ آيا ما خود و اهل خانواده خود را آماده ساخته ايم تا موقعيت دشمن و سبكهاي جنگي او را درك كنيم؟ آيا فرزندان ما ميتوانند تصميم بگيرند كه استوار باشند و در هر موضوعي از اصول و وظايف گردنكشي نكنند؟ دعا ميكنم كه همه ما نشانه هاي زمان را درك كنيم و خود و فرزندان خود را آماده كنيم كه در زمان نبرد، خداوند پناهگاه و مدافع ما باشد.

براي غافلگير شدن آماده باشيد- گناه و سرپيچي از حد خود خارج شده است. آشفتگي جهان را پر ساخته است و وحشت عظيم بزودي بر بشريت خواهد آمد. پايان بسيار نزديك است. امت خدا بايد براي آنچه كه بزودي او را غافلگير ميكند آماده باشد. زمان ما غنيمت است. ما روزهاي بسيار كمي براي آزمون داريم تا خود را براي آينده كه حيات جاودان است آماده سازيم.

بسياري از خانواده ها آماده نيستند- الن وايت ميگويد: در سبت و يكشنبه در روياهاي شبانه بنظر ميرسد كه بايد شهادتهاي خود را نزد مردم بياورم. در هر دوي اين موارد بنظرم مي آيد كه در خيمه عظيمي هستم كه پر از مردم بود. خداوند براي مردم به من پيامي قاطع داد. مسئوليت من براي خانواده هايمان است كه براي ملاقات با خدا آماده نيستند. ماموريت خاص من براي اشاره به مردم براي نياز جستجوي خدا با هدف مشتاقانه است. والديني كه بواقع متبدل شده اند، در زندگي خود آنرا آشكار خواهند نمود كه آنان زندگي خود را تحت انضباط كلام خدا بياورند... خطاب به پدران و مادران است كه آموزش فرزندان مهمترين كار در زندگي آنان است.

سوالات جدي براي والدين- پدران و مادران دفتر اعمال شما چگونه است؟ آيا به امانتي كه بشما سپرده شده وفادار بوده ايد؟ همانطور كه ديده ايد فرزندانتان تمايل به پيروي از راههايي دارند كه ميدانيد كه در نتيجه آلودگي فكر و گفتار و كردار است آيا ابتدا از خدا مدد جسته ايد و خطر را به آنان نشان داده ايد؟ آيا به آنان خطر راهي را كه خودشان انتخاب كرده اند را اشاره نموده ايد؟ مادران آيا از كاري كه بشما محول شده قصور ورزيده ايد – عظيمترين كاري كه تا كنون بشما سپرده شده است؟ آيا از بدوش كشيدن مسئوليتهاي خدادادي طفره رفته ايد؟ زمان سختي كه پيش روي ماست وقتي كه غضب خدا بر ناپاك و نامقدس فرود آيد آيا فرزندانتان شما را لعن خواهند نمود بخاطر زياده روي در نازپروري؟

والدين بايد با اين پيام جديد ارشاد گردند- كسانيكه آخرين پيام رحمت را به جهان مي آورند بايد وظيفه خود را احساس كنند كه والدين را در باره دينداري در خانه ارشاد كنند. نهضت عظيم تاديبي آنان بايد با ارائه اصول احكام خدا در مقابل پدران و مادران و فرزندان ارائه گردد. همانطور كه مطالبات احكام ارائه گرديد و مردان وزنان متقاعد شدند تا وظيفه خود در اطاعت را اجرا كنند به آنان مسئوليت تصميمات ايشان را نشان دهيد نه تنها براي خودشان بلكه براي فرزندانشان. نشان دهيد كه اطاعت از كلام خدا تنها حفاظ در مقابل شرارتهايي است كه جهان را به نابودي ميكشاند.

جوانان ما به كمك و تشويق نياز دارند- اكنون زمان و فرصتي است كه براي جوانان كاري كنيم. به آنان بگوئيد كه ما اكنون در بحران خطرناكي هستيم و ميخواهيم بدانيم كه چطور دينداري و خداشناسي واقعي را تشخيص دهيم. جوانان ما به كمك نياز دارند تا برخيزانده شده و تشويق گردند ولي با روشي درست نه آنگونه كه خودشان دوست دارند بلكه در راهي كه آنان را كمك كند تا ذهنهايي مقدس داشته باشند. آنان بيش از هر چيز به مذهبي خوب و مقدس نياز دارند.

تاخير نكنيد- حوادث در شرف وقوع، سايه هاي خود را بر گذرگاه ما افكنده اند. پدران و مادران از شما تقاضا ميشود تا با شدت و علاقه براي فرزندانتان تلاش كنيد. هر روزه آنان را راهنمايي كنيد. به آنان تعليم دهيد تا خدا را دوست بدارند و با اصول درست رفتار كنند. با ايمان عالي و اشتياق و تاثير الهي روح القدس كار كنيد- همين الان كار كنيد. اين كار را فقط براي يك روز و يك ساعت نكنيد.

كار را كامل انجام بدهيد- والدين قلبهاي خود را براي خدا متواضع سازيد. اين كار را بهمراه فرزندان خود تمام و كمال انجام دهيد. به خدا التماس كنيد تا بي اعتنايي به كلام او را در قصور نسبت به تعليم فرزندانتان در راهي كه بايد ميرفته اند ببخشد. نور هدايت و راهنمايي بطلبيد براي ضميري لطيف و براي بصيرتي زلال كه بتوانيد اشتباهات و خطاياي خود را ببينيد. خداوند چنين دعاهايي را از قلبهاي متواضع و توبه كار خواهد شنيد.

اعتراف به گناه ممكن است ضروري باشد- اگر در انجام وظايف خود نسبت به خانواده قصور ورزيده ايد گناهان خود را به خدا اعتراف كنيد. فرزندان را گرد هم آوريد و كوتاهي خود را به آنان بگوئيد. به آنان بگوئيد كه شما ميخواهيد تا اصلاحاتي را در خانه انجام دهيد و از آنان بخواهيد تا شما را كمك كنند. براي آنان ارشاداتي را كه در كلام خدا يافت ميشود بخوانيد. با آنان دعا كنيد و از خدا بخواهيد تا به آنان طول عمر عطا كند و به آنان كمك كند تا خانه اي برايشان در ملكوت تدارك ببيند. در اين طريق شما كار اصلاحات را آغاز نموده ايد و سپس راه خدا را ادامه دهيد.

به فرزندان خود اطاعت محض را نشان دهيد- كار خاص والدين اين است تا احكام خدا را براي فرزندان خود توضيح و اطاعت از آنان را اصرار كنيد كه بتوانند اهميت اطاعت از خدا را در تمام روزهاي زندگي مشاهده كنند. اين كار موسي بود. او به والدين سفارش نمود تا به فرزندان خود نمونه اي از اطاعت محض از فرامين خدا را نشان دهند. و اين كاري است كه فراتر از همه كارها بايد كرده شود. اين امر بايد با پيام فرشته سوم همراه شود. عذرو بهانه اي براي جهالت نيست كه چرا والدين بايد از تعليم فرزندان غفلت كنند كه معني تمرد از احكام چيست. نور هدايت فراوان است و نيازي نيست تا هيچكس در تاريكي راه برود و نيازي نيست تا هيچكس نادان باشد. خداوند براستي آموزگار ماست همانگونه كه در عهد كهن آموزگار فرزندان اسرائيل بود و همه با مقدس ترين التزام بايد احكام او را اطاعت كنند.

براي رستگاري آنان دعا و كار كنيد – فرزندان خود را تعليم دهيد كه قلب بايد به كنترل نفس و ترك نفس آموخته شود. انگيزه هاي زندگي بايد در هماهنگي و توازن با احكام خدا باشد. هرگز خشنود نباشيد كه فرزندانتان جداي از مسيح رشد كنند. هرگز احساس آسايش نكنيد در حاليكه آنان دلسرد و بي تفاوت هستند. روز و شب نزد خدا فرياد بر آوريد. براي رستگاري جانهاي فرزندانتان دعا كنيد. ترس از خدا آغاز حكمت است. اين دليل اصلي است و شاهين ترازوي شخصيت است. بدون ترس از خدا آنان از ايفاي هدف عظيم خلقت باز خواهند ماند.

بعنوان بنا كننده شخصيت نقش ايفا كنيد- والدين ادونتيستهاي روز هفتم بايد بيشتر مسئوليتهاي خويش را بعنوان بنا كنندگان شخصيت درك كنند. خداوند امتياز قوت بخشيدن را از طريق تخصيص و كار براي فرزندانشان در پيش روي آنان نهاده است. او ميخواهد ببيند كه گروهي از جوانان از خانه هاي ما جمع شده – بخاطر تاثيرات خدايي در خانه هايشان – قلبهاي خويش را به تسليم نموده و به پيش روند تا با زندگي خود خدمات عاليتري براي او انجام دهند. آنان در خانه با ارشادات الهي و تاثير دعاي صبحگاه و شامگاه و الگوئي خداترسي و خدادوستي كه از والدين خود گرفته اند آموخته اند تا خود را مانند معلمين تسليم خدا سازند و آماده شده اند تا بعنوان پسران و دختران وفادار خدمات پسنديده اي را ارزاني او كنند. اين قبيل جوانان آماده اند تا به جهان قدرت فيض مسيح را بنمايش بگذارند.

**فصل هشتاد و سوم**

**پاداش**

صحنه ترسيمي از روز داوري- يكبار رويايي داشتم كه گروهي كثير گرد هم آمده بودند و ناگهان آسمان تاريك شد رعد و برق آمد و صدايي عظيم تر غرش رعد كسي ميگفت "تمام شد". بخشي از جماعت رنگ پريده شده با شيون و درد فرياد ميزدند " آه من آماده نيستم". سوالي پرسيده شد "چرا آماده نيستيد؟ چرا از فرصتهايي كه بشما داده شد بود استفاده نكرديد؟" با گريه از خواب بيدار شدم". من آماده نيستم من رستگار نشده ام – از دست رفته ام – از دست رفته - ام ابديت را از دست داده ام!

از اين نظر كه مسئوليتي جدي به ما سپرده شده است بگذاريد در باره آينده بينديشيم كه بايد بفهميم كه چه كنيم تا با آن روبرو شويم. نآدر روز آيا بايد با فرو گذاري و تحقير خداوند روبرو شويم زيرا كه رحمت او را با حقيقت و محبت وي نپذيرفته ايم؟ در همايش روز آخر عالم خواهد شنيد كه محكوميت گناهكاران قرائت ميشود. براي اولين بار والدين خواهند آموخت كه راز زندگي فرزندانشان چيست. فرزندان خواهند ديد چه اشتباهاتي بر عليه والدين مرتكب گرديده اند. رازهاي نهفته اي كه در سينه ها پنهان بوده است فاش خواهد گرديد. آنانيكه امور جدي را ببازي گرفتند- از مستي هشيار شده و با واقعيت دهشتناك آن روبرو ميشوند.

كسانيكه كلام خدا را خوار شمردند با مولف سروش الهي روبرو خواهند شد. ما نميتوانيم بدون توجه به روزي داوري زندگي كنيم گر چه در آن تاخير گرديده ولي حال در شرف وقوع است و به آن شتاب داده شده است. شيپور فرشته بزرگ بزودي زندگان را تكان خواهد داد و مردگان را از خواب بيدار خواهد نمود. در آن روز عادلان از نابكاران جدا خواهند شد همانطور كه چوپان گوسفند را از بز جدا ميسازد.

خدا ميپرسد "فرزندان كجا هستند"؟- والديني كه از مسئوليت خدادادي خود غفلت ورزيده اند بايد براي قصور خود در روز داوري پاسخگو باشند. خداوند آنگاه خواهد پرسيد فرزنداني كه به شما به امانت سپردم تا براي من تعليم بدهيد كجا هستند؟ چرا آنان در دست راست من نايستاده اند؟ آنگاه بسياري از والدين خواهند ديد كه محبت نابخردانه چشمانشان را نسبت به خطاهاي فرزندانشان كور كرده بود و آن فرزندان را بحال خود رها كرده تا شخصيتهاي بيقواره اي كه مناسب براي ملكوت نيستند بسازند. ديگران خواهند ديد كه به فرزندانشان توجه و زماني نداده اند- به آنان محبت و دلسوزي نكرده اند و غفلت ورزي نسبت به وظايفشان آنان را به چنين روزي كشانده است .

والدين چنانچه فرصت خود را از دست بدهيد خداوند به حال شما متاثر خواهد شد چرا كه خداوند در روز داوري خواهد گفت با گله زيباي من چه كرده ايد؟ فرض كنيد كه به بهشت ميرويد ولي هيچيك از فرزندانتان آنجا نيستند. چگونه به خداوند خواهيد گفت: من اينجا هستم و بهمراه فرزنداني كه به من سپردي؟ ملكوت قصور والدين را نشان خواهد داد كه در دفاتر آسماني ثبت شده اند.

خانواده ها از مقابل خداوند عبور خواهند كرد- وقتي والدين و فرزندان در آخرين زمان حسابدهي روبرو ميشوند چه صحنه اي روي ميدهد! هزاران فرزنداني كه بردگان گناه و شكمبارگي بوده اند كه زندگي آنان متلاشي شده بوده رو در روي والدين خود خواهند ايستاد. هيچكس جز والدين مسئول نيست. آيا خداوند اين جوانان را به تباهي كشانده است؟ خير او ! آنان را مانند خود ساخت كمي پائين تر از فرشتگان. پس چه كسي خصايل آنان را در زندگي به چنين پستي كشانده است؟ چه كسي شخصيت آنان را تغيير داد تا تحت تاثير خداوند قرار نگيرند و براي هميشه از حضور او جدا بمانند و آنقدر ناپاك باشند تا جايي در ميان فرشتگان پاك و مقدس آسماني نداشته باشند؟ آيا گناه والدين به فرزندان منتقل شده است- در اغراض و شكمبارگيهاي منحرف؟ و آيا كار با مادران خوشگذران با غفلت در تعليم مناسب ايشان مطابق با الگوئي بوده كه به آنان داده شده است؟ همه اين مادران از مقابل خداوند عبور خواهند كرد درست همانگونه كه هستند.

در ملكوت تصويري زنده ثبت گرديده است- والدين و فرزندان بخاطر داشته باشند كه روز به روز آنان خصلتي را شكل خواهند داد و سيماي اين خصيصه در دفاتر آسماني ثبت ميگردند. خداوند از امت خويش عكس ميگيرد درست همانطور كه يك عكاس هنرمند از زنان و مردان عكس ميگيرد و اشكال چهره را به صفحه اي صيقلي منتقل ميسازد. چه نوع عكسي را دوست داريد تهيه كنيد؟ والدين به سوال پاسخ دهيد؟ چه نوع تصويري را هنرمند هنرمندان در دفاتر آسماني از شما گرفته است؟ ما بايد الان تصميم بگيريم. از اين پس وقتي زمان مرگ فرا رسد زماني براي راست نمودن خصوصيتهاي ناراست وجود نخواهد داشت.

براي ما بطور فردي اين امر بايد مهمترين موضوع باشد. تصوير شخصيت ما هر روزه براي حال و آخرت گرفته ميشود. هر فردي بگويد من تصوير شخصيت (ظاهري – باطني – روحاني) خود را براي امروز ميگيرم و ضبط ميكنم. هر روز و هر ساعت از خود بپرسيد حرفهاي من براي فرشتگان آسماني چگونه خواهد بود؟ آيا متين و شيرين خواهند بود يا اينكه مانند تگرگ مجروح كننده و كبود كننده هستند؟

نه تنها كلام و اعمال ما بلكه افكار ما تصوير ما را ميسازند. پس بگذاريد تا هر جاني خوب باشد و خوبي كند. بگذاريد تصويري كه از شما ساخته شده آنگونه باشد كه از آن شرمگين نشويد. هر احساسي را كه گرامي بداريم بر سيماي ما تاثير خواهد گذارد. خداوند بما كمك ميكند تا سابقه اعمال ما آنگونه كه دوست داريم در دفاتر آسماني ثبت گردند.

آيا بي تفاوت و لاقيد بوده ايد؟- والديني هستند كه با دقت و با دعا در پي عاقبت بخيري فرزندان خويش هستند. بگذاريد تا از خود سوال كنند. آيا ما لاقيد بوده ايم؟ آيا از اين كار اساسي غفلت ورزيده ايم؟ آيا به فرزندان خود اجازه داده ايم تا بازيچه وسوسه هاي شيطاني بشوند؟ آيا نبايد حساب پس بدهيم بخاطر اينكه به فرزندان خود اجازه داده ايم تا از استعدادهاي خود و زمان و نفوذ خود بر عليه حقيقت و مسيح استفاده كنند؟ آيا ما بعنوان والدين از وظيفه خود كوتاهي كرده ايم و به پادشاهي شيطان افزوده ايم؟

اگر مادران نسبت به آموزش مناسب فرزندان خويش غفلت ورزند كوتاهي آنان دوباره به خودشان باز ميگردد و رنج و سرگشتگيهاي سخت تر از زماني خواهد بود كه بايستي وقف مراقبت صبورانه در آموزش و تربيت فرزندان براي اطاعت و فرمانبردار مينمودند. در آخر مادران اجر خواهند يافت چرا كه به شكل گيري خصوصيات فرزندان خود كمك كرده اند و خارها نميتوانند ريشه دوانيده و محصول فراواني در پيش رو خواهد بود.

فرزندان والدين بي وفا را محكوم خواهند نمود- لعنت خدا مطمئنا بر والدين بي ايمان و بد عهد خواهد بود. نه تنها آنان خارها را ميكارند كه آنان را در اينجا زخمي خواهد كرد بلكه آنان بايد با بدعهدي خود روبرو شوند وقتي كه روز داوري فرا رسد. بسياري از فرزندان در روز داوري برخاسته و والدين خود را محكوم خواهند كرد براي اينكه آنان را محدود و مقهور نساخته اند و باعث تباهي آنان شده اند. دلسوزي غلط و محبت كوركورانه والدين مسبب چشم پوشي از خطاهاي فرزندان شده و از آنان بدون اصلاح كردن گذشته اند و فرزندانشان متعاقبا از دست رفته و خون آنان بر گردن والدين بي ايمان آنان است.

فرزندان، والدين با وفا و ايماندار را ارج خواهند نهاد- در زمان داوري دفاتر اعمال باز ميشوند و داور عظيم خواهد گفت: آفرين و تاج جلال ابدي بر سر ظفرمند خواهد نشست- بسياري از افراد تاج خود را برداشته و به مادر خود اشاره خواهند نمود و ميگويند او مرا بواسطه فيض خدا اين چنين ساخت. راهنمايي او و دعاهاي او براي رستگاري ابدي من بركت داده شد.

نتايج تربيت مومنانه آشكار خواهد گرديد- همه كسانيكه با روح متواضعانه شكل گرفتند ثمرات زحمات خود را مشاهده خواهند نمود. كار بيش از هر اصول درست و اعمال شريف ديده خواهد . شد قدري از آن را در اينجا خواهيم ديد. ولي نتيجه كمي از كار شرافتمندانه اين دنيا در زندگي به كننده آن آشكار خواهد شد. والدين و معلمين براي آخرين خواب خود دراز خواهند كشيد- كار زندگي آنان بنظر بيهوده بوده است – آنان نميدانند كه خوش عهدي آنان چشمه هاي بركت را كه هرگز از جاري شدن باز نخواهند ماند باز گرديده تنها با ايمان فرزنداني را كه تعليم داده اند ميبينند كه بركت و انگيزه محرك براي همنوع خود شده اند و تاثير آن هزاران بار تكرار ميشود... مردان بذرهايي را در بالاي قبرهاي خويش كاشته اند و ديگران بركت درو ميكنند. آنان درختاني را كاشته اند كه ديگران ميوه هاي آن را ميخورند. آنان در اينجا خشنودند كه بدانند كه كارهاي آنان نتيجه خوب و خير داشته است. در روز پسين عمل و عكس العمل همه اينها ديده خواهد شد.

والدين فرزندان خود را به سرزمين موعود مي آورند- خداوند اجازه داده است تا از سرير او نور هدايت به مسيرهاي زندگي بتابد. ستونهاي ابر در روز و ستون آتش در شب در مقابل ما حركت ميكند همانگونه كه در مقابل اسرائيل كهن بود. اين امتياز والدين مسيحي براي امروز خواهد بود همانگونه كه امتياز امت خدا در ايام كهن بود تا فرزندان خود را بهمراه خود به سرزمين موعود بياورند.

شما مستخدمين و اهل خانواده خود را براي خدا ميخواهيد. شما ميخواهيد تا آنان را به دروازه هاي شهر برده و بگوئيد پروردگارا من در اينجا هستم و اينهم فرزنداني كه بمن سپرده بودي. آنان بزرگ شده و داراي صفات مردانه و زنانه شده اند ولي همه آنان فرزندان تو هستند و - آموزش و مراقبتهاي شما توسط خدا بركت داده شده اند تا اينكه بعنوان فاتحان سراپا ايستاده . اند حال ميتوانيد بگوئيد خداوندا من و فرزندانم اينجا هستيم.

زنجيره شكسته خانواده دوباره پيوند خواهد خورد- عيسي در بين ابرها و با جلال عظيم مي آيد. جماعتي از فرشتگان نوراني در جوار او خواهند بود. او خواهد آمد تا كساني را كه او را دوست داشته اند و احكام او را رعايت نموده اند را محترم و تكريم بدارد و آنان را با خود ببرد. او آنان و وعده هاي خويش را از ياد نبرده است. اعضاي خانواده دوباره بهم خواهند پيوست.

تسلي و آرامش براي مادر داغديده- شما ميخواهيد بدانيد كه جگرگوشه هايان رستگار شده اند. كلام مسيح پاسخ شماست: بگذاريد بچه هاي كوچك بيايند و از آمدن نزد من ايشانرا منع مكنيد زيرا ملكوت آسمان از آن ايشان است64. نبوت را بياد بياوريد: خداوند چنين ميگويد آوازي در رامه شنيده شد ماتم و گريه بسيار تلخ كه راحيل براي فرزندان خود گريه ميكند و براي فرزندان خود تسلي نميپذيرد زيرا كه نيستند. خداوند چنين ميگويد خداوند مي گويد: «صدايي از رامه به گوش رسيد، صداي گريه و ماتم عظيم. راحيل براي فرزندان خويش مي گريد، آنها از بين رفته اند و او تسلّي نمي پذيرفت.

ديگر گريه نكن و اشكهايت را پاك كن. آنچه براي فرزند خود كردي، بي پاداش نخواهد ماند. آنها از سرزمين دشمن برمي گردند. به آينده اميدوار باش، فرزندانت به وطن برمي گردند. من، خداوند چنين گفته ام65 .

اين وعده متعلق بشماست. شما ميتوانيد تسلي يابيد پس بخدا توكل كنيد. خداوند اغلب مرا راهنمايي نمود كه بسياري از اين بچه هاي كوچك در زماني كه مصيبت فرا رسد در خواهند گذشت. ما ميتوانيم فرزندان خود را دوباره ببينيم. ما ميتوانيم دوباره در تالارهاي آسماني آنانرا ملاقات نموده و آنانرا خواهيم شناخت. به خدا اعتماد كنيد و نگران نباشيد.

فرزندان به دستان مادران آورده خواهند شد- چه رستگاري شگفت انگيزي! چه بسيار از آن سخن گفته شد چه بسيار به آن اميد بسته شد و با انتظار مشتاقانه به آن تفكر گرديد ولي هرگز كاملا فهميده نشد. عادلان زنده تغيير يافتند " در يك آن و بر يك چشم بهم زدن". با نداي خداوند آنان جلال يافتند و حال زندگي ابدي يافته و با مقدسين برخاسته از مرگ به آسمان براي ملاقات با خدا برده ميشوند. فرشتگان برگزيدگان را از بادهاي اربعه از كران تا بكران فلك فراهم خواهند آورد66. فرشتگان مقدس بچه هاي كوچك را براي مادران خواهند آورد. دوستاني كه براي مدتها طولاني بواسطه مرگ از هم دور افتاده بودند بهم ميپيوندند و بيش از اين از هم جدا نخواهند شد و با آوازهاي شادماني بهمراه يكديگر به شهر خدا صعود خواهند نمود .

روز طولاني كه اميدوار بوديم- از روزيكه اولين زوج از باغ عدن با اندوه به بيرون قدم گذاشتند فرزندان ايمان منتظر آمدن آن فرد موعود بوده تا قدرت ويران كننده را نابود سازد و آنانرا دوباره به فردوس از دست رفته ببرد.

اگر رنج را تحمل كنيم بدست آوردن ملكوت ساده خواهد بود... وقتي كه ديدم كه چگونه بايد باشيم تا وارثان جلال باشيم و آنگاه ديدم عيسي چقدر رنج كشيد تا ارثيه گرانبها را نصيب ما سازد دعا كردم كه بايد در رنج مسيح تعميد يابيم و نبايد در آزمونها عقب بنشينيم بلكه آنها را با صبوري و خوشي تحمل كنيم بدانيم كه براي چه عيسي رنج برد كه از طريق فقر و رنجهاي او غني و ثروتمند گرديم.

بهشت ارزش همه چيز را دارد- بهشت ارزش همه چيز را براي ما دارد. ما نبايد براي اين موضوع مخاطره كنيم. بايد بدانيم كه گامهايمان توسط خدا تنظيم شده است. انشااالله كه خداوند در اين كار براي غلبه يافتن بما كمك كند. او براي ظفرمندان تاج هايي را تهيه نموده است. او رداهاي سفيدي را براي عادلان تدارك ديده است. او جهان ابدي با شكوهي را براي آنانيكه در پي شكوه و جلال و افتخار و ابديت هستند آماده ساخته است. هركسيكه وارد شهر خدا شود بعنوان يك فاتح وارد آن شده است. او مانند يك محكوم جنايتكار وارد نميشود بلكه بعنوان فرزند خدا شرف حضور مي يابد. و به هر كس كه وارد شود خوش آمد گفته خواهد شد: " اي كساني كه از جانب پدر من بركت يافته ايد! بياييد و وارث سلطنتي شويد كه از ابتداي آفرينش عالم براي شما آماده شده است." متي 34:25.

سهم برندگان خوشي مسيح- همراهان فرشتگان را در هر جهت دروازه ميبينيم و وقتي وارد ميشويم عيسي ميگويد اي كساني كه از جانب پدر من بركت يافته ايد! بياييد و وارث سلطنتي شويد كه از ابتداي آفرينش عالم براي شما آماده شده است. او بشما ميگويد تا در خوشي او سهيم شويد و آن چه چيزي است؟ اين خوشي ديدن مشقت جانهاي شما و پدران است. اين مشاهده خوشي تلاشهاي مادران است كه اجر يافته اند. اين هم فرزندان شما كه تاج حيات بر سر آنان است و فرشتگان خدا نامهاي مادراني را كه با تلاش خود فرزندانشان را بسوي مسيح رهنمون شده اند را جاودان خواهد ساخت.

روز باشكوه پيروزي- حالا كليسا در كشمكش است. حال با جهان در تاريكي روبرو شده ايم كه تقريبا همه چيز خود را به بت پرستي سپرده است... ولي روزي خواهد آمد كه نبردي در آن خواهد بود و در آن ظفر خواهد بود. اراده خدا بر زمين همانگونه كه در آسمان است كرده خواهد شد... همه خوشحال خواهند شد- خانواده هاي بهم پيوسته كه با جامه هاي حمد و سپاس پوشيده شده اند – رداي عدالت مسيح. همه طبيعت با چيزهاي دوست داشتني بيش از پيش خدا را حمد و ستايش خواهند گفت. جهان با نور آسمان شسته خواهد شد. نور ماه مانند نور خورشيد خواهد شد و نور خورشيد هفت برابر بزرگتر از حال. سالها با خوشي سپري خواهد شد. در صحنه نمايش ستاره هاي صبح با هم سرود خواهند خواند و پسران خدا از خوشي فرياد خواهند زد در حاليكه خداوند و مسيح متحدا اعلان خواهند نمود: نه ديگر گناهي وجود خواهد داشت و نه ديگر مرگي.

اين روياهاي باشكوه آينده صحنه هايي هستند كه توسط دستهاي خداوند بنايش گذاشته شده اند و براي فرزندان وي گرانقدر خواهند بود. ما بايد براي هميشه اين صحنه هاي امور ناديده را درپيش رو داشته باشيم. و بدينسان قادر خواهيم بود تا ارزش درستي را در امور ابدي و امور زمان بيابيم. و به ما قدرت داده خواهد شد تا براي زندگي متعالي تر ديگران نفوذ داشته باشيم.

آيا خداوند آفرين خواهد گفت؟ وقتي كه در مقابل بارگاه عظيم مي ايستيد آنگاه كار شما همانگونه كه هست پديدار خواهد شد. دفاتر باز خواهند شد سوابق همه زندگي عيان خواهد گرديد. بسياري در اين انبوه عظيم براي مكاشفاتي كه ميشود آماده نيستند. و در گوشهاي برخي كلامي تكان دهنده و واضح خواهد نشست: در ترازو وزن شدي و ناقص در آمدي67. در آن روز داور به والدين خواهد گفت كه كلام مرا داشته اي كه وظايف را برايت تشريح كرده بود. چرا از تعاليم آن اطاعت نكردي؟ آيا نميدانستي كه آن نداي خدا بود؟ آيا به تو امر نكردم كه كلام را جستجو كن و سرگردان نخواهي شد؟ تو نه تنها جان خود را تباه كردي بلكه با وانمود كردن به خداپرستي و دينداري بسياري را منحرف ساختي. از من سهمي نخواهي يافت. دور شو! دور شو !

گروه ديگري رنگ پريده و لرزان ايستاد به مسيح توكل دارند و با اين حال با حالتي از ناشايستگي خود پريشانند. آنان با اشك و شادي و سپاسگزاري توصيه سرور خود را ميشنوند. روزهاي محنت متوالي از تحمل رنج و ترس و اندوه فراموش ميشوند هنگامي كه ندا دلپذير تر از نغمه چنگ فرشتگان ميگويد: آفرين اي خادمان با وفا و خوب وارد خوشي خداوند بشويد. در آنجا سپاهي از رهايي يافتگان ايستاده و شاخه هاي نخل پيروزي در دست دارند و تاجي بر سر نهاده اند. اينها كساني هستند كه با كار صادقانه و پشتكار شايسته نائل شدن به ملكوت گرديدند. كارهايي كه در زندگي انجام دادند در تالارهاي ملكوت آفرين گفته خواهد شد.

با خوشي زايدالوصفي والدين تاج و ردا و چنگهايي كه به فرزندانشان داده شده است را ميبينند. روزهاي اميد و ترس خاتمه يافته است. بذرهاي كاشته شده با دعا و اشك ممكن است بيهوده بنظر بيايد ولي سر انجام محصول آن با خوشي جمع آوري خواهد شد. فرزندان آنان بازخريد شده و رها گرديده اند. پدران و مادران! آيا صداهاي فرزندانتان با سرودهاي شادماني در آن روز طنين خواهد افكند؟

**توضيحات :**

١ .ص . 11 . ( با توجه به اينكه چنين سيستمي در ايران يا افغانستان و يا تاجيكستان متداول نيست كلاس اول كه در بالا اشاره شد را دوره پيش مقدماتي يا پيش دبستاني در نظر بگيريد كه بهتر است در خانه انجام شود ).

٢.ص . 11 . ناصره شهري بود كه عيسي در آنجا بزرگ شد. بهمين جهت گاهي اوقات او را عيساي ناصري نيز خطاب ميكردند.

٣.ص23 . در اينجا منظور كتابها و انتشارات مسيحي است كه شامل داستان هاي كتاب مقدس – داستانهاي زندگي مسيحي و بهداشت و تغذيه ميگردد.

4.ص24 . بره ها بعنوان كودكان و گوسفندان بعنوان بزرگتر ها تعبير ميشوند. در كتاب مقدس موارد زيادي از عبارات تمثيلي بكار برده شده است. گله گوسفندان همان جماعت خدا هستند و شبان نيز عيسي مسيح است كه گله را رهبري ميكند. مزمور بيست و يكم را بخوانيد.

5.ص38 . منظور در اينجا شهادت دادن و تصديق كردن و شاهد مدعا بودن است.

6.ص.40 .وقتي مسيح توسط شيطان مورد آزمون قرار گرفت گفت "خدا فرموده است". معيار ما بايد معيار الهي باشد و نه انسانی.

٧.ص . 40 .ماموريت الهي خانه همان كاري است كه توسط خدا به والدين واگذار گرديده است.

٨.ص . 4١ .رسالت همان ماموريت الهي است .

٩.ص.4٢ .منظور خواسته خداست .

1٠.ص.45. منظور اردوي كليسايي است كه خانواده ها و فرزندانشان در جمع كليسايي در مناطقي اردو زده و به مشاركت ميپردازند.

١1.ص.46 .اشاره به خطاي آدم و حوا بود كه از دستور خدا سرپيچي كرده و ميوه ممنوعه را خوردند.

1٢.ص.50 .خدمتگزاران خدا هر يك ماموريتي دارند. فردي مبلغ و مبشر ميشود و فردي ديگر معلم... و فردي نيز در خانه خود ماموريت دارد كه كار خدا را انجام دهد كه همانا تربيت فرزندان است.

1٣.ص.٧1 .در اينجا اشاره به حكايت مسيح در باره ناظر و مباشر بي وفا و بي انصاف است.(لوقا 1:16- 13)

14.ص.٧1 . مباشر بي انصاف (لوقا ١6:١-١٣(

15.ص.٧2 . تكنولوژي ارتباطات امروزي براي بشر هم نعمت آورده و هم لعنت. كامپيوتر نوعي اعتياد براي مردم بوجود آورده تا حدي كه مردم بدون توجه به زمان ساعتها از وقت خود را پشت كامپيوتر تلف ميكنند بدون اينكه كار مفيدي انجام داده باشند. اگر هم اينك يكي از قربانيان اعتياد به كامپيوتر هستيد برگه اي را روي كامپيوتر خود بچسبانيد كه روي آن نوشته شده باشد: (اول كار بعد خانواده بعد نظافت بعد مطالعه بعد استراحت بعد...و اگر فرصتي باقيمانده بود زماني براي خواندن اي ميل و اخبار آنهم نه بيشتر از نيم ساعت. اگر اسير كامپيوتر شده ايد و راهي براي رهايي نمي يابيد قبل از اينكه دچار كمر درد و سوء هاضمه و ضعف چشم يا سكته قلبي و مغزي بشويد لطفا به روانشناس مراجعه كنيد)

16.ص.٧2 . نظر به اينكه گاهي اوقات افراد دچار عدم تعادل ميشوند چاره كار اين است كه صبح زود حد اقل نيم ساعت را به ورزش و نرمش اختصاص دهيد تا هم خون در شريانها به جنبش در بيايد و هم اينكه عضلات و مفاصل در تحرك كار انقباض و انبساط را خوب انجام داده و در نتيجه در انجام كارها هم سرعت خواهيد يافت و هم تعادل از دست رفته خود را باز خواهيد يافت.

 ١٧.ص95 . اشاره به (اول قرنتيان 16:3-١٧ (آيا نميدانيد كه جسم شما معبد خداست و روح القدس در آن ساكن است؟

1٨.ص102 .مباشر ناصالح ، اشاره به كتاب لوقا ١6:١ -٩

1٩.ص106 . بت مولك (لاويان 18:21؛ لاويان 20:2 - 5 ؛ اول پادشاهان ١١ - ٧ ؛ دوم پادشاهان 23:10).

مولك بت كهن مردمي از نژاد سام بن نوح بود. بطور دقيقتر مولك بت فنيقيان و عموني ها بود و نام فرزند خاصي بود كه براي بت مولك قرباني ميشد. درزبان انگليسي مدرن كاربرد كلمه مولك اشاره به هر شخص يا چيزي است كه فداكاري هنگفتي ميطلبد.

20.ص.106. ستونهای ابر. (خروج 22- 13:21).

٢١.ص. 108 .اشاره به اعمال رسولان 17:11 و اشعيا 28:10

٢٢.ص.108. غلاطيان ٧:6 .همچنين حافظ شيرازي ميسرايد: مزرع سبز فلك ديدم و داس مه نو- يادم از كشته خويش آمد و هنگام درو. همچنين در ابيات ديگري ميسرايد: عيب رندان مكن اي زاهد پاكيزه سرشت- كه گناه دگران بر تو نخواهند نوشت - من اگر نيكم اگر بد تو برو خود را باش – هر كسي آن درود عاقبت كار كه كشت .

23.ص.108. مزمور 126:6.

24.ص.109. لوقا 2:40؛ 1:80؛ 2:52

25.ص.112 .اول پادشاهان 22:48. طلاي خالص شهر اوفير مشهور بود. اوفير منطقه اي در طبريه امروزي بود كه در كرانه غربي درياي جليل – جليل سفلي و در اسرائيل واقع است.

26.ص.113 . ديويد هيوم (١٧٧6-١٧١١ ( تاريخ شناس و فيلسوف اسكاتلندي.

27.ص.114. والتیر(1776- 1694) نام مستعار نویسنده و Francois-Marie Arouet فیلسئف فرانسوی بنام

28.ص.114. پیدایش 92:39

2٩.ص.115 . بجاست سروده اي از لقمان حكيم در اين باب آورده شود: آهني را كه موريانه بخورد... نتوان برد از آن به صيقل زنگ - با سيه دل چه سود گفتن وعظ... نرود ميخ آهنين در سنگ .

3٠.ص.116 . پرتو نيكان نگيرد هركه بنيادش بد است تربيت نا اهل را چون گركان بر گنبد است. سعدي شيرازي31

3١.ص.345 . سطر قبل. سعدي را بايد مبرز ترين مربيان و معلمان اخلاق ايران خواند. چنانكه او مي كوشد مسايل اخلاقي تربيتي را نه به عنوان موعظه كننده بلكه تلاش كرده است تا مفاهيم و محتواي زيباي اخلاقي را با تكيه بر قدرت معنوي انسانها مورد ارزيابي قرار دهد و هدفش در اين راه تربيت انسانهاي نمونه و جامعه اي كه اگر فاضله نباشد ، لا اقل سالم و دور از نقص عمده باشد. موارد تعليمي سعدي كه در آثارش بوفور آشكار است، همه قسمتهايي را شامل مي شود كه مقصود آنها «آموختن» باشد. از قبيل علم، فلسفه،اخلاق و علوم اجتماعي. سعدي در دو كتاب «گلستان «و » بوستان»يك دوره حكمت عملي را گنجانيده كه اسلوب او نه تنها در زبان فارسي بلكه در ديگر زبانها تازگي دارد. از نكات اخلاقي كه در قالب پند و اندرز و در كسوتي از الفاظ دلنشين و اشعاري نغز بيان مي كند .

32.ص.124. یوحنا 9:1

33.ص.128. امثال سلیمان 10:1

34.ص.130. مکاشفه 14:22

35.ص136 . اين عبارت بصورت تمثيلي بكار رفته و بدين معني است كه از راههاي سختگيرانه بجاي اندرزهاي كلام خدا استفاده كنند. ولي بينش و بصيرتي را كه همه والدين بايد داشته باشند نشان ميدهد كه راههاي خدا بهترين هستند و تنها راه ايمن و شادي افزا در اطاعت از اراده او يافت ميشود.

36.ص.136. اشاره به كتاب يوشع 19:7- 25: آنگاه يوشع به عخان گفت «: فرزندم، خداوند خداي اسرائيل را تجليل و تمجيد كن و راست بگو كه چه كرده اي. چيزي از من پنهان نكن » . عخان جواب داد «: به راستي من در برابر خداوند خداي اسرائيل گناه كرده ام و كار بدي كه از من سر زده است، اين است: از بين اموال غنيمت، يك رداي زيباي بابلي، صد تكّه نقره و يك شمش طلا، به وزن پنجاه تكّه نقره ديدم و از روي طمع آنها را برداشتم و در چادر خود، در زير خاك پنهان كرده ام. و نقره زير همه قرار دارد » . يوشع چند نفر را فرستاد و آنها به طرف چادر دويدند و ديدند كه به راستي همه چيزها را در چادر درحالي كه نقره در زير همه قرار داشت، پنهان كرده بود. آنها را از چادر نزد يوشع و مردم اسرائيل آوردند و به حضور خداوند قرار دادند. پس يوشع همراه همه مردم اسرائيل، عخان پسر زارح را با نقره، ردا، ميله طلا، پسران، دختران، گاوها، الاغان، گوسفندان، چادر و همه دارايي اش گرفته در دشت عخور آوردند. يوشع به عخان گفت «: چرا اين همه مصيبت را بر سر ما آوردي؟ حالا خداوند، تو را به مصيبت گرفتار مي كند » ! آنگاه همگي عخان را همراه با فاميلش سنگسار كردند و بعد همه را در آتش سوزانيدند.

37.ص.142. غلاطیان 9:6

38.ص.153. افسسیان 4:6

39.ص.155. مزامیر 10:85

40.ص.156. اعمال رسولان 2:10

41.ص.158. متی 29:11

42.ص.164. کولسیان 21:3

43.ص.175.سلیمان 6:22

44.ص.180. تثنیه 6:6- 9

45.ص.204. لوقا 40:2

46.ص.213. مزامیر 14:139

47.ص.243. داوران 1:13- 4

48.ص.246. متی 28:6

4٩ .ص.251 .براي كساني كه آگاه نيستند يادآور ميشوم كه در قديم در اكثر كشورها حتي ايران يقه هاي سفيدي از تور يا پارچه و يا كاموا درست ميشد و مردم و خصوصا بچه مدرسه اي ها آنرا ميبستند.

50.ص.252. اوفير در كتاب مقدس منطقه اي بود كه ثروت آن شهره آفاق بود.

51.ص.266. اول قرنتیان 19:6- 20

52.ص.266. در اينجا اشاره به مرحومه الن وايت است.

53.ص.268. مزامیر 4:5, 5

54.ص.269. متی 34:12

55.ص.270. یوشع 15:24

56.ص.288. لوقا 13:27 همچنین متی 12:25

57.ص.291. متی 29:11

58.ص.293. متی 14:19

59.ص.298. یوحنا 7:15

60.ص.311. مزامیر 1:95, 2

61.ص.314. تثنیه 7:6

62.ص.315. متی 17:3

63.ص.325. ماشك گياهي است مانند گندم كه در مزارع روئيده و جزو علفهاي هرز محسوب ميشود.

64.ص.339. متی 14:19

65.ص.339. ارمیا 15:31, 16

66.ص.340. متی 31:24

67.ص.341. دانیال 27:5